



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# تاریخ حدیث

درسده های چهارم تا هفتم هجری

مهدی رحمتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تاریخ حدیث شیعه : در سده های چهارم تا هفتم هجری

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۳	تاریخ حدیث شیعه : در سده های چهارم تا هفتم هجری
۲۳	مشخصات کتاب
۲۳	اشاره
۲۷	سخنی با خواننده
۲۹	تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم و پنجم / دکتر مهدی احمدی
۲۹	اشاره
۳۱	فصل یکم : کلیات
۳۱	اوضاع سیاسی در سده های چهارم و پنجم
۳۱	اشاره
۳۲	۱ . آل بویه (۳۳۴ _ ۴۴۷ ق)
۳۴	۲ . سامانیان (۲۷۹ _ ۳۹۵ ق)
۳۵	۳ . غزنویان (۳۸۴ _ ۵۲۰ ق)
۳۵	۴ . سلجوقیان (۴۲۹ _ ۵۹۰ ق)
۳۵	۵ . فاطمیان (۲۹۶ _ ۵۶۷ ق)
۳۶	۶ . آل خمدان (۲۹۳ _ ۳۹۲ ق)
۳۷	اوضاع فرهنگی در دو سده چهارم و پنجم
۴۲	دورنمای حدیث اهل سنت در سده چهارم و پنجم
۴۲	مهم ترین محدثان و حدیث پژوهان
۴۲	اشاره
۴۳	ابن حبان (۲۷۰ _ ۳۵۴ ق)
۴۳	طبرانی (۲۶۰ _ ۳۶۰ ق)
۴۳	دارقطنی (۳۰۶ _ ۳۸۵ ق)
۴۳	خطابی (۳۱۹ _ ۳۸۸ ق)

۴۴	ابن شاهین (م ۳۸۵ ق)
۴۴	حاکم نیشابوری (۳۲۱ _ ۴۰۵ ق)
۴۵	ابن حزم ظاهری (۳۸۴ _ ۴۵۶ ق)
۴۵	بیهقی (۳۸۴ _ ۴۵۸ ق)
۴۵	ابن عبد البرّ (۳۶۸ _ ۴۶۳ ق)
۴۵	خطیب بغدادی (۳۹۲ _ ۴۶۳ ق)
۴۶	ابو نعیم اصفهانی (۳۲۶ _ ۴۳۰ ق)
۴۶	گونه های تدوین حدیث
۴۶	صحیح نگاری
۴۷	معجم نگاری
۴۸	مستخرج نگاری
۴۸	سنن نگاری
۴۹	جمع نگاری
۴۹	مسندنگاری
۵۰	زمینه های حدیثی
۵۰	فقه الحدیث
۵۱	رجال و شرح حال
۵۲	مصطلح الحدیث
۵۳	آسیب شناسی و نقد حدیث
۵۳	تفسیر و علوم قرآن
۵۴	کلام
۵۴	اخلاق و آداب و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۵	دورنمای حدیث شیعه در سده چهارم و پنجم
۵۵	شهرها و مراکز حدیث
۵۵	اشاره
۵۷	قم

۵۷	..... اشاره
۵۸	..... ویژگی های حوزه حدیثی قم
۵۸	..... الف _ سختگیری در آسناد حدیث
۵۹	..... ب _ اهتمام به اخذ و نقل از راویان اصلی
۶۰	..... ج _ نص گرایی یا اخباری گری
۶۱	..... ری
۶۲	..... بغداد
۶۲	..... اشاره
۶۳	..... ویژگی های حوزه حدیثی بغداد
۶۴	..... شیوه های انتقال و آموزش حدیث
۶۴	..... ۱ . املاء
۶۵	..... ۲ . اجازه
۶۶	..... ۳ . تألیف
۶۷	..... گونه های تألیفات حدیثی
۶۷	..... ۱ . قُرب الإسناد نگاری
۶۹	..... ۲ . مُسندنگاری
۷۰	..... ۳ . نوادرنگاری
۷۲	..... ۴ . جامع نگاری
۷۳	..... ۵ . مُسلسل نگاری
۷۴	..... زمینه های تألیفات حدیثی
۷۵	..... فصل دوم : محدثان شیعه در سده چهارم
۷۵	..... ۱ . خَضیب ایادی (م ح ۳۱۲ _ ۳۵۰ ق)
۷۵	..... اشاره
۷۶	..... تألیفات
۷۶	..... ۲ . ابن بَطّه قمی (م ، نیمه نخست سده ۴ ق)
۷۶	..... اشاره

- تألیفات ----- ۷۷
- ۳ . علی بن ابراهیم قمی (م ح ۳۰۷ \_ ۳۲۷ ق) ----- ۷۷
- اشاره ----- ۷۷
- تألیفات ----- ۷۸
- ۴ . ابن دؤل قمی (م ۳۵۰ ق) ----- ۷۸
- تألیفات ----- ۷۸
- ۵ . ابو جعفر کلینی (م ۳۲۹ ق) ----- ۷۹
- اشاره ----- ۷۹
- تألیفات ----- ۸۰
- ۶ . ابن بابویه قمی (م ۳۲۹ ق) ----- ۸۱
- اشاره ----- ۸۱
- تألیفات ----- ۸۳
- ۷ . ابن ولید قمی (م ۳۴۷ ق) ----- ۸۵
- اشاره ----- ۸۵
- تألیفات ----- ۸۶
- ۸ . مَرَعَش طبری (م ۳۵۸ ق) ----- ۸۷
- تألیفات ----- ۸۷
- ۹ . حسین ابن بابویه قمی (زنده در ۳۷۸ ق) ----- ۸۷
- اشاره ----- ۸۷
- تألیفات ----- ۸۸
- ۱۰ . حسن بن محمد قمی (زنده در ۳۷۸ ق) ----- ۸۸
- ۱۱ . ابن قولویه قمی (م ۳۶۸ \_ ۳۶۹ ق) ----- ۸۸
- اشاره ----- ۸۸
- تألیفات ----- ۸۹
- ۱۲ . ابن رازی (زنده در ۳۸۱ ق) ----- ۹۰
- اشاره ----- ۹۰



- تألیفات ..... ۹۱
- ۱۳ . شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) ..... ۹۲
- اشاره ..... ۹۲
- تألیفات ..... ۹۴
- ۱۴ . ابن خَازِزِ قَمی (معاصر شیخ مفید) ..... ۹۸
- اشاره ..... ۹۸
- تألیفات ..... ۹۹
- ۱۵ . عتاشی سمرقندی (م ۳۲۰ \_ ۳۲۹ ق) ..... ۹۹
- اشاره ..... ۹۹
- تألیفات ..... ۱۰۰
- ۱۶ . ابو عمرو کنسی (م ۳۲۹ ق) ..... ۱۰۰
- ۱۷ و ۱۸ . ابنا بسطام (م نیمه اول سده چهارم) ..... ۱۰۱
- اشاره ..... ۱۰۱
- تألیفات ..... ۱۰۲
- ۱۹ . ابو الجیش بلخی (م ۳۶۷ ق) ..... ۱۰۳
- تألیفات ..... ۱۰۳
- ۲۰ . ابن ابی ثَلَجِ بَغدادی (بین ۲۳۷ \_ ۳۲۵ ق) ..... ۱۰۴
- تألیفات ..... ۱۰۴
- ۲۱ . ابن جحام (زنده در ۳۲۸ ق) ..... ۱۰۵
- تألیفات ..... ۱۰۵
- ۲۲ . ابن همام اسکافی (م ۳۳۲ \_ ۳۳۶ ق) ..... ۱۰۶
- اشاره ..... ۱۰۶
- تألیفات ..... ۱۰۷
- ۲۳ . مظفر بن جعفر بن حسین (زنده در نیمه نخست سده چهارم) ..... ۱۰۷
- اشاره ..... ۱۰۷
- تألیف ..... ۱۰۹

- ۲۴ . مسعودی (م ۳۴۵ \_ ۳۴۶ ق) ..... ۱۰۹
- ۱۰۹ ..... بحثی در مذهب مسعودی
- ۱۱۱ ..... تألیفات
- ۲۵ . ابن ابی زینب نعمانی کاتب (م ۳۴۲ ق) ..... ۱۱۱
- ۱۱۱ ..... اشاره
- ۱۱۲ ..... تألیفات
- ۲۶ . ابن جعابی (م ۳۵۵ ق) ..... ۱۱۳
- ۱۱۳ ..... تألیفات
- ۲۷ . ابو الحسن قاضی (م ۳۵۶ ق) ..... ۱۱۴
- ۱۱۴ ..... اشاره
- ۱۱۵ ..... تألیفات
- ۲۸ . ابو طالب انباری (م ۳۵۶ ق) ..... ۱۱۵
- ۱۱۵ ..... اشاره
- ۱۱۶ ..... تألیفات
- ۲۹ . ابو عبد الله صفوانی (زنده در نیمه نخست سده چهارم) ..... ۱۱۷
- ۱۱۷ ..... تألیفات
- ۳۰ . ابو غالب زُراری (۲۸۵ \_ ۳۶۸ ق) ..... ۱۱۸
- ۱۱۸ ..... اشاره
- ۱۲۰ ..... تألیفات
- ۳۱ . ابن داوود قمی (م ۳۶۸ ق) ..... ۱۲۰
- ۱۲۰ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... تألیفات
- ۳۲ . ابو محمد تَلَعْکَبْرِي (م ۳۸۵ ق) ..... ۱۲۲
- ۱۲۲ ..... تألیفات
- ۳۳ . ابو المفضل شیبانی (م ۳۸۷ ق) ..... ۱۲۳
- ۱۲۳ ..... اشاره

- تألیفات ..... ۱۲۵
- ۳۴ . ابن جریر طبری (م سده چهارم) ..... ۱۲۵
- اشاره ..... ۱۲۵
- تألیفات ..... ۱۲۷
- ۳۵ . ابن عتاش جوهری (م ۴۰۱ ق) ..... ۱۲۷
- اشاره ..... ۱۲۷
- تألیفات ..... ۱۲۸
- ۳۶ . جلودی بصری (م ۳۳۲ ق) ..... ۱۲۸
- اشاره ..... ۱۲۸
- تألیفات ..... ۱۲۹
- ۳۷ . ابو بَشر بصری عَمی (م پس از ۳۵۰ ق) ..... ۱۲۹
- اشاره ..... ۱۲۹
- تألیفات ..... ۱۳۰
- ۳۸ . ابن حمدان جنبلانی (م ۳۵۸ ق) ..... ۱۳۰
- اشاره ..... ۱۳۰
- تألیفات ..... ۱۳۱
- ۳۹ . ابن شعبه خَزّانی (معاصر شیخ صدوق) ..... ۱۳۲
- اشاره ..... ۱۳۲
- تألیفات ..... ۱۳۳
- ۴۰ . ابو علی کوفی (م ۳۴۶ ق) ..... ۱۳۳
- اشاره ..... ۱۳۳
- تألیفات ..... ۱۳۴
- ۴۱ . ابو القاسم کوفی (م ۳۵۲ ق) ..... ۱۳۴
- اشاره ..... ۱۳۴
- تألیفات ..... ۱۳۵
- ۴۲ . ابن اشعث کوفی (م ۳۳۰ - ۳۵۶ ق) ..... ۱۳۷

- تالیفات ..... ۱۳۷
- ۴۳ . قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ ق) ..... ۱۳۸
- اشاره ..... ۱۳۸
- تالیفات ..... ۱۳۹
- ۴۴ . ابن عون اسدی (زنده در نیمه دوم سده چهارم) ..... ۱۴۰
- تالیف ..... ۱۴۰
- ۴۵ . ابن تمام کوفی ..... ۱۴۰
- تالیف ..... ۱۴۰
- ۴۶ . ابن نعیم سمرقندی (م ، پس از ۳۴۰ ق) ..... ۱۴۰
- اشاره ..... ۱۴۰
- تالیفات ..... ۱۴۱
- ۴۷ . ابو علی صولی بصری (م ، پس از ۳۵۵ ق) ..... ۱۴۱
- تالیف ..... ۱۴۱
- ۴۸ . ابو عبد الله بزوفری (م ، پس از ۳۵۲ ق) ..... ۱۴۲
- تالیفات ..... ۱۴۲
- ۴۹ . ابو القاسم طالقانی (م ، پس از ۳۲۶ ق) ..... ۱۴۲
- ۵۰ . ابن ابی الیاس کوفی (م ، پس از ۳۳۰ ق) ..... ۱۴۲
- اشاره ..... ۱۴۲
- تالیف ..... ۱۴۳
- ۵۱ . ابن سهل دیباجی (م ، پس از ۳۷۰ ق) ..... ۱۴۳
- تالیف ..... ۱۴۳
- ۵۲ . ابو الحسن ارزنی (م ۳۳۹ ق) ..... ۱۴۴
- تالیفات ..... ۱۴۴
- ۵۳ . ابو الحسن قزوینی (م ، نیمه نخست سده چهارم) ..... ۱۴۴
- اشاره ..... ۱۴۴
- تالیف ..... ۱۴۵

- ۱۴۵ ----- ۵۴ . ابن ابی حاتم قزوینی (م ، پس از ۳۵۰ ق) -----
- ۱۴۵ ----- تألیفات -----
- ۱۴۷ ----- فصل سوم : محدّثان شیعه در سده پنجم -----
- ۱۴۷ ----- ۱ . ابو بکر نیشابوری خُزاعی (معاصر شیخ طوسی) -----
- ۱۴۷ ----- اشاره -----
- ۱۴۸ ----- تألیفات -----
- ۱۴۸ ----- ۲ . مفید نیشابوری (م ۴۴۵ \_ ۴۷۶ ق) -----
- ۱۴۸ ----- اشاره -----
- ۱۴۹ ----- تألیفات -----
- ۱۴۹ ----- ۳ . محسن نیشابوری (معاصر شیخ طوسی) -----
- ۱۴۹ ----- اشاره -----
- ۱۵۰ ----- تألیفات -----
- ۱۵۰ ----- ۴ . ابو سعید خُزاعی (زنده در ۴۴۴ ق) -----
- ۱۵۰ ----- اشاره -----
- ۱۵۱ ----- تألیفات -----
- ۱۵۱ ----- ۵ . جعفر دوربستی (زنده در ۴۷۳ ق) -----
- ۱۵۱ ----- اشاره -----
- ۱۵۲ ----- تألیفات -----
- ۱۵۳ ----- ۶ . ابن شادان قمی (م ، حدود ۴۲۵ ق) -----
- ۱۵۳ ----- اشاره -----
- ۱۵۴ ----- تألیفات -----
- ۱۵۵ ----- ۷ . شریف رضی (۳۵۹ \_ ۴۰۶ ق) -----
- ۱۵۵ ----- اشاره -----
- ۱۵۶ ----- تألیفات -----
- ۱۵۶ ----- ۸ . ابو الحسین تَلَعْکِیْری (زنده در ۴۱۰ ق) -----
- ۱۵۶ ----- اشاره -----

- تألیف ..... ۱۵۷
- ۹ . ابو عبد الله غضائری (م ۴۱۱ ق) ..... ۱۵۷
- اشاره ..... ۱۵۷
- تألیفات ..... ۱۵۸
- ۱۰ . ابن غضائری (م ، حدود ۴۱۳ \_ ۴۱۸ ق) ..... ۱۵۸
- اشاره ..... ۱۵۸
- اعتبار ابن غضائری از دیدگاه رجال شناسان ..... ۱۵۹
- اشاره ..... ۱۵۹
- یکم. توثیق ابن غضائری ..... ۱۶۰
- دوم . تضعیف ابن غضائری و بی اعتمادی به توثیق ها و تضعیف های او ..... ۱۶۱
- سوم : پذیرش توثیق های ابن غضائری و ردّ تضعیف های او ..... ۱۶۱
- تألیفات ..... ۱۶۱
- ۱۱ . شیخ مفید (۳۳۶ \_ ۴۱۳ ق) ..... ۱۶۳
- اشاره ..... ۱۶۳
- تألیفات ..... ۱۶۴
- ۱۲ . ابن عبدون (م ۴۲۳ ق) ..... ۱۶۵
- اشاره ..... ۱۶۵
- تألیفات ..... ۱۶۶
- ۱۳ . ابن نوح سیرافی (م ، ربع اول سده پنجم) ..... ۱۶۶
- اشاره ..... ۱۶۶
- تألیفات ..... ۱۶۷
- ۱۴ . سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ق) ..... ۱۶۸
- اشاره ..... ۱۶۸
- تألیفات ..... ۱۶۹
- ۱۵ . ابن حتمی (ابن اشناس) بزّاز (م ۴۳۹ ق) ..... ۱۶۹
- اشاره ..... ۱۶۹

- تألیفات ----- ۱۷۰
- ۱۶ . ابو الفرج (کاتب) قُتَای (م ۴۵۰ ق) ----- ۱۷۰
- اشاره ----- ۱۷۰
- تألیفات ----- ۱۷۱
- ۱۷ . طرازی (م ، نیمه نخست سده پنجم) ----- ۱۷۱
- اشاره ----- ۱۷۱
- تألیف ----- ۱۷۲
- ۱۸ . ابو الفرج حمدانی (م ، حدود ۴۶۰ ق) ----- ۱۷۳
- تألیفات ----- ۱۷۳
- ۱۹ . عبد الوهاب شُعرانی (م ، پس از ۴۴۸ ق) ----- ۱۷۳
- اشاره ----- ۱۷۳
- تألیفات ----- ۱۷۴
- ۲۰ . نجاشی (م ۴۵۰ \_ ۴۶۳ ق) ----- ۱۷۴
- اشاره ----- ۱۷۴
- تألیفات ----- ۱۷۶
- ۲۱ . شیخ طوسی (۳۸۵ \_ ۴۶۰ ق) ----- ۱۷۶
- اشاره ----- ۱۷۶
- تألیفات ----- ۱۷۷
- ۲۲ . ابو الحسن صهرشتی (م حدود ۴۴۲ ق) ----- ۱۷۸
- اشاره ----- ۱۷۸
- تألیفات ----- ۱۷۹
- ۲۳ . کَراجِکی (۳۷۹ \_ ۴۴۹ ق) ----- ۱۷۹
- اشاره ----- ۱۷۹
- تألیفات ----- ۱۸۰
- ۲۴ . حَسْکانی (م ۴۷۰ \_ ۴۹۰ ق) ----- ۱۸۲
- اشاره ----- ۱۸۲

- ۱۸۳ ----- مذهب حسکائی
- ۱۸۳ ----- تألیفات
- ۱۸۴ ----- ۲۵ . فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق) -----
- ۱۸۴ ----- اشاره
- ۱۸۵ ----- تألیفات
- ۱۸۷ ----- فصل چهارم : متون حدیثی چند زمینه ای -----
- ۱۸۷ ----- ۱ . الکافی -----
- ۱۸۷ ----- اشاره
- ۱۹۲ ----- ویژگی های الکافی -----
- ۱۹۴ ----- جایگاه الکافی -----
- ۱۹۵ ----- آثار مرتبط -----
- ۱۹۷ ----- ۲ . أمالی الصدوق -----
- ۲۰۰ ----- ۳ . علل الشرائع -----
- ۲۰۲ ----- ۴ . عیون أخبار الرضا علیه السلام -----
- ۲۰۵ ----- ۵ . جامع الأحادیث -----
- ۲۰۸ ----- ۶ . المُسَلِّسَات -----
- ۲۰۹ ----- ۷ . الغایات -----
- ۲۰۹ ----- ۸ . تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام -----
- ۲۱۲ ----- ۹ . الاختصاص -----
- ۲۱۷ ----- ۱۰ . أمالی المفید -----
- ۲۲۰ ----- ۱۱ . أمالی الطوسی -----
- ۲۲۳ ----- ۱۲ . کنز الفوائد -----
- ۲۲۶ ----- ۱۳ . روضة الواعظین و بصیرة المتعظین -----
- ۲۲۹ ----- فصل پنجم : متون حدیثی تک زمینه ای -----
- ۲۲۹ ----- الف \_ فضایل ایام و ماه ها -----
- ۲۲۹ ----- ۱ . فضائل الأشهر الثلاثة (شهر رجب، شهر شعبان، شهر رمضان) -----



- ٢٣١ ..... ٢ . العروس
- ٢٣٢ ..... ٣ . فضائل شهر رجب
- ٢٣٤ ..... ب \_ متون اخلاق و آداب
- ٢٣٤ ..... ١ . التمحيص
- ٢٣٦ ..... ٢ . مصادقة الإخوان
- ٢٣٧ ..... ٣ . المواعظ
- ٢٣٩ ..... ٤ . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال
- ٢٤٢ ..... ٥ . الخصال
- ٢٤٤ ..... ٦ . الأعمال المانعة من دخول الجنة
- ٢٤٥ ..... ٧ . صفات الشيعة
- ٢٤٦ ..... ٨ . معدن الجواهر و رياضة الخواطر
- ٢٤٩ ..... ج \_ متون كلامي
- ٢٤٩ ..... ١ . الشفاء والجلد
- ٢٥٠ ..... ٢ . الإمامة و التبصرة من الحيرة
- ٢٥٤ ..... ٣ . الإستغاثة في بدع الثلاثة
- ٢٥٩ ..... ٤ . كتاب الغيبة
- ٢٦٣ ..... ٥ . شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام
- ٢٦٨ ..... ٦ . نوادر المعجزات في مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام
- ٢٧١ ..... ٧ . نوادر الأثر في: «علّي خير البشر»
- ٢٧٢ ..... ٨ . الاعتقادات في دين الإمامية
- ٢٧٤ ..... ٩ . التوحيد
- ٢٧٨ ..... ١٠ . كمال الدين و تمام النعمة
- ٢٨٣ ..... ١١ . فضائل الشيعة
- ٢٨٥ ..... ١٢ . مئة منقبة في فضائل أمير المؤمنين و الأئمة عليهم السلام من ولده
- ٢٨٨ ..... ١٣ . الاستبصار في النص على الأئمة الأطهار عليهم السلام
- ٢٩٠ ..... ١٤ . التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة

- ٢٩٣ ..... ١٥ . التفضيل
- ٢٩٤ ..... ١٦ . إثبات الوصية لعلّي بن أبي طالب عليه السلام
- ٢٩٨ ..... ١٧ . المسترشد
- ٢٩٩ ..... ١٨ . دلائل الإمامة
- ٣٠١ ..... ١٩ . مقتضب الأثر
- ٣٠٣ ..... ٢٠ . كفاية الأثر
- ٣٠٥ ..... ٢١ . إيمان أبي طالب
- ٣٠٧ ..... ٢٢ . الغيبة
- ٣١٠ ..... ٢٣ . عيون المعجزات
- ٣١٣ ..... د \_ تاريخ و شرح حال و فضائل
- ٣١٣ ..... ١ . تاريخ الأئمة عليهم السلام
- ٣١٤ ..... ٢ . مروج الذهب و معادن الجواهر
- ٣١٤ ..... ٣ . أخبار الزمان و من أباده الحدثان و عجائب البلدان والغامر بالماء و العمران
- ٣١٧ ..... ٤ . التنبيه و الإشراف
- ٣١٨ ..... ٥ . خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)
- ٣٢٠ ..... ٦ . الأربعين عن الأربعين
- ٣٢١ ..... ٧ . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد
- ٣٢٥ ..... ٨ . مساز الشيعه في مختصر تواريخ الشريعة
- ٣٢٧ ..... ٩ . الجمل (النصرة لسيد العتره في حرب البصرة)
- ٣٣١ ..... ١٠ . المسألة الكافية
- ٣٣٢ ..... ١١ . منتخب الأنوار في تاريخ الأئمة الأطهار عليهم السلام
- ٣٣٣ ..... ١٢ . الهداية الكبرى
- ٣٣٥ ..... ١٣ . تاريخ قم
- ٣٣٧ ..... ه \_ متون تفسيرية
- ٣٣٧ ..... ١ . تفسير القمي
- ٣٤١ ..... ٢ . تفسير العتاشي

- ٣٤٣ ..... ٣ . تفسير النعماني
- ٣٤٥ ..... ٤ . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل
- ٣٤٧ ..... و \_ دعا و زيارت
- ٣٤٧ ..... ١ . كامل الزيارات
- ٣٥٠ ..... ٢ . المزار (مناسك المزار)
- ٣٥٣ ..... ٣ . مصباح المتهجد
- ٣٥٤ ..... ز \_ ترجمه
- ٣٥٤ ..... ح \_ متون فقهي
- ٣٥٤ ..... ١ . دعائم الإسلام
- ٣٥٨ ..... ٢ . كتاب من لا يحضره الفقيه
- ٣٤٧ ..... ٣ . المقيع
- ٣٤٩ ..... ٤ . الهداية
- ٣٧١ ..... ٥ . المتعة
- ٣٧٢ ..... ٦ . تهذيب الأحكام
- ٣٧٤ ..... ٧ . الاستبصار في ما اختلف من الأخبار
- ٣٨٠ ..... ط \_ متون طبى
- ٣٨٠ ..... ١ . طب الأئمة عليهم السلام
- ٣٨٣ ..... فصل ششم : علوم حديث
- ٣٨٣ ..... فقه الحديث
- ٣٨٣ ..... ١ . معاني الأخبار
- ٣٨٥ ..... ٢ . المجازات النبوية
- ٣٨٧ ..... ٣ . رسالة في معنى المولى
- ٣٩٠ ..... ٤ . أقسام المولى
- ٣٩١ ..... ٥ . رسالة حول خير مارية
- ٣٩٤ ..... ٦ . تصحيح الاعتقاد
- ٣٩٤ ..... اشاره

- ۳۹۷ ----- مسئله بدا
- ۳۹۸ ----- جدال درباره خدا
- ۳۹۹ ----- ۷. أمالی المرتضى
- ۴۰۱ ----- ۸. دليل النص بخبر الغدير
- ۴۰۴ ----- رجال، تراجم و کتاب شناسی
- ۴۰۴ ----- ۱. رسالة أبي غالب الزراري
- ۴۰۷ ----- ۲. تکملة رسالة أبي غالب الزراري
- ۴۰۷ ----- ۳. الضعفاء
- ۴۱۱ ----- ۴. رجال النجاشي
- ۴۱۴ ----- ۵. رجال الطوسي
- ۴۱۸ ----- ۶. الفهرست
- ۴۲۱ ----- ۷. اختيار معرفة الرجال
- ۴۲۵ ----- منابع و مأخذ
- ۴۴۱ ----- تاريخ حديث شيعه در سده های ششم و هفتم
- ۴۴۱ ----- اشاره
- ۴۴۳ ----- مقدمه
- ۴۴۹ ----- فصل يكم: وضعیت فرهنگی \_ اجتماعی در قرن ششم و هفتم
- ۴۴۹ ----- مراکز علمی در قرن ششم و هفتم
- ۴۵۴ ----- تدوين حديث زیدیه
- ۴۵۵ ----- قاضي جعفر و نقش وی در انتقال ميراث زیدیه به یمن
- ۴۵۷ ----- وضعیت علم حديث در میان اهل سنت
- ۴۶۰ ----- ادبيات فضائل نگاری اهل بيت عليهم السلام در میان اهل سنت
- ۴۶۱ ----- ابراهيم بن محمد جوينی و کتاب «فرائد السمطين»
- ۴۶۳ ----- ابن دخیه کلبی و کتاب «إعلام النصر المبين في المفاضلة بين أهل صفين»
- ۴۶۶ ----- شهر ری ، مرکز حديثی شيعه در قرن ششم و هفتم
- ۴۷۱ ----- فصل دوم : عالمان امامی و تدوين کتب حديثی

- بخش اول : قرن ششم ----- ۴۷۱
- وضعیت فکری شیعه ----- ۴۷۱
- ابن شهر آشوب ----- ۴۷۳
- منابع ابن شهر آشوب در «مناقب آل اَبی طالب» ----- ۴۷۵
- ابن شهر آشوب و کتاب «معالم العلماء» ----- ۴۸۵
- برداشت های ابن شهر آشوب از احادیث ----- ۴۸۹
- نقش ابن شهر آشوب در انتقال میراث امامیه از ایران به حله ----- ۴۹۲
- عماد الدین طبری و کتاب «بشارة المصطفی» ----- ۴۹۴
- خاندان طبرسی ----- ۴۹۵
- الاحتجاج و مؤلف آن ----- ۴۹۸
- رهیافت طبرسی در «الاحتجاج» ----- ۵۰۰
- خاندان راوندی ----- ۵۰۳
- قطب راوندی ، عالم پُر اثر قرن ششم ----- ۵۰۳
- راوندی و تخریج کتاب «النبوة» ی شیخ صدوق ----- ۵۰۶
- سید فضل الله حسینی راوندی ----- ۵۰۶
- ابن حمزه ، فقیه و محدث امامی ----- ۵۰۸
- الثاقب فی المناقب ----- ۵۰۹
- برخی فواید تاریخی کتاب «الثاقب فی المناقب» ----- ۵۱۰
- ابن بطریق و کتاب «عیون صحاح الأخبار» ----- ۵۱۱
- دیگر عالمان قرن ششم ----- ۵۱۴
- بخش دوم : قرن هفتم ----- ۵۱۷
- خاندان ابن طاووس ----- ۵۱۷
- رضی الدین ابن طاووس ----- ۵۱۷
- ابن طاووس و میراث کهن امامیه ----- ۵۱۹
- نکات خاصّ ابن طاووس درباره امامیه نخستین ----- ۵۲۱
- ابن طاووس و ادبیات ادعیه نگاری ----- ۵۲۲

- ابن طاووس و کتاب «الیقین» ..... ۵۲۵
- ابن طاووس و کتاب «محاسبة النفس» ..... ۵۲۵
- ابن طاووس و ادبیات فضائل نگاری ..... ۵۲۷
- جمال الدین احمد بن موسی ..... ۵۲۷
- یوسف بن حاتم شامی و کتاب «الدرّ النظیم» ..... ۵۳۰
- ابن شرفیه و کتاب «عیون الحکم و المواعظ» ..... ۵۳۱
- شَعیرِی و کتاب «جامع الأخبار» ..... ۵۳۲
- خاندان ابن نُما ..... ۵۳۳
- خاندان ابن زهره ..... ۵۳۴
- ادبیات دعانویسی ..... ۵۳۶
- ابو علی صوری و رساله «قضاء حقوق المؤمنین» ..... ۵۳۸
- ادبیات زیارت نامه نویسی ..... ۵۳۸
- علی بن عیسی اربلی و کتاب «کشف العُتمه فی معرفه الأئمه» ..... ۵۴۰
- مکتب جله ..... ۵۴۴
- ابن ابی طی حلبی و کتاب «الحاوی فی رجال الشیعه الإمامیه» ..... ۵۴۵
- عالمان جله ..... ۵۴۷
- ابن ادريس حلی ..... ۵۴۸
- فخّار بن مَعَد موسوی و کتاب «الحجّة علی الذاهب إلى تکفیر أبی طالب» ..... ۵۴۹
- نتیجه گیری ..... ۵۵۱
- منابع و مآخذ ..... ۵۵۳
- درباره مرکز ..... ۵۷۷

## تاریخ حدیث شیعه : در سده های چهارم تا هفتم هجری

### مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدی، مهدی، 1339 -

عنوان و نام پدیدآور : تاریخ حدیث شیعه : در سده های چهارم تا هفتم هجری / مهدی احمدی و محمدکاظم رحمتی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1389.

مشخصات ظاهری : 554 ص.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 207. مجموعه تاریخ حدیث شیعه؛ 2.

شابک : 65000 ریال

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : احادیث شیعه -- تاریخ

شناسه افزوده : رحمتی، محمدکاظم، 1355 -

شناسه افزوده : دار الحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP106/5/الف3ت26 1389

رده بندی دیویی : 297/29

شماره کتابشناسی ملی : 2748249

ص: 1

اشاره









## سخنی با خواننده

سخنی با خواننده حدیث، در طول حیات خویش، از بدو ظهور تا کنون، فراز و نشیب های بسیاری به خود دیده است. شناخت این مسیر و ویژگی های آن را «تاریخ حدیث» بر عهده دارد. که رشته ای واسطه میان دو دانش حدیث شناسی و تاریخ است. چگونگی ظهور حدیث، برخورد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام با آن و نیز شیوه های برخورد عالمان بزرگ با این منبع مهم و اصلی شریعت، از مباحث مهم تاریخ حدیث به شمار می آید. مطالعه تاریخ حدیث، شرط لازم برای تحقیق روشمند در حوزه های مختلف علوم حدیث است؛ چرا که به هر حال، حدیث، پدیده ای تاریخی است که نمی توان آن را بدون در نظر گرفتن مسیر تاریخی اش، به درستی بررسی کرد. قطعاً مطالعه در سند حدیث یا متن آن و یا هر موضوع دیگر مرتبط با آن، به صورت موردی و بدون توجه به همه یا بخش هایی از تاریخ حدیث، تنها مطالعه ای ذهنی و انتزاعی خواهد بود و در موارد بسیاری، بیم آن وجود دارد که نتیجه این گونه مطالعات، به دور از واقعیت باشد. از سوی دیگر، حدیث، به عنوان پدیده ای تاریخی، مورد هجوم شبهات تاریخی نیز قرار گرفته است؛ شبهاتی که نمی توان آنها را بدون مطالعه تاریخ حدیث، پاسخ گفت. به علاوه، اتصال حدیث به عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و در امان ماندن آن از دستان تحریفگر پیدا و پنهان را باید با مطالعات تاریخی به اثبات رساند و بدین گونه، پشتوانه علمی حدیث را شناخت و شناساند. با توجه به این مجموعه ضرورت ها، گروه تاریخ حدیث «پژوهشکده علوم و

معارف حدیث»، بر آن شد تا مطالعه جامعی را در این موضوع، به انجام رساند. بر این اساس، مجموعه «تاریخ حدیث شیعه (از قرن نخست هجری تا عصر حاضر)» پی ریزی گردید. در این مجموعه، به ترتیب تاریخی، اطلاعات مربوط به حدیث شیعه را گرد آورده ایم. مباحثی که در هر دوره مورد بحث (یا در هر يك از مقالات) مورد توجه بوده اند، عبارت اند از: شرایط اجتماعی - فرهنگی، حوزه های علمی - جغرافیایی، عالمان حدیث پژوه، زمینه های فعالیت های حدیثی، گونه های نگارش های حدیثی، علوم حدیث، اجازات و مشایخ اجازه. معرفی مهم ترین فعالیت های حدیثی هر عصر نیز از دیگر اطلاعات موجود در این مجموعه است. عناوین مجلدات این مجموعه، به قرار زیر است: جلد اول. تاریخ حدیث شیعه از شکل گیری تا پایان سده سوم هجری جلد دوم. تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم هجری جلد سوم. تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم تا یازدهم هجری جلد چهارم. تاریخ حدیث شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری جلد پنجم. تاریخ حدیث شیعه از آغاز سده چهاردهم هجری تا امروز. کتاب حاضر - که به صورت تفصیلی، تاریخ حدیث شیعه را در قرن های چهارم و پنجم هجری (مقاله اول) و ششم و هفتم هجری (مقاله دوم) بررسی می کند - در واقع، دومین مجلد از مجموعه پنج جلدی تاریخ حدیث شیعه است که سه جلد از آن (جلدهای سوم تا پنجم)، پیش از این، منتشر شده است. در این جا بر خود، لازم می دانیم که از زحمات آقایان دکتر مهدی احمدی نورآبادی و محمدکاظم رحمتی - که نگارش این جلد را به عهده داشته اند - کمال تشکر را به عمل آوریم. امیدواریم که به یاری خداوند بزرگ، تنها مجلد باقی مانده از این مجموعه نیز به زودی آماده نشر گردد. گروه تاریخ حدیث پژوهشکده علوم و معارف حدیث

## تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم و پنجم / دکتر مهدی احمدی

### اشاره

تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم و پنجم دکتر مهدی احمدی

.



## فصل یکم : کلیات

## اوضاع سیاسی در سده های چهارم و پنجم

## اشاره

فصل یکم : کلیات اوضاع سیاسی در سده های چهارم و پنجم سده چهارم، آغاز حرکت رو به افول و ضعف خلافت عباسی بود. (1) حکومت یک پارچه اسلامی، به حکومت های کوچک \_ و به قولی ملوک الطوائفی \_ تبدیل شده بود: (2) فارس، ری، اصفهان و جبال، زیر سلطه آل بویه اداره می شدند؛ کرمان زیر فرمان محمد بن الیاس؛ موصل و دیارات (ربیع، بکر و دیار مُصَدَّر)، تحت فرمان آل حمدان؛ مصر و شام زیر سلطه محمد بن طُغْجِ اِخْشید؛ مغرب (مراکش) و افریقیه (تونس) زیر فرمان فاطمیان؛ خراسان و ماوراء النهر زیر سلطه سامانیان؛ اهواز و واسط و بصره تحت فرمان بریدی ها؛ یمامه و بحرین در اختیار قرامطه؛ طبرستان و جرجان زیر سلطه زیاریان؛ و آندلس در تصرف خاندان بنی امیه. (3) به قولی، در سال 325 ق، خلیفه عباسی، تنها بر بغداد حکمرانی می کرد (4) و از آن سال، همین یک شهر نیز از سلطه او خارج شد. (5) در این دو سده؛ بویژه در سده

- 
- 1- تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبياء، ص 152؛ تاریخ ابن خلدون، ج 4، ص 431؛ البداية و النهاية، ج 11، ص 240؛ الشيعة في الميزان، ص 167 \_ 170.
  - 2- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 68.
  - 3- المنتظم، ج 6، ص 288.
  - 4- همان جا.
  - 5- آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص 136.

**1. آل بویه (334 \_ 447 ق)**

چهارم، خلفا به صاحبان منصب امیرالأمرای متکی بودند و حتی گاهی به دستور آنها نصب و عزل می شدند. (1) خلیفه از قدرت واقعی محروم بود و فقط مرجعیت روحانی داشت؛ (2) اما فاطمی ها همین قدرت روحانی را نیز برای خلیفه بغداد، قائل نبودند. (3) مهم ترین دولت های حاکم در سرزمین پهناور اسلامی در این دوره، عبارت بودند از: آل بویه، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، فاطمیان و آل حمدان.

1. آل بویه (334 \_ 447 ق) آل بویه قدرتمندترین حکومت را در سده چهارم تا اواسط سده پنجم تشکیل دادند. آنان اهل دیلم و از طایفه شیردل آوندان بودند که خاستگاهشان، ارتفاعات گیلان در جنوب دریای خزر بود. (4) برخی، نفوذ اسلام را میان مردم دیلم در سده چهارم، به کوشش حسن بن علی علوی، معروف به ناصر اطروش (م 304 ق) دانسته اند. (5) با این حال، بر پایه برخی قراین، اسلام، پیش از این تاریخ، وارد دیلم شده بود. دیلمیان پناهگاه مستحکمی داشتند و از سال 175 تا 250 ق، به تدریج، علویان گریخته از آزار و ستم عباسیان را پناه می دادند. (6) حسن بن زید علوی (م 270 ق) مذهب شیعه را در دیلمستان ترویج کرد و پایه های حکومت مستقل علوی را در دیلم و گیلان برپا کرد. پس از او، ناصر اطروش نیز حکومت علوی را تشکیل داد. (7)

- 
- 1- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 72.
  - 2- البدایة و النهایة، ج 11، ص 240.
  - 3- فهرس التراث، ص 323.
  - 4- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 68.
  - 5- آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص 61 \_ 62.
  - 6- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 69 \_ 70.
  - 7- تاریخ ابن خلدون، ج 4، ص 419.



برخی، مذهب حسن بن زید و ناصر اطروش را زیدی (1) و برخی امامی گفته اند. نجاشی (م 450 ق) ناصر اطروش را معتقد به امامت دانسته، برای او درخواست رحمت کرده و افزون بر این، دو کتاب با عنوان الإمامة و أنساب الأئمة و موالیدهم إلى صاحب الأمر علیهم السلام به او نسبت داده است. (2) بر پایه برخی گزارش ها، شیخ بهایی (م 1031 ق)، میرزا عبد الله افندی (م 1130 ق) و سید محمد باقر خوانساری (م 1313 ق) نیز جانب امامی بودن آن دو را گرفته اند. (3) دولت آل بویه را سه برادر به نام های علی، حسن و احمد تشکیل دادند. خلیفه عباسی آنان را به ترتیب، «عماد الدوله»، «رکن الدوله» و «مُعزّ الدوله» لقب داد. (4) عماد الدوله در فارس و کرمان، رکن الدوله در ری و اصفهان، و معزّ الدوله در بغداد، هر کدام يك دولت زیر نظر خلیفه تشکیل دادند. (5) این سه برادر، سرانجام دولتی مستقل ایجاد کردند و يك پارچگی را به بخش های بسیاری از سرزمین اسلامی باز گرداندند. (6) آل بویه گرایش شیعی داشتند؛ اگرچه قرائت آنان از تشیع، دانسته نیست. برخی قرائن، می تواند بر گرایش زیدی آنان و شماری نیز بر گرایش امامی آنان گواهی دهند؛ اگرچه قرائن گونه دوم، پر شمarter و نیز گویاتر به نظر می رسند. اصالت دیلمی آنان \_ که گویا در دیلم و شمال ایران، قرائت زیدی، غالب بود (7) \_ و نیز عیادت ابو عبد الله بصری زیدی معتزلی از معزّ الدوله و تلقین آداب دینی

- 
- 1- همان جا، نیز، ر. ک: معجم البلدان، ج 3، ص 375؛ تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ص 181 \_ 182؛ آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص 62 \_ 63.
  - 2- رجال النجاشی، ص 57 \_ 58.
  - 3- تاریخ تشیع در ایران، ص 217.
  - 4- تاریخ ابن خلدون، ج 4، ص 434.
  - 5- همان، ج 4، ص 426.
  - 6- همان، ج 4، ص 420. درباره آل بویه، ر. ک: تاریخ گزیده، ص 408 \_ 425؛ تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ص 219 \_ 262.
  - 7- تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ص 248.

**2. سامانیان (279 \_ 395 ق)**

به وی، (1) می تواند قرینه زیدی بودن آنان به شمار آید. از دیگر سو، قرائنی حاکی از امامی بودن آنان به چشم می خورد که عبارت اند از: به کار رفتن تعبیر «روافض» درباره آل بویه (2) و به طور خاص معز الدوله؛ (3) اتهام غلو در تشیع درباره عضد الدوله؛ (4) نگارش اسامی دوازده امام با ذکر تحیات، در کتیبه ای تخت جمشید به دستور عضد الدوله؛ (5) مجاز شمردن لعن معاویه و یزید بر منابر توسط معتضد الدوله؛ (6) رابطه دوستانه شیخ صدوق با رکن الدوله (7) و ابراز ارادت حاکم بویه و وزیر او صاحب بن عبّاد، به امام رضا علیه السلام؛ (8) این سخن عبد الجلیل قزوینی که درباره صاحب بن عبّاد گفته است: صاحب بن عبّاد در تشیع، به صفتی بوده است که کتابی مفرد، تصنیف اوست در امامت دوازده امام معصوم. و اشعار و آیات او که دلالت بر مذهب او دارد، بسیار است. (9)

2. سامانیان (279 \_ 395 ق) سامانیان نخستین سلسله ایرانی بودند که پس از اسلام، دولت مستقل تشکیل دادند. آنان بیش از یک سده، بر شرق ایران (خراسان و ماوراء النهر) حکمرانی کردند. حاکمان سامانی، خلافت عباسی را پذیرفته بودند و ارادت و دوستی خود را به گونه های مناسب نشان می دادند. با این حال، گویا آنان به نام خلیفه، خطبه

1- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 24.

2- تاریخ گزیده، ص 426.

3- البداية و النهایة، ج 11، ص 224؛ شذرات الذهب، ج 3، ص 18.

4- شذرات الذهب، ج 3، ص 78.

5- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 82.

6- البداية و النهایة، ج 11، ص 87.

7- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 12.

8- همان جا.

9- نقض، ص 211.

**3. غزنویان (384 \_ 520 ق)****4. سلجوقیان (429 \_ 590 ق)****5. فاطمیان (296 \_ 567 ق)**

نمی خواندند. (1)

3. غزنویان (384 \_ 520 ق) سلاطین غزنوی، دولت سامانی را سرنگون کردند و به جای آنان، نزدیک به یک سده و نیم، بر قلمرو اسلامی حکمرانی کردند. (2)

4. سلجوقیان (429 \_ 590 ق) سلجوقیان با کنار زدن غزنویان، بیش از یک سده و نیم، حکومت کردند. آنان بر خلاف سامانیان و غزنویان، گستره حکمرانی خود را از شرق ایران، به مناطق و شهرهای دیگر گسترش دادند. گویا تنها مصر و شمال افریقا و بلاد مغرب، در قلمرو حکومت آنان نبوده است. (3)

5. فاطمیان (296 \_ 567 ق) فاطمیان، نام دیگر اسماعیلیان است که گویا این نام را در سده چهارم و پنجم، بر خود نهادند. به موجب برخی گزارش ها، اسماعیلیان این نام را مطرح کردند تا در پرتو آن، نشان دهند که در خلافت، بر عباسیان اولویت دارند. (4) فاطمیان با این پیش زمینه فکری، تلاش کردند تا عراق و ایران را از قلمرو خلافت عباسیان بیرون کنند و گویا توانستند مدتی، بر بخش هایی از این مناطق حکم برانند. (5) القادر بالله خلیفه عباسی، در برابر هجوم فکری و نظامی فاطمیان، به تکفیر و نیز خدشه در نسب آنان پرداخت

1- تجارب الأمم، ج 6، ص 157.

2- تاریخ گزیده، ص 389.

3- الحدیث و المحدثون، ص 422؛ تاریخ تشیع در ایران، ص 276 \_ 277. در باره سلجوقیان، ر. ک: راحة الصدور وروایة السرور در تاریخ آل سلجوق.

4- فهرس التراث، ج 1، ص 322.

5- تاریخ ابن خلدون، ج 3، ص 442.

**6. آل حَمدان (293 \_ 392 ق)**

و در این راستا، متنی هم منتشر کرد. (1) دولت فاطمی، در پایان سده سوم، با حکمرانی بر مراکش پدید آمد و در سده چهارم و پنجم، به تدریج و در مقاطع زمانی کوتاه و گاه بلند، بر سرزمین های دیگری نیز حکم راند. بر مصر و عقیلیه (انبار، مدائن، کوفه) در آغاز سده پنجم، (2) بر حجاز (3) و حلب (4) در سده چهارم، و بر موصل و واسط (5) و بغداد، در سال 450 ق، (6) حکومت کرد. فاطمیان در واپسین سال های سده پنجم، توانستند بر بخش گسترده ای از مناطق مرکزی ایران و فارس و خوزستان حاکم شوند. (7)

6. آل حَمدان (293 \_ 392 ق) آل حمدان، جایگاه والایی در دولت عباسی داشتند و بسیاری از مناصب بزرگ را در بغداد و بیرون از آن، به دست گرفتند. حمدان، خود، امیر قلعه ماردین بود و پسرش حسین، بر دیار ربیع و سپس بر قم و کاشان چیره شد و توانست مصر را تصرف کند. برادر او علاء، حکومت موصل را در دست داشت و پس از او، حکومت به برادر دیگرش ابو الهیجاء رسید. ابو الهیجاء که پدر ناصر الدوله و سیف الدوله بود، در سال 317 ق، کشته شد و پس از او، ناصر الدوله حاکم موصل شد. در این زمان، سرزمین پهناور اسلامی، تکه تکه شده بود و هر تکه ای در دست گروهی بود. خلیفه عباسی از ترس بریدی ها، از بغداد گریخت و به ناصر الدوله در موصل پناه برد. ناصر الدوله سپاهی فراهم آورد و در حالی که برادرش سیف الدوله و خلیفه را نیز به همراه داشت، به سوی بغداد حرکت کرد. پیش از رسیدن ناصر الدوله به بغداد، بریدی ها بغداد را

- 1- تاریخ ابن خلدون، ج 3، ص 442.
- 2- همان جا؛ تاریخ جهان گشای جوینی، ج 3، ص 175 \_ 177.
- 3- البداية و النهایة، ج 11، ص 330.
- 4- تاریخ ابن خلدون، ج 3، ص 470.
- 5- همان، ج 3، ص 460 \_ 461؛ البداية و النهایة، ج 12، ص 78.
- 6- تاریخ ابن خلدون، ج 3، ص 449؛ راحة الصدور، ص 108؛ تاریخ گزیده، ص 351 \_ 354.
- 7- تاریخ تشیع در ایران، ص 292. درباره فاطمیان، ر. ک: تاریخ جهان گشای جوینی، ص 143 \_ 185.

## اوضاع فرهنگی در دو سده چهارم و پنجم

ترك کردند و به واسط گریختند. ناصر الدوله آنها را دنبال کرد و از واسط نیز فراری داد. ناصر الدوله پس از مستقر کردن خلیفه در بغداد، به مقام امیر الأمرایی رسید؛ ولی حمدانیان مدت چندانی این مقام را در دست نداشتند؛ چرا که اوضاع بغداد، پریشان شد و ناصر الدوله به ناچار، به موصل بازگشت تا حکمرانی خاندان خویش را بر آن منطقه، محکم گرداند. سیف الدوله نیز برای گشودن حلب حرکت کرد و در آن جا مستقر شد و سپس در سال 365 ق، به سرزمین روم، هجوم برد و بخش های بسیاری از آن جا را نیز فتح کرد. سیف الدوله سرانجام در سال 385 ق، درگذشت. (1) آل حمدان، گرایش شیعی داشتند؛ (2) ولی قرائت آنان از تشیع، دانسته نیست. گویا آل حمدان، به گرایش زیدی شهرت دارند؛ ولی دو قرائت فاطمی و امامی نیز به آنان نسبت داده شده است. برخی در تأیید امامی بودن آنان، به دو قرینه استناد کرده اند: یکی مهاجرت علمای شیعه به مناطق تحت حکمرانی آل حمدان، و دیگری شعری از ابو فراس، از شعرای آن دیار، که در آن از امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام نام برده است که از امامان زیدیه و اسماعیلیه نیستند. (3) از آن جا که ابو فراس بزرگ شده و تربیت یافته دامن سیف الدوله بوده، این شعر می تواند نشان دهد که سیف الدوله و آل حمدان، به مذهب امامی گرایش داشته اند. (4)

اوضاع فرهنگی در دو سده چهارم و پنجمسده چهارم و پنجم را می توان دوره شکوفایی و شادابی فرهنگی نام نهاد؛ زیرا اگر شاخص شکوفایی فرهنگی در يك جامعه یا دوره، فراوانی اندیشمندان، کتاب ها،

1- الشیعة فی المیزان، ص 167 \_ 170.

2- همان، ص 164.

3- همان، ص 164 و 166.

4- همان، ص 167.

آثار علمی و کتاب خانه ها و نیز گستردگی برپایی مجالس بحث و مناظره میان اندیشمندان فرق و مذاهب مختلف تعریف شود، به حق، این دوره در قله بلند این شاخص ها قرار دارد. در زمینه های مختلف علمی و دینی، اندیشمندان بسیاری در این دوره می زیستند. ریاضی، ستاره شناسی، طب، فلسفه، تاریخ، شعر، کتاب شناسی، حدیث، فقه و اصول فقه، رجال، کلام و تفسیر، مهم ترین و با رونق ترین دانش های این دوره بوده اند. بسیاری از اندیشمندان این دوره، آوازه جهانی پیدا کردند و برخی نیز با آثاری که پدید آوردند، جریان ساز و تحوّل آفرین شدند. از آن جمله اند: فارابی (م 337 ق) در فلسفه؛ ابن سینا (م 428 ق) در فلسفه، طب و ریاضی؛ ابو جعفر کلینی (م 329 ق) در حدیث، فقه و کلام؛ مسعودی (م 345 ق) در تاریخ؛ ابن هبش (م 430 ق) در هندسه؛ زکریای رازی (م 311 یا 320 ق) در طب؛ شیخ صدوق (م 381 ق) در حدیث، فقه و کلام؛ داؤقطنی (م 385 ق) در حدیث، فقه و رجال؛ سیّد رضی (م 401 ق) در شعر، سخن شناسی، فنون بلاغت و آرایه های ادبی؛ شیخ مفید (م 413 ق) در کلام، حدیث، فقه و اصول؛ حاکم نیشابوری (م 404 ق) در حدیث، مصطلح الحدیث و رجال؛ سیّد مرتضی (م 436 ق) در کلام، فقه و اصول؛ فردوسی (م 464 ق) در شعر حماسی؛ خطیب بغدادی (م 464 ق) در تاریخ، رجال، حدیث و مصطلح الحدیث؛ شیخ طوسی (م 460 ق) در فقه، اصول، کلام، حدیث، تفسیر و رجال؛

ابن حزم ظاهری (م 453 ق) در فقه، اصول و حدیث. افزون بر قم و ری و بغداد، شهر حلب نیز در دوره سیف الدوله، محلّ گردهمایی بزرگان دانش و فرهنگ، از فرهنگ ها و شهرهای مختلف بود. حضور فارابی، ابن نباته، متنبی، صنوبری، ابن خالویه، ابن جنّی، نامی، ابن ابی قیاض، ابو الفرج عجلی و نیز بسیاری از قضات، نحویان، أدبا، شعرا و صاحبان فنون عرب و غیر عرب، نمونه این حضور گسترده است. (1) مجالس مناظره میان پیروان مذاهب اسلامی؛ بویژه در مباحث کلامی و نیز میان پیروان سایر ادیان، فراوان برگزار می شد. این مناظرات، در مناطق تحت حکومت آل بویه، حمدانیان و فاطمیان رایج بود. (2) در این مجالس، به طور خاص، اندیشه های کلامی شیعی امامی بود که اندیشه های کلامی دیگر مذاهب را به چالش می کشید. مناظرات شیخ مفید در بغداد و ردّیه های او بر آرای جاحظ، صاحب ابن عبّاد، علی بن عیسی زُمانی، ابو عبد الله بصری، ابن نباته، جُبّائی، ابن کلاب، خالدی، نَسفی، نصیبی، کرایسی و حلاج، (3) معروف است. این مناظرات، نقشی انکارناپذیر در گرویدن افراد به مذهب امامی داشت. قدرت استدلال و اقناع شیخ مفید و توفیق وی در گسترش آموزه های امامی، چنان آشکار بود که خطیب بغدادی به ناچار، به آن اعتراف کرده است. (4) پیروزی شیخ مفید بر عبد الجبار معتزلی در نخستین رویارویی، سبب دعوت او به دربار عضد الدوله شد. (5) پیش از شیخ مفید، شیخ صدوق نیز در چندین مناظره شرکت کرده بود که همگی با حمایت رکن الدوله، در ری برگزار شده بودند. (6) و هدف از آنها اثبات حقانیت

1- الشیعة فی المیزان، ص 171.

2- همان، ص 147 و 161 \_ 162 و 173.

3- الرسائل العشرة، ص 35.

4- تاریخ بغداد، ج 3، ص 449 \_ 450.

5- فلاسفه شیعه، ص 367؛ احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 112.

6- کمال الدین، ج 1، ص 456؛ رجال النجاشی، ص 396؛ مجالس المؤمنین، ج 1، ص 456.

مذهب امامیه؛ بویژه در موضوع غیبت امام دوازدهم علیه السلام بود. (1) مجالس مناظره در این دوره، اختصاصی به اندیشمندان مسلمان و امامی نداشت؛ بلکه دانشیان دیگر فرق و مذاهب نیز با دیگران مناظره می کردند. در این مجالس، که به طور خاص در دوره عضد الدوله برگزار می شد، صاحبان آرا و عقاید، دیدگاه های خود را آزادانه مطرح می کردند. (2) بسیاری از حاکمان و صاحبان مناصب در دولت های بویهی و حمدانی و حتی اسماعیلی، اهل علم بودند و از عالمان حمایت می کردند. عضد الدوله، خود، هندسه دان و ریاضی دان بود، با نحو و نجوم و هیئت نیز آشنایی داشت و با عالمان رده اول، به بحث و گفتگو می پرداخت. (3) وی شیخ مفید را که بر عبد الجبار معتزلی پیروز شده بود، به دربار خویش دعوت کرد. (4) پسران معز الدوله، اهل فضل بودند (5) و اندیشه وران را در عرصه های مختلف فلسفی، ادبی و مذهبی، احترام و اکرام می کردند. سیف الدوله حمدانی نیز چنین فضایی را فراهم کرد. (6) رکن الدوله (284\_ 326 ق) حاکم بویه ای ری، پس از آگاهی از موقعیت علمی شیخ صدوق، وی را به ری دعوت کرد و اکرام و تعظیم نمود. (7) وی افزون بر روحیه علم دوستی و عالم پروری ارادتمند به امام رضا علیه السلام بود. (8) امیران و وزیران آل بویه نیز خود، اهل علم بودند و دربارشان محل آمد و رفت

- 
- 1- .کمال الدین، ج 1، ص 10 \_ 11.
  - 2- .احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 64.
  - 3- .تاریخ طبرستان، ج 1، ص 140؛ آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص 252 \_ 253.
  - 4- .احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 112.
  - 5- .همان، ص 95.
  - 6- .الشیعة فی المیزان، ص 173؛ فهرس التراث، ص 324.
  - 7- .مجالس المؤمنین، ج 1، ص 356 و ج 2، ص 325؛ مقدمه محقق، معانی الأخبار، ص 15.
  - 8- .کمال الدین، ج 1، ص 3.



و گردهمایی عالمان بود. (1) ابو الفضل فیلسوف و ادیب، وزیر رکن الدوله (2) و پسرش ابو الفتح بن عمید، شاپور بن اردشیر وزیر بهاء الدوله، ابن سینا (375 \_ 428 ق) وزیر شمس الدوله، صاحب بن عبّاد (م 385 ق) وزیر مؤید الدوله، (3) همگی دانشمند بودند. (4) بر اثر چنین زمینه‌هایی، کتاب خانه‌هایی بس بزرگ و مهم نیز در این دوره تأسیس شد که نمونه‌های شایان آن، عبارت اند از: کتاب خانه عضد الدوله در شیراز؛ (5) کتاب خانه سند الدوله فرزند معزّ الدوله، با پانزده هزار جلد کتاب، در بصره؛ (6) کتاب خانه ابو نصر شاپور بن اردشیر وزیر بهاء الدوله، با نام «دار العلم» در کرخ بغداد، که با بیش از صد هزار جلد کتاب، در سال 451 ق، به دستور طغرل بیک سلجوقی ویران شد؛ (7) کتاب خانه سید مرتضی با هیجده هزار جلد کتاب؛ (8) کتاب خانه صاحب بن عبّاد، با دویست هزار جلد کتاب، در ری؛ که به موجب برخی گزارش‌ها، سلطان محمود غزنوی پس از ورود به ری، کتاب‌های کلامی آن را سوزاند؛ چون این کتاب‌ها را در راستای عقاید رافضیان می‌دانست؛ (9)

- 
- 1- همان، ص 95؛ آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص 353.
  - 2- شذرات الذهب، ج 4، ص 312.
  - 3- المنتظم، ج 14، ص 375.
  - 4- ر.ك: نقض، ص 211؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 84.
  - 5- أحسن التقاسیم، ج 2: ص 668 \_ 669.
  - 6- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص 94.
  - 7- النهایة، طوسی، ص 13، مقدّمه محقق کتاب.
  - 8- همان جا.
  - 9- آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص 534.

## دورنمای حدیث اهل سنت در سده چهارم و پنجم

### مهم ترین محدثان و حدیث پژوهان

#### اشاره

کتاب خانه ابو الفضل بن عمید، در ری . (1) افزون بر اینها، تأسیس دانشگاه الأزهر و نیز کتاب خانه های بزرگ در مصر در دوره فاطمیان، (2) شایان توجه اند. این دوره، ویژگی مهم دیگری نیز دارد که می توان آن را برآیند شاخص های یاد شده دانست، و آن این است که: مکتب های اصلی کلامی و فقهی، همگی در این دوره پدید آمدند یا نهادینه و نظام مند شدند.

دورنمای حدیث اهل سنت در سده چهارم و پنجم حدیث اهل سنت در این دوره، از جهت گستردگی مراکز حدیثی و تعداد عالمان و آثار ، به سان حوزه شیعه، بالنده و شکوفا بود. در بیشتر مناطق سرزمین پهناور اسلامی، اهل سنت زندگی می کردند و شهرهای بسیاری در این مناطق، کم و بیش، مرکز حدیث بودند. بیت المقدس، دمشق، بغداد، سرزمین آندلس (شامل: قرطبه، اشبیله، غرناطه، بلنسیه)، همدان، نیشابور، توس، هرات، بخارا، سمرقند و قیروان، مهم ترین این مراکز شناخته می شوند. نیشابور، همدان و قیروان در غرب جهان اسلام، به «دار السنّه» توصیف شده اند. (3)

مهم ترین محدثان و حدیث پژوهان در این دوره، محدثان و حدیث پژوهان نامدار و تأثیرگذار بسیاری، در میان اهل سنت زندگی می کردند. در میان مهم ترین و معروف ترین آنها از جهت تأثیرگذاری و پر دامنه بودن آثار، این افراد شایان ذکرند:

1- همان جا.

2- الشیعه فی المیزان، ص 154 \_ 161.

3- الأمصار والآثار، ص 160 \_ 218 (و در پاورقی آن: الإعلان بالتویخ؛ حركة الحدیث بقُرطبة خلال القرن الخامس؛ مدرسة الحدیث فی القیروان من الفتح الإسلامی إلى منتصف القرن الخامس).

**ابن حبان (270 \_ 354 ق)****طبرانی (260 \_ 360 ق)****دارقطنی (306 \_ 385 ق)****خطابی (319 \_ 388 ق)**

ابن حبان (270 \_ 354 ق) محمد بن احمد بن احمد بن حبان تمیمی بستی، معروف به ابن حبان، محدث، رجالی، لغوی، فقیه و واعظ. او نزدیک به بیست کتاب تألیف کرد که معروف ترینشان، عبارت اند از المسند الصحیح علی التقاسیم و الأنواع، الثقات، معرفة المجروحین من المحدثین، الضعفاء والمتروکین، طبقات المحدثین بإصبهان و مشاهیر العلماء الأمصار. (1)

طبرانی (260 \_ 360 ق) سلیمان بن احمد بن مطیر لخمی طبرانی، محدثی فرزانه، صادق و امانتدار بود. (2) وی نزدیک به پانزده کتاب تألیف کرد که معروف ترین آنها عبارت اند از: کتاب المعجم، مسند الشامیین و دلائل النبوة. المعجم در سه اندازه است و به ترتیب با عنوان های: الكبير، الأوسط و الصغیر، در 25، نه و دو مجلد، به چاپ رسیده است.

دارقطنی (306 \_ 385 ق) علی بن عمر بن احمد بن مهدی بغدادی، معروف به دارقطنی، محدثی رجالی و عالم به فقه الحدیث و علل الحدیث بود. او را یگانه و سرآمد روزگار خود و بازگشتگاه علم اثر و علوم وابسته به آن دانسته اند. (3) آثار دارقطنی بیش از سی عنوان است. کتاب های الإلزامات والتتبع، السنن، المؤلف و المختلف، و العلل، معروف ترند.

خطابی (319 \_ 388 ق) حمد بن محمد بن ابراهیم خطاب بستی، معروف به خطابی، محدث، لغوی و

1- سیر أعلام النبلاء، ج 16، ص 92 \_ 95.

2- همان، ج 16، ص 119؛ تذكرة الحُفَاط، ج 3، ص 912؛ البداية و النهاية، ج 11، ص 270؛ لسان المیزان، ج 3، ص 73.

3- سیر أعلام النبلاء، ج 16، ص 449؛ سنن الدار قطنی، ص 8 \_ 9، مقدمه محقق؛ المؤلف و المختلف، ص 25 \_ 32، مقدمه محقق.

**ابن شاهین (م 385 ق)****حاکم نیشابوری (321 \_ 405 ق)**

عالم به علوم حدیث بود. او را علامه، حافظ، لغت شناس، ثقه و کثیر الحدیث خوانده اند. (1) تألیفات او بسیار است. کتاب های معالم السنن فی شرح سنن ابی داوود، اعلام الحدیث، إصلاح غلط المحدثین، و غریب الحدیث، نمونه هایی معروف از آثار اویند. (2)

ابن شاهین (م 385 ق) ابو حفص، عمر بن احمد بن عثمان بن ایوب بن شاهین، معروف به ابن شاهین، محدث، رجالی و عالم به فنون حدیث. وی موثق در حدیث و عالمی بلند پایه در نقد رجال حدیث بود. (3) معروف ترین تألیفات او عبارت اند از: ناسخ الحدیث و منسوخه، احادیث الأفراد، الأكابر عن الأصغر، التاریخ، الأمالی، و فضائل فاطمة علیها السلام.

حاکم نیشابوری (321 \_ 405 ق) ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه نیشابوری، معروف به ابن بیع و حاکم نیشابوری، محدث، رجالی و عالم به فنون حدیث. وی ثقه، حافظ و یکی از چهار نفری بود که سرآمد و یگانه در سده چهارم و پنجم به شمار آمده اند. (4) حاکم نیشابوری همانند نسایی (م 303 ق) به گرایش به تشیع متهم شد؛ (5) اگرچه دلیل روشنی بر درستی این اتهام دیده نمی شود. وی پرتألیف بود. برای وی 23 اثر نام برده اند، که معروف ترین آنها عبارت اند از: المستدرک علی الصحیحین، معرفة علوم الحدیث، علل الحدیث، الضعفاء، و الأسماء والکُنَى. (6)

1- طبقات الحفاظ، ص 404.

2- سیر اعلام النبلاء، ج 4، ص 252.

3- ناسخ الحدیث و منسوخه، ص 9، مقدمه محقق.

4- معرفة علوم الحدیث، ص 3 \_ 4، مقدمه محقق.

5- همان، ص 4 \_ 6.

6- همان، ص 3؛ المستدرک علی الصحیحین، ص 11 \_ 12، مقدمه محقق.

**ابن حزم ظاهری (384 \_ 456 ق)****بیهقی (384 \_ 458 ق)****ابن عبد البرّ (368 \_ 463 ق)****خطیب بغدادی (392 \_ 463 ق)**

ابن حزم ظاهری (384 \_ 456 ق) ابو محمد، علی بن احمد بن سعید بن حزم، معروف به ابن حزم ظاهری، فقیه، محدّث، اصولی و متکلمی بزرگ و فرزانه بود. (1) وی بیش از صد کتاب در زمینه های مختلف تألیف کرد. دو کتاب الإحکام فی أصول الأحکام در اصول فقه، و المحلّی در کلام و فقه، معروف ترین آثار اویند.

بیهقی (384 \_ 458 ق) احمد بن حسین بن علی خسرو جردی، معروف به بیهقی، محدّث و فقیهی خوش ذوق، فهیم، قانع، زاهد و جامع حدیث و فقه بود. (2) در شمار تألیفات وی، 27 اثر به چشم می خورد که شاید بیش از اینها بوده باشد. السنن الکبری، معرفة السنن والآثار، و شعب الإیمان از آثار معروف اویند. (3)

ابن عبد البرّ (368 \_ 463 ق) یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البرّ نمری اندلسی، معروف به ابن عبد البرّ، محدّث، رجالی و عالم در فقه الحدیث بود. وی را علامه، شیخ الاسلام و «إمام الأئمة» توصیف کرده اند. (4) گویا او نزدیک به بیست کتاب نگاشت. (5) از میان آثار ابن عبد البر، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، و جامع بیان العلم و فضله، شایان ذکر هستند.

خطیب بغدادی (392 \_ 463 ق) احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مهدی بغدادی، معروف به خطیب بغدادی،

1- سیر أعلام النبلاء، ج 18، ص 185 \_ 186.

2- همان، ص 163؛ السنن الکبری، ص 22، مقدّمه محقق.

3- همان جاها؛ شعب الإیمان، ص 14 \_ 17، مقدّمه محقق.

4- سیر أعلام النبلاء، ج 18، ص 153.

5- همان ص 157 \_ 158.

## ابو نعیم اصفهانی (326 \_ 430 ق)

## گونه های تدوین حدیث

## صحیح نگاری

مورّخ، رجالی و عالم به فنون حدیث بود. وی را حافظی بی نظیر و ختم حافظان خواننده اند (1) و در فنون مختلف حدیث، صاحب اثر بود. (2) او بیش از 27 کتاب تألیف کرد. (3) معروف ترین آثار او را چنین می توان نام برد: تاریخ بغداد، الکفایة فی معرفة أصول علم الروایة، آداب السامع و الشیخ، و شرف أصحابه الحدیث.

ابو نعیم اصفهانی (326 \_ 430 ق) احمد بن عبد الله بن اسحاق اصفهانی، معروف به ابو نعیم اصفهانی، محدّث و رجال شناسی ثقه، حافظ و عالی الإسناد بود و بیش از 29 کتاب تألیف کرد. (4) معروف ترین آثار ابو نعیم، عبارت اند از: حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ذکر أخبار إصبهان، کتاب الضعفاء، و طبقات المحدثین.

گونه های تدوین حدیث در این دوره، گونه های متنوعی از تدوین حدیث و آثار حدیثی، در میان اهل سنت، رایج بود. صحیح، مستخرج، مستدرک، امالی، اجزاء، مصنّف، فوائد، مشیخه، اربعین، معجم، سنن، مسند، جامع و...، نمونه هایی متداول بوده اند.

صحیح نگاری صحیح نگاری، معمولاً با عنوان «الصحیح» و گاهی نیز با عنوان هایی مانند «المنتقى» و «المستدرک» دیده می شود. در سده چهارم و پنجم هجری، ده کتاب صحیح به نگارش در آمده است که از آن جمله اند: 1. الصحیح محمد بن اسحاق بن خزیمه بن مغیره نیشابوری شافعی، معروف به ابن

1- همان، ص 269 \_ 270.

2- معرفة علوم الحدیث، ص 3، مقدّمه ابن حجر .

3- آداب السامع و الشیخ، ص 55 \_ 65، مقدّمه محقق .

4- سیر أعلام النبلاء، ج 17، ص 453؛ حلیة الأولیاء، ص 9 \_ 10، مقدّمه محقق .

## معجم نگاری

خزیمه (م 311 ق). بیشتر مطالب این کتاب، نایاب است. (1) 2. الصحیح احمد بن محمد بن حسن نیشابوری معروف به ابن شرقی (م 325 ق)؛ 3. المنتقی محمد بن قاسم بن اصبح بن محمد یوسف بیانی (م 340 ق)؛ 4. الصحیح سعید بن عثمان بن سعید بن سکن بغدادی (م 353 ق). این کتاب به الصحیح المنتقی و السنن الصحاح معروف است. 5. التقاسیم والأنواع که صحیح محمد بن حبان بن احمد بن معاذ تمیمی دارمی بستی، معروف به ابن حبان (م 354 ق) است. اصل این کتاب، نظم و سامان خاصی نداشت، تا این که در سده هشتم، ابو الحسن علی بن بلبان بن عبد الله فارسی حنفی (م 739 ق)، آن را بر حسب ابواب، مرتب کرد. 6. المستدرک علی الصحیحین، اثر مشهور محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه، معروف به حاکم نیشابوری (م 405 ق). از این کتاب، گاهی با عنوان «مستدرک حاکم» نیز یاد می شود. 7. الإلزامات علی بن عمر بن احمد بن مهدی، معروف به داؤقطنی (م 385 ق). این کتاب نیز در حقیقت، مستدرک بر صحیحین (صحیح مسلم و صحیح البخاری) است. 8. المستدرک علی الصحیحین، اثر احمد بن محمد بن عبد الله عفیر انصاری، معروف به ابو ذر عبد (م 434 ق).

معجم نگاری معجم، عنوان کتابی است که احادیث آن، براساس صحابه، شیوخ، شهرها و دسته بندی هایی از این دست، و بیشتر بر حسب حروف الفبا، مرتب شده باشد. (2) در سده

1- الرسالة المستطرفة، ص 20.

2- همان، ج 1، ص 136.

## مستخرج نگاری

## سنن نگاری

چهارم و پنجم، نزدیک به شش معجم تألیف شده است که معروف ترین آنها معجم سلیمان بن احمد طبرانی (م 360 ق) است. این کتاب در سه اندازه، با عناوین المعجم الكبير، المعجم الأوسط والمعجم الصغير نگارش یافته است. (1) سه معجم دیگر عبارت اند از: معجم الصحابة، معجم البلدان و معجم الشيوخ.

مستخرج نگاری مستخرج، در اصطلاح، بر کتابی اطلاق می شود که مؤلف در آن، احادیث کتاب دیگری را با سندهایی غیر از سندهای کتاب اصلی، ذکر می کند. اسانید کتاب مستخرج، باید در یکی از طبقات رجال، با کتاب اصلی یکی باشد. (2) در این دو سده، 21 مستخرج بر دو کتاب صحیح البخاری و صحیح مسلم، به نگارش درآمده که نه مورد آنها، استخراج بر هر دو کتاب اند. (3) بر هر يك از سنن أبي داوود و سنن الترمذی نیز سه مستخرج نوشته شده است. (4)

سنن نگاری کتاب سنن، در اصطلاح محدثان، بر کتابی اطلاق می شود که بر اساس ابواب فقهی، مرتب شده باشد. (5) از کتاب هایی که در دو سده چهارم و پنجم، در این قالب تألیف شده اند، این آثار شایان ذکرند: 1. سنن ابو بکر، احمد بن حسین بن علی بن عبد الله بن موسی بیهقی (م 458 ق). بیهقی کتاب سنن خود را در دو قالب، با عنوان السنن الصغری و السنن الکبری (کبیر) و بر

1- همان، ج 1، ص 137 \_ 138.

2- الرسالة المستطرفة، ص 31 \_ 32.

3- همان، ص 26 \_ 31.

4- همان، ص 30 \_ 31.

5- همان، ص 32.



## جمع نگاری

## مسند نگاری

اساس ترتیب مختصر المزنی تألیف کرد. (1) 2. سنن ابو الحسین، احمد بن عبید بن اسماعیل بصری صفار (زنده در 341 ق)؛ 3. سنن ابو بکر، محمد بن یحیی همدانی شافعی (م 347 ق)؛ 4. سنن ابو بکر، احمد بن علی بن احمد بن محمد همدانی شافعی (م 398 ق)؛ 5. سنن ابو بکر، احمد بن سلیمان بن حسن بن اسرائیل نجاد بغدادی حنبلی (م 348 ق). (2)

جمع نگاری جمع نگاری در این دوره، به جمع کردن صحیح بخاری و مسلم اختصاص دارد. چهار جمع، برای این دو کتاب انجام گرفته است: 1. جمع ابو بکر محمد بن عبد الله بن محمد جوزقی (م 388 ق)؛ 2. جمع ابو مسعود ابراهیم بن محمد بن عبید دمشقی (م 401 ق)؛ 3. جمع ابو بکر احمد بن محمد برقانی (م 425 ق)؛ 4. جمع ابو عبد الله، محمد بن ابی نصر فتوح بن عبد الله بن فتوح بن حمید بن یصل حمیدی اندلسی قرطبی (م 488 ق). (3)

مسند نگاری مسند، عنوان کتابی است که در آن، احادیث هر يك از صحابه، جداگانه و بر اساس حروف الفبا، قبایل و سابقه در اسلام یا شرافت در نسب، ذکر شده باشد؛ چه صحیح و حسن باشد و چه ضعیف. برخی از مسانید، تنها احادیث يك صحابی را در بر دارند، مانند مسند ابی بکر. برخی دیگر، مشتمل بر احادیث شماری

---

1- همان، ص 33.

2- ر.ك: همان، ص 36 \_ 37.

3- ر.ك: همان، ص 73؛ كشف الظنون، ج 1، ص 559 \_ 600؛ الحدیث و المحدثون، ص 430.

## زمینه های حدیثی

## فقه الحدیث

از صحابه اند، مانند: مسانید الأربعة و مسانید العشرة. برخی نیز احادیث گروهی از صحابه را در بر دارند که در يك وصف، مشترك بوده اند، مانند: مسند المقلین و مسند الصحابة الذين نزلوا مصر. (1) در این دوره، بیش از ده مسند تألیف شده است که از آن جمله اند: 1. مسند رویانی، محمد بن هارون رویانی (م 307 ق)؛ 2. مسند ابی حنیفه، از ابو نعیم اصفهانی (م 430 ق)؛ 3. مسند الشامیین، طبرانی (م 360 ق)؛ 4. مسند الشهاب، محمد بن سلامة بن جعفر قضاعی (م 454 ق).

زمینه های حدیثی در دو سده چهارم و پنجم، کتاب های حدیثی در زمینه های گوناگونی تألیف شده اند، مانند: فقه، تفسیر، مصطلح الحدیث، رجال، نقد الحدیث، فقه الحدیث (فهم حدیث)، کلام و اخلاق. در پی، نمونه هایی از این تألیفات را نام می بریم.

فقه الحدیث در این دوره، تألیفاتی در شرح کتاب های حدیثی انجام گرفت. این شرح ها به طور خاص، بر کتب سته به نگارش درآمده اند: 1 و 2. اعلام السنن در شرح صحیح البخاری، و معالم السنن در شرح سنن ابی داوود، هر دو از خطابی (م 338 ق)؛ 3. شرح صحیح البخاری، از ابن بطن مغربی مالکی (م 449 ق)؛ 4. شرح صحیح البخاری، از مهلب بن ابی صفره (م 435 ق)؛ 5. شرح الموطأ، از ابن رشیق قیروانی (م 456 ق)؛

## رجال و شرح حال

## 6. المنتقى در شرح الموطأ، از سليمان بن خلف (م 474 ق). (1)

رجال و شرح حال المعرفی رجال و بیان شرح حال شخصیت ها نیز در این دوره، با عناوین گوناگونی: انجام گرفته است تاریخ، مشیخه، طبقات، ضعفاء، ثقات، معجم، نام ها و کنیه ها، جرح و تعدیل، المؤلف و المختلف، صحابه، رجال و... نزدیک به چهل کتاب با عناوین یاد شده، تألیف شده است. برخی از این کتاب ها به شرح حال عموم شخصیت های تاریخی پرداخته اند و برخی تنها به شرح حال راویان حدیث. نیز شماری از آنها شرح حال عموم رجال حدیث را ذکر کرده اند و برخی دیگر به رجال مربوط به کتاب های خاص، منحصر شده اند. نمونه هایی از این کتاب ها را چنین می توان بر شمرد: 1. ضعفاء العقیلى، از محمد بن عمر بن موسی عقیلی (م 322 ق)؛ 2. الجرح و التعدیل، عبد الرحمن بن ابی حاتم رازی تمیمی (م 327 ق)؛ 3، 4 و 5. الثقات، مشاهیر علماء الأمصار، والمجروحین، هر سه از ابن حبان (م 354 ق)؛ 6. معجم الصحابة، از عبد الباقي بن قانع ابو الحسین (م 356 ق)؛ 7 و 8. الكامل فی ضعفاء الرجال، و من روی عنهم البخاری فی الصحیح، هر دو از ابو احمد عبد الله بن عدی بن عبد الله جرجانی (م 365 ق)؛ 9. طبقات المحدثین یاصبهان، عبد الله بن محمد بن جعفر بن حیّان انصاری (م 369 ق)؛ 10. تاریخ أسماء الثقات، عمر بن ابو حفص واعظ (م 385 ق)؛ 11. ذکر أسماء التابعین و من بعدهم، دارقطنی (م 385 ق)؛ 12. فتح اللباب فی الکنی و الأسماء، ابن منده اصفهانی (م 395 ق)؛ 13. رجال صحیح البخاری، احمد بن محمد بن حسین بخاری کلابادی (م 398 ق)؛

## مصطلح الحديث

14 . تسمية مَنْ أخرجهم البخاری و مسلم، حاکم نیشابوری (م 405 ق)؛ 15 . مشتبه أسامی المحدثین، عیید الله بن عبد الله هروی (م 405 ق)؛ 16 . رجال مسلم، احمد بن علی بن منجویه اصفهانی (م 328 ق)؛ 17، 18 و 19 . حلیه الأولیاء، ذکر مَنْ اسمه مشتبه، و الضعفاء، هر سه از ابو نعیم اصفهانی (م 430 ق)؛ 20 . تاریخ بغداد، از خطیب بغدادی (م 463 ق)؛ 21 . الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، از یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البرّ (م 463 ق)؛ 22 . التعديل و التجريح، ابو الولید سلیمان بن خلف بن سعد باجی (م 474 ق)؛ 23 . الإكمال ابن ماکولا (م 475 ق).

مصطلح الحديث در میان کتاب های مصطلح الحديث این دوره، برخی به اصطلاحات حدیثی به گونه عام پرداخته اند و شماری به برخی از اصطلاحات، اختصاص دارند. در این زمینه، نزدیک به بیست کتاب تألیف شده است. از آن جمله اند: 1 . المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی، حسن بن عبد الرحمان رامهرمزی (م 360 ق)؛ 2 . ناسخ الحديث و منسوخه، ابو حفص عمر بن عثمان بن شاهین (م 385 ق)؛ 3 . شعار أصحاب الحديث، محمد بن احمد بن اسحاق حاکم (م 378 ق)؛ 4، 5 و 6 . معرفة علوم الحديث، المدخل إلى کتاب الإکلیل، و المدخل إلى الصحیح، هر سه از حاکم نیشابوری (م 405 ق)؛ 7 . علوم الحديث، ابو نعیم اصفهانی (م 430 ق)؛ 8 \_ 14 . و هفت اثر از خطیب بغدادی (م 463 ق) به این شرح: الکفاية فی علم الرواية،

## آسیب شناسی و نقد حدیث

### تفسیر و علوم قرآن

تالی تلخیص المتشابه، شرف أصحاب الحدیث، الرحلة فی طلب الحدیث، الفصل للوصل المدرج، موضع أوهام الجمع و التفریق، الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع.

آسیب شناسی و نقد حدیث از جمله آثاری که اهل سنت این دوره، در این زمینه تألیف کرده اند، چنین می توان نام برد: 1. أوهام الحاکم، محمّد بن سعید بن علی ازدی (م 409 ق)؛ 2. علل الحدیث فی کتاب الصحیح، ابو الفضل بن عمّار شهید (م 317 ق)؛ 3. نوادر الأصول فی أحادیث الرسول صلی الله علیه و آله محمّد بن علی بن حسین ابو عبد الله حکیم ترمذی (م 360 ق).

تفسیر و علوم قرآن از تفاسیر مأثوری و دیگر آثار حدیثی مربوط به قرآن، می توان به این آثار اشاره کرد: 1. جامع البیان فی تأویل آی القرآن، طبری (م 310 ق)؛ 2. تفسیر عبد الرحمان بن محمّد بن ادريس رازی، معروف به ابو حاتم رازی (م 327 ق)؛ 3. تفسیر ابن زمینین، محمّد بن عبد الله بن ابی زمینین (م 399 ق)؛ 4. تفسیر الثعلبی، احمد بن محمّد بن ابراهیم ثعلبی (م 427 ق)؛ 5. الناسخ و المنسوخ، ابن حزم ظاهری (م 456 ق)؛ 6 و 7. تفسیر الواحدی و نیز أسباب النزول، از علی بن احمد واحدی نیشابوری (م 468 ق)؛ 8. تفسیر السمعی (م 489 ق)؛ 9. تفسیر شفاء الصدور، ابو بکر محمّد بن حسن بن محمّد بن زیاد بن هارون نقاش (م 351 ق)؛

### اخلاق و آداب و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

10 . معالم التنزیل، ابو القاسم عبد الله بن محمد بن عبد العزيز بَغَوِي (م 317 ق). بغوی صاحب این تفسیر، متقدم بر محی السنه بغوی است و با عنوان «بغوی کبیر» شناخته می شود. (1)

کلامبرخی از آثار حدیثی تألیف شده در باره مسائل کلامی، عبارت اند از: 1 . الأربعین فی دلائل التوحید، عبد الله بن محمد بن علی بن محمد هروی (م 481 ق)؛ 2 . الإیمان ، ابن منده (م 395 ق)؛ 3 . الإعتقاد ، احمد بن حسین بیهقی (م 458 ق)؛ 4 و 5 . رؤیة الله و نیز الصفات، از دار قطنی (م 385 ق)؛ 6 . العظمية، عبد الله بن محمد بن جعفر بن حیان اصفهانی (م 369 ق).

اخلاق و آداب و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در این دو سده، بیش از پانزده کتاب، در زمینه اخلاق و سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تألیف شده است. از آن جمله اند: 1 . فضیلة الشکر لله علی نعمته، محمد بن جعفر بن سهل سامری (م 327 ق)؛ 2 . آداب المجالسة، یوسف بن عبد الله بن عبد البرّ نمری (م 463 ق)؛ 3 و 4 . الزهد الكبير و نیز فضائل الأوقات، از بیهقی (م 458 ق)؛ 5 . القناعة، احمد بن محمد بن اسحاق دینوری (م 364 ق)؛ 6 . أخلاق النبی و آدابه، عبد الله بن محمد بن جعفر بن حبان اصفهانی (م 369 ق)؛ 7 . أعلام النبوة، ابو الحسن علی بن محمد ماوردی (م 450 ق).

## دورنمای حدیث شیعه در سده چهارم و پنجم

## شهرها و مراکز حدیث

## اشاره

دورنمای حدیث شیعه در سده چهارم و پنجمشهرها و مراکز حدیثدر سده چهارم و پنجم، شیعیان بیشتر در توابع و بخش هایی از شهرها زندگی می کردند و کمتر شهری بود که همه یا اغلب ساکنانش شیعه باشند. مهم ترین مناطق شیعه نشین این دوره را می توان چنین بر شمرد: خراسان (مشهد الرضا علیه السلام)، سمرقند، بلخ، ایلاق و فرغانه در ماوراء النهر، بغداد، مکه، مدینه، نیشابور، کوفه، همدان، (1) قم، (2) ری، (3) رقه، (4) اهواز، (5) عمان، هجر، صعده، (6) موصل، (7) نیشابور، (8) جرجان، طبرستان، (9) نواحی دیلم، (10) ارم (به ضم الف و سکون را، از نواحی طبرستان)، (11) بُراثا، (12) کوفه، (13) آوه یا آبه، (14) کاشان، (15) و کرخ. (16) شماری از کتاب ها و رساله های عالمان و محدثانی شیخ صدوق (م 381 ق)،

- 1- ر.ک: کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 4؛ رجال النجاشی، ص 389؛ معانی الأخبار، ص 28\_31، مقدمه محقق.
- 2- معجم البلدان، ج 4، ص 397؛ أحسن التقاسیم، ج 1، ص 267.
- 3- معجم البلدان، ج 3، ص 117.
- 4- أحسن التقاسیم، ج 1، ص 237.
- 5- همان، ص 279.
- 6- همان، ص 105\_106.
- 7- همان، ص 131.
- 8- همان، ص 236.
- 9- همان، ص 245.
- 10- همان، ص 248.
- 11- معجم البلدان، ج 1، ص 157. نام این شهر را «أرم» و «أرم» نیز گفته اند (ر. ک: لغت نامه دهخدا).
- 12- همان، ج 1، ص 362.
- 13- همان، ج 2، ص 352.
- 14- همان، ج 1، ص 50؛ ج 3، ص 179.
- 15- همان، ج 4، ص 296.
- 16- همان، ج 4، ص 448.

شیخ مفید (م 413 ق) (1) و سید مرتضی (م 436 ق)، (2) در پاسخ به پرسش یا درخواست شیعیانی از شهرهای مختلف، تألیف شده است. این گونه آثار، نشان دهنده حضور جمعی هر چند اندک از شیعیان، در آن شهرهاست. گواه دیگری که بر شیعه نشین بودن برخی مناطق، در دست داریم، این است که در این دوره، شمار چشمگیری از محدثان، با چنین عنوان هایی شناخته می شدند: قمی، رازی، بغدادی، مروزی، سمرقندی، نیشابوری، کَشّی، بیهقی، بلخی، بَصْری، جنبلانی، حَرّانی، کوفی و مغربی. مهم ترین مراکز حدیث شیعه در این دو سده، شهرهای قم، ری، بغداد و منطقه خراسان شناخته می شوند. البته خراسان به سان و اندازه قم و ری یا بغداد، مرکز حدیث شمرده نشده است. گو این که شمار محدثان خراسانی، کم نبوده است. شیخ صدوق، «شیخ طائفه» (3) در خراسان خوانده شده است (4) و برخی از کتاب های معروف او \_ مانند: کتاب من لایحضره الفقیه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، کمال الدین و تمام النعمه و الأمالی \_، در خراسان و گاه به درخواست مردم آن دیار تألیف شده. در این باره، باید در نظر داشت که بیشتر محدثان خراسانی \_ مانند: ابو عمر و کَشّی (م 329 ق) و عیاشی سمرقندی (م 320 ق) \_ در بغداد، قم و یا ری رحل اقامت افکندند و آثار آنها گویای تأثیرپذیری مؤلف، از حوزه حدیثی قم است؛ چنان که حضور شیخ مفید در آن دیار نیز می تواند این هماهنگی را نشان دهد. گویا گرایش اجتهادی نیز در خراسان، علاقه مندان فراوانی داشته است. قرینه این گرایش، گزارش نجاشی است که بر پایه آن، مسافران خراسانی در عراق، کتاب فقهی المستمسک بحبل آل الرسول علیهم السلام را

1- ر.ك: المسائل السروية، ص 74؛ مقالات کنگره هزاره شیخ مفید، شماره 66، ص 29.

2- ر.ك: رسائل الشریف المرتضی، ج 1، ص 271.

3- یعنی بزرگ طایفه امامیه، که حاکی از جایگاه والای او، در رهبری و زعامت شیعیان اثنی عشری در این منطقه است.

4- رجال النجاشی، ص 392.



درخواست می کرده اند (1) که از آن ابن عقیل عمّانی (م 329 ق) بود و وی گرایش اجتهادی و عقلی داشت. به هر حال، حوزه حدیثی خراسان را نمی توان حوزه مستقلی در کنار حوزه حدیثی قم و بغداد شمرد.

قمقم که گویا نامش معرب واژه فارسی «کومه» است، (2) به گمان برخی از نویسندگان مسلمان، پس از ورود اسلام به ایران، شهر شده است. (3) نخستین ساکنان مسلمان (عرب) آن، فرزندان سعد بن مالک بن عامر اشعری به نام های عبد الله، احوص، عبد الرحمان، اسحاق و نعیم بودند. آنان در زمان حکومت حجاج بن یوسف، در سال 83 ق، به ناحیه قم آمدند. به قولی، نام قم در اصل، «کَمَنَدان» بود؛ برخی از حروف آن را تغییر دادند، «قم» شد. (4) عبد الله بن سعد که کوفی بود، مذهب تشیع را به قم آورد. (5) در برخی از منابع رجالی شیعه، به اصحاب امامیه نسبت داده شده که آنان ابراهیم بن هاشم را نخستین کسی دانسته اند که حدیث کوفه را به قم آورد. (6) به هر حال، قم در سده چهارم، مهم ترین مرکز حدیث شیعه گشته بود. در گزارشی که در سده چهارم فراهم آمده، از 206 نفر از محدثان قم، نام برده شده است. (7) افزون بر این گزارش، نام های موجود در کتاب های رجالی و فهرست نگاری نیز می توانند گویای شکوفایی و طراوت فعالیت حدیثی در قم باشند. اوصاف «قمی» و «قمی رازی» یا «قمی بغدادی» و مانند اینها، فراوان در این کتاب ها دیده می شود.

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 35 \_ 36.
  - 2- تاریخ قم، ص 5.
  - 3- معجم البلدان، ج 4، ص 397. گفتنی است که آرای مخالف نیز در این باره، فراوان است (ر. ک: تاریخ مذهبی قم، ص 14 \_ 49).
  - 4- معجم البلدان، ج 4، ص 397.
  - 5- همان، ص 398.
  - 6- رجال النجاشی، ص 16.
  - 7- تاریخ قم، ص 18.

## ویژگی های حوزه حدیثی قم

## الف \_ سختگیری در اسناد حدیث

برای نمونه، می توان به کتاب رجال نجاشی (م 450 ق) مراجعه کرد. (1)

ویژگی های حوزه حدیثی قمبراساس پاره ای قرائن در کتاب های حدیث و رجال، در حوزه حدیث قم چند ویژگی، برجسته می نماید:

الف \_ سختگیری در اسناد حدیث در کتب رجال؛ بویژه الضعفاء غضائری (م 411 ق) و رجال نجاشی (م 450 ق)، تعبیر «قمی ها» فراوان به کار رفته و مطالبی به آنان نسبت داده شده است: زعم القمیون، فی عداد القمیین، القمیون اّتهموه، تکلم القمیون فیه، طعن القمیون علیه، استثنی القمیون، ذکره القمیون، ضَعَفَه القمیون، ذکره القمیون و غمزوا علیه، و رموه بالغلو. (2) این گونه عبارت را می توان گویای آن دانست که نویسندگان این کتاب ها، يك طرز تفکر و روش عمومی در ارزیابی حدیث را میان قمی ها می دیده اند. این روش که به طور خاص، بر سخت گیری در اسناد استوار است، در برخی از گزارش های رجالی به روشنی دیده می شود. این گزارش ها در قالب عبارت کلّی «قمی ها»، «مشایخ قم» و گاهی به نام چهره های حدیثی شاخص این حوزه آمده است. به موجب گزارش های یاد شده، گونه اتهام، تساهل و بی مبالاتی در نقل حدیث، انحراف و غلو، فساد در دین، نقل روایت های مرسل، اعتماد بر راویان ناشناخته یا ضعیف، کذب، ارتفاع در قول، تعلیق در اسناد و خلط اسناد یاد شده، بوده است. برای نمونه، قمی ها روایات این گروه را نقل نمی کردند: احمد بن محمد سیّار

1- رجال النجاشی، ص 389، 8، 16، 44 و 123.

2- الضعفاء، غضائری، ص 6، 10، 11، 12، 35، 38، 86، 93، 97، 115، 123، 133، 136؛ رجال النجاشی، ص 329.

**ب \_ اهتمام به اخذ و نقل از راویان اصلی**

معروف به سیاری، (1) محمد بن موسی بن عیسی سمان همدانی، (2) محمد بن احمد جامورانی، مکتنا به ابو عبد الله رازی، (3) و محمد بن عیسی عبید بن یقظین (4) در کتاب نوادر الحکمة ی محمد بن احمد بن یحیی اشعری. چنان که آنها محمد بن اورمه، مکتنا به ابو جعفر قمی را قابل اعتماد نمی دانستند. (5) ابن ولید (م 347 ق) و شاگرد او شیخ صدوق (م 381 ق)، برخی از روایات افرادی را که به آنها اعتماد داشتند نیز، نقل نمی کردند؛ زیرا به برخی راویان روایات آنان، اعتماد نداشتند. شماری از روایات محمد بن احمد بن یحیی بن عمران قمی، (6) روایات کتاب منسوب به خالد بن عبد الله بن سُدیر (7) و دو اصل زید نرسی و زید زَراد، (8) این گونه بوده اند؛ چنان که ابن ولید، به ابن بطّنه قمی مؤدّب اعتماد نداشت. (9) احمد بن محمد بن عیسی با شماری از محدّثان، به يك یا چند علّت از اتهامات یاد شده، با تندی برخورد کرد. از جمله آن محدّثان اند: احمد بن محمد بن خالد برقی، (10) سهل بن زیاد (11) و محمد بن علی بن ابراهیم صیرفی ملقب به ابو سمینه. (12)

ب \_ اهتمام به اخذ و نقل از راویان اصلیگر شیخ صدوق (م 381 ق) نماینده اندیشه و رویکرد حدیثی غالب در قم در نظر

- 1- الضعفاء، ص 40.
- 2- همان، ص 95؛ خلاصة الأقوال، ص 401؛ رجال ابن داوود، ص 476.
- 3- الضعفاء، ص 97؛ الخلاصة، ص 404.
- 4- خلاصة الأقوال، ص 241؛ رجال ابن داوود، ص 275.
- 5- الضعفاء، ص 93؛ رجال النجاشی، ص 329؛ الفهرست، طوسی، ص 220؛ خلاصة الأقوال، ص 397.
- 6- رجال النجاشی، ص 347؛ الفهرست، طوسی، ص 205.
- 7- الفهرست، طوسی، ص 122؛ رجال ابن داوود، ص 244؛ خلاصة الأقوال، ص 344.
- 8- الخلاصة، ص 222\_ 223؛ رجال ابن داوود، ص 100، 146، ش 667.
- 9- رجال النجاشی، ص 263؛ خلاصة الأقوال، ص 160؛ طبقات أعلام الشيعة، ج 1، ص 235\_ 254.
- 10- الضعفاء، ص 39؛ خلاصة الأقوال، ص 14، ش 7.
- 11- الضعفاء، ص 67؛ خلاصة الأقوال، ص 229، ش 2.
- 12- الضعفاء، ص 94؛ رجال ابن داوود، ص 469.

## ج - نص گرایی یا اخباری گری

گرفته شود - که گویا چنین نیز بوده است - ، می توان با جستجو در آثار وی در یافت که او سخت می کوشیده تا حدیث را از راویان اصلی بشنود و با همین انگیزه، به مراکز و شهرهای بزرگ و کوچک، معروف و غیر معروف، و شیعه نشین و سنی نشین سفر کرد. با تتبع در آثار چاپی شیخ صدوق، نمایان می شود که او 252 شیخ حدیث را ملاقات کرده و از آنها حدیث شنیده است. (1) با در نظر گرفتن این نکته که کتاب های یاد شده، حدود پنج درصد آثار شیخ صدوق اند، می توان شمار مشایخ حدیث وی را بیش از این تعداد ارزیابی کرد. شیخ صدوق معمولاً حدیث را با تعبیر «حدَّثنا» نقل می کند که بر سماع (بهترین گونه دریافت حدیث) دلالت دارد، و گاه با تعبیر «أخبرنا» که بر طریق اجازه بدون ملاقات راوی اصلی، دلالت می کند. (2)

ج - نص گرایی یا اخباری گری گویا رویکرد اصلی در حوزه حدیثی قم، گردآوری متن احادیث و دسته بندی آنها بر حسب زمینه ها و موضوعات بود. قرینه این برداشت، آثار به جای مانده از محدثان این دوره است. این آثار در زمینه های مختلف فقهی، کلامی، طب، اخلاق و گاه رجال دیده می شود. با نگاه به کتاب های شیخ صدوق، نماینده اندیشه و رویکرد غالب در قم، این رویکرد هویداست. شیخ صدوق در زمینه های گوناگون، کتاب تألیف کرد. وی در همه این زمینه ها، به نقل روایات بسنده کرده است. زمینه کلام، برجسته ترین موضوع چالشی بوده است و شیخ صدوق کتاب های التوحید، الاعتقادات، کمال الدین و تمام النعمة و ... را در این راستا تألیف کرد. وی روایاتی را نقل کرده که به موجب آنها، نباید در امر دین و خدا، به جدل و کلام (بحث عقلی) روی آورد. (3)

1- ر.ک: معانی الأخبار، ص 37\_ 68 مقدمه محقق؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن بابویه».

2- معرفة الحديث، ص 35.

3- التوحید، ص 454\_ 461؛ الاعتقادات، ص 42\_ 44.

ری‌ری در سده های نخست دوره اسلامی، شهری آباد و بزرگ بوده و گویا در سده هفتم، به خرابه ای تبدیل شده است. (1) اهل ری تا سده سوم، بر مذهب سنت و جماعت بودند. در اواخر سده سوم به سال 275 ق، احمد بن حسن ماردانی (مادرانی / مادرایی) بر ری غالب شد و مذهب تشیع را در آن جا آشکار کرد. وی به شیعیان احترام گذارد و شیعیان نیز او را تکریم کردند. عبد الرحمان بن ابی حاتم نیز کتابی در فضائل اهل بیت علیهم السلام نگاشت و آن را به ماردانی تقدیم کرد. (2) پیش از مادرانی هم شیعیانی در ری زندگی می کردند؛ اگرچه شمار آنها اندک بود، مانند: حضرت عبد العظیم حسنی از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام و نیز شماری از محدثان که در کتب حدیث و رجال، به رازی شناخته می شوند. به موجب برخی گزارش ها، نام 25 نفر از اهل ری، در اسناد احادیث کتب اربعه ذکر شده است. (3) نیمی از اهل ری در سده چهارم، شیعه بودند و این میزان، در سده پنجم افزایش یافت. مذاهب فقهی حنفی و شافعی از اهل سنت، نیم دیگر جمعیت ری را تشکیل می دادند. (4) از اندیشه وران اهل سنت این دوره در ری، می توان از این افراد یاد کرد: ابو بکر محمد بن زکریای رازی حکیم (م 311 ق)؛ محمد بن عمر بن هشام، ابو بکر رازی، معروف به قماطری؛ عبد الرحمان بن محمد بن ادریس و ابو محمد بن ابی حاتم رازی، صاحب کتاب الجرح و التعديل. (5) شهر ری در سده چهارم، در کنار قم، مهم ترین مرکز حدیث شیعه بود. در این

1- معجم البلدان، ج 3، ص 116 \_ 117.

2- همان، ص 121.

3- تشیع در ری، ص 21 \_ 22.

4- معجم البلدان، ج 3، ص 120.

5- همان جا.

## بغداد

## اشاره

شهر، ده‌ها محدث نامدار زندگی می‌کردند و ده‌ها کتاب در زمینه‌های مختلف، از آنها به یادگار مانده است. در اهمیت این شهر از دیدگاه حدیث پژوهی، همین بس که صاحبان دو کتاب از کتب اربعه حدیثی شیعه، اهل ری یا ساکن در ری بوده‌اند. رویکرد حدیثی حوزه ری، به سان رویکرد قم بود.

بغداد برخی متذکر شده‌اند که واژه «بغداد»، معرب «باغ دادویه» است. در وجه آن گفته شده که بخشی از رقاع بغداد، باغی متعلق به فردی پارسی با نام دادویه بود. به تدریج «باغ دادویه» به «بغداد» تغییر یافت. (1) بنیان‌گذار بغداد، منصور خلیفه دوم عباسی بود. وی بنای آن را در سال 145 ق، آغاز کرد و در سال 149 ق، در آن جا مستقر شد. (2) در میان پیروان مذاهب اسلامی ساکن بغداد، شیعه و حنابله در اکثریت قرار داشتند. (3) کرخ از میان محلات بغداد، اختصاص به شیعیان داشت. (4) به قرینه حضور تواب خاص امام زمان علیه السلام و بسیاری از محدثان، فقیهان، متکلمان و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، بغداد در سده چهارم و پنجم، از رونق علمی و حدیثی شایان توجهی برخوردار بود. این شهر در سده چهارم و بویژه پنجم، مهم‌ترین مرکز حدیث شیعه بود. در این شهر در دوره یاد شده، ده‌ها محدث شیعی زندگی می‌کردند که کتاب‌های بسیاری یادگار آنهاست. دو کتاب \_ و از نگاهی سه کتاب \_ از کتب اربعه شیعه، در این شهر نگارش یافته است.

1- همان، ج 1، ص 456.

2- همان، ص 457؛ أحسن التقاسیم، ج 1، ص 120.

3- أحسن التقاسیم، ج 11، ص 333.

4- معجم البلدان، ج 4، ص 448.

## ویژگی های حوزه حدیثی بغداد

ویژگی های حوزه حدیثی بغداد دو ویژگی برجسته حوزه حدیث بغداد، تصحیح و تعدیل اندیشه اخباری گری و نقد محتوایی حدیث است. این ویژگی ها در برابر نقد اسنادی و نص گرایی یا اخباری گری قمی ها، شایان توجه اند. چنان که فرد شاخص حوزه حدیثی قم، شیخ صدوق بود، فرد شاخص حوزه حدیثی بغداد، شیخ مفید (م 413 ق) و دو شاگردش سید مرتضی (م 436 ق) و شیخ طوسی (م 460 ق) شناخته می شوند. قمی ها با عنوان متعلقین بالأخبار، (1) اصحاب الحدیث، (2) المتمسکین بالأخبار (3) و اخباریان (4) یاد شده اند. اگرچه شیخ مفید و سید مرتضی، مطلب یاد شده را به صراحت به قمی ها نسبت نداده اند؛ ولی به قرینه ذکر این عبارت در کتاب تصحیح الاعتقاد \_ که به نقد آرای کلامی شیخ صدوق پرداخته \_ و نیز تکیه سید مرتضی بر عقل در تبیین اعتقادات و احکام (5) در نقد رویکرد حدیثی قمی ها، مراد از آن را می توان قمی ها دانست. ویژگی این گروه در نگاه شیخ مفید، آن است که هر حدیثی را که می شنوند، می پذیرند؛ در سند آن نمی نگرند؛ حق و باطل آن را تشخیص نمی دهند؛ به لوازم و پیامدهای آن نمی اندیشند و به معانی آن نیز واقف نمی شوند. (6) گویا اتهام کم توجهی یا بی توجهی به اسناد حدیث، درباره قمی ها؛ بویژه چهره های شاخص و معروف قم، اساس محکمی ندارد؛ زیرا همان گونه که گذشت و به موجب گزارش های رجالی، سیره حدیثی قمی ها؛ بویژه احمد بن عیسی، ابن ولید

1- تصحیح الاعتقاد، ص 88.

2- مصادر الاستنباط، ص 53.

3- همان جا.

4- الفوائد المدنیة، ص 40؛ مصادر الاستنباط، ص 52.

5- اندیشه های کلامی شیخ مفید، ص 319.

6- تصحیح اعتقاد، ص 48 \_ 50 و ص 88.

## شیوه های انتقال و آموزش حدیث

## 1. املاء

و شیخ صدوق، سخت گیری در اسناد بود. به قرینه گونه نقد حدیث توسط شیخ مفید و سید مرتضی، دانسته می شود که آنها بر نقد محتوایی تکیه داشتند. یکی از موارد اختلاف قمی ها با بغدادی ها، مسئله سهو و نسیان پیامبر صلی الله علیه و آله بود. قمی ها به موجب ظاهر روایاتی چند، از پذیرش «سهو النبی» سخن می گفتند. (1) در برابر، بغدادی ها، با رویکرد عقل گرایانه و نقد محتوایی حدیث، از عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و علم کامل ائمه علیهم السلام سخن می گفتند. قمی ها بغدادی ها را به «غلو»، و بغدادی ها قمی ها را به «تقصیر» متهم می کردند. (2) مبنای بغدادی ها در نقد اخبار، این بود که باید آن را با سنجه قرآن، سنت قطعی، اجماع و دلایل عقلی ارزیابی کرد. آنان معتقد بودند که حدیث، نباید مخالف معیارهای یاد شده باشد. (3)

شیوه های انتقال و آموزش حدیث شیوه انتقال و آموزش حدیث در این دو سده، متنوع دیده می شود. گویا سه شیوه، بیشتر رایج و معمول بود: املا، اجازه و تألیف.

1. املاء-املاء، بر این شیوه انتقال و آموزش حدیث اطلاق می شود که شیخ، احادیث را از بر یا از روی کتاب بخواند و شاگردان آن را بنگارند. صورت مکتوب این احادیث به گونه سامان یافته، «امالی» نامیده می شود. کتاب امالی، بر پایه مجالس سامان می یابد و بر همین اساس، «مجالس» یا «عرض المجالس» نیز خوانده می شود.

1- تصحیح الاعتقاد، ص 135 \_ 136.

2- همان جا؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 359؛ أوائل المقالات، ص 65 و 171 \_ 172.

3- أوائل المقالات، ص 184 \_ 185؛ المقنعة، ص 660؛ تصحیح الاعتقاد، ص 149؛ عدّة الاصول، ج 1، ص 367 \_ 368؛ الاستبصار، ج 1، ص 3 \_ 4.



**2. اجازه**

اعتبار امالی، در اندازه و ردیف اصل است؛ چراکه در امالی نیز مانند اصل، احتمال و میزان سهو و غلط و نسیان اندک است؛ بویژه هنگامی که شیخ احادیث را از روی کتابی بخواند که تصحیح کرده؛ یا اگر از بر می خواند، به حافظ، ضابط و متقن بودن او اطمینان و وثوق وجود داشته باشد. (1) نه تنها در سده چهارم و پنجم، که در سده های پیشین نیز شیوه املا، شیوه ای متداول در انتقال حدیث بود: به موجب برخی گزارش ها، پیشینه املا به عصر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رسد. (2) در این دو سده، بیش از ده کتاب امالی نگارش یافته است.

2. اجازهاجازه، یکی از راه های دریافت و نقل حدیث است. این طریق در اصطلاح، عبارت است از اذن کتبی ای که به موجب آن، شیخ به کسی که بدو اطمینان دارد، اجازه می دهد که آنچه را به او گفته یا بر او قرائت کرده یا در کتب حدیث آمده، نقل کند. اجازه، معمولاً کتاب ها و مصنفات و ذکر مشایخ اجازه دهنده و مشایخ هر يك از آن مشایخ را در هر طبقه تا معصوم علیه السلام در بر می گیرد. اجازه می تواند مختصر، مفصل و یا در اندازه ای میان این دو باشد. اجازه مفصل، کتابی مستقل شناخته می شود و اسم و عنوان خاصی نیز دارد. بر اجازه متوسط \_ که مشتمل بر ذکر پاره ای از طرق و مشایخ مجیز است \_، «رسالة الإجازة» و بر اجازه مختصر، «اجازه» اطلاق می شود. شیوه اجازه، شیوه ای متعارف در میان اهل علم بود و پیشینه آن به عصر معصومان علیهم السلام می رسد. پیشینیان، اجازه را «مشیخه» می نامیدند؛ چرا که در آن، به ذکر مشایخ حدیث می پرداختند و از میان احادیثی که از آن مشایخ روایت کرده اند نیز يك حدیث می آوردند. (3)

1- الذریعة، ج 2، ص 305 \_ 306.

2- همان جا.

3- همان، ج 1، ص 131؛ مقدمه ابن صلاح، ص 134 \_ 136؛ الباعث الحثیث، ج 1، ص 347؛ التقیید و الإیضاح، ص 180 \_ 189؛ تدریب الراوی، ج 28، 2؛ علم الحدیث، ص 174.

**3. تألیف**

اجازه، ارزش تاریخی، رجالی دارد. این ارزش یا فایده، در چهار زمینه آشکار می شود: 1. اتّصال اسانید 2. آگاهی از نام، نسب، کنیه و لقب راویان و مشایخ اجازه دهنده و کسانی که وی احادیث را بر آنان خوانده است. 3. شناخت پاره ای از اوصاف و احوال راویان، مانند: شهادت مشایخ برای شاگردان و شهادت شاگردان برای مشایخ که تأثیری اساسی در قبول روایت از آنها و کسب وثوق و اطمینان به آنان دارد. 4. شناخت عصر راویان و زمان و مکان تحمّل احادیث توسط آنها و شناخت برخی از معاصران آنها و بازشناسی افرادی که در طبقه آنها قرار دارند. (1) در تاریخ حدیث شیعه، عدّه ای جایگاه مشایخ اصلی اجازه را پیدا کردند و از آنها به سلسله جنبانان و کسانی که سلسله اجازات به آنها پایان می یابد، یاد شده است. این افراد که دوازده نفرند و همگی در سده چهارم و پنجم زندگی می کردند، عبارت اند از: ابو الفتح کراچکی (م 449 ق)، ابو العباس یا ابو الحسن نجاشی (م 450 ق)، ابو جعفر طوسی (م 460 ق)، شریف رضی (م 406 ق)، شریف مرتضی (م 436 ق)، شیخ مفید (م 413 ق)، ابو القاسم جعفر بن قولویه قمی (م 367 ق)، شیخ صدوق (م 381 ق)، ابن ابی زینب کاتب نعمانی (م 345 ق)، ثقة الاسلام کلینی (م 329 ق)، ابن بابویه قمی (م 329 ق) و ابو عمر کشّی (م 329 ق).

3. تألیفتألیف به معنای نگارش کتاب در باره یک موضوع یا در یک یا چند زمینه از دانش های اسلامی است. در این دو سده، شیوه غالب در انتقال و آموزش، همین شیوه بوده است.

## گونه های تألیفات حدیثی

### 1. قُرب الإسناد نگاری

عالمان و محدثان، براساس نیازهای فکری، اجتماعی، فرهنگی و...، و گاه در مقام پاسخ به پرسش هایی که از آنها می شد، به تألیف کتاب پرداخته اند.

گونه های تألیفات حدیثی در این دو سده، گونه های حدیثی رایج در حوزه شیعه، با آنچه در حوزه اهل سنت دیده می شود، تفاوت هایی دارد. این تفاوت ها از سه جنبه تنوع، تعداد و نوع گونه، شایان توجه است. در حوزه اهل سنت هم تنوع گونه ها زیادتر است و هم شمار کتاب ها. به لحاظ نوع گونه، در حوزه شیعه گونه هایی یافت می شود که گویا اهل سنت، توجه چندانی جدی ای به آن نکرده اند. از جمله این گونه ها نگارش کتاب جامع و قرب الاسناد است. اگرچه قول به نپرداختن اهل سنت به این گونه ها، دور از ذهن می نماید؛ چرا که اهل سنت پیش و بیش از شیعه، به تدوین حدیث و آثار حدیثی پرداختند؛ بویژه در دو جنبه گونه و زمینه.

1. قُرب الإسناد نگاری قرب الإسناد، در برابر بُعد الاسناد، بر حدیث و کتاب هر دو، اطلاق می شود. حدیث قرب الاسناد، حدیثی است مسند که واسطه های آن تا معصوم علیه السلام کم باشد. کتابی هم که مشتمل بر این حدیث ها باشد، قرب الاسناد نامیده می شود. پیشینیان به این گونه حدیث، عالی السند نیز می گفتند. به دست آوردن احادیث قرب الاسناد، کاری به غایت دشوار بود؛ زیرا محدث برای این کار می بایست سفرها و راه های دراز و پرمشقت را در پیش بگیرد تا به راوی ای برسد که از دیگران به معصوم نزدیک تر است. نزدیک به پنج کتاب قرب الاسناد، در این دو سده تألیف شده است. 1. قرب الإسناد عبد الله بن جعفر حمیری (م 307 ق) معروف به شیخ قمی ها و مکتبا

به ابو العباس (1) و فرزند او محمد بن عبد الله بن جعفر بود. (2) گویا حمیری این کتاب را براساس اسانید عالییه به هر امام، جداگانه سامان داده بود. قرینه این مطلب، اشاره به قرب الاسناد به امام کاظم و امام رضا علیهما السلام در رساله ی ابو غالب زراری (م 358 ق)، قرب الاسناد به امام صادق (3) و قرب الاسناد به امام رضا، امام جواد و صاحب الامر علیهم السلام است. (4) بخشی از این کتاب که باقی مانده، قرب الاسناد به امام صادق علیه السلام است. محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) نیز در تألیف بحار الأنوار، از این کتاب استفاده کرده و نسخه ای از آن را به خط ابن ادریس حلّی (م 587 ق)، در اختیار داشته است. چندین نسخه با همان خط را آقا بزرگ تهرانی (م 1374 ق) نیز معرفی کرده است. (5) 2. قرب الإسناد علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م 327 ق) صاحب تفسیر القمی. (6) این کتاب نایاب است. 3. قرب الإسناد علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م 329 ق) پدر شیخ صدوق (م 381 ق). (7) به موجب گزارش احمد اردبیلی معروف به مقدّس اردبیلی، در کتاب حدیقة الشیعة، و میر محمد اشرف (م 1103 ق) در کتاب فضائل السادات، این کتاب تا سده یازده نیز در دسترس بوده است. (8) 4. قرب الإسناد محمد بن جعفر بن بطّه مؤدّب قمی؛ 9

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 7؛ الذریعة، ج 17، ص 68.

2- مستطرفات السرائر، ص 624.

3- الذریعة، ج 17، ص 69.

4- رجال النجاشی، ص 220.

5- رجال النجاشی، ص 260.

6- همان، ص 261.

7- الذریعة، ج 17، ص 70.

8- رجال النجاشی، ص 273.

**2. مُسندنگاری**

5. قرب الإسناد محمّد بن ابی عمران موسی بن علی بن عبدویه. (1) نجاشی وی را دیده ولی موفق به شنیدن حدیث از او نشده است.

2. مُسندنگاری مُسندنگاری در حوزه شیعه، آن گونه که در حوزه حدیثی اهل سنت رواج داشته، در این دوره معمول نبوده است. شاید این کم توجهی، بدان جهت بوده که آنان آن اعتماد و ارادتی را که اهل سنت به صحابیان نشان می دادند، نداشتند. کمتر از ده مسند، در مصادر کتاب شناسی و رجالی شیعه ذکر شده است. این تعداد توسط محدّثان امامی و گاه غیر امامی و عامی ای که از امامان روایت کرده اند، تألیف شده اند: 1 و 2. مسند امیر المؤمنین علیه السلام و مسند عبد الله بن عباس، تألیف عبد العزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی از دی بصری، مکتباً به ابو احمد (م 332 ق)؛ (2) 3. مسند ابی نواس و جحا و أشعب و بهلول و جَعْفَران و ما رووا من الحدیث، تألیف فارس بن سلیمان ابو شجاع از جانی (سده چهارم) که شیخ اصحاب امامیه و «کثیر الأدب و الحدیث» بود؛ (3) 4 و 5. مسند عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام و کتاب أخبار علی بن حسین علیهما السلام، تألیف محمّد بن عمر بن محمّد بن سالم، معروف به جَعابی؛ (4) 6. مسند عبد الله بن بکیر بن أعین، تألیف احمد بن محمّد بن سعید بن عبد الرحمان، معروف به ابن عقده (م 333 ق) که تا پایان عمر، بر مذهب زیدی جارودی بود؛ (5)

1- همان، ص 397.

2- همان، ص 240؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 136.

3- رجال النجاشی، ص 310.

4- رجال النجاشی، ص 395.

5- همان، ص 94؛ فهرست، طوسی، ص 73.

## 3. نوادرنگاری

7. مسند أمير المؤمنين عليه السلام يعقوب بن شيبه که بر مذهب اهل سنت بود؛ (1) 8. مسند خلفاء بنی عباس، تألیف عبید الله بن ابی زید احمد بن یعقوب بن نصر أنباری (م 356 ق). وی را «شیخ اصحاب» و موثق در حدیث خوانده اند. (2) اگر بر لفظ مسند توقف نشود و دامنه آن به همه روایات يك صحابی یا امام محدود نگردد، و به دیگر سخن، اگر کتاب هایی که درباره يك موضوع با دسته بندی احادیث هر يك از صحابه و معصومان نگارش یافته اند نیز مسند نامیده شوند، می توان کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق (م 381 ق)، کفایة الأثر خزّاز قمی (م 401 ق) در امامت امامان دوازده گانه، و دو کتاب جامع الأحادیث و علیّ خیر البشر ابن رازی (م 383 ق) را نیز در این شمار یاد کرد.

3. نوادرنگاری باصطلاح «نوادری»، عنوان گونه ای از تألیفات حدیثی است که باید آن را مربوط به حوزه حدیث شیعه دانست؛ زیرا در حوزه اهل سنت، بسیار این عنوان، بسیار اندک دیده می شود و شاید کتاب نوادر الأصول فی أحادیث الرسول صلی الله علیه و آله، تألیف حکیم ترمذی (م 360 ق)، تنها نمونه آن باشد. معنای این واژه در اصطلاح محدّثان سده چهارم و پنجم، چندان روشن نیست و گویی وضعیت آن، مانند کلمه «اصل» است. این ابهام، در مصادر کتاب شناسی به خوبی نمایان است. برای نمونه، در بسیاری از موارد، نجاشی عنوان «نوادری» را برای نوشته ای به کار برده که شیخ طوسی همان را با عنوان «کتاب» ذکر کرده است. مواردی که هر دو کتاب شناس یاد شده، عنوان نوادری را برای اثری به کار برده باشند، کمیاب است. برخی، نوادری را به معنای مجموعه احادیث غیر مشهور، یا احکام غیر متداول و

1- الفهرست، طوسی، ص 265.

2- رجال النجاشی، ص 232 \_ 233.

استثنای دانسته اند. (1) محدّث نوری (م 1332 ق) متذکّر شده که ابواب «نوادِر» و «زیادات»، به مثابه مستدرک برای سایر ابواب کتاب اصل است. باب نوادر کتاب کامل الزیارات، نوادر کتاب من لا یحضره الفقیه، باب زیادات المقنعة، و باب نوادر و زیادات تهذیب الأحکام، این گونه اند. ابن قولویه، شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی، احادیث مناسبی را که پس از پایان یافتن چینش ابواب کتاب، پیدا کرده اند، در باب زیادات یا نوادر آورده اند. (2) کتاب نوادر، گاه به عنوان بخش پایانی یک کتاب و گاه در چهره کتابی مستقل، مطرح شده و نام آن نیز به هر دو صورت مطلق و مضاف، به کار رفته است. آقا بزرگ تهرانی در میان آثار بزرگان شیعه، نزدیک به دوپست کتاب نوادر را نام کرده است. (3) نمونه ای از این کتاب ها را چنین می توان نام برد: 1. نوادر احمد بن ادریس بن احمد اشعری قمی (م 306 ق)؛ 2. نوادر احمد بن داوود بن علی قمی (م 368 ق)؛ 3. نوادر جعفر بن حسین بن شهریار قمی (م 340 ق)؛ 4. نوادر جعفر بن محمّد بن قولویه (م 368 ق)؛ 5 و 6. نوادر و نوادر الفقه حسین بن عبید الله بن غضائری (م 411 ق)؛ 7. نوادر حمید بن زیاد (م 310 ق)؛ 8. نوادر محمّد بن عبد مؤمن مؤدّب قمی؛ 9 \_ 13. نوادر، نوادر الطبّ، نوادر الصلاة، نوادر الفضائل، و نیز نوادر الوضوء، همگی از شیخ صدوق؛ 14. نوادر محمّد بن علی بن عثمان کراچکی (م 449 ق)؛

1- الذریعة، ج 24، ص 316.

2- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 6، ص 412.

3- الذریعة، ج 24، ص 316 \_ 349.

**4. جامع نگاری**

15. نوادر الأثر بعليّ خير البشر، از جعفر بن احمد بن علي قمی (معاصر شیخ صدوق)؛ 16. نوادر الأخبار علی بن عبد الرحمان بن عیسی قنانی کاتب (م 413 ق)؛ 17. نوادر صید هُرثی، از نظام الدین ابو الحسن سلمان بن حسن صهرشتی (م 472 ق)؛ 18. نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة، از ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم آملی طبری کحی صغیر (معاصر شیخ صدوق)؛ 19. نوادر الیقین و بصیرة العارفين ابن جنید اسکافی.

4. جامع نگاری در این دوره، کتاب هایی نیز با عنوان «جامع»، تألیف شده است. این عنوان، گاه به طور مطلق و گاه مضاف، به کار رفته است. گویا مراد از جامع به گونه مطلق، کتابی بوده که همه زمینه ها و آموزه های حدیثی را در بر گرفته باشد، و مراد از آن به گونه مضاف، کتابی بوده که روایات آن، همگی در یک زمینه باشند. شمار کتاب هایی که در سده چهارم و پنجم، با عنوان جامع به نگارش درآمده، به بیش از ده کتاب می رسد. (1) از آن جمله اند: 1. الجامع فی الحدیث، ابو محمد حسن بن احمد بن محمد بن هیثم عجلی رازی. ابن هیثم عجلی از شیخ صدوق، گاه بدون واسطه و گاه با واسطه برادر او حسین بن علی، روایت می کند. نجاشی متذکر شده که او را درک کرده است. 2. الجامع فی الحدیث، سید شریف حسن بن حمزة بن عبد الله بن علی مرعش (م 358 ق)، که معروف به ابو محمد طبری مرعشی بوده است. 3. الجامع فی الحدیث، محمد بن احمد بن یحیی. به گفته ابن طاووس (م 646 ق) در



**5. مُسَلِّس نِگاری**

کتاب الإقبال، شیخ صدوق در کتاب المرشدش در آداب روز بیست و پنجم ماه رجب، از آن روایت کرده است. شاید مؤلف کتاب الجامع، محمد بن احمد بن یحیی اشعری، صاحب نوادر الحکمة باشد و چه بسا مراد از الجامع، همان النوادر باشد که شیخ صدوق آن را از استاد خود، ابو علی احمد بن محمد بن یحیی عطار نقل کرده است. 4. الجامع فی الحدیث، ابو جعفر محمد بن حسن بن احمد بن ولید، معروف به ابن ولید (م 347 ق). این کتاب، یکی از منابع کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق (م 381 ق) بوده است. (1) شیخ طوسی نیز در کتاب تهذیب الأحکام، زیارت امام رضا علیه السلام را از این کتاب، با عنوان الجامع، نقل کرده است. ظاهر عبارت سید بن طاووس (م 664 ق) در کتاب الإقبال، گویای آن است که وی کتاب الجامع ابن ولید را در اختیار داشته است \_ چرا که وی در بحث نوافل ماه رمضان، آورده است: «روی عبد الله الحلبي في كتاب له و ابن الوليد في جامعه» \_ ؛ چنان که گویا این کتاب در عصر محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) نیز موجود بوده است. 5. جامع الأحادیث النبویة، از ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی رازی. وی معاصر شیخ صدوق (م 381 ق) بود و هر دو، از یکدیگر نقل کرده اند. شیخ صدوق در کتاب های التوحید و معانی الأخبار خود، از ابن رازی روایت نقل کرده، چنان که ابن رازی نیز تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام را از شیخ صدوق روایت کرده است.

5. مُسَلِّس نِگاری عنوان «مسلسل» بر گونه ای خاص از حدیث اطلاق می شود. در این گونه خاص \_ که ناظر به اسناد حدیث است \_ ، راویان در يك حالت (مانند تبسم یا تختّم به یمین) گفتار یا نام، اشتراك دارند. مسلسلات نیز عنوان کتابی است که این گونه احادیث را در

## زمینه های تألیفات حدیثی

بر دارد. (1) چنین تسلسلی، در اعتبار حدیث هیچ نقشی ندارد؛ ولی خالی از فایده هم نیست. برخی دو فایده برای آن ذکر کرده اند: یکی اقتدا به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در عمل او، و دیگری اتصال روایت و دوری از ارسال و تقطیع در اسناد آن. (2) تألیف کتاب با عنوان «المسلسلات»، بیشتر در حوزه اهل سنت مطرح است و گویا تنها کتابی که با این عنوان در حوزه شیعه نگارش یافته، المسلسلات ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی رازی است که معاصر شیخ صدوق (م 381 ق) بوده است. کتاب المسلسلات با همین عنوان و یا با عنوان الأخبار المسلسلة، تنها در منابع حدیثی و کتاب شناسی متأخر به ابن رازی نسبت داده شده است. (3) از میان احادیث این کتاب، علمای شیعه به حدیث مسلسل به فواطم، توجه فراوان کرده اند. (4) این کتاب، از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.

زمینه های تألیفات حدیثی تألیفات حدیثی سده چهارم و پنجم، دامنه گسترده ای از جهت زمینه بحث دارند. قلمرو این گستردگی، دانش ها و زمینه های موجود در متون حدیثی یا مسائل ملهم از آن، و نیز دانش های مربوط به حدیث است. فقه، کلام، اخلاق و آداب، فضایل و مناقب، دعا و زیارت، تاریخ و سیره، طب، رجال، کتاب شناسی، تفسیر، فقه الحدیث، مصطلح الحدیث و نقد الحدیث، مهم ترین زمینه های تألیفات این دو سده را تشکیل می دهند.

- 1- الإقتراح فی بیان الإصطلاح، ج 1، ص 19 \_ 20؛ تدریب الراوی، ج 2، ص 168؛ توضیح الأفکار، ص 248.
- 2- الإقتراح فی بیان الإصطلاح، ج 1، ص 19 \_ 20؛ توضیح الأفکار، ج 2، ص 415 \_ 416.
- 3- بحار الأنوار، ج 1، ص 19؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 107؛ الذریعة، ج 21، ص 21.
- 4- أعیان الشیعة، ج 4، ص 83؛ الفوائد الرضویة، ص 59.

## فصل دوم : محدثان شیعه در سده چهارم

## 1. خضیب ایادی (م ح 312 \_ 350 ق)

## اشاره

فصل دوم : محدثان شیعه در سده چهارم سده چهارم، مهم ترین دوره در تاریخ حدیث شیعه به شمار می آید. در این سده، حوزه های حدیثی در قم، ری، بغداد و سایر شهرها، بسیار فعال و پر نشاط بوده اند. بیش از پنجاه نفر از محدثان شیعه که میراث بان حدیث شیعه شناخته می شوند، در این دوره زندگی می کرده اند. به همین نسبت، کتاب های بسیاری نیز در قلمرو حدیث و علوم مرتبط با آن تألیف شدند که بیشترشان کتاب های مادر و اصلی به شمار می آیند. ثقة الاسلام کلینی و شیخ صدوق، برجسته ترین محدثان این دوره، و دو کتابشان، الکافی و کتاب من لایحضره الفقیه، برجسته ترین آثار حدیثی این دوره شناخته می شوند. در این فصل، از میان محدثان امامیه سده چهارم، کسانی که مؤلف نیز بوده اند، به ترتیب تاریخ تقریبی درگذشتشان معرفی می شوند.

1. خضیب ایادی (م ح 312 \_ 350 ق) احمد بن علی رازی، معروف به خضیب ایادی؛ محدث. کنیه او به اختلاف، ابو العباس (1) و ابو علی ذکر شده است. (2) جزئیات زندگی وی، روشن نیست. به قرینه مشایخ و راویان خضیب ایادی، می توان حدس زد که وی در یکی از سال های بین 312 تا 345 یا 350 ق، در مصر فوت شده است. خضیب ایادی متهم به ارتقا و غلو

1- رجال النجاشی، ص 97.

2- الفهرست، طوسی، ص 76؛ معالم العلماء، ص 54.

**2. ابن بَطَّه قمی (م ، نیمه نخست سده 4 ق)****اشاره**

بود (1) و گویا به همین علت نیز تضعیف شده است. (2) محمد جعفر اسدی (م 312 ق) و احمد بن ادريس قمی (م 306 ق) ، مشایخ حدیث او بودند، و محمد بن احمد بن داوود قمی (م 368 ق) و ابو محمد هارون بن موسی تَلْعُكْبَرِي (م 385 ق)، از وی روایت کرده اند. (3) به قرینه مشایخ و برخی از راویان، حضور و سکونت دراز مدت وی در قم، قوی می نماید.

تألیفات آثار نایاب: 1 . کتاب الفرائض ، 2 . کتاب الآداب. اثر چاپی: 3 . الشفاء و الجلاء فی الغیبة. (4)

2 . ابن بَطَّه قمی (م ، نیمه نخست سده 4 ق) محمد بن جعفر بن احمد، مکتباً به ابو جعفر و معروف به ابن بَطَّه قمی و مؤدب قمی؛ محدث. سال وفات او دانسته نیست؛ ولی به دو قرینه، می توان حدس زد که وی در نیمه نخست سده چهارم از دنیا رفته است: یکی مشایخ وی \_ همچون احمد بن ابی عبد الله برقی (م 280 ق) و محمد بن حسن صفار (م 290 ق) \_ و دیگری راویان او \_ همانند حسن بن حمزه علوی، معروف به مرعش (م 356 ق) و ابو مفضل شیبانی (م 383 ق) \_ . (5) ابن بَطَّه در قم می زیست؛ ولی مدتی نیز در بغداد ساکن شد و تنی چند، از او حدیث شنیدند و اجازه روایت گرفتند. (6) ابن بَطَّه در اسناد بسیاری از طرق رجال

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 97؛ الرجال ، ابن غضائری، ص 18؛ الفهرست ، طوسی، ص 76؛ رجال الطوسی، ص 416.
  - 2- الرجال ، ابن غضائری، ص 18؛ رجال النجاشی، ص 97؛ الفهرست ، طوسی، ص 76.
  - 3- الغیبة، طوسی، ص 133؛ جمال الأسبوع، ص 301؛ الذریعة، ج 14، ص 202.
  - 4- رجال النجاشی، ص 97؛ الفهرست ، طوسی، ص 76؛ معالم العلماء، ص 54؛ خلاصة الأقوال، ص 322.
  - 5- رجال النجاشی، ص 372 \_ 373؛ الفهرست ، طوسی، ص 52 و 56.
  - 6- رجال النجاشی، ص 372.

## 3. علی بن ابراهیم قمی (م ح 307 \_ 327 ق)

## اشاره

نجاشی و فهرست طوسی قرار دارد. (1) وی در قم، جایگاه والایی داشت و به فراوانی دانش و ادب و فضل، شناخته می شد. با این حال، در کار حدیث، اهل تساهل و تعلیق اسانید با اجازات بود و در فهرست روایات او، اغلاط فراوانی وجود داشت. (2)

تألیفات همه آثار ابن بطّه قمی، نایاب اند. از آن جمله: 1. کتابی با عنوان اسامی حروف از يك تا چهل 2. قرب الإسناد، 3. تفسیر أسماء الله. (3)

3. علی بن ابراهیم قمی (م ح 307 \_ 327 ق) علی بن ابراهیم بن هاشم، مکتباً به ابو الحسن قمی؛ محدّث، فقیه و مفسّر. سال وفات او، دانسته نیست. به گزارشی که حمزه بن محمّد بن احمد بن جعفر در سال 339 ق، در قم نوشته، علی بن ابراهیم بن هاشم در سال 307 ق، برای وی کتابت کرده بوده است. پس علی بن ابراهیم در سال 307 زنده بوده است. (4) علی بن ابراهیم، فقیهی عالم، (5) قابل اعتماد در حدیث، دقیق در ثبت، معتمد و راست کیش بود. (6) ابو محمّد حسن بن حمزه علوی طبری، علی بن بابویه قمی، محمّد بن حسن بن ولید، حمزه بن محمّد علوی، محمّد بن علی ماجیلویه و ابو جعفر کلینی، از او روایت کرده اند. (7) مهم ترین شیخ حدیث او، پدرش ابراهیم بن هاشم بود. (8)

1- همان، ص 23، 29، 37؛ الفهرست، طوسی، ص 42، 43، 52، 53 و 56.

2- رجال النجاشی، ص 372؛ خلاصة الأقوال، ص 264.

3- رجال النجاشی، ص 372 \_ 373.

4- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 170.

5- الفهرست، ابن ندیم، ص 277.

6- رجال النجاشی، ص 260.

7- همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص 152 \_ 153؛ نقد الرجال، ج 3، ص 218؛ الذریعة، ج 4، ص 302.

8- تفسیر القمی، ج 1، ص 8، مقدّمه مصحّح.

## تألیفات

## 4. ابن دؤل قمی (م 350 ق)

## تألیفات

تألیفاتعلی بن ابراهیم قمی، بیش از ده کتاب و رساله در زمینه های تفسیر، تاریخ و فقه، تألیف کرد. آثار نایاب: 1. الناسخ و المنسوخ، 2. قرب الإسناد، 3. الشرائع، 4. الحیض، 5. التوحید و الشرك، 6. فضائل أمير المؤمنين علیه السلام (المناقب)، 7. المغازی، 8. الأنبياء، 9. رسالة فی معنی هشام و یونس، 10. جوابات مسائل سأله عنها محمد بن بلال، 11. کتاب يعرف بالمشدر، 12. اختیار القرآن، 13. نوادر القرآن. (1) و تنها اثر چاپی او: 14. التفسیر، که به تفسیر القمی نیز معروف است.

4. ابن دؤل قمی (م 350 ق) احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن دؤل، معروف به دؤل قمی؛ محدث، فقیه و رجالی. جزئیات زندگی وی دانسته نیست. تنها کتابی که گزارشی هر چند کوتاه در باره ابن دؤل قمی دارد، رجال نجاشی است که بر پایه آن گزارش، وی در سال 350 ق، درگذشته است. (2) به قرینه نقل نجاشی با يك واسطه از ابن دؤل (3) و نام بردن از او در قسم اول کتاب الرجال ابن داوود \_ که به ممدوحین اختصاص دارد \_، (4) این احتمال قوی می نماید که آن دو، به وی بدین نبوده اند.

تألیفات ابن دؤل صد کتاب تألیف کرد (5) که همگی نایاب اند، از آن جمله: 1. کتاب الحج، 2. کتاب الصلوة، 3. کتاب الوضوء، 4. کتاب الجنائز، 5. کتاب الاعتقاد، 6. کتاب المعرفة، 7. کتاب المعجزات، 8. کتاب الطبقات، 9. کتاب العلل، 10. کتاب شواهد أمير المؤمنين علیه السلام

1- فهرست، ابن الندیم، ص 39 و 277؛ رجال النجاشی، ص 260.

2- رجال النجاشی، ص 90؛ رجال ابن داوود، ص 43.

3- رجال النجاشی، ص 90.

4- رجال ابن داوود، ص 43.

5- رجال النجاشی، ص 90.

**5. ابو جعفر کلینی (م 329 ق)****اشاره**

و فضائله، 11. کتاب خصائص النبی صلی الله علیه و آله، 12. کتاب التهذیب، 13. کتاب التنبیه، 14. کتاب الإخوان، 15. کتاب التجمل. ابن طاووس در مهج الدعوات، از کتابی با عنوان التجمل از مؤلفی ناشناخته، دو مطلب نقل کرده است. (1) مؤلف کتاب خانه ابن طاووس، بر پایه برخی قراین، احتمال می دهد که کتاب التجمل در اوایل قرن چهارم، به قلم احمد بن محمد بن حسین بن دؤل قمی تألیف شده باشد. (2)

5. ابو جعفر کلینی (م 329 ق) محمد بن یعقوب بن اسحاق، مکّابا به ابو جعفر (3) و ابو جعفر اعور، (4) و معروف به «ثقة الاسلام کلینی»؛ محدث، فقیه، مؤرخ، متکلم و رجالی. سال درگذشت او به اختلاف، 329 ق، (5) و 328 ق، (6) ذکر شده است. کلینی اهل ری بود (7) و دایی او، معروف به علان کلینی، موثق در حدیث و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام شناخته می شد. (8) وی از ری، به بغداد عزیمت کرد؛ اما معلوم نیست که این هجرت، کی انجام گرفته است. به قرینه کثرت مشایخ قمی و رازی کلینی در الکافی، (9) و نیز شهرت وی در کتب رجالی به «رازی (اهل ری)»، (10) او سال ها در ری زندگی کرده و روایات الکافی را در آن جا گرد آورده است. از دیگر سو، چون بیشتر راویان الکافی بغدادی بوده اند، 11 این حدس

1- مهج الدعوات، ص 325 و 359.

2- کتاب خانه ابن طاووس، ص 554.

3- رجال النجاشی، ص 377.

4- رجال الطوسی، ص 439؛ معالم العلماء، ص 134.

5- رجال النجاشی، ص 377؛ رجال الطوسی، ص 439.

6- الفهرست، طوسی، ص 211.

7- همان، ص 259.

8- الکافی، ج 1، ص 36، مقدّمه حسین محفوظ.

9- لسان المیزان، ج 5، ص 423؛ تاریخ دمشق، ج 56، ص 297.

10- الکافی، ج 1، ص 37، مقدّمه حسین محفوظ.

## تألیفات

تقویت می شود که این کتاب، در بغداد تألیف شده باشد. به هر روی، کلینی در سال 327 ق، در بغداد بوده و نقل کردن کتاب ها و رساله های خود را به عدّه ای اجازه داده است. (1) وی مدّتی کوتاه، بغداد را به قصد دمشق ترك کرد و در بعلبک ساکن شد. (2) کلینی در شمار گروهی انگشت شمار از محدّثان امامیه است که همگان، بر وارستگی و فرزاندگی شان اتفاق نظر دارند. وی نه تنها حدیث شناسی قابل اعتماد، که موثّق ترین بود و چهره تابناک ری شناخته می شد. (3) رساترین عبارت در وثاقت و امانتداری کلینی، همان لقب «ثقة الاسلام» است که در تاریخ حدیث شیعه، تنها برای وی به کار می رود. گویا عنوان ثقة الاسلام، در سده یازدهم رایج شده است. (4)

تألیفات ثقة الاسلام کلینی در زمینه فقه، کلام، اخلاق و آداب، دعا، تاریخ و رجال، شش کتاب تألیف کرد. (5) تنها اثر چاپی او: 1. الکافی. آثار نایابی که تنها نامشان بر جای مانده است: 2. الردّ علی القرامطة، 3. کتاب الرجال، 4. کتاب ما قیل فی الأئمة علیهم السلام. آثار نایابی که مطالبشان، در کتاب های بعدی انعکاس یافته است: 5. رسائل الأئمة علیهم السلام، 6. تعبیر الرؤیا.

- 
- 1- الاستبصار، ج 4، ص 310.
  - 2- تاریخ ابن عساکر، ج 56، ص 297.
  - 3- رجال النجاشی، ص 259؛ رجال الطوسی، ص 439؛ الفهرست، طوسی، ص 211؛ معالم العلماء، ص 134؛ خلاصة الأقوال، ص 245؛ الکافی، ج 1، مقدّمه محقق، ص 20-22.
  - 4- ر.ک: الحبل المتین، ص 24؛ مشرق الشمسین، ص 274 و 279؛ التحفة السنیة، ص 15 و 18؛ مشارق الشموس، ج 1، ص 34 و 39؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 36 و 64؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 256 و ج 5، ص 5 و ج 31، ص 32؛ الفوائد الرجالیة، ج 3، ص 325.
  - 5- رجال النجاشی، ص 259.



**6. ابن بابویه قمی (م 329 ق)****اشاره**

بخش هایی از رسائل الأئمة عليهم السلام در كشف المحجة، (1) فتح الأبواب (2) و كتاب الإستخارات (3) نقل شده است. این نقل ها شامل نامه ها و نوشته های امام علی علیه السلام و امام جواد علیه السلام خطاب به برخی از شیعیان است و نیز وصیتی مفصل از امام علی علیه السلام به دختر امام حسن علیه السلام که در آن، به برخی مسائل فقهی نیز اشاره شده است. به قرینه این نقل ها و تصریح ابن طاووس به این که همه روایات رسائل الأئمة عليهم السلام را در جزء اول «المهمات و التتمات» (4) نقل کرده، معلوم می شود که وی این کتاب را در اختیار داشته است. رسائل الأئمة عليهم السلام پس از ابن طاووس، نایاب شده است. (5) این کتاب، از مصادر با واسطه و وسائل الشيعة نیز بوده است. (6) از کتاب تعبیر الرؤیا، در مهج الدعوات (7) و فرج المهموم، (8) با عنوان تفسیر الرؤیا نقل شده است. به قرینه نقل شیخ بهایی (م 1030 ق) از تعبیر الرؤیا در کشکول (9) خود، این کتاب در سده یازدهم در دسترس بوده است. تعبیر الرؤیا، از مصادر باواسطه بحار الأنوار است. (10)

6. ابن بابویه قمی (م 329 ق) علی بن حسین بن موسی بن بابویه، مکتباً به ابو الحسن و معروف به ابن بابویه قمی؛ محدث و فقیه. (11) علی بن بابویه، اهل قم بود و تا پایان عمر نیز در آن جا زندگی کرد

1- .كشف المحجة، ص 159 \_ 176، 189.

2- .فتح الأبواب، ص 143.

3- .وسائل الشيعة، ج 14، ص 51.

4- .كشف المحجة، ص 159.

5- .خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 467.

6- .وسائل الشيعة، ج 14، ص 51 و ج 15، ص 197 و ج 17، ص 543 و ج 18، ص 125.

7- .مهج الدعوات، ص 333.

8- .فرج المهموم، ص 87.

9- .کتاب خانه ابن طاووس، ص 531.

10- .بحار الأنوار، ج 58، ص 242.

11- .رجال النجاشی، ص 261؛ رجال الطوسی، ص 432.

و تنها در سفری کوتاه، به ری (1) و بغداد (2) رفت. وی در سال 328 ق، در بغداد (3)، به ابن کلوذانی اجازه روایت داد. نیز در سال نام بردار به «سال تهاؤت کواکب»؛ یعنی 329 ق، از هارون بن موسی تَلْعُكْبَرِي در بغداد، حدیث شنید و اجازه روایت گرفت. در کنار این دو گزارش، شایان توجه است که وی در بغداد، با حسین بن روح نوبختی، نایب خاص امام زمان علیه السلام (نیابت 305 \_ 326 ق)، نیز دیدار کرد و حسین بن روح برای فرزنددار شدن وی، نامه ای به امام عصر نوشت. (4) این سه قرینه در کنار یکدیگر، این حدس را تقویت می کنند که علی بن بابویه، یک بار در دهه نخست سده چهارم (5) و بار دیگر در دو سال پایانی عمر خود، به بغداد سفر کرده است. فقاقت و وارستگی او، زبازد همه رجال شناسان شیعه و برخی از اهل سنت است. (6) بر اثر جایگاه و منزلت رفیع او، عالمان شیعه فتاوی وی را چونان روایت (7) و نصّ منقول و خبر مأثور (8) تلقی کرده اند. ابن بابویه میراث بانی بسیار برجسته و پرنقش، برای آموزه های اهل بیت علیهم السلام در سده چهارم شناخته می شود. مشایخ حدیث وی، دست کم 32 نفر بوده اند. سعد بن عبد الله اشعری، عبد الله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی عطار، از آن شمارند. (9) معروف ترین و مهم ترین راویان علی بن بابویه، فرزندش شیخ صدوق، هارون بن موسی تلعبکبری، ابن کلوذانی،

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 4، ص 4 \_ 5؛ الإمامة و التبصرة، مقدّمه محقق، ص 167.
  - 2- رجال النجاشی، ص 261.
  - 3- همان جا.
  - 4- رجال الطوسی، ص 432.
  - 5- دیدار او با نوبختی، بی گمان، پیش از به دنیا آمدن فرزندش شیخ صدوق بوده است. هر چند زمان دقیق تولد وی دانسته نیست، قرائنی از تولد وی بین 305 تا 310 ق حکایت دارند.
  - 6- ر.ک: منابع پیشین، و نیز: فهرست ابن ندیم، ص 246؛ الفهرست، طوسی، ص 157؛ معالم العلماء، ص 100.
  - 7- ذکری الشیعة، ص 4.
  - 8- بحار الأنوار، ج 10، ص 405؛ ریاض العلماء ج 4، ص 6؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 282.
  - 9- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 285 \_ 287؛ الإمامة و التبصرة، ص 26 \_ 27، مقدّمه محقق.

## تألیفات

ابن قولویه قمی و ابن داوود قمی بوده اند.

تألیفات در مصادر شیعی، شمار تألیفات علی بن بابویه، حدود بیست (1) و در مصادر اهل سنت، تا دویست کتاب (2) ذکر شده است. گویا گزارش مصادر شیعی، به واقع نزدیک تر می نماید. (3) آثار علی بن بابویه، در زمینه فقه، اخلاق، تفسیر، توحید، امامت، غیبت و طب بوده است. آثار چاپی: 1. الإمامة و التبصرة من الحيرة، 2. کتاب الإخوان (مصادقة الإخوان)، 3. الشرائع، 4. فقه الرضا علیه السلام. انتساب دو کتاب اخیر به علی بن بابویه، معروف نیست. آثار نایابی که تنها نامی از آنها بر جای مانده: 5. التوحید، 6\_10. پنج کتاب در فقه، 11. الإملاء، 12. النوادر، 13. النساء و الولدان، 14. التفسیر، 15. المنطق (نطق)، 16. التسلیم (التسلیم و التمییز)، 17. الإمامة، 18. الطب، 19. المعراج. آثار نایابی که مطالبشان، در منابع بعدی انعکاس یافته است: 20. قرب الإسناد، 21. الکر و الفرّ. گویا کتاب قرب الإسناد، تا سده دوازدهم نیز باقی بوده است. در سده دهم، احمد بن محمد اردبیلی، معروف به مقدّس اردبیلی (م 993 ق)، آن را با دست خط مؤلف، در اختیار داشته و در کتاب حدیقة الشیعة که به او منسوب است، (4) دو روایت از آن نقل کرده است. (5) نیز از مصادر کتاب فضائل السادات میر محمد اشرف شمرده شده که در سال 1103 ق، به پایان رسیده است. (6)

1- رجال النجاشی، ص 261؛ الفهرست، طوسی، ص 157.

2- فهرست ابن ندیم، ص 246.

3- التوحید، ص 13، مقدّمه محقق.

4- ر.ک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج 2، ص 91\_103.

5- حدیقة الشیعة، ص 569؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 2، ص 92 و ج 3، ص 284.

6- الذریعة، ج 17، ص 69\_70.

افندی اصفهانی متذکر می شود که کتاب الکَرّ و الفَرّ را در یکی از کتاب خانه های شهر کازرون، دیده است. (1) به گزارش افندی، این کتاب شامل مناظره علی بن بابویه با محمد بن مقاتل رازی در اثبات امامت امیر مؤمنان علیه السلام است. این مناظره، در شهر ری انجام گرفته و به تشیع ابن مقاتل انجامیده است. در انتساب کتاب الإخوان (مصادقة الإخوان)، الشرائع و نیز الإمامة و التبصرة به ابن بابویه، کم و بیش، تردید شده است. الإخوان (مصادقة الإخوان) به شیخ صدوق فرزند علی بن بابویه نیز انتساب دارد؛ چراکه در شمار آثار شیخ صدوق، عنوان مصادقة الإخوان نیز آمده است. گویا شیخ حرّ عاملی (م 1106 ق) برای بار نخست، در انتساب مصادقة الإخوان به شیخ صدوق تردید کرد و از احتمال یگانگی آن با الإخوان علی بن بابویه، سخن به میان آورد. (2) در سده چهاردهم، برخی از کتاب شناسان این تردید را جدی گرفتند و بر یگانگی آن دو، تأکید کردند. (3) قرینه این یگانگی، سازگاری طبقه برخی از مشایخ مؤلف کتاب مصادقة الإخوان \_ چون: محمد بن یحیی عطار، علی بن ابراهیم و سعد بن عبد الله اشعری \_ با علی بن بابویه، ذکر شده است. (4) الشرائع (رسالة إلى ابنة)، تا سده دهم نایاب بود، تا این که در این سده، محمد تقی مجلسی (م 1070 ق)، (5) و فرزندش محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) (6) متذکر شدند که این رساله، همان فقه الرضا علیه السلام است که آن نیز در همان سده، یافت شده بوده است. دلیل آنان، این بود که دو کتاب نام برده، در اکثر روایات، موافق و همخوان اند. به قرینه نقل محمد باقر مجلسی از الشرائع ابن بابویه در بحار الأنوار (7) و مقایسه آن با فقه الرضا علیه السلام،

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 4، ص 5.
  - 2- وسائل الشیعة، ج 20، ص 36.
  - 3- الذریعة، ج 1، ص 383 و ج 21، ص 97.
  - 4- الذریعة، همان جا.
  - 5- روضة المتّقین، ج 1، ص 17. نیز ر.ک: روضات الجنّات، ج 2، ص 336؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 224.
  - 6- بحار الأنوار، ج 1، ص 11.
  - 7- الذریعة، ج 13، ص 46.

**7. ابن ولید قمی (م 347 ق)****اشاره**

این احتمال قوی می نماید که او رساله‌ی ابن بابویه را در اختیار داشته است. آفندی اصفهانی، شاگرد محمد باقر مجلسی نیز با کنار زدن حدس و گمان، تأکید کرد که آن دو، یکی هستند. وی بر این گمان است که تعدد اسم این کتاب، اشتباه نسخ یا ناسخان بوده است و مشابهت اسم مؤلف و پدرش علی بن موسی بن بابویه، با نام امام رضا علیه السلام و پدر آن حضرت، آنان را دچار چنین خطایی کرده است. (1) در سده چهاردهم، آقا بزرگ تهرانی، نسخه‌ای از الشرائع صدوق را در کتاب خانه حسن صدر الدین، در کاظمین دیده است. آن نسخه، به خط سید محمد بن مطرف و با اجازه استادش محقق حلّی، در سال 627 ق، نوشته شده است. کتاب الشرائع، نزدیک به هزار بیت است که از باب «آداب الخلو» شروع می شود و به «صلوة الجمعة» پایان می یابد. (2) آقا بزرگ، همچنین متذکر شده که بیشتر روایات و متن این کتاب، همانند کتاب فقه الرضا علیه السلام است. (3) از دیگر سو، محقق خوانساری در سده سیزدهم، با یگانگی دو کتاب الشرائع علی بن بابویه و فقه الرضا صدوق، مخالفت کرد و این پندار را فتنه خواند. (4) میرزا حسین نوری (م 1332 ق) با ایجاد تردید در درستی دلایل یگانگی، جانب تعدد آن دو را گرفت. به نظر وی، الشرائع علی بن بابویه، پس از شیخ مفید نایاب شده است. (5)

7. ابن ولید قمی (م 347 ق) محمد بن حسن بن احمد، مکنّا به ابو جعفر و معروف به ابن ولید؛ محدّث، فقیه و رجال شناس. سال وفات وی، دانسته نیست. به قرینه حضور شیخ صدوق به سال 339 ق، در قم (6) و اقامت وی به سال 347 ق، در ری (7) و فراغت از قرائت قرآن توسط

1- الذریعة، همان جا.

2- الذریعة، ج 13، ص 46.

3- ریاض العلماء، ج 6، ص 43 و ج 2، ص 30.

4- روضات الجنّات، ج 2، ص 336؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 224.

5- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 235 و ج 3، ح 282.

6- الخصال، ص 11.

7- معانی الأخبار، ص 19، مقدّمه محقق.

## تألیفات

ابن ولید در سال 347 ق، به گزارش شیخ مفید، (1) این حدس قوی می نماید که او در سال 347 ق، در گذشته است. ابن ولید اهل قم نبود؛ گرچه در آن جا سکونت داشت. وی از مشایخ آن دیار، حدیث شنید و به جایگاه «شیخ قمی ها» بار یافت. (2) ابن ولید آگاه به فقه و حدیث بود و در نقل روایت و نقد رجال نیز بسیار قابل اعتماد و توانا شناخته می شد. (3) گویا او در نقد احادیث و جرح و تعدیل راویان، روشی خاص داشت. بر پایه این روش، وی از نقل کردن برخی احادیث و کتب روایی، خودداری می کرد. شاگردش شیخ صدوق نیز با اشاره به این روش، بر پیروی از او در تضعیف راویان، تأکید کرده است. (4) یکی از دیدگاه های کلامی ابن ولید \_ که شیخ صدوق نیز آن را پذیرفت و بعدها در نقد رجال، معیاری مهم تلقی شد \_، قول به وقوع سهو از پیامبر و امام بود. در نظر آنان، نپذیرفتن این قول، نخستین درجه غلو شمرده می شد. (5)

تألیفات در مصادر، دو کتاب به ابن ولید نسبت داده شده که هر دو، نایاب اند: الجامع و التفسیر. (6) الجامع به قرینه موارد منقول از آن و نیز کثرت نقل شیخ صدوق و شیخ طوسی از ابن ولید، فراتر از روایات فقهی بوده است. (7) نجاشی و طوسی در طریق نقل کتاب ها، فراوان از ابن ولید نقل کرده اند. کثرت نقل، این حدس را تقویت می کند که وی کتاب فهرست نیز داشته است.

- 1- الإختصاص، ص 5.
- 2- رجال النجاشی، ص 382.
- 3- همان جا. نیز ر.ك: الفهرست، طوسی، ص 237؛ معالم العلماء، ص 146.
- 4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 153.
- 5- همان، ج 1، ص 360؛ تصحیح الإعتقاد، ص 63 \_ 66.
- 6- رجال النجاشی، ص 328؛ الفهرست، طوسی، ص 237؛ معالم العلماء، ص 146.
- 7- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 4؛ فرج المهموم، ص 139؛ کشف المهجّة، ص 35.

**8. مَرَعَش طبری (م 358 ق)****تألیفات****9. حسین ابن بابویه قمی (زنده در 378 ق)****اشاره**

8. مَرَعَش طبری (م 358 ق) حسن بن حمزة بن علی بن عبد الله، مکتباً به ابو محمد و معروف به مرعش؛ محدث، فقیه و ادیب. وی اهل طبرستان بود؛ ولی به قرینه کثرت روایت از ابن بَطَّه قمی (1) و علی بن ابراهیم قمی، (2) بی گمان سال ها در قم سکونت داشته است. مرعش طبری در سال 356 ق، در بغداد بود و با شیخ مفید، ابن نوح سیرافی، ابن غضائری و ابن عبدون، دیدار کرد و به آنها اجازه نقل روایات و کتاب های خود را داد. گویا او سال ها پیش از این تاریخ، به بغداد رفته بوده است؛ چراکه براساس گزارشی، هارون بن موسی تلعبیری در سال 328 ق، با وی ملاقات کرد. مرعش طبری مردی وارسته، فقیه و از بزرگان امامیه بود. نام او در بیش از هفتاد طریق در کتاب رجال نجاشی و فهرست طوسی آمده است.

تألیفات مرعش طبری در زمینه های اخلاق و آداب، غیبت امام دوازدهم و فقه، کتاب هایی نگاشت که همگی نایاب اند: 1. المبسوط فی عمل یوم و لیلۃ، 2. الأشقیة فی معانی الغیبة، 3. المفتخر، 4. کتاب فی الغیبة، 5. کتاب الجامع، 6. کتاب المرشد. (3)

9. حسین ابن بابویه قمی (زنده در 378 ق) حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مکتباً به ابو عبد الله؛ محدث و متکلم. وی فرزند علی بن بابویه قمی (م 329 ق) و برادر شیخ صدوق (م 381 ق) بود. حسین بن بابویه، حافظه ای بسیار قوی و هوشی سرشار داشت. (4) و امانتداری قابل

1- رجال النجاشی، ص 23 و 29.

2- همان، ص 16 و 26.

3- همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص 104؛ رجال الطوسی، ص 422.

4- الغیبة، طوسی، ص 188.

**10 . حسن بن محمد قمی (زنده در 378 ق)****11 . ابن قولویه قمی (م 368 \_ 369 ق)**

## اشاره

اعتماد در نقل حدیث، شناخته می شد. او از علی بن بابویه و شیخ صدوق، روایت کرده و این غضائری نیز از وی روایت کرده است.

تألیفات و کتاب به حسین بن بابویه نسبت داده شده که هر دو، نایاب اند: یکی التوحید و نفی التشبیه، و دیگری کتابی برای صاحب بن عبّاد.

## (1)

10 . حسن بن محمد قمی (زنده در 378 ق) حسن بن محمد بن حسین قمی شیبانی (شیبانیّ الولاء)؛ محدّث و مورّخ. جزئیات زندگی او معلوم نیست و در مصادر اولیه نیز نامی از او نبرده اند. مهم ترین و نخستین منبع در شرح حال حسن بن محمد قمی، کتاب ریاض العلماء افندی اصفهانی است. (2) به گزارش افندی اصفهانی، او معاصر شیخ صدوق بوده و از حسین بن علی بن بابویه نیز روایت کرده است.

## (3)

تألیفاتها اثر شناخته شده و نامدار حسن بن محمد، کتاب تاریخ قم است. وی این کتاب را در سال 378 ق، \_ هنگامی که برادرش علی بن محمد حسن کاتب، حکمران قم بود \_، تألیف کرد. وی، این کتاب را با مقدمه ای بلند در ثنا و ستایش صاحب بن عبّاد، وزیر رکن الدوله بویه به وی تقدیم کرد. (4)

11 . ابن قولویه قمی (م 368 \_ 369 ق) جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه (قولویه)، مکتبا به ابو القاسم و معروف

1- رجال النجاشی، ص 50؛ أمل الآمل، ج 2، ص 98.

2- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 366؛ الذریعة، ج 3، ص 276؛ مفاخر اسلام، ج 3، ص 153.

3- ریاض العلماء، ج 1، ص 318؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 366.

4- تاریخ قم، ص 2 \_ 3؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 318؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 364؛ الذریعة، ج 3، ص 278.



## تألیفات

به ابن قولویه قمی؛ محدث، فقیه و رجالی. ابن قولویه، ساکن قم بود و مهم ترین مشایخ او در آن دیار، پدر و برادر وی بودند. به قرینه روایت ابن قولویه از محمد بن احمد بن سلیم صابونی در مصر (1) و برخی محدثان بغداد چون کلینی، (2) و نیز روایت هارون بن موسی تلعبکری، ابن غضائری، شیخ مفید و ابن عبدون از محدثان بغداد از او، (3) این حدس قوی می نماید که او برای مدتی هرچند کوتاه، به مصر و بغداد رفته بوده است. آرامگاه ابن قولویه، در قبرستان قریش بغداد در رواق شریف کاظمین علیهما السلام است. (4) وی در شمار معدود محدثانی است که در وارستگی و فرزاندگی شان اتفاق نظر وجود دارد. ابن قولویه، از شیخ مفید (م 413 ق) لقب «شیخ صدوق» را دریافت کرد و گویا در برخورداری از این لقب، فضل تقدّم با اوست. امانتداری، فرزاندگی در حدیث و فقه، برتری در صفات جمال، و وثاقت، ویژگی های او شمرده شده اند. (5)

تألیفات در مصادر، نزدیک به بیست کتاب در زمینه های فقه، رجال، کتاب شناسی، تاریخ، طب، دعا و زیارت، به ابن قولویه نسبت داده شده است. گویا شمار کتاب های او، بیش از اینها بوده است؛ چرا که شیخ طوسی، وصف «زیاد» را برای تعداد کتاب های وی به کار برده است. (6) آثار نایاب: 1. بیان حلّ الحیوان من محرّمه، 2. الحجّ، 3. الردّ علی ابن داوود فی عدد شهر رمضان، 4. رجال ابن قولویه، 5. فهرست ما رواه من الکتب و الأصول، 6. تاریخ الشهور و

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 126؛ لسان المیزان، ج 2، ص 125.
  - 2- کامل الزیارات، ص 12 \_ 13، مقدّمه محقق.
  - 3- رجال الطوسی، ص 418.
  - 4- وسائل الشیعة، ج 20، ص 4.
  - 5- رجال النجاشی، ص 446؛ الإقبال، ج 1، ص 33 \_ 34؛ معالم العلماء، ص 89.
  - 6- الفهرست، طوسی، ص 92.

**12. ابن رازی (زنده در 381 ق)****اشاره**

الحوادث فيها، 7. مداواة الجسد. اثر چاپی: 8. كامل الزيارة و ما روى في ذلك من الفضل عن الأئمة عليهم السلام، معروف به كامل الزيارة.

12. ابن رازی (زنده در 381 ق) جعفر بن احمد بن علی قمی، مکتباً به ابو محمد و معروف به ابن رازی؛ محدث، متکلم و فقیه. در مصادر، نام پدر و جد او به اختلاف، احمد بن علی قمی (1) و علی بن احمد قمی (2) ذکر شده است. برخی، این دو نام را از آن دو نفر دانسته اند (3) و گروهی دیگر، آنها را یکی پنداشته اند. (4) گویا نام درست پدر او، جعفر بن احمد باشد؛ زیرا در المسلسلات، راوی کتاب با اشاره به این که مؤلف آن را در حالی دیده که در دست راستش انگشتری بوده، نام او را جعفر بن احمد ذکر می کند. (5) نیز بر پشت نسخه خطی محمد باقر مجلسی که به خط اوست، نام مؤلف، جعفر بن احمد آمده است. (6) سال وفات ابن رازی، معلوم نیست. به قرینه روایت وی از شیخ صدوق (7) و روایت شیخ صدوق از او، (8) و نیز روایت او از ابو المفضل شیبانی، هارون بن موسی تلعبری و ابن غضائری - که مشایخ شیخ مفید (م 413 ق) بوده اند -، (9) وی می تواند در طبقه شیخ مفید و ابن غضائری یا طبقه شیخ صدوق جای گیرد. (10) ابن رازی، هم به قمی

- 
- 1- فلاح السائل، ص 265 و 161؛ عدّة الداعی، ص 227؛ روض الجنان، ص 362؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 107؛ جامع الأحادیث، ص 9، مقدّمه محقق .
  - 2- معانی الأخبار، ص 6؛ التوحید، ص 88، ح 417 و 441؛ رجال ابن داوود، ص 64.
  - 3- روضات الجنّات، ج 2، ص 172. نیز ر. ک: جامع الأحادیث، ص 9، مقدّمه محقق .
  - 4- أعيان الشيعة، ج 4، ص 82. نیز ر. ک: جامع الأحادیث، ص 9، مقدّمه محقق .
  - 5- جامع الأحادیث، ص 246 (المسلسلات، ح 9).
  - 6- جامع الأحادیث، ص 11، مقدّمه محقق .
  - 7- التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام، ص 9؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 73.
  - 8- معانی الأخبار، ص 6؛ التوحید، ص 88، ح 417 و 441؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 154 و 179.
  - 9- جامع الأحادیث، ص 9، مقدّمه محقق .
  - 10- بحار الأنوار، ج 1، ص 37؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 108؛ الذریعة، ج 15، ص 254.

## تألیفات

معروف است و هم به رازی؛ اگرچه به رازی، اشتها بیشترى دارد. (1) به قرینه برخی از مشایخ ابن رازی که بغدادی بوده اند، گویا وی مدتی در بغداد بوده است. ابن رازی، فقیه، (2) قابل اعتماد، (3) والا مقام، (4) و در شمار سرشناسان و بزرگان بی نیاز از توثیق بود. (5)

تألیفات ابن رازی بالغ بر 220 کتاب و رساله تألیف کرد (6) که نزدیک به ده عنوان آن، در مصادر آمده است. آثار چاپی: 1. جامع الأحادیث، 2. المسلسلات، 3. الغایات، 4. العروس، 5. الأعمال المانعة من دخول الجنة، 6. نوادر الأثر فی «علی علیه السلام خیر البشر». آثار نایاب: 7. دفن المیت، 8. فضل الجمعة. آثار نایابی که مطالبشان، در منابع بعدی انعکاس یافته است: 1. أدب الإمام و المأموم، 2. المُنَبِّی عن زهد النبی صلی الله علیه و آله، 3. فضائل جعفر بن أبی طالب. (7) أدب الإمام و المأموم، تا سده دهم نیز در دسترس بود. ابن طاووس (م 662 ق) در فلاح السائل (8) و شهید ثانی (م 962 ق) در روض الجنان، تکبیرهای سه گانه پس از نماز را از آن روایت کرده اند. (9) این کتاب از مصادر با واسطه بحار الأنوار (10) و مستدرک الوسائل

- 
- 1- معانی الأخبار، ص 6؛ التوحید، ص 88، 417 و 441؛ فلاح السائل، ص 265 و 161؛ عدّة الداعی، ص 227؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 19 و 26.
  - 2- معانی الأخبار، ص 6.
  - 3- رجال ابن داوود، ص 64.
  - 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 26.
  - 5- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 107.
  - 6- همان جا؛ الذریعة، ج 15، ص 254.
  - 7- جامع الاحادیث، ص 166؛ الغایات، ص 230؛ التدوین فی أخبار قزوین، ج 2، ص 34؛ ضیافة الإخوان، ص 321؛ الذریعة، ج 16، ص 266؛ ج 15، ص 253؛ ج 8، ص 233.
  - 8- الذریعة، ج 1، ص 386.
  - 9- روض الجنان، ص 362.
  - 10- بحار الأنوار، ج 76، ص 22؛ ج 88، ص 14 و 199؛ ج 103، ص 79.

**13. شیخ صدوق (م 381 ق)****اشاره**

است. (1) محقق نسخه چاپی جامع الأحادیث در پایان کتاب، زیر عنوان «ضمائم»، آن دسته از آثار نایاب ابن رازی را که در منابع متأخر نقل شده اند، نام برده است. نیز سید محمد جواد حسینی جلالی، جزوه ای با عنوان مقتطفات من کتاب «أدب الإمام والمأموم» نگاشته است. (2) المُنْبِی عن زهد النبی صلی الله علیه و آله تا سده نهم هم دست یافتنی بوده و ابن طاووس (3) و ابن فهد حلّی (م 841 ق)، از آن نقل کرده اند. (4) این کتاب نیز از مصادر با واسطه بحار الأنوار (5) و مستدرک الوسائل است. (6) واپسین ردّ پای که از کتاب فضائل جعفر بن ابی طالب به چشم می آید، مربوط به سده هفتم است که عبد الکریم بن محمد رافعی قزوینی (م 623 ق)، یک روایت از آن نقل کرده است. (7)

13. شیخ صدوق (م 381 ق) محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، مکنّا به ابو جعفر و معروف به شیخ صدوق؛ محدّث، فقیه و رجالی. شیخ صدوق در قم زاده شد و گویا تا سال 347 ق، در قم بود. مشایخ حدیث او در قم، پدرش علی بن بابویه (م 329 ق) و محمد بن حسن بن ولید (م 347 ق) بودند. شیخ صدوق پس از درگذشت پدرش و ابن ولید، به دعوت حاکم بویه ری، به ری رفت. (8) به احتمال فراوان، این سفر در سال 347 ق انجام

- 
- 1- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 108.
  - 2- نوادر الأثر، ص 35، مقدّمه محقق.
  - 3- فلاح السائل، ص 161 و 265-266.
  - 4- عدّة الداعی، ص 227-300.
  - 5- بحار الأنوار، ج 8، ص 302؛ ج 43، ص 87؛ ج 70، ص 248 و 293؛ ج 75، ص 456؛ ج 84، ص 248 و 352؛ ج 104، ص 39.
  - 6- خاتمة مستدرک، ج 1، ص 108.
  - 7- التدوین فی أخبار قزوین، ج 2، ص 34-35.
  - 8- کمال الدین، ص 3.

گرفت. وی تا پایان عمر، در آن جا ساکن شد. (1) شیخ صدوق برای دیدار با مشایخ حدیث، به شهرها و مراکز مهم حدیث سفر کرد که براساس گزارش خود او، عبارت اند از: جرجان، نیشابور، سرخس، سمرقند، بلخ، ایلاق، فرغانه، همدان، بغداد، کوفه، مکه و مدینه. (2) شیخ صدوق پس از قم و ری، گویی خراسان را سومین شهر برای اقامت برگزیده است؛ چراکه وی را چهره برجسته طایفه امامیه در خراسان دانسته اند (3) و بیشتر شهرهایی که وی به آنها سفر کرد، در منطقه خراسان و ماوراء النهر جای دارند. قرینه سوم، این که تألیف برخی از کتاب ها \_ مانند کتاب من لا یحضره الفقیه، بسیاری از مجالس امالی و نیز کتاب کمال الدین و تمام النعمه \_ در آن دیار انجام گرفت. وی با بیش از 250 نفر از مشایخ حدیث که اهل سنت نیز در میان آنها بود، دیدار کرد و از آنها حدیث شنید. (4) مهم ترین مشایخ او به ترتیب، علی بن بابویه، ابن ولید، محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن موسی بن متوکل بودند. (5) معروف ترین راویان او را نیز چنین می توان نام برد: شیخ مفید، هارون بن موسی تلعبکری، حسین بن عبید الله غضائری، جعفر بن حسن بن حَسَکَه، محمد بن سلیمان حمرانی (6) و علی بن احمد نجاشی پدر صاحب رجال. (7) شیخ صدوق در وثاقت، امانتداری و فرزاندگی، و تبخّر در فقه و اخبار و رجال، یگانه دوران در میان قمی ها بود. 8 بنا به قولی، ابن ادریس در سده ششم، لقب

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 392؛ معانی الأخبار، ص 19 ، مقدّمه محقق .
  - 2- علل الشرائع، ص 16 \_ 20؛ مقدّمه بحر العلوم، معانی الأخبار، ص 19 \_ 25 ، مقدّمه محقق .
  - 3- رجال النجاشی، ص 392.
  - 4- معانی الأخبار، ص 37 \_ 68؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ص 19 ، مقدّمه محقق .
  - 5- عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ص 17 \_ 18 ، مقدّمه محقق .
  - 6- الفهرست ، طوسی ، ص 237؛ رجال الطوسی ، ص 439.
  - 7- همان جا؛ الفهرست ، طوسی ، ص 237؛ رجال الطوسی ، ص 439؛ فلاح السائل، ص 11؛ فرج المهموم، ص 129.

«صدوق» را \_ که رساترین کلمه در بیان امانتداری است \_ برای محدّث یاد شده به کار برد. (1)

تألیفات شیخ صدوق پر تألیف بود و در مصادر، نزدیک به سیصد اثر برای او ذکر شده است. (2) او خود، در کتاب من لا یحضره الفقیه \_ که گویا در شمار آخرین تألیفات اوست \_ ، به عدد 245 کتاب که تا آن زمان نگاشته بود، اشاره کرده است. (3) او در زمینه های گوناگونی قلم زد: فقه، فلسفه احکام و حکمت ها و فواید تشریح، کلام، غیبت امام عصر (عج)، فضایل و مناقب، تاریخ، اخلاق و آداب، دعا و زیارت، رجال، فقه الحدیث و مصطلح الحدیث. الف \_ آثار نایاب: بیش از سه چهارم کتاب های شیخ صدوق، نایاب اند: از آن جمله، بیش از هشتاد کتاب فقهی، و افزون بر آنها: 1. المصابیح، شامل پانزده مصباح که هر کدام، به معرفی راویان یکی از دوازده امام علیهم السلام و حضرت فاطمه علیها السلام اختصاص دارد و دو مصباح نیز به راویان مرد و زن از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، 2. المعرفة برجال البرقی، 3. الرجال المختارین من أصحاب النبی صلی الله علیه و آله ، 4. الزهد، در یازده کتاب به تعداد ائمه علیهم السلام غیر از امام عصر (عج)، 5. إثبات الوصیة لعليّ علیه السلام، 6 \_ 10. پنج کتاب با عنوان مجلس در موضوع امامت، 11. إثبات النصّ علی الأئمة (نصوص الأئمة) علیهم السلام، 12. دلائل الأئمة و معجزاتهم، 13. الروضة فی الفضائل، 14. فضائل جعفر الطیار، 15. المدينة و زیارة قبر النبی و الأئمة علیهم السلام، 16. زیارة قبور الأئمة علیهم السلام، 17. الغیبة، 18. علامات آخر الزمان، 19. مقتل الحسین علیه السلام، 20. الجمل، 21. التاريخ، 22. أخبار أبي ذر، 23. أخبار سلمان، 24. جامع أخبار عبد العظیم الحسنی، 25. تفسیر القرآن، 26. کتاب فی

1- السرائر، ص 288؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن بابویه».

2- رجال النجاشی، ص 392؛ الفهرست، طوسی، ص 237.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 3.

زید بن علی علیه السلام، 27. کتاب فی عبد المطلب و عبد اللہ و ابی طالب و آمنة بنت وهب. ب \_ کتاب هایی که نایاب اند، ولی مطالبشان، در منابع بعدی منعکس شده است: 28. مدینه العلم، 29. المرشد، 30. النبوة، 31. مولد أمير المؤمنين عليه السلام، 32. زهد مولانا علی علیه السلام، 33. المعراج، 34. أخبار الزهراء فاطمة علیها السلام، 35. الفرق. مدینه العلم، بزرگ تر از کتاب من لا یحضره الفقیه بود (1) و به قولی، شش جزء بیش از آن داشت. و در ده جزء سامان یافته بود. (2) این کتاب تا سده دهم نیز در دسترس بود. ابن طاووس (3) و \_ بر پایه برخی گزارش ها \_ یوسف بن حاتم شامی شاگرد محقق حلی (م 676 ق) در کتاب الدرّ النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، (4) علاّ مه حلی (م 726 ق) در کتاب منتهی المطلب (5) و شهید اول (م 753 ق) در کتاب ذکرى الشيعة، از کتاب مدینه العلم صدوق نقل کرده اند. (6) شیخ حسین عبد الصمد (م 984 ق) پدر شیخ بهایی (م 1031 ق)، مدینه العلم را کتاب پنجم از اصول و کتاب های معتبر شیعه ذکر کرده است. (7) ظاهر عبارت شهید و شیخ عبد الصمد، گویای آن است که آنها کتاب یاد شده را در اختیار داشته اند. مدینه العلم در سده یازدهم، گم شده پنداشته شد و محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) تلاش کرد تا نسخه ای از آن را پیدا کند؛ ولی موفق نشد. (8) مدینه العلم با واسطه، از مصادر وسائل الشيعة، (9) بحار الأنوار (10) و

- 
- 1- الفهرست، طوسی، ص 238.
  - 2- معالم العلماء، ص 147.
  - 3- فلاح السائل، ص 69، 72، 78، 85، 86، 95، 127 و 155.
  - 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 40؛ الذریعة، ج 8، ص 86.
  - 5- بحار الأنوار، ج 80، ص 44.
  - 6- وسائل الشيعة، ج 1، ص 315 و 508؛ ج 2، ص 713؛ بحار الأنوار، ج 77، ص 269.
  - 7- وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، ص 44.
  - 8- بحار الأنوار، ج 102، ص 34؛ الذریعة، ج 20، ص 251.
  - 9- وسائل الشيعة، ج 1، ص 315 و 508؛ ج 2، ص 713؛ ج 18، ص 74؛ ج 20، ص 48.
  - 10- بحار الأنوار، ج 2، ص 161؛ ج 56، ص 252؛ ج 78، ص 23، 31، 300، 329، 330؛ ج 79، ف ص 291، 359؛ ج 80، ص 22، 44 و 50؛ ج 102، ص 34؛ ج 104، ص 43.

مستدرک الوسائل (1) است. المرشد تا سده هفتم در دسترس بود. ابن طاووس نسخه ای از آن را در اختیار داشته و روایتی در بیان روز مبعث پیامبر صلی الله علیه و آله، از آن نقل کرده است. (2) النبوة در سده هفتم در دسترس بوده و به قرینه نقل روایتی در باره انعقاد نطفه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جزء چهارم النبوة، در إقبال الأعمال، ابن طاووس نسخه ای از آن را در اختیار داشته است. (3) بر پایه گزارشی، یوسف بن حاتم، فقیه شامی معاصر ابن طاووس، (4) نیز از آن نقل کرده است. این کتاب، یکی از مصادر با واسطه بحار الأنوار است. (5) مولد أمير المؤمنين علیه السلام، در سده هفتم موجود بود. ابن طاووس با اشاره به این کتاب در شمار مصادر کتاب الیقین، (6) از آن نقل کرده است. (7) وی همچنین از کتاب با عنوان «الجزء الذی فیہ مولد أمير المؤمنين علیه السلام»، بدون ذکر نام مؤلف، یاد کرده (8) که شاید همین کتاب مورد بحث باشد. زهد مولانا علی علیه السلام، در سده هفتم موجود بود. ابن طاووس در فلاح السائل، سه بار از آن نقل کرده است. (9)

- 
- 1- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 172، 221، 362، 372، 498، 517، 520 و 521؛ ج 3، ص 21، 97، 102، 112 و 130؛ ج 9، ص 163.
  - 2- الإقبال، ج 3، ص 263 و 272.
  - 3- همان، ج 3، ص 162.
  - 4- الذریعة، ج 24، ص 20.
  - 5- بحار الأنوار، ج 98، ص 375.
  - 6- الیقین، ص 14.
  - 7- همان، ص 191.
  - 8- همان، ص 119 و 485.
  - 9- فلاح السائل، ص 101، 109 و 266.



کتاب المعراج، گویا در سده دهم موجود بوده است. بر پایه گزارش هایی، چند سیّد نعمت الله ولی در کتاب کنز المطالب \_ که در سال 981 ق، به نگارش در آمده \_ و سیّد هاشم توبلی بحرانی (م 1107 ق) در برخی آثار خود، از آن نقل کرده اند. (1) أخبار الزهراء فاطمة علیها السلام در سده هفتم موجود بود. ابن طاووس در کتاب الیقین (2) و محمّد باقر مجلسی با واسطه او، یک روایت از آن نقل کرده اند. (3) الفرق نیز در سده هفتم موجود بوده و ابن طاووس در کتاب سعد السعود، (4) یک روایت از آن نقل کرده است. محمّد باقر مجلسی در شمار مصادر بحار الأنوار، کتابی با عنوان نصوص از شیخ صدوق را ذکر کرده، (5) که گویا همان نصوص الأئمة یا إثبات النصّ علی الأئمة علیهم السلام است؛ اگرچه وی در هیچ موردی، از آن نقل نکرده است. ج \_ آثار چاپی: 36. عیون أخبار الرضا علیه السلام، 37. علل الشرائع، 38. معانی الأخبار، 39. کمال الدین و تمام النعمة، 40. الأمالی، 41. الخصال، 42. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، 43. التوحید، 44. صفات الشیعة، 45. فضائل الشیعة، 46. کتاب الإخوان، 47. المقتنع، 48. الهدایة، 49. رسالة العقائد، 50. کتاب فضل الأشهر الثلاثة، 51. المواعظ، 52. کتاب من لا یحضره الفقیه. فهرست احادیث کتاب های شیخ صدوق بخش رایانه ای «مجمع بحوث اسلامی» در مشهد، در سال 1418 ق، فهرست احادیث پانزده کتاب از آثار شیخ صدوق را در یک کتاب فراهم آورده است. این کتاب، شامل احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، احادیث قدسی و احادیثی از فاطمه زهرا علیها السلام و غیر معصومان است که بر اساس

- 
- 1- الذریعة، ج 21، ص 227؛ أعیان الشیعة، ج 10، ص 249؛ حلیة الأبرار، ج 1، ص 445، پانوش، محقق کتاب .
  - 2- الیقین، ص 424.
  - 3- بحار الأنوار، ج 18، ص 356 و 397.
  - 4- سعد السعود، ص 79.
  - 5- بحار الأنوار، ج 1، ص 7.

**14. ابن خَرَّاز قمی (معاصر شیخ مفید)****اشاره**

حروف الفبا، سامان یافته است و در پایان آن، فهرست های قابل استفاده ای نیز آمده است. (1)

14. ابن خَرَّاز قمی (معاصر شیخ مفید) علی بن محمّد بن علی، مکنّا به ابو القاسم، ملقب به خَرَّاز و معروف به ابن خَرَّاز قمی؛ محدّث، فقیه و متکلم. در مصادر، افزون بر «علی بن محمّد بن علی»، (2) گاه از «علی بن احمد بن علی» (3) و یا «علی بن خَرَّاز رازی» (4) یاد شده است. به قرینه توصیف او به «متکلم» و یگانگی تألیفات منتسب به اسامی یاد شده در مصادر کتاب شناسی، معلوم می شود که علی بن احمد همان علی بن محمّد است که در مصادر رجالی از او یاد شده است. ابن خَرَّاز، هم به رازی شهرت دارد و هم به قمی. این از آن روست که وی در قم و ری ساکن بود و در ری از دنیا رفت. ابن خَرَّاز به قرینه مشایخ بغدادی اش - چون: ابو مفضّل شیبانی، (5) ابن عیّاش جوهری، (6) ابو الفرج معافی بن زکریّای بغدادی (7) -، مدّتی هم در بغداد بوده است. سال وفات وی، دانسته نیست. به قرینه مشایخ او - مانند: شیخ صدوق (م 381 ق) (8) و ابن عیّاش جوهری (م 401 ق) -، وی را می توان معاصر شیخ مفید و ابن عیّاش دانست. (9) ابن خَرَّاز، قابل اعتماد و سرشناس در کلام و فقه شیعه بود. (10)

1- تراثنا، ش 54، ص 458 \_ 459.

2- رجال النجاشی، ص 268؛ معالم العلماء، ص 106؛ خلاصة الأقوال، ص 188؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 27.

3- رجال الطوسی، ص 430.

4- فهرست طوسی، ص 166.

5- کفایة الأثر، ص 11.

6- همان، ص 41.

7- همان، ص 20.

8- همان، ص 45، 49 و 51.

9- همان، ص 7، مقدّمه محقق.

10- رجال النجاشی، ص 268؛ فهرست، طوسی، ص 166.

## 15. عیاشی سمرقندی (م 320 \_ 329 ق)

## اشاره

تألیفاتسه کتاب در زمینه کلام و فقه، به ابن خزاز، نسبت داده شده است. اثر چاپی: 1. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر. اثر نایاب: 2. الإيضاح فی أصول الدین علی مذهب أهل البیت علیهم السلام، که با عنوان الإيضاح فی الاعتقاد نیز ذکر شده است. (1) اثر نایابی که در منابع بعدی انعکاس یافته است: 3. الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة. گویا این کتاب، همان الأحكام الشیعیة است که در اختیار محمّد باقر مجلسی (م 1111 ق) بوده و وی روایتی را در باره دفن شبانه حضرت فاطمه علیها السلام به دست امام علی علیه السلام، از آن نقل کرده است. (2)

15. عیاشی سمرقندی (م 320 \_ 329 ق) محمّد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، مکنا به ابو النصر و معروف به عیاشی؛ محدّث، مفسّر، فقیه و رجالی. سال وفات او معلوم نیست. به قرینه آن که وی دوست و استاد ابو عمرو کثی (م 329 ق) و معاصر ابو جعفر کلینی (م 329 ق) بوده، شاید فوت او بین 320 تا 329 ق، اتفاق افتاده باشد. (3) عیاشی به پیروی از پدر، بر مذهب اهل سنت بود و در این مدّت، از مشایخ حدیث اهل سنت فراوان استفاده کرد. (4) او در جوانی، به تشیّع گروید و از مشایخ حدیث کوفه، بغداد و قم حدیث شنید. (5) عیاشی را صادق، موثق و از چهرهای برجسته امامیه (6) جلیل القدر، واسع الأخبار، بصیر و آگاه به روایات خوانده اند؛ (7) اگرچه از ضعفها نیز بسیار روایت

1- معالم العلماء، ص 106.

2- بحار الأنوار، ج 43، ص 184.

3- هدیة العارفين، ج 2، ص 32؛ کتاب خانه ابن طاووس، ص 545؛ معجم المؤلفین، ج 12، ص 20.

4- رجال النجاشی، ص 350.

5- همان، ص 351؛ معجم رجال الحدیث، ج 18، ص 242.

6- رجال النجاشی، ص 351.

7- الفهرست، طوسی، ص 211.

**16 . ابو عمرو کشی (م 329 ق)**

می کرد. (1) تنها راوی او، فرزندش حیدر بن محمد سمرقندی است. (2)

تألیفاتشمار تألیفات عیاشی، بیش از دویست کتاب (3) در زمینه های فقه (حدود 107 کتاب)، تفسیر، دعا و زیارت، اخلاق و آداب، کلام، رجال، سیره، طب، نجوم و قیافه شناسی بوده است. همگی این آثار به جز تفسیر، نایاب اند. اثر چاپی: التفسیر.

16 . ابو عمرو کشی (م 329 ق) محمد بن عمر (عمیر) بن عبد العزیز، مکنّا به ابو عمرو و معروف به کَشّی؛ محدّث و رجالی. سال وفات او دانسته نیست. وی به قرینه مصاحبت با عیاشی (4) و هم طبقه بودن با کلینی (م 329 ق)، (5) احتمالاً در سال 328 ق فوت شده است. (6) ابو عمرو کَشّی، اهل کش از توابع سمرقند بود. به قرینه آن که جعفر بن قولویه (م 368 ق) و هارون بن موسی تلعبکری از وی اجازه روایت گرفته اند، (7) گویا او مدّتی در بغداد بوده است. اسامی مشایخ کَشّی در کتاب معرفة الرجال که به پنجاه نفر می رسند، نشان می دهد که اکثر آنها در ماوراء النهر؛ بویژه شهر کش، زندگی می کرده اند. (8) کَشّی رجالی قابل اعتماد و بنام شیعه بود که به اخبار نیز آگاهی داشت. 9 وی در

1- رجال النجاشی، ص 351.

2- همان، ص 315.

3- الفهرست، طوسی، ص 212 \_ 215؛ رجال النجاشی، ص 351 \_ 353.

4- رجال النجاشی، ص 373.

5- الذریعة، ج 2، ص 478 و ج 21، ص 262.

6- همان، ج 2، ص 133.

7- رجال النجاشی، ص 373؛ رجال الطوسی، ص 440.

8- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 290 \_ 296.

## 17 و 18 . ابنا بسطام (م نیمه اول سده چهارم)

## اشاره

شمار دوازده شیخ اجازه معروف است. (1) در مصادر، تنها يك زمينه رجال به كَشِّي نسبت داده شده است. این کتاب با عنوان های «کتاب الرجال»، (2) «معرفة الرجال» (3) و «معرفة الناقلين عن الأئمة الصادقين عليهم السلام» (4) ذکر شده است. رجال كَشِّي در اختیار نجاشی و شیخ طوسی بوده و آنان در تألیف دو کتاب رجال و فهرست، از آن استفاده کرده اند. (5) شیخ طوسی گزیده این کتاب را در واپسین سال های عمر، در سال 456 ق، بر شاگردان خود املا کرد. (6) این گزیده با عنوان إختيار الرجال به ثبت رسیده است. (7) از سده پنجم به بعد، کتاب الرجال كَشِّي نایاب شد و تنها إختيار الرجال باقی ماند. (8)

17 و 18 . ابنا بسطام (م نیمه اول سده چهارم) حسین بن بسطام و برادرش عبد الله بن بسطام، مکتباً به ابو عتاب و هر دو معروف به ابنا بسطام؛ محدث. از جزئیات زندگی این دو برادر، گزارشی در دست نیست. به قرینه آن که ابن عیاش جوهری (م 401 ق) با دو واسطه، از آن دو نقل کرده، (9) می توان سال وفات آنها را نیمه نخست سده چهارم حدس زد. آنها اهل نیشابور بودند و در مصادر، به نیشابوری شهرت دارند. (10) ابنا بسطام از نیشابور به قزوین رفتند و در آن جا ساکن شدند. (11) این دو برادر توثیق نشده اند؛ بسطام بن شاپور زیات مکتباً به

- 
- 1- .خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 285.
  - 2- .رجال النجاشی، ص 372؛ الفهرست، طوسی، ص 217.
  - 3- .الفهرست، طوسی، ص 81.
  - 4- .معالم العلماء، ص 101.
  - 5- .رجال النجاشی، ص 21، 34، 36، 38.
  - 6- .فرج المهموم، ص 130.
  - 7- .الفهرست، طوسی، ص 242؛ معالم العلماء، ص 150.
  - 8- .خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 285؛ معجم رجال الحديث، ج 1، ص 43 و 95؛ کلیات فی علم الرجال، ص 59.
  - 9- .رجال النجاشی، ص 39.
  - 10- .همان، ص 218؛ نقد الرجال، ج 2، ص 80.
  - 11- .طبّ الأئمة عليهم السلام، ص 15.

## تألیفات

ابو الحسین واسطی، زکریا، زیاد و حفص که عموهای آن دو بودند، در شمار محدّثان قابل اعتماد یاد شده اند. (1) ابنا بسطام، از مشایخ بسیاری روایت کرده اند. (2) محمّد بن خلف قزوینی یکی از آنهاست. (3) گویا این محمّد بن خلف، همان محمّد بن خلف طاطری است که ابن عیّاش جوهری از او روایت کرده (4) و ابن جعابی نیز او را موثّق خوانده است. (5)

تألیفات کتاب معروف این دو برادر، طبّ الأئمة علیهم السلام نام دارد (6) که در مصادر، با عنوان کتاب الطب (7) ذکر شده است. این کتاب ضعف های بسیاری دارد. مهم ترین آنها عبارت اند از: عدم توثیق مؤلّفان آن، (8) ضعف طریق نجاشی به آن \_ که ابن عیّاش جوهری است \_ (9) و ضعف اسانید برخی روایات آن. (10) با این همه، شیخ حرّ عاملی، محمّد باقر مجلسی و محدّث نوری، به این کتاب اعتنا و اعتماد کرده اند. (11) این اعتنا بدان جهت بوده که در این کتاب، احکام فرعی، بسیار کم آمده و از دیگر سو، در موضوع دعا و ادویه، تنها به اسانید قوی بسنده نمی شود. (12)

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 39؛ معالم العلماء، ص 65؛ خلاصة الأقوال، ص 81.
  - 2- طبّ الأئمة علیهم السلام، مقدّمه محقق، ص 13 \_ 14.
  - 3- همان، ص 15.
  - 4- مقتضب الأثر، ص 6 و 8.
  - 5- همان جا؛ قاموس الرجال، ج 8، ص 166؛ فهرس التراث، ج 1، ص 385.
  - 6- بحار الأنوار، ج 1، ص 11 و 30؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 43.
  - 7- رجال النجاشی، ص 39.
  - 8- بحار الأنوار، ج 1، ص 30.
  - 9- رجال النجاشی، ص 86.
  - 10- طبّ الأئمة علیهم السلام، ص 14؛ مقدّمه آیه الله بروجردی، فهرس التراث، ج 1، ص 385.
  - 11- ر.ک: مستدرک الوسائل، ج 1، ص 387، 396 و 409.
  - 12- بحار الأنوار، ج 1، ص 30؛ طبّ الأئمة علیهم السلام، بروجردی، ص 14، مقدّمه آیه الله .

**19. ابو الجیش بلخی (م 367 ق)****تألیفات**

19. ابو الجیش بلخی (م 367 ق) مظفر بن محمد بن احمد بلخی، مکتباً به ابو الجیش (ابو الحسن) و معروف به ابو الجیش بلخی؛ محدث و متکلم. کنیه این محدث در مصادر، ابو الجیش (1) و گاه ابو الحسن (2) ذکر شده است. جزئیات زندگی وی دانسته نیست. او اهل بلخ، از توابع خراسان بود و به بلخی و گاه خراسانی اشتهاار یافت. به قرینه استماع شیخ مفید از او، (3) وی به بغداد رفته است. ابو الجیش اخبار شناس و متکلمی برجسته بود. وی در کلام، شاگرد متکلم معروف شیعی، ابو سهل نوبختی بود.

تألیفات ابو الجیش در زمینه کلام، مناقب و مثالب و رجال، کتاب نوشت. آثار نایاب: 1. کتابی در مثالب موسوم به فعلت فلا تلم، 2. الإمامة، 3. نقض کتاب العثمانیة جاحظ، 4. الکمال، 5. بعض ما روی من مناقب الرجال، 6. فدک، 7. الأرزاق و الآجال. این آثار همگی نایاب اند. کتاب مناقب او که با عنوان الکمال، (4) خصال الکمال، (5) خصال الکمال و بعض ما روی من مناقب الرجال (6) و رجال ابي الجیش (7) آمده، تا سده ششم نیز در دسترس بود. ابن شهر آشوب (م 579 ق) یک روایت (8) و محمد باقر مجلسی با واسطه، از آن نقل کرده اند. 9

1- رجال النجاشی، ص 421؛ الفهرست، طوسی، ص 251؛ معالم العلماء، ص 159.

2- المناقب، ابن شهر آشوب، ج 1، ص 365.

3- رجال النجاشی، ص 421؛ فهرست طوسی، ص 251.

4- معالم العلماء، ص 159.

5- المناقب، ابن شهر آشوب، ج 1، ص 385.

6- الذریعة، ج 7، ص 163.

7- الذریعة، ج 10، ص 151.

8- بحار الأنوار، ج 40، ص 322.

**20. ابن ابی ثلج بغدادی (بین 237 \_ 325 ق)****تألیفات**

20. ابن ابی ثلج بغدادی (زنده در 237 \_ 325 ق) محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله بن اسماعیل کاتب، مکتباً به ابو بکر و معروف به ابن ابی ثلج بغدادی؛ محدث، مورخ، فقیه و مفسر. جزئیات زندگی او معلوم نیست. وی در بغداد بود و چهره ای برجسته، قابل اعتماد و کثیر الحدیث شناخته می شد. (1) اگرچه ابن ندیم (م 357 ق) وی را «خاصی، عامی» \_ با تأکید بر غلبه تشیع او \_ یاد کرده، (2) در مصادر شیعی بر امامی مذهب بودن او اتفاق نظر وجود دارد. ابو مفضل شیبانی، سلامه بن محمد ارزنی، (3) معافا بن زکریا ابو الفرج، (4) هارون بن موسی تلعبری در سال 322 \_ 325 ق، و ابو بکر دوری (م 379 ق)، از وی حدیث شنیده اند. ابو بکر دوری بیش از سایر افراد یاد شده، از ابن ابی ثلج روایت کرده است. (5) ابن ابی ثلج از مشایخ حدیث شیعه (6) و مشایخ حدیث اهل سنت \_ چون دار قطنی، ابن شاهین و یوسف قواس \_ حدیث شنید. (7)

تألیفات آثار او در زمینه رجال، فضائل، تفسیر، تاریخ و آداب است. آثار نایاب: 1. التنزیل فی أمیر المؤمنین (کتاب ما نزل من القرآن فی أمیر المؤمنین علیه السلام)، 2. البشری و الزلفی فی فضائل الشیعة، 3. أخبار النساء الممدوحات، 4. أخبار فاطمة و الحسن و الحسين علیهم السلام، 5. کتاب من قال بالتفضیل من الصحابة، 6. کتاب أسماء أمیر المؤمنین علیه السلام، 7. تفسیر القرآن، 8. السنن والآداب علی مذهب العامة، 9. فضائل الصحابة، 10. کتاب الإختیار

1- رجال النجاشی، ص 381؛ الفهرست، طوسی، ص 230؛ معالم العلماء، ص 143؛ خلاصة الأقوال، ص 266.

2- فهرست ابن ندیم، ص 289.

3- رجال النجاشی، ص 8 و 382؛ الفهرست، طوسی، ص 230، رجال الطوسی، ص 448.

4- فهرست منتجب الدین، ص 356.

5- رجال الطوسی، ص 443.

6- رجال النجاشی، ص 8؛ إيضاح الاشتباه، ص 188 \_ 289.

7- فهرست ابن ندیم، ص 37؛ قاموس الرجال، ج 8، ص 35.



**21. ابن جحام (زنده در 328 ق)****تألیفات**

من الأسانید. (1) کتاب التنزیل فی أمیر المؤمنین علیه السلام تا سده هفتم موجود بود. ابن طاووس (م 662 ق) با نقل چهار حدیث از آن، متذکر شده که نسخه ای قدیمی از آن را در اختیار دارد که به احتمال فراوان، هنگام حیات مؤلف نگاشته شده است. (2) اثر چاپی: 11 . تاریخ الأئمة علیهم السلام .

21. ابن جحام (زنده در 328 ق) محمد بن عباس بن علی بن مروان بن ماهیار، مکتبا به ابو عبد الله و ملقب به بزّاز و معروف به ابن جحام؛ محدّث، فقیه و قرآن پژوه. نام معروف وی به اختلاف گزارش ها، ابن جحام (3) و ابن جحام (4) ذکر شده است. سال وفات وی معلوم نیست. به قرینه نقل و اجازه روایت هارون بن موسی تلعبری از وی در سال 328 ق، او در این سال یا پس از آن فوت شده است. ابن جحام، اهل باب الطاق بغداد بود. (5) به قرینه مشایخ قمی و بغدادی وی \_ چون: ابن عقده، محمد بن جعفر رزّاز، حسن بن محمد بن جمهور عمی، ابن ادریس قمی و ابن همام اسکافی \_ ، (6) او به قم نیز رفته است. ابن جحام، کثیر الحدیث بود و در شمار معدود محدّثان شیعه ای شناخته می شود که نجاشی دو بار، او را توثیق کرده است. (7)

تألیفات آثار ابن جحام، در زمینه تفسیر و قرآن شناسی و نیز فقه است.

1- فهرست ابن ندیم، ص 289.

2- الیقین، ص 57 \_ 60.

3- رجال النجاشی، ص 378؛ خلاصة الأقوال، ص 265.

4- رجال الطوسی، ص 443؛ الفهرست، طوسی، ص 228؛ معالم العلماء، ص 177.

5- رجال الطوسی، ص 443؛ الذریعة، ج 3، ص 304.

6- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن جحام».

7- رجال النجاشی، ص 378.

**22. ابن همام اسکافی (م 332 \_ 336 ق)****اشاره**

آثار نایاب: 1. المقنع فی الفقه، 2. الدواجن، 3. ما نُزِّل من القرآن فی أهل البيت علیهم السلام، 4. قرائة أهل البيت علیهم السلام، 5. قرائة أمير المؤمنین، 6. الناسخ و المنسوخ، 7. التفسیر الکبیر، 8. تأویل ما نُزِّل فی النبی و آله علیهم السلام (1). کتاب ما نُزِّل من القرآن فی أهل البيت علیهم السلام، که تا سده دهم \_ و گویا تا دوازدهم نیز \_ موجود بوده، (2) کتابی پر حجم در هزار برگ بوده است. (3) ابن طاووس (م 662 ق) نسخه ای از آن را که در دو مجلد بزرگ و در ده جزء سامان یافته بوده \_ در اختیار داشته است. (4)

22. ابن همام اسکافی (م 332 \_ 336 ق) محمد بن ابی بکر همام بن سهیل، مکتباً به ابو علی، ملقب به کاتب و معروف به ابن همام اسکافی؛ محدث و مورخ. زادگاه ابن همام معلوم نیست. به قرینه مشایخ قمی اش \_ چون: عبد الله بن جعفر جمیری، احمد بن ادریس قمی و ابن جمهور عمی \_، (5) مدتی در قم به سر برده؛ ولی به قرینه راویان بغدادی اش \_ چون: ابو الحسن جندی، ابو غالب رازی، ابن قولویه، نعمانی و تلعبری \_ (6) و این کلام خطیب بغدادی (م 463 ق) که: «ابن همام در سوق العطش ساکن بود و در قبرستان قریش به خاک سپرده شد»، (7) باید محلاً اصلی سکونت وی را بغداد دانست. خانواده ابن همام مجوسی بودند و پدر وی نخستین فرد از این خانواده بود که به اسلام و تشیع گروید. (8) وفات ابن همام را به اختلاف، در سال

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 5، ص 145.
  - 2- بحار الأنوار، ج 38، ص 247؛ حلیة الأبرار، ج 2، ص 408؛ مدینة المعاجز، ج 1، ص 204.
  - 3- رجال النجاشی، ص 378.
  - 4- الیقین، ص 279.
  - 5- معجم رجال الحدیث، ج 15، ص 246.
  - 6- رجال النجاشی، ص 122، 245 و 375؛ الفهرست، طوسی، ص 141 و 217؛ رجال الطوسی، ص 494 و 438.
  - 7- تاریخ بغداد، ج 4، ص 135 \_ 136.
  - 8- رجال النجاشی، ص 376.

**23. مظفر بن جعفر بن حسین (زنده در نیمه نخست سده چهارم)****اشاره**

336 (1) و 332 ق، (2) دانسته اند. وی امانتدار و کثیرالروایه بود (3) و مشایخ سنی نیز داشت. (4) وی در بسیاری از طرق رجال نجاشی و فهرست طوسی واقع شده و بسیاری از روایات و اخبار مربوط به امام زمان (عج) و غیبت او و نایبان چهارگانه آن حضرت، به واسطه او نقل شده است. (5)

تألیفات کتاب به ابن همام نسبت داده شده است. اثر نایاب: 1. المزار، که یکی از مصادر باواسطه وسائل الشیعة است. (6) آثار چاپی: 2. الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام (7) \_ که با عنوان الأنوار نیز از آن یاد شده است \_، (8) 3. التمهیص.

23. مظفر بن جعفر بن حسین (زنده در نیمه نخست سده چهارم) نام مظفر بن جعفر بن حسین (حسن)، در مصادر رجالی و کتاب شناسی، ذکر نشده است و نخستین کسی که از وی نام برد، ابن طاووس (م 662 ق) بود که نسخه ای با عنوان الرسالة الموضحة، در کتاب خانه اصلی و قدیمی مدرسه نظامیه بغداد پیدا کرد. وی بارها از مؤلف این نسخه با نام مظفر بن جعفر یاد کرده و متذکر شده که این

1- تاریخ بغداد، ج 4، ص 135 \_ 136.

2- خلاصة الأقوال، ص 247.

3- رجال الطوسی، ص 438؛ تاریخ بغداد، ج 4، ص 135 \_ 136.

4- رجال النجاشی، ص 378؛ فهرست، طوسی، ص 141 و 217.

5- التمهیص، ص 17 \_ 28، مقدمه محقق.

6- وسائل الشیعة، ج 20، ص 48.

7- رجال النجاشی، ص 378.

8- فهرست، طوسی، ص 141 و 217؛ عیون المعجزات، ص 100؛ فرحة الغری، ص 129.

نسخه، به خط مؤلف است. (1) نام جد مؤلف به اختلاف، حسین (2) و حسن (3) ضبط شده است. سال وفات و محل زندگی مظفر بن جعفر، معلوم نیست. به قرینه برخی از مشایخ او - چون: ابن عقده (م 332 ق)، (4) ابو علی بن همام (م 336 ق)، (5) و ابو مفضل شیبانی (6) - می توان گفت که در نیمه نخست سده چهارم، در بغداد زندگی می کرده است. در گزارشی، مظفر بن جعفر از ابو مفضل شیبانی و او از کتاب ابن جریر طبری، روایتی را درباره نام گذاری امام علی علیه السلام به «امیر المؤمنین» توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، نقل کرده است؛ (7) اگرچه در گزارشی دیگر، مظفر بن جعفر بی واسطه، از ابن جریر روایت می کند. (8) به قرینه گزارش اول، به نظر می رسد که گزارش دوم نیز با واسطه کتاب ابن جریر بوده، نه نقل بی واسطه. نیز به قرینه آن که کتابی با عنوان غدیر خم، به ابن جریر طبری نسبت داده شده 9 و خطیب بغدادی (م 463 ق) نیز از ابن جریر طبری صاحب تاریخ نام برده، 10 این احتمال تقویت می شود که واسطه، ابن جریر طبری سنی بوده است؛ اگرچه آقا بزرگ تهرانی، احتمال ابن جریر طبری امامی را قوی دانسته است. 11

1- .الیقین، ص 109، 110، 362 و 371.

2- .همان، ص 109.

3- .همان، ص 368 و 110.

4- .همان، ص 363.

5- .همان، ص 362.

6- .همان، ص 368.

7- .الذریعة، ج 16، ص 25.

8- .تاریخ بغداد، ج 2، ص 162، ش 589.

**24. مسعودی (م 345 \_ 346 ق)****بحثی در مذهب مسعودی**

تألیفبه قرینه آنچه ابن طاووس از کتاب مظفر بن جعفر، یعنی الرسالة الموضحة نقل کرده، (1) می توان حدس زد که این کتاب، درباره امامت و ولایت امام علی علیه السلام است. محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) نیز با واسطه کتاب الیقین، از آن نقل کرده است. (2)

24. مسعودی (م 345 \_ 346 ق) علی بن حسین بن علی، مکتباً به ابو الحسن و معروف به مسعودی؛ محدث، مورخ، فقیه، متکلم و منجم. مسعودی در عراق، زاده شد. (3) وی در دو کتاب مروج الذهب و التنبيه و الإشراف، آورده که در عراق زاده شد و به فارس، کرمان، هند، مولتان، فلسطین و مصر سفر کرد. جالب است که مسعودی، تاریخ این سفرها را نیز ذکر کرده است. (4) بر پایه این اطلاعات، او تا سال 301 ق، در بغداد بوده و از آن پس، تا سال 344 ق، پی در پی سفر کرده است. (5) مسعودی در سال های 345 \_ 346 ق، در مصر از دنیا رفت. (6)

بحثی در مذهب مسعودی در مصادر شیعه و سنی، درباره مسعودی، اطلاعات چندانی به چشم نمی خورد. ابو عمرو کثی (م 329 ق) و ابن طاووس (م 662 ق) وی را از نگاه فریقین، قابل اعتماد و امانتدار در حدیث خوانده اند (7) و با وصف «شیخ

1- الیقین، ص 109 \_ 110 و ص 362 \_ 374.

2- بحار الأنوار، ج 37، ص 344.

3- لسان المیزان، ج 4، ص 225.

4- التنبيه و الإشراف، ص 7 مقدمه محقق؛ فهرس التراث، ج 1، ص 388.

5- همان جا.

6- سیر أعلام النبلاء، ج 15، ص 569؛ لسان المیزان، همان جا.

7- اختیار الرجال، ج 1، ص 100.

فاضل»، (1) ستوده اند. مسعودی از مشایخ حدیث ابن ابی زینب نعمانی در کتاب الغیبة (2) و شیخ اجازه ابو مفضل شیبانی است. (3) با این حال، مذهب مسعودی روشن نیست. آیا وی شیعه بوده یا سنی و اگر شیعه بوده، بر مذهب امامی بوده یا شیعه به معنای عام؟ در این باره، دو دیدگاه دیده می شود. دیدگاه نخست \_ که گویا پرطرفدار نیز است \_ وی را امامی می داند. ابن ادريس حلی (م 578 ق)، (4) ابن طاووس (5) و محدث نوری (م 1320 ق) (6) این گونه اندیشیده اند. قرینه بر این قول، سکوت نخستین مصادر رجالی و کتاب شناسی امامیه درباره مذهب مسعودی را می توان قرینه این دیدگاه شمرد؛ چرا که این منابع، به قصد معرفی کتاب ها، مؤلفان و رجال امامیه تألیف شده اند، پس صرف نام بردنشان از کسی، به معنای امامی بودن او تواند بود. در میان چنین منابعی، فهرست نجاشی را در این ویژگی، برجسته تر باید شمرد؛ زیرا وی معمولاً به مذهب افراد منحرف اشاره می کند و از دیگر سو، نزدیک ترین کتاب شناس به عصر مسعودی، و آگاه ترین و خبیره ترین رجالی نیز شناخته می شود. پس سکوت وی، می تواند قرینه ای قوی بر تشیع امامی مسعودی باشد. (7) چنین نگرشی، در استدلال های محمد باقر مجلسی نیز درباره مذهب دیگر افراد مشکوک، دیده می شود. محدث نوری افزون بر آنچه گذشت، به شواهدی در کتاب مروج الذهب، و إثبات الوصية ی مسعودی؛ بویژه إثبات الوصية، اشاره کرده است. به عقیده محدث نوری، کتاب اثبات الوصية به تنهایی، دلیلی روشن و انکارناپذیر بر تشیع امامی

1- فرج المهموم، ص 126.

2- الغیبة، ص 18 مقدمه محقق؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 124.

3- رجال النجاشی، ص 254.

4- السرائر، ج 1، ص 161.

5- فرج المهموم، همان جا.

6- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 119 \_ 122.

7- همان، ج 1، ص 119.

## 25. ابن ابی زینب نعمانی کاتب (م 342 ق)

## اشاره

مسعودی است، ولی کتاب مروج الذهب \_ اگرچه قراین شایان توجه و اطمینان آوری دارد \_، (1) گویا تحت فشار خاص محیط آن روز، نوشته شده و مؤلف از سرِ تقیّه، کتاب را به سبک و سیاق اهل سنت، تألیف کرده است. (2) دیدگاه دوم، مسعودی را بر مذهب اهل سنت و دست بالا، شیعه به معنای عام آن می داند. همانند برخی از مصادر اهل سنت، (3) گروهی از رجال شناسان امامی نیز \_ مانند: آقا محمّد علی فرزند وحید بهبهانی و صاحب کتاب مقامع الفضل (4) و معاصرانی چون محمّد جواد شبیری زنجانی \_، (5) این دیدگاه را درست می دانند.

تألیفات مسعودی در زمینه تاریخ، جغرافیا و نجوم، کتاب تألیف کرد. وی در مقدمه کتاب التنبیه و الإشراف، به برخی از کتاب های خود و ترتیب و ارتباط مباحث آنها، اشاره کرده است. (6) آثار نیاب: 1. المقالات فی الأصول و الدیانات، 2. الزلف، 3. الاستبصار، 4. سرّ الحیاة، 5. نشر الأسرار، 6. الصفوة فی الإمامة، 7. الفهرست. (7) آثار چاپی: 8. أخبار الزمان، 9. إثبات الوصیة لعلی بن أبی طالب، 10. مروج الذهب و معادن الجواهر، 11. التنبیه و الإشراف.

25. ابن ابی زینب نعمانی کاتب (م 342 ق) محمّد بن ابراهیم بن جعفر، مکتباً به ابو عبد الله، ملقب به کاتب و معروف به

1- مروج الذهب، ج 1، ص 42، ج 2، ص 426.

2- خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

3- سیر اعلام النبلاء، همان جا؛ لسان المیزان، همان جا.

4- خاتمة مستدرک، ج 1، ص 118 \_ 119.

5- فصلنامه انتظار، ج 5، ص 25 \_ 45.

6- التنبیه و الإشراف، ص 3.

7- التنبیه و الإشراف، همان جا؛ رجال النجاشی، همان جا؛ أمل الآمل، ج 2، ص 180 \_ 181.

## تألیفات

ابن زینب (ابن ابی زینب) نعمانی؛ محدث، مفسر و متکلم. زادگاه و سال وفات نعمانی، معلوم نیست؛ ولی به قرینه تاریخ هایی که خود در کتاب الغیبة ذکر کرده، وی در سال 313 ق، در شیراز بوده (1) و پس از آن به بغداد رفته (2) و در سال های 327 تا 333 ق، در آن جا اقامت داشته است. (3) نعمانی در سال 333 ق، به بلاد شام رفت و در آن جا در دیار طبریه، دمشق و حلب، با مشایخ حدیث آن نواحی دیدار کرد و سرانجام در شهر حلب و شاید در سال 342 ق، وفات کرد. (4) نعمانی از مشایخ گران مایه امامیه، و معروف به امانتداری و گستردگی حدیث بود. (5) وی از مشایخ زیدیه و اهل سنت نیز حدیث شنید. (6) ابو غالب رازی (7) و ابو الحسن محمد بن علی شجاعی (بجلی)، (8) از وی روایت کرده اند.

تألیفات نعمانی در زمینه غیبت امام دوازدهم، تفسیر، کلام و فقه، کتاب تألیف کرد. در مصادر، شش کتاب به وی نسبت داده شده است. (9) آثار نایاب: 1. الفرائض، 2. الرد علی الإسماعیلیة. اثر چاپی: 3. الغیبة، 4. التفسیر. آثار نایابی که مطالبشان، در منابع بعدی گزارش شده است: 5. کتاب التسلی، که

1- الغیبة، ص 62.

2- رجال النجاشی، ص 383.

3- الغیبة، نعمانی، ص 18، 37، 134، 149 و 286.

4- الغیبة، نعمانی، ص 18، مقدمه محقق.

5- رجال النجاشی، همان جا؛ خلاصة الأقوال، ص 162؛ أمل الآمل، ج 2، ص 233.

6- الغیبة، نعمانی، ص 102 \_ 107؛ نیز، ر.ك: الغیبة، نعمانی، ص 14 \_ 15، مقدمه محقق.

7- رسالة أبي غالب، ص 96 و 179.

8- الغیبة، نعمانی، ص 18.

9- رجال النجاشی، همان جا؛ معالم العلماء، ص 153؛ أمل الآمل، همان جا؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 15؛ فرج المهموم، ص 95.



**26. ابن جعابی (م 355 ق)****تألیفات**

در اختیار سید مرتضی (م 436 ق) بوده و وی بدون واسطه، و محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) با واسطه، از آن روایت کرده اند. (1) 6. کتاب الدلائل نیز تا سده هفتم در دسترس بوده و ابن طاووس (م 662 ق) از بخش نهم آن (2) نقل کرده و محمد باقر مجلسی نیز با واسطه ابن طاووس، همان مطالب را نقل کرده است. (3)

26. ابن جعابی (م 355 ق) محمد بن عمر بن محمد بن سلم تمیمی، مکنّا به ابو بکر و معروف به ابن جعابی؛ محدّث و رجالی. نام این محدّث را به اختلاف، محمد (4) و عمر (5) ذکر کرده اند. گویا وی در بغداد، زاده شد و در همان جا سکونت گزید. او به موصل، مصر، حلب و دمشق نیز سفر کرد و سرانجام در سال 355 ق، در بغداد درگذشت. (6) ابن جعابی از مشایخ حدیث و رجال اهل سنت نیز بهره فراوان برد. (7) وی به قوت حافظه شهرت داشت و بر پایه گزارشی، دویست تا چهارصد هزار حدیث از حفظ داشت. (8) شیخ مفید، ابن عبدون و ابن غضائری، از وی روایت کرده اند. (9)

تألیفات در مصادر سیزده کتاب برای ابن جعابی ذکر شده است. از عناوین کتاب های وی،

- 1- بحار الأنوار، ج 45، ص 313.
- 2- فرج المهموم، ص 95
- 3- بحار الأنوار، ج 58، ص 162.
- 4- رجال النجاشی، ص 394؛ تاریخ بغداد، ج 3، ص 236؛ الفهرست، طوسی، ص 229.
- 5- الفهرست، طوسی، ص 185.
- 6- تاریخ بغداد، همان جا، ص 241.
- 7- همان، ج 3، ص 238؛ الفهرست، طوسی، همان جا.
- 8- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ تاریخ بغداد، ج 3، ص 237.
- 9- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

**27. ابو الحسن قاضی (م 356 ق)****اشاره**

برداشت می شود که زمینه آثار او، رجال (هفت عنوان) و تک نگاری در اخبار برخی از اشخاص و شهرها بوده است. براساس گزارشی، ابن جعابی در آستانه فوت به فرزندش توصیه کرد که کتاب های او را بسوزاند و فرزند نیز چنین کرد. در این حادثه، افزون بر کتب ابن جعابی، بسیاری از کتب دیگر محدثان نیز از بین رفت. (1) آثار نایاب: 1. تسمیه من روی الحدیث و غیره من العلوم و من کانت له صناعة و مذهب و نحلة، 2. الشیعة من أصحاب الحدیث و طبقاتهم، 3. من حدّث هو و والده عن النبی صلی الله علیه و آله، 4. من روی حدیث غدیر خم، 5. طُرُق من روی عن امیر المؤمنین: «لا یحیی إلا مؤمن و لا یغضنی إلا منافق»، 6. ذکر من روی مؤاخاة النبی صلی الله علیه و آله لأمیر المؤمنین علیه السلام، 7. الموالی الأشراف و طبقاتهم، 8. من روی الحدیث من بنی هاشم و موالیهم، 9. اختلافُ أبی بن کعب و ابن مسعود فی لیلۃ القدر و طرقُ ذلك، 10. أخبار آل أبی طالب، 11. أخبار بغداد و طبقات أصحاب الحدیث بها، 12. مسند عمر بن علی بن أبی طالب علیه السلام، 13. أخبار علی بن الحسین علیه السلام. (2) این کتاب ها همگی نایاب اند. ابن شهر آشوب (م 589 ق) گزارش داده که ابن جعابی، حدیث غدیر را از 125 طریق، روایت کرده است؛ (3) پس می توان حدس زد که وی کتاب «من روی حدیث غدیر خم» را در اختیار داشته است. ذهبی نیز از کتاب من حدّث هو والده، نقل کرده است. (4)

27. ابو الحسن قاضی (م 356 ق) علی بن محمد بن عبد الله قزوینی، مکتباً به ابو الحسن و معروف به قاضی؛ محدث. جزئیات زندگی وی، دانسته نیست و همین اندازه می دانیم که او اهل قزوین بوده (5) و

1- تاریخ بغداد، ج 3، ص 242؛ لسان المیزان، ج 1، ص 38.

2- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ معالم العلماء، ص 107؛ الذریعة، ج 14، ص 271، ج 15، ص 151، ج 10، 103 و 140.

3- المناقب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 25.

4- لسان المیزان، همان جا.

5- تاریخ بغداد، ج 12، ص 85.

**28. ابو طالب انباری (م 356 ق)****اشاره**

در سال 356 ق، به بغداد رفته است. نجاشی وی را محدثی شایسته اعتماد دانسته است. (1) قاضی قزوینی نخستین کسی بود که برخی از کتاب های عیاشی را به بغداد برد. (2) وی در بغداد، از هارون بن موسی تلعکبری (3) و حسین بن عبید الله غضائری، (4) حدیث شنید. به قرینه ورود او به بغداد در سال 356 ق، و استماع حدیث از مشایخ بغدادی، می توان حدس زد که قاضی قزوینی، دست کم يك سال پس از این تاریخ، فوت شده باشد.

تألیفات و کتاب به قاضی قزوینی نسبت داده شده است: 1. ملح الأخبار، 2. تسمية مولانا علی علیه السلام بأمیر المؤمنین. ابن طاووس، کتاب اخیر را در اختیار داشته و روایاتی را با اسناد کامل، از آن نقل کرده است. (5)

28. ابو طالب انباری (م 356 ق) عبید الله (عبد الله) بن ابی زید بن احمد بن یعقوب بن نصر انباری، مکتباً به ابو طالب و معروف به ابو طالب انباری؛ محدث و متکلم. نام ابو طالب انباری به اختلاف، عبید الله (6) و عبد الله (7) ذکر شده است. نام پدر و جد وی نیز به اختلاف، ابو زید بن احمد (8) و احمد بن ابی زید (9) آمده است. وی اهل واسط و ساکن آن جا

1- رجال النجاشی، ص 267.

2- رجال النجاشی، همان جا.

3- الیقین، ص 188 و 190.

4- الذریعة، ج 22، ص 197.

5- الیقین، ص 98، 186 و 190.

6- رجال النجاشی، ص 232.

7- رجال الطوسی، ص 432؛ الفهرست، طوسی، ص 169.

8- رجال النجاشی، همان جا.

9- الفهرست، طوسی، همان جا.

## تألیفات

بود (1) و به بغداد نیز سفر کرد. (2) ابو طالب انباری، سرانجام در سال 356 ق، در واسط در گذشت. (3) ابو طالب انباری، نخست بر مذهب واقفی بود، تا این که در واپسین سال های زندگی، به تشیع امامی گرایید. (4) از این رو، در وثاقت او تردید کرده اند و در برخی مصادر، به جهت سابقه طولانی اش در مذهب واقفی، تضعیف شده است. (5) برخی دیگر بر توثیق وی، تصریح کرده اند. 6 در هر حال، نام ابو طالب انباری، در بیش از صد طریق در رجال نجاشی و فهرست طوسی به چشم می خورد. شیخ مفید، ابن غضائری، تلعکبری، ابن نوح سیرافی و ابن عبدون، از او روایت کرده اند. 7

تألیفات ابو طالب انباری پر تألیف بود. در مصادر، 140 عنوان کتاب، به وی نسبت داده شده است که از این شمار، از نوزده عنوان نام برده شده است. زمینه آثار او، طرق و رجال احادیث خاص، کلام، دعا، زیارت، فضائل و تک نگاری اخبار حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. از میان آثار وی \_ که البته همگی نایاب اند \_ می توان نام برد: 1. طرق حدیث غدیر، 2. طرق حدیث الراية، 3. طرق حدیث المنزلة، 4. طرق حدیث الطائر، 5. طرق حدیث قسیم النار، 6. کتاب فدک، 7. مزار ابي عبد الله، 8. ادعية الأئمة عليهم السلام، 9. التفضيل، 10. أخبار فاطمة عليها السلام، 11. التوحيد، 12. الإمامة، 13. أسماء أمير المؤمنين عليه السلام، 14. مسند خلفاء بني العباس. گویا کتاب أسماء أمير المؤمنين عليه السلام، در اختیار ابن طاووس بوده؛ چراکه وی روایاتی

1- رجال النجاشی، همان جا.

2- الفهرست، طوسی، همان جا.

3- الفهرست، طوسی، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 6، ص 403.

4- رجال النجاشی، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ص 404.

5- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

## 29. ابو عبد الله صفوانی (زنده در نیمه نخست سده چهارم)

### تألیفات

را درباره نام گذاری امام علی علیه السلام به «امیر المؤمنین»، از آن نقل کرده است. (1)

29. ابو عبد الله صفوانی (زنده در نیمه نخست سده چهارم) محمد بن احمد بن عبد الله بن فضاعة بن مهران بن جمّال، مکنی به ابو عبد الله و معروف به ابو عبد الله صفوانی؛ محدّث، فقیه و متکلم. وی از اولاد صفوان بن مهران، صحابی امام صادق علیه السلام بود و در بغداد سکونت داشت. (2) به قرینه روایت او از علی بن ابراهیم قمی (3) و ابو جعفر کلینی، (4) و نیز روایت ابن نوح سیرافی از وی در بصره (5) و مباحله او با قاضی موصل درباره امامت، (6) می توان دریافت که وی به بصره، موصل، قم و ری سفر کرده است. ابو عبد الله صفوانی در فقه و حدیث. دانشی گسترده داشت (7) و مورد اعتماد و بزرگ امامیه شناخته می شد. (8) ابن نوح سیرافی، هارون بن موسی تلعبیری و شیخ مفید، از او روایت کرده اند. 9

تألیفات وی در زمینه فقه، کلام و حدیث، دست به تألیف زد. آثار نایاب: 1. الکشف و الحجة، 2. یوم و لیلة، 3. المنازل، 4. ثواب القرآن، 5. الردّ علی الواقفة، 6. الغیبة و کشف الحیرة، 7. الإمامة، 8. الطلاق الثلاثة، 9. الجامع فی الفقه، 10. غرر الأخبار و نوادر الآثار، 11. حجّة آل الرسول علیهم السلام.

1- الیقین، ص 221.

2- رجال الطوسی، ص 443.

3- رجال الطوسی، همان جا.

4- الذریعة، ج 2، ص 333.

5- رجال النجاشی، ص 59.

6- همان، ص 393.

7- الفهرست، طوسی، ص 208.

8- رجال النجاشی، ص 393.

**30. ابو غالب زُراری (285 \_ 368 ق)****اشاره**

آثار نایابی که گزارش‌هایی از آنها، در منابع متأخر آمده است: 12. أنس العلم و تأدیب المتعلم، که در سده ششم در اختیار ابن ادریس حلّی (م 598 ق) بوده و وی در السرائر، روایاتی را به صورت مرسل، در باره حقیقت محبت امام علی علیه السلام از آن نقل کرده است. (1) این کتاب از سده هفتم به بعد، نایاب شد. محمد باقر مجلسی، تنها دو روایت را با واسطه السرائر، از آن نقل کرده است. (2) 13. الإحن و المحن، که در اختیار ابن شهر آشوب بوده و وی در مناقب، روایاتی را از آن نقل کرده که موضوعشان مختلف، و اسناد بیشتر آنها مرسل است. (3) این کتاب پس از ابن شهر آشوب، نایاب شد. محمد باقر مجلسی، با واسطه کتاب مناقب ابن شهر آشوب، از آن نقل کرده است. (4) اثر خطّی: 14. التعریف. این کتاب در سده هفتم، در اختیار ابن طاووس بوده و وی یک روایت از آن را در باره نماز ماه رمضان، نقل کرده و متذکر شده که نسخه ای از کتاب التعریف را که در سال 412 ق، نگارش یافته است، در اختیار دارد. (5) نسخه دیگری از این کتاب که محدث نوری آن را به خطّ شهید ثانی، در سه صفحه نقل کرده است، در کتاب خانه آیة الله نجفی مرعشی (مجموعه شماره 752، رساله دوم) نگهداری می شود. (6)

30. ابو غالب زُراری (285 \_ 368 ق) احمد بن محمد بن سلیمان بن حسن بن جهم بن بکیر بن سنسن، مکنی به ابو غالب و معروف به ابو غالب زُراری؛ محدث، فقیه و رجالی. ابو غالب در ربیع ثانی سال

1- السرائر، ج 3، ص 639 \_ 640.

2- بحار الأنوار، ج 2، ص 206.

3- المناقب، ابن شهر آشوب، ج 1، ص 205، 309؛ ج 2، ص 9، 106، 170؛ ج 3، ص 19.

4- بحار الأنوار، ج 22، ص 524.

5- الإقبال، ج 1، ص 47 \_ 48.

6- فهرس التراث، ج 1، ص 403.

285 ق، در کوفه به دنیا آمد (1) و به سال 368 ق، در بغداد از دنیا رفت. (2) به قرینه آن که وی زمانی به بغداد رفته که تنها فرزندش 37 سال داشته، این حدس قوی می نماید که وی در واپسین سال های زندگی، ساکن بغداد بوده است. (3) کلینی، ابو طالب انباری و نعمانی صاحب کتاب الغیبة، از مشایخ معروف ابو غالب بوده اند و راویان او نیز عبارت اند از: ابن غضائری، تلعبکری، شیخ مفید، ابن نوح سیرافی، ابن عبدون و ابن عیاش جوهری. (4) ابو غالب، آخرین محدث و عالم خاندان بزرگ آل اعین بود (5) که نامش در اسناد بسیاری از روایات و طرق رجال نجاشی و فهرست طوسی، آمده است. در مصادر، خاندان اعین را با عنوان «بنی سیدنسن»، (6) «بکریون» (7) و «زُراری» (8) نیز یاد کرده اند. عنوان زُراری برای این خاندان، چندان قدیمی نیست. گویا تا زمان سلیمان بن جهم، جدّ ابو غالب، شهرت آنان «بکری» بود و در این زمان، به جهت شرایط سخت سیاسی شیعیان، امام حسن عسکری علیه السلام برای بار نخست، سلیمان بن جهم را «ابو طاهر زراری» خواند و از آن پس، آنان خود را زراری خواندند. (9) ابو غالب را پر روایت، قابل اعتماد و شیخ اصحاب خوانده اند. 10

1- رساله ابو غالب، ص 38؛ رجال النجاشی، ص 75.

2- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص 77.

3- رساله ابو غالب، ص 42.

4- رجال النجاشی، ص 77؛ رجال الطوسی، ص 410؛ الفهرست، طوسی، ص 77؛ الذریعة، ج 1، ص 143؛ معجم رجال الحدیث، ج 24، ص 9.

5- رجال النجاشی، همان جا.

6- الفهرست، طوسی، ص 77.

7- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

8- رساله ابو غالب، ص 11؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

9- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ رجال الطوسی، همان جا؛ خلاصة الأقوال، ص 67.

**31. ابن داوود قمی (م 368 ق)****اشاره**

تألیفات او در زمینه تاریخ، فقه، رجال و کتاب شناسی، دست به قلم برد؛ ولی بیشتر آثار وی نایاب اند: 1. التاريخ، که هر چند ناتمام بوده، بیش از هزار ورق داشته است. (1) 2 و 3. مناسک الحجّ، در دو حجم مفصل و مختصر، 4. دعاء السفر، 5. الإفضال. اثر چاپی: 6. الرسالة إلی ابن ابنه فی ذکر آل أعین. گویا کتاب دعاء السفر یا بخشی از آن، تا سده هفتم موجود بوده و ابن طاووس در إقبال خود، از آن نقل کرده است. (2) اتان کلبرگ تحت عنوان کتاب الدعوات از مؤلفی ناشناخته، متذکر شده که آنچه در کتاب إقبال از کتاب الدعوات نقل شده، مربوط به جزوه ای است مشتمل بر ادعیه و با خطّ ابو غالب زراری، که حسین بن عبید الله غضائری آن را از زید بن جعفر علوی (زیدی مذهب) روایت کرده است. (3)

31. ابن داوود قمی (م 368 ق) محمد بن احمد بن داوود، مکنی به ابو الحسن و معروف به ابن داوود قمی؛ محدّث، فقیه و رجالی. وی در قم، زاده شد و تا سال 333 ق، نیز در آن جا بود. او از مشایخ حدیث قم؛ بویژه احمد بن داوود و سلامه بن محمد ارزنی \_ که به ترتیب، پدر و دایی او بودند \_ و نیز محمد بن حسن بن ولید، حدیث شنید. (4) ابن داوود پس از مرگ پدر در سال 333 ق به بغداد مهاجرت کرد و تا پایان عمر خود در سال 368 ق، در آن جا ساکن شد. (5) بر این اساس، وی نزدیک به 35 سال در بغداد زندگی کرد. فرزند او، ابن غضائری، شیخ مفید، ابن عبدون، ابو غالب رازی و ابن نوح سیرافی، از او روایت

1- رجال النجاشی، همان جا.

2- الإقبال، ص 452.

3- کتاب خانه ابن طاووس، ص 225.

4- رجال النجاشی، ص 83، 384، 35، 60.

5- رجال النجاشی، ص 384.



## تألیفات

کرده اند. (1) ابن داوود، قابل اعتماد و از بزرگان شیعه؛ بلکه شیخ و فقیه قم بود. در وارستگی و فرزاندگی او، همین بس که ابن غضائری\_ که به سختگیری در جرح و تعدیل راویان، معروف است\_، وی را حافظ ترین، فقیه ترین و آگاه ترین کس به حدیث می دانست. (2) پدرش احمد بن داوود و دایی اش سلامة بن محمد ارزنی نیز بسیار وارسته و فرزانه بودند. احمد بن داوود، مصاحب علی بن بابویه قمی بود. وی را پرحدیث و در شمار معدود افرادی دانسته اند که توثیق مضاعف (ثقة ثقة) شده اند. (3)

تألیفات در مصادر، احمد بن داوود را صاحب کتابی به نام النوادر دانسته اند، که نایاب است. (4) از این گذشته، وی در زمینه فقه، رجال، و دعا و زیارت، آثاری به وجود آورد. آثار نایاب: 2. الحدیثین المختلفین، 3. الممدوحین و المذمومین، 4. صلوات الفرج و ادعیتها، 5. الرد علی ابن قولویه، 6. الذخائر. اثر نایاب وی که در منابع بعدی گزارش شده: 7. المزار، که تا سده دهم در دسترس بوده است. این کتاب که طوسی آن را «بزرگ و نیکو» توصیف کرده، (5) در اختیار ابن طاووس (م 664 ق) بوده و وی گاهی بدون ذکر نام کتاب و گاه با عنوان الزیارات و الفضائل (6) و یا با عنوان کتاب الزیارات، از آن نقل کرده است. (7) نسخه ای از این کتاب به

- 
- 1- رجال النجاشی، همان جا، ص 23، 95؛ رجال الطوسی، ص 413؛ الفهرست، طوسی، ص 211؛ معجم رجال الحدیث، ج 14، ص 332.
  - 2- رجال النجاشی، همان جا.
  - 3- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص 67.
  - 4- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.
  - 5- الفهرست، طوسی، همان جا.
  - 6- الإقبال، ج 3، ص 64، 236.
  - 7- الدرر الوقایة، ص 75.

**32. ابو محمد تلعبری (م 385 ق)****تألیفات**

خطّ ابن طاووس، در اختیار عبد الصمد بن محمد بن علی عاملی (م 935 ق) بوده و نوه او بهاء الدین محمد عاملی، معروف به شیخ بهایی (م 1031 ق)، همه یا برخی از آن را در کتاب کشکول خود، نقل کرده است. [\(1\)](#) این کتاب از مصادر باواسطه مستدرک الوسائل است. [\(2\)](#)

32. ابو محمد تلعبری (م 385 ق) هارون بن موسی بن احمد بن سعید شیبانی، مکنی به ابو محمد و معروف به تلعبری؛ محدّث. وی به قرینه مشایخ و راویانش، ساکن بغداد بود و همان جا نیز درگذشت. [\(3\)](#) ابن همام اسکافی و ابن عقده، معروف ترین مشایخ حدیث او بودند. نجاشی (م 450 ق)، محمد بن هارون تلعبری و ابن غضائری نیز از وی استماع حدیث کردند. [\(4\)](#) ابو محمد تلعبری را پر روایت، بسیار قابل اعتماد و بی نظیر شمرده اند. [\(5\)](#) وی افزون بر نقل روایت، راوی اصول و مصنفات اصحاب بود [\(6\)](#) و دعای ابو حمزه شمالی را نیز از طریق حسن بن محبوب، از ابو حمزه نقل کرده است. [\(7\)](#)

تألیفات در مصادر، برای تلعبری کتاب الجوامع فی الدین، ذکر شده است. [\(8\)](#) برخی از علمای رجال، مشایخ هارون بن موسی را از کتاب الرجال الکبیر استرآبادی، استخراج کرده، عنوان رجال السید کمال الدین را بر آن نهادند. [\(9\)](#) نسخه این مشیخه، موجود است. 10

1- کشکول بهایی، ج 1، ص 286 \_ 287؛ کتاب خانه ابن طاووس، ص 610.

2- مستدرک الوسائل، ج 14، ص 61؛ ج 16، ص 204.

3- رجال النجاشی، ص 439؛ رجال الطوسی، ص 449؛ مشایخ الثقات، ص 36 \_ 37.

4- رجال النجاشی، همان جا؛ معجم رجال الحدیث، ج 20، ص 258.

5- رجال الطوسی، همان جا.

6- الذریعة، ج 7، ص 186.

7- رجال النجاشی، همان جا.

8- الذریعة، ج 10، ص 142.

9- فهرس التراث، ج 1، ص 436.

**33. ابو المفضل شیبانی (م 387 ق)****اشاره**

33. ابو المفضل شیبانی (م 387 ق) محمد بن عبد الله بن محمد بن عبید الله بن بهلول بن مطلب شیبانی، مکنی به ابو المفضل؛ محدث. به گزارش مصادر اهل سنت، ابو المفضل شیبانی در سال 297 \_ 306 ق، زاده شد و در 387 ق، درگذشت. (1) وی اهل کوفه بود و پس از سفر به مصر و شام، (2) در بغداد رحل اقامت افکند. (3) او از مشایخ حدیث شیعه و اهل سنت، استماع حدیث کرد. (4) نجاشی (م 450 ق) وی را ملاقات کرد؛ ولی نه او و نه شیخ طوسی، بدون واسطه، از ابو المفضل روایت نکرده اند. (5) ابو مفضل شیبانی، کثیر الروایة (6) و کثیر السفر بود (7) و مشایخ حدیث بسیاری را ملاقات کرد. (8) به جهت این کثرت، یکی از شاگردان او به نام محمد بن علی بن یعقوب، معروف به ابو الفرج قنّاتی، کتابی مستقل با عنوان معجم رجال ابي المفضل در شرح حال مشایخ او نگاشت. (9) ابو المفضل شیبانی، تنها طریق یا یکی از طرق کتاب اشعثیات، (10) صحیفه سجّادیه، (11) مصباح الهدایة، (12) و به قولی کتاب های شلمغانی (13) و کتاب های عیاشی (14) بود. با این

1- تاریخ بغداد، ج 3، ص 87؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 608.

2- میزان الاعتدال، همان جا.

3- تاریخ بغداد، همان جا.

4- تاریخ بغداد، همان جا؛ میزان الاعتدال، همان جا.

5- رجال النجاشی، ص 232؛ الفهرست، طوسی، ص 61، 64؛ الامالی و المجالس، ج 1، ص 317 \_ 339؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 187.

6- الفهرست، طوسی، ص 216.

7- رجال النجاشی، همان جا.

8- الذریعة، ج 2، ص 315.

9- الذریعة، همان جا.

10- اشعثیات، ص 248؛ فلاح السائل، ص 284.

11- الذریعة، ج 2، ص 225.

12- بحار الأنوار، ج 1، ص 32.

13- الذریعة، ج 2، ص 358.

14- رجال الطوسی، ص 418.

حال، دیدگاه غالب در مصادر، عدم توثیق اوست. (1) شاید به همین دلیل باشد که نجاشی با این که او را ملاقات کرده بوده، از وی بدون واسطه روایت نکرده (2) و یا شاید به این دلیل بوده که نجاشی از جهت شدت احتیاط در نقل، در سنّ چهارده یا پانزده سالگی، از ابو المفضل نقل نکرده است. (3) شیخ طوسی نیز برخی طرق را به دلیل وجود ابو المفضل، ضعیف دانسته است. (4) تندترین و صریح ترین موضع در باره او، از آن ابن غضائری (م 411 ق) است. وی ابو مفضل را «وضّاع» و «کثیر المناکیر» دانسته و متذکر شده که در کتاب های او، سندهای بی متن و متن های بی سند، دیده است. (5) علاّ مه حلّی (م 726 ق) نیز به مواردی که تنها ابو المفضل نقل کرده باشد، اعتماد نکرده است. (6) مصادر اهل سنّت نیز نه تنها ابو المفضل را توثیق نکرده اند، که او را شیخ نما و دروغگو دانسته اند. (7) از دیگر سو، محدّث نوری (8) و آقا بزرگ تهرانی (9) با ذکر چنین قرائنی، بر اعتبار و وثاقت ابو المفضل تأکید کرده اند: نقل فراوان از وی در کتاب های کفایة الأثر، الأمالی شیخ طوسی و الأمالی ابو علی فرزند شیخ طوسی، نیز روایت حسین بن عبید الله غضائری از او در تهذیب الأحکام و الإستبصار، ترجم نجاشی بر وی در شرح حال مسعودی مورّخ، (10) اعتماد ابن نوح سیرافی استاد نجاشی بر کتاب

- 
- 1- تاریخ بغداد، همان جا.
  - 2- رجال النجاشی، همان جا.
  - 3- رجال النجاشی، همان جا؛ فهرست طوسی، همان جا.
  - 4- الذریعة، ج 1، ص 316؛ ج 2، ص 314.
  - 5- الفهرست، طوسی، ص 64، 104.
  - 6- الرجال، ابن غضائری، ص 98 \_ 99.
  - 7- خلاصة الأقوال، ص 397.
  - 8- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 161 \_ 163.
  - 9- الذریعة، ج 2، ص 314.
  - 10- رجال النجاشی، ص 254.

## 34. ابن جریر طبری (م سده چهارم)

## اشاره

ابو المفضل، (1) تن دادن به سفرهای بسیار برای کسب حدیث، نقل های فراوان ابن طاووس از او (2) و کثرت مشایخ وی. ابن ابی ثلج بغدادی، (3) حمید بن زیاد (4) و ابن بطة قمی، (5) مشایخ حدیث ابو المفضل بودند. ابن نوح سیرافی، احمد بن عبدون، حسین بن عبید الله، ابو طالب بن غرور، ابو الحسن صفار و ابن اشناس، از وی حدیث شنیدند. (6)

تألیفات ابو المفضل در زمینه زیارت قبور ائمه علیهم السلام، رجال، دعا، فضایل، اخبار و تاریخ، کتاب هایی نوشت که همگی نایاب اند: 1. مزار امیر المؤمنین علیه السلام، 2. مزار الحسین علیه السلام، 3. فضائل العباس بن عبد المطلب، 4. فضائل زید، 5. الدعاء، 6. من روی حدیث غدیر خم، 7. من روی عن زید بن علی، 8. الولادات الطیبة الطاهرة، 9. الأمالی الکبیر، 10. فضل أهل البيت علیهم السلام و نعت إكمالهم فی الحال و المال، 11. المباهلة. کتاب الأمالی وی، تا سده هفتم موجود بوده و ابن طاووس (م 664 ق) از جزء سوم آن در موضوع رؤیت هلال رمضان، نقل کرده است. (7) گویا کتاب المباهلة نیز در اختیار ابن طاووس بوده است. وی در موضوع مباحله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران، روایتی را با اسناد به ابو المفضل، از کتاب المباهلة نقل کرده است. (8)

34. ابن جریر طبری (م، سده چهارم) محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، مکنی به ابو جعفر و معروف به ابن جریر

1- رجال النجاشی، ص 440.

2- الإقبال، ج 1، ص 45، 65، 294، 383، 449؛ ج 2، ص 44؛ ج 3، ص 42.

3- رجال النجاشی، ص 382.

4- همان، ص 132.

5- فهرست، طوسی، ص 61.

6- الأمالی، طوسی، ج 2، ص 60 - 87؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 187.

7- الإقبال، ج 1، ص 65.

8- الإقبال، ج 2، ص 311.

طبری امامی؛ محدث، متکلم و رجالی. سال ولادت و وفات او، دانسته نیست. در مصادر، دو فرد با این نام و کنیه ذکر شده اند (1) که یکی شیعه امامی است و دیگری عامی مذهب. (2) به جهت همین همنامی، شیخ طوسی تصریح کرده که ابن جریر امامی، صاحب تاریخ نیست. (3) طبری امامی، دانشی فراوانی داشت و از اصحاب بزرگ امامیه، خوش کلام و قابل اعتماد در حدیث بود (4) و از وی به «طبری کبیر» (5) و «طبری ساروی» (6) یاد شده است. پیداست که صفت «کبیر»، برای تشخیص و جداسازی او از ابن جریر طبری سنی نیست؛ چراکه ابن جریر سنی در سال 310 ق، فوت شده است. به قرینه صفت کبیر و تنها راوی شناخته شده ابن جریر - که حسن بن حمزه طبری (م 358 ق) است - (7) این حدس قوی می نماید که او در نیمه نخست سده چهارم زندگی می کرده است. از دیگر سو، بسیاری از مشایخ وی در کتاب دلائل الإمامة، مشایخ نجاشی (م 450 ق) و شیخ طوسی (م 460 ق) نیز هستند که از شیخ صدوق (م 381 ق) روایت کرده اند. افزون بر اینها، وی در باره ابن غضائری (م 411 ق)، عبارت «رحمة الله» را به کار برده است. این قرائن گواهی می دهند که وی معاصر نجاشی و شیخ طوسی بوده و پس از ابن غضائری، از دنیا رفته است. (8) آیا ابن جریر امامی، یکی است یا دو نفر که هر دو امامی بوده اند، يك نام داشته اند؟ شاید کاربرد وصف «کبیر»، از آن رو بوده است که دو نفر به این نام بوده اند؛ چنان که

- 
- 1- معالم العلماء، ص 141؛ خلاصة الأقوال، ص 266.
  - 2- معالم العلماء، همان جا؛ خلاصة الأقوال، همان جا.
  - 3- رجال الطوسی، ص 449؛ الفهرست، طوسی، ص 239.
  - 4- رجال النجاشی، ص 376.
  - 5- الفهرست، طوسی، همان جا.
  - 6- تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، ص 130.
  - 7- رجال النجاشی، همان جا؛ الذریعة، ج 8، ص 241؛ معجم رجال الحديث، ج 11، ص 158؛ مستدرک الأخبار الدخيلة، ج 1، ص 43.
  - 8- الذریعة، ج 2، ص 489؛ ج 8، ص 241. برای اطلاع بیشتر در باره وی، ر. ک: «محمد بن جریر طبری و کتاب دلائل الإمامة»، نعمة الله صفری فروشانی، علوم حدیث، ش 37، ص 223.

## 35. ابن عیاش جوهری (م 401 ق)

## اشاره

روایت حسن بن حمزه از وی، و نیز مشایخ او در کتاب دلائل الإمامة، می توانند قرینه ای بر این تعدد باشند. به هر حال، تشخیص این امر، ساده نیست.

تألیفات کتاب های ابن جریر، در زمینه امامت، شرح حال و فضایل معصومان و گاه رجال بوده است. (1) آثار چاپی: 1. المسترشد فی الإمامة، 2. دلائل الإمامة، 3. نوادر المعجزات. آثار نایاب: 4. الإيضاح فی الإمامة، 5. الرجال، 6. مناقب فاطمة علیها السلام و ولدها، 7. الرواة عن أهل البيت علیهم السلام. (2) کتاب الولایة در برخی مصادر شیعی، به ابن جریر طبری عامی نسبت داده شده است؛ ولی به قرینه آن که اولاً، عنوان آن، با عبارات طبری در دو کتاب تاریخ و تفسیر او، همخوان نیست و ثانیاً، ابن ندیم نیز این عنوان را در شمار تألیفات طبری عامی نیاورده، برخی کتاب الولایة را در شمار تألیفات طبری امامی حدس زده اند. (3) به گزارش آقا بزرگ تهرانی، نسخه ای از کتاب الإيضاح فی الإمامة، در اختیار قاضی نور الله شوشتری، صاحب کتاب مجالس المؤمنین، بوده و وی فوایدی از آن را در کتاب خود ذکر کرده است. (4)

35. ابن عیاش جوهری (م 401 ق) احمد بن محمد بن عبید الله بن حسن بن عیاش، مکتباً به ابو عبد الله و معروف به ابن عیاش جوهری؛ محدث، متکلم، فقیه و رجالی. ابن عیاش اهل بغداد بود و پدر و جدّ

- 
- 1- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ معالم العلماء، همان جا؛ خلاصة الأقوال، همان جا؛ أمل الآمل، ج 2، ص 272؛ كشف الحجب، ص 215؛ الذریعة، ج 2، ص 490؛ ج 4، ص 394؛ ج 8، ص 10، 241.
  - 2- أعيان الشيعة، ج 9، ص 199؛ المسترشد، مقدّمه محقق، ص 14 \_ 15
  - 3- الذریعة، ج 16، ص 25.
  - 4- الذریعة، ج 4، ص 490.

## 36. جلودی بصری (م 332 ق)

## اشاره

او در آن دیار، شاخص و سرشناس بودند. (1) ابن عیّاش جوهری در سال 340 ق، در شام بود. (2) وی احادیث بسیاری روایت کرد و ذوق شعری و ادبی قوی ای داشت. وی در مصادر، به این اتهام که در واپسین سال های زندگی، دچار اضطراب و اختلال در حدیث گشته، تضعیف شده است. (3) نجاشی (م 450 ق) روایات بسیاری از وی استماع کرد؛ اما به دلیل ضعف او، از وی نقل نکرده است. (4) وی در شمار معدود محدّثان امامی است که از مشایخ اهل سنت نیز فراوان حدیث شنیده و روایت کرده اند. (5) ابن جعبی، شیخ حدیث امامی اوست که احادیث اهل سنت را نیز بر وی می خواند. (6)

تألیفاتوی پرتألیف بود و در زمینه رجال، تک نگاری در اخبار اشخاص، امامت دوازده امام علیهم السلام، فقه و آداب، آثاری داشته است. اثر چاپی: 1. مقتضب الأثر فی عدد الأئمة الأثنی عشر علیهم السلام. آثار نایاب: 2. أخبار أبی هاشم، 3. أخبار جابر الجعفی، 4. الإشتمال علی معرفة الرجال، 5. من روى الحديث من بنی عمّار بن یاسر، 6. ذکر من روى الحديث من بنی ناشزة، 7. أخبار وكلاء الأئمة الأربعة، 8. ما نُزل من القرآن فی صاحب الأمر (عج)، 9. أعمال رجب، شعبان و رمضان.

36. جلودی بصری (م 332 ق) عبد العزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی ازدی بصری، مکنی به ابو احمد؛

1- رجال النجاشی، ص 85؛ الفهرست، طوسی، ص 79\_ 85.

2- مقتضب الاثر، مقدّمه محقق، ص 2\_ 39.

3- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

4- رجال النجاشی، همان جا.

5- مقتضب الأثر، ص 18.

6- مقتضب الأثر، ص 23.



**37. ابو بَشر بَصْرِي عَمِّي (م پس از 350 ق)****اشاره**

محدث، مورخ و فقیه. جلودی بصری پس از سال 330 ق، (1) و گویا در 332 ق، فوت شده است. (2) زادگاه وی، جایی به نام جلود بود که امروزه محل آن، معلوم نیست. (3) او در بصره ساکن بود. به قرینه آن که ابو علی صولی \_ که مصاحب دراز مدّت او بوده و از وی نیز روایت کرده \_ در سال 353 ق، به بغداد رفته، (4) این حدس قوی می نماید که جلودی تا پایان عمر، در بصره بوده است. جلودی بصری را امامی، شیخ بصره و قابل اعتماد و موثق خوانده اند. (5)

تألیفات وی چنان پر تألیف بود که شمار آثارش، بیش از دویست مورد ذکر شده است. (6) کتاب های جلودی بصری در زمینه تاریخ و سیره، فضائل و مناقب، فقه، تفسیر، رجال و دعاست. 1. مقتل الحسین علیه السلام، 2. کتاب المحدثین و من روی عن علی علیه السلام من الصحابة، از آثار نایاب اویند. گویا کتاب مقتل الحسین علیه السلام، در سده هشتم موجود بوده است؛ چراکه علامه حلی (م 726 ق) از روی نسخه ای از این کتاب به خط یکی از سادات، تاریخ وفات و محلّ دفن جلودی را خوانده است. (7)

37. ابو بَشر بَصْرِي عَمِّي (م پس از 350 ق) احمد بن ابراهیم بن معلی بن اسد عمی، مکنا به ابو بشر؛ محدث. ابو بشر در بصره

1- فهرست ابن ندیم، ص 128.

2- ایضاح الإشتباه، ص 245؛ الذریعة، ج 1، ص 312؛ هدیة العارفين، ج 1، ص 576.

3- رجال النجاشی، ص 240؛ الفهرست، طوسی، ص 191؛ خلاصة الأقوال، ص 208.

4- رجال النجاشی، ص 84.

5- فهرست ابن ندیم، ص 246؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ رجال الطوسی، ص 435؛ خلاصة الأقوال، ص 208.

6- رجال النجاشی، ص 240 \_ 244؛ هدیة العارفين، ج 1، ص 576.

7- ایضاح الاشتباه، همان جا.

## تألیفات

## 38. ابن حمدان جنبلانی (م 358 ق)

## اشاره

زاده شد و پس از سال 350 ق، در گذشت. (1) به گزارش ابن غضائری (م 411 ق)، جدش معلی بن اسد، از اصحاب و خواص صاحب زنج بوده و ابو بشر از طریق جد و عمویش، اخبار صاحب زنج را روایت کرده است. (2) وی یار، مصاحب، مستملی و راوی ابو احمد جلودی بود (3) و ابو طالب انباری (4) و محمد بن وهبان دبیلی، (5) از وی روایت کرده اند. هارون بن موسی تلعکبری، با آن که او را ندید، از وی اجازه روایت گرفت. (6) ابو بشر بصری قابل اعتماد در حدیث، صاحب تألیفات نیکو (7) و واسع الروایه بود. 8 وی از اهل سنت و اخباریان نیز بسیار روایت کرده است. 9

تألیفات ابو بشر در زمینه تاریخ، مناقب امیر مؤمنان علیه السلام و اخبار، کتاب هایی تألیف کرد: 1. التاریخ، 2. مناقب امیر المؤمنین علیه السلام، 3. أخبار صاحب الزنج، 4. الفرق، 5. أخبار السید الحمیری، 6. شعر السید الحمیری، 7. عجائب العالم، 9. مثالب القبائل. این کتاب ها همگی نایاب اند.

38. ابن حمدان جنبلانی (م 358 ق) حسین بن حمدان خصیبی جنبلانی، مکنّا به ابو عبد الله؛ محدّث. وی در جنبلان، در میانه کوفه و واسط، زاده شد. ابن حمدان سپس به حلب رفت و در آن جا به تألیف

1- فهرست ابن ندیم. ص 247.

2- رجال النجاشی، ص 97؛ الفهرست، طوسی، ص 76.

3- الفهرست، طوسی، همان جا.

4- رجال النجاشی، ص 97.

5- رجال الطوسی، ص 411.

6- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

7- رجال الطوسی، همان جا.

## تألیفات

چندین کتاب پرداخت. بی گمان. تشویق و حمایت سیف الدوله حمدانی، در مسافرت عالمان شیعه به حلب و تألیف کتاب‌ها توسط آنان، پر نقش بود. سال وفات ابن حمدان به اختلاف گزارش‌ها، 358 (1) و 346 ق، ذکر شده است. (2) وی در اسناد برخی از روایات، واقع شده است. (3) ابن عقده (م 333 ق) \_ که ابن حمدان را ستوده \_ و نیز هارون بن موسی تلعکبری، از وی روایت کرده اند. (4) علی بن ابراهیم و معلی بن محمد بصری، مشایخ حدیث او بودند. (5) ابن حمدان در مصادر، به اتهام فساد مذهب (بنیان‌گذاری فرقه نصیری) به شدت تضعیف شده است. (6) با این حال، هارون بن موسی تلعکبری \_ که بر وثاقت او تصریح شده \_، از وی روایت کرده است. ابن طاووس روایتی را که وی در اسناد آن بوده، در کتاب إقبال الأعمال آورده (7) و شیخ حرّ عاملی نیز در کتاب إثبات الهداة، از کتاب الفضائل او بسیار نقل کرده است. (8)

تألیفات ابن حمدان نزدیک به ده کتاب تألیف کرده است. آثار نایاب: 1. الإخوان، 2. المسائل، 3. الرسالة، 4. تاریخ الأئمة علیهم السلام، 5. أسماء النبی و الأئمة علیهم السلام. (9)

- 
- 1- رجال الطوسی، ص 240.
  - 2- الذریعة، ج 25، ص 146.
  - 3- إقبال الأعمال، ج 3، ص 113.
  - 4- الفهرست، طوسی، ص 197؛ رجال الطوسی، ص 423؛ لسان المیزان، ج 2، ص 280.
  - 5- الفهرست، طوسی، همان جا؛ فوائد الرجالیه، ج 3، ص 339.
  - 6- رجال النجاشی، ص 67؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ الرجال، ابن غضائری، ص 54؛ خلاصة الأقوال، ص 339؛ ریاض العلماء، ج 2، ص 50 \_ 51؛ کتاب خانه ابن طاووس، ص 248.
  - 7- الإقبال، ج 3، ص 113.
  - 8- کتاب خانه ابن طاووس، همان جا.
  - 9- بحار الأنوار، ج 1، ص 20، 39.

**39. ابن شعبه حرّانی (معاصر شیخ صدوق)****اشاره**

آثار نایابی که در منابع بعدی انعکاس یافته اند: 6. رجال ابن حمدان، (1) که تا سده دوازدهم موجود بوده است. صاحب ریاض کتاب رجال را در احوال اصحاب ائمه علیهم السلام و راویان آنان توصیه کرده و یادآور شده که خود، نسخه ای از آن را در اختیار دارد. (2) 7. الفضائل یا الروضة فی الفضائل. شیخ حرّ عاملی (م 1106 ق)، فراوان از این کتاب نقل کرده است. (3) اثر چاپی: 8. الهدایة (الکبری) فی تاریخ النبی و الأئمة علیهم السلام.

39. ابن شعبه حرّانی (معاصر شیخ صدوق) حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی، مکنّا به ابو محمّد و معروف به ابن شعبه؛ محدّث و فقیه. در مصادر اولیه، از ابن شعبه یاد نشده است. گویا نخستین بار، شیخ ابراهیم قطیفی (م 994 ق) معاصر محقّق کرکی (م 945 ق)، از وی به عنوان صاحب کتاب التمیص نام برده است. (4) پس از قطیفی، قاضی نور الله شوشتری (م 1091 ق)، (5) شیخ حرّ عاملی (م 1106 ق)، (6) محمّد باقر مجلسی (م 1111 ق)، (7) افندی اصفهانی (م 1130 ق) (8) و آقا بزرگ تهرانی، (9) از او نام برده اند. در این مصادر، بر فرزاندگی و وارستگی و فقاهاست او تأکید شده است. طبقه و سال وفات ابن شعبه، معلوم نیست. به

- 
- 1- همان، ج 10، ص 112.
  - 2- ریاض العلماء، همان جا.
  - 3- إثبات الهداة، ج 1، ص 58؛ ج 3، ص 636\_637؛ ج 4، ص 147\_148، 197، 261، 263، ص 343\_344؛ ج 7، ص 142\_143؛ کتاب خانه ابن طاووس، ص 249.
  - 4- الوافیة فی تعیین الفرقة الناجیة، مخطوط، ص 91، سطر 5؛ التمیص، مقدّمه محقّق، ص 8؛ تحف العقول، مقدّمه محقّق، ص 9.
  - 5- مجالس المؤمنین، ج 1، ص 383؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 208.
  - 6- أمل الآمل، ج 2، ص 74؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 41.
  - 7- بحار الأنوار، ج 1، ص 17.
  - 8- ریاض العلماء، ج 1، ص 245.
  - 9- الذریعة، ج 3، ص 400؛ النابس، ص 93.

## 40. ابو علی کوفی (م 346 ق)

## اشاره

گزارش برخی مصادر، وی معاصر شیخ صدوق (م 381 ق) و راوی ابن همام (م 333 ق) بوده است. قرینه بر این مطلب، یکی روایت نخست کتاب التمحيص است که ابن شعبه خود، از ابن همام نقل کرده است (1) \_ اگرچه در نسخه چاپی آن، در ابتدای حدیث یاد شده، عبارت «حدّثنا أبو علی بن همام» بدون ذکر ابن شعبه، دیده می شود (2) \_ و دیگری، اشاره به آن در رساله اخلاق شیخ حسین بحرانی است. (3)

تألیفات ابن شعبه، دو کتاب نسبت داده شده که هر دو، چاپ شده اند: 1. التمحيص، 2. تحف العقول.

40. ابو علی کوفی (م 346 ق) احمد بن محمد بن عمّار، مکنّا به ابو علی و معروف به ابو علی کوفی؛ محدّث. پدر ابو علی کوفی، از مشایخ حدیث معروف او بود و محمد بن داوود (م 368 ق)، (4) هارون بن موسی تلعبکری، (5) حسین بن عبید الله غضائری (6) و ابو حاتم هروی، از وی روایت کرده اند. (7) گویا ابو حاتم هروی همان علی بن حاتم قزوینی است که شاهدی بر روایت او از ابو علی کوفی دیده نمی شود. (8) در مصادر، ابو حاتم هروی یا همان علی بن حاتم قزوینی، از احمد بن علی قائیدی روایت کرده است. (9) ابو علی کوفی

1- التمحيص، ص 30.

2- التمحيص، همان جا.

3- الذريعة، همان جا.

4- رجال النجاشی، ص 95؛ الفهرست، طوسی، ص 75؛ معجم رجال الحديث، ج 3، ص 83.

5- الفهرست، طوسی، همان جا.

6- رجال النجاشی، همان جا.

7- خلاصة الأقوال، ص 65.

8- نقد الرجال، ج 1، ص 166.

9- رجال النجاشی، ص 95؛ الفهرست، طوسی، ص 30؛ رجال الطوسی، ص 416.

## 41. ابو القاسم کوفی (م 352 ق)

## اشاره

ناقل بسیاری از احادیث و اصول، شایسته اعتماد، گران مایه و در شمار مشایخ امامیه بود. (1)

تألیفات آثار او همگی نایاب اند، عبارت اند از: 1. العلل، 2. أخبار النبی صلی الله علیه و آله (أخبار آباء النبی و فضائلهم و آبائهم)، 3. ایمان ابي طالب، 4. فضل القرآن و حَمَلَتُهُ، 5. الممدوحین و المذمومین، 6. المبیضة. مبیضة، نام فرقه ای است که با بنی عباس بیعت نکردند و شعار آنها پوشیدن لباس سفید بود، در حالی که عباسیان لباس سیاه به تن می کردند. (2)

41. ابو القاسم کوفی (م 352 ق) علی بن احمد بن موسی، مکنّا به ابو القاسم و معروف به ابو القاسم کوفی؛ محدّث، مؤرّخ و متکلم. وی در کوفه زاده شد و در همان جا سکونت اختیار کرد. وی در کوفه، از پدرش احمد بن موسی و نیز از جعفر بن محمد بن مالک کوفی، حدیث شنید. (3) گویا او به قم و فسا سفر نمود و سرانجام در قریه کرمی از توابع فسا، با این جهان فناپذیر وداع کرد. (4) ابو القاسم کوفی از علی بن ابراهیم قمی (5) در کتاب الاستغاثة بسیار روایت کرده است. وی در مصادر، به خروج از مذهب امامیه، بدعت گذاری، غلو، اختلاط، کذاب بودن و پیروی از مذهب فاسد، متهم شده است. (6) بر پایه برخی گزارش ها، وی مذهب مخمسه را اختیار کرد (7) که در شمار مذاهب غلات، شناخته

1- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

2- الاعلام، ج 1، ص 208.

3- الاستغاثة، ج 1، ص 90.

4- رجال النجاشی، ص 265.

5- الاستغاثة، ج 1، ص 29.

6- رجال النجاشی، ص 265 \_ 691؛ الرجال، ابن غضائری، ص 82؛ خلاصة الأقوال، ص 233.

7- الفهرست، طوسی، ص 155؛ معالم العلماء، ص 99.

## تألیفات

می شود. عقیده رسمی این مذهب، آن است که سلمان فارسی، مقداد، عمّار، ابوذر و عمرو بن أمیه ضمیری، از سوی خدا عهده دار تعیین مصالح عالم اند. (1) تجدید نظر ابو القاسم کوفی در مذهب خود، نه تنها موجب شد که وی شایسته نقل روایت شناخته نشود، که سیادت و انتساب او به امام جواد علیه السلام (2) یا امام کاظم علیه السلام (3) نیز مورد تردید جدی قرار گرفت. (4) در برابر این دیدگاه، میرزا عبد الله افندی، (5) میرزا حسین نوری (6) و آقا بزرگ تهرانی، (7) سیادت ابو القاسم کوفی را تأیید کرده، متذکر شده اند که اکثر کتاب های وی؛ بلکه همه آنها در دوره راست کیشی او \_ هنگامی که بر مذهب امامیه بوده \_ تألیف شده اند؛ چراکه پیشینیان بر اکثر آنها اعتماد کرده اند. ابو محمّد، فرزند او و نیز ابو عمران کرمانی، در شمار راویان وی شناخته می شوند. (8)

تألیفات ابو القاسم کوفی پرتألیف بود. نجاشی اکثر کتاب های او را مختلط و فاسد دانسته و شیخ طوسی (9) از مجموع کتاب های فراوان وی، تنها دو کتاب الأوصیاء و الفقه علی ترتیب کتاب المزنی را مربوط به دوره پایداری وی بر امامیه دانسته است. الف \_ آثار نایاب: 1 . الأنبياء، 2 . الأوصیاء، 3 . التبديل و التحریف، 4 . تحقیق اللسان فی وجوه البیان، 5 . الاستشهاد، 6 . تحقیق ما ألفه البلخی من المقالات، 7 . منازل النظر و الاختیار، 8 . أدب النظر و التحقیق، 9 . تناقض أحكام المذاهب الفاسدة، 10 . معرفة ترتیب ظواهر

1- . خلاصة الأقوال، ص 233.

2- . ریاض العلماء، ج 3، ص 355؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 168.

3- . خلاصة الأقوال، همان جا.

4- . الرجال، ابن غضائری، همان جا.

5- . ریاض العلماء، همان جا.

6- . خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

7- . الذریعة، ج 2، ص 28.

8- . ریاض العلماء، ج 3، ص 357؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 168.

9- . رجال النجاشی، ص 265 \_ 266؛ الفهرست، طوسی، ص 155 \_ 156.

الشریعة، 11 . التوحید، 12 . مختصر فی فضل التوبة، 13 . تثبیت نبوة الأنبياء، 14 . مختصر فی الأركان الأربعة، 15 . الفقه علی ترتیب المزنی، 16 . فساد أقاویل الإسماعيلية، 17 . الرد علی أرسطاطاليس، 18 . فساد قول البراهمة، 19 . تناقض أقاویل المعتزلة، 20 . الرد علی محمد بن بحر الرهنی، 21 . الإستدلال فی طلب الحق، 22 . الرد علی من یقول: «إن المعرفة من قبل الموجود»، 23 . إبطال مذهب داوود بن علی الإصبهانی، 24 . الرد علی الزيدية، 25 . تحقیق وجوه المعرفة، 26 . ما تقرّد به أمير المؤمنین علیه السلام من الفضائل، 27 . الصلاة و التسليم علی النبی صلی الله علیه و آله و أمير المؤمنین علیه السلام، 28 . الرد علی أصحاب الإجتهد فی الأحكام، 29 . الإمامة، 30 . فساد الإختیار، 31 . الرد علی المثبتة، 32 . الراعی و المرعی، 33 . الدلائل و المعجزات، 34 . ماهية النفس، 35 . میزان العقل، 36 . إبان حکم الغيبة، 37 . الرد علی الإسماعيلية فی المعاد، 38 . تفسیر القرآن، 39 . النفس . ب \_ آثار نایابی که در منابع بعدی انعکاس یافته اند : 40 . تثبیت المعجزات ؛ این کتاب در اختیار شیخ حسین بن عبد الوهّاب (م، پس از 448 ق) صاحب کتاب عیون المعجزات بوده و وی پس از مطالعه آن، در می یابد که کتاب یاد شده، به رغم ادّعا و انگیزه مؤلّف، تنها به بیان معجزات پیامبران و از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اختصاص یافته است. از این رو، تصمیم می گیرد تکمله ای در بیان دلایل و معجزات ائمه علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام برای آن بنگارد . وی پس از تألیف تکمله یاد شده، آن را عیون المعجزات نامید . (1) صاحب ریاض العلماء ، نسخه ای قدیمی از این کتاب را در شهر کازرون دیده است. در این نسخه که در سال 556 ق ، استنساخ شده، آغاز تألیف کتاب عیون المعجزات، هفتم ماه رمضان سال 448 ق، و پایان آن، عید فطر همان سال ذکر شده است. (2)

1- ریاض العلماء، ج 3، ص 356 \_ 357؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 168؛ عیون المعجزات، ص 3، مقدّمه محقّق .

2- عیون المعجزات، همان جا .



**42. ابن اشعث کوفی (م 330 \_ 356 ق)****تألیفات**

41. الآداب و مکارم الأخلاق. این کتاب در فصل معرفی کتاب ها، معرفی خواهد شد. ج\_ اثر چاپی: 42. کتاب البدع المحدثه.

42. ابن اشعث کوفی (م 330 \_ 356 ق) محمد بن محمد بن اشعث، مکننا به ابو علی و معروف به ابن اشعث کوفی؛ محدث. سال وفات ابن اشعث کوفی به اختلاف، 330 ق، (1) و پس از 350 ق، (2) گزارش شده است. بر پایه گزارش اخیر، وی در سال 350 ق، در مصر، الجعفریات را برای ابو احمد عبد الله بن علی، مشهور بن ابن عدی (م 365 ق) روایت کرد. (3) هارون بن موسی تلعبیری در سال 313 با واسطه، از وی اجازه گرفت (4) و ابن سقا نیز در سال 314 کتاب الجعفریات را از او روایت کرد. (5) ابن اشعث اهل کوفه بود؛ ولی در دیار مصر ساکن شد و تا پایان عمر، در آن جا ماند. (6) وی قابل اعتماد در حدیث بود. (7) ابن اشعث به عنوان راوی کتاب الجعفریات از موسی بن اسماعیل، معروف است و به ندرت در میان اسناد دیگر روایات، دیده می شود. (8)

تألیفات در مصادر، دو کتاب به ابن اشعث نسبت داده شده است: 1. الحج، 2. الجعفریات. کتاب الجعفریات چاپ شده است.

- 1- هدیة العارفين، ج 2، ص 36.
- 2- کتاب خانه ابن طاووس، ص 319؛ تیسیر المطالب، ص 353، 355؛ میراث حدیث شیعه، ج 10، ص 49\_50.
- 3- تیسیر المطالب، همان جا.
- 4- رجال الطوسی، ص 442، 444.
- 5- اشعئیات، ص 1؛ الذریعة، ج 11، ص 258.
- 6- رجال النجاشی، ص 379؛ رجال الطوسی، ص 442.
- 7- رجال النجاشی، همان جا؛ معالم العلماء، ص 266.
- 8- تهذیب الأحکام، ج 3، ص 6؛ معجم رجال الحدیث، ج 18، ص 200.

**43. قاضی نعمان مغربی (م 363 ق)****اشاره**

43. قاضی نعمان مغربی (م 363 ق) نعمان بن محمد بن منصور مغربی، مکننا به ابو حنیفه و معروف به قاضی نعمان؛ محدث، فقیه و متکلم. قاضی نعمان از محدثان و فقیهان بزرگ سده چهارم بوده است. با این حال، در مصادر اولیه از وی یاد نشده است. علت این امر را می توان دوری زیاد مصر از بغداد و نبود ارتباط و تعامل میان حوزه بغداد و مصر - به دلیل تسلط اسماعیلیان بر آن دیار - دانست؛ چنان که تردید در مذهب قاضی نعمان یا جزم به غیر امامی بودن مذهب او نیز دور از انتظار نیست. در سده پنجم، ابو الفتح کراجکی (م 449 ق) از مشایخ اجازه حدیث امامیه، کتاب الأخبار قاضی نعمان را شرح کرد (1) و از سده ششم به بعد، نام قاضی نعمان وارد مصادر رجالی امامی شد. (2) مهم ترین موضع بحث و اختلاف در مصادر یاد شده، مذهب قاضی نعمان است که برخی وی را غیر امامی (3) و برخی امامی (4) دانسته اند. قرینه ای بر مذهب امامی قاضی نعمان، کلام ابن خلکان (م 681 ق) است که گفته: او در آغاز مالکی بود؛ ولی سپس به مذهب امامی گروید. (5) قرینه دیگر، آن است که اکثر روایات کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان، در مصادر حدیثی معروف امامیه نیز آمده است (6) و این که یکی دو روایت در کتاب یاد شده، به امام جواد علیه السلام - که از امامان اسماعیلیه نیست - اسناد داده شده است. (7) به هر حال، قاضی نعمان در کتاب دعائم الاسلام، بر مشرب مذهب اسماعیلی رفتار

- 
- 1- الذریعة، ج 1، ص 310.
  - 2- معالم العلماء، ص 161.
  - 3- معالم العلماء، همان جا؛ ریاض العلماء، ج 2، ص 411؛ نقد الرجال، ج 5، ص 17؛ معجم الرجال، ج 20، ص 185. نیز، ر.ک: هفت آسمان، شماره 3.
  - 4- أمل الآمل، ج 2، ص 335؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 36؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 150 - 155؛ الفوائد الرجالیه، ج 4، ص 3؛ تنقیح المقال، ج 3، ص 273؛ الذریعة، ج 1، ص 61.
  - 5- وفيات الأعیان، ج 5، ص 415.
  - 6- بحار الأنوار، ج 1، ص 36.
  - 7- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 155.

## تألیفات

کرده که گویا \_ اگر امامی بوده باشد \_ برای استفاده از پوشش تقیّه بوده است. (1) بر غیر امامی بودن او، افزون بر کتاب دعائم الاسلام و شرح الأخبار، قرائن دیگری نیز ذکر شده است: ارتباط بسیار نزدیک قاضی نعمان با المُعزّ بالله خلیفه معروف فاطمی، جایگاه اجتماعی و علمی او و کتاب هایش؛ بویژه کتاب دعائم الإسلام در میان اسماعیلیان، (2) و نیز محتوای سایر کتاب های قاضی نعمان. (3) نگارنده این نوشتار، با قول به مذهب غیر امامی همراه است. با این حال، چون امامی بودن او منتفی هم نیست، به اجمال به معرفی آثار او؛ بویژه دو کتاب دعائم الإسلام و شرح الأخبار می پردازد.

تألیفاتقاضی نعمان پرتألیف بود و در مصادر، بیش از دویست اثر برای او ذکر شده است. (4) آثار چاپی: بیش از پنجاه کتاب از قاضی نعمان به چاپ رسیده است. برخی از آنها عبارت اند از: 1. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، 2. ذکر المناقب إلى الصادق، 3. الاتفاق و الافتراق، 4. المناقب و المثالب، 5. الإمامة، 6. أصول المذاهب، 7. الدولة، 8. الإيضاح، 9. اختلاف أصول المذاهب، 10. ابتداء الدعوة للعبيدین، 11. الأخبار فی الفقه، 12. الاختصار فی الفقه، 13. دعائم الإسلام. سه کتاب از این کتاب ها، مورد توجه و استفاده عالمان امامیه قرار گرفته است: یکی الأخبار فی الفقه، که کراچکی در سده پنجم، آن را با عنوان تلخیص دعائم الإسلام، شرح کرد. (5) دیگری دعائم الإسلام است که گویا محمد باقر مجلسی (م 1111 ق)

1- بحار الأنوار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

2- وفيات الأعيان، همان جا؛ عيون الأخبار، ج 4، ص 41؛ أعلام الإسماعيلية، ص 589.

3- هفت آسمان، شماره 3.

4- ر.ك: شرح الأخبار، مقدّمه محقق، ص 43 \_ 45.

5- الذريعة، ج 13، ص 10.

**44. ابن عون اسدی (زنده در نیمه دوم سده چهارم)****تألیف****45. ابن تمام کوفی****تألیف****46. ابن نعیم سمرقندی (م، پس از 340 ق)****اشاره**

نخستین عالم امامی ای است که به آن دست یافته است. (1) سومین کتاب، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام است.

44. ابن عون اسدی (زنده در نیمه دوم سده چهارم) محمد بن جعفر بن محمد بن عون اسدی، مکننا به ابو الحسین؛ محدث و فقیه. نه تنها سال وفات و زادگاه او معلوم نیست، که آگاهی ما از شرح حال او نیز اندک است. به قرینه روایت هارون بن موسی تلعبیری از وی، می توان حدس زد که او در نیمه دوم سده چهارم، در بغداد زندگی می کرده است. (2)

تألیفاتها اثری که برای وی نام برده شده، الردّ علی أهل الاستطاعة نام دارد و نایاب است.

45. ابن تمام کوفی محمد بن علی بن فضل بن تمام کوفی دهقان، مکننا به ابو الحسین (ابو الحسن)؛ محدث. وی کثیر الروایة بوده و تلعبیری و ابو محمد محمدی، از وی روایت کرده اند.

تألیفاتها اثری که برای ابن تمام کوفی بر شمرده اند، الفرج فی الغیبة نام دارد و نایاب است. (3)

46. ابن نعیم سمرقندی (م، پس از 340 ق) حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی، مکننا به ابو احمد؛ محدث. وی عالمی بزرگ بود و هزار کتاب از مصنّفات و اصول شیعه را روایت کرد، چنان که مصنّفات عیاشی را

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 36.

2- الفهرست، طوسی، ص 229 \_ 230؛ رجال الطوسی، ص 439؛ رجال النجاشی، ص 373.

3- الفهرست، طوسی، ص 240؛ رجال الطوسی، ص 443.

## 47. ابو علی صولی بصری (م، پس از 355 ق)

## تألیف

بر او خواند و همه آنها را نیز روایت کرد. مشایخ او عبارت اند از: ابو احمد سمرقندی، محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی، حسین بن احمد بن ادریس قمی، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، محمد بن ابن عمر بن عبد العزیز کشّی و زید بن محمد حلقی. تلعبیری در سال 340 ق، از وی حدیث شنید و اجازه روایت گرفت. (1)

تألیفات آثار ابن نعیم سمرقندی، همگی نایاب اند: 1. تنبیه عالم قتلہ عملہ، 2. النور لمن تدبّره.

47. ابو علی صولی بصری (م، پس از 355 ق) احمد بن محمد بن جعفر، مکنّا به ابو علی صولی بصری؛ محدّث. ابو علی صولی، در بصره زاده شد و بعدها به بغداد رفت. به قرینه مهاجرت ابو علی صولی از بصره به بغداد در سال 353 ق، و این که مردم در بغداد از وی استماع حدیث کرده اند، (2) می توان حدس زد که دست کم پس از 355 ق، در گذشته است. او همواره یار و مصاحب جلودی بصری بود. وی به اندازه ای در بغداد بوده که بتواند نقل روایت کند و مصادر، ابو علی صولی را توثیق کرده اند؛ (3) اگرچه قولی بر روایت او از ضعفاً نیز وجود دارد. (4) ابو الفرج محمد بن موسی قزوینی (5) و شیخ مفید، از وی روایت کرده اند. (6)

تألیف آنها، کتابی به نام أخبار فاطمة علیها السلام به ابو علی صولی نسبت داده شده، 7 که آن هم نایاب است.

1- رجال الطوسی، ص 420 \_ 421؛ الفهرست، طوسی، ص 120.

2- رجال النجاشی، ص 84؛ الفهرست، طوسی، ص 78.

3- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

4- رجال النجاشی، همان جا.

5- رجال الطوسی، ص 416.

6- رجال النجاشی، همان جا.

**48. ابو عبد الله بزوفری (م، پس از 352 ق)****تالیفات****49. ابو القاسم طالقانی (م، پس از 326 ق)****50. ابن ابی الیاس کوفی (م، پس از 330 ق)****اشاره**

48. ابو عبد الله بزوفری (م، پس از 352 ق) حسین بن علی بن سفیان بزوفری، مکننا به ابو عبد الله؛ محدث. او از احمد بن ادریس قمی روایت کرده است، (1) هارون بن موسی تلعبیری، محمد بن محمد بن نعمان، حسین بن عبید الله غضائری و احمد بن عبدون نیز، از وی روایت کرده اند. (2) بنا به گزارشی که در رجال نجاشی آمده، بزوفری در سال 352 ق، با نجاشی مکاتبه کرده است. (3) وی را فاضل، شیخی شایسته اعتماد و در شمار عالمان بزرگ دانسته اند. (4)

تالیفات آثار بزوفری \_ که همگی نایاب اند \_ عبارت اند از: 1. کتاب الحج، 2. کتاب ثواب الأعمال، 3. کتاب أحكام العبيد، 4. کتاب الرد علی الواقفة، 5. کتاب سیرة النبی صلی الله علیه و آله و الأئمة علیهم السلام فی المشرکین.

49. ابو القاسم طالقانی (م، پس از 326 ق) حیدر بن شعیب بن عیسی طالقانی، مکننا به ابو القاسم؛ محدث. وی ساکن بغداد بود. تلعبیری در سال 326 ق، از وی روایت کرد. به موجب گزارش تلعبیری، ابو القاسم طالقانی کتاب های فضل بن شاذان را از برادرزاده فضل، محمد بن نعیم بن شاذان معروف به شاذانی (شاذانی)، روایت کرده است. 5

50. ابن ابی الیاس کوفی (م، پس از 330 ق) زید بن محمد بن جعفر، معروف به ابن ابی الیاس کوفی؛ محدث. وی نخست در کوفه

1- رجال النجاشی، ص 59.

2- رجال الطوسی، ص 423.

3- رجال النجاشی، همان جا، ص 68.

4- رجال الطوسی، ص 423.

## تألیف

## 51. ابن سهل دیباجی (م، پس از 370 ق)

## تألیف

بود و به گزارش تلعبکبری به بغداد آمد و در محله نهر البزازین فرود آمد. تلعبکبری در سال 330 ق، از وی حدیث شنید و اجازه گرفت. حسن بن علی بن حسن دینوری علوی نیز از او روایت کرد. ابن ابی الیاس، راوی علی بن حسین بن بابویه بود.

تالیفابن ابی الیاس کوفی، کتاب الفضائل را تألیف کرد که نایاب است. (1)

51. ابن سهل دیباجی (م، پس از 370 ق) سهل بن احمد بن عبد الله بن سهل دیباجی، مکننا به ابو محمد؛ محدث. وی اهل بغداد بود و در درب زعفرانی، منزل گزید. سال وفات او معلوم نیست؛ ولی به قرینه آن که تلعبکبری در سال 370 ق، از او برای خود و پسرش اجازه گرفته است، (2) وی پس از این سال از دنیا رفته است. حسین بن عبید الله غضائری (3) و احمد بن عبد الواحد، (4) از او روایت کرده اند. شیخ حدیث معروف او، محمد بن محمد بن اشعث کوفی است. وی در مصر، کتاب أشعثیات را از ابن اشعث استماع کرد. (5) دیباجی تا واپسین سال های زندگی، دینش را پنهان می داشت (6) و گویا به همین علت باشد که به ضعف، (7) جعل و روایت کردن از افراد مجهول، متهم شده است. (8)

تالیفکتاب ایمان ابی طالب، که به وی نسبت داده شده، (9) نایاب است.

1- رجال الطوسی، ص 426 \_ 427.

2- سوره بقره، آیه 185 .

3- رجال الطوسی، ص 424.

4- رجال الطوسی، ص 427.

5- سوره فاطر، آیه 28.

6- سوره جاثیه، آیه 23.

7- رجال النجاشی، ص 186.

8- الفهرست، طوسی، ص 46.

9- رجال النجاشی، همان جا.

**52. ابو الحسن ارزنی (م 339 ق)****تألیفات****53. ابو الحسن قزوینی (م ، نیمه نخست سده چهارم)****اشاره**

52. ابو الحسن ارزنی (م 339 ق) سلامه بن محمد بن اسماعیل بن عبد الله بن موسی، مکننا به ابو الحسن و معروف به ابو الحسن ارزنی؛ محدث. وی مدتی در قم بود (1) و پس از درگذشت احمد بن داوود، به همراه خواهر زاده اش محمد بن احمد بن داوود، به بغداد رفت. (2) سپس در سال 333 ق، بغداد را نیز به قصد شام، ترک کرد؛ ولی پس از مدتی نه چندان دراز، به بغداد بازگشت و سرانجام در سال 339 ق، در بغداد از دنیا رفت. (3) ابو الحسن ارزنی یکی از بزرگان امامیه و شایسته اعتماد بود. (4) ابن ولید، علی بن بابویه، ابن بطة، ابن همام و ابن ابی ثلج، مشایخ حدیث او بودند. (5) هارون بن موسی تلعبیری در سال 328 ق، از او اجازه روایت گرفت. (6) مهم ترین راوی او، خواهرزاده اش محمد بن احمد بن داوود است. 7

تألیفات آثار ابو الحسن ارزنی که همگی نایاب اند، عبارت اند از: 1. کتاب الغیبة و کشف الحیره، 2. کتاب المقنع فی الفقه، 3. کتاب الحج عملا (کتاب مناسک الحج). 8

53. ابو الحسن قزوینی (م ، نیمه نخست سده چهارم) حنظله بن زکریا بن یحیی بن حنظله تمیمی قزوینی، مکننا به ابو الحسن و معروف به

- 
- 1- .سوره انعام، آیه 22.
  - 2- .رجال النجاشی، ص 192.
  - 3- .رجال النجاشی، همان جا.
  - 4- .رجال النجاشی، همان جا، ص 328.
  - 5- .رجال الطوسی، ص 428.
  - 6- .رجال النجاشی، ص 192؛ الفهرست، طوسی، ص 143.



**54. ابن ابی حاتم قزوینی (م، پس از 350 ق)****تألیفات**

ابو الحسن قزوینی؛ محدث. هارون موسی تلعبیری (1) و ابو الحسن بن تمام، از وی روایت کرده اند. (2) وی چندان قابل اعتماد نبود. (3)

تألیف کتابی به نام الغیبة، به ابو الحسن قزوینی نسبت داده شده است.

54. ابن ابی حاتم قزوینی (م، پس از 350 ق) علی بن حاتم بن ابی حاتم قزوینی، مکننا به ابو الحسن؛ محدث. وی مورد اعتماد بود. هارون بن موسی تلعبیری، هم در سال 326 ق، و هم پس از آن، از وی حدیث شنید و اجازه روایت گرفت. (4) سال وفات علی بن حاتم، معلوم نیست. به قرینه آن که حسین بن علی شیبان قزوینی، در سال 350 ق، کتاب های او را از خود وی استماع کرده، (5) پس تا این تاریخ، زنده بوده است. ابی حاتم قزوینی گرچه خود، فردی موثق و کثیر الحدیث بود، از ضعف نیز روایت می کرد. (6) هارون بن موسی تلعبیری، (7) حسین بن علی بن شیبان قزوینی، (8) و ابو عبد الله بن شاذان، از او روایت کرده اند. (9)

تألیفات ابن حاتم قزوینی، کتاب های ارزشمندی تألیف کرد (10) که همگی نایاب اند: از آن

1- تاریخ و شناخت ادیان: ص 34.

2- رجال الطوسی، ص 423.

3- رجال النجاشی، ص 147.

4- کنز العمال: ج 10، ص 211، ح 29116.

5- رجال الطوسی، ص 432.

6- الفهرست، طوسی، ص 163.

7- رجال النجاشی، ص 263.

8- رجال الطوسی، همان جا.

9- الفهرست، طوسی، همان جا.

10- الفهرست، طوسی، ص 163.

جملة، بیش از ده کتاب در فقه، و نیز: 1. کتاب حدود الدین، 2. کتاب التوحید و المعرفة، 3. کتاب یوم و لیلہ، 4. کتاب مصابیح النور، 5. کتاب البیان و الإيضاح، 6. کتاب مصابیح موازين العدل، 7. کتاب العلل، 8. کتاب الصفوة فی أسماء أمير المؤمنين علیه السلام، 9. کتاب صفات الأنبياء عليهم السلام، 10. کتاب المعرفة، 11. کتاب الردّ علی القرامطة، 12. کتاب الردّ علی أهل البدع.

## فصل سوم: محدثان شیعه در سده پنجم

## 1. ابو بکر نیشابوری خُزاعی (معاصر شیخ طوسی)

## اشاره

فصل سوم: محدثان شیعه در سده پنجم حوزه حدیث شیعه در سده پنجم نیز همچنان شکوفا، بالنده و فعال بود. بیش از بیست محدث بزرگ، نامدار و تأثیرگذار شیعه، در این سده زندگی می کردند. دستگاه کلامی امامیه و ساز و کار روشمند استنباط احکام در قالب دانش اصول فقه، در این دوره سامان یافت. دو کتاب از کتب اربعه حدیث شیعه، تألیف این دوره است. اینک به معرفی راویان سرشناس این سده می پردازیم.

1. ابو بکر نیشابوری خُزاعی (معاصر شیخ طوسی) احمد بن حسین بن احمد نیشابوری خُزاعی (خُزاعی الولا)، مکننا به ابو بکر؛ فقیه و محدث. محقق اردبیلی از فردی به نام قاضی، احمد بن حسین بن احمد بن محمد بن دعویدار قمی، یاد کرده و او را به شایستگی ستوده و ثقه و حافظ احادیث، دانسته است. گویا این فرد، همان ابو بکر خُزاعی نیشابوری است؛ زیرا نام تنها راوی معروف او را «شیخ مفید، عبد الرحمان نیشابوری» ذکر کرده اند، که با لقب و نام فرزند ابو بکر نیشابوری، یک سان است. <sup>(1)</sup> ابو بکر خُزاعی، ساکن ری بود؛ ولی به این قرینه که وی را «قمی» <sup>(2)</sup> خوانده اند و نیز به قرینه مشایخ بغدادی او \_ مانند: سید رضی (م 404 ق)، سید مرتضی (م 436 ق) و شیخ طوسی (م 460 ق) \_، می توان گفت که

1- جامع الرواة، ج 1، ص 47. در شماره بعد، به معرفی مفید نیشابوری (عبد الرحمان) می پردازیم.

2- جامع الرواة، همان جا.

## تألیفات

## 2. مفید نیشابوری (م 445 \_ 476 ق)

## اشاره

وی مدّتی در قم و شاید بغداد نیز سکونت کرده است. (1) وی دیندار، سرشناس و قابل اعتماد بود (2) و دو فرزندش عبد الرحمان و محمّد نیز محدّثانی سرشناس و موثّق در میان شیعه امامیه بودند. (3) سال وفات ابو بکر خزاعی، معلوم نیست و تنها به قرینه مشایخ او و فرزندش عبد الرحمان \_ که هم از پدر و هم از مشایخ پدرش حدیث شنیده \_، می توان دریافت که وی در نیمه نخست سده پنجم زندگی می کرده است.

تألیفات ابو بکر نیشابوری، در زمینه های گوناگون فقه، سنن، احادیث خاص و موضوعات پراکنده، کتاب هایی نگاشت که همگی نایاب اند: 1. الأمالی؛ کتابی بزرگ و مشتمل بر احادیث و اخبار، که در چهار مجلّد تألیف شده بود. 2. عیون الأحادیث، 3. کتاب السنن، 4. الروضة فی الفقه، 5. المفتاح فی الأصول، 6. المناسک. (4)

2. مفید نیشابوری (م 445 \_ 476 ق) عبد الرحمان بن احمد بن حسن نیشابوری خزاعی، مکنّا به ابو محمّد و معروف به مفید نیشابوری؛ محدّث، فقیه و واعظ. وی بزرگ امامیه در ری بود و به مراکز حدیث شیعه در مرکز و شرق جهان اسلام، چون: شام و حجاز و خراسان، سفر کرد. (5) مفید نیشابوری، هم از مشایخ حدیث امامیه و هم از اهل سنّت، حدیث شنید و روایت کرد. از مشایخ حدیث اویند: سیّد مرتضی (م 436 ق)، سیّد رضی (م 404 ق)، شیخ طوسی (م 460 ق)، کراجکی (م 449 ق)، سلّار (م 463 ق) و ابن بَرّاج (م 481 ق). برادر زاده اش جمال الدین ابو الفتوح خزاعی، از وی روایت کرده است. مفید

1- فهرست منتجب الدین، ص 32؛ جامع الرواة، ج 1، ص 47؛ أمل الآمل، ج 2، ص 11.

2- فهرست منتجب الدین، همان جا؛ أمل الآمل، همان جا.

3- فهرست منتجب الدین، ص 219 ش 75؛ جامع الرواة، ج 2، ص 59؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 75.

4- قرّة العیون: ص 439.

5- فهرست منتجب الدین، ص 75؛ لسان المیزان، ج 3، ص 404.

## تألیفات

## 3. محسن نیشابوری (معاصر شیخ طوسی)

## اشاره

نیشابوری، حافظه ای قوی داشت و آگاه و بصیر در نقد حدیث و رجال شناسی بود. (1) وی در سال 445 ق، (2) یا 476 ق، این جهان را بدرود گفت. (3)

تألیفات آثار مفید نیشابوری، در زمینه حدیث، فضایل و مناقب، و وعظ و اخلاق بود: 1. سفینه النجاة فی مناقب أهل البيت العلویات الرضویات علیهم السلام، 2. الأمالی، 3. عیون الأخبار، 4. مختصرات فی المواعظ و الزواجر. (4) کتاب الأمالی وی، تا سده دوازدهم نیز موجود بود. به گزارش ذهبی، سمعانی - که در سده ششم می زیسته - این کتاب را در ری دیده و یکی از مجالس آن را که درباره اسلام ابو طالب بوده، مطالعه کرده است. (5) ابن شهر آشوب نیز که در همان سده می زیسته، از آن نقل کرده است. (6) سید هاشم بحرانی (م 1107 ق) نیز در سده دوازدهم، گاه با واسطه مناقب آل ابی طالب (7) و گاه بدون واسطه، از الأمالی مفید نیشابوری نقل کرده است. (8) از این رو، برخی از کتاب شناسان احتمال داده اند که سید هاشم بحرانی، خود، این کتاب را در اختیار داشته است. (9)

3. محسن نیشابوری (معاصر شیخ طوسی) محسن بن حسین بن احمد نیشابوری خُزاعی؛ محدّث و متکلم. وی برادر ابوبکر

1- فهرست منتجب الدین، همان جا؛ لسان المیزان، همان جا.

2- لسان المیزان، ج 3، ص 405.

3- الأربعین عن الأربعین، حدیث 5، رسائل فی حدیث رد الشمس، ص 205.

4- عوالی اللآلی: ج 4، ص 129، ح 223.

5- فهرست منتجب الدین، ص 75.

6- لسان المیزان، ج 3، ص 405.

7- المناقب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 391.

8- مدینه المعاجز، ج 1، ص 419.

9- همان، ج 2، ص 322؛ ج 3، ص 518.

## تألیفات

## 4. ابو سعید خُزاعی (زنده در 444 ق)

## اشاره

نیشابوری (1) و عموی عبد الرحمان (معروف به مفید نیشابوری) و محمد بن احمد است. در مصادر، اطلاعات چندانی در باره او دیده نمی شود. تنها می دانیم که وی معاصر شیخ طوسی بوده، در ری می زیسته و به وعظ و خطابه اشتغال داشته است. محسن خزاعی را عادل، حافظ و شایسته اعتماد دانسته اند. (2)

تألیفات کتاب های محسن خزاعی \_ که به قرینه عناوین شان، در زمینه حدیث، آداب و سیره، فقه الحدیث و علوم قرآن بوده \_، همگی نایاب اند: 1. الأُمالی فی الأحادیث، 2. السیر، 3. بیان «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ»، 4. إعجاز القرآن.

4. ابو سعید خُزاعی (زنده در 444 ق) محمد بن احمد بن حسین نیشابوری خزاعی، مکتباً به ابو سعید؛ محدث و متکلم. وی در ری سکونت داشت و به دیدار مشایخ حدیث قم نیز نائل شد. (3) ابو سعید، قابل اعتماد در حدیث و سرشناس بود. (4) سال وفات او معلوم نیست. وی در سال 432 ق، از ابو سعد منصور بن حسین آبی (5) و در سال 444 ق، از ابو القاسم عبد العزیز بن محمد بن عبد العزیز صائین در قم، حدیث شنید. (6) ابو سعید، برادر مفید نیشابوری است که هم اینک به معرفی او پرداختیم، و جدّ ابو الفتوح رازی، مفسّر معروف. از دیگر مشایخ وی \_ که بر پایه کتاب الأربعین، حدود چهل نفر بوده اند، می توان به پدرش احمد و عمویش محسن اشاره کرد. (7)

1- همان احمد بن حسین که شرح حالش به شماره 55 گذشت.

2- فهرست منتجب الدین، ص 102؛ جامع الرواة، ج 2، ص 42؛ أمل الآمل، ج 2، ص 228؛ الذریعة، ج 22، ص 233.

3- الأربعین عن الأربعین، ح 36.

4- فهرست منتجب الدین، ص 102.

5- الأربعین، ح 22.

6- همان، ح 36؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 76\_79.

7- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 75\_76.

## تألیفات

## 5. جعفر دوریستی (زنده در 473 ق)

## اشاره

تألیفات بیشتر آثار ابو سعید خزاعی، نایاب اند: 1. الروضة الزهراء فی تفسیر (مناقب) فاطمة الزهراء علیها السلام، 2. الفرق بین المقامین و تشبیه علی علیه السلام بذی القرنین، 3. مثنی الطالب فی ایمان اَبی طالب، 4. کتاب المولی، 5. التفهیم فی بیان القسیم، 6. الرسالة الواضحة فی بطلان دعوی الناصبة، 7. ما لا بُدَّ من معرفته. (1) کتاب الروضة الزهراء فی مناقب فاطمة الزهراء علیها السلام، با همین عنوان، (2) و نیز با عنوان الروضة الزهراء فی تفسیر فاطمة الزهراء علیها السلام، (3) و همچنین با عنوان الروضة (4)، در سده ششم در دسترس بوده و از جمله، ابو الفتوح رازی نوه مؤلف، در بحث مناقب حضرت فاطمه علیها السلام، دو روایت از آن نقل کرده است. (5) اثر چاپی: 8. الأربعین عن الأربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام.

5. جعفر دوریستی (زنده در 473 ق) جعفر بن محمد بن احمد بن عباس، مکننا به ابو عبد الله و معروف به جعفر دوریستی؛ محدث، فقیه و متکلم. جعفر دوریستی در قریه دوریست از توابع ری، سکونت داشت. (6) او در سال 401 ق، به بغداد رفت و در مجلس شیخ مفید حاضر شد. (7) مشایخ حدیث او در ری و بغداد، عبارت اند از: پدرش محمد، شیخ مفید، سید مرتضی، ابن عیاش جوهری و شیخ طوسی. (8) سال وفات جعفر دوریستی معلوم نیست؛ ولی

- 
- 1- فهرست منتجب الدین، ص 102؛ معالم العلماء، ص 151؛ ریاض العلماء، ج 2، ص 188؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 73 \_76.
  - 2- سورة فاطر: آیه 28.
  - 3- سورة فاطر، آیه 27 و 28.
  - 4- روض الجنان و روح الجنان، ج 1، ص 561؛ ج 4، ص 319.
  - 5- فهرست منتجب الدین، همان جا.
  - 6- النقص، ص 108 \_ 109؛ معجم البلدان، ج 2، ص 484.
  - 7- الثاقب فی المناقب، ص 236.
  - 8- فهرست منتجب الدین، ص 45؛ مرآة الکتب، هامش، ص 428.

## تألیفات

می دانیم که تا سال 473 ق، زنده بوده (1) و در آن سال، نسخه ای عربی را به فارسی برگردانده است. (2) جعفر دوریستی، محدثی فرزانه، وارسته و چهره سرشناس شیعه بود (3) که به عدالت و امانتداری شناخته می شد. (4) نظام الملک، حاکم ری، تحت تأثیر فضل و بزرگی شیخ جعفر قرار گرفت و دو هفته ای یک بار، به دوریستی می رفت و از او حدیث می شنید. (5)

تألیفات آثار نایاب جعفر دوریستی: 1. الکفایة (الکفایة فی العبادات)، 2. الاعتقاد (الاعتقادات)، 3. عمل یوم و لیلة. (6) آثار نایابی که در منابع بعدی، از آنها نقل شده است: 4. الحُسنی، 5. الردّ علی الزیدیه. کتاب الحُسنی در سده هفتم موجود بوده و علی بن طاووس (م 662 ق) و عبد الکریم بن طاووس (م 693 ق)، از آن نقل کرده اند. روایاتی علی بن طاووس از آن نقل کرده، در باره فضیلت ماه رمضان و رجب است. (7) این روایات، اسناد کامل دارند و دوریستی بیشتر آنها را از طریق پدرش نقل کرده است. (8) سید عبد الکریم بن طاووس متذکر شده که نسخه ای از آن را \_ که در سال 446 ق، بر محمد بن احمد دوریستی خوانده شده \_، در اختیار دارد و از آن، خبری هم نقل کرده است. 9 از این کتاب با

1- الثاقب فی المناقب، ص 239.

2- همان جا .

3- النقص، همان جا.

4- رجال الطوسی، ص 419؛ فهرست منتجب الدین، همان جا؛ معالم العلماء، ص 53؛ أمل الآمل، ج 2، ص 54.

5- منتجب الدین، همان جا؛ معالم العلماء، ص 53؛ أمل الآمل، همان جا؛ الإقبال، ج 1، ص 385.

6- الإقبال، ج 1، ص 385 \_ 386، ص 422؛ ج 3، ص 191، 263، 265، 270 \_ 271، 282 \_ 284.

7- الإقبال، همان جاها.

8- فرحة الغری، ص 126.



**6. ابن شاذان قمی (م، حدود 425 ق)****اشاره**

واسطه کتاب اقبال الأعمال، در وسائل الشیعة (1) و گویا بدون واسطه، در بحار الأنوار (2) نیز نقل شده است. کتاب الرد علی الزیدیه نیز که ابن شهر آشوب از آن نام برده، تا سده ششم باقی بوده است. گویا فضل بن حسن طبرسی (م 548 ق) آن را در اختیار داشته و از آن، سه حدیث نقل کرده (3) که سند همه آنها کامل است و موضوعشان امامت و فضایل امام علی علیه السلام است. در روایت نخست آن، آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره امام علی علیه السلام عبارت «إنَّه مع الحقِّ و الحقُّ معه» را فرموده است. (4)

6. ابن شاذان قمی (م حدود 425 ق) محمد بن احمد بن علی بن حسن (حسین) بن شاذان (شاذان)، مکتباً به ابو الحسن و معروف به ابن شاذان قمی؛ فقیه، محدث و متکلم. خانواده ابن شاذان قمی، از طرف پدر و مادر هر دو، اهل علم و حدیث بودند. پدرش فقیهی بزرگ، خوش فهم و به قولی، شیخ امامیه شناخته می شد (5) و مادرش خواهر زاده ابن قولویه قمی، از مشایخ بزرگ امامیه بود. (6) ابن شاذان در اصل، قمی بود. (7) وی به ری، (8) کوفه، (9) بغداد، مدینه (10) و مکه (11) سفر کرد. گویا سکونت او در کوفه و بغداد، به درازا کشید؛ چراکه وی را افزون

- 
- 1- وسائل الشیعة، ج 5، ص 172 - 173؛ ج 7، ص 267، ص 357؛ ج 20، ص 48.
  - 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 24، ص 46؛ ج 95، ص 73 - 74، ص 172 - 176.
  - 3- إعلام الوری بأعلام الهدی، ج 2، ص 163 - 164؛ بحار الأنوار، ج 36، ص 300.
  - 4- إعلام الوری، همان جا.
  - 5- رجال النجاشی، ص 85؛ خلاصة الأقوال، ص 70.
  - 6- کنز الفوائد، ص 220؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 138؛ الذریعة، ج 2، ص 494.
  - 7- رجال النجاشی، همان جا؛ معالم العلماء، ص 152؛ خلاصة الأقوال، همان جا.
  - 8- جمال الاسبوع، ص 145.
  - 9- مائة منقبة، ص 18.
  - 10- همان، ص 137.
  - 11- الاستنصار، ص 20.

## تألیفات

بر قمی، کوفی (1) و بغدادی نیز گفته اند. مشایخ حدیث ابن شادان قمی، از شیعه و اهل سنت، دست کم 67 نفر بودند. (2) او از این نظر، قابل قیاس با شیخ صدوق و امثال اوست. از میان مشایخ شیعی ابن شادان، می توان پدرش احمد، شیخ صدوق، ابن رازی، ابن خزّاز قمی، شیخ مفید، ابو غالب زُرّاری و ابن عیّاش جوهری را نام برد. نجاشی، شیخ طوسی و ابو الفتح کراچکی نیز از او روایت کرده اند. (3) پدر محمّد بن شادان قمی، دو کتاب تألیف کرد که در نوع خود، نظیر نداشتند: (4) یکی الأملی و دیگری، زاد المسافر. این دو کتاب، در اختیار فرزند مؤلّف بوده (5) و وی در کتاب های خود، از آنها نقل کرده است. ابن شادان در سال 412 ق، در مکه سکونت داشت. (6) به قرینه آن که نجاشی و شیخ طوسی از او نام نبرده اند، معلوم می شود که وی دیگر به بغداد باز نگشته است. او فقیه و دانشمندی بزرگ بود، (7) چنان که در استفاده از حدیث شیعه و اهل سنت، پیش گام و در شناخت حدیث صحیح، از علمی ثاقب برخوردار بود. (8) ابن شادان صحیفه سجّادیه را از محمّد بن سلیمان مصری روایت کرد. (9)

تألیفات آثار نایاب: 1. ایضاح دفتان النواصب، 2. ردّ الشمس علی أمير المؤمنین علیه السلام، 3. المناقب. 10

1- الاستنصار، ص 20.

2- امل الامل، ج 2، ص 18 و ص 241.

3- مائة منقبة، مقدّمه محقق کتاب، ص 11 \_ 13.

4- رجال النجاشی، ص 88 \_ 89؛ الأملی طوسی، مقدّمه محقق کتاب، ص 10؛ الاستبصار، ص 9، ص 20.

5- رجال النجاشی، همان جا.

6- امل الامل، همان جا.

7- الاستنصار، ص 6.

8- فهرس التراث، ج 1، ص 467.

9- الاستنصار، ص 20؛ معالم العلماء، همان جا؛ الثاقب فی المناقب، ص 328؛ امل الامل، همان جا؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 18.

## 7. شریف رضی (359\_ 406 ق)

## اشاره

اثر نایابی که در منابع بعدی منعکس شده است: 4. کتاب بستان الکرام (1) که با عنوان البستان نیز از آن یاد شده است. (2) این کتاب \_ که گویا حجمی بسیار داشته و بزرگ می‌نموده \_ در سده ششم در دسترس بوده و شیخ عماد الدین، معروف به ابن حمزه طوسی (م 560 ق)، از جزء هشتاد و ششم آن، دو حدیث نقل کرده است. (3) گویا نسخه یا نسخه‌هایی از آن، تا سده‌های دهم و سیزدهم نیز موجود بوده؛ چراکه مقدّس اردبیلی (م 993 ق) در دو کتاب الأربعین و حدیقة الشیعة ی خود (4)، محدّث جزایری (م 1112 ق) در حاشیه مفتاح اللیب، و سلطان محمّد در تحفة المجالس و نیز مفتاح الجنّة \_ که در سال 1285 ق، تألیف شد \_، از آن نقل کرده‌اند. (5) اثر چاپی: 5. کتاب مائة منقبة.

7. شریف رضی (359\_ 406 ق) محمّد بن حسین بن موسی بن محمّد بن موسی بن ابراهیم، مکنّا به ابو الحسن و معروف به [سیّد] رضی و شریف رضی؛ محدّث، ادیب، شاعر، مفسّر و فقیه. شریف رضی، برادر سیّد مرتضی بود. هر دو خانواده پدری و مادری شان، فرزانه و وارسته بودند. پدر آنها منزلت اجتماعی والایی داشت (6) و در نزد خلفای عباسی و دولت مردان آل بویه نیز بسیار محترم بود. (7) سیّد رضی، از مجلس درس شیخ مفید بهره برد و از برخی مشایخ حدیث، چون هارون بن موسی تلعلکبری، روایت کرد. (8)

1- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 143؛ الذریعة، ج 3، ص 107.

2- الثاقب فی المناقب، ص 328.

3- الثاقب فی المناقب، همان جا.

4- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 143.

5- الذریعة، ج 3، ص 107.

6- بنگرید به: بخش نخست، دانش، فصل سوم: آثار دانش، عمل.

7- رجال النجاشی، ص 398.

8- خصائص الائمة، ص 31\_ 32، مقدّمه محقق.

## تألیفات

## 8. ابو الحسن تلّعبُری (زنده در 410 ق)

## اشاره

وی در شعر و ادب نیز سرآمد بود و سخن شناسی معروف و بلکه یگانه دوران خویش، شناخته می شد. (1)

تألیفات کتاب هایی که به سید رضی نسبت داده شده، در زمینه های گوناگونی فراهم آمده اند: شعر، تفسیر، فقه الحدیث و گاه تاریخ؛ ولی رویکرد حاکم بر همه آثار حدیثی او، ادبی و بلاغی است. آثار حدیثی چاپی: 1. خصائص الأئمة، 2. المجازات النبویة، 3. نهج البلاغة.

8. ابو الحسن تلّعبُری (زنده در 410 ق) محمد بن هارون بن موسی تلعبُری، مکنّا به ابو الحسن؛ محدّث. وی فرزند محدّث معروف، هارون بن موسی (م 385 ق) بود. کنیه او را گاه، ابو جعفر نیز ذکر کرده اند. (2) سال وفات محمد بن هارون، معلوم نیست؛ ولی به گزارش، شیخ مفید (م 413 ق) در سال 410 ق از او حدیث شنید. (3) وی ساکن بغداد بود و به دمشق نیز سفر کرد. (4) او هم شاگردی نجاشی و نیز شیخ حدیث او بود. (5) گرچه این محدّث در مصادر، توثیق نشده است، به قرینه قرار گرفتن او در طریق احادیث نجاشی و طرق کتاب رجال او، افزون بر طلب رحمت نجاشی بر وی (6) و این که نجاشی مشایخ حدیث خود را توثیق کرده، (7) این حدس قوی می نماید که نجاشی به او اعتماد داشته است.

1- خصائص الأئمة، ص 81\_ 82؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 369.

2- قرة العیون: 439.

3- رجال النجاشی، ص 79، ص 439.

4- فرج المهموم، ص 236؛ قواعد الحدیث، ص 183.

5- همان: ص 438.

6- بحار الأنوار، ج 87، ص 142.

7- رجال النجاشی، ص 439، ص 79؛ الذریعة، ج 20، ص 54.

## تألیف

## 9. ابو عبد الله غضائری (م 411 ق)

## اشاره

تألیفدر مصادر، يك كتاب با عنوان مجموع الدعوات، (1) برای ابو الحسين تلعهکبری نام برده اند \_ که گاه با همین عنوان مجموع التلعهکبری (2) و کتاب عتیق (3) از آن یاد شده \_ ؛ ولی گاه به پدر او، هارون بن موسی نیز نسبت داده شده است. (4) این کتاب تا سده یازدهم موجود بود. ابن طاووس (م 662 ق) نسخه ای از آن را \_ که به خط محمد بن هارون تلعهکبری، مؤلف کتاب بود \_ داشته، (5) و کفعمی (م 997 ق) و محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) نیز نسخه ای از آن را در اختیار داشتند که در سال 576 ق، استنساخ شده بود. (6) مجموع الدعوات از مصادر ابن طاووس (7) و محمد باقر مجلسی (8) است. گویا افندی اصفهانی (م 1132 ق) و محدث نوری (م 1332 ق) آن را در دسترس نداشته اند؛ چراکه آن دو، تنها به واسطه ابن طاووس و مجلسی، از آن نقل کرده اند. (9)

9. ابو عبد الله غضائری (م 411 ق) حسین بن عبید الله بن ابراهیم، مکننا به ابو عبد الله و معروف به ابو عبد الله غضائری؛ محدث و رجالی. ابو عبد الله غضائری، اهل واسط بود و در بغداد نیز زندگی کرد. (10)

- 
- 1- مهج الدعوات، ص 174؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 33.
  - 2- البلد الأمين، ص 503.
  - 3- بحار الأنوار، همان جا.
  - 4- بحار الأنوار، ج 100، ص 211؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 351.
  - 5- مهج الدعوات، همان جا.
  - 6- البلد الامین، همان جا؛ بحار الأنوار، همان جا.
  - 7- مهج الدعوات، ص 174 \_ 175؛ فتح الابواب، ص 204.
  - 8- بحار الأنوار، ج 1، ص 33.
  - 9- ریاض العلماء، ج 5، ص 294 \_ 295؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 366، ص 570؛ ج 6، ص 114، ص 272 \_ 273.
  - 10- لسان المیزان، ج 2، ص 125 \_ 126.

## تألیفات

## 10. ابن غضائری (م، حدود 413\_ 418 ق)

## اشاره

او معاصر مفید و در حدیث و رجال، شیخ نجاشی و طوسی بود. (1) ابن جعابی، (2) ابو غالب زُراری و جعفر بن قولویه، برخی از مشایخ حدیث او بودند. (3) ابو عبد الله غضائری، تنها طریق رساله ی ابو غالب برای نجاشی بود و تکمله ای نیز بر آن نگاشت. وی فرزانه، وارسته و شایسته اعتماد بود و افزون بر آگاهی به رجال و اخبار، در اسانید بسیاری از روایات و کتب، واقع شده است. (4)

تألیفات ابو عبد الله غضائری، یازده کتاب در زمینه های گوناگون نگاشت: فضائل امام علی علیه السلام، نصوص، فقه، فهرست، شرح حال، رجال، کلام و فقه الحدیث. آثار نایاب: 1. کتاب فی قول امیر المؤمنین علیه السلام: «ألا أخبرکم بخیر هذه الأمة»، 2. کشف التمیویه و الغمّة، 3. التسلیم علی امیر المؤمنین علیه السلام بامرة المؤمنین، 4. عدد الأئمّة و ما شدّ علی المصنّفین فی ذلك، 5. مناسک الحجّ، 6. یوم الغدیر، 7. الردّ علی الغلاة و المفوّضة، 8. مواطن امیر المؤمنین علیه السلام، 9. فضل بغداد. اثر چاپی: 10. تکملة رساله ابی غالب الزراری، 11. الرجال (الضعفاء).

10. ابن غضائری (م حدود 413\_ 418 ق) احمد بن حسین بن عبید الله بن ابراهیم بن عبد الله غضائری، مکنّا به ابو الحسین و معروف به ابن غضائری؛ محدّث و رجالی. وی ساکن بغداد بود و همان جا درگذشت. مشایخ ابن غضائری، افزون بر پدرش حسین بن عبید الله، علی بن محمّد بن شیران (5) و احمد بن عبد الواحد (6) بودند. سال وفات وی معلوم نیست؛ ولی به سه قرینه،

- 1- رجال النجاشی، ص 69؛ رجال الطوسی، ص 425؛ الرواشح السماویة، ص 111\_ 112.
- 2- لسان المیزان، ج 2، ص 297\_ 298.
- 3- رساله ابی غالب الزراری، ص 60، ص 64، ص 96\_ 99.
- 4- رجال النجاشی، ص 69؛ الرواشح السماویة، همان جا؛ لسان المیزان، همان جا.
- 5- رجال النجاشی، ص 83.
- 6- همان، ص 259.

## اعتبار ابن غضائری از دیدگاه رجال شناسان

### اشاره

می توان گفت که اندکی پس از مرگ پدرش (411 ق) درگذشته است: نخست این که بر پایه گزارشی، مرگ او «اخترامی» بود. (1) مرگ اخترامی در يك تفسیر شایع، بر مرگ پیش از چهل سالگی اطلاق می شود. (2) قرینه دوم این که: او افزون بر آن که هم شاگردی و یار دیرین نجاشی (372 \_ 450 ق) بود، شیخ او نیز بود و با هم در مجلس درس پدر وی، حسین بن عبید الله غضائری (3) و درس علی بن محمد بن شیران (م 410 ق)، (4) حاضر می شدند. (5) پس در حیات پدر، کودک نبوده است. سوم این که: نجاشی برای او طلب رحمت کرده است. (6)

اعتبار ابن غضائری از دیدگاه رجال شناسانمصادر نخستین، به شرح حال ابن غضائری پرداخته اند. گویا شیخ حرّ عاملی (م 1106 ق) برای بار نخست، ردیف جداگانه و مستقلی در اثر کتاب شناسی خود، به او اختصاص داد. (7) از آن جا که در مصادر اولیه، شرح حال مستقلی از ابن غضائری نیامده، وی جرح و تعدیل هم نشده است. شاید شهید ثانی (م 961 ق) بود در سده دهم، این سکوت را شکست و در تضعیفات ابن غضائری، تردید کرد و آنها را نامعتبر دانست. (8) فرزند او نیز، شیخ حسن بن زین الدین (م 1014 ق) صاحب معالم، در کتاب رجالی الاستقصاء، بر درستی دیدگاه پدر تأکید کرد و متذکر شد که ابن غضائری،

- 1- رجال النجاشی، ص 83 .
- 2- الفهرست ، طوسی، ص 31 \_ 32.
- 3- الرجال ، ابن غضائری، ص 15 ، مقدمه محقق کتاب .
- 4- رجال النجاشی، ص 269.
- 5- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 49.
- 6- رجال النجاشی، ص 83، ص 77.
- 7- أمل الآمل، ج 2، ص 12.
- 8- شرح الدراية ، ص 71 ؛ قواعد الحديث، ص 204.

**یکم. توثیق ابن غضائری**

شایسته اعتماد نیست. (1) در باره جایگاه رجالی ابن غضائری، سه دیدگاه مطرح شده است:

یکم. توثیق ابن غضائری عنایت الله قُهبایی (م ح 1011 ق)، (2) شیخ بهایی (م 1031 ق)، فاضل تونی (م 1071 ق)، وحید بهبهانی (م 1206 ق)، (3) محمد بن ابراهیم محقق کلباسی (م 1261 ق) (4) محقق محمد تقی شوشتری (م 1414 ق)، (5) طرفدار این دیدگاه شناخته می شوند. (6) دلایل این دسته، عبارت است: 1. اعتماد نجاشی به ابن غضائری، که 23 بار، بی واسطه از او نقل کرده است؛ (7) 2. توثیق همه مشایخ بی واسطه نجاشی، در رجال او؛ (8) 3. توصیف وی توسط شیخ طوسی، به «شیخ طایفه در میان اصحاب حدیث»، بلکه «ماهرترین آنها»؛ 4. درخواست رحمت الهی برای او، توسط شیخ طوسی؛ (9) 5. اعتماد احمد بن طاووس بر او؛ (10) 6. اعتماد فراوان علامه حلی بر دیدگاه های رجالی او. (11)

- 
- 1- سماء المقال، ج 1، ص 14.
  - 2- مجمع الرجال، ج 1، ص 108.
  - 3- منهج المقال و تعلیقه، ص 35.
  - 4- سماء المقال، ج 1، ص 24.
  - 5- قاموس الرجال، ج 1، ص 446 \_ 447.
  - 6- ر.ك: الرجال، ابن غضائری، ص 20، مقدمه محقق کتاب؛ قواعد الحدیث، ص 201.
  - 7- قواعد الحدیث، ص 203؛ کلیات فی علم الرجال، ص 83.
  - 8- قواعد الحدیث، ص 184؛ مشایخ الثقات، ص 12.
  - 9- الفهرست، طوسی، ص 31 \_ 32.
  - 10- التحریر الطاووسی، ص 152 و 419؛ الفوائد الرجالية، ج 2، ص 43.
  - 11- خلاصة الأقوال، ص 173 و 361؛ سماء المقال، ج 1، ص 15؛ قواعد الحدیث، ص 200 \_ 204.



## دوم . تضعیف ابن غضائری و بی اعتمادی به توثیق ها و تضعیف های او

### سوم : پذیرش توثیق های ابن غضائری و ردّ تضعیف های او

#### تألیفات

دوم . تضعیف ابن غضائری و بی اعتمادی به توثیق ها و تضعیف های او طرفداران این دیدگاه، به علّت های متفاوتی وی را ضعیف شمرده اند و از این رو، خود در سه دسته جای می گیرند: 1 . جهالت از جهت جرح و تعدیل؛ محمّد تقی مجلسی (1) و تفرشی، (2) این نظر را دارند. 2 . کثرت جرح توسط وی؛ گویا محقق داماد، (3) محمّد باقر مجلسی (4) و سیّد بحر العلوم، (5) طرفدار این قول اند. 3 . مسکوت ماندن جرح یا تعدیل او و نیز کثرت جرح توسط او؛ میرزا محمّد، (6) ظاهر عبارت وحید بهبهانی (7) و [ آیه الله ] سیّد ابو القاسم خوبی، (8) در این دسته جای می گیرند. (9)

سوم : پذیرش توثیق های ابن غضائری و ردّ تضعیف های او این دیدگاه، به وسیله رجالی معاصر، [ آیه الله ] جعفر سبحانی مطرح شده است. (10)

تألیفاتشمار کتاب های ابن غضائری، از دو تا چهار عنوان ذکر شده است: 1 . فهرس

- 1- .روضه المتقین، ج 14، ص 330.
- 2- .نقد الرجال، ج 2، ص 230.
- 3- .الرواشح، ص 114.
- 4- .بحار الأنوار، ج 1، ص 41.
- 5- .الفوائد الرجالية، ج 2، ص 369.
- 6- .منهج المقال، ص 398.
- 7- .منهج المقال و تعليقه، ص 24 \_ 25.
- 8- .معجم رجال الحديث، ج 1، ص 94 \_ 96.
- 9- .نیز، ر. ك: قواعد الحديث، ص 200 \_ 205؛ الرجال، ابن غضائری، ص 20 \_ 21، مقدّمه محقق کتاب .
- 10- .كليات في علم الرجال، ص 93 و 103 .

المصنّفات، 2. فهرس الأصول، (1) 3. كتاب التاريخ، (2) 4. الضعفاء. (3) علامه حلّی (م 726 ق) دو کتاب را بدون عنوان، برای وی ذکر کرده که گویا یکی در باره ضعفها و دیگری در باره ممدوحین بوده است. (4) به دو قرینه، برخی این گمان اند که ابن غضائری، چهار کتاب در رجال و کتاب شناسی داشته است: (5) قرینه نخست، این گزارش شیخ طوسی است که بعضی از وارثان ابن غضائری، کتاب های وی \_ از جمله، دو کتاب فهرست مصنّفات و اصول وی \_ را از بین بردند؛ (6) و قرینه دوم، ظاهر کلام علامه حلّی که گویای تعلق دو کتاب در ضعفها و ممدوحین، برای اوست. (7) برخی هم با نفی کتابی درباره ممدوحین، سه کتاب به وی نسبت داده اند. (8) گروهی دیگر، گزارش شیخ طوسی را در باره تلف شدن دو کتاب ابن غضائری، نپذیرفته اند \_ چراکه از عبارت: «به گزارش فردی ناشناخته...»، تردید وی آشکار می شود \_ و از آن جا که علامه حلّی نیز تنها از دو کتاب ابن غضائری نقل کرده و می توان حدس زد که دو کتاب یاد شده، تا سده هشتم باقی بوده و علامه آن دو را در اختیار داشته، نتیجه گرفته اند که ابن غضائری، اثری در کتاب شناسی نداشته و تنها دو کتاب در رجال داشته است. (9) به قرینه کلام شیخ طوسی و ظاهر عبارت علامه حلّی \_ که نشان دهنده نقل وی از دو کتاب ابن غضائری با دو رویکرد مختلف است \_، انتساب چهار کتاب رجالی به

1- الفهرست، طوسی، ص 31 \_ 32.

2- رجال النجاشی، ص 77.

3- الرجال، ابن غضائری، همان جا؛ التحریر الطاووسی، ص 4 \_ 5؛ رجال ابن داوود، ص 25 \_ 26.

4- خلاصة الأقوال، ص 377، ص 414.

5- نقد الرجال، ج 2، ص 98؛ الرجال، ابن غضائری، ص 13 \_ 14، مقدمه محقق.

6- الفهرست، طوسی، همان جا.

7- خلاصة الأقوال، همان جا.

8- مجمع الرجال، ج 1، ص 11.

9- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 49.

## اشاره

وی، به واقع نزدیک تر می نماید. به هر حال، تنها اثر موجود و چاپی او، کتاب الضعفاء است.

11. شیخ مفید (336\_ 413 ق) محمد بن محمد بن نعمان بن عبد السلام، مکنّا به ابو عبد الله و معروف به شیخ مفید و ابن معلّم؛ محدّث، متکلم، فقیه و اصولی. شیخ مفید در بغداد، زاده شد و در همان جا در گذشت. (1) وی بلند آوازه ترین فقیه و متکلم امامی در سده های چهارم و پنجم بود. (2) آوازه او، بر چند ویژگی استوار بود: عمق علمی و قدرت استدلالی و اقناعی وی؛ هم در تبیین دستگاه فقهی و کلامی امامیه و هم در نقد مذاهب و آرای مخالفان و همچنین، بر بصیرت و آگاهی اش در نقد اخبار، و وارستگی اخلاقی او. این ناموری، موجب شد که نه تنها موافقان، که مخالفان نیز آشکارا و با اشاره، زبان به ستایش او بکشایند. (3) شیخ مفید با سرمایه استعداد و هوش سرشار و پشتکار و همت والایی که داشت، دستگاه کلامی و فقهی امامیه را بر دو پایه استوار نقل و عقل، سامان داد. به قرینه اسامی مشایخ مفید، نشان می دهد که وی از محدّثان مناطق بسیاری بهره برده است، مانند: قم، ری، کوفه، قزوین، بلخ، مراغه، همدان، طبرستان، حلب و بغداد. برخی از این مشایخ، اهل سنت بوده اند. (4) احمد بن ولید قمی، شیخ صدوق، ابو غالب زراری، جعفر بن قولویه قمی و حسن بن حمزه علوی، معروف به مرعش، مهم ترین مشایخ حدیث شیخ مفید بودند. سیّد رضی، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، ابو الفتح کراچی و نجاشی نیز از او حدیث شنیدند. (5)

1- الفهرست، طوسی، ص 238؛ رجال النجاشی، ص 402.

2- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

3- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ خلاصه الأقوال، ص 248؛ تاریخ بغداد، ج 3، ص 449؛ میزان الاعتدال، ج 4، ص 26، ص 30؛ سیر أعلام النبلاء، ج 17، ص 344؛ لسان المیزان، ج 5، ص 368.

4- الأمالی، مفید، ص 12\_ 14، مقدّمه محقق.

5- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ الأمالی، مفید، همان جا؛ تهذیب الأحكام، ص 15\_ 16، مقدّمه محقق.

## تألیفات

تألیفات در مصادر، نزدیک به دویست کتاب برای شیخ مفید ذکر شده است. (1) از عناوین این کتاب ها پیداست که وی در زمینه های گوناگونی دست به قلم برده است: کلام، فقه، فقه الحدیث، نقد الحدیث، تاریخ، دعا و زیارت. الف - آثار حدیثی نایاب: 1. جواب المسائل فی اختلاف الأخبار، 2. مقابس الأنوار فی الردّ علی أهل الأخبار، 3. تاریخ الشریعة، 4. تفضیل الأئمة علیهم السلام علی الملائكة، 5. جوابات أهل الموصل فی العدد والرؤية، 6. مسألة فی معنی قول النبی صلی الله علیه و آله: «أصحابی كالنجوم»، 7. مسألة فی ما رواه العامة، 8. المسألة الموضحة فی تزویج عثمان، 9. مسألة فی معنی قوله صلی الله علیه و آله: «إني مُخلفٌ فيكم الثقلین»، 10. كتاب فی قوله صلی الله علیه و آله: «أنت مني بمنزلة هارونَ من موسى»، 11. مسألة فی رجوع الشمس، 12. المسألة الكافية فی إبطال توبة الخاطئة، 13. الفضائل، 14. المسألة المقنعة فی إثبات النص، 15. الإشراف فی لغت أهل البيت علیهم السلام، 16. رسالة فی كتابة النبی صلی الله علیه و آله، 17. النصوص، 18. العیون و المحاسن، 19. تزویج أمير المؤمنین علیه السلام بنته من عمر. ب - آثار نایابی که در منابع بعدی، از آنها نقل شده است: 20. كتاب کمال شهر رمضان، که در سده هفتم موجود بود و ابن طاووس از آن نقل کرده است. (2) 21. كتاب لمح البرهان، که به قرینه آنچه ابن طاووس در سده هفتم، از آن نقل کرده، در زمینه اعمال و دعاهاى پر فضیلت بوده است. (3) 22. كتاب مصابیح النور، که این نیز به قرینه موارد منقول، در زمینه دعا بوده است. (4)

- 
- 1- معالم العلماء، ص 147؛ میزان الاعتدال، ج 4، ص 30؛ الأمالی، مفید، ص 15 \_ 18، مقدّمه محقق.
  - 2- فلاح السائل، ص 12 \_ 13؛ الإقبال، ج 1، ص 53.
  - 3- الإقبال، ج 1، ص 33، 34.
  - 4- الإقبال، ج 1، ص 35؛ فلاح السائل، ص 183.

## 12. ابن عبدون (م 423 ق)

## اشاره

23. کتاب حدائق الرياض، که عنوان کامل آن، حدائق الرياض و زهرة المرتاض و نور المسترشد است و به قرینه موارد فراوانی که در سده هفتم از آن نقل شده، در باره «استحباب روزه در مواقع مختلف، به عنوان شکر خدا» بوده است. (1) ابن طاووس متذکر شده که نسخه ای اصلی و کهن از آن را که هنگام حیات مؤلف نگاشته شده، در اختیار دارد. (2) گویا این کتاب، در راستای موضوع کتاب مسأله الشیعة و بزرگ تر از آن بوده است. (3) 24. کتاب آی القرآن المُنزلة فی أمیر المؤمنین علیه السلام، در سده هفتم موجود بود. (4) 25. کتاب مولد النبی صلی الله علیه و آله و موالید الأوصیاء علیهم السلام، نیز در سده هفتم موجود بود. (5) ج \_ آثار چاپی: 26. الأملی، 27. الإرشاد، 28. الإختصاص، 29. مسأله الشیعة، 30. المزار، 31. الجمل، 32. المسأله الکافیة، 33. المتعة، 34. تصحیح الاعتقاد، 35. رساله حول خبر ماریة، 36. ایمان أبی طالب، 37. أقسام المولی فی اللسان، 39. رساله فی معنی المولی؛ 40. المقنعة.

12. ابن عبدون (م 423 ق) احمد بن عبد الواحد بن احمد، مکتباً به ابو عبد الله، ملقب به بزّاز و معروف به ابن عبدون و ابن حاشر؛ محدّث، ادیب و مورّخ. وی در مصادر، با عنوان احمد بن عبد الواحد (6) و ابن عبدون و ابن حاشر (7) یاد شده است. ابن عبدون، شیخ حدیث نجاشی (م 450 ق)، شیخ طوسی (م 460 ق) و ابن غضائری (م 413 ق) (8) و مهم ترین

1- الإقبال، ج 2، ص 21، ص 378، ص 379؛ ج 3، ص 42، ص 44.

2- الإقبال، ج 2، ص 21.

3- کتاب خانه ابن طاووس، ص 283.

4- سعد السعود، ص 11، ص 116.

5- فرج المهموم، ص 224.

6- رجال النجاشی، ص 12 \_ 13، ص 18.

7- رجال الطوسی، ص 413 \_ 414؛ الفهرست، طوسی، ص 67، ص 35 \_ 36، ص 163.

8- رجال النجاشی، ص 87، 259؛ رجال الطوسی، همان جا.

## تألیفات

## 13. ابن نوح سیرافی (م، ربع اول سده پنجم)

## اشاره

طریق آنها در کتاب های رجال و فهرستشان بود. علی بن محمد قرشی، (1) ابو طالب انباری، (2) علی بن حبشی (3) و ابن جعابی، (4) برخی از مشایخ وی بوده اند. به قرینه وفات او در سال 423 ق، (5) و دیدار وی با ابو الحسن علی بن محمد قرشی و استماع حدیث از او در سال 348 ق (6) می توان حدس زد که وی بیش از نود سال عمر کرده است. ابن عبدون را «کثیر الشیخ»، «کثیر الروایه» و «رفیع المنزله» وصف کرده اند. (7)

تألیفاتش کتاب به ابن عبدون نسبت داده اند که همگی نایاب اند: 1. أخبار السید بن محمد، 2. التاریخ، 3. تفسیر خطبة فاطمة علیها السلام، 4. عمل الجمعة، 5. الحدیثین المختلفین، 6. الفهرست. (8)

13. ابن نوح سیرافی (م، ربع اول سده پنجم) احمد بن علی بن عباس نوح سیرافی، مکننا به ابو العباس و معروف به ابن نوح سیرافی؛ محدث، فقیه و رجالی. نام پدر وی به اختلاف، علی (9) و محمد (10) آمده است. ابن نوح در بصره ساکن بود (11) و از همین رو، شیخ طوسی او را دیدار نکرد. (12) وی

1- رجال النجاشی، ص 12، 13، 18؛ الفهرست، طوسی، ص 38، 44.

2- رجال النجاشی، ص 62، 66؛ الفهرست، طوسی، ص 39، 43.

3- رجال النجاشی، ص 20، 23، 24.

4- الفهرست، طوسی، ص 185.

5- رجال الطوسی، ص 414.

6- رجال النجاشی، ص 12، 87.

7- رجال النجاشی، ص 87.

8- رجال النجاشی، ص 12؛ الفهرست، طوسی، ص 37.

9- رجال النجاشی، ص 86، 59.

10- رجال الطوسی، ص 417؛ الفهرست، طوسی، ص 84.

11- رجال النجاشی، ص 86؛ الفهرست، طوسی، همان جا.

12- الفهرست، طوسی، همان جا.

## تألیفات

شیخ حدیث نجاشی و برخی از مشایخ او بود. نجاشی به گونه شفاهی و حضوری (1) و گاه از طریق مکاتبه، (2) از وی نقل کرده است. سال وفات ابن نوح سیرافی معلوم نیست؛ ولی به قرینه روایت او از احمد بن محمد بن یحیی عطار (3)، و این که وی شیخ مشایخ نجاشی بوده (4) و در سال 342 ق، نیز از احمد بن حمدان قزوینی، سماع حدیث شنیده، (5) این حدس قوی می نماید که وی در ربع اول سده پنجم، در گذشته باشد. وی را فرزانه ای وارسته و درستکار دانسته اند که افزون بر فقه، در روایت نیز بصیر و قابل اعتماد بود. (6) با این حال، گویا معتقد به رؤیت خدا بوده است، که البته رأیی فاسد شناخته می شود. (7)

تألیفات ابن نوح سیرافی، پرتألیف بود 8 و از ظاهر عناوین آثارش، زمینه آنها فقه، رجال و اخبار شناخته می شود: 1. الرجال الذین رَوَوْا عن أبي عبد الله عليه السلام؛ مشتمل بر روایانی که در رجال ابن عقده، ذکر نشده بودند. 2. المصابیح فی ذکر من روى عن الأئمة عليهم السلام؛ کتابی مانند کتاب المصابیح شیخ صدوق بوده که هر مصباح آن، به یک امام اختصاص داشته است. 3. القاضی بین الحدیثین المختلفین، 4. أخبار الوكلاء الأربعة یا أخبار الأبواب،

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 91.
  - 2- همان، ص 59.
  - 3- رجال النجاشی، ص 59.
  - 4- رجال الطوسی، ص 413.
  - 5- رجال النجاشی، ص 86؛ الفهرست، طوسی، ص 84؛ معالم العلماء، ص 58؛ خلاصة الأقوال، ص 68.
  - 6- الفهرست، طوسی، همان جا؛ معالم العلماء، همان جا؛ خلاصة الاقوال، همان جا.
  - 7- رجال النجاشی، ص 86.

## اشاره

5. التعقیب و التعفیر. دیگر کتاب های او که عنوانشان ذکر نشده است، فقهی بوده اند که وی براساس اصول نوشته بوده، اقوال اختلافی را نیز در آنها مطرح کرده بوده است. (1) این کتاب های همگی در زمان شیخ طوسی، نایاب بوده اند و همچنان نایاب اند.

14. سید مرتضی علم الهدی (م 436 ق) علی بن حسین بن موسی بن محمد بن ابراهیم، مکنّا به ابو القاسم و معروف به مرتضی علم الهدی؛ محدث، متکلم، فقیه، اصولی و شاعر. سید مرتضی، برادر سید رضی (2) است. وی در حسب و نسب، نامور بود و ریشه در خانواده ای فرزانه و وارسته داشت. پدر او، هم در میان شیعیان و هم نزد خلفای عباسی و دولت مردان آل بویه، شریف و محترم بود. (3) مصادر شیعه و اهل سنت، بر فرزاندگی و وارستگی سید مرتضی اتفاق نظر دارند. وی افزون بر دانش های اسلامی که در برخی از آنها سرآمد و یگانه روزگار شناخته می شد، (4) در شعر و ادب نیز تبهر داشت. (5) برخی از مشایخ حدیث او عبارت اند از: سهل بن احمد دیباجی، ابو عبد الله مرزبانی، ابو الحسن جندی، هارون بن موسی و محمد بن هارون تلعبری، و حسین بن علی بن بابویه. (6) شیخ طوسی و نجاشی نیز از وی روایت کردند. (7) او در 81 سالگی، در ربیع اول سال 436 ق، در گذشت. (8)

- 
- 1- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص 417؛ معالم العلماء، ص 58.
  - 2- معرّفی او به شماره 60 گذشت.
  - 3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 217\_ 219؛ الامالی، سید مرتضی، ص 4\_ 5، مقدمه محقق .
  - 4- رجال النجاشی، ص 270؛ رجال الطوسی، ص 434؛ الفهرست، طوسی، ص 164.
  - 5- رجال النجاشی، همان جا؛ رجال الطوسی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ تاریخ بغداد، ج 11، ص 401.
  - 6- تاریخ بغداد، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.
  - 7- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا؛ تاریخ بغداد، همان جا.
  - 8- تاریخ بغداد، همان جا؛ رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، همان جا.



## تألیفات

## 15. ابن حمّامی (ابن اشناس) بَرّاز (م 439 ق)

## اشاره

تألیفات در مصادر، بیش از هفتاد کتاب به سید مرتضی نسبت داده شده است. به قرینه ظاهر عناوین و مواردی که امروزه در دسترس اند، آثار وی در زمینه کلام، فقه، اصول، شعر و تفسیر بوده است. سید مرتضی کتاب حدیثی تألیف نکرد؛ ولی برخی از تألیفات او، جداگانه و یا در لابه لای دیگر مباحث، شایسته ارزیابی از جنبه فقه الحدیث و نقد الحدیث هستند، مانند: 1. الغرر والدرر یا همان الأمالی - که به چاپ رسیده - و 2. رساله فی تزویج امیر المؤمنین علیه السلام ابنته من عمر بن خطّاب.

15. ابن حمّامی (ابن اشناس) بَرّاز (م 439 ق) حسن بن محمّد بن اسماعیل بن محمّد بن اشناس، مکنّا به ابوعلی و معروف به ابن حمّامی بَرّاز و ابن اشناس بَرّاز؛ محدّث و متکلم. نام پدر ابن اشناس، محمّد (1) و گاه علی (2) ذکر شده است. وی در محله کرخ بغداد، ساکن بود و هم در آن جا به سال 439 ق، در گذشت. (3) اگرچه شرح حال و اعتبار او در حدیث، در مصادر امامی پیش از سده یازدهم نیامده است؛ بنا به قرائنی چند، می توان گفت که وی فرهیخته و وارسته و قابل اعتماد بوده است: یکی این که خطیب بغدادی (م 456 ق) گفته: «کان رافضیا خبیث المذهب»، (4) دیگری ذکر وی در شمار مصنّفان امامیه (5) و توصیف او به صحیح الإسناد (6) و نیز اعتماد ابن ادریس حلّی (م 589 ق) بر دست خطّ او. 7 ابن اشناس از

- 
- 1- تاریخ بغداد، ج 7، ص 438؛ الإقبال، ج 2، ص 34؛ لسان المیزان، ج 2، ص 254؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 521؛ معجم رجال الحدیث، ج 6، ص 121.
  - 2- أمل الآمل، ج 2، ص 69.
  - 3- تاریخ بغداد، همان جا.
  - 4- الإقبال، ج 2، ص 35.
  - 5- همان، ص 310.
  - 6- السرائر، ج 3، ص 289؛ أمل الآمل، ج 2، ص 69.

## تألیفات

## 16. ابو الفرج (کاتب) قنایی (م 450 ق)

## اشاره

مشایخ حدیث شیعه و اهل سنت، حدیث شنید. (1) ابن ابی ثلج، ابو الفتح براس، احمد بن محمد، حسین بن احمد بن مغیره ثلاج، ابن عیاش جوهری و ابو مفضل شیبانی، برخی از مشایخ حدیث شیعی او بودند. (2)

تالیفاتچهار کتاب در زمینه فقه، کلام و فضایل اعمال و ماه ها، به ابن شناس نسبت داده شده است: 1. الکفایة فی العبادات، 2. الاعتقادات، 3. الردّ علی الزیدیه، 4. عمل ذی الحجّة. (3) تنها اثر نایاب او که در منابع بعدی انعکاس یافته، همین کتاب عمل ذی الحجّة است که ابن طاووس (م 662 ق) نسخه ای از آن را، نوشته شده به خطّ مؤلّف در سال 437 ق، در اختیار داشته است. (4) وی از این کتاب، روایات بسیاری را گاه با اسناد کامل و گاه بدون ذکر اسناد، نقل کرده است. (5) شیخ حرّ عاملی (م 1106 ق) و محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) نیز با واسطه اقبال الأعمال، از آن نقل کرده اند. (6)

16. ابو الفرج کاتب قنایی (م 450 ق) محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قرّه، مکنّا به ابو الفرج و معروف به کاتب قنایی و ابو الفرج قنایی؛ محدّث و رجالی. ابو الفرج قنایی، هم شاگردی و شیخ اجازه نجاشی بود. (7) وی شایسته اعتماد، کثیر الروایه و کاتب کتب اصحاب بود. (8) محمد بن عبدالله (9) و ابو المفضل شیبانی، (10) از مشایخ حدیث ابو الفرج قنایی بودند. در مصادر

- 1- .أمل الآمل، همان جا؛ الإقبال، ج 2، ص 43؛ تهذیب المقال، ج 2، ص 351.
- 2- .الإقبال، ج 2، ص 35، 37، 38، 48، 55، 310.
- 3- .الإقبال، ج 2، ص 34؛ امل الآمل، همان جا؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 312.
- 4- .الإقبال، ج 2، ص 34 \_ 35.
- 5- .الإقبال، همان جا.
- 6- .وسائل الشیعة، ج 20، ص 48؛ بحار الأنوار، ج 35، ص 287، 290.
- 7- .رجال النجاشی، ص 398.
- 8- .رجال النجاشی، همان جا.
- 9- .رجال النجاشی، ص 104، 158.
- 10- .همان، ص 379.

## تألیفات

## 17. طرازی (م، نیمه نخست سده پنجم)

## اشاره

اولیه، تنها نجاشی به شرح حال کوتاه او پرداخته است. به قرینه معاصرت با نجاشی و نیز نقل حدیث از ابوالمفضل شیبانی (م 387ق)، وی در حدود سال 450ق، در گذشته است.

تألیفات چهار کتاب به ابو الفرج قنایی نسبت داده شده است: 1. معجم رجال ابي المفضل الشیبانی، 2. عمل يوم الجمعة، 3. عمل الشهور، 4. التهجد، 5. المزار (لباب المسرة). (1) کتاب المزار یا لباب المسرة \_ که گویا کتابی بزرگ بوده \_، تحت عنوان «لباب»، بخش بندی شده بود و در سده هفتم در دسترس ابن طاووس قرار داشت. او از «لباب المسرة»ی آن، روایاتی را نقل کرد که موضوعشان زیارت روز غدیر (2) و سه زیارت برای امام زین العابدین علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام هادی علیه السلام است. (3) سید عبد الکریم بن طاووس (م 693ق) روایت اخیر را از سید رضی بن طاووس عموی خود، نقل کرده است. (4) ابن طاووس به داشتن نسخ های از این کتاب، تصریح نکرده؛ ولی به قرینه نقل چند باره از آن، این کتاب را در اختیار داشته است.

17. طرازی (م، نیمه نخست سده پنجم) محمد بن علی بن محمد بن احمد بن عثمان بن احمد، معروف به طرازی؛ محدث. در مصادر رجالی و کتاب شناسی، شرح حال او ذکر نشده است. ابن طاووس (م 662ق) بدون اشاره به اصل و نسب و نسبت و حتی طبقه او، از وی نام برده است. پدر و جد طرازی، از مشایخ حدیث بودند و در نیشابور سکونت داشتند. (5)

1- رجال النجاشی، ص 398؛ الإقبال، ج 2، ص 273.

2- الإقبال، ج 2، ص 273، 275.

3- همان، ج 2، ص 271.

4- فرحة الغری، ص 79.

5- تاریخ بغداد، ج 1، ص 9؛ شذرات الذهب، ج 2، ص 225.

## تألیف

پدر طرازی \_ که به «ابو الحسن بغدادی» سپس نیشابوری» یاد شده \_ (1) از مشایخ خطیب بغدادی بود. گویا خطیب در نیشابور، از او حدیث شنیده است. (2) با نظر به اسانید روایاتی که ابن طاووس از وی نقل کرده، معلوم می شود که طرازی، معاصر نجاشی بوده و از برخی از مشایخ او \_ مانند: ابن نوح سیرافی (3) و محمد بن هارون تلعبری (4) \_ حدیث شنیده است؛ و همچنین، از کسانی که نجاشی آنها را درك کرده، ولی از آنها حدیث نشنیده بود، مانند: ابو الفرج محمد بن موسی کاتب قزوینی، (5) ابن عیاش جوهری، (6) ابو محمد عبد الله بن حسین بن یعقوب فارسی (7) و ابو المفضل شیبانی. (8) به قرینه نقل وی از مشایخ بغدادی و تصریح به اخذ حدیث از ابو المفضل شیبانی در بغداد، (9) و نیز به قرینه وفات پدر او در سال 391 ق، (10) معلوم می شود که طرازی در بغداد سکونت داشته و گویا در نیمه نخست سده پنجم درگذشته است.

تألیفاتها يك کتاب به طرازی نسبت داده شده است. ابن طاووس (م 662 ق) از نام این کتاب، یاد نکرده است؛ ولی به قرینه اشاره او به دعا و زیارت و نقل آنها از کتاب طرازی، (11) دانسته می شود که کتاب او در موضوع دعا و زیارت بوده است. ابن

- 
- 1- شذرات الذهب، همان جا.
  - 2- تاریخ بغداد، ج 3، ص 444؛ ج 5، ص 208؛ ج 11، ص 269.
  - 3- الإقبال، ج 3، ص 273.
  - 4- همان، ج 3، ص 347.
  - 5- همان، ج 3، ص 210.
  - 6- همان، ج 3، ص 209.
  - 7- همان، ج 3، ص 232.
  - 8- همان، ج 3، ص 266.
  - 9- الإقبال، ج 3، ص 266.
  - 10- شذرات الذهب، ج 2، ص 225.
  - 11- الإقبال، ج 1، ص 366؛ ج 2، ص 70، 264، 276، 279؛ ج 9، ص 320.

**18. ابو الفرج حمدانی (م، حدود 460 ق)****تألیفات****19. عبد الوهّاب شعرانی (م، پس از 448 ق)****اشاره**

طاووس بارها بر نقل روایت از کتابی نوشته طرازی و با خطّ او، تصریح کرده است. (1) این کتاب با واسطه اقبال الأعمال، از مصادر بحار الأنوار (2) و وسائل الشیعة (3) است.

18. ابو الفرج حمدانی (م، حدود 460 ق) مظفر بن علی بن حسین حمدانی، مکنّا به ابو الفرج؛ محدّث و متکلم. در نسب او، حمدانی (با یای نسبت) (4) و حمدان (به صورت اسم)، هر دو آمده است. (5) ابو الفرج حمدانی شایسته اعتماد، دیندار و سرشناس بود و در زمره سفرای امام زمان شناخته می شد. (6) وی به قرینه مشایخ بغدادی اش \_ همچون: شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی \_، ساکن بغداد بوده و سال وفات او نیز به احتمال، پس از درگذشت شیخ طوسی است.

تألیفات پنج کتاب به ابو الفرج حمدانی نسبت داده شده که همگی نایاب اند: 1. الغیبة، 2. السنة، 3. الزاهر فی الأخبار، 4. المنهاج، 5. الفرائض.

19. عبد الوهّاب شعرانی (م پس از 448 ق) حسین بن عبد الوهّاب شعرانی؛ محدّث، متکلم، فقیه و شاعر. در مصادر رجالی و کتاب شناسی پیش از سده یازدهم، نام وی نیامده است. به گفته افندی اصفهانی که \_ گویا برای نخستین بار \_ در سده دوازدهم به معرفی وی پرداخته، حسین بن عبد الوهّاب، عالمی بزرگ و توانا در حدیث شناسی و نقد اخبار بوده است. (7)

1- الإقبال، ج 3، ص 299، 347.

2- بحار الأنوار، ج 95، ص 157، 298، 300، 302، 389، 390، 411؛ ج 98، ص 342؛ ج 99، ص 213.

3- وسائل الشیعة، ج 5، ص 175؛ ج 7، ص 327؛ ج 20، ص 48.

4- فهرست منتجب الدین، ص 101.

5- بحار الأنوار، ج 1، ص 15.

6- فهرست منتجب الدین، همان جا؛ أمل الآمل، ج 2، ص 323.

7- ریاض العلماء، ج 2، ص 123 \_ 124.

## تألیفات

## 20. نجاشی (م 450 \_ 463 ق)

## اشاره

حسین بن عبد الوهّاب، معاصر سیّد مرتضی، سیّد رضی و شیخ طوسی بود و همانند آنها از مشایخی چون ابو التحف مصری (در سال 415 ق) و هارون بن موسی تلکبری (با يك واسطه)، روایت کرده است. (1) چندی از دیگر مشایخ او را می توان ابن عیّاش جوهری، ابو علی بن هشام و محمّد بن علی بن ابراهیم (2) نام برد. وی پس از سال 448 ق، از دنیا رفته است. (3)

تألیفاتسه کتاب به عبد الوهّاب شعرانی نسبت داده شده است: 1. الهدایة إلى الحقّ، 2. البیان فی وجوه الحق فی الإمامة، و 3. عیون المعجزات. (4) تنها اثر چاپی وی، عیون المعجزات است و دو کتاب دیگر، نایاب اند.

20. نجاشی (م 450 \_ 463 ق) احمد بن علی بن احمد بن عبّاس بن محمّد بن عبد الله بن ابراهیم بن محمّد بن عبد الله بن نجاشی، مکتباً به ابو العباس (5) \_ و به قولی، ابو الحسین \_ (6)، معروف به نجاشی؛ محدّث و رجالی. او اهل کوفه و از خانواده ای سرشناس بود (7) و بعدها در بغداد سکونت گزید. مشایخ وی، به استناد کتاب الرجال او، 31 نفر بوده اند که معروف ترینشان را می توان چنین نام برد: شیخ مفید، حسین بن عبید الله غضائری، احمد بن حسین غضائری، ابن عبدون، ابن نوح سیرافی، ابو الحسن جندی و ابن

1- الذریعة، ج 15، ص 383 \_ 385؛ عیون المعجزات، ص 3، مقدّمه محقّق.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 11؛ الذریعة، همان جا.

3- ریاض العلماء، همان جا.

4- ریاض العلماء، همان جا.

5- خلاصة الأقوال، ص 72؛ الرواشح السماویة، ص 67.

6- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 30 \_ 31.

7- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 50.

ابی قره قُتّایی. (1) برخی معتقدند که نجاشی همه مشایخ بدون واسطه خود را توثیق کرده است. (2) سال وفات او 450 ق، (3) و پس از 463 ق بوده است؛ چراکه الرجال خود، هنگام معرفی ابو یعلی، محمد بن حسن بن حمزه جعفری، متذکر می شود که «وی در شانزدهم رمضان 463 ق، وفات کرد». (4) نجاشی رجال شناسی زبردست بود و در نقد رجال، تسلط و آگاهی بسیار داشت. وی از معدود عالمان امامی ای است که همگان بر فرزاندگی و وارستگی شان اتفاق دارند. (5) برخی از رجال شناسان، آرای نجاشی را در جرح و تعدیل راویان، مقدم بر آرای شیخ طوسی می دانند. (6) محقق حلی، گویا علامه حلی، شهید ثانی و فرزندش محمد حسن صاحب معالم، (7) میرزا محمد استرآبادی (8) و سید بحر العلوم، 9 همین نظر را دارند. این گروه به شش نکته استدلال کرده اند: 1. نجاشی از آرای شیخ طوسی در دو کتاب رجال و فهرست، آگاه بود و افزون بر آنها، آگاهی های دیگری نیز داشت. 2. نجاشی همه توان و عمر خود را در راه علم رجال، به کار بست و در این علم، به مرحله تخصص رسید؛ در حالی که شیخ طوسی، در علوم مختلف وارد شد و توان و هوش و استعداد خود را در میان آنها توزیع کرد. 3. نجاشی در علم انساب و آثار، و اخبار قبایل و شهرها نیز خبره بود و معلوم

1- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 50 \_ 75.

2- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 158؛ مشایخ الثقات، ص 117؛ قواعد الحدیث، ص 184.

3- خلاصة الأقوال، همان جا.

4- رجال النجاشی، ص 404.

5- خلاصة الأقوال، همان جا؛ رجال ابن داوود، ص 25، 40؛ التحریر الطاووسی، ص 5.

6- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 44 \_ 50.

7- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 46.

8- منهج المقال، ص 174.

## تألیفات

## 21. شیخ طوسی (385\_ 460 ق)

## اشاره

است که عالم رجالی، هر چه بیشتر به این مسائل نیز آگاهی و شناخت داشته باشد، اظهار نظرش به واقع نزدیک تر خواهد بود. 4. از یک سو، نجاشی اهل کوفه و از خانواده ای بود که از بیوت معروف، به شمار می آمدند و از دیگر سو، اکثر راویان ائمه علیهم السلام نیز اهل کوفه یا اطراف آن بوده اند. طبیعی است که نجاشی به احوال همشهری های خود، آگاه تر از دیگران باشد. 5. نجاشی از اسانید مسلم و خبره علم رجال، مانند احمد بن حسین غضائری، فراوان استفاده کرد؛ در حالی که برای شیخ طوسی، این امکان فراهم نبود. 6. نجاشی بسیاری از مشایخ آگاه به رجال را درک کرد و یا طرق بسیاری به هر یک از آنها داشت. از آن جمله اند: ابن نوح سیرافی، ابو الحسن جندی، ابو الفرج بن ابی قره قنایی. (1)

تألیفات آثار نایاب نجاشی عبارت اند از: 1. الجمعة و ما ورد فيه من الأعمال، 2. الكوفة و ما فيها من الآثار و الفضائل، 3. أنساب بنی نصر بن قعین و آیامهم و أشعارهم، 4. مختصر الأنوار و مواضع النجوم التي سمّتها العرب. (2) تنها اثر چاپی: 5. رجال النجاشی.

21. شیخ طوسی (385\_ 460 ق) محمد بن حسن بن علی، مکنّا به ابو جعفر و معروف به شیخ طوسی و شیخ الطائفة؛ محدّث، فقیه، اصولی، متکلم، مفسّر و رجالی. شیخ طوسی در توس زاده شد و در سال 458 (3) یا 460 ق، در نجف درگذشت. (4) وی در سال 408 از توس به بغداد هجرت

1- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 46\_ 50.

2- رجال النجاشی، ص 101.

3- معالم العلماء، ص 149\_ 150.

4- خلاصة الأقوال، ص 249؛ الفوائد الرجالية، ج 2، ص 238.



## تألیفات

کرد و تا سال 458 در آن جا بود. اوج گرفتن درگیری های مذهبی در بغداد، به آتش کشیدن کتاب خانه و محلّ تدریس او در محلّه کرخ را در پی داشت و وی ناگزیر، به نجف رفت. (1) شیخ طوسی، فرزانه ای وارسته بود (2) و به جهت گستردگی حوزه های دانش و عمق علمی اش و نیز تأثیر فراوانی که در دانش های شیعی نهاد، «شیخ الطائفة علی الاطلاق» لقب گرفت. (3) معروف ترین مشایخ حدیثی او را می توان چنین نام برد: شیخ مفید، سیّد مرتضی، حسین بن عبید الله غضائری، ابو الحسن جندی، ابن عبدون، ابن صلت و ابن ابی جید.

تألیفات شیخ طوسی در زمینه های گوناگونی چون فقه، اصول، کلام، ادب، تفسیر، اخبار و رجال، ده ها کتاب تألیف کرد. (4) آثار چاپی: 1 . تهذیب الأحكام، 2 . الاستبصار، 3 . الرجال، 4 . الفهرست، 5 . مصباح المتهدّج، 6 . الغیبة، 7 . اختیار معرفة الرجال، 8 . المجالس فی الأخبار که به الأمالی نیز معروف است . آثار نایاب: 9 . مقتل الحسين علیه السلام، 10 . أخبار مختار، 11 . هدایة المسترشّد. اثر نایابی که در منابع متأخّر، انعکاس یافته است: 12 . هدایة المسترشّد و بصیرة المتعبّد. این کتاب که در زمینه دعا و عبادت است، در اختیار ابن طاووس بوده و وی از آن با عنوان هدایة المسترشّد نقل کرده است. (5) اثر خطّی: کتاب 13 . مختصر المصباح. نسه خطّی این کتاب متعلّق به سال 715 ق، در چندین کتاب خانه در ایران و عراق موجود است. (6) این کتاب که المصباح الصغیر نیز

- 
- 1- . خلاصة الأقوال، همان جا؛ الفوائد الرجالية، همان جا؛ النهاية، ص 6\_7 ، مقدّمه آقا بزرگ .
  - 2- . نجاشی، ص 403.
  - 3- . خلاصة الأقوال، همان جا؛ رجال ابن داوود، ص 169؛ الفوائد الرجالية، ج 3، ص 227.
  - 4- . رجال النجاشی، ص 403؛ الفهرست ، طوسی، ص 240\_242؛ معالم العلماء، همان جا.
  - 5- . فتح الأبواب، ص 177، 242.
  - 6- . الذريعة، ج 8، ص 177؛ ج 20، ص 209؛ فهرس التراث، ج 1، ص 532.

## 22. ابو الحسن صهرشتی (م حدود 442 ق)

## اشاره

نامیده می شود، یکی از مصادر بحار الأنوار است. (1) ابو الحسن علی بن عبد الکریم نجفی، صاحب کتاب الأنوار المضيئة نیز شرحی با عنوان ایضاح المصباح لأهل الصلاح، بر آن نگاشت. (2)

22. ابو الحسن صهرشتی (م حدود 442 ق) سلیمان بن حسن بن سلمان صهرشتی، مکتنا به ابو الحسن و معروف به ابو الحسن صهرشتی؛ محدث، فقیه و متکلم. نام ابو الحسن صهرشتی به اختلاف، سلیمان (3) و سلمان، (4) نام پدرش سلمان (5) و حسین، (6) و نام جد او نیز سلمان (7) و محمد (8) ذکر شده است. این اسامی را برخی از آن دو نفر (9) و گروهی مربوط به یک نفر دانسته اند. (10) ابو الحسن صهرشتی مردی دانشور، فقیه، دیندار و شایسته اعتماد بود. (11) مشایخ او عبارت اند از: سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ مفید، ابو یعلی محمد ابن حسن بن حمزه جعفری، ابو الحسین احمد بن علی کوفی نجاشی، ابو الفرج مظفر بن علی بن حمدان قزوینی، ابو المفصل شیبانی، ابو عبد الله حسین بن حسن بن بابویه، برادر زاده شیخ صدوق معروف به حسکا، و ابو الحسن محمد بن حسین فتال. (12) سال

- 
- 1- بحار الأنوار، ج 1، ص 7، 47.
  - 2- خاتمة مستدرک، ج 3، ص 182.
  - 3- فهرست منتجب الدین، ص 67؛ معالم العلماء، ص 91.
  - 4- أمل الامل، ج 2، ص 128.
  - 5- فهرست منتجب الدین، همان جا؛ معالم العلماء، همان جا.
  - 6- أمل الامل، ج 2، ص 129.
  - 7- منتجب الدین، همان جا؛ أمل الامل، ج 2، ص 128 \_ 129.
  - 8- معالم العلماء، همان جا.
  - 9- أمل الامل، همان جا.
  - 10- الذریعة، ج 2، ص 119؛ أعیان الشیعة، ج 7، ص 296 \_ 297؛ معجم رجال الحدیث، ج 2، ص 188، 251.
  - 11- فهرست منتجب الدین، ص 67؛ أمل الامل، ج 2، ص 128؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 15.
  - 12- فهرست منتجب الدین، همان جا؛ الذریعة، همان جا؛ أعیان الشیعة، ج 7، ص 297؛ معجم رجال الحدیث، همان جا.

## تألیفات

## 23. کراچکی (379\_ 449 ق)

## اشاره

وفات صهرشتی، معلوم نیست؛ ولی به این قرینه که او در سال 442 ق، از نجاشی روایت نقل کرده، پس از این سال درگذشته است. (1)

تألیفات صهرشتی آثاری در زمینه فقه، کلام، دعا و زیارت تألیف کرد. 1. النفیس، 2. التنبیه (تنبیه الفقیه)، 3. النوادر، 4. المتعة، 5. مالا یسع (شرح مالایسع)، 6. عمدة الولی، 7. قیس المصباح، 8. إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، 9. التبیان فی عمل شهر رمضان، 10. نهج المسالك إلى معرفة المسالك، 11. شرح النهایة. (2) همه این آثار، نایاب اند. کتاب قیس المصباح، تلخیص کتاب مصباح المتهدج شیخ طوسی است. صهرشتی با حذف مطالب غیر دعایی آن، مطالبی را بر آن افزوده است. (3) این کتاب یکی از مصادر بحار الأنوار است. (4) محدث نوری آن را در اختیار نداشته و با واسطه بحار الأنوار، از آن نقل کرده است. (5)

23. کراچکی (379\_ 449 ق) محمّد بن علی بن عثمان، مکنّا به ابو الفتح و معروف به کراچکی؛ فقیه، محدث و متکلم. شاید «کراچک»، نام قریه ای باشد که گویا از توابع واسط عراق بوده است، (6) چنان که کراچکی نیز از فردی به نام ابو عبد الله حسین بن عبید الله بن علی واسطی، روایت نقل کرده است. (7) نیز ممکن است اشاره به نوعی پیشه و حرفه باشد.

- 
- 1- أعیان الشیعة، ج 3، ص 32.
  - 2- فهرست منتجب الدین، ص 67؛ معالم العلماء، همان جا؛ أمل الامل، همان جا؛ بحار الأنوار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 197؛ أعیان الشیعة، ج 7، ص 298؛ الذریعة، ج 2، ص 118\_ 119؛ ج 17، ص 30.
  - 3- خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا؛ الذریعة، ج 17، ص 30.
  - 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 15، 33؛ ج 2، ص 180؛ ج 53، ص 324؛ ج 19، ص 23، 32؛ ج 99، ص 6، 245، 254.
  - 5- مستدرک الوسائل، ج 6، ص 313؛ ج 3، ص 147، 179؛ فهرس التراث، ج 1، ص 524.
  - 6- الأنساب، ج 11، ص 58، رقم 3414؛ الکنی والألقاب، ج 3، ص 88؛ النابس، ص 177؛ تنقیح المقال، ج 3، ص 157.
  - 7- کنز الفوائد، ج 1، ص 174.

## تألیفات

به هر حال، زادگاه کراچکی معلوم نیست. (1) وی از شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، سلار بن عبد العزیز (م 448 ق) و ابن شاذان (م 420 ق)، (2) و نیز از برخی مشایخ اهل سنت، حدیث شنید. (3) بر پایه برخی گزارش ها، کراچکی در دهه دوم سده پنجم، به شهرهای مکه، (4) قاهره، صور، صیدا، طرابلس و رمله سفرکرد و در طرابلس، رحل اقامت افکند. (5) او سرانجام در سال 449 ق، در شهر صور درگذشت. (6) به قرینه سال وفات او و این که در سال 399 ق، از ابو الحسن علی بن احمد، لغوی معروف به ابن زکار، در میافارقین روایت کرده، (7) وی باید در حدود سال 379 ق، به دنیا آمده باشد. کراچکی در فقه، کلام و حدیث، دانشمندی گران مایه، متعهد، قابل اعتماد و از مشایخ دوازده گانه اجازه بود. (8) وی در علم لغت، نحو، نجوم، علم انساب و طب نیز صاحب نظر شناخته می شد. (9) گویا او نخستین عالم شیعی است که لقب «علّامه» گرفته است. (10)

تألیفاتیش از نود کتاب در زمینه فقه، کلام، اخلاق، ادب و مواعظ، نجوم، فهرست و دعا

- 
- 1- لسان المیزان، ج 5، ص 300، رقم 1016؛ شذرات الذهب، ج 3، ص 283؛ مرآة الجنان، ج 2، ص 70؛ معجم المؤلفین، ج 11، ص 27؛ أعیان الشیعه، ج 9، ص 400.
  - 2- فهرست منتجب الدین، ص 100؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا؛ الذریعة، همان جا.
  - 3- الاستنصار، ص 24.
  - 4- الاستنصار، ص 20.
  - 5- تراثنا، ج 43، ص 367\_404؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 127\_133.
  - 6- أمل الآمل، ج 2، ص 287؛ الذریعة، ج 2، ص 32؛ النابس، ص 177.
  - 7- کنز الفوائد، ج 1، ص 134.
  - 8- فهرست منتجب الدین، ص 100؛ أمل الآمل، ج 2، ص 287؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 35؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 126؛ النابس، ص 177.
  - 9- لسان المیزان، ج 5، ص 300.
  - 10- الدروس، ج 1، ص 152.

وزیارت، برای کراچکی ذکر شده است. (1) از آثار حدیثی نایابی که در منابع بعدی انعکاس یافته اند، می توان نام برد: 1. النصوص؛ این کتاب در مصادر نخستین، در شمار تألیفات کراچکی ذکر نشده است. در سده یازدهم برای بار نخست، محمّد باقر مجلسی آن را در شمار مصادر کتاب بحار الأنوار نام برده است. (2) به قرینه آن که وی از آن نقل نکرده، ممکن است مراد او از النصوص، کتاب الاستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار علیهم السلام باشد؛ چنان که آقا بزرگ تهرانی احتمال داده است. این احتمال، با ذکر جداگانه کتاب الاستنصار در شمار مصادر بحار الأنوار، منتفی است. 2. رسالة إلی ولده؛ این عنوان در مصادر ذکر نشده است. ابن طاووس آن را ذکر کرده و روایتی در فضیلت نماز ظهر در روز جمعه، از آن نقل کرده است. (3) این کتاب از مصادر باواسطه منابع حدیثی متأخر است. بر پایه آنچه در مصادر آمده، سه کتاب از آثار کراچکی، برای یکی از فرزندان مؤلف نوشته شده است: روضة العابدین، التعریف بحقوق الوالدین، التادیب. (4) معلوم نیست که مراد از رساله یاد شده، یکی از این سه کتاب است یا نوشته ای دیگر. 3. عمل یوم الجمعة؛ این عنوان در مصادر و فهرست آثار کراچکی، ذکر نشده است. ابن طاووس از آن نام برده و دعای شب جمعه را از آن نقل کرده است. (5) اثر خطّی: 4. روضة العابدین و نزهة الزاهدین؛ این کتاب از مصادر کتاب های البلد الامین و المصباح کفعمی (م 995 ق)، (6) وسائل الشیعة، (7) بحار الأنوار (8) و مستدرک

- 1- تراثنا، ش 44، ص 375 \_ 399.
- 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 18.
- 3- فلاح السائل، ص 89.
- 4- خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.
- 5- جمال الأسبوع، ص 201 \_ 207.
- 6- الذریعة، ج 11، ص 298.
- 7- وسائل الشیعة، ج 20، ص 48.
- 8- بحار الأنوار، ج 95، ص 1.

## 24. حَسْكَانِي (م 470 \_ 490 ق)

## اشاره

الوسائل (1) است. آثار چاپی: 5. الإستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار علیهم السلام، 6. التعریف بوجوب حقوق الوالدین، 7. فهرس کراچکی، 8. معدن الجواهر وریاضة الخواطر، 9. کنز الفوائد، 10. التعجب فی الإمامة، 11. التفضیل، 12. دلیل النص بنخب الغدیر.

24. حَسْكَانِي (م 470 \_ 490 ق) عبید اللّٰه بن عبد اللّٰه بن احمد بن محمّد بن حسکان نیشابوری، مکّنا به ابو القاسم و معروف به حسکانی (حَسْكَايِي) و ابن حدّاء؛ محدّث و متکلم. در مصادر امامی متقدّم، از حسکانی یاد نشده و در مصادر متأخّر نیز کوتاه، جزئی و در حدّ معرفی کتاب ها یا نقل از آنها، به وی پرداخته شده است. سال وفات او به اختلاف، پس از 490 ق، (2) و پس از 470 ق، (3) ذکر شده است. از آن جا که ذهبی (م 752 ق) پس از شرح حال حسکانی متذکّر می شود که درگذشت ابو سعد ابن حسکویه، تا سال 488 ق، به تأخیر افتاد، (4) چنین استنباط می شود که وفات ابن حسکویه پس از مرگ حسکانی، تا سال یاد شده به تأخیر افتاده است. به قرینه این عبارت، گویا عبارت «تسعین؛ نود»، «سبعین؛ هفتاد» بوده و نساخ دچار تصحیف شده اند. (5) بر این اساس، درگذشت و پس از 470 ق، بوده است. به هر حال، وی از افراد معمر بود که توجه و عنایت تام و تمامی به علم حدیث داشت و ضمن اتقان حدیث، عالی السند نیز بود. (6) حسکانی از جدّش احمد و حاکم نیشابوری (م 406 ق) و بسیاری دیگر از مشایخ اهل سنّت، حدیث شنید. (7) شاگرد معروف او که بیشترین روایت را از حسکانی دارد، عبد الغافر بن

1- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 215، 225؛ ج 8، ص 57.

2- تذکره الحفاظ، ج 3، ص 1200 \_ 1201.

3- سیر اعلام النبلاء، ج 18، ص 268.

4- تذکره الحفاظ، ج 3، ص 1201.

5- الذریعة، ج 4، ص 194.

6- تذکره الحفاظ، همان جا.

7- المنتخب من کتاب السیاق، ج 1، ص 324؛ تذکره الحفاظ، همان جا؛ سیر اعلام النبلاء، همان جا.

## مذهب حسکانی

## تألیفات

اسماعیل فارسی است. (1)

مذهب حسکانی مذهب حسکانی معلوم نیست. از صراحت و فحوای عبارات علمای رجال و حدیث و کتاب شناسی شیعه و اهل سنت، سه دیدگاه به دست می آید: یکم: سنتی حنفی. گویا دیدگاه غالب، همین است. دوم: شیعه امامی. اگرچه به امامی بودن او تصریح نشده، قرآینی بر آن وجود دارد، مانند: سکوت برخی از کتاب شناسان، که معمولاً در مقام بیان مذهب افرادی بوده اند که مذهبشان مورد اختلاف است (2) و نیز فحوای کلام افندی اصفهانی در ردّ قول ابن طاووس که حسکانی را اهل جمهور دانسته است. افندی تأکید می کند که تشیع حسکانی، در بین امامیه مسلم است. به گمان او، سید بن طاووس زعم اهل سنت را در باره حسکانی بیان کرده است. (3) سوم: تشیع به معنای عام. گویا ذهبی به این قول تمایل دارد. وی در این باره، به کتاب تصحیح خبر ردّ الشمس لعلی علیه السلام و ترغیم نواصب الشمس حسکانی استناد کرده است. (4)

تألیفات به هر حال، حسکانی در فضائل؛ بویژه فضایل امام علی علیه السلام، کتاب هایی تألیف کرد که همگی نایاب اند: 1. خصائص علی بن ابی طالب فی القرآن، 2. مسألة فی تصحیح ردّ الشمس و ترغیم نواصب الشمس، 3. قمع النواصب، 4. طیب الفطرة فی حبّ العترة، (5) 5. کتاب

1- همان جا.

2- معالم العلماء، ص 113؛ أمل الآمل، ج 2، ص 167؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 23؛ الذریعة، همان جا.

3- ریاض العلماء، ج 3، ص 256\_257، 296\_300.

4- تذکرة الحفاظ، همان جا.

5- معالم العلماء، همان جا؛ تذکرة الحفاظ، همان جا؛ أمل الآمل، همان جا؛ بحار الأنوار، همان جا؛ ریاض العلماء، همان جا؛ تراثنا، ش 16، ص 12؛ ش 18، ص 94.

## 25. فتال نیشابوری (م 508 ق)

## اشاره

الهداة إلى أداء حق الموالاة؛ این کتاب که دارای ده جزء و مشتمل بر اسانید حدیث غدیر است، (1) در اختیار ابن طاووس بوده و وی دو حدیث در وصف غدیر، از آن نقل کرده است. (2) آثار چاپی: 6. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، 7. رسالة فی فضائل شهر رجب.

25. فتال نیشابوری (م 508 ق) محمد بن حسن بن علی بن احمد بن علی، مکننا به ابو علی و معروف به فتال نیشابوری و ابن فارسی؛ محدث، متکلم و فقیه. او را به جهت اختلاف در نام پدرش، محمد بن حسن، (3) محمد بن علی (4) و محمد بن احمد (5) معرفی کرده اند. در برخی مصادر، محمد بن علی و محمد بن احمد، دو نفر تلقی شده اند. (6) و در برخی دیگر، محمد بن احمد و محمد بن حسن را دو نفر نگاشته اند. (7) از دیگر سو، برخی نیز بر یگانگی هر سه نام یاد شده، نظر داده اند. (8) به هر حال، فتال نیشابوری شایسته اعتماد و فرزانه بود. وی از مشایخی چون سید مرتضی، شیخ طوسی و پدرش حسن بن علی، حدیث شنید. (9) محمد علی بن شهر آشوب (م 588 ق) و علی بن حسن بن عبد الله نیشابوری نیز از او روایت کرده اند. (10) به قرینه استماع از سید مرتضی، وی دست کم

- 
- 1- شواهد التنزیل، ج 1، ص 190؛ الإقبال، ج 2، ص 239، 251.
  - 2- الإقبال، همان جا.
  - 3- معالم العلماء، ص 151.
  - 4- فهرست منتجب الدین، ص 108.
  - 5- رجال ابن داوود، ص 163؛ لسان المیزان، ج 5، ص 44؛ أمل الآمل، ج 2، ص 242؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7.
  - 6- فهرست منتجب الدین، ص 108، 126.
  - 7- أمل الآمل، ج 2، ص 242، 260.
  - 8- بحار الأنوار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 23، ص 264؛ ج 3، ص 98.
  - 9- رجال ابن داوود، همان جا؛ لسان المیزان، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 98.
  - 10- روضة الواعظین، ص 11، مقدمه محقق.



## تألیفات

پیش از سال 436 ق، سال درگذشت سید مرتضی، در عراق بوده است. نیز به قرینه آن که ابن شهر آشوب \_ که از وی روایت کرده \_ در سال 489 ق، زاده شده، می توان حدس زد که او در دهه اول سده ششم در گذشته است. (1) بر پایه برخی گزارش ها، حاکم نیشابور، فتال نیشابوری را به سبب گرایش وی به تشیع امامی، به شهادت رساند. (2)

تألیفات در مصادر، دو کتاب به فتال نیشابوری نسبت داده شده است: 1. التئویر فی معانی التفسیر، که نایاب است؛ 2. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، معروف به روضة الواعظین، که چاپ شده است.

---

1- لسان المیزان، همان جا.

2- رجال ابن داوود، همان جا.



## فصل چهارم : متون حدیثی چند زمینه ای

## 1. الکافی

## اشاره

فصل چهارم : متون حدیثی چند زمینه ای منظور از متون چند زمینه ای، کتاب هایی است که به بیش از يك دانش از دانش های دینی پرداخته اند. در این فصل، به آن دسته از متون حدیثی تألیف شده در سده های چهارم و پنجم می پردازیم که اختصاص به احادیث يك رشته خاص \_ چون: فقه، طب یا کلام \_ ندارند و شامل احادیثی در دو یا چند زمینه اند.

1. الکافی مؤلف: ثقة الاسلام کلینی رازی (م 329 ق) تحقیق و تعلیق: علی اکبر غفاری، با مقدمه دکتر حسین علی محفوظ ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران؛ جلد اول، چاپ پنجم، 1363 ش؛ جلد دوم، چاپ چهارم، 1365 ش؛ جلد سوم تا هفتم، چاپ سوم، 1367 ش؛ و جلد هشتم، چاپ دوم، 1348 ش. در تصحیح کتاب، از هفت نسخه خطی استفاده شده است که در سده یازدهم کتابت شده اند، به علاوه چندین نسخه چاپی متعلق به اوایل سده چهاردهم. برخی از این نسخه های خطی، توسط محمد باقر مجلسی، ملا صالح مازندرانی و ملا خلیل قزوینی، تصحیح شده اند و یکی نیز با خط شیخ حر عاملی است. (1) در مجموع، بیش از 150 نسخه خطی از همه کتاب الکافی یا بخش هایی از آن، در

کتاب خانه مرکزی آستان قدس وجود دارد که معمولاً تاریخ کتابت دارند. نیز هفت نسخه خطی از آن، در کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی نگهداری می شود که کهن ترین آنها (با شماره 13800)، به سده هفتم تعلق دارد و در سال 675 ق، استنساخ شده است. (1) الکافی، هم به گونه کامل و هم جداگانه در بخش های اصول، فروع و روضه، نزدیک به سی بار چاپ سنگی و حروفی شده است. کهن ترین چاپ الکافی که سنگی است و به بخش اصول آن اختصاص دارد، در سال 1278 \_ 1288 ق، در شیراز و تهران چاپ شده است. (2) در مصادر، نام این کتاب، الکافی ذکر شده است که شاید با الهام از این عبارت کلینی انتخاب شده باشد که در مقدمه کتاب می گوید: «إنك تحب أن يكون عندك كتاب كاف...». (3) موضوع کتاب، گستره فراخ علم دین، در ساحت نظر و عمل است. عناوین بخش ها یا همان کتاب های الکافی نیز، این گستره را نشان می دهند. کلینی، خود در وصف الکافی چنین گفته است: کتاب کافٍ یجمع [فیه] من جمیع فنون علم الدین ما یکتفی به المتعلّم ویرجع إليه المسترشد، و يأخذ منه من یرید علم الدین و العمل به. (4) نسخه چاپی الکافی دارای مقدمه مصحح، مقدمه مؤلف و سه بخش به نام های اصول، فروع و روضه است. به استناد نسخه یاد شده، ساختار کتاب، از کلینی است. وی در پایان «کتاب العشرة» 5 در بخش اصول و در پایان «کتاب الأیمان والنذور والکفارات» در بخش فروع و در آغاز بخش روضه، از پایان و شروع این بخش ها خبر

1- الکافی و الکلینی، ص 462 \_ 464.

2- الکلینی و الکافی، ص 464 \_ 466.

3- الکافی، ج 1، ص 8.

4- الکافی، ج 2، ص 674.

داده است (1) در مصادر کتاب شناسی، پس از نام الکافی، تنها عنوان «الروضة» به عنوان بخش پایانی آن، دیده می شود. (2) طبقه بندی احادیث و نیز رده بندی آنها نشان می دهد که بخش روضه، در طرح ابتدایی الکافی نبوده است. گویا شیخ کلینی پس از آن که دو بخش اصول و فروع را به پایان رسانده، با احادیث بسیاری مواجه شده که با توجه به موضوعشان، در آن دو بخش جای نمی گرفتند. از این رو، «کتاب الروضة» را که گویی نام با مسمائی برای این بخش است، تألیف کرده است. چنان که در باغ و بوستان، انواع درخت و میوه وجود دارد، «کتاب الروضة» نیز پر از احادیث در زمینه های مختلف است. انتساب دو بخش اصول و فروع به کلینی، مسلم و بدون تردید تلقی شده است؛ اما انتساب بخش الروضة به کلینی، آن سان مسلم و خالی از تردید نیست؛ برخی در آن تردید کرده اند و برخی قاطعانه آن را نفی کرده، الروضة را به ابن ادریس حلی (م 589 ق) صاحب سرائر نسبت داده اند. ملا خلیل قزوینی (م 1083 ق)، همین قول را برگزیده است. (3) بنا به قرآنی، «الروضة» جزء کتاب الکافی و تألیف شیخ کلینی است: یکم: مشایخ آغازین اسانید این بخش، همگی از طبقه هشتم یا نهم اند و شیخ کلینی نیز در طبقه نهم جای دارد؛ اما ابن ادریس در طبقه پانزدهم است. دوم: اسانید «کتاب الروضة»، تفاوت چندانی با اسانید اصول و فروع ندارند. سوم: اسانید «کتاب الروضة»، همانند دو بخش اصول و فروع، در بیشتر موارد با واسطه «عدّه» شروع شده اند. چهارم: کلینی خود، به انتساب روضه به خود در پایان کتاب فروع، به تألیف بخش

1- الکافی، ج 7، ص 464.

2- رجال نجاشی، همان جا؛ فهرست طوسی، همان جا.

3- ریاض العلماء، ج 2، ص 262؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج 3، ص 536.

«الروضة» تصریح کرده است. پنجم: نجاشی و شیخ طوسی نیز «الروضة» را بخش پایانی الکافی دانسته اند. (1) در مقدمه کوتاه مؤلف، پس از ستایش خدا و درود بر حضرت مصطفی و بزرگداشت ائمه علیهم السلام، به موضوع کتاب و بیان ضرورت آن پرداخته شده است. به موجب این مقدمه، تألیف این کتاب با سه انگیزه انجام شده است: یکی پاسخ دادن به درخواست فردی که طالب آموزه های اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ دیگری، تلاش برای جلوگیری از علاقه مندی مردم به دنیا و سست شدن اراده ها و گسترش جهل و بی خبری؛ و انگیزه سوم، فراهم آوردن مجموعه ای که مرجع عموم مردم در سطوح مختلف، برای شناخت آموزه های دین باشد. (2) بخش اصول، هشت کتاب و 519 باب دارد: 1. کتاب العقل و الجهل، 2. کتاب فضل العلم، 3. کتاب التوحید، 4. کتاب الحجّة، 5. کتاب الإیمان و الکفر، 6. کتاب الدعاء، 7. کتاب فضل القرآن، 8. کتاب العشرة. بخش فروع، دارای 26 کتاب است و 1944 باب دارد: 1. کتاب الطهارة، 46 باب، 2. کتاب الحيض، 24 باب، 3. کتاب الجنائز، 95 باب، 4. کتاب الصلاة، 103 باب، 5. کتاب الزکاة، 47 باب و أبواب الصدقة، 43 باب، 6. کتاب الصيام، 83 باب، 7. کتاب الحج و أبواب الزیارات، 236 باب، 8. کتاب الجهاد، 32 باب، 9. کتاب المعیسة، 159 باب، 10. کتاب النکاح، 192 باب، 11. کتاب العقیقة، 38 باب، 12. کتاب الطلاق، 82 باب، 13. کتاب العتق و التدبیر و مکاتبة، 19 باب، 14. کتاب الصيد، 17 باب، 15. کتاب الذبائح، 15 باب، 16. کتاب الأطعمة، 134 باب، 17. کتاب الأشربة، 37 باب، 18. کتاب الزيّ والتجمل والمرّوة، 69 باب، 19. کتاب الدواجن، 13 باب، 20. کتاب الوصایا، 39 باب، 21. کتاب الموارث، 69 باب، 22. کتاب الحدود، 63

1- الکافی، ج 1، ص 8.

2- رجال النجاشی، ص 377؛ الفهرست، طوسی، ص 211.

باب، 23. کتاب الدیات، 56 باب، 24. کتاب الشهادات، 23 باب، 25. کتاب القضاء والأحكام، 19 باب، 26. کتاب الأیمان و النذور و الکفّارات، 18 باب. کتاب الروضة نیز در 262 باب، 597 حدیث دارد. در این بخش، رساله ها، کتاب ها، وصیت ها و خطبه های ائمه علیهم السلام، آداب شایستگان، علوم نادره و بسیاری دیگر از آموزه های اهل بیت علیهم السلام در موضوعات پراکنده، ذکر شده است. درباره تعداد کتاب های اصول و فروع، عناوین، ترتیب و شمار احادیث هر کدام، در مصادر و نسخه چاپی اختلاف وجود دارد. شیخ طوسی دو کتاب العشرة و العقیقة را ذکر نکرده و دو کتاب عقل و فضل علم را در بخش اصول، دو کتاب الطهارة و الحيض، دو کتاب الصيد و الذبائح و دو کتاب الأطعمة و الأشربة را در بخش فروع، یکی شمرده است. وی کتاب الوقوف و الصدقات را قبل از کتاب الصيد افزوده است. نجاشی کتاب القضاء و الأحكام را نیاورده و دو کتاب النکاح و العقیقة، دو کتاب الصيد و الذبائح و دو کتاب الطهارة و الحيض را یکی انگاشته است. به علاوه، وی به جای کتاب الطهارة، کتاب الموضوع را ذکر کرده است. تعداد کتاب ها به گزارش نجاشی، 31 و به گزارش طوسی، سی مورد است. تعداد احادیث در نسخه چاپی، 15503 حدیث است. در دیگر کتاب ها، عددهای دیگری ذکر شده است: عدد 15328، عدد 16199 (1)، عدد 15176، و گاه عدد 16121. (2) شمار احادیث الکافی در هشت جزء (مجدّد)، چنین است: جزء اول 1437 حدیث، جزء دوم 2346 حدیث، جزء سوم 2049 حدیث، جزء چهارم 2443 حدیث، جزء پنجم 2200 حدیث، جزء ششم 2727 حدیث، جزء هفتم 1704، و جزء هشتم 597 حدیث. بر این اساس، شمار مجموع آنها 15503 حدیث است. ناگفته نماند که در این شمارش، 618 حدیثی که متن واحد و اسانید متعدّد دارند، لحاظ نشده است. (3)

1- لؤلؤ البحرين، ص 238؛ نهاية الدراية، ص 219.

2- مرآة العقول، ج 2، ص 437؛ ر.ک: الکلینی و الکافی، ص 401.

3- الکلینی و الکافی، ص 403.

## ویژگی های الکافی

ویژگی های الکافیکم: این کتاب، در دوره نایبان چهارگانه امام زمان علیه السلام تألیف شده است. (1) این مزیت را نباید و نمی توان دلیل بر صحت این خبر شایع پنداشت که گفته اند حضرت حجت علیه السلام این کتاب را دیده و درباره آن فرموده است: «هذا كافٍ لشيعةنا». (2) با این حال، این ویژگی را می توان قرینه ای شمرد بر تقویت این حدس که امام علیه السلام به تهیه این کتاب راضی بوده، عمل کردن به اخبار آن را جایز می داند. (3) دوم: تألیف این کتاب، در بیست سال انجام شده است. پیداست که سبب طولانی شدن این کار، سفرهای کلینی به شهرها و نواحی گوناگون و تلاش برای دیدار با مشایخ حدیث و اجازه بوده است. سوم: این کتاب، در بردارنده آموزه های اهل بیت علیهم السلام درباره جایگاه عقل در ساخت عقاید دینی است. چهارم: احادیث آن، با اسناد کامل آمده اند. البته گاه به جهت ذکر سند در موارد پیشین (4) و گاهی به جهت نقل بدون واسطه حدیث از اصل و منبع، (5) سند، کامل ذکر نشده است. پنجم: احادیث با عنوان باب ها هماهنگ اند و بر همین اساس، به احادیث معارض پرداخته نشده است. (6) ششم: در اسناد روایت فروع، سختگیری شده است. شاهد بر این مطلب، این است که کلینی از سعد بن عبد الله اشعری، در کتاب فروع چیزی نقل نکرده است، با

1- .كشف المحجة، ص 159.

2- .مرآة العقول، ج 1، ص 22؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 470.

3- .همان جا.

4- .الکلینی و الکافی، ص 426 \_ 427؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 4، ص 7.

5- .نهاية الدراية، ص 543؛ الکافی، ج 1، ص 13، مقدمه حسین محفوظ .

6- .نهاية الدراية، ص 222؛ روضات الجنات، ص 553.



آن که سعد از اصحاب اصول است؛ ولی در باره تاریخ ولادت ائمه علیهم السلام، از وی روایت کرده است. گویا این بدان جهت بوده که سعد احادیث شاذ را نیز روایت می کرد یا از رجال ضعیف و شاذ روایت می کرد. (1) هفتم: این کتاب، شامل احادیث صادقین علیهم السلام است. کلینی در مقدمه الکافی متذکر شده که بنا داشته تنها روایت های صحیح از صادقین را نقل کند. آنچه از اهل سنت و از غیر صادقین در الکافی آمده، به قولی، از دوازده روایت فراتر نمی رود. (2) هشتم: ترتیب احادیث ابواب، بر حسب صحّت و وضوح آنهاست. لذا احادیث پایانی ابواب، از ضعف در سند یا متن، خالی نیستند. (3) نهم: اسانید آن، مشتمل است بر الفاظ ناظر به افراد و اسامی، با مصادیق نه چندان روشن. گویا شناخت برخی از این اسامی، به علّت معروف بودن سند، آسان است، مانند: «علی بن ابراهیم عن ابيه» که در 4960 مورد آمده است. اما گاه، چنین نیست و تشخیص مصداق عبارت، دشوار می نماید، مانند عبارت «أخ فلان» در 59 مورد، «أب فلان» در 4109 مورد، «ابن فلان» در 6502 مورد، القاب بدون اسامی در 1528 مورد، «جدّ فلان» در 65 مورد، «امّ فلان» در ده مورد، «العدّة» در 3886 مورد و... (4) دهم: محتوای بیشتر اصول اربعمائه و مصنفات اصحاب ائمه علیهم السلام، در الکافی آمده است. در موارد فراوانی که کلینی در صدر حدیث، سلسله سند را ذکر کرده، گویا به این هدف بوده که طرق اجازه خود را به آن اصول بیان کند. اصول و کتب اصحاب ائمه علیهم السلام، تا آن عصر وجود داشت و میان محدّثان، دست به دست می شد. (5) یازدهم: اختصاص به روایت صحیح دارد. کلینی در مقدمه الکافی، متذکر شده که

1- الکلینی و الکافی، ص 427.

2- الکلینی و الکافی، ص 428 \_ 429؛ معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 83 \_ 84.

3- روضات الجنات، ج 1، ص 116؛ نهاية الدراية، ص 545.

4- الکلینی و الکافی، ص 430 \_ 431.

5- همان، ص 432.

## جایگاه الکافی

این کتاب را بر پایه روایات صحیح از صادقین علیهم السلام تألیف کرده است. (1) این عبارت، به زعم بسیاری از محدثان و رجال شناسان، ظاهر؛ بلکه صریح، در شهادت وی به صحّت همه روایات کتاب است. (2) دوازدهم: طبقه بندی و رده بندی آن، ابتکاری و معنادار است. در این رده بندی، ابتدا اصول و پس از آن، فروع و سپس روضه می آید و بخش اصول نیز از کتاب عقل و جهل شروع می شود و سپس بحث توحید و امامت و... مطرح می گردد. سیزدهم: بسیاری از اسانید آن، مشتمل بر عدّه است. کلینی در موارد بسیاری، اسناد حدیث را با عبارت «عدّه من أصحابنا» شروع می کند. این عدّه چهار گروه هستند که از اکثر آنها، در اسانید دیگر روایات الکافی نام برده است. (3) اسامی این عدّه، در مصادر آمده است. (4)

جایگاه الکافی کلینی الکافی را بر شاگرد خود، ابو الحسنین احمد بن احمد کوفی که کاتب خاصّ او بود، قرائت کرد. (5) راویان الکافی عبارت اند از: نجاشی، (6) شیخ صدوق، (7) ابن قولویه قمی، (8) سیّد مرتضی، (9) شیخ مفید، 10 شیخ طوسی، 11 هارون بن موسی

- 
- 1- الکافی، ص 8.
  - 2- الوافی، ج 1، ص 6؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 64 \_ 65؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 480.
  - 3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 507.
  - 4- رجال النجاشی، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 507 \_ 511؛ الکافی، مقدّمه حسین محفوظ، ص 48؛ الکلبینی و الکافی، ص 432 \_ 435.
  - 5- رجال النجاشی، ص 377.
  - 6- رجال النجاشی، همان جا.
  - 7- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 666.
  - 8- رجال النجاشی، همان جا؛ الفهرست، طوسی، ص 211.
  - 9- الفهرست، طوسی، همان جا.

**آثار مرتبط**

تلعکبری، (1) ابو غالب زراری، (2) احمد بن ابراهیم صیمری (3) و محمد بن عبد الله شیبانی. (4) نظر به ویژگی هایی که گذشت و نیز اهمی که در روایت کردن الکافی بوده، محدثان و فقیهان امامیه، آن را بسیار ارزشمند و گویی ارزشمندترین کتاب حدیثی شمرده اند و با تعابیر گوناگونی از این دست، عبارت برخی از آن را ستوده اند: ارزشمندترین و پرفایده ترین کتاب شیعه، (5) و قول شهید اول، محقق کرکی و محمد تقی مجلسی، کتاب بی نظیر در مذهب امامیه، 6 شریف ترین، قابل اعتمادترین، و کامل ترین و جامع ترین کتاب، 7 اضبط اصول و اجمع و احسن و اعظم تألیفات در فرقه ناجیه، 8 و این سخن محدث استرآبادی که گفته است: مشایخ و علمای ما معتقدند که در اسلام، کتابی تألیف نشده است که با کافی برابری کند. بر همین اساس، دیدگاه اکثر محدثان و فقیهان شیعه آن است که الکافی بر سایر کتاب های حدیثی، تقدم دارد.

آثار مرتبط روایات و رجال الکافی، از سده هشتم و بویژه در سده یازدهم، موضوع پژوهش قرار گرفت. دانشوران امامی در حوزه های مختلف رجال، فقه الحدیث، نقد الحدیث،

---

1- الفهرست، طوسی، همان جا.

2- تصحیح الاعتقاد، ص 27.

3- بحار الأنوار، ج 107، ص 190؛ ج 108، ص 62، 76؛ ج 110، ص 70.

4- الوافی، ج 1، ص 6.

5- مرآة العقول، ج 1، ص 3.

برگردان آن به زبان فارسی، فهرست و معجم نگاری، آن را موضوع پژوهش و مطالعه قرار دادند. دست کم 65 شرح و حاشیه (1) و 26 مورد معجم نگاری، پژوهش موضوعی و گزیده، بخشی از نتیجه این تلاش و توجه است. (2) برخی از شرح ها، فهرست نگاری ها، گزیده نگاری ها و پژوهش های موضوعی درباره کافی که به چاپ رسیده اند، بدین قرار است: 1. الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیه، محمد باقر داماد (م 1040 ق). این کتاب شامل شرح مقدمه کافی و 39 راسحه در حدیث شناسی است. 2. شرح أصول کافی، ملا صدرای شیرازی (م 1050 ق)؛ 3. شرح اصول کافی، ملا محمد صالح مازندرانی (م 1080 ق)؛ 4. الصافی فی شرح کافی، خلیل بن غازی قزوینی (م 1089 ق)؛ 5. مرآة العقول فی شرح أخبار الرسول صلی الله علیه و آله، محمد باقر مجلسی (م 1111 ق)، شامل شرح اصول، فروع و روضه؛ 6. معرفة أحوال العدة، محمد باقر شفتی اصفهانی (م 1260 ق)؛ 7. رجال کافی، آیه الله بروجردی؛ 8. دفاع عن کافی، ثامر هاشم حبیب العمیدی؛ 9 و 10. ثلاثیات کلینی و نیز بحوث حول روایات کافی، امین ترمس عاملی؛ 11. کلینی و کافی، شیخ عبد الرسول غفّار؛ 12. کلینی و خصومه، عبد الرسول غفّار؛ 13. صحیح کافی، محمد باقر بهبودی؛

- 
- 1- .کشف الحجب و الأستار، ص 184 \_ 185، 222، 347 \_ 348؛ الذریعة، ج 6، ص 179 \_ 184، 248؛ کافی، ج 1، ص 30 \_ 38، مقدمه حسین علی محفوظ؛ علوم حدیث، ش 32، ص 193 \_ 202.
- 2- .همان، ص 202 \_ 206.

**2. أمالی الصدوق**

14 . كتاب الخمس، سيّد سبط الحسن فتح پوری هندی؛ 15 . المعجم المفهرس لألفاظ الأصول من الكافي، عليرضا برازش؛ 16 . فهارس الكافي، يوسف البقاعي.

2 . أمالی الصدوق مؤلف: شيخ صدوق. تحقيق و تخريج: بخش مطالعات اسلامي مؤسسه بعثت ناشر: مؤسسه البعثة، قم، چاپ اول، 1417 ق. در چاپ بررسی شده، برای تحقیق کتاب، از دو نسخه استفاده شده است: یکی نسخه چاپی سیّد موسی زنجانی که در 1373 ش، چاپ شد و با نسخه شیخ رضا استادی، نسخه حاج افضل، نسخه ابن سکون، نسخه روضاتی و نسخه کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، مقابله شده بود. دیگری، نسخه سیّد عبد العزیز طباطبایی که در سال 1400 ق، در بیروت چاپ شد و با نسخه ابن سکون مقابله شده بود. (1) نسخه علی بن محمد بن محمد بن علی سکون، معروف به ابن سکون، با تاریخ کتابت 563 ق، که از مجلس پنجاه و یکم آن تا آخر کتاب، به خط شیخ حرّ عاملی است، همراه با دو نسخه قدیمی دیگر، در مدرسه فاضل خان مشهد نگهداری می شود. (2) الأمالی صدوق، بارها در ایران و دیگر کشورها چاپ شده است، از آن جمله: در تهران در سال 1300 ق، در کتاب خانه حکمت؛ در قم در سال 1374 ق؛ و در بیروت در سال 1400 ق، در مؤسسه اعلمی. سه ترجمه فارسی نیز از آن انجام شده است: ترجمه سیّد علی امامی، ترجمه سیّد صادق ابن سیّد حسین توشخانلی که در 1301 ق، چاپ شد و ترجمه شیخ محمد باقر کوه کمره ای (م 1416 ق) که همراه با

1- . الأمالی، صدوق ، ص 44 \_ 45.

2- . الذریعة، ج 2، ص 315.

اصل عربی کتاب، در کتاب خانه اسلامی، در تهران چاپ شد. برای این کتاب، نام ها و عنوان های دیگری نیز به کار رفته است: العرض علی المجالس، (1) العوض عن المجالس، (2) الأمالی و یسمی المجالس، (3) الأمالی و المجالس (4) و عرض المجالس. (5) الأمالی از آثار مشهور، بلکه متواتر شیخ صدوق است (6) و در شمار مصادر بحار الأنوار، وسائل الشیعة و سایر کتاب های روایی جای گرفته است. نسخه چاپی، شامل مقدمه گروه تحقیق و مقدمه اصل کتاب است. آنچه در مقدمه محقق آمده، عبارت است از: شرح حال مؤلف، ویژگی های تألیف، موضوع آن، بررسی استناد کتاب به صدوق با پنج اسناد، و نیز معرفی نسخه های خطی و چاپی آن. اصل الأمالی، در 97 مجلس سامان یافته است. احادیث کتاب با اسناد کامل، از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده اند و موضوعشان در زمینه های مختلف است، مانند: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، معراج و اسرار، دعا و مواعظ مأثور، فضائل و مناقب و احوال اهل بیت علیهم السلام و اخلاق و عقاید. شیخ صدوق همه این مجالس را در یک سال و اندی، از هیجدهم رجب 367 تا نوزدهم شعبان 368، بر گروهی از اهل علم در ری، نیشابور و مشهد، املا کرد. این مجالس در روزهای سه شنبه و جمعه در هفته برگزار می شده است. برای نمونه: مجلس بیست و پنجم در توس و در روز جمعه، سیزده شب مانده از ذی حجه 367، مجلس بیست و هفتم در ابتدای محرم 368 پس از بازگشت از مشهد، مجلس نود و سه در روز جمعه دوازدهم شعبان همان سال در نیشابور، و مجلس نود و چهارم در روز سه شنبه هفدهم شعبان همان سال در مشهد الرضا علیه السلام.

1- رجال النجاشی، ص 388.

2- معالم العلماء، ص 149.

3- أمل الآمل، ج 2، ص 284.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 6.

5- الفوائد الرجالية، ج 4، ص 72.

6- وسائل الشیعة، ج 20، ص 36\_38؛ بحار الأنوار، همان جا.

مجالسی که محلّ برگزاری آنها نیز ذکر شده، همگی در مشهد یا نیشابور بوده اند. از این جا می توان حدس زد که اکثر مجالس کتاب، در ری برگزار شده اند. فرد مستملی یا کاتب، افزون بر عنوان مجلس، (موضوع هر جلسه)، شماره، روز، ماه، سال و گاه مکان آن را نیز ذکر کرده و در مواردی، اطلاعات جزئی تر نیز داده است؛ مانند: برگزاری مجلس در خانه سیّد ابو محمّد یحیی بن محمّد علوی (1) و هنگام عصر (2)، یا پس از بازگشت از مشهد الرضا علیه السلام در ری (3)، یا به هنگام حرکت شیخ صدوق به شهرهای ماوراء النهر. (4) احادیث کتاب، املاّی شیخ صدوق در مجلس املا بوده و گاه مستملی حدیث را پس از پایان مجلس املا، دوباره از استاد شنیده و در چنین مواردی \_ که اندک اند \_ تذکر داده است. (5) در ابتدای هر مجلس، مستملی اسناد حدیث را با شیخ صدوق آغاز می کند؛ ولی در احادیث بعدی، شیخ صدوق است که حدیث را به نقل از مشایخ خود روایت می کند. تعداد احادیث مجالس، به تناسب کوتاه یا بلند بودن حدیث، از سه تا دوازده حدیث در نوسان است. در مجلس سی ام، يك حدیث طولانی در هفت صفحه نقل شده و در مجلس بیست و نهم، 22 روایت آمده است. شیخ صدوق روایات کتاب الأمالی را با اسناد کامل، از طریق راویان امامی و گاه از طریق راویان اهل سنت (6) نقل کرده است. وی در طریق اهل سنت، از محمّد بن عمر حافظ بغدادی و در طریق امامی، به ترتیب از پدر خود علی بن بابویه (نزدیک به 160 حدیث)، ابن ولید، محمّد بن علی ماجیلویه و محمّد بن موسی بن متوکل، نقل کرده است. لحاظ ترتیب مجالس، کتاب الأمالی نشان از سامان مندی و نظام معنایی خاص دارد؛ ولی در نقل احادیث، طبقه بندی و نظم معناداری دیده نمی شود. این پراکندگی،

1- مجلس 89، ح 1؛ مجلس 92، ح 1.

2- مجلس 96، ح 1.

3- مجلس 28، ح 1.

4- مجلس 94، ح 1.

5- مجلس 7، ح 3.

6- مجلس 15، ح 11؛ 21، ح 1، 30، ح 1.

**3. علل الشرائع**

هم در مضامین و محتوایی احادیث دیده می شود و هم در نقل روایات مشایخ. احادیث هر يك از مشایخ مؤلف، در مجالس و جاهای مختلف پراکنده است. فهم متن برخی از احادیث کتاب، سخت دشوار است؛ مانند: چند روایات درباره ثواب برخی از اعمال مستحب و عبادات یا روزهای برخی ماه ها، یا درباره اوضاع و احوال محشر و قیامت و معراج و عذاب دوزخیان و تفسیر ابجد و ناقوس و... (1).

3. علل الشرائع مؤلف: شیخ صدوق تقدیم: سید محمد صادق بحر العلوم ناشر: کتاب خانه حیدریه، نجف اشرف، 1386 ق / 1966 م. چندین نسخه خطی از این کتاب موجود است؛ مانند: نسخه ای به شماره 1880 با تاریخ تقریبی سده یازدهم، (2) و نسخه ای به خط محمد نبتکی الأصل تهرانی که در تاریخ 1274 ق، از روی نسخه مورخ 1050 ق، به خط جمال الدین محمد حسینی، نوشته شده است. (3) این کتاب با تحقیق و تصحیح سید فضل الله طباطبایی یزدی و دیگران، بارها چاپ شده است. چاپ رحلی سنگی آن به تنهایی در سال 1280 ق، در تهران چاپ شده و در سال 1289 ق، نیز همراه با معانی الأخبار. (4) از این کتاب، با عنوان «علل الأحكام» (5) و «علل الشرائع و الأحكام و الأسباب» (6) نیز یاد شده است. علل الشرائع، از آثار معروف و به غایت مشهور شیخ صدوق (7) و از

- 
- 1- مجلس 52، مجلس 53، مجلس 40، مجلس 1، مجلس 23، مجلس 46.
  - 2- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله گلپایگانی، ج 3، ص 94.
  - 3- همان، ج 3، ص 175.
  - 4- الذریعة، ج 15، ص 313\_314.
  - 5- رجال النجاشی، ص 389؛ الفهرست، طوسی، ص 237.
  - 6- معالم العلماء، ص 149؛ أمل الآمل، ج 2، ص 238.
  - 7- وسائل الشیعة، ج 20، ص 37؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7.



مصادر کتاب های حدیثی وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. این کتاب در زمینه علل، اسباب و حکمت احکام و شرایع الهی، در 385 باب سامان یافته است. از این تعداد، 181 باب در علل برخی از اخبار و مفاهیم مختلف قرآنی و گاه تاریخی است. مؤلف در هر مورد، کلام را با عنوان «علت» آغاز کرده و تحت آن، احادیث متناسب را آورده است. به قرینه کتاب های هم نوع دیگری از مؤلف، عنوان هر باب را ناسخان یا محققان کتاب افزوده اند. شیخ صدوق در این کتاب تلاش کرده است که احکام تشریحی و برخی از مفاهیم، اخبار، اوصاف و نام گذاری های قرآنی و گاه مباحث کلامی و اعتقادی و حوادث و رویدادهای تاریخی را بررسی کند و مصالح و مفاسد واقعی، اسباب ظاهری، فواید، حکمت ها و توجیحات عقلانی آنها را از منظر احادیث، ذکر نماید. لذا باید توجه داشت که عنوان کتاب به معنای مصطلح آن، با محتوای کتاب انطباق کامل ندارد. از يك سو، «علت» در مفهومی گسترده و فراتر و اعم از مصالح و مفاسد واقعی به کار رفته و اسباب ظاهری، فواید و حکمت ها را هم شامل می شود، و از سوی دیگر، علل گفته شده، فقط برای احکام و شرایع نیست. شاید به جهت همین عدم انطباق، در برخی از منابع کتاب شناسی، عنوان کتاب، علل الأحكام والشرائع و الأسباب آمده است. به هر حال، عنوان احکام به عنوان متعلق علل، از باب تغلیب است. روایات کتاب، با اسناد کامل و بیشتر با واسطه علی بن بابویه پدر مؤلف، ابن ولید و ابن ماجیلویه نقل شده است. این کتاب افزون بر ارزش حدیثی، تاریخی، فقهی، تفسیری، کلامی و اخلاقی، در زمینه فقه الحدیث نیز ارزشمند است. (1) از موضوعات مطرح در این کتاب است: العلة التي من أجلها سميت السماء والدينا دنيا، والآخرة آخرة، والعلة التي من أجلها سمى آدم آدم، وحواء حواء،

#### 4. عیون أخبار الرضا علیه السلام

والدرهم درهما، والدينار دينار، والعلّة التي من أجلها قيل للفرس «أجد» و للبغلة «عد» و العلة التي من أجلها قيل للحمار «حر»، و العلة التي من أجلها يكون عذاب القبر، علل الوضوء و الآذان و الصلاة. و در پایان، باب «نوادر العلل» آمده است. شیخ ابراهیم کفعمی و شیخ شرف بحرانی، علل الشرائع را تلخیص، (1) و شیخ محمد تقی اصفهانی، معروف به آقا نجفی (م 1331 ق) و سید هدایت الله مسترحمی، آن را به فارسی ترجمه کرده اند (2) و هر دو ترجمه، چاپ شده است.

4. عیون أخبار الرضا علیه السلام مؤلف: شیخ صدوق تصحیح و تعلیق و تقدیم: شیخ حسین اعلمی ناشر: مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ اول، 1404 ق / 1984 م. چندین نسخه خطی از این کتاب موجود است: نسخه ای با تاریخ تملک 1069 ق؛ و نسخه ای با تاریخ کتابت به سال 1085 ق؛ (3) نسخه ای با افتادگی صفحات آغازین و پایانی، متعلق به سده یازدهم یا دوازدهم؛ (4) نسخه مندرج در شرح عیون أخبار الرضا علیه السلام از سید نعمت الله جزائری، با تاریخ تألیف 1099 ق، و تحریر دیگر در 1104 ق، به خط مؤلف. (5) کهن ترین نسخه این کتاب، متعلق به سال 957 است. (6) این کتاب بارها در نجف اشرف، ایران و بیروت، چه بی تحقیق و چه با تحقیق، چاپ شده است. نمونه: چاپی با تحقیق، در مؤسسه «آل البيت لإحياء التراث» در قم، و با تصحیح سید مهدی لاجوردی، در منشورات العالم، در تهران، چاپ اول، 1363 ق.

1- الذريعة، ج 4، ص 424.

2- همان، ج 15، ص 313.

3- تراثنا، ش 51، ص 369.

4- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آية الله گلپایگانی، ج 2، ص 133.

5- همان، ج 3، ص 87.

6- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه غفاری، ص 10.

از کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام با همین عنوان (1) و نیز با عنوان عیون الأخبار (2) یاد شده است. این کتاب از آثار متواتر و به غایت معروف شیخ صدوق است و از مصادر کتاب های حدیثی، تاریخی و کلامی بسیاری چون: وسائل الشیعة، بحار الأنوار، مستدرک الوسائل. نسخه چاپی بررسی شده، شامل مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف و بیان موضوع کتاب و باب های آن پرداخته شده است. به موجب این مقدمه، کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام به پاس دو قصیده از قصاید ابو القاسم اسماعیل بن عبّاد، معروف به صاحب بن عبّاد، نوشته شده و به کتاب خانه وی تقدیم شده است. (3) او وزیر رکن الدوله دیلمی، حاکم ری بود و آن دو قصیده را در ابراز اردات و محبت به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام سروده بود. در این مقدمه، دو قصیده صاحب بن عبّاد نیز نقل شده است، به علاوه چندین روایت در ارزش دینی ابراز اردات به اهل بیت علیهم السلام با زبان شعر و جز آن. (4) موضوع کتاب، تاریخ زندگانی امام رضا علیه السلام از جوانب مختلف است. شیخ صدوق، کتاب عیون را در 69 باب با عناوین مشخص، سامان داده است. با يك نگاه کلی به عناوین کتاب، می توان مطالب آن را در دو بخش جای داد: یکی اخبار، احادیث و گزارش های منسوب به آن حضرت، و دیگری اخبار و گزارش هایی درباره آن حضرت. اخبار منسوب به امام رضا علیه السلام به 430 حدیث می رسد و ذیل چند عنوان، آمده است: اخبار منثور (اخباری که مصدر آنها خود امام رضا علیه السلام است)، اخبار مجموعه (اخباری که آن حضرت، از پدرش یا از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است) و

- 
- 1- الفهرست، طوسی، ص 237 در نسخه بدل؛ معالم العلماء، ص 149؛ أمل الآمل، ج 23، ص 284.
  - 2- وسائل الشیعة، ج 20، ص 37.
  - 3- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 12.
  - 4- همان، ج 1، ص 12، 15.

مکاتبات و مناظرات آن حضرت با پیروان مذاهب و فرق مختلف. این اخبار یا در زمینه مسائل مهم کلامی، همچون توحید و امامت است و یا بیانگر علل، حکمت‌ها و فواید برخی از احکام و اخبار و مفاهیم قرآنی و روایی، و یا در موضوعات گوناگون اخلاق و آداب و دعا و زیارات و فقه. در بخش دوم نیز اخبار و گزارش‌های گوناگونی درباره مسائل و حوادث پیرامونی آن حضرت، دیده می‌شود، از جمله: مسئله امامت آن حضرت و نقد فرقه واقفه در باب پنجم، ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور و رفتن از آن جا به توس و سپس مرو، چندی از پیشگویی‌ها و کرامات آن حضرت، ولایت عهدی و مسائل مربوط به آن، فضایل و مناقب آن حضرت، مناظرات امام با پیروان مذاهب و فرق مختلف، ماجرای شهادت آن حضرت، ولادت آن حضرت و وجه نام‌گذاری او به رضا، رابطه مأمون با آن امام، و ده‌ها مطلب دیگر که درباره زندگی امام هشتم مطرح شده است. چینش و نظم معناداری، بر تمام مطالب کتاب حاکم نیست. آغازگر کتاب، عناوینی هستند چون: وجه نام‌گذاری امام هشتم به «رضا»، معرفی مادر او، داستان ولادت آن حضرت، نصوص گویای امامت او، معرفی فرقه واقفه و علت توقف آنان بر امام کاظم علیه السلام. پس از آن، موضوعاتی آمده که به ترتیب چنین‌اند: اخبار، خطبه‌ها و مجالس مناظره امام رضا علیه السلام در باره توحید و امامت و ...، احادیث منسوب به امام رضا علیه السلام در چند باب، آمدن آن حضرت به نیشابور، توس و مرو، مسئله ولایت عهدی، اسباب و نتایج و حوادث این دوران، اخلاق، آداب، معجزات و پیشگویی‌های آن حضرت، گفتگوهای امام رضا با افرادی چون ابوقرّه و یحیی بن ضحاک سمرقندی، برخی از کرامات آن حضرت، شهادت امام رضا و نحوه آن، ذکر بعضی از مرثیه‌ها در رثای آن حضرت، ثواب زیارت آن حضرت، سخنی از وی درباره ثواب زیارت قبر خواهرش فاطمه معصومه علیها السلام، کرامات ناشی از زیارت قبر آن حضرت و .... روایات کتاب، گاه با اسناد کامل و گاه ناقص، از طریق شیعه امامی و بیشتر با واسطه

**5. جامع الأحادیث**

علی بن بابویه، ابن ولید و... نقل شده است. گویا هدف اصلی شیخ صدوق، گردآوری روایات مربوط به امام هشتم، از کتب پیشینیان بوده است؛ چراکه بیش از آن که به اعتبار حدیث توجه داشته باشد، به نقل آن اهتمام داشته است. شاید به همین جهت است که وی گاهی پس از نقل چند خبر، همچون خبر تحریف قرآن، در اعتبار آنها خدشه کرده و به رد یا تأویل شان پرداخته است. شیخ صدوق در ذیل برخی از روایات، توضیح مختصری هم داده است. (1) از این رو، عیون الأخبار افزون بر ارزش حدیثی، کلامی، تاریخی، دعایی، زیارتی و فلسفه احکام و برخی اخبار و مفاهیم، در زمینه فقه الحدیث نیز ارزشمند است. چندین شرح، حاشیه و ترجمه، بر گرد عیون الأخبار فراهم شده است: یک حاشیه، (2) پنج شرح بر کل کتاب یا بر خطبه توحید آن، (3) و شش ترجمه به فارسی. (4) شرح خطبه توحید، از محمد باقر مجلسی و با ترجمه علی اکبر غفاری، به نام تحفه رضویه، در سال 1288 ق، 5 چاپ شده است.

5. جامع الأحادیث مؤلف: ابن رازی قمی مصحح: سید محمد حسینی نیشابوری ناشر: مجمع بررسی های اسلامی آستان قدس رضوی، 1423 ق. در تصحیح این نسخه چاپی، از هشت نسخه خطی استفاده شده که کهن ترین و صحیح ترین شان، نسخه محمد باقر مجلسی است. این نسخه در سال 924 ق، کتابت

1- همان، ج 1، ص 37؛ ج 2، ص 114، 125.

2- الذریعة، ج 5، ص 151.

3- همان، ج 3، ص 375؛ ج 4، ص 398؛ ج 5، ص 202.

4- همان، ج 7، ص 202.

و تصحیح شده است. (1) در متن کتاب، از این نسخه با عنوان «نسخه اصل» و گاه با رمز «م» \_ که اشاره به حرف اول نام مجلسی است \_ یاد شده است. (2) پیش از این نیز در سال 1369 ق، میرزا ابو الحسن شعرانی کتاب جامع الأحادیث را چاپ کرده است؛ ولی با استفاده از نسخه خطی میرزا محمد بن رجب علی عسکری تهرانی (م 1372 ق) که در سال 1329 ق، کتابت شده بود. (3) در مصادر پیش از سده چهاردهم، این کتاب ذکر نشده است. در این سده، آقا بزرگ تهرانی (4) و دیگر کتاب شناسان، از آن خبر دادند. (5) پیدا شدن نسخه جامع الأحادیث، نشان داد که این کتاب در سده یازدهم موجود بوده و محمد باقر مجلسی نیز آن را در اختیار داشته است. با این حال، وی از آن با این نام، یاد نکرده، بلکه با نام «اصل دیگر»، در شمار مصادر بحار الأنوار آورده است؛ (6) گویا بدان علت که این کتاب، همراه با کتاب الإمامه و التبصرة ی علی بن بابویه، در یک مجلد ولی بدون مشخصات و صفحات آغازین و پایانی و حتی بدون نام کتاب، قرار داشته است. (7) جامع الأحادیث، در موضوع فقه، آداب و دعاست. نسخه چاپی آن، با پنج کتاب و رساله دیگر مؤلف همراه است که عبارت اند از: العروس، الغایات، المسلسلات، الأعمال المانعة من الجنة، و نوادر الأثر فی «علی خیر البشر». این کتاب با مقدمه بلند مصحح، آغاز می شود و به ترتیب، با شش کتاب پیش گفته \_ که جامع الأحادیث، کتاب آغازین است

- 
- 1- جامع الأحادیث، مقدمه محقق، ص 40 \_ 42؛ الإمامة والتبصرة، ص 94؛ مقدمه محقق، الذریعة، ج 5، ص 31 \_ 32.
  - 2- جامع الأحادیث، ص 42، مقدمه محقق.
  - 3- همان، ص 10 و 15.
  - 4- الذریعة، ج 16، ص 4.
  - 5- أعیان الشیعة، ج 4، ص 83؛ تأسیس الشیعة، ص 414 و 415.
  - 6- بحار الأنوار، ج 1، ص 26.
  - 7- الإمامة و التبصرة، ص 100 \_ 101، مقدمه محقق.

و سپس مستدرکات، سامان می یابد. مؤلف، مقدمه ای کوتاه بر این کتاب نوشته و پس از آن، روایات را به ترتیب خاصی آورده است. وی در مقدمه کوتاه خود که به انگیزه تألیف و شیوه آن اختصاص دارد، گفته است که این کتاب را به درخواست فردی نوشته و براساس حروف معجم، سامان داده است. در مقدمه محقق کتاب، در باره نام مؤلف، جایگاه علمی اش، دوره تاریخی زندگانی اش و نیز کتاب های او، به تفصیل بحث شده است. پایان بخش کتاب با عنوان «مستدرکات»، شامل اجزای پراکنده ای از دو کتاب نایاب مؤلف است با نام های: أدب الإمام و المأموم، و المنتبى عن زهد النبى صلى الله عليه و آله. محقق کتاب، این اجزا را در آثار سده های هفتم تا دهم هجری یافته است، آثاری چون: فلاح السائل و الدرود الواقية، هر دو از ابن طاووس (م 662 ق)، التحصين ابن فهد حلی، و روض الجنان شهید ثانی (م 864 ق). (1) جامع الأحادیث در یکصد صفحه، شامل حدود هفتصد حدیث مسند از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که همانند الجامع الصغیر سیوطی (م 911 ق)، به ترتیب حروف الفبا سامان یافته است. مؤلف، تنها در ابتدای هر باب، سند را به گونه کامل ذکر می کند. گویا این که برخی از کتاب شناسان، شمار احادیث کتاب را حدود هزار حدیث ذکر کرده اند، ناشی از اشتباه است. (2) این کتاب شباهت فراوانی به الجعفریات ابن اشعث کوفی دارد. وی این روایات را از طریق سهل بن احمد دیباجی، ابو مفضل شیبانی و هارون بن موسی تلعبکری، از محمد بن اشعث، از موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام و گاه از طریق محمد بن خلف، از ابو حمران موسی بن ابراهیم مروزی، از امام کاظم علیه السلام، از پدرانش، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند.

1- الإمامة والتبصرة، ص 100 \_ 101، مقدمه محقق.

2- الذریعة، همان جا؛ اعیان الشیعة، همان جا؛ جامع الاحادیث، ص 28.

## 6. المَسَلِسَات

6. المَسَلِسَات: مؤلف ابن رازی قمی مؤلف المسلسلات، همان مؤلف جامع الأحادیث است و چون همراه آن چاپ شده است، نام مصحح و محقق، نسخه های خطی (1) و چاپ های آن نیز در معرفی جامع الأحادیث گذشت. این کتاب با همین عنوان و گاه با عنوان الأخبار المسلسلة، در مصادر سده یازدهم به بعد آمده است. (2) مؤلف در این کتاب، بیش از آن که به موضوع حدیث نظر داشته باشد، به گونه خاصی از سند توجه کرده است که «مسلسل» نامیده می شود. حدیث مسلسل، حدیثی است که زنجیره راویان آن، همه در یک حالت یا صفت یا گفتار و یا کردار، همسان باشند. نیز گاهی تسلسل، برخاسته از تشابه آنان در ویژگی دیگری است؛ مانند: نام یا کنیه، لقب، نام پدر، شهر و یا در عناوینی مثل خلافت، قرائت، فقاہت و... (3) برخی از این احادیث، مانند حدیث مسلسل به فواطم، مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است. (4) در سند این حدیث آمده است: حدَّثنا... حدَّثتنا فاطمة بنت علی بن موسی الرضا علیهما السلام، حدَّثتني فاطمة وزینب و أم کلثوم بنات موسی بن جعفر علیهما السلام، قلن: حدَّثتنا فاطمة بنت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام، حدَّثتني فاطمة بنت محمد بن علی، حدَّثتني فاطمة بنت علی بن الحسین علیهما السلام، حدَّثتني فاطمة و سکينة ابنتا حسین بن علی علیهما السلام عن أم کلثوم بنت فاطمة بنت النبی صلی الله علیه و آله عن فاطمة علیها السلام بنت رسول الله... (5) این کتاب شامل چهل حدیث، در 38 صفحه است. مصحح کتاب، شش حدیث مسلسل را که در زنجیره سند آنها، امامان علیهم السلام قرار گرفته اند، در بخش پایانی کتاب با

1- الذریعة، ج 22، ص 355.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 19؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 107؛ الذریعة، ج 21، ص 21.

3- شرح البداية، ص 38؛ أعیان الشیعة، ج 4، ص 83.

4- أعیان الشیعة، ج 4، ص 83؛ فواید رضویه، ص 59.

5- جامع الأحادیث، ص 273.



**7 . الغايات****8 . تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام**

عنوان استدراك، از مصادر اهل سنت نیز آورده است. این کتاب از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.

7 . الغايات مؤلف: ابن رازی قمی مشخّصات الغايات، همان است که در معرفی جامع الأحادیث گذشت. این کتاب با همین عنوان (1) و نیز با عنوان الأمور البالغة إلى الغاية (2) ذکر شده است. الغايات به سان المسلسلات، به گونه خاصی از احادیث نظر دارد. بیشتر احادیثی که در این کتاب آورده شده، با وزن افعل التفضیل، بر بهترین ها یا برترین ها و... در امور و افراد، دلالت دارند. این گونه روایات، غایت و نهایت چیزی یا کاری را بیان می کنند، مانند این احادیث: خیر العبادة قول «لا اله الا الله». أشجع الناس من غلب هواه. أفقر الناس الطمع. شرّ الأشياء المرأة السوء. أثبتكم على الصراط أشدكم حُبّالی و لأهل بيتی. این کتاب در 53 صفحه، شامل بیش از یکصد حدیث از معصومان است. الغايات از منابع بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است.

8 . تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام مؤلف: ابن شعبه حرّانی تصحیح و تعليق: علی اکبر غفّاری

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 19؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 107.

2- الذريعة، ج 4، ص 254.

ناشر: انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، چاپ دوم، 1404 ق. در این تصحیح تحف العقول، افزون بر مصادر حدیثی متأخر، از دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه کتاب خانه سید جلال الدین ارموی، معروف به محدث ارموی، و نسخه کتاب خانه ملی، بدون تاریخ کتابت. تحف العقول افزون بر این، بارها جداگانه و همراه با کتابی دیگر، در ایران و عراق چاپ شده است. از جمله: یک بار در سال 1297 ق، همراه با روضة الکافی، (1) و بار دیگر جداگانه در نجف و در چاپ خانه حیدریه، با مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم، در سال 1380 ق. (2) در مصادر نخستین، از کتاب تحف العقول یاد نشده است. کتاب شناسان سده یازدهم به بعد، از این کتاب نام برده اند و در میان آنان، انتساب آن به ابن شعبه حرّانی، معروف است؛ (3) اگرچه محمد باقر مجلسی، مؤلف آن را ناشناخته دانسته است. (4) تحف العقول با سمت و سوی وعظ و اندرز، و بایدها و نبایدهای اخلاقی، اجتماعی، حکومتی، اقتصادی و معنوی، با چشم انداز تهذیب نفس، تألیف شده است. گو این که مؤلف از این فراتر رفته و به مسائل کلامی نیز پرداخته است. این کتاب را پرفایده (5) و استوار بر سامان و نظامی نیکو، دانسته اند. (6) نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه علامه عبد الحسین امینی، مقدمه مؤلف و سپس اصل کتاب است. در مقدمه محقق، افزون بر شرح حال مؤلف و معرفی تألیف، به معرفی نسخه های

- 
- 1- تراثنا، ج 32، ص 167.
  - 2- همان، ج 3، ص 202.
  - 3- أمل الآمل، ج 2، ص 74؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 41؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 245؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 208؛ الذریعة، ج 1، ص 400.
  - 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 34.
  - 5- أمل الآمل، همان جا.
  - 6- بحار الأنوار، همان جا.

خطی و دیگر کارهایی که در باره این کتاب انجام گرفته نیز اشاره شده است. مقدمه علامه امینی، در وصف و اهمیت کتاب است. این شعبه در مقدمه کوتاه خود، انگیزه تألیف و شیوه و ترتیب آن را باز گفته است. وی با اشاره به فراگیر بودن آموزه های معصومان علیهم السلام نسبت به دنیا و آخرت و این که بخش کمی از این آموزه ها \_ که نشان از حق و صواب و صدق دارند \_ در اختیار است، انگیزه خود را از تألیف این کتاب، چنین ذکر کرده است که با وجود آموزه های اخلاقی و معنوی معصومان علیهم السلام، کتابی در این زمینه تألیف نشده است. (1) مؤلف، این کتاب را به ترتیب پیامبر و ائمه علیهم السلام سامان داده و در پایان، چهار وصیت آورده است. او اسانید روایات را برای اختصار، حذف کرده و متذکر شده که بیشتر این روایات را از مشایخ سماع کرده است؛ گرچه اکثرشان در آداب و حکمت اند که محتوای آنها خود، شاهد درستی آنهاست. (2) به علاوه، این روایات در سایر منابع معتبر شیعه نیز آمده است. 3 اصل کتاب تحف العقول، شامل چهارده باب است: يك باب با نام پیامبر صلی الله علیه و آله، نه باب با نام ائمه علیهم السلام، دو باب با دو روایت قدسی معروف در مواعظ و حکم که به موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام وحی شده، يك باب در مواعظ مسیح علیه السلام که در انجیل آمده و باب پایانی کتاب، وصیت مفضل بن عمر به جماعت شیعه است. خطبه های معصومان، نامه ها، کلمات قصار، مواعظ، وصایا، حکمت ها، آداب و اخلاق، جواب نامه ها و...، دیگر عناوین باب های کتاب اند. در این کتاب، برخی از خطبه ها و نامه های امام علی علیه السلام نیز آمده است؛ چون: خطبه معروف به وسیله و دیباج، عهدنامه مالک اشتر، و نیز احتجاج امام صادق علیه السلام با سفیان ثوری و رساله امام هادی علیه السلام

1- تحف العقول، ص 2\_3، مقدمه محقق.

2- همان، ص 3.

**9. الاختصاص**

در جبر و تقویض. برخی از روایات کتاب، در سده های بعد، شرح شده اند که از آن جمله، می توان به شرح حدیث «معایش العباد» توسط شیخ محمد حسن کبه بغدادی (م 1333 ق) اشاره کرد. (1) برخی از عناوین کتاب، عبارت اند از: سه وصیت از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام، پاسخ پیامبر به پرسش های فراوان شمعون بن لاوی راهب نصرانی، وصیت پیامبر به معاذ بن جبل هنگام عزیمت به یمن، خطبه پیامبر در حجة الوداع، خطبه امام علی علیه السلام در توحید. نامه ایشان به امام حسن علیه السلام، وصیت ایشان به امام حسین علیه السلام، چهارصد آداب در باره دین و دنیا برای اصحاب، اوصاف پرهیزگاران، خطبه آن حضرت در باره ایمان و کفر، کلام امام علی علیه السلام به کمیل بن زیاد، وصیت آن حضرت به کمیل بن زیاد، وصیت آن حضرت به محمد بن ابی بکر هنگام عزیمت او به مصر، ستایش زهد و نکوهش دنیا و ناپایداری آن، وصیت آن حضرت به امام حسن علیه السلام به هنگام وفات، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، رساله ابو الحسن علی بن محمد [امام هادی علیه السلام] در ردّ جبر و تقویض و اثبات عدل و منزلة بین المنزلتین، جواب های ایشان به مسائل یحیی بن اکثم، نامه امام هادی علیه السلام به اسحاق بن اسماعیل نيسابور، مناجات خدا با موسی بن عمران علیه السلام، مناجات خدا با عیسی ابن مریم علیهما السلام، و مواعظ مسیح در انجیل.

9. الاختصاص مؤلف: شیخ مفید تصحیح: علی اکبر غفاری ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1404 ق. چندین نسخه خطی از الاختصاص وجود دارد. در تصحیح آن، بر دو نسخه اعتماد شده است: یکی نسخه سید محمود زرندی به خط محمد بن علی بن حرّ، که تاریخ

ندارد و در پایان آن، حکایتی از کتاب الأربعین شیخ بهایی آمده است. دیگری نسخه کتاب خانه شیخ حسن مصطفوی با کتابت علی بن شیخ محمد علی، معروف به بشالی جبل عاملی، که در سال 1307 ق، استنساخ شده است. (1) کتاب الاختصاص بارها به چاپ رسیده است؛ از جمله: در سال 1379 ق، در تهران، با تصحیح علی اکبر غفاری. الاختصاص در مصادر کتاب شناسی اولیه، در شمار تألیفات شیخ مفید ذکر نشده است. سید هاشم بحرانی (م 1107 ق)، شیخ حرّ عاملی (م 1106 ق) و محمد باقر مجلسی (م 1111 ق) از آن نام برده اند. (2) انتساب این کتاب به شیخ مفید، معروف نیست؛ بلکه افزون بر شیخ مفید، (3) از احمد بن حسین بن احمد بن عمران، (4) جعفر بن حسین مؤمن قمی (م 340 ق)، (5) و فردی ناشناخته (6) نیز به عنوان مؤلف الاختصاص، یاد شده است. این آشفتگی و تردید در باره مؤلف الاختصاص، برخاسته از اسانید و متن برخی از روایات کتاب و یا برخی از نسخ خطی آن است. آقا بزرگ تهرانی، الاختصاص را همان العیون و المحاسن، کتاب دیگر شیخ مفید دانسته است. وی معتقد است که الاختصاص در اصل، تألیف احمد بن حسن عمران، مکتباً به ابو علی بوده و شیخ مفید آن را در العیون و المحاسن خود وارد کرده است. این کتاب از آن جا که در ابتدای آن، الإختصاص ابو علی آمده، با عنوان الاختصاص معروف شده است. قرینه بر این مطلب، چند چیز است:

- 1- الاختصاص، ص 7\_8، مقدمه مصحح .
- 2- مدينة المعاجز، ج 1، ص 73؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 44؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7، 27.
- 3- وسائل الشیعة، همان جا؛ بحار الأنوار، همان جا؛ مدينة المعاجز، همان جا؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 78؛ الذریعة، ج 15، ص 386.
- 4- أعيان الشیعة، ج 2، ص 512؛ الذریعة، ج 1، ص 385\_360.
- 5- كشف الحجب، ص 30؛ مرآة الكتب، ج 1، ص 15؛ فهرست کتاب خانه شهید مطهری، ج 1، ص 198.
- 6- معجم رجال الحديث، ج 10، ص 339؛ مقالات فارسی کنگره شیخ مفید، ج 55، ص 195\_262؛ مجله نور علم، ج 40، ص 60\_80؛ ج 42، ص 150\_174.

قرینه یکم، نسخه های خطی: یکی نسخه ای در کتاب خانه آستان قدس با تاریخ کتابت 1055 ق، که کاتب آن متذکر شده که آن را از مجموعه ای کتابت کرده که همگی، مستخرج از کتب پیشینیان است. از جمله آن مجموعه، کتاب الاختصاص ابو علی است که شیخ مفید آن را استخراج کرده است. نسخه دیگر، در کتاب خانه مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) است که احمد بن عبد الله بن احمد بن اسماعیل بحرانی نجفی، در سال 1118 ق، آن را کتابت کرده و در پایان متذکر شده که آن، مختصری از کتاب الاختصاص ابو علی است. نسخه های دیگر کتاب، در 1106 و 1085 ق، کتابت شده اند. نسخه اخیر در تملک شیخ حرّ عاملی بوده است. (1) قرینه دوم، خطبه شیخ مفید: در آغاز الاختصاص، خطبه ای است که در آن، به عبارت «العیون و المحاسن» اشاره شده است: هذا کتاب ألفتُهُ و صَنَّفْتُهُ و أَلْعَجْتُ فِي جَمْعِهِ و إِسْبَاغِهِ و أَقْحَمْتُهُ فَنَوْنَا مِنَ الْأَحَادِيثِ و عَيُونًا مِنَ الْأَخْبَارِ و مَحَاسِنَ مِنَ الْأَثَارِ و الْحِكَايَاتِ... (2) قرینه سوم، این که: خطبه آغازین الاختصاص و فهرست مطالب پس از آن، همان خطبه العیون و المحاسن و مطالب آن است. (3) در مقابل این دیدگاه، گفتنی است که الفصول المختارة من العیون و المحاسن \_ که گزیده سید مرتضی از کتاب العیون و المحاسن شیخ مفید است \_ بر خلاف نظر آقا بزرگ تهرانی، تفاوت هایی با الاختصاص دارد. این کتاب شامل مناظرات شیخ مفید با مخالفان و ردّ آرای آنها درباره امامت است و به لحاظ اسلوب و موضوع، با الاختصاص تفاوت دارد. محمّد باقر مجلسی نیز این دو را دو کتاب مستقل دانسته است. (4)

1- الذریعة، ج 1، ص 386 \_ 389.

2- الاختصاص، ص 1.

3- الذریعة، ج 15، ص 386 \_ 387.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 7؛ تراثنا، ش 13، ص 107 \_ 108.

شیخ مفید در این کتاب، به رسم بسیاری از مؤلفان، کتاب را با نام خود آغاز کرده و گفته است: قال محمد بن محمد بن النعمان: حدثني أبو غالب و جعفر بن قولويه عن محمد بن يعقوب... (1) او پس از خطبه، روایات کتاب الاختصاص ابو علی، روایات کتاب فضائل امیر المؤمنین علیه السلام ابن داب، کتاب الجذّة والنار سعید بن جناح و تراجم و شرح حال و فضایل و مدایح گروهی از رجال و مطالب پراکنده دیگر را آورده است. تکرار اسم جعفر بن حسین مؤمن در آغاز بسیاری از اسانید کتاب، قرینه بر انتساب الاختصاص به وی دانسته شده است. (2) ولی این قرینه، ناتمام است؛ چراکه در مصادر کتاب شناسی، الاختصاص در شمار تألیفات او ذکر نشده است. جعفر بن حسین مؤمن، مکنّا به ابو محمد، همان جعفر بن حسین بن علی به شهریار مؤمن قمی (م 340 ق) که از قم به کوفه رفت و در آن جا در گذشت. برای وی، تنها دو کتاب المزار و النوادر را ذکر کرده اند. گویا شیخ مفید، احادیث جعفر بن حسین مؤمن را از یکی از این دو کتاب، استخراج کرده است. برخی با اشاره به ناسازگاری شماری از احادیث الاختصاص با آموزه های کلامی شیخ مفید در دیگر آثارش، در انتساب این کتاب به شیخ مفید، تردید کرده اند. (3) به هر روی، نسخه چاپی الاختصاص، شامل مقدمه کوتاه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به نسخه های خطی قابل اعتماد، جایگاه علمی الاختصاص و برخی از روایات آن \_ که در شمار اخبار غریب، شناخته می شوند \_، اشاره شده است. به موجب این مقدمه، شاید نام گذاری کتاب به «اختصاص»، به جهت

---

1- همان، ص 1.

2- کشف الحجب و الأستار، همان جا.

3- مقالات فارسی کنگره مفید، ج 55، ص 200 \_ 260.

وجود روایاتی است که در آنها حقایق و دقایق و رقایق در شأن ائمه علیهم السلام آمده که تنها پیامبر مرسل یا فرشته مقرب یا بنده مؤمنی که خداوند قلب او را برای ایمان آزموده باشد، کنه آنها را می فهمد. (1) مقدمه مؤلف، پس از ثنای خدا، در باره موضوع کتاب است. وی متذکر شده است که هدفش در این کتاب، گردآوری روایات و اخبار که از آنها به «عیون و محاسن اخبار» یاد کرده \_ در زمینه های مختلف؛ بویژه رجال شناسی است. محمد باقر مجلسی با الهام از عبارت مؤلف، یادآور شده که روایات کتاب، در باره احوال اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است، به علاوه آن که اخبار غریبی نیز در آن وجود دارد. (2) این کتاب افزون بر ارزش حدیثی و کلامی و تاریخی، ارزش رجالی و کتاب شناسی نیز دارد. محقق کتاب، دو استدراک هم در پایان آن آورده است. در مطالب الاختصاص، نظم و سامان مشخص و معناداری به چشم نمی خورد. از جمله آن مطالب است: فضیلت علم، سپاهیان جان بر کف امیر مؤمنان علیه السلام، حالات برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام، حدیث مباحله، وصایای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام، کتاب ابن دأب در فضایل امیر مؤمنان، فضایل اهل بیت از کتاب بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار، کتاب صفة الجنة والنار به نقل از احمد بن محمد بن عیسی از سعید بن جناح، یاران دیرین امیر مؤمنان مانند: سلمان، عمار، ابو ذر و مقداد، حدیث غار، پرسش های فرد یهودی از پیامبر، پرسش های عبد الله بن سلام، ویژگی قلم و لوح محفوظ، حدیث داوود قمی با فرد خارجی، حدیث ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام و هارون الرشید و فضل بن ربیع، احادیث موسی بن جعفر علیهما السلام با: یونس بن عبد الرحمان، خزیمه بن ثابت، اصبع بن نباتة، عیسی بن أعین، عبد الله بن عباس بن عبد المطلب، رشید هجری، زید بن صوحان، سفیان بن علیلی همدانی، ابراهیم بن

1- الاختصاص، ص 5\_6.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 37.



**10 . أمالی المفید**

شعیب، سعد بن عبد الملك اموی، ابو احمد محمد بن ابی عُمیر، مرزبان بن عمران قمی اشعری، صفوان بن یحیی، علی بن عبید الله بن علی بن حسین علیهما السلام، هشام بن حکم و دلانل او بر برتری امام علی علیه السلام، ازدواج امام جواد علیه السلام با دختر مأمون، گفتگوی امیر مؤمنان علیه السلام با ابلیس، باب قیاس، جزء فیه اخبار من روایات اصحابنا و غیرها، نامه محمد بن ابی بکر به معاویه، وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام، زبان بعضی از حیوانات، نامه معاویه به امام علی علیه السلام و جواب آن حضرت، هشت گروه که نمازشان پذیرفته نمی شود، رنج نامه امیر مؤمنان علیه السلام، حدیث فدک، مناظره ابو حنیفه با امام صادق علیه السلام، عبد الله بن ابی یعفور، محمد بن مسلم، ابو جعفر احول محمد بن نعمان مؤمن طاق، جابر بن یزید جعفی صاحب تفسیر، حماد بن عیسی جُهَنی بصری، حرز بن عبد الله و ابن مسکان، اثبات امامت امامان دوازدهگانه، حدیث مفصل و آفرینش ارواح ائمه علیهم السلام، دعا و اوقات آن، دیدار با مؤمن برای خدا، وصایای لقمان حکیم به فرزندش و... . روایات کتاب الاختصاص، با اسناد کامل و گاه مرسل، از 21 نفر از مشایخ مؤلف نقل شده اند، از جمله: جعفر بن حسین مؤمن قمی \_ که حدود 35 روایت از وی نقل شده \_، جعفر بن قولویه قمی، ابو غالب زراری، شیخ صدوق و ابن ولید. این کتاب، از مصادر کتاب های حدیثی، کلامی و رجالی است. (1)

10 . أمالی المفید مؤلف: شیخ مفید تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری ناشر: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ دوم، 1414 ق.

1- . حلیة الأبرار، ج 1، ص 160؛ ج 2، ص 433؛ مدینة المعاجز، ج 1، ص 73، 91، 121، 326؛ تفسیر البرهان، ج 2، ص 127؛ وسائل الشیعة، ج 3، ص 425؛ ج 18، ص 65، 74.

در تحقیق کتاب الأمالی، از چهار نسخه خطی و یک نسخه چاپی استفاده شده است: نسخه خطی تصحیح شده اما ناقص، که به خط علی بن حسن بن احمد بن ابراهیم بن مظاهر در سال 755ق، کتابت شده؛ نسخه ای به تاریخ 1295ق؛ نسخه وقفی میرزا ابو طالب قمی بدون تاریخ و نام کاتب؛ نسخه کتاب خانه سید جلال الدین ارموی؛ و نسخه چاپی در نجف اشرف با تحقیق شیخ حسن مصطفوی. (1) الأمالی مفید، بارها در ایران و خارج از ایران چاپ شده است؛ از جمله، در تهران و در سال 1300ق. از این کتاب، گاه با عنوان الأمالی المتفرقات، (2) المجالس (3) و گاه با هر دو عنوان، (4) یاد شده است. شاید قید «متفرقات» که در کلام نجاشی آمده، ناظر به پراکندگی زمان املا، پراکندگی موضوع روایات یا پراکندگی مشایخ در کتاب باشد. احتمال گزینه پراکندگی مشایخ، از آن رو محتمل است که شیخ طوسی در کتاب الأمالی خود، روایات هر یک از مشایخ را در یک جا و به دنبال هم، ذکر کرده است. انتساب الأمالی به شیخ مفید، معروف است و او نیز خود، در برخی آثارش، به آن ارجاع داده است. (5) با این حال، شیخ طوسی و ابن شهر آشوب، از آن نام نبرده اند. نسخه چاپی الأمالی مفید، شامل مقدمه محقق و اصل کتاب است. الأمالی در 42 مجلس و با 387 حدیث از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و عترت او، سامان یافته است. مطالب این کتاب، روایاتی است که شیخ مفید در مجالس مختلفی در هفت سال (404 \_ 411 ق)، بر گروهی از شاگردان خود املا کرده است. راوی کتاب، علی بن محمد بن عبد الرحمان فارسی، (6) در ابتدای هر مجلس، روز، ماه، سال و گاه مکان برگزاری آن را ذکر کرده است. بررسی تاریخ های یاد شده، روشن می کند که: این مجالس در

1- الأمالی، مفید، ص 28 \_ 29.

2- رجال النجاشی، ص 403.

3- بحار الأنوار، ج 1، ص 7.

4- الذریعة، ج 2، ص 315؛ ج 19، ص 367.

5- تصحیح الاعتقاد، ص 146.

6- الأمالی، ص 1.

ماه های رمضان و رجب و شعبان، و معمولاً در روز شنبه و گاه دوشنبه یا چهارشنبه، بر پا می شده اند. همچنین، در سال های 405 تا 406، مجلسی تشکیل نشده، و در سال 407 ق، بیش از دیگر سال ها، مجلس بر پا شده است. در سال 408 نیز، تنها دو مجلس بر پا گردیده است. در میان مجالس کتاب، مجلس بیست و سوم بدون تاریخ است و تاریخ مجلس چهل و یکم، پیش از مجلس چهلم ذکر شده است. این، شاید در اثر پس و پیش شدن اوراق، رخ داده باشد. در کتاب الأمالی، 387 روایت با اسناد کامل نقل شده است. پس میانگین تعداد روایات هر مجلس، حداکثر شانزده حدیث است. مجلس بیست و سوم که بدون تاریخ است، 47 حدیث دارد (1) که همگی با يك سند، از احمد بن ولید از علی بن مهزیار، نقل شده اند. از میان روایات این مجلس، رساله حقوق از امام سجاد علیه السلام نیز به چشم می خورد که در 23 صفحه، جای گرفته است. این تعداد روایات؛ بویژه رساله امام سجاد علیه السلام که قدری طولانی است، این احتمال را تقویت می کند که شیخ مفید، این روایات را به شیوه املا نقل کرده است. به قرینه آن که مجالس پیش از مجلس بیست و چهارم، در رمضان سال 408 بر پا نشده، گویا شیخ مفید قسمتی از کتاب علی بن مهزیار را در اختیار راوی خود قرار داده تا آن را به جای مجلس بر پا نشده، قرار دهد. شیخ مفید اکثر روایات الأمالی را یا از طریق عامّه نقل کرده است یا از طرقی که مشتمل بر راویان اهل سنت اند. (2) زمینه روایات کتاب، کلامی، اخلاقی، تاریخی و غیره است. این پراکندگی، در برخی از مجالس کتاب نیز دیده می شود. با يك نظر کلی ولی دقیق، معلوم می شود که مباحث کلامی؛ بویژه مسأله امامت و قضایای پیرامونی و مرتبط با آن - همچون تخلفات خلفا از دستورهای پیامبر صلی الله علیه و آله و خروج آنها از سنت (3) و مسائل اخلاقی، (4)

1- الأمالی، ص 179.

2- الأمالی، ص 26، مقدّمه محقق کتاب.

3- الأمالی، ص 40، 56، 76، 112.

4- همان، مجلس 23.

**11. أمالی الطوسی**

زمینه اکثر روایات این کتاب را تشکیل می دهد. در سال 755 ق، علی بن حسن بن احمد بن مظاہر حلّی، شاگرد فخر المحققین فرزند علامه حلّی، این کتاب را تلخیص کرد که نسخه خطی آن موجود است. دیگری نیز در سال 1074 ق، چنین کرد. الأمالی از مصادر فلاح السائل، (1) محاسبة النفس، (2) إقبال الأعمال، (3) مدينة المعاجر توبلی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل است.

11. أمالی الطوسی مؤلف: شیخ طوسی تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، مؤسسة البعثة ناشر: دار الثقافة، قم، چاپ اول، 1414 ق. در تحقیق کتاب، از يك نسخه خطی و دو نسخه چاپی استفاده شده است: نسخه خطی، با تاریخ تحریر 580 ق، به خط سدید بن محمد بن عبد الله بن محمد بن هلال کاتب است؛ شامل هیجده مجلس آغازین کتاب، و با مشایخ مؤلف آغاز می شود. نسخه چاپ شده در ایران و در سال 1313 ق، کامل است و همه مجالس را شامل می شود. نسخه چاپی نجف اشرف، به سال 1381 ق، در چاپ خانه نعمان چاپ شده است. (4) از این کتاب با عنوان المجالس فی الأخبار، (5) المجالس و الأخبار (6) و «المجالس، مشهور به الأمالی» (7) یاد شده است. در سده یازدهم، عدّه ای از کتاب شناسان، کتابی را با عنوان

- 
- 1- فلاح السائل، ص 167، 215.
  - 2- محاسبة النفس، ص 14 \_ 15.
  - 3- الإقبال، ج 1، ص 23.
  - 4- الأمالی، ص 26؛ ر.ک: الذریعة، ج 2، ص 309؛ فهرس التراث، ج 1، ص 527.
  - 5- الفهرست، طوسی، ص 241؛ معالم العلماء، ص 150.
  - 6- وسائل الشیعة، ج 20، ص 38؛ الفوائد الرجالیة، ج 3، ص 233.
  - 7- بحار الأنوار، ج 1، ص 7.

الأمالی \_ که گاه المجالس نیز نامیده می شود \_ به فرزند شیخ طوسی، حسن بن محمد بن حسن طوسی نسبت داده اند. (1) برخی به تعدد الأمالی و المجالس، برای پدر و فرزند قائل شده اند. (2) محمد باقر مجلسی متذکر شده که در سده یازدهم و دوازدهم، امالی ابوعلی، معروف تر از امالی شیخ طوسی بوده؛ اگرچه اکثر مردم آن را همان امالی شیخ می پندارند. (3) عده ای نیز همچون نویسندگان اعیان الشیعة و الذریعة، بر یگانگی آن دو تأکید کرده اند و این قول را به سید بن طاووس نسبت داده اند. آنان متذکر شده اند که امالی منسوب به ابوعلی، جزئی از امالی شیخ طوسی است. (4) نسخه چاپی امالی طوسی، شامل مقدمه محقق و اصل کتاب است. اصل کتاب، در 46 مجلس سامان یافته است. اسانید هیجده مجلس نخست کتاب، با مشایخ شیخ طوسی آغاز می شود؛ در حالی که اسانید 28 مجلس دیگر، با خود شیخ طوسی شروع می شود. میانگین تعداد روایات در هیجده مجلس اول کتاب، بیش از میانگین تعداد روایات در 28 مجلس دیگر است. همچنین، مجالس هیجده گانه نخست، با تاریخ سال، ماه و روز شروع نشده اند؛ ولی 28 مجلس پایانی، تاریخ دارند. به استناد تاریخ های یاد شده، این مجالس در سال 457 \_ 458 ق، و در روزهای جمعه ماه های محرم تا صفر برپا شده اند. نسخه های خطی و مطبوع کتاب در سال 1313 ق، در تعداد مجالس کتاب، کم و بیش اختلاف دارند، چنان که نسبت به عناوین و برخی از مشخصات و حتی ترتیب مجالس هیجده گانه و بیست و هفت گانه نیز اختلاف است. در نسخه خطی کتاب، متعلق به سال 580 ق، هیجده مجلس نخست، با عنوان «اجزاء هیجده گانه» ذکر شده و اسانید و روایاتشان، با مشایخ شیخ طوسی شروع می شود و فاقد تاریخ سال، ماه و روز است. در قسمت دوم، 26 مجلس با عنوان «مجلس» و با تاریخ سال، ماه و روز ذکر شده و اسانید روایات آنها با نام شیخ طوسی آغاز می شود

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 27؛ وسائل الشیعة، همان جا؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 73، 79.

2- بحار الأنوار، همان جا؛ وسائل الشیعة، همان جا.

3- بحار الأنوار، همان جا.

4- الأمالی، طوسی، ص 22، مقدمه محقق؛ الذریعة، ج 2، ص 309، 313.

و راوی آن، ابو علی طوسی فرزند شیخ است. در نسخه مطبوع در 1313 ق، ترتیب نسخه خطی مراعات شده؛ ولی بر خلاف آن، هیجده جزء نخست کتاب، با نام شیخ طوسی آغاز می شود و ابو علی از وی روایت می کند و در ابتدای اجزا سال و ماه املا ذکر شده است. به موجب تاریخ های یاد شده، این مجالس در سال های 455 \_ 457 ق، بر پا شده (1) و شمارشان 27 مجلس ذکر شده است. این تعداد با هیجده جزء نخست آن، 45 مجلس می شود؛ در حالی که براساس نسخه خطی، شمار مجالس، 46 مورد است. آقا بزرگ تهرانی براساس نسخه ای قدیمی اما ناتمام، متعلق به نیمه اول سده یازدهم، متذکر شده که نسخه موجود کتاب، کمتر از دو سوم اصل کتاب است. (2)

شیخ طوسی در این کتاب، روایات منقول از مشایخ خود را با اسناد کامل، به صورت متمرکز و پشت سر هم، ذکر می کند. شیخ مفید، ابن شاذان، حسین بن غضائری، ابن عبدون، ابن صلت، هلال حفار، ابن عقده، ابو غالب زراری، ابو منصور سکری، حسن بن محمد فحام، ابن ابی فوارس، حسین بن ابراهیم قزوینی، ابن خشیش، ابی طیب طبری، ابن بشران، ابن مخلد، ابن مهدی و... از مشایخ حدیث او هستند. از امالی شیخ مفید، مجالس 26 تا 32 در جزء اول و اوایل جزء دوم، و مجلس 34 تا پایان آن، در اواخر جزء دوم تا اوایل جزء پنجم، نقل شده است. روایات بسیاری با يك سند از ابن عقده، در جزء 16 تا 18، از ابو قتاده در جزء 10 و 11، از ابراهیم بن اسحاق در جزء 14، و از ابو مفضل شیبانی در جزء 16 تا 18 نقل شده است. به نظر می رسد که شیخ طوسی، این روایات را از روی کتاب این افراد املا می کرده است. همچنین، برخی از مجالس امالی شیخ صدوق، از طریق حسین بن عبید الله غضائری روایت شده است. (3)

1- الذریعة، ج 2، ص 309؛ الأمالی، همان، ص 22 \_ 23.

2- الذریعة، ج 2، ص 313.

3- الأمالی، ج 15.

**12. کنز الفوائد**

مطالب کتاب پراکنده است و از این نظر، با امالی شیخ صدوق، شباهت دارد. از میان مطالب کتاب، می توان به این موارد اشاره کرد: امامت و اخلاق، مسائل فقهی، سیره نبوی، ادعیه مأثوره، گزارش های تاریخی درباره حرکت های سیاسی و... گزارش های تاریخی در این کتاب، از مجال و گستره وسیعی برخوردارند و برخی از حوادث، به تفصیل نقل شده است؛ مانند: هجرت مسلمانان به حبشه، جنگ خیبر و وقایع مربوط به آن، جنگ موته، مسئله خلافت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، مقتل امام حسین علیه السلام، قیام مختار، و گزارش وفات پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از ابو بکر.

12. کنز الفوائد مؤلف: ابو الفتح کراچکی تحقیق: شیخ عبد الله نعمت ناشر: دار الأضواء، بیروت، چاپ اول (در دو مجلد)، 1405 ق. در تحقیق کتاب، از چند نسخه خطی استفاده شده که کهن ترین آنها متعلق به سال 677 ق، است. (1) این کتاب برای بار نخست، در سال 1322 ق، در ایران چاپ شد. انتساب کنز الفوائد به کراچکی، مشهور است. (2) موضوع کتاب، مسائل پراکنده ای در زمینه تفسیر، فقه، کلام، اخلاق و تاریخ است که در رساله های کوتاه و بلند، بدانها پرداخته است. نسخه چاپی کتاب، در مقدمه بلند محقق کتاب و ده رساله، سامان یافته است. تعداد رساله ها و نیز عناوین برخی از آنها، در نسخه های چاپی و فهرست تألیفات کراچکی، یک سان نیست. در فهرست تألیفات کراچکی، سیزده رساله، ولی در چاپ شیخ عبد الله نعمت، ده رساله و در چاپ مصطفوی، پنج رساله ذکر شده است. این رساله ها یا اجزا، عبارت اند از: 1. الذُّخْرُ للمعاد فی صحیح الاعتقاد، 2. الإعلام بحقیقة إسلام أمير المؤمنین علیه السلام، 3. رساله فی

1- الذریعة، ج 18، ص 161.

2- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 130؛ الذریعة، ج 18، ص 161.

وجوب الإمامة، 4. التذكرة بأصول الفقه، 5. البرهان على طول عمر صاحب الزمان عليه السلام، 6. رسالة في مسح الرجلين، 7. التنبيه على حقيقة البلاغة، 8. الإيضاح بين طريقى الزيدية والإمامية، 9. الكرّ والفرّ، 10. الكلام فى الخلا والملا، 11. الرد على الغلاة، 12. الرد على المنجمين، 13. تفضيل الأنبياء عليهم السلام على الملائكة. (1) برخی از این رساله ها، جداگانه نیز به چاپ رسیده اند: 1. رسالة التعجب، 2. رسالة فى مسح الرجلين فى الوضوء، 3. الإعلام بحقيقة إسلام أمير المؤمنين عليه السلام، 4. البرهان على طول عمر صاحب الزمان عليه السلام. تنوع و پراکندگی، محدود به موضوع رساله ها نیست، که در درون آنها نیز این تنوع دیده می شود. در رساله مقدمات فنّ کلام، این مطالب آمده است: جسم، جوهر، عرض، باقى، فانی، اجتماع، افتراق، حرکت، سکون، حیّ، قادر، عالم، مرید، غضب، رضا، تکلم، صدق، کذب، حق، خیر، کلمات امیر مؤمنان علیه السلام درباره علم و جایگاه عالم، حلم و حسن خلق، و مطالبی از تورات درباره کشتی نوح. در رساله وجوب امامت نیز پس از بیان اهمیّت وجود ائمه علیهم السلام و علل نیاز به آنها و نقل احادیثی از فریقین درباره ضرورت امام شناسی در هر زمان، به این مسائل و موضوعات پرداخته شده است: مسئله امامت، مسائل اخلاقی، مسائل فقهی، شعر، سخن مسیح درباره دنیا، کلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام درباره دنیا، تثبیت امامت صاحب الزمان علیه السلام و امامت پدران آن حضرت، وجوب امامت و عصمت امام، کلام امیر مؤمنان، حکمت های او، مواعظ، کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، قصه و بیان خاطره، تفسیر قرآن، قضا و قدر، گفتگوی ابوحنیفه با امام کاظم علیه السلام، کلام امام صادق علیه السلام با زراره، کلام امیر مؤمنان و آداب و حکمت های او، غیبت و سبب آن، مسائل فقهی، کلامی از امیر مؤمنان درباره زنان، کلام سقراط درباره زنان، مریض و عیادت او، قبور و دفائن،



مسئله فقهی مشکل، حدیث وحدت صانع، کلام پیامبر خدا در خصلت‌ها از يك تا ده، فضائل امیر مؤمنان صلی الله علیه و آله و نصوصی درباره او از پیامبر صلی الله علیه و آله، کلام علی علیه السلام و آداب او در فضیلت سکوت و... . عناوین اصلی و فرعی کتاب و تربیت آنها، گویای سامانی معنادار و منطقی نیست. گویی کراچکی به مناسبت و از باب «الكلام یجزّ الکلام»، به این مباحث پرداخته است. تبیین مسائل در این کتاب، بر دو روش عقلی و نقلی استوار است. کاربرد روش عقلی، در اثبات توحید، قضا و قدر، عصمت امام، ضرورت وجود امام، شرح و تأویل آیه و یا تحلیل و تجزیه و نقد حدیث (1) است. با این حال، تکیه گاه اصلی، روایات معصومان علیهم السلام و نقل است. مباحث اخلاقی، فقهی، فضائل، امامت ائمه علیهم السلام و حتی برخی از مسائل کلامی، با این روش پردازش شده اند. مؤلف در این زمینه، به روایات پیامبر خدا و ائمه علیهم السلام، آیات تورات و انجیل درباره پیامبر اسلام، گزارش های تاریخی و شواهد ادبی، قصه ها و حکایات پیشینیان، سخنان حکمای یونان و چند رؤیا استناد کرده است. بیشتر این گزارش ها، احادیثی از معصومان علیهم السلام در زمینه اخلاق و آداب، فضائل و نصوص، کلام، فقه و تفسیر است. کراچکی، احادیث اخلاقی را مرسل (2) و گاه مسند، و احادیث فضائل و نصوص را مسند و گاه مرسل می آورد. (3) در زمینه اخلاق، کلمات امام علی علیه السلام و گاه پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان، منبع اصلی کراچکی است. وی احادیث فضائل و نصوص را بیشتر از طریق اهل سنت روایت کرده است. این کتاب افزون بر ارزش کلامی، حدیثی، اخلاقی و تاریخی اش، در فقه الحدیث نیز اهمیت دارد. کراچکی در موارد بسیاری پس از نقل حدیث، با مطالبی تحت عنوان «شرح و توضیح» و گاه «تأویل»، معنای لغات و عبارات را روشن کرده و نیز در

- 
- 1- همان، ج 1، ص 56، 57، 123، 144، 155.
  - 2- همان، ج 1، ص 61، 62، 64، 86، 93، 98، 99.
  - 3- همان، ج 1، ص 87، 91، 141، 144، 182، 192.

**13 . روضة الواعظین و بصیرة المتعظین**

مواردی اندک، به نقد محتوایی حدیث پرداخته است. (1) کتاب کنز الفوائد، از مصادر وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. (2)

13 . روضة الواعظین و بصیرة المتعظین مؤلف: فتال نیشابوری تحقیق و تقدیم: سید محمد مهدی خرسان ناشر: منشورات رضی، قم، چاپ دوم، بدون تاریخ (دو جزء در یک مجلد). گویا چاپ اول آن، در سال 1303 ق، انجام گرفته است. (3) از روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، گاه با همین عنوان (4) و گاه با عنوان روضة الواعظین و تبصرة المتعظین (5) یاد شده است. انتساب این کتاب به فتال نیشابوری، معروف است؛ اگرچه آن را به شیخ مفید نیز نسبت داده اند. (6) روضة الواعظین در زمینه اخلاق و آداب، تاریخ، کلام و فضایل است. نسخه چاپی این کتاب، در یک مجلد و دو جزء، سامان یافته و شامل مقدمه محقق در شرح حال مؤلف و کتاب او، و سپس مقدمه کوتاه مؤلف است. محقق کتاب در مقدمه، به اختلاف گزارش ها درباره مؤلف آن، جایگاه مؤلف و در پایان، جایگاه کتاب و انتساب آن به فتال نیشابوری پرداخته است. مقدمه مؤلف نیز شامل مطالبی است درباره: انگیزه تألیف، موضوع کتاب، شکل و شیوه پردازش، و تذکری درباره مفاد و مدلول برخی از روایات کتاب که در ظاهر، با عقاید مسلم شیعیان امامیه، هماهنگ نیستند. این کتاب، نخست در موضوع اصول دین و مسائل

1- همان، ج 1، ص 156 \_ 160.

2- وسائل الشیعة، ج 20، ص 45؛ ج 11، ص 262؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 35، 88، 95.

3- الذریعة، ج 11، ص 305.

4- روضة الواعظین، ص 2؛ معالم العلماء، ص 151؛ أمل الآمل، ج 2، ص 260.

5- بحار الأنوار، ج 1، ص 7.

6- روضة الواعظین، ص 15 \_ 16، مقدمه محقق.

پایه ای آن فراهم شد. پس از آن، به اقتضای کار و عطف و خطابه \_ که مؤلف از جوانی به آن اشتغال داشت \_ ، دامنه موضوع به اخلاق و آداب و فضایل نیز گسترش یافته است. (1) این کتاب بر اساس ابواب و مجالس، مرتب شده است. مؤلف در آغاز ابواب و مجالس، به ذکر آیات مناسب موضوع باب می پردازد و سپس احادیث پیامبر خدا و ائمه علیهم السلام را ذکر می کند. احادیث کتاب، مرسل اند و به گفته مؤلف، بدان جهت که احادیث یاد شده، معروف و شایع اند، سندشان حذف شده است. (2) ابن فثال نیشابوری، آن تذکر آغازین را در پایان کتاب نیز داده است. وی خوانندگان را از داوری عجولانه درباره اخباری که ظاهرشان هماهنگ با مذهب حشو و اختلاط است، بر حذر داشته و به تأمل و تفکر در آنها و رجوع به آگاهان و تأویل دانان فرا خوانده است. او در مقدمه، تأکید کرده است که در این کتاب، اخبار و آثار موافق با مذهب حشورا نمی آورد، مگر آن که به تأویلش آگاه باشد. با این حال، وی به بهانه پرهیز از پر حجم شدن کتاب، از تأویلی درست آنها سر باز زده است. او تأکید کرده که اهل حشو و اختلاط نیست و اهل تحقیق است. (3) محقق نسخه چاپی، متذکر شده است که مراد ابن فثال از «اهل تحقیق»، کسانی است که اعتقاد به حق دارند؛ یعنی امامیه. (4) ابن فثال این کتاب را در دو جزء سامان داده است: جزء اول، شامل سی مجلس است که در میان آنها ابواب و فصولی بدین ترتیب قرار گرفته است: ماهیت عقول، علوم، نظر و وجوب شناخت خداوند متعال و فساد تقلید در آن، صفات باری، خلق افعال، قضا و قدر، عدل، توحید، نبوت، بعثت، معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و تاریخ آن، امامت و مسائل مربوط به آن، تاریخ زندگانی ائمه علیهم السلام از امیر مؤمنان تا امام حسن عسکری و

1- روضة الواعظین، ص 1.

2- روضة الواعظین، ص 2.

3- همان، ص 2\_ 3.

4- همان، ص 16 ، مقدمه محقق .

نیز تاریخ حضرت زهرا علیها السلام. جزء دوم، شامل بیش از هفتاد مجلس است در موضوعاتی مانند: تاریخ حضرت حجّت علیه السلام و امامت او، مناقب آل محمّد علیهم السلام و فضائل بعضی از بزرگان، ذکر بعضی از احکام، زمان ها و مکان ها، قبور، قیامت، صراط، میزان، جنت و نار و... . کتاب روضة الواعظین و بصیرة المتّعظین، از مصادر کتاب های بسیاری است، مانند: مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب (م 588 ق)، مشکاة الأنوار علی طبرسی (م ، سده هفتم)، الصراط المستقیم علی بن یونس (م 877 ق)، حلیة الأبرار، و نیز مدینة المعاجز سیّد هاشم بحرانی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل .

## فصل پنجم : متون حدیثی تک زمینه ای

## الف \_ فضایل ایام و ماه ها

## 1 . فضائل الأشهر الثلاثة (شهر رجب، شهر شعبان، شهر رمضان)

فصل پنجم : متون حدیثی تک زمینه ایالف \_ فضایل ایام و ماه ها 1 . فضائل الأشهر الثلاثة (شهر رجب، شهر شعبان، شهر رمضان) مؤلف: شیخ صدوق تحقیق: میرزا غلام رضا عرفانیان ناشر: دار المحجة البيضاء، دار الرسول الأكرم صلى الله عليه وآله، بيروت، چاپ دوم، 1412 ق. محقق کتاب، از چهار نسخه خطی استفاده کرده است: نسخه شیخ شیر محمد همدانی که بارها توسط همدانی، با چندین نسخه تصحیح شده و قابل اعتماد، مقابله شده است. نسخه کتاب خانه آیه الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطا، نسخه کتاب خانه امیر المؤمنین علیه السلام در نجف با شماره 5 / 872 و نسخه کتاب خانه آیه الله سید محسن طباطبائی حکیم. کهن ترین نسخه، در سال 589 ق، کتابت شده است. (1) نسخه همدانی، اصل و اساس تحقیق قرار گرفته و با دیگر نسخه ها به گونه اجمالی، مقابله شده است. نیز مقابله با جوامع اولیه و اصلی حدیث \_ مانند: بحار الأنوار، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، مصباح المتهدج، إقبال الأعمال، الأمالی و المجالس صدوق و ثواب الأعمال او \_، از نظر محقق دور نمانده است.

1- الذریعة، ج 1، ص 87؛ فهرس التراث، ج 1، ص 423؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص 5، مقدمه محقق .

عنوان «فضائل الأشهر الثلاثة» برای این کتاب، نامی مستحدث است که محمد باقر مجلسی (1) و میرزا حسین نوری، آن را به کار برده اند. (2) در نخستین مصادر کتاب شناسی \_ چون: رجال نجاشی، فهرست طوسی و معالم العلمای ابن شهر آشوب \_، از سه عنوان فضائل رجب، فضائل شعبان و فضائل رمضان نام برده شده است. شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه در سه جا، (3) هر سه کتاب را یاد کرده، و در کتاب الخصال، تنها از فضائل ماه رجب (4) نام برده است. شیخ حرّ عاملی نیز در دو کتاب أمل الآمل و وسائل الشیعة، (5) هر سه عنوان را ذکر کرده است. انتساب این کتاب به شیخ صدوق، معروف است؛ اگرچه به سان دیگر کتب مؤلف، متواتر نیست. (6) کتاب فضائل الأشهر الثلاثة، از مصادر وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. (7) روایات کتاب، اسناد کامل دارند و بیشترشان از طریق اهل بیت علیهم السلام و با واسطه پدر مؤلف، ابن ولید، و گاه با واسطه ابن موسی بن متوکل و دیگران، روایت شده اند و موضوعشان فضایل سه ماه رجب، شعبان و رمضان است. این روایات، در یک سطح از اعتبار قرار ندارند و به دیگر سخن، صحیح به معنای اصطلاحی نیستند. (8) با این حال، اعتبار کتاب همچنان پا بر جاست؛ چرا که در ادبیات اسلامی به این گونه روایات، «روایات رجا» گفته می شود و عالمان نقد حدیث نیز ضعف اسناد آن ها را چندان مهم نمی گیرند. افزون بر این، مضمون این روایات، در دیگر کتب معتبر حدیثی \_ مانند: الوافی، وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل \_ نیز آمده است.

- 
- 1- بحار الأنوار، ج 1، ص 7.
  - 2- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 87.
  - 3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 92، 94، 100.
  - 4- الخصال، ص 503.
  - 5- وسائل الشیعة، ج 20، ص 37 \_ 38.
  - 6- بحار الأنوار، همان جا.
  - 7- وسائل الشیعة، ج 5، ص 189، 240، ج 7، ص 2، 15، 18، 90، 330، 355؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 87، 296، 299، 487.
  - 8- فضائل الأشهر الثلاثة، ص 5، مقدمه محقق .

**2. العروس**

نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق و 156 روایت در فضائل ماه های رجب، شعبان و رمضان است و در پایان، اجازه مکتوب محقق از سید ابو القاسم خویی و شرح حال او نیز افزوده شده است. در مقدمه محقق، افزون بر شرح حال مختصری از مؤلف، در باره جایگاه کتاب، انتساب آن به مؤلف و اعتبار روایات آن نیز سخن رفته است. متن اصلی کتاب، که مقدمه ای از مؤلف ندارد، با این روایت آغاز می شود: من صام أول يوم من رجب رغبة في ثواب الله، وجب له الجنة. ومن صام في وسطه... ومن صام في آخره، جعله الله من ملوك الجنة وشفعه في أبيه و... (1) و با حدیثی از ابو هریره از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پایان می پذیرد: رُبَّ صَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجَوْعُ، وَرُبَّ قَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ قِيَامِهِ السَّهْرُ. (2) خطبه ای که شیخ صدوق با عنوان «خطبه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جمعه پایانی ماه شعبان» از دو طریق آورده، تفاوت های بسیاری با خطبه مشهور دارد. (3)

2. العروس مؤلف: ابن رازی تحقیق: سید محمد حسین نیشابوری ناشر: ابو محمد، جعفر بن احمد بن علی قمی، معروف به ابن رازی، همان مؤلف جامع الأحادیث است که پیش از این، معرفی شد. العروس، همراه با جامع الأحادیث به چاپ رسیده و مصحح آن، سید محمد حسینی نیشابوری است. به نسخه های خطی و دیگر مشخصات آن، در معرفی جامع الأحادیث اشاره شد. کتاب العروس در این چاپ، 23 صفحه جای گرفته و دارای 42 باب در باره فضائل و اعمال روز جمعه است. مؤلف

---

1- همان، ص 17.

2- همان، ص 144.

3- همان، ص 129\_ 130.

**3. فضائل شهر رجب**

در آغاز کتاب، با اشاره به انگیزه خود از تألیف آن، متذکر شده که خدا به روز جمعه، ویژگی های فراوان بخشیده است و برتری آن را بر روزهای دیگر، به عبادت قرار داده و آن را همانند عروسی پا به حجله، آراسته است. وی در باره نام کتاب نیز اشاره کرده که آن را از روایتی الهام گرفته که بر پایه آن، امام صادق علیه السلام فرمود: قیامت که فرا رسد، خداوند روزها را به صورت هایی بر می انگیزند که مردم، آنها را می شناسند. آن گاه، جمعه را پیشاپیش آن روزها، به سان عروسی قرار خواهد داد که با جمال و کمال، راهی خانه شوهری دیندار و ثروتمند است. (1) مؤلف در این کتاب، به کتاب فضل الجمعة نیز ارجاع داده، که گویا کتاب دیگر وی بوده است. (2) سند روایات العروس، مرسل است. محمد باقر مجلسی و محدث نوری، از آن نقل کرده اند. (3)

3. فضائل شهر رجب مؤلف: حاکم حسّکانی تحقیق: محمد باقر محمودی ناشر: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث؛ در دفتر یازدهم میراث حدیث شیعه، قم، 1382 ش، ص 53 \_ 76. در تحقیق این رساله، از نسخه ای خطی با تاریخ کتابت 429 ق، استفاده شده است که در کتاب خانه آستان قدس رضوی، با شماره 12405 نگهداری می شود. فضائل رجب، پیش از این نیز در پایان مجلد دوم شواهد التنزیل توسط (مجمع إحياء الثقافة الإسلامية بیروت، 1411 ق)، به چاپ رسید. نسخه چاپی با تحقیق محمودی، شامل مقدمه ای کوتاه در شرح حال مؤلف و

1- .جامع الأحادیث، ص 145 \_ 146.

2- .همان، ص 166.

3- .بحار الأنوار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا؛ الذریعة، ج 15، ص 254.



نسخه خطی کتاب است، سپس اصل رساله همراه با تعلیقات محقق، و سرانجام، پی نوشت محقق برای معرفی آن دسته از مشایخ حسکانی (حَسَّ کابی) که نامشان در اسناد روایات این رساله آمده است. اصل رساله، با مقدمه کوتاه مؤلف آغاز می شود. وی در این مقدمه، به انگیزه تألیف و فشرده‌گی اثر، اشاره کرده و گفته است که این رساله را به تقاضای عالمی زاهد به نام حامد بن احمد بن جعفر نوشته است، به این امید که تذکره ای برای اولاد او و دیگر خوانندگان باشد. (1) رساله فضائل شهر رجب، در پانزده باب با عناوین مشخص، و با پانزده حدیث سامان یافته است. از این روایات \_ که با اسناد کامل، از طریق اهل سنت نقل شده اند \_، چهارده روایت از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یک روایت از امام صادق علیه السلام است. این روایات را نه نفر از صحابه پیامبر خدا نقل کرده اند: انس بن مالک، ابوبکر نفیع بن حارث، عایشه، ابوسعید خُدَری، ابوهریره، ابن عباس، جابر بن عبد الله، سلمان فارسی و مخنف بن سَلَمِیم. روایت پانزدهم، دعایی است معروف به «دعای استفتاح»، که امّ داوود از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. عناوین سایر ابواب رساله، به این ترتیب است: دعای هلال ماه رجب، تعیین محلّ ماه رجب میان شعبان و رمضان توسط پیامبر خدا، نام گذاری ماه رجب به «ماه خدا» علّت نام گذاری ماه رجب به «اصم»، مکتوب بودن روزهای ماه رجب بر سر در آسمان، فضیلت غسل کردن در ماه رجب، روزه پیامبر صلی الله علیه و آله در این ماه، دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به روزه رجب، فضیلت روزه در سه روز پنج شنبه، جمعه و شنبه در ماه رجب، فضیلت روزه در روز مبعث، فضیلت نماز شب در شب های رجب، فضیلت نماز در روزهای رجب به شماره روزهای آن، قربانی در رجب.

## ب\_ متون اخلاق و آداب

## 1. التمهیص

ب\_ متون اخلاق و آداب 1. التمهیص مؤلف: ابن همام اسکافی تحقیق و تخریج: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، 1404 ق. در تحقیق و تصحیح التمهیص، بر سه نسخه خطی اعتماد شده است: نسخه شیر محمد همدانی، با تاریخ کتابت 1353 ق؛ نسخه آیه الله صفایی خوانساری که با نسخه میرزا محمد حسین نوری طبرسی (تاریخ کتابت: 1280 ق) مقابله شده است؛ و نسخه سید عبد العزیز طباطبائی یزدی، با تاریخ استنساخ 1380 ق. (1) عنوان «التمهیص»، در مصادر نخستین نیامده است. در سده دهم، این کتاب مطرح گردید و از آن پس، در شمار منابع حدیثی معتبر شناخته شد. نخستین منابعی که از این کتاب یاد کرده اند، عبارت اند از: کتاب الوافیة فی تعیین الفرقة الناجية اثر شیخ ابراهیم قطیفی (م 991 ق)، أمل الآمل شیخ حر عاملی، بحار الأنوار محمد باقر مجلسی، ریاض العلمای افندی اصفهانی، و مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری. (2) انتساب التمهیص به ابن همام اسکافی، معروف نیست. در باره مؤلف التمهیص، دو دیدگاه مطرح شده است. شیخ ابراهیم قطیفی، شیخ حر عاملی، قاضی نور الله شوشتری، افندی اصفهانی و آقا بزرگ تهرانی، آن را تألیف ابن شعبه حرّانی، معاصر شیخ صدوق، دانسته اند. (3) گروهی دیگر مانند: فیض کاشانی، (4) محقق خوانساری، (5)

- 
- 1- التمهیص، ص 75، مقدمه محقق کتاب.
  - 2- الذریعة، ج 4، ص 432؛ أمل الآمل، ج 2، ص 74؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 17، 34؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 244؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 186.
  - 3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 186 \_ 188؛ الذریعة، ج 4، ص 432 \_ 433؛ التمهیص، ص 8 \_ 12، مقدمه موحدی اصفهانی.
  - 4- التمهیص، همان، ص 9.
  - 5- روضات الجنات، ج 6، ص 151.

میرزا حسین نوری (1) و محققان نسخه چاپی التمحيص، (2) یا آن را به ابن همام نسبت داده اند و یا به این دیدگاه، متمایل شده اند. به هر حال، به نظر می رسد که التمحيص به ابن همام انتساب دارد؛ ولی با پذیرش این انتساب نیز تردیدی دیگر وجود دارد در این که: آیا روایات این کتاب، با واسطه از ابن همام روایت شده یا با املائی ابن همام بوده است؟ در فرض دوم، نگارش آن مانند امالی های شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی است. شاید تردید محمد باقر مجلسی نیز در انتساب التمحيص به ابن همام، از همین جهت بوده است. (3) نسخه چاپی التمحيص، شامل مقدمه بلند محمد باقر موحد ابطحی و اصل کتاب است، و نیز معرفی سه نسخه خطی ای که در تحقیق کتاب، به آنها اعتماد شده است. اصل کتاب، در نه باب با عناوین مشخص، سامان یافته و 171 روایت دارد. مؤلف به اقتضای شرایط خاص محیط بغداد و توابع آن، (4) روایات این کتاب را بر اساس مفادشان گرد آورده است که در جهت کاهش آلام و دردها، از حکمت و پیامد بیماری ها، بلاها و سختی ها می گویند و نیز تأثیر مثبت و سازنده انواع بلاها بر روان آدمی، خبر بویژه محو و نابودی آثار گناهان. جز در حدیث اول کتاب که آن را با اسناد کامل آورده، در سایر روایات، تنها به نام نخستین راوی از معصوم علیه السلام، بسنده کرده است. مفصل ترین روایت کتاب، خطبه ای است به نام همام، که آن را از راوی ناشناخته ای روایت کرده است. (5) عناوین باب های کتاب التمحيص، چنین است: سرعة البلاء إلى المؤمن (المؤمنین)، تعجيل التمحيص عن المؤمن (المؤمنین)، التمحيص بالعلل و

1- خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

2- التمحيص، همان، ص 14.

3- همان جا.

4- همان، ص 29.

5- همان، ص 70 \_ 75.

**2. مصادقة الإخوان**

الأمراض، التمحيص بالحزن والهَم، التمحيص بذهاب المال ومدح الفقر، وجوب الأرزاق والإجمال في الطلب، حُسْن اختيار الله للمؤمنين ونظره لهم وإن كانوا كارهين، مدح الصبر وترك الشكوى واليقين والرضا بالبلوى، في أخلاق المؤمنين وعلامات الموحّدين.

2. مصادقة الإخوان مؤلف: شيخ صدوق تصحيح و تحقيق: سيّد محمّد مشكات مترجم: محمّد تقى دانش پژوه ناشر: نشر كرمان، قم، 1402 ق. در تحقيق كتاب، از چهار نسخه خطی استفاده شده است: نسخه میزا مجد الدين نصیری که قدیمی ترین نسخه است و در اختیار میرزا حسین نوری بوده است؛ نسخه میرزا فضل الله شيخ الاسلام زنجانی که جدید و پر اشتباه است و تفاوت بسیاری با سایر نسخه ها دارد؛ و نسخه آیه الله میرزا محمّد تهرانی، که اساس تحقيق و تصحيح بوده است. (1) نسخه ای نیز با تاریخ کتابت 1277 ق، از آن کتاب خانه آیه الله گلپایگانی در قم است که در مجموعه شماره 1307 جای دارد. (2) مصادقة الإخوان بارها جداگانه یا همراه با کتابی دیگر، چاپ شده است. این کتاب افزون بر همین عنوان، (3) با نام های المصادقة، (4) حقوق الإخوان (5) و کتاب الإخوان (6) نیز معرفی شده است. شهرت مصادقة الإخوان، همانند دیگر کتب شيخ صدوق نیست.

1- مصادقة الإخوان، ص 2 \_ 3.

2- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله گلپایگانی، ج 2، ص 245، 294.

3- نجاشی، ص 390؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 6؛ مستدرک الوسائل، ج 5، ص 30.

4- الفهرست، طوسی، ص 237؛ معالم العلماء، ص 147.

5- أمل الآمل، ج 2، ص 284.

6- وسائل الشیعة، ج 20، ص 41 \_ 42.

**3. المواعظ**

در برخی از مصادر کتاب شناسی، مصادقة الإخوان با الإخوان علی بن بابویه پدر شیخ صدوق، یکی پنداشته شده است. قرینه بر این یگانگی، مشایخ مؤلف کتاب است که بی واسطه و با عبارت «حدّثنا» از آنها نقل شده است؛ کسانی چون: علی بن ابراهیم قمی، سعد بن عبد الله اشعری و محمد بن یحیی عطار. اینان، مشایخ علی بن بابویه پدر صدوق بوده اند و شیخ صدوق، تنها با واسطه پدرش از آنها نقل کرده است. (1) به هر حال، کتاب مصادقة الإخوان، به اخلاق و آداب و آیین دوستی و برادری پرداخته و از مصادر الدمعة الساکبة، وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. (2) در نسخه چاپی کتاب، مقدمه ای از سعید نفیسی در شرح حال خاندان بابویه و اصل کتاب، گنجانده شده است. محقق کتاب با استناد به نسخه های خطی پیش گفته، موارد اختلاف را در پاورقی ذکر کرده است. اصل کتاب، در 43 باب با عناوین مشخص دارد. روایات کتاب از ائمه علیهم السلام و با اسناد ناقص، نقل شده اند. برخی از عناوین کتاب، به این شرح است: اصناف برادران، دیدار با برادران، دوست داشتن برادران، مهربانی با برادران، پوشانیدن برادران، کسانی که باید از برادری با آنها پرهیز کرد، حقوق برادران بر یکدیگر، این که برادران دینی آینه یکدیگرند، مهربانی، از خود گذشتگی، اطعام برادران، همکاری و تعاون، دوری برادران، ثواب لبخند داشتن هنگام برخورد با برادران، مصافحه و دست دادن به برادران، خوش حال کردن برادران مومن، ناپسندی بخل و گله و شکایت، تلاش برای رفع نیاز برادران، آزمایش برادران، دعا برای برادران و... .

3. المواعظ مؤلف: شیخ صدوق تحقیق: عزیز الله عطاردی

- 
- 1- الذریعة، ج 1، ص 383؛ ج 21، ص 97.
  - 2- الذریعة، همان جا؛ وسائل الشیعة، ج 8، ص 414 \_ 415؛ بحار الأنوار، همان جا؛ مستدرک الوسائل، ج 5، ص 30، ج 7، ص 209، ج 10، ص 379.

ناشر: انتشارات مرتضوی، قم، بی تا. این کتاب که در مصادر، با عنوان [المواعظ \(1\)](#) و یا [المواعظ و الحكم \(2\)](#) از آن یاد شده، تا سده پانزدهم، نایاب شمرده می شد. نسخه خطی این کتاب، با عنوان [لثالی الغوالی](#)، در کتاب خانه ناصریه در لکهنو هندوستان پیدا شده است. [\(3\)](#) البته این که نسخه موجود به نام [المواعظ](#)، اثر شیخ صدوق باشد، مسلم نیست و اگر از آن صدوق باشد، روشن نیست که آیا همانی است که در منابع نام برده اند، یا اثری دیگر است که این نام را به خود گرفته. به استناد سه قرینه موجود در این نسخه، می توان آن را از تألیفات شیخ صدوق شمرد: یکی موضوع کتاب که \_ همانند کتاب مذکور در تألیفات صدوق \_ در زمینه [مواعظ و نصایح](#) است. دوم این که: شماری از روایات کتاب که با عبارت «قال مصنف هذا الكتاب...» نقل شده اند، در قسمت نوادر کتاب من لا یحضره الفقیه [\(4\)](#) و معانی الأخبار نیز آمده اند. سوم این که مشایخ بی واسطه مؤلف در اسناد بسیاری از روایات کتاب، همان مشایخ شیخ صدوق اند. [\(5\)](#) از دیگر سو، شاید این کتاب، همان قسمت نوادر کتاب من لا یحضره الفقیه باشد که جداگانه بازنویسی شده، نه آن کتاب [المواعظ](#) که در فهرست تألیفات شیخ صدوق آمده است. [\(6\)](#) مقابله ای که میان نسخه موسوم به [المواعظ](#) با بخش نوادر کتاب من لا یحضره الفقیه انجام گرفت، نشان داد که در موارد بسیاری، هماهنگی و تشابه، دو احتمال را پیش می کشد:

- 1- رجال النجاشی، ص 392.
- 2- الفهرست، طوسی، ص 237؛ معالم العلماء، ص 147.
- 3- [المواعظ](#)، مقدمه محقق کتاب، ص الف.
- 4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 394 \_ 420.
- 5- همان، ص «ط» \_ «ی» .
- 6- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن بابویه.

#### 4. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال

يك. شاید شيخ صدوق پس از تألیف بخش نوادر، تغییراتی در آن ایجاد کرده و عنوان «المواعظ» را بر آن نهاده باشد. مؤید این احتمال، آن است که شيخ صدوق، برخی از روایات را در چندین کتاب تکرار کرده است؛ مانند مناظرات امام رضا علیه السلام که در کتاب التوحید و کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام آمده است. دو. شاید کس دیگری، بخش نوادر را تغییر داده و با عنوان المواعظ، به تنهایی مطرح کرده باشد. به هر حال، روایات این کتاب، مرسل اند و بسیاری از آنها وصایای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است. عزیز الله عطاردی، المواعظ را به فارسی برگردانده است.

4. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال مؤلف: شيخ صدوق مقدمه: سيّد محمد مهدي سيّد حسن خراسان. ناشر: منشورات شريف رضی، قم، چاپ دوم، 1368 ش. در تحقیق ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، افزون بر چاپ سنگی آن \_ که در سال 1962 م، در کتاب خانه حیدریه بغداد چاپ شده \_، از يك نسخه خطی نیز استفاده شده است. نسخه سنگی، که با تحقیق سيّد احمد اشكوری است، با نسخه خطی دیگری مقابله شده که در کتاب خانه عمومی آية الله حکيم در نجف (به شماره 846) نگهداری می شود و بخش «ثواب الأعمال» در 1027 ق و «عقاب الأعمال» در 1028 ق، به خط محمد خلیفه جزائری سمنانی، استنساخ شده است. (1) آقا بزرگ تهرانی، چند نسخه خطی دیگر را نیز معرفی کرده که کهن ترین آنها متعلق به سال 985 ق، است. (2) همچنین، مترجمی ناشناخته نیز این کتاب را ترجمه

1- ثواب الأعمال، ص 7.

2- الذریعة، ج 15، ص 280؛ ج 16، ص 145.

کرده که به خط میر علی بن ابراهیم بن احمد کرقی در سال 1001 ق، کتابت شده و 160 صفحه دارد. این نسخه، در کتاب خانه شخصی رضا استادی است. (1) کتاب ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، بارها در ایران و خارج از ایران، با چاپ سنگی و حروفی چاپ شد؛ از جمله، در سال 1299 ق، در تبریز. کار تحقیق آن، توسط علی اکبر غفاری و سید احمد اشکوری انجام گرفت. در مصادر اولیه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال را با دو عنوان جداگانه ذکر کرده اند. (2) گویا نخستین بار، محمد باقر مجلسی در سده یازدهم، آن دو را تحت یک عنوان آورده است. (3) انتساب این کتاب به شیخ صدوق، معروف و بلکه متواتر است. این کتاب، از اعتنا و اعتماد عالمان نامدار در سده های بعد، برخوردار شده است. (4) صدوق این کتاب، اخلاق را در چشم انداز ثواب و عقاب اخروی اعمال، در میان نهاده است. نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه بلند سید حسن موسوی خراسان، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. سید حسن موسوی خراسان در مقدمه خود به چند مطلب پرداخته است: شرح حال خاندان بابویه، اهمیت کتاب، مشایخ شیخ صدوق، پیشینه موضوع، و معرفی نسخه خطی و نسخه های چاپی کتاب. به گفته وی، تنها دو کتاب در باره ثواب و عقاب، هر دو، تألیف شده است که این کتاب، دومی آنهاست. در باره ثواب اعمال، دوازده کتاب و در باره عقاب اعمال نیز دو کتاب تألیف شده است که بیشتر آنها نایاب اند. (5)

- 
- 1- تراثنا، ش 49، ص 146.
  - 2- رجال النجاشی، ص 389؛ الفهرست، طوسی، ص 140؛ معالم العلماء، ص 149.
  - 3- بحار الأنوار، ج 1 ص 7.
  - 4- همان، ج 1، ص 26؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 36؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 146، ص 156، ج 2، ص 388.
  - 5- ثواب الأعمال، ص 24 \_ 25.



مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف اختصاص دارد. وی در این باره، به کلامی از پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کرده که بر اساس آن، کسی که به خیر و نیکی راه نمایی کند، همانند کسی است که به آن عمل کند. (1) گویا کتاب در اصل، فاقد ساختار و نظامی بر اساس فصل و باب و عنوان بوده است. این هر دو، توسط علی اکبر غفاری، و عنوان بندی مطالب، در تحقیق اشکوری انجام گرفته است. در نسخه علی اکبر غفاری، مطالب کتاب در دو جزء ثواب اعمال و عقاب اعمال، در 520 باب سامان یافته است. در مجموع، در ثواب الأعمال بیش از هشتصد روایت، و در عقاب الأعمال بیش از سیصد روایت آمده است. روایات هر دو کتاب، غالباً با اسناد کامل و گاه ناقص، نقل شده اند. شمار مراسیل در ثواب الأعمال، تنها چهار حدیث و در عقاب الأعمال، پنج حدیث است. روایات، همگی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است. (2) اعتبار احادیث کتاب، در يك سطح نیست؛ چراکه جایگاه این روایات، به سان سایر روایات و کتاب های ترغیب و ترهیب، ثواب و عقاب است. در این گونه کتاب ها، هدف اصلی مؤلف از هر مذهب و در هر شهر و دهری، گردآوری احادیث برای ترهیب و ترغیب است؛ یعنی فراخواندن به خیر و دور داشتن از شر و بدی. از این روست که انواع اخبار آحاد دارای متن قوی و سند صحیح، متن مبتدل و سست و سند ضعیف، متن مقبول و سند مردود و مردود الدلاله و مقبول السند، در چنین آثاری دیده می شود. این شیوه، بر پایه تساهل در اخبار است که بر قاعده تسامح در ادله سنن، تکیه دارد. به موجب این قاعده، شروط لازم برای عمل کردن به اخبار آحاد - مانند: اسلام، عدالت و ضبط -، در روایات حاکی از سنن، چه در جنبه فعل (مستحبات) و چه در ترك (مکروهات)، لازم نیست؛ مگر آن که معلوم شود روایت، بر ساخته (جعلی) است. این قاعده در میان فریقین، اجماعی است. (3)

1- ثواب الأعمال، ص 2.

2- همان، ص 25 \_ 26.

3- همان، ص 26.

**5. الخصال**

سه ترجمه فارسی از کتاب ثواب الأعمال انجام گرفته است: دو ترجمه در سده چهاردهم، (1) و یکی هم توسط علی اکبر غفاری که چاپ شده است. باب نخست ثواب الأعمال، باب «ثواب مَنْ قال لا إله إلا الله» است و باب پایانی آن، «ثواب محبّة الولد و ثواب من فرح ابنته». باب نخست عقاب الأعمال، باب «عقاب مَنْ أتى الله من غير بابه» و باب پایانی آن، «عقاب مجرم عقوبات الأعمال» است.

5. الخصال مؤلف: شیخ صدوق تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری ناشر: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1403 ق. در تحقیق الخصال، از يك نسخه چاپی و دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه چاپی در سال 1302 و 1374 ق، با تصحیح سید فضل الله طباطبایی یزدی منتشر شده و در تحقیق کتاب، اصل قرار گرفته است. یکی از دو نسخه خطی، در کتاب خانه مسجد شاه (امام خمینی) است که دو جزء دارد: جزء اول در 1011 ق، توسط کاتبی ناشناخته استنساخ شده و جزء دوم در 1064 ق، توسط بهاء الدین محمد بن عبد الله بن محمد بن حسین بشروی. نسخه دوم، در کتاب خانه دکتر سید محمود حجّت همدانی است با تاریخ 1104 ق، به خط محمد جان بن حاج محب علی همدانی. (2) افزون بر اینها، نسخه ای به کتابت صدر الدین محمد بن فتح الله حسینی در سال 1071 ق، که در پایان آن، تاریخ تملك محمد حسن بن علی نقی حسینی تونی، در سال 1139 ق، ثبت شده است. (3) کتاب الخصال، بارها در ایران و خارج از آن چاپ شده است، از جمله: در سال 1389 ق، توسط مکتبه الصدوق در تهران.

1- الذریعة، ج 4، ص 93.

2- الخصال، ص 12، مقدّمه مصحح.

3- تراثنا، ش 22، ص 117.

الخصال با همین عنوان، در مصادر اولیه نیز ذکر شده است. (1) انتساب آن به شیخ صدوق، معروف و بلکه متواتر است. و از مصادر وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. روایات الخصال، در زمینه اخلاق و فضائل و رذائل است. نسخه چاپی، شامل مقدمه محقق، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به نسخه های قابل اعتماد در تصحیح کتاب، موضوع کتاب و اهمیت آن اشاره شده و مهم تر از همه، این که اسانید کتاب؛ بویژه اسانید متعلق به رجال اهل سنت، با استناد به مصادر رجالی آنان تصحیح شده است. مقدمه مؤلف، در باره موضوع کتاب و شیوه سامان آن است. به موجب این مقدمه، شیخ صدوق به تألیفی ابتکاری دست زده که پیشینه ای نداشته است؛ وی روایات را بر اساس «اعداد» گرد آورده است. (2) مطالب کتاب، در 26 باب با عنوان «باب الواحد»، «باب الثانی»، «باب الثالث»... تا «الف الف»، سامان یافته است. برای نمونه، در روایت باب پایانی کتاب، نقل شده است که: «خداوند تا ألف ألف (هزار هزار) عالم و ألف ألف آدم آفریده است». شیخ صدوق تحت هر باب، با الهام از مضمون روایات همان باب، عناوین متناسب را که بیشتر با واژه «خصلت» آغاز می شود، ذکر کرده است. در عنوان باب ها، باب شصتم و نودم دیده نمی شود، و این، گویا بدان جهت بوده که مؤلف این ارقام را در روایات نیافته است. روایات کتاب با اسناد کامل، از طریق شیعه امامی و بیشتر با واسطه علی بن بابویه پدر شیخ صدوق، ابن ولید، ابن ماجیلویه و ابن موسی بن متوکل، نقل شده اند و در کمتر از هفتاد مورد، از طریق مشایخ حدیث اهل سنت. (3) ابو الفتح کراجکی با الهام از سبک عددی الخصال، کتاب معدن الجواهر را نگاشت. (4) عدّه ای دیگر نیز به اختصار،

1- رجال النجاشی، ص 389؛ الفهرست، طوسی، ص 237، در نسخه بدل؛ معالم العلماء، ص 149.

2- الخصال، ص 1.

3- الأمالی، ص 1، مقدمه کوه کمره ای؛ الخصال، ص 12، مقدمه محقق.

4- الذریعة، ج 21، ص 229.

## 6. الأعمال المانعة من دخول الجنة

شرح و برگردان آن به فارسی پرداختند. (1) از آن جمله اند: کتاب نخبة الخصال از مؤلفی ناشناخته، که نسخه ای از آن با تاریخ کتابت 1267 ق، در کتاب خانه مدرسه سپهسالار موجود است و میرزا حسین نوری آن را در اختیار داشته و در فهرست کتاب های خود، ذکر کرده است؛ (2) دو شرح که در سده سیزده و اوایل سده چهارده، بر باب های دوازدهم و هفتم نوشته شده اند؛ (3) و نیز شرح فارسی کامل، به قلم شیخ میرزا باقر کوه کمره ای، که در سه مجلد در سال 1367 ش، چاپ شده است. باب اول الخصال، در توحید است. نخستین روایت که گویا تنها روایت این باب است، نقل سؤال اعرابی از امام علی علیه السلام در جنگ جمل است. امام علیه السلام توحید را چهار قسم کرده، دو قسم را باطل و دو قسم را درست دانسته است. دو قسم باطل، یکی وحدت عددی است که خدا در باب اعداد قرار نمی گیرد و دیگری «واحد من الناس...». برخی از عناوین دیگر باب ها، به این قرار است: باب بیستم: در بیست خصلت محبت اهل بیت علیهم السلام، باب چهلم: در قبول نشدن نماز شارب خمر تا چهل روز، باب پنجاهم: در حقوق پنجاهگانه ای که امام علی بن حسین سید العابدین علیه السلام، باب هفتم: در هفتاد فضیلت بی بدیل امیر مؤمنان علیه السلام، باب هشتم: در نزول هشتاد آیه قرآن در شأن امام علی علیه السلام، باب صد و بیستم: در 120 رنگ میوه، باب سیصد و شصتم: در تعداد روزهای سال. نیز بابی با عنوان «الصلاة لها أربعة آلاف باب» و باب دیگر: «خلق الله عز و جل أربعة وعشرين ألف نبی و خلق الله عز و جل أربعة وعشرين ألف وصی».

6. الأعمال المانعة من دخول الجنة مؤلف: ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی، معروف به ابن رازی قمی. ابن رازی قمی، همان صاحب جامع الأحادیث است و چون چند اثر او با هم چاپ

1- همان، ج 20، ص 195؛ ج 24، ص 94.

2- الذریعة، همان جا.

3- همان، ج 13، ص 194؛ ج 22، ص 314.

**7. صفات الشيعة**

شده اند، مشخصات کتاب شناسی همه آنها در معرّفی جامع الأحادیث گذشت. الأعمال المانعة من دخول الجنة، در باره اعمالی است که مانع ورود به بهشت می شوند. این رساله، 24 باب دارد و احادیث آن با اسناد کامل، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و در موردی از کعب الاحبار نقل شده اند. این رساله از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. (1)

7. صفات الشيعة مؤلف: شیخ صدوق ناشر: انتشارات عابدی، تهران، بدون نوبت و تاریخ چاپ نسخه هایی از این کتاب، در کتاب خانه های ایران و عراق موجود است که کهن ترین آنها به سده نهم تعلق دارد. (2) صفات الشيعة جداگانه و گاه همراه با فضائل الشيعة و یا مصادقة الإخوان، چاپ شده است. گروه تحقیق مدرسه المهدی، در سال 1410 ق، و شیخ محمد تقی ذاکری در چاپ بیروت (انتشارات دار الشرق الاوسط) آن را با تحقیق، منتشر کرده اند. این کتاب، از آثار معروف شیخ صدوق است و در مصادر نخستین، نامش در کنار کتاب های معروف و مسلم وی آمده است. (3) برخی از متأخران، آن را متواتر و «معلوم الانتساب» خوانده اند؛ (4) ولی گروهی، شهرت آن را به اندازه دیگر آثار شیخ صدوق ندانسته اند. (5) این کتاب از مصادر وسائل الشيعة و بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. نسخه چاپی صفات الشيعة، مقدمه ای از مؤلف ندارد و شامل هفتاد روایت از معصومان علیهم السلام، بدون ترتیب و باب و عنوان است. اسناد روایات، کامل نیست و با

- 
- 1- بحار الأنوار، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا؛ الذريعة، ج 2 ص 247؛ ج 19، ص 30.
  - 2- الذريعة، ج 17، ص 138؛ ج 16، ص 260؛ ج 15، ص 45.
  - 3- رجال النجاشی، ص 268؛ معالم العلماء، ص 106.
  - 4- وسائل الشيعة، ج 20، ص 36 \_ 38.
  - 5- بحار الأنوار، ج 1، ص 26.

**8. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر**

واسطه علی بن بابویه، ابن ولید و ابن ماجیلویه نقل شده است. طولانی ترین احادیث کتاب، خطبه همام (1) و خطبه امام علی علیه السلام پس از جنگ جمل است که در بصره برای اصحاب و یارانش فرمود. (2) موضوع این کتاب، بایدها و نبایدها، پسندها و ناپسندها، خوب ها و بدها و در یک بیان کلی، در باره اخلاق در جنبه های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و معنوی است. برخی از این بایدها و نبایدها، عبارت اند از: ورع، اجتهاد، وفاداری، امانتداری، زهد، قیام در شب و روزه در روز، فرمان برداری از امام و مخالفت با دشمنان او، لزوم تقیه، دوستی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان آنان، عیادت از بیماران، شاد شدن با شادی دوستان اهل بیت علیهم السلام و محزون شدن با حزن آنان، دوری از هم نشینی با اشرار و نزدیکی با ابرار، عفت در شکم و فرج، اخلاص در عمل، تقوا پیشگی، رجا و خوف، توجه داشتن به فقرا، پرهیز از هم نشینی با اهل ریب، رأفت و مهربانی، حلم و بردباری، مداومت بر دعا و تلاوت قرآن.

8. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر مؤلف: ابو الفتح کراچکی تحقیق: سید احمد حسینی ناشر: چاپ خانه مهر استوار، چاپ دوم، 1394 ق. در تحقیق این کتاب، از نسخه ای خطی متعلق به سال 902 ق، استفاده شده است. این نسخه در مجموعه ای شامل ده رساله، در کتاب خانه عمومی آیه الله مرعشی است. (3) آقا بزرگ تهرانی سه نسخه خطی از معدن الجواهر و ریاضة الخواطر را ذکر کرده است: یکی نسخه شیخ عباس قمی است و دیگری، نسخه ای به خط شیخ تاج الدین

1- صفات الشیعة، ص 18.

2- همان، ص 39.

3- معدن الجواهر، ص 12 \_ 13.

حسین بن شمس الدین صاعدی، مندرج در مجموعه ای با تاریخ کتابت 986 ق، که بر پشت آن، صورت اسناد این کتاب به مؤلف آمده است. سومی، نسخه ای است که در کتاب خانه شیخ امین آل حاج کاظم کاظمی، که در برخی از حواشی آن، تاریخ کتابت 781 ق، ذکر شده است. سید حسن امین، صاحب اعیان الشیعة، احتمال داده که این نسخه، با خط ابن ادریس حلی باشد. (1) شیخ عباس قمی کتاب معدن الجواهر و ریاضة الخواطر را با عنوان نزهة النواظر فی ترجمة معدن الجواهر، به فارسی برگرداند، که از سال 1339 ق، بارها توسط انتشارات مرتضوی چاپ شده است. (2) اصل کتاب نیز در مجله الهادی، متعلق به دار التبلیغ قم، در سال 1392 ق، چاپ شد. کتاب معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، با همین عنوان (3) و گاه با عنوان معدن الجواهر، (4) ذکر شده است. انتساب این کتاب به ابو الفتح کراچکی، معروف است. (5) این کتاب، در زمینه اخلاق و مواعظ و آداب و حکم تألیف شده و از مصادر کتاب های حدیثی متأخر است. (6) نسخه چاپی معدن الجواهر، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، پس از شرح حال مؤلف، به معرفی تألیف از جهت انتساب به مؤلف، موضوع، پیشینه و نسخه های خطی آن، پرداخته شده است. مؤلف نیز در مقدمه خود، به اهمیت موضوع کتاب، شیوه نظم و ترتیب مطالب و سابقه آن اشاره کرده و گفته است که پس از گردآوری «جواهر الفاظ و عیون معانی» در اخلاق

1- الذریعة، ج 21، ص 221 \_ 222.

2- الذریعة، ج 24، ص 130؛ معجم المطبوعات النجفیه، ص 362.

3- «مکتبه العلامة الکراچکی»، السید عبد العزیز الطباطبائی، تراثنا، ش 44، 387؛ أمل الآمل، ج 2، ص 287.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 18.

5- بحار الأنوار، ج 1، ص 35.

6- وسائل الشیعة، ج 17، ص 307؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 218؛ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 82؛ ج 4، ص 278.

و آداب و مواعظ»، آنها را بر اساس ترتیب و تسلسل اعداد \_ که بی سابقه نبود \_ ، سامان داده است. کراچکی در این زمینه، بر اخبار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، برخی از امامان علیهم السلام پاره ای از سخنان دیگر پیامبران و نیز حکمای مسلمان و غیر مسلمان و زهاد، اعتماد کرده است. (1) او اسانید روایات را برای اختصار، ذکر نکرده است. کراچکی مواعظ و نکته های حکمی و اخلاقی را به گونه عددی، همانند روش شیخ صدوق در کتاب الخصال، مرتب کرده و در ده باب، به ترتیب اعداد از یک تا ده، سامان بخشیده است. سخنان مربوط به هر باب یا عدد را نیز بر اساس نظام معنایی تقدّم و تأخّر مقام معنوی گوینده کلام، سامان داده است؛ به این صورت که ابتدا سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، سپس سخنان ائمه علیهم السلام و در پایان، کلام زهاد و حکمای مسلمان و غیر مسلمان را آورده است. از اشخاص غیر معصوم، گاه با ذکر نام و گاه با عنوان علما، حکما، زهاد و یا با عبارت «قیل»، یاد شده است. لقمان، ارسطاطالیس، هند، بزرگمهر، ابن مقفّع، عبد الله بن عباس، احنف بن قیس و حسن بصری، از کسانی هستند که از آنها سخنانی نقل کرده است. نقل نمونه هایی از عنوان باب ها و مطلب ذیل هر کدام، خالی از فایده نیست:

باب ذکر ما جاء فی واحد قال سیّدنا رسول الله صلی الله علیه و آله : أيها الناس! إنّ ربّکم واحد زوی عنهم علیهم السلام أنّ أصل خیر فی الدنیا شیء واحد، و هو الخوف من الله . قال بعض العلماء: أشقى الناس رجلاً واحداً، و هو من كفى أمر دنياه... وسئل حکیم عن البخل والجبن والحرص، فقال: الجميع طبيعة واحدة و یجمعهنّ شیء واحد و هو سوء الظن.

باب ذکر ما جاء فی اثین [قال] سیّدنا رسول الله صلی الله علیه و آله : العلماء رجلاّن: رجل أخذ بعلمه فهو...



## ج - متون کلامی

## 1. الشفاء والجلء

قال أمير المؤمنين عليه السلام: الناس في الدنيا رجلان: رجل ابتاع نفسه فأعتقها ورجل باع نفسه فأوثقها. قال الباقر عليه السلام: ما من خطوة أحب من خطوتين: خطوة يشد بها صفا في سبيل الله وخطوة ذى رحم. قال لقمان لابنه: يا بُنَيَّ! أنهاك عن شيئين: الكسل والضجر. فإناك إذا كسلت، لم تؤدِّ حقاً وإذا ضجرت، لم تصبر.

باب ذكر ما جاء في ثلاثة زواي أن في بعض كتب الله تعالى: «من عافيتُه من ثلاثة، أكملتُ نعمتي عليه: من أغنيته عن مال أخيه وعن سلطان يأتيه وطيب يستشفيه».

ج - متون کلامی 1. الشفاء والجلء مؤلف: خضيب ايدى رازى تحقيق: محمد باقر محمودى ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، تهران، 1364 ق، (در سه مجلد). عنوان اين كتاب، گاه الشفاء و الجلاء (1) و گاه الجلاء والشفاء (2) ذكر شده و انتساب آن به خضيب ايدى، معروف است. ابن شهر آشوب در مناقب آل أبى طالب، بدون اشاره به نام مؤلف، چند بار از آن نقل کرده است (3) و افندى اصفهانى، آن را در شمار تأليفاتى ذكر کرده كه مؤلفشان ناشناخته است. (4) به هر روى، اين كتاب از مصادر كتاب هاى حديثى، کلامى و دعائى بسيارى است، مانند: الغيبة ي شيخ طوسى، (5) مناقب

1- رجال النجاشى، ص 97؛ الفهرست، طوسى، ص 76؛ خلاصة الأقوال، ص 322.

2- معالم العلماء، ص 54.

3- مناقب آل أبى طالب، ج 3، ص 128، 446، 489، 526.

4- رياض العلماء، ج 1، ص 49.

5- الغيبة، ص 148، 154، 155.

**2. الإمامة و التبصرة من الحيرة**

آل أبي طالب ابن شهر آشوب، جمال الأسبوع، الطرائف، فلاح السائل و كشف المحجة ی ابن طاووس، المحتضر حسن بن سليمان حلّی، (1) بحار الانوار محمّد باقر مجلسی (با واسطه المحتضر حسن بن سليمان)، و مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری (با واسطه مناقب آل أبي طالب). (2) موضوع کتاب الشفاء و الجلاء، به تصریح اکثر کتاب شناسان متقدّم \_ مانند: نجاشی، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب و علامه حلّی \_، در زمینه غیبت امام دوازدهم است و آن را کتابی نیکو (3) در این زمینه دانسته اند. (4) گزارش ها و روایت هایی که از آن کتاب، نقل شده در باره موضوعاتی است از این دست: ملاقاتهایی با امام زمان علیه السلام در دوره غیبت کبرا (5)، فضائل ائمه علیهم السلام \_ همچون: آگاهی پیشین امام علی علیه السلام از خیانت ابو موسی اشعری، (6) مهریه فاطمه زهرا علیها السلام، (7) و آگاهی امام رضا علیه السلام از امور غیبی و زبان های مختلف \_ (8)، گفتگو در باره جانشین امام رضا علیه السلام، (9) کیفیت صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام، (10) لزوم قصد در صحت طلاق، و تحریم ازدواج خواهر. (11)

2. الإمامة و التبصرة من الحيرة مؤلف: ابن بابويه قمی

- 
- 1- بحار الأنوار، ج 8، ص 347؛ ج 14، 361.
  - 2- جمال الاسبوع، ص 30 \_ 36؛ الطرائف، ص 511؛ فلاح السائل، ص 165؛ كشف المحجة، ص 53؛ بحار الأنوار، ج 6، ص 243، ج 11، ص 226، ج 13، ص 350، ج 14، ص 458، ج 27، ص 132؛ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 291.
  - 3- الفهرست، طوسی، همان جا.
  - 4- كشف المحجة، ص 53.
  - 5- فلاح السائل، همان جا؛ جمال الأسبوع، همان جا؛ الغيبة، طوسی، ص 133 \_ 135.
  - 6- الطرائف، همان جا.
  - 7- مناقب آل أبي طالب، ج 3، ص 128 \_ 130.
  - 8- همان، ج 3، ص 446 \_ 460.
  - 9- همان، ج 3، ص 526.
  - 10- جمال الأسبوع، ص 30؛ مستدرک الوسائل، ج 5، ص 347.
  - 11- به ترتیب مستدرک الوسائل، ج 15، ص 291، ج 14، ص 361.

تحقیق: گروه تحقیق مدرسه الإمام المهدي عليه السلام ناشر: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، 1404 ق. در تحقیق کتاب، از دو نسخه خطی مصور استفاده شده است که هر دو، متعلق به سده یازدهم اند: یکی نسخه محمد باقر مجلسی در کتاب خانه سید محمد علی روضاتی، و دیگری نسخه موجود در کتاب عوالم العلوم، نوشته شیخ عبد الله بن نور الله بحرانی، معاصر و شاگرد محمد باقر مجلسی. (1) این نسخه را، توسط ابن محمد رضا معروف به قاسم، با عنوان الإمامة والتبصرة و به نام علی بن حسین بن بابویه، در سال 1097 ق، کتابت کرده است. (2) نسخه اول، شامل دو قسمت است: قسمت اول، کتاب الإمامة والتبصرة من الحيرة و قسمت دوم، جامع الأحادیث جعفر بن احمد بن علی قمی. برخی از کتاب شناسان، چون میرزا حسین نوری و آقا بزرگ تهرانی، در انتساب الإمامة والتبصرة به ابن بابویه قمی، تردید کرده اند. آنان در بررسی انتساب این کتاب به ابن بابویه، مطالبی را ملاک قرار داده اند که در بحار الأنوار، از آن نقل شده است. به موجب این بررسی، معلوم شد که برخی از مشایخ مؤلف این کتاب، در طبقه مشایخ ابن بابویه قرار ندارند؛ بلکه در طبقه فرزند او، شیخ صدوق، جای می گیرند؛ مانند: هارون بن موسی تلعبری (م 385 ق)، حسن بن حمزه علوی، سهل بن احمد دیباجی (م 370 ق) و ابو مفضل شیبانی (م 387 ق). (3) با پیدا شدن دو نسخه خطی یاد شده، معلوم شد که آنچه میرزا حسین نوری و آقا بزرگ تهرانی بدان استناد کرده اند، روایاتی از جامع الأحادیث ابن رازی، معاصر شیخ صدوق بوده است. گذشت که نسخه محمد باقر مجلسی، مشتمل بر هر دو کتاب بوده است؛ (4) اما وی به جهت افتادگی صفحات آغازین و پایانی جامع الأحادیث، نتوانسته بود مؤلف آن را بشناسد

1- الإمامة والتبصرة، ص 15 \_ 16، مقدمه محقق.

2- همان، ص 18.

3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 283؛ الذریعة، ج 2، ص 342.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 26.

و به علت، با اشاره به وجود دو کتاب در يك نسخه، همه روایات منقول از آن نسخه را با نام الإمامة والتبصرة آورده است. برخی از پژوهشگران معاصر، روایات منسوب به الإمامة والتبصرة را در بحار الأنوار و مستدرک الوسائل، بررسی و روشن کرده اند که همه موارد منقول از مشایخ یاد شده، نقل از جامع الأحادیث بوده است. (1) الإمامة والتبصرة، توسط گروه تحقیق مدرسه امام المهدي عليه السلام و محمد جواد حسینی جلالی، تحقیق شده و با دو مقدمه مفصل - یکی از سید محمد باقر موحدی ابطحی، و دیگری از محمد رضا حسینی جلالی -، به چاپ رسیده است. این نسخه چاپی، شامل مقدمه ای است در شرح حال ابن بابویه، و سپس مقدمه مؤلف، متن اصلی کتاب و مستدرکات. تأمل در عنوان کتاب، مقدمه مؤلف و عناوین ابواب آن، چنین می نمایاند که ابن بابویه در این کتاب، دو هدف را دنبال می کرده است: یکی اثبات امامت دوازده امام علیهم السلام و دیگری، مسائل تاریخی، اعتقادی و بویژه اجتماعی مربوط به غیبت امام دوازدهم علیه السلام. علی بن بابویه در مقدمه مبسوط کتاب، به اسرار غیبت و غایات اجتماعی آن پرداخته و در اصل کتاب، نصوص بر امامت ائمه تا امام رضا علیه السلام را آورده است. این برداشت از مقدمه و عنوان کتاب، قرینه است بر این که وی موفق به تکمیل کتاب نشده است. از دیگر سو، باب «النوادر» را که پس از باب مربوط به امام رضا علیه السلام آمده، می توان گویای آن دانست که او همین مقدار را در نظر داشته است. گروه تحقیق مدرسه المهدي، با استناد به کتب شیخ صدوق، در بخشی با عنوان «مستدرک» باب های دیگری را بر کتاب افزوده اند تا مطالب آن تا امام دوازدهم، تکمیل شود. نیز روایات این کتاب را در مصادر حدیثی سده چهارم به بعد، استخراج کرده، در پاورقی آورده اند. به هر حال، علی بن بابویه در مقدمه این کتاب، به روش کلامی بحث کرده و در

---

1- الإمامة والتبصرة، ص 18، مقدمه محقق.

اصل کتاب، چونان محدّثی تمام عیار ظاهر شده و احادیث را با اسناد کامل و گاه از چند طریق، نقل کرده است. وی در مقدّمه، بارها تأکید کرده که تنها روایات صحیح را در این کتاب آورده است. (1) به گفته محقق کتاب، از 87 حدیث کتاب، پانزده حدیث را تنها در این کتاب می توان یافت. (2) متن اصلی کتاب، در 23 باب با عناوین مشخص، شامل 87 حدیث است. باب اول تا سوم، در باره جایگاه امامت در دستگاه کلامی شیعه است. موضوع دیگر باب های کتاب، چنین است: اختصاص امامت به آل محمد علیهم السلام، انحصار امامت در فرزندان امام حسین علیه السلام، علّت اجتماع امامت در حسن و حسین علیهما السلام، و عدم اجتماع امامت پس از آنان در دو برادر، وارد نشدن امامت در عمو و دایی و برادر، امامت علی بن حسین علیه السلام و ابطال امامت محمد بن حنفیه، امامت امام باقر علیه السلام، امامت امام صادق علیه السلام، امامت موسی بن جعفر علیه السلام، ابطال امامت اسماعیل بن جعفر، ابطال امامت عبد الله بن جعفر، سبب آن که برخی قائل به وقف شدند، امامت علی بن موسی علیه السلام، لزوم شناخت امام، معنای شناخت امام، تکلیف مردم پس از درگذشت امام، پیامد انکار امام و شریک قرار دادن برای او. کتاب با باب «النوادر» پایان می یابد. مستدرک کتاب نیز در چهارده باب، شامل 79 روایت است که از کتاب کمال الدین و تمام النعمة و گاه از التوحید شیخ صدوق (فرزند مؤلف) استخراج شده اند. امامت امام جواد، امام هادی و حضرت قائم علیهم السلام، ویژگی های امام دوازدهم و مسائل دوران غیبت، در ابواب بخش مستدرک مطرح شده است. کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة، از مصادر کتاب های بسیاری است؛ مانند: الغيبة ی نعمانی، کمال الدین شیخ صدوق، الغيبة ی شیخ طوسی، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل.

1- الإمامة و التبصرة، ص 19.

2- همان، ص 116، مقدّمه محقق.

## 3. الإستغاثة في بدع الثلاثة

3. الإستغاثة في بدع الثلاثة مؤلف: ابوالقاسم كوفي محقق: ناشناخته ناشر: اداره نشر و اشاعه احقاق الحق، پاکستان، 1408 ق. در تحقیق کتاب، از نسخه ای به خط اسفندیار بن سلام الله حسنی حسینی طباطبائی، متعلق به سال 1048 ق، استفاده شده است. (1) چندین نسخه از این کتاب، در ایران و عراق موجود است، از جمله: نسخه ای با تاریخ کتابت 969 ق، در کتاب خانه آستان قدس رضوی، (2) و نسخه ای همراه با تحفة النجباء فی مناقب آل العباء علیهم السلام نوشته سید عبد الرحیم حسینی، که گویا متعلق به سده نهم و دهم است. (3) کتاب الاستغاثة، چندین بار در يك یا دو مجلد، و يك بار با ترجمه مرحوم فلاطوری، چاپ شده است. این کتاب با چند عنوان: البدع المحدثه، (4) الاستغاثة فی بدع الثلاثة، (5) و الإغاثة فی بدع الثلاثة، معرفی شده است. انتساب الإستغاثة به ابو القاسم كوفي، معروف است و در مصادر اولیه کتاب شناسی، در شمار تألیفات ابو القاسم كوفي ذکر شده است. با این حال، در آن تردید نیز شده است. محمد باقر مجلسی با توصیف آن به کتابی مشهور، آن را به ابن میثم بحرانی (م 679 ق) شارح نهج البلاغة نسبت داده است. (6) گویا به پیروی از او، شیخ عبد النبي کاظمی (م 1256 ق) (7) و شیخ سلیمان بحرانی استاد یوسف بحرانی

- 
- 1- الاستغاثة، ج 2، ص 86.
  - 2- الذریعة، ج 2، ص 29.
  - 3- «فهرس مخطوطات مكتبة أمير المؤمنين العامة»، سید عبد العزيز طباطبائی، تراثنا، ش 56، ص 282.
  - 4- نجاشی، ص 266؛ معالم العلماء، ص 99.
  - 5- بحار الأنوار، ج 1، ص 19، 37؛ ریاض العلماء، ج 3، ص 355؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 163؛ الذریعة، ج 2، ص 28.
  - 6- بحار الأنوار، همان جا.
  - 7- تکملة الكاظمی، ج 2، ص 159؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 172.

(م 1107 ق) (1) نیز چنین رأیی داشته اند؛ اگرچه به گفته یوسف بحرانی و شیخ عبد الله بن صالح بحرانی، شاگرد دیگر شیخ سلیمان، او از این رأی عدول کرد. (2) انتساب این کتاب به ابن میثم، درست نیست؛ چراکه مؤلف الاستغاثة، از علی بن ابراهیم قمی، بلا واسطه روایت کرده (3)؛ در حالی که علی بن ابراهیم، از مشایخ کلینی است و با طبقه ابو القاسم کوفی سازگار است. دیگر آن که همو متذکر شده است که نَسَب سادات عصر او، با شش یا هفت واسطه، به امام زین العابدین علیه السلام می رسد (4) و این نیز با طبقه ابو القاسم سازگار است. (5) الاستغاثة کتابی کلامی، تاریخی و نقد الحدیثی است. نسخه چاپی این کتاب، در دو مجلد و شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و متن اصلی است. در مقدمه محقق، شرح حال مؤلف، انتساب کتاب به ابو القاسم و موضوع آن، مطرح شده و در مقدمه مؤلف، انگیزه تألیف آمده است. ابو القاسم کوفی در باره انگیزه تألیف این کتاب، به پراکندگی، تکثر و اختلاف مسلمانان اشاره کرده و این که رویکرد غالب فرقه ها و مذاهب پدید آمده، بی توجهی به احکام اسلام است. وی سبب اصلی آن را دور شدن امام علی علیه السلام از مقام خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز تحریف ها و بدعت های خلفا دانسته و بر این اساس، برای روشن کردن اذهان و مقابله با برخی کج اندیشی ها و تعصب های بی منطق، این کتاب را تألیف کرده است. (6) متن اصلی کتاب، در دو جزء فراهم شده است: جزء اول، در باره جایگاه بی بدیل اهل بیت و بویژه امام علی علیه السلام، بیان ناملازمات بر آن امام پس از درگذشت پیامبر

- 
- 1- لؤلؤ البحرين، ص 260؛ ریاض العلماء، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.
  - 2- لؤلؤ البحرين، همان جا.
  - 3- الاستغاثة، ج 1، ص 29.
  - 4- همان، ج 1، ص 83.
  - 5- الاستغاثة، ج 1، ص 7\_8، مقدمه محقق کتاب.
  - 6- الاستغاثة، ج 1، ص 1\_2.

خدا صلی الله علیه و آله و بدعت های خلفاست. جزء دوم، در نقد روایات و گزارش هایی است که فضائل و مناقب خلفا را مطرح می کنند. ابو القاسم کوفی در تبیین این مسائل و مباحث، از قرآن، روایات، تاریخ و عقل بهره گرفته است. از این رو، کتاب وی افزون بر ارزش تاریخی و روایی و کلامی، در نقد متنی و محتوایی حدیث نیز ارزش فراوان دارد. وی با استناد به آیات قرآن و قول و فعل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، برخی از کارهای خلفا را بدعت در دین شمرده است. به گزارش او، هر يك از خلفا، بیش از پنج بدعت در دین نهاده اند، که مهم ترینشان را چنین می توان برشمرد: بدعت های خلیفه اول: امارت بر مسلمانان به عنوان خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله، تعیین حقوقی از بیت المال برای خود در برابر مقام خلافت، قرار دادن شرط عدالت برای پذیرفتن آیه های قرآن در جریان گردآوری قرآن - با هدف از رسمیت انداختن مصحف امام علی علیه السلام و به علت ترس از عیان شدن مفاسد خود -، معرفی عمر برای خلافت و جانشینی خود، بدون نظرخواهی از مردم. (1) بدعت های خلیفه دوم: شستن پاها و منع مسح آن دو در وضو، حذف «حیّ علی خیر العمل» از اذان و اقامه، گفتن «آمین» پس از خواندن سوره حمد، خواندن نماز مغرب پیش از آشکار شدن ستاره ای از ستارگان، روا شمردن نماز تراویح در شب های ماه رمضان، تغییر محلّ مقام ابراهیم علیه السلام از جای پیشین که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تأیید کرده بود، نهی از متعه نسا و متعه حج که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلال بودند، بدعت در نکاح و طلاق؛ یعنی مطرح کردن طلاق بدعت در برابر طلاق سنت، و منع عرب از تزویج با عجم و به عکس. (2) بدعت های خلیفه سوم: قرار دادن حقّ الاجاره برای کوه ها و دشت ها جهت

1- الاستغاثة، به ترتیب: ج 1، ص 12 \_ 17، 18، 20، 22.

2- همان، به ترتیب: ص 24، 25، 27، 28 \_ 29، 34 \_ 35، 36، 40 \_ 41، 44 \_ 45.



چرانیدن گوسفندان و چهارپایان، سوزاندن و از بین بردن مصاحف، تبعید ابو ذر غفاری \_ که پیامبر صلی الله علیه و آله او را صادق ترین فرد دانسته بود \_ به ربنده، تغییر دادن روز عید و جابه جا کردن زمان خواندن خطبه در مکه از روز دهم ماه ذی حجه (روز قربانی) به روز نهم، اجرا نکردن حکم قصاص بر عبد الله بن عمر که هر مزان را کشت؛ چون گمان داشت که وی در قتل پدرش نقش داشته است. (1) در جزء دوم، 32 روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و گزارش هایی در مناقب خلفا آمده است. مفاد برخی از این روایات، چنین است: پیش نماز شدن ابو بکر به جای پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام بیماری منجر به ارتحال ایشان، توصیف ابو بکر به «مصاحب پیامبر» در جریان پنهان شدن در غار هنگام هجرت آن حضرت به مدینه، قرار داشتن ابو بکر و عمر به عنوان دو وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله، توصیف اموال ابو بکر (در ازدواج عایشه و انفاق چهل هزار) از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان سودمندترین مال، دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به اقتدا به ابو بکر و عمر پس از خود، توصیف آن دو به «دو آقای پیران بهشت»، اعلم و افضل بودن ابو بکر و عمر، توصیف ابو بکر به «صدیق» و عمر به «فاروق» در نوشته ای روی ساق عرش در آسمان، نجات یافتن عمر ابن خطاب به تنهایی از عذاب آسمانی، صلاحیت عمر برای دریافت وحی، فرار کردن شیطان از عمر و ترس او از وی، آرام بخش بودن زبان عمر، هم زانوشینی عثمان با پیامبر صلی الله علیه و آله، ازدواج عثمان با رقیه و زینب دختران پیامبر، بهشتی شدن عثمان، حیا کردن فرشتگان از عثمان، توصیف ابو بکر و عمر و عثمان و علی به «افضل مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله» و این که ابو بکر و عمر، مصداق این آیه اند: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْأُمَّةِ جَرِيرِينَ وَالْأَنْصَارَ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» و نیز مصداق یا مؤول آیه «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ...»، و این که ابو بکر مصداق این آیه است: «وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ» و نیز مصداق

«من اتقى» در آیه «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى \* وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى \* وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى \* وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى \* ... وَ سَيَجْزِيهَا الْأَثْقَى \* الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى \* وَ مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى \* إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى \* وَ لَسَوْفَ يَرْضَى» و وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله برای اعلام رضایت خدا از ابو بکر. ابوالقاسم کوفی در قسمت بعدی این جزء، به نقد روایات یاد شده، پرداخته است. وی ابتدا به راه و روش نقد حدیث اشاره کرده و توضیح داده است که حدیث، از دو طریق اسناد و محتوا، نقد می شود معیار در نقد محتوایی، شواهد قرآنی و دلالت روایات اجماعی است. اگر شواهد در موافقت با روایتی بود، آن روایت حجت است و اگر در مخالفت بود، آن روایت باطل است و اگر شواهد بر تأیید یا مخالفت یافت نشد، باید توقف کرد. (1) معیار در نقد اسناد، تأیید صداقت و وثوق راوی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و امر به پیروی اوست، و اهل بیت به استناد روایت ثقلین \_ که مورد اجماع فریقین است \_، این ویژگی را دارند. ابوالقاسم کوفی در نقد روایات مربوط به مناقب خلفا، بر نقد محتوایی تکیه کرده (2) و آنها را مخالف شواهد قرآنی و روایی شمرده و سندشان را از طریق غیر اهل بیت علیهم السلام دانسته است. (3) وی این روایات را يك يك، نقل کرده و سپس با معیار قرآن و روایات صحیح و نیز با نمایاندن اختلاف متن در آنها، همه را نقد کرده است. برای نمونه، در نقد فضیلت نخست \_ که حاکی از تقدّم ابو بکر در نماز به جای پیامبر صلی الله علیه و آله است \_، با تکیه بر اختلاف در متن این روایت ها، همه را فاسد دانسته است توضیح این اختلاف در متن، چنین است که در يك روایت آمده: «أَنَّ أَبَا بَكْرٍ صَلَّى بِالنَّاسِ أَيَّامًا فِي حَيَاةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي عِلْتِهِ»؛ ولی در روایت دیگر آمده: «إِنَّهُ قَدَّمَهُ لَصَلَاةٍ».

1- همان، ج 2، ص 12.

2- الاستغاثة، ج 2، ص 11.

3- همان، ج 2، ص 13.

**4. کتاب الغيبة**

واحدة وهي الصلاة التي توفي عنها». روایت دیگر در این باره، چنین است: «لَمَّا كَبَّرَ أَبُو بَكْرٍ فِي الْمِحْرَابِ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ وَرِجَالِهِ تَخَطُّنَ فِي الْأَرْضِ ضَعْفًا مِنَ الْعَلَّةِ، فَدَخَلَ الْمِحْرَابَ وَصَلَّى بِالنَّاسِ قَاعِدًا». اما این روایت نیز مختلف نقل شده است. به موجب يك روایت: «إنه أزال أبا بكر عن المحراب وأقامه بينه وبين الصف الأول، فكان أبو بكر يصلّي بصلاة الرسول صلى الله عليه وآله والناس يصلّون بصلاة أبي بكر» و به روایت دیگر: «بقي معه في المحراب يصلّيان جميعا». اختلاف در روایتی که در باره برترین منقبت ابوبکر نقل شده، شاهد روشنی بر بطلان آن است. (1) از دیگر سو، محال است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی را پیش نماز کند و نمازگزاران ندانند که آیا او نماز خواند یا نخواند، آیا پیامبر او را کنار زد یا کنار نزد. این کتاب با همه فراز و فرودهایش، مورد اعتماد واقع شده است. ابن شهر آشوب، محمد باقر مجلسی، علی بن یونس بیاضی، قاضی شوشتری و میرزا حسین نوری، از این کتاب نقل کرده اند. (2) کتاب الإستغاثة، افزون بر این مصادر حدیثی، از مصادر کتاب های تاریخی و کلامی بسیاری است که در يك سده اخیر تألیف شده اند.

4. کتاب الغيبة مؤلف: ابن ابی زینب نعمانی تحقیق و تخریج: فارس حسون کریم ناشر: انوار الهدی، قم، چاپ اول، 1422 ق. در تحقیق کتاب الغيبة، از چند نسخه خطی و چاپی استفاده شده است: یکی نسخه چاپ بیروت در 1403 ق، که پرخطا بوده، و نسخه های چاپ تهران در 1397 ق،

1- همان، ج 2، ص 14 \_ 15.

2- مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 364؛ بحار الأنوار، همان جا؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 6؛ الصوارم المهرقة، ص 20 \_ 21، 339 \_ 340؛ إحقاق الحق، ص 215؛ خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا.

با تحقیق علی اکبر غفاری که با چند نسخه خطی، مقابله شده است (از جمله، با دو نسخه در کتاب خانه ملك در تهران: یکی به تاریخ تحریر 1077 ق، که در صفحات آغازین و پایانی، افتادگی دارد، و نسخه ای دیگر که به قرینه خط آن، گویا در حدود سده دهم تحریر شده است). نیز نسخه موجود در کتاب خانه آستان قدس رضوی، به تاریخ تحریر 577 ق، و نسخه کتاب خانه دانشگاه تهران که نوشته ای به خط میرزا حسین نوری در 1289 ق، روی آن است. (1) الغیبة بارها چاپ شده است؛ از جمله، در تهران و به سال 1318 ق. معرفی این کتاب با همین عنوان (2) و یا ملاء العیبة فی طول الغیبة (3) آمده است. انتساب الغیبة به ابن ابی زینب نعمانی، معروف و بلکه متواتر است و از مصادر کتاب های حدیثی و کلامی بی شماری است؛ مانند الإرشاد، الإستنصار، الغیبة ی طوسی، قصص الأنبیاء راوندی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة، مدینه المعجز، عوامل العلوم، مستدرک الوسائل و دهها کتاب دیگر در زمینه غیبت امام دوازدهم علیه السلام. نسخه چاپی الغیبة، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، پس از شرح حال مؤلف، به معرفی نسخه های خطی و چاپی کتاب، جایگاه و اعتبار تألیف و ویژگی های آن، پرداخته شده است. مقدمه بلند مؤلف، شامل انگیزه تألیف و اشاره به باب های آن است. به موجب این مقدمه، شیعیان در مسئله غیبت امام دوازدهم، پراکنده و در حیرت، دچار تردید بودند: برخی در راه افراط قدم می زدند و برخی در طریق تفریط و تقصیر. (4) به گفته نعمانی، کم دانی نسبت به روایات در این باب و کم تأملی و بی درایتی در آنها - که درایت در روایت، توصیه معصوم

- 
- 1- الغیبة، نعمانی، ص 14 - 15.
  - 2- الإرشاد، ج 2، ص 350؛ رجال النجاشی، ص 383؛ معالم العلماء، ص 153؛ أمل الآمل، ج 2، ص 233؛ الذریعة، ج 16، ص 79.
  - 3- الذریعة، ج 22، ص 183؛ معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت علیهم السلام، ج 9، ص 217، 261.
  - 4- الغیبة، نعمانی، ص 27 - 28.

است \_ ، (1) سبب این تحیر و پراکندگی بوده و افزون بر آن، دنیاطلبی، نفاق و تظاهر به هدف، ریا و ضعف ایمان بوده است. مؤلف به اقتضای وضعیت و عوامل یاد شده، و نیز در جهت سفارش معصومان علیهم السلام به انتشار و انتقال علم توسط اهل علم و دانایان، این کتاب را تألیف کرد. کتاب الغیبه در 26 باب و شش فصل با عناوین مشخص و گاه بدون عنوان، سامان یافته است. صفحات آن، با ذکر نصوص بر امامت امام دوازدهم آغاز می شود و سپس به این مطالب می پردازد: خالی نماندن زمین از حجّت، غیبت امام مهدی علیه السلام، اوصاف و سیره و حکم و آیات و فضائل او، علامات و نشانه های پیش از قیام، انطباق جبل الله بر امامت و تعیین امام توسط خدا، امامت عهد و امانت الهی، این که ائمه علیهم السلام دوازده امام اند، قرآنی از کتب آسمانی قرآن و تورات و انجیل بر شمار آنان، روایات منقول از طریق عامّه و امامیه در این باره، حکم کسی که ادعای امامت کند، کسی که بپندارد امام است و امام نباشد، پرچمی که پیش از قیام قائم علیه السلام بر افراشته شود، شك و تردید در یکی از امامان، کسی که بخوابد و امام خود را نشناسد، خالی نشدن زمین از حجّت خدا، این که «اگر در زمین تنها دو نفر باقی بمانند، یکی از آن دو، حجّت خداست»، غیبت امام، غیبت امام دوازدهم در کلام امیر مؤمنان و سایر ائمه علیهم السلام، وظیفه شیعیان در دوره غیبت، پراکندگی شیعیان در دوره غیبت و این که «تنها گروهی اندک، بر حقیقت امر باقی می مانند»، شدت و فشار پیش از قیام حجّت، آیاتی که در شأن امام دوازدهم نازل شده است، منع از توقیت و بردن نام صاحب الامر، کسانی که قائم را به هنگام قیام ملاقات می کنند، جیش غضب (سپاه قائم) و تعداد افراد آن، سفیانی، احوال شیعه به هنگام خروج قائم و پیش و پس از آن، مدّت حکومت قائم، اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام و بطلان ادعاهایی که در باره وی مطرح شده، و ده ها مطلب دیگر در باره امام دوازدهم.

از عناوین ابواب و چینش آنها، استفاده می شود که مطالب، بر پایه میزان اهمیت و جایگاه منطقی شان مرتب شده اند و مؤلف، این کتاب را برای شیعیان نگاشته تا اعتقاد آنها به امام دوازدهم، در برابر شبهه های مخالفان سست نشود و افراد سرگردان، از این وضعیت رهایی یابند. روایات کتاب، با اسناد کامل، از امامان معصوم علیهم السلام و گاه از پیامبر صلی الله علیه و آله و از طریق اهل سنت، نقل شده است. این مطالب در يك نگاه کلی، در دو زمینه مطرح شده است: یکی در زمینه مبادی و مبانی اعتقادی غیبت، و دیگری در شرح حال امام دوازدهم و مسائل مربوط به غیبت. نعمانی این کتاب را دور از موطن اصلی خود، در حلب تألیف کرده است. (1) وی تصریح می کند که در این کتاب، تنها احادیثی را که در وقت تألیف در اختیار داشته، گرد آورده است؛ چون تمام روایاتی که در این زمینه داشته، آن هنگام در اختیار وی نبوده است. این کتاب، به استناد عبارت روی جلد یکی از نسخه های بسیار قدیمی، در ذی حجه 342 ق، تألیف شده است. (2) به نظر می رسد که این تاریخ، زمان روایت کتاب از سوی مؤلف برای شاگردش ابو الحسن شجاعی است. به علاوه، در متن کتاب، عبارت «وله الآن یئف و ثمانون» را در باره عمر امام دوازدهم گفته است. (3) پس با توجه به قول صحیح در باره تاریخ ولادت امام زمان علیه السلام در (سال 255 یا 256 ق)، این کتاب را پس از سال 336 تا 342 ق، نوشته است. راوی این کتاب، ابو الحسن محمد بن علی شجاعی، معروف به کاتب بوده است. (4) وی کتاب الغیبة را در سال 342 ق، نزد مؤلف خوانده است. نجاشی نیز خود، شاهد بوده که عدّه ای این کتاب را نزد شجاعی کاتب می خواندند. (5) با توجه به این که نجاشی در سال 372 ق، متولد شده، می توان حدس زد که ابو الحسن شجاعی، دست

1- الغیبة، ص 29.

2- همان، ص 2.

3- همان، ص 157.

4- الغیبة، ص 25.

5- رجال النجاشی، ص 383.

## 5. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام

کم تا سال 380 ق، زنده بوده است. شیوه نعمانی در نقد اسنادی، بر ثقه بودن راوی بدون لحاظ مذهب او، بوده است؛ چراکه او در این کتاب، از ابن عقده نیز روایت کرده و در باره او متذکر شده است که در وثاقت و خبرویت و حدیث شناسی و رجال شناسی ابن عقده، تردید و سخنی نیست. (1)

5. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام مؤلف: قاضی نعمان مغربی محقق: سید محمد حسین حسینی جلالی ناشر: مؤسسه نشر اسلامی، جلد اول، 1409 ق؛ جلد دوم، 1410 ق؛ و جلد سوم، 1412 ق. در تحقیق این کتاب از هفت نسخه خطی و یک نسخه چاپی استفاده شده است. این نسخه ها همگی ناقص اند و هر یک، شامل شماری از اجزای کتاب هستند. به موجب مقدمه سید محمد حسین حسینی جلالی، این نسخه ها از کتاب خانه های داخل و خارج ایران فراهم شده اند و کهن ترینشان متعلق به سده دوازدهم است. (2) شرح الأخبار در مصادر اولیه، بجز معالم العلماء، ذکر نشده است. (3) در مصادر متأخر، محمد باقر مجلسی، میرزا حسین نوری و آقا بزرگ تهرانی، از آن نام برده اند. (4) به هر حال، انتساب این کتاب به قاضی نعمان، معروف است. (5) و یکی از مصادر کتاب های حدیثی و کلامی است. (6)

- 1- الغيبة، نعمانی، ص 32.
- 2- شرح الأخبار، ج 1، ص 9، مقدمه محقق.
- 3- معالم العلماء، ص 161.
- 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 39؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 160؛ الذريعة، ج 13، ص 66.
- 5- شرح الأخبار، ج 1، ص 23، مقدمه محقق.
- 6- مناقب آل أبي طالب، ج 1، ص 298، 300، 326؛ ج 2، ص 78، 90، 185، 199، 220؛ ج 2، ص 41؛ ج 3، ص 116، 166، 176، 309؛ بحار الأنوار، ج 20، ص 93؛ ج 23، ص 371؛ ج 37، ص 260؛ ج 38، ص 46، 204، 206؛ ج 40، ص 164، 229؛ ج 43، ص 45، 251، 354؛ ج 44، ص 197؛ ج 45، ص 329؛ الأربعين للماحوزی، ص 367؛ عوالم العلوم، ص 639؛ مدينة المعاجز، ج 2، ص 308؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 278.

شرح الأخبار در زمینه فضایل و مناقب ائمه علیهم السلام تا امام هفتم، و در راستای و تأیید و تقویت مذهب اسماعیلی است. نسخه چاپی کتاب با شانزده جزء، در سه مجلد فراهم شده و شامل چند بخش است: مقدمه مفصل محقق کتاب، خطبه مؤلف، اصل کتاب، و تخریج احادیث توسط محقق در پایان هر جلد. محقق در مقدمه، پس از به شرح حال مؤلف و مذهب او، به معرفی اجمالی مذهب اسماعیلی پرداخته و سپس در باره دیگر تألیفات قاضی نعمان، نسخه های خطی این کتاب و برخی از ویژگی های آن، سخن گفته است. به گفته وی، در این کتاب، روایاتی یافت می شود که یا در دیگر مصادر حدیث یافت نمی شود و یا بر اثر تقطیع، دستیابی به آنها، سخت دشوار است. (1) با این حال، او در قسمت «تخریج احادیث» تلاش کرده برای روایات کتاب، شواهد و مؤیداتی از منابع حدیثی فریقین بیاورد. از آن جا که قاضی نعمان، کتاب های خود را با ارشاد، موافقت، اذن یا تأیید خلفای فاطمی فراهم کرده است، آثار او را می توان آینه تمام نمای افکار خلفای فاطمی شمرد. (2) وی اختصار اسانید و حذف متون مکرر را شیوه به کار رفته در کتاب ذکر کرده و این التزام را در هر مناسبتی، بازگفته است. (3) قاضی نعمان روایات را یا از طریق سماع، مناوله و اجازه از معز، خلیفه فاطمی (م 365 ق) دریافت کرده است و یا از کتب معروفی استفاده کرده است که در کتاب خانه های فاطمیان؛ بویژه کتاب خانه معز در منصوریه و قاهره، فراوان یافت می شد. قاضی نعمان جز در مواردی اندک، مصادری را که از آنها استفاده کرده، نام نبرده است، روش وی این است که به نام مؤلفان اسناد می دهد. شاید این گونه اسناد، گویای آن باشد که وی روایات را از کتاب های آنان

1- شرح الأخبار، ج 1، ص 11\_12، مقدمه محقق.

2- شرح الأخبار، همان، ج 1، ص 76.

3- شرح الأخبار، ج 1، ص 88، 126.



دریافت کرده است و نه از دیگر راه های تحمّل حدیث. کتاب های قاضی نعمان، افزون بر ارزش حدیثی شان، منبعی برای دستیابی به کتاب های نایاب به شمار می روند؛ از جمله: المغازی محمّد بن اسحاق بن یسار مّطلبی (م 151 ق)، المغازی محمّد بن عمر بن واقدی (م 207 ق)، المغازی علی بن هاشم (م 307 ق)، المناقب احمد بن شعیب نسائی (م 302 ق)، الغدیر، طبری (م 310 ق). گویا الغدیر، تنها کتابی است که قاضی نعمان از آن با اسم، یاد کرده و فراوان نیز از آن نقل کرده است. در خطبه مؤلّف، این مطالب آمده است: بیان موضوع کتاب، گواهی به صحّت روایات کتاب، اشاره به حذف اسانید و متون تکراری، و این تذکر که اخبار و آثار حاکی از فضائل ائمه ابرار علیهم السلام را بر حسب توان و امکان، فراهم کرده و تنها گزارش های صحیح آن را در این کتاب آورده است. معیار صحّت روایات در نظر او، تأیید و اجازه خلیفه فاطمی، المعزّ لدین الله، است که وی از او به «ولّی امر و صاحب زمان و عصر» یاد می کند (1) و درباره سبب حذف اسانید کتاب، اعلام می کند که: «امام عصر، آنها را تأیید کرده است». (2) اصل کتاب در شانزده جزء افزون بر دو بیست عنوان دارد و 1460 روایت را در خود جای داده است. هر يك از اجزای شانزده گانه، چندین عنوان هم افق را در بر می گیرد، بدین شرح: جزء اول: در باره فضائل و مناقب امام علی علیه السلام از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است و با حدیث «أنا مدینة العلم و علی بابها» آغاز می شود و سپس این مطالب می آید: «أفضاکم علی»، «علیّ منّی و أنا من علیّ»، «أنت منّی بمنزلة هارون من موسی»، «من کنت مولاة فعلیّ مولاة»، «علی علیه السلام نفس پیامبر، «علیّ منّی؛ یؤدّی دینی و یقضی عداتی»، «علیّ امیر المؤمنین والوصیّ والخلیفة»، و حدیث طبر. جزء دوم: با پیش گامی امام علی علیه السلام در اسلام، شروع می شود و سپس این مطالب

1- شرح الأخبار، ج 1، ص 87.

2- همان، ص 88.

می آید: اختصاص علی علیه السلام به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله . برتری علی علیه السلام (با تصریح به نام)، فرمان برداری علی علیه السلام و عدم مفارقت او، دستور پیامبر به پیروی از علی علیه السلام و نهی از مفارقت او، ولایت علی علیه السلام و ولایت ائمه علیهم السلام . جزء سوم: با بحث درباره جهاد علی علیه السلام آغاز می شود و سپس درباره: جهاد او در غزوه های بدر، احد، حمراء الأسد، خندق، خیبر، فتح مکه، غزوه بنی جذیمه، غزوه حنین، سریه های رسول خدا صلی الله علیه و آله ، و در باره فضیلت جهاد و مجاهدان. جزء چهارم: جهاد علی علیه السلام با ناکثین و قاسطین و مارقین، عوامل اختلاف پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مانند سقیفه، خطبه علی علیه السلام پس از بیعت با او، جنگ جمل، جنگ صفین... . جزء پنجم: ادامه گزارش، درباره جهاد امام علی علیه السلام با قاسطین، مقتل عبید الله بن عمر، کتاب ابن ابی رافع کاتب امام علی علیه السلام ، شهدای بنی عبد المطلب در رکاب علی علیه السلام جنگ نهروان، ابن عباس و خوارج، ابن عباس و معاویه، پشیمانی عایشه، فراخوانی، دعوت علی علیه السلام برای جنگ با معاویه پس از جنگ با خوارج، معرفی متخلفان از دستور علی علیه السلام . جزء ششم: فضائل پنداری، بهانه جویی با خون خواهی عثمان، سعد بن ابی وقاص، بهانه و حجت خوارج در جدا شدن از علی علیه السلام ، ابو سفیان، معاویه بن ابی سفیان، مقتل حجر بن عدی. جزء هفتم: مناقب امام علی علیه السلام و رد شبهات، احتجاج علی علیه السلام در شورای عمر، سعد بن ابی وقاص و موضع او در برابر کسی که امام علی علیه السلام را دشنام داد، حدیث «سد الأبواب»، وجوه برتری، شناخت فاضل و مفضل. جزء هشتم: دلایل لزوم اطاعت از امام علی علیه السلام ، حرکت در خط و مسیر امیر المؤمنین، دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره علی علیه السلام ، قضاوت امیر المؤمنین علیه السلام . جزء نهم: آیاتی که در شأن علی علیه السلام نازل شده اند، آیه ولایت، ازدواج فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام ، زهد امیر المؤمنین، خبر راهب، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و فضائل علی علیه السلام ، حدیث

دینار، علی علیه السلام با ملائکه. جزء دهم: معرّفی معاویه، شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله به بهشتی بودن علی علیه السلام و موقعیت و مقام او در آخرت، فضائل اهل بیت علیهم السلام. جزء یازدهم: فضائل دیگر اهل بیت، دوستی با اهل بیت علیهم السلام، منقطع شدن همه نسب ها در قیامت، مگر نسب پیامبر صلی الله علیه و آله، توبه آدم علیه السلام، آیین ابراهیم علیه السلام، حدیث «أساس الإسلام حُبنا أهل البيت»، «ذریة طیّبة»، «أهل البيت علیهم السلام أمانٌ للأمة» خدیجه کبرا، فضائل فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا، «فدک لفاطمة»، «الله یأمر بتزویج فاطمة»، ماجرای شب زفاف حضرت فاطمه، حدیث «یغضب الله لغضب فاطمة»، «فاطمة بضعة منی»، حضرت فاطمه علیها السلام و اسماء دختر عمیس، درخواست فاطمه برای گرفتن میراث خود، خطبة الزهراء و شرح آن، تسبیح حضرت زهراء «الحسن و الحسین علیهما السلام مسیّدا شباب أهل الجنة»، «من أحبّنی فلیحبّ هذین»، «الحسنان یتصارعان»، «نعم الراكبان»، ابو هریره و امام حسن علیه السلام. جزء دوازدهم: درباره فضائل امام حسن و امام حسین علیهما السلام: نام گذاری آنان، داستان به دنیا آمدن، مولد امام حسن و امام حسین علیهما السلام، «من أحبّنا فهو معنا»، ریحانتا الرسول صلی الله علیه و آله، أفضل الأسباط، امام حسن علیه السلام و معاویه، مصائب امام حسن علیه السلام، وصیت امام حسن علیه السلام، نقش عایشه در دفن امام حسن علیه السلام، دختر اشعث؛ قاتل و خائن، مقتل امام حسین علیه السلام، حادثه ای که آسمان و زمین بر آن گریستند، تعیین محلّ شهادت امام حسین علیه السلام توسط امیر المؤمنین، «لا یرک الله فی یرید»، هرثمه و حدیث شهادت، حرکت به سوی کربلا، مصائب سرزمین طف، مسلم بن عقیل، دیدار حرّ با امام حسین علیه السلام، خطبه امام در میان اصحاب، ملحق شدن حرّ به امام حسین، به خاک افتادن علی پسر امام حسین، شهادت امام حسین، وقایع پس از شهادت، مجلس ابن الباغیة (عبید الله بن زیاد)، اهل بیت در شام. جزء سیزدهم: حوادث عاشورا، کسانی که همراه امام حسین علیه السلام کشته شدند، فرزندان امام حسین علیه السلام، قاسم بن حسن، عبد الله بن حسن، عبّاس و برادران [مادری] او، فرزندان عقیل، خانواده امیر المؤمنین، جعفر بن ابی طالب، جعفر هاجر هجرتین،

## 6. نوادر المعجزات في مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام

اولاد عبد المطلب، ابو طالب، حمزة بن عبد المطلب، عباس بن عبد المطلب، عقيل بن ابي طالب، عبد الله بن عباس، فضائل ائمه كه از اولاد امام حسين عليه السلام هستند، فضائل علي بن حسين امام زين العابدين عليه السلام، عبادت او، دعای او، زهد او، امام سجّاد و ابن شهاب زهري، فتنه ابن زبير، قصيده فرزدي، در مدح امام زين العابدين عليه السلام، امام محمد باقر عليه السلام. جزء چهاردهم: درباره امام جعفر بن محمد صادق عليه السلام و امامان پنهان و مستور، جاری شدن جمله «سلوني قبل ان تفقدوني» بر زبان امام صادق عليه السلام، امام صادق و ابو حنيفه، معرفي بعضی از فرقه های: شيعه فطحيه قطعیه، كيسانيه و زيديه، يحيى بن زيد، شهيد فحّ، يحيى بن عبد الله، ادریس بن عبد الله، حسن بن حسين بن زيد، ولايت عهدی امام رضا عليه السلام، شهادت امام رضا عليه السلام، روزگار معتصم، روزگار مستعین، روزگار معتمد عباسی، ظهور مهدی فاطمی، معالم و نشانه های مهدی، المتشبه بالمهدی، حدیثی درباره انتظار، اتباع المهدي والقيام معه، الصادق عليه السلام مع قوم من أهل الكوفة. جزء پانزدهم: ادامه مطالب درباره مهدی: معالم المهدي و بشاراته، خطبة أمير المؤمنين في الكوفة، سيرة المهدي، المهدي هو الفاتح للقسطنطينية، صفة المهدي، مِمَّنْ هو المهدي؟، الفتن ثلاث، المهدي من نسل فاطمة عليها السلام، بدء الدعوة الفاطمية، المهدي والدلائل عليه في اليمن، في شمال إفريقيا. جزء شانزدهم: درباره صفات شيعه على عليه السلام، «من مات على الولاية»، مقام الموالى، الرسول صلى الله عليه وآله و شيعه على، صفة من يُبغض عليًا أمير المؤمنين عليه السلام، الرسول صلى الله عليه وآله يستغفر لشيعه علي، من دَمَعَتْ عيناه فينا، عبد مات على حُبِّ عليّ، العبادة بدون الولاية، تفرحون لفرحنا، صفات الشيعة.

6. نوادر المعجزات في مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام مؤلف: ابن جرير طبري تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، 1410 ق.

در تصحیح کتاب، افزون بر دیگر کتاب های حدیثی، از نسخه ای استفاده کرده اند از نسخه ای که گویا در سده سیزدهم (1) کتابت شده است. (2) موارد اختلاف دیگر مصادر حدیثی با این نسخه خطی، در پاورقی ذکر شده است. از اشاره محقق کتاب به چگونگی یافتن این نسخه خطی، بر می آید که نوادر المعجزات، پیش از این چاپ نشده است. نوادر المعجزات در بیشتر مصادر کتاب شناسی، ذکر نشده است. آقا بزرگ تهرانی (3) و عمر کحّاله (4)، از آن در شمار تألیفات ابن جریر طبری امامی، یاد کرده اند. به هر روی، این کتاب از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. (5) نسخه چاپی نوادر المعجزات، پس از مقدمه مفصل گروه تحقیق، شامل مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به شرح حال مؤلف، آثار او، نسخه خطی و موضوع نوادر المعجزات، اشاره شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف اختصاص دارد. بر اساس این مقدمه، گویا فرد یا گروهی، معجزات ائمه علیهم السلام را انکار می کنند و مؤلف به دنبال آن رویداد، تصمیم می گیرد این کتاب را تألیف کند. (6) وی پیش از ورود به اصل موضوع، به بررسی جایگاه وصایت در میان پیامبران پیشین می پردازد. به گفته او، سلیمان علیه السلام آصف بن برخیا را که پسر عمو و دامادش بود، وصی خود کرد؛ یوشع ابن نون بن افرائیم بن یوسف، وصی موسی علیه السلام بود؛ عیسی علیه السلام شمعون صفا را وصی خود خواند و دانیال علیه السلام نیز منذر بن شمعون را. (7) این اوصیا، همگی معجزاتی

1- الذریعة، ج 24، ص 349.

2- نوادر المعجزات، ص 8.

3- الذریعة، ج 4، ص 394.

4- معجم المؤلفین، ص 164.

5- ر. ک: بحار الأنوار، ج 54، ص 339؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 4، ص 205؛ الذریعة، ج 24، ص 349.

6- همان، ص 10 \_ 11.

7- همان، ص 12.

داشته اند. همچنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برتر از پیامبران پیشین است، اوصیای او نیز برتر از دیگر اوصیا هستند و همان گونه که اوصیای آنها به سان خود پیامبران، صاحب معجزات بوده اند، اوصیای پیامبر اسلام نیز معجزات دارند. ابن جریر از منابع پراکنده ای مانند الأنوار ابن همّام اسکافی، (1) به گردآوری مناقب، علوم، معجزات و نشانه های فضل ائمه علیهم السلام پرداخته است. وی در مقدمه، یادآور شده است که برخی از این معجزات، چنان شگفت می نماید که عقول بشری، از فهم آن عاجز و درکش حیران می مانند، و تنها راه تحمّل چنین معجزاتی، تکیه بر ایمان است. (2) ابن جریر در این کتاب، از 152 روایت بهره برده و آنها را در سیزده باب، سامان داده است؛ دوازده باب به دوازده امام، و يك باب به حضرت فاطمه علیها السلام اختصاص دارد. روایات کتاب را \_ که در هر باب، شماره شده است \_، از طریق مشایخ خود و یا از منابع اهل سنت، با اسناد کامل و گاه به گونه مرسل یا مرفوع، نقل کرده است. باب های سیزدهگانه عبارت اند از: باب یکم: دلائل امیر المؤمنین و سید الوصیین علیه السلام (42 روایت) باب دوم: فضائل و معجزات فاطمه علیها السلام (17 روایت) باب سوم: معجزات امام حسن علیه السلام (16 روایت) باب چهارم: معجزات و نشانه های امام حسین علیه السلام (8 روایت) باب پنجم: معجزات و نشانه های علی بن حسین علیه السلام (13 روایت) باب ششم: معجزات و نشانه های محمد باقر علیه السلام (6 روایت) باب هفتم: معجزات و نشانه های جعفر بن محمد صادق علیه السلام (21 روایت) باب هشتم: معجزات و نشانه های موسی بن جعفر علیه السلام (11 روایت)

---

1- همان، ص 80 .

2- همان، ص 14 .

**7. نوادر الأثر فی: «علی خیر البشر»**

باب نهم: معجزات و نشانه های علی بن موسی علیه السلام (11 روایت) باب دهم: معجزات و نشانه های محمد بن علی التقی علیه السلام (11 روایت) باب یازدهم: معجزات و نشانه های علی بن محمد التقی علیه السلام (8 روایت) باب دوازدهم: معجزات و نشانه های حسن بن علی عسکری علیه السلام (6 روایت) باب سیزدهم: دلائل و براهینی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بر وجود صاحب الزمان علیه السلام (8 روایت)

7. نوادر الأثر فی: «علی خیر البشر» مؤلف: ابن رازی قمی مؤلف این رساله، ابو محمد جعفر بن احمد بن علی، معروف به ابن رازی قمی، صاحب جامع الأحادیث است که پیش از این، معرفی شد. از آن جا که این رساله، همراه با دیگر آثار مؤلف چاپ شده، مشخصات کتاب شناسی آن، در معرفی جامع الأحادیث اشاره شده است. این رساله با همین عنوان، در مصادر کتاب شناسی متأخر و معاصر دیده می شود. (1) موضوع آن، بیان طرق حدیث نبوی «علی خیر البشر، من شک فقد کفر» است و گویا به سان جامع الأحادیث، العروس و المسلسلات، به درخواست فردی فراهم آمده است. (2) ابن رازی در 24 صفحه، روایت یاد شده را با 79 طریق، از پنج نفر از صحابیان نقل کرده است، که از آن جمله اند: سلمان فارسی، جابر بن عبدالله انصاری، حذیفه بن یمان، عایشه و ابورافع. از طریق ابن رازی، شانزده طریق به جابر بن عبد الله انصاری می رسد. ظاهر اسانید، گویای آن است که تنها شش روایت، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده و مابقی آنها مستند به خود صحابیان است. متن این حدیث با حفظ این عنوان که امام علی علیه السلام «خیر البشر» است، با تعابیر

1- الذریعة، ج 24، ص 343.

2- جامع الأحادیث، ص 298.

## 8. الاعتقادات فی دین الإمامیة

مختلفی آمده است. روایات کتاب که با اسانید کامل نقل شده اند، در زمینه کلام و بویژه در موضوع امامت، ارزش فراوان دارند. مصحح در پاورقی ها \_ که حجمشان کمتر از متن نیست \_ ، به منابع و مأخذ فراوانی از اهل سنت اشاره کرده است.

8. الاعتقادات فی دین الإمامیة مؤلف: شیخ صدوق تحقیق: عصام عبد السید ناشر: دار المفید للطباعة والنشر، بیروت، چاپ دوم، 1414 ق. در تصحیح و تحقیق این کتاب، از پنج نسخه خطی و نیز از تصحیح الاعتقاد شیخ مفید، استفاده شده است. دو نسخه خطی، در کتاب خانه آیه الله مرعشی (با تاریخ کتابت 817 ق و 992 ق)، و دو نسخه در کتاب خانه آستان قدس رضوی (با تاریخ کتابت 880 ق و 999 ق)، موجود است. چاپ سنگی این کتاب، متعلق به سال 1370 ق، است که در ضمن مجموعه ای، همراه با شرح باب حادی عشر، آداب المتعلمین و چند کتاب دیگر، منتشر شد. چاپ حروف آن، در سال 1412 ق، با تحقیق غلام رضا بن غلام حسین مازندرانی، انجام گرفته است. این کتاب با عنوان الاعتقادات، در مصادر اولیه \_ مانند: رجال نجاشی و متن چاپی فهرست طوسی \_ ، نیامده است. مصحح کتاب فهرست طوسی، در پاورقی با عنوان «زیادة»، از این کتاب یاد کرده، که گویا برای اشاره به اختلاف در نسخه است. (1) شیخ طوسی از کتابی با عنوان دین الإمامیة یاد کرده، (2) که شاید همان الاعتقادات باشد. به قرینه آن که از یک سو، ابن شهر آشوب کتاب دین الإمامیة را در کنار کتاب دعائم الاعتقاد و کتاب الاعتقاد یاد کرده، و از دیگر سو، عنوان یکی از مجالس کتاب الأملی صدوق نیز «دین الإمامیة» است، می توان حدس زد که کتاب موسوم به دین الإمامیة، همان عنوان

1- الفهرست، طوسی، ص 238.

2- الفهرست، طوسی، همان جا.



موجود در کتاب الأمالی است که به لحاظ انسجام موضوعی و اهمیت مذهبی، صورت جداگانه پیدا کرده و مصادر اولیه، آن را کتابی مستقل شمرده اند. محمد باقر مجلسی از این کتاب، به رساله العقائد یاد کرده؛ (1) ولی در مصادر متأخر، با عنوان الاعتقادات آمده است. (2) به هر حال، انتساب این کتاب به شیخ صدوق، معروف است (3) و بحار الأنوار و دیگر کتاب هایی که پس از آن تألیف شده اند، از آن نقل کرده اند. نسخه چاپی الاعتقادات، شامل مقدمه محقق کتاب و متن اصلی است. در مقدمه محقق، به نقلی بودن شیوه کتاب، نسخه های خطی کتاب و چگونگی استفاده از این نسخه ها و نسخه های چاپی، اشاره شده است. این کتاب در 45 باب سامان یافته و مؤلف در هر باب، عنوان مشخصی را ذکر کرده است. با نگاه به عناوین باب ها معلوم می شود که شیخ صدوق در پی آن نبوده که مسائل اعتقادی به معنای خاص و مصطلح کلمی را مطرح کند؛ بلکه هدف وی، بیان آموزه های خاص و ممتاز مذهب شیعه، و به عبارت روشن تر، ارائه دیدگاه شیعه در باره مسائل اختلافی و بعضاً کم اهمیت در میان فرق و مذاهب مختلف آن روز بوده است. بر همین مبنا، در این کتاب از مباحث مهم کلامی، به مسائلی چون مسئله عصمت، توحید، جبر و تقویض، صفات ذات و عدل، پرداخته و در کنار اینها، مسائلی از این دست را نیز مطرح کرده است: دیدگاه امامیه درباره دو حدیث مختلف، احادیث طیبی، صراط، حساب و میزان، بداء، غلو و تقصیر، شفاعت، تقیّه، کیفیت نزول قرآن، تعداد انبیا، نیاکان پیامبر صلی الله علیه و آله و جدال در کلام. روش معمول در تبیین مسائل یاد شده، چنین است که مؤلف ابتدا مسئله را تحت عنوان «اعتقاد ما در فلان

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 7.

2- أمل الآمل، ج 2، ص 226؛ كشف الحجب والأستار، ص 51؛ الذریعة، ج 19، ص 355.

3- وسائل الشیعة، ج 20، ص 36؛ بحار الأنوار، همان جا.

**9. التوحيد**

مسئله» مطرح و آن گاه دیدگاه خود را با الهام مستقیم از قرآن و بویژه احادیث معصومان علیهم السلام، مطرح می کند. روایات کتاب، عموماً مرسل اند و در مواردی در حدّ نیاز، سند نیز نقل شده است. بر این کتاب، نقدها و شرح های بسیاری نگاشته شده و نیز چند بار به فارسی برگردانده شده است. معروف ترین این شرح ها که با نقد همراه است، کتاب تصحیح الاعتقاد شیخ مفید (م 413 ق) و پس از آن، کهن ترین شرح، شرح الاعتقادات عبد الله بن حسن شولستانی، معاصر میرزا عبد الله افندی صاحب ریاض العلماء است.

9. التوحيد مؤلف: شیخ صدوق تصحیح و تعلیق: سید هاشم حسینی تهرانی ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی (انتشارات جامعه مدرسین)، قم، بدون نوبت و تاریخ چاپ. در تصحیح کتاب، از پنج نسخه خطی متعلق به سده یازدهم که برخی نیز تصحیح شده اند، و سه نسخه چاپی استفاده شده است. این کتاب برای بار، در سال 1285 ق، در تهران چاپ شد. کتاب التوحيد \_ که به توحيد صدوق و توحيد ابن بابويه نیز معروف است \_، از آثار بنام شیخ صدوق شناخته می شود. (1) گویا نام التوحيد را صدوق خود، بر این کتاب نهاده است؛ چرا که وی در مقدمه کتاب متذکر شده که این کتاب را در توحيد و نفی تشبیه و جبر، تألیف کرده است. (2) کتاب التوحيد در زمینه مهم ترین موضوع کلامی، یعنی اسما، صفات و افعال الهی، تألیف شده و انگیزه اصلی مؤلف \_ چنان که خود تصریح کرده \_، تفسیر و تأویل احادیثی است که ظاهر آنها تشبیه و جبر را می رساند و با آموزه های مسلم امامیه،

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 6، 22.

2- التوحيد، ص 18.

ناساز است. شیخ صدوق درباره این گونه احادیث، بر این عقیده است که احادیث، همانند آیات قرآن، محکم و مشابه دارند و از زبان يك سانی تبعیت نمی کنند و از همین رو، نمی توان این دسته احادیث را به دلیل ظهور آنها در جبر و تشبیه، بر ظاهرشان حمل کرد و یا دور انداخت؛ بلکه باید تأویل درست آنها را با احادیث محکم و نیز آیات قرآن، به دست آورد. وجود این نوع روایات در متون حدیث شیعه، و ظاهرنگری مخالفان (اهل سنت)، زمینه هجوم به هویت مذهب امامیه و اتهام تشبیه و جبرگرایی را فراهم کرده بود. در چنان شرایطی بود که انگیزه لازم و حتی کافی، برای تألیف کتاب التوحید در شیخ صدوق ایجاد شد. کتاب التوحید بر اساس نسخه چاپی، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه مؤلف، اصل کتاب و پژوهش هایی است که محقق کتاب درباره آن انجام داده است. در مقدمه محقق کتاب، اهمیت و جایگاه کتاب التوحید، اعتبار روایات آن، انتساب کتاب به شیخ صدوق، نسخه های خطی و چاپی کتاب، شروع آن، شماره ابواب و احادیث و تصویر چند نسخه خطی کتاب آمده است. در مقدمه مؤلف، پس از ثنا و ستایش خدا و درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، ضرورت و انگیزه تألیف التوحید بیان شده است. اصل کتاب یاد شده، بر اساس نسخه چاپی، در 67 باب سامان یافته است. این در حالی است که بسیاری از نسخ کتاب، 66 باب دارند؛ چرا که در برخی از نسخه ها، باب چهل و سوم و در برخی دیگر، باب چهل و نهم، باب باب پیش از خود ادغام شده است. به گفته محقق کتاب، این اختلاف از آن جا ناشی شده که در ابتدای دو باب یاد شده، عنوان «باب» ذکر نشده است؛ ولی حق، آن است که آن دو بخش نیز به دلیل اختلاف و استقلال در موضوع، به عنوان دو باب در نظر گرفته شوند. به هر حال، هر يك از ابواب کتاب، دارای موضوع مشخصی است و مؤلف در ذیل آنها احادیث مرتبط و مناسب را نقل می کند. از این نظر، کتاب از طبقه بندی

معناداری برخوردار است. ترتیب و چینش ابواب نیز قابل ملاحظه است. با نگاه اجمالی به عناوین ابواب، به نظر می‌رسد که شیخ صدوق عناوین را بر اساس نظام معنادار «کلی به جزئی» مرتب کرده است؛ به این صورت که ابتدا مباحث کلی را درباره توحید و دیگر صفات ذات و افعال خدا آورده و پس از آن، به تفسیر و تأویل آیات قرآن و آن‌گاه، به تفسیر مفاهیم قرآنی پرداخته و در پایان نیز مباحثه و مناظره امام رضا علیه السلام را با اهل ادیان و اصحاب مقالات - چون جاثلیق و رأس الجالوت - و نیز سخن ایشان با سلیمان مروزی، متکلم خراسان، در باب توحید را مطرح کرده که هر دو جلسه، در حضور مأمون برگزار شده‌اند. باب پایانی کتاب، درباره نهی از کلام و جدال و مراء درباره خداست. گویا چینش و ترتیب احادیث در درون ابواب نیز خالی از مبنا و پایه نیست. با تأمل در روایات هر باب، این حدس قوی می‌نماید که شیخ صدوق ترتیب احادیث را بر یکدیگر، در نظر داشته است. قرینه بر این مطلب، آن است که او در موارد بسیاری پس از يك یا چند روایت - که گاه با توضیح مختصر یا مفصّل نیز همراه است -، با عبارت «و تصدیق ذلك...»، و «و تصدیق ما ذکرته...»، «و من ذلك...» یا «و فی روایة أخرى...»، روایت یا روایات دیگری را آورده است. (1) برخی از باب‌های کتاب که در بردارنده روایات پرشمارتری هستند، بدین قرار است: ثواب الموحّدين و العارفين، التوحید و نفی التشبیه، إله عز و جل لیس بجسم و لا صورة، ما جاء فی رؤية الله، صفات الذات و صفات الأفعال، نفی المكان و الزمان و السكون و الحركة والنزول و الصعود و الإنتقال عن الله تعالی، أسماء الله تعالی والفرق بین معانیها و بین معانی أسماء المخلوقین، فطرة الله الخلق علی التوحید، الإستطاعة، القضاء والقدر والفتنة والأرزاق و الأسعار والآجال، نفی الجبر و التفویض، المشیة

و الإرادة، التعريف و البيان و الحجّة و الهداية، النهی عن الكلام و الجدل و المراء فی اللّٰه عز و جل . باب «التوحيد و نفی التشیه» با 37 حدیث، باب «النهی عن الكلام و الجدل» و باب «ثواب الموحّدين و العارفين»، هر يك با 35 حدیث، و پس از آن باب «ما جاء فی الرؤیة» با 24 حدیث و باب «نفی المكان و الزمان». با 22 حدیث، بیشترین احادیث را دارند. بیشتر باب ها کمتر از ده حدیث و شمار اندکی، بین ده تا بیست حدیث دارند. احادیث کتاب با اسناد کامل و از طریق شیعه، و گاه از اهل سنت است. شش حدیث از طریق اهل سنت و بیست حدیث قدسی، در میان احادیث کتاب وجود دارد. (1) شیخ صدوق در این کتاب، از 56 شیخ حدیث، روایت نقل کرده است. علی بن بابویه پدر مؤلف (154 حدیث)، ابن ولید (89 حدیث)، علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق (65 حدیث)، محمد بن موسی بن متوکل (36 حدیث)، محمد بن ماجیلویه (23 حدیث) و احمد بن محمد بن یحیی (17 حدیث)، به ترتیب، مهم ترین مشایخ شیخ صدوق شناخته می شوند. شیخ صدوق معمولاً با عنوان «قال مصنف هذا الكتاب : ...» و یا «یعنی...»، به توضیح و گاه تأویل روایات پرداخته است. این توضیحات، در ذیل 56 مورد از 853 روایت کتاب آمده است. طولانی ترین توضیح مؤلف، ذیل حدیث سوم باب سوم، در معنای واحد و توحید و موحد، دیده می شود که در چهار صفحه جای گرفته است. وی در توضیح و تأویل احادیث، از معنای لغوی، فرهنگ متعارف اهل زبان، تأملات عقلی \_ و البته با الهام گرفتن از آموزه های مسلم اهل بیت علیهم السلام \_، اقوال اهل کلام، آیات قرآن و تاریخ، بهره گرفته است. از این رو، کتاب التوحید افزون بر ارزش حدیثی و کلامی، در زمینه فقه الحدیث نیز ارزش دارد. همه روایات کتاب، در يك سطح از اعتبار قرار ندارند؛ ولی آن تعداد اندك که در

**10 . کمال الدین و تمام النعمة**

مرتبه صحیح اصطلاحی جای نمی گیرند، به اعتبار کتابی آسیبی نمی رسانند؛ چرا که متون آنها با دیگر آموزه های اهل بیت علیهم السلام هم ساز است و به علاوه، اکثر این روایات، در کتب معتبر دیگری چون نهج البلاغه، الکافی، المحاسن و برخی از کتب مؤلف \_ مانند: عیون أخبار الرضا علیه السلام و معانی الأخبار \_ ، با سندهای متعدد نقل شده اند. چهار شرح بر کتاب التوحید نوشته شده که همگی به سده یازدهم و دوازدهم تعلق دارند؛ مانند: شرح التوحید قاضی سعید قمی شاگرد فیض کاشانی، و شرح محدث جزایری با نام انس الوحید فی شرح التوحید. یک برگردان به فارسی نیز از محمد علی بن محمد حسن اردکانی، از علمای سده سیزدهم، با نام اسرار توحید به چاپ رسیده است (1). در نسخه چاپی کتاب \_ که به کوشش سید هاشم حسینی تهرانی، مقابله و تصحیح شده است \_ ، فهرستی از ابواب کتاب، بیانات مؤلف، موضوعات مختلف با عنوان تفصیل مطالب، فهرست اسمای حسنی الهی و فهرست اعلام نیز گنجانده شده است.

10 . کمال الدین و تمام النعمة مؤلف: شیخ صدوق تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی، (انتشارات جامعه مدرسین)، قم، 1405 ق / 1363 ش. در تحقیق و تصحیح کتاب، از هفت نسخه خطی متعلق به سده دهم و یازدهم استفاده شده است که بیشتر آنها خود، تصحیح شده هستند. (2) سه نسخه از هفت نسخه یاد شده، اساس کار تصحیح قرار گرفته اند. افزون بر این نسخه ها، از نسخه چاپی کمال الدین و بحار الأنوار نیز استفاده شده است. (3)

1- الذریعة، ج 13، ص 153؛ التوحید، ص 7\_8، مقدمه محقق .

2- کمال الدین و تمام النعمة، ص 29.

3- همان، ص 29\_30.

کمال الدین و تمام النعمة، در ایران و نجف، بارها چاپ سنگی و حروفی شده است. چهار بار نیز به فارسی ترجمه شده که دو ترجمه \_ یکی از محمّد باقر کوه کمره ای و دیگری از منصور پهلوان \_ ، به چاپ رسیده اند. کهن ترین ترجمه کمال الدین، از سیّد علی امامی اصفهانی، معاصر صاحب ریاض است. (1) این عنوان در منابع اولیه کتاب شناسی چون رجال نجاشی و فهرست طوسی، ذکر نشده است. ابن شهر آشوب کتاب یاد شده را با همین عنوان آورده است. (2) در منابع متأخر نیز گاهی با عنوان اكمال الدین و اتمام النعمة (3) ذکر شده است. این کتاب به سان کتاب اُمالی، از کتاب های مشهور و متواتر شیخ صدوق است و علمای شیعه در اعصار مختلف، به آن اعتماد کرده اند. (4) نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه مصحح، مقدمه طولانی مؤلف و متن کتاب است. در مقدمه محقق، پس از اهمیّت موضوع کتاب و ضرورت تصحیح آن، به بررسی اعتبار روایات کتاب و نیز شرح حال مؤلف پرداخته شده است. مقدمه مؤلف، با ثنا و ستایش خدا و درود بر پیامبر و ائمه علیهم السلام آغاز می شود و پس از اشاره به ضرورت و انگیزه تألیف، با بحث کلامی مفصّل و خالصی در باره امامت \_ البته نه به شیوه مصطلح \_ ، پایان می یابد. این کتاب در شرایطی نگاشته شد که به تصریح مؤلف آن، طولانی شدن مدّت غیبت امام عصر علیه السلام سبب تحیر و سستی ایمان شیعیان در شهرهای نیشابور و بخارا (5)

- 
- 1- الذریعة، ج 4، ص 80 و 78.
  - 2- معالم العلماء، ص 34.
  - 3- أمل الآمل، ج 2، ص 284؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7؛ کشف الحجب و الأستار، ص 75؛ الذریعة، ج 2، ص 268.
  - 4- وسائل الشیعة، ج 20، ص 37 \_ 38؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7؛ مستدرک الوسائل، ج 3 ص 524. نیز، ر. ک: نوادر الأخبار، فیض کاشانی، ص 209 \_ 305؛ إثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی؛ کشف الحجب و الأستار، 75؛ النجم الثاقب، محدّث نوری؛ کمال الدین، ص 11 (مقدمه محقق).
  - 5- کمال الدین، ص 2 (مقدمه محقق).

و بغداد شده بود. (1) مناظرات و مباحثات بسیاری که در کتاب یاد شده با فرقه‌ها و مذاهبی چون کیسانیه، ناووسیه و واقفه، زیدیه و افراد ملحد و در پاسخ به شبهه‌ها مطرح شده، نشان می‌دهد که مسئله غیبت امام دوازدهم، مهم‌ترین مسئله فکری آن عصر بوده و هویت شیعه امامیه را تهدید می‌کرده است. مقدمات انگیزشی تألیف این کتاب، ابتدا در نیشابور (2) و سپس در قم (3) فراهم می‌شود و سرانجام در ری، به انجام می‌رسد. به موجب ظاهر کلام شیخ صدوق، عامل بسیار مهمی که در تألیف کتاب یاد شده نقش «شرط کافی» را ایفا نموده، تمایل و بلکه دستور حضرت ولی عصر علیه السلام به وی در عالم رؤیا بوده است. (4) کتاب مورد بحث، با يك مقدمه طولانی در 128 صفحه آغاز می‌شود که شباهت فراوانی به چکیده و دورنمای مباحث کتاب دارد. این مقدمه بدون عنوان بندی، مطالب متنوع و تا حدی فارغ از انسجام را درباره مسئله امامت و بویژه غیبت، فرا می‌گیرد. مؤلف در این قسمت، به سان يك متكلم \_ البته نه به معنای مصطلح \_ ظاهر شده و به تحلیل مطالب پرداخته است. وی در تبیین مدّعی خود، ضمن تحلیل بحث، از قرآن و روایات و اقوال متكلمانی چون ابن قبه و ابو سهل نوبختی، بهره گرفته است. (5) چنان که اشاره شد، غیبت امام عصر علیه السلام و طولانی شدن مدّت آن، شیعیان را گرفتار تردید و شك ساخت و برای مخالفان، بهانه و بستر مناسبی را جهت ایراد شبهه و تعرّض به هویت شیعه امامیه فراهم آورد. شیخ صدوق در کتاب یاد شده نیز حجم و تکیه گاه مباحث را برطرف کردن استبعاد یاد شده از اذهان شیعیان و به تبع، خلع

---

1- همان، ص 16.

2- همان، ص 2.

3- همان، ص 3.

4- همان، ص 4.

5- همان، ص 88.



سلاح مخالفان قرار داد. برخی از مباحث کتاب، کلی است و جنبه تمهیدی دارد؛ مانند وقوع غیبت در میان پیامبران الهی علیهم السلام (1) و خبر دادن و بشارت پیشینیان، از ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله. از جمله مباحثی که ارتباط مستقیم با موضوع کتاب دارد و بلافاصله به آن پرداخته شده، اصل امامت حضرت مهدی علیه السلام و شبهات مطرح شده در این باره است. برخی از عناوین شایان ذکر در این باره، عبارت اند از: ضرورت وجود خلیفه، وجوب اطاعت از خلیفه، بایستگی انتخاب خلیفه از سوی خدا، لزوم یکی بودن خلیفه، وجوب شناخت مهدی علیه السلام، غیبت و حکمت آن، فرقه کیسانیه، روایات راجع به وفات محمد بن حنفیه، ابطال قول ناووسیه و واقفه درباره غیبت، مناظره ابو الحسن علی بن احمد بن بشار با ابو جعفر محمد بن عبد الرحمان بن قبه رازی درباره غیبت، استدلال بر وجود امام غایب، اعتراضات زیدیه، طرح و دفع شبهات مخالفان، مباحثات ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی، و در پایان کتاب، مطلبی تحت عنوان «تنبیه»، درباره درستی غیبت. (2) اصل کتاب کمال الدین در دو جزء، شامل 58 باب با عناوین مشخص است: جزء اول: 32 باب دارد که مطالب هفت باب آن، شامل پیشینه غیبت در میان پیامبران الهی است. در این باره، سخن از نخستین غیبت آغاز می شود: غیبت ادریس نبی علیه السلام، نهصد سال پیامبری نوح علیه السلام پس از ادریس علیه السلام، غیبت صالح نبی علیه السلام، غیبت ابراهیم علیه السلام، غیبت یوسف علیه السلام، غیبت موسی علیه السلام، غیبت اوصیای موسی. یازده باب در: اخبار و بشارت پیشینیان، درباره ظهور اسلام و آمادگی گروهی از مردم برای درك پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله؛ مانند: بشارت عیسی بن مریم علیها السلام، خبر سلمان فارسی، خبر قیس بن ساعده ایادی، خبر تُبَّع، خبر عبد المطلب و ابوطالب، خبر

1- همان، ص 127 \_ 145.

2- همان، به ترتیب: ص 5، 9، 10، 19، 20، 32، 36، 37 \_ 40، 51، 65، 67، 73، 88، 127 \_ 145.

سیف بن ذی یزن، خبر بُحیرای راهب، خبر ابو مویهب راهب، خبر سَطیح کاهن، خبر یوسف یهودی، خبر (دواس) ابن حواش مقبل. (1)

سه باب در: ضرورت امامت، پیوستگی آن از زمان حضرت آدم علیه السلام و خالی نشدن زمین از حجت خدا. چهار باب \_ که البته پشت سر هم قرار ندارد \_ در: وجود حضرت قائم و به عنوان امام دوازدهم، نصّ قرآنی، نصوص نبوی، روایت صحیفه ی منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام درباره اسامی ائمه علیهم السلام و مادرانشان و نیز حضرت قائم به عنوان امام دوازدهم، نص بر وجود قائم در لوح اهدایی از طرف خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله و از پیامبر به فاطمه علیها السلام. وقوع غیبت امام دوازدهم، موضوع دیگر باب های این جزء است، شامل اخباری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، امام علی، امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین و امام باقر علیهم السلام. جزء دوم: شامل 26 باب است. باب نخست: اخبار امام صادق علیه السلام و دیگر ائمه تا امام حسن عسکری علیهم السلام، درباره بر وقوع غیبت. حدیث خضر نبی علیه السلام و ذوالقرنین، عنوان دو باب دیگر است که در همین راستا آمده اند. هفت باب در: سرانجام انکار امام دوازدهم، عدم اجتماع امامت در دو برادر پس از امام حسن و حسین علیهما السلام، مادر حضرت قائم و نام پدر او، میلاد قائم علیه السلام، کسانی که حضرت قائم را دیده اند و با او صحبت کرده اند، علّت غیبت، و توقیعات آن حضرت. هشت باب در: معمرین یا دراز عمرها، حدیث دجال و ارتباط آن با قائم علیه السلام، حدیث «ظباء بأرض نینوی»، حدیث حبابه و بیه، داستان بلوهر و یوزاسف، حدیث معمر مغربی ابو الدنیا علی بن عثمان بن خطّاب بن مرّة بن مؤید، حدیث عبید بن

**11 . فضائل الشيعة**

شریه جُزْهَمی، حدیث ربیع بن صَبْع فزاری، حدیث شق کاهن، و حدیث شَدَّاد بن عاد بن اِرم. دیگر باب ها: ثواب منتظر فرج، نهی از بردن نام قائم علیه السلام، و علائم خروج قائم. باب پایانی، باب «النوادر» است. در این باب، مسئله فترت مطرح شده است. کسانی که به فترت قائل شده اند، پنداشته اند همان گونه که در نبوت فترت و فاصله وجود دارد در امامت نیز چنین است. شیخ صدوق فترت در امامت را مخالف روایات پرشماری با مضمون «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حَجَّةٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» دانسته است. (1) روایات کتاب، با اسناد کامل اند و بیشترشان از علی بن بابویه پدر مؤلف، ابن ولید و محمد بن علی ماجیلویه نقل شده اند. کتاب کمال الدین، افزون بر ارزش حدیثی و کلامی، ارزش فراوان تاریخی نیز دارد. البته میزان صحت گزارش های تاریخی آن؛ بویژه در قسمت اخبار معمرین، به پای روایات مربوط به اصل امامت و غیبت آن حضرت نمی رسد و خود مؤلف نیز به این مسئله تصریح کرده است. وی خود، متذکر شده که تکیه گاه اصلی او، روایات صحیح و مورد اتفاق است. اخبار معمرین و امثال آنها تکیه گاه اصلی در امکان و اثبات غیبت امام دوازدهم نیست؛ چراکه غیبت آن حضرت، با روایت صحیح و بی شماری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ثابت است. یاد کردن از دراز عمرها و غیبت انبیای الهی و اوصیای آنها و بسیاری از پادشاهان صالح \_ که مورد قبول مخالفان است \_، تنها برای رفع استبعاد از اصل غیبت است. (2)

11 . فضائل الشيعة مؤلف: شیخ صدوق تحقیق: گروه تحقیق مدرسه امام المهدی علیه السلام و شیخ محمد تقی ذاکری ناشر: کانون انتشارات عابدی، تهران، بدون تاریخ و نوبت چاپ.

1- . کمال الدین و تمام النعمة، ص 656 \_ 657.

2- . کمال الدین و تمام النعمة، ص 638 \_ 639.

این کتاب بارها، جداگانه، یا همراه با کتابی دیگر، چاپ شده است. چند نسخه خطی از این کتاب، در کتاب خانه های ایران و عتبات عراق نگهداری می شود. به گزارش آقا بزرگ تهرانی، نسخه ای با خطی کهن و قطعی بزرگ، نزد دکتر نوع پرست در تهران، و نسخه ای در اختیار اردوبادی در نجف، و نسخه ای همراه با صفات الشیعة در سامرا، وجود دارد. نسخه دیگری به خط میرزا حسین نوری، در اختیار حفید او میرزا علی بهزادی در تهران است. (1) موضوع کتاب، فضایل شیعه است. مؤلف در این راستا، 45 روایت را با اسناد ناقص و بدون ترتیب و عنوان و باب خاص، از پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام درباره فضائل و جایگاه معنوی شیعه گردآورده است. این مضامین، در روایات کتاب دیده می شود: خبر دادن جبرئیل به آدم علیه السلام از بهشتی بودن شیعیان، آفرینش ارواح شیعیان پیش از ملائکه، پاکي شیعیان و اصالت آنها، معنای «رافضی»، درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام که از شیعیان باشد، مهربانی پیامبر و امامان به شیعیان، بعضی از فضائل امیر مؤمنان و دوستان وی، دوستی اهل بیت علیهم السلام به عنوان بزرگ ترین نعمت، وفاداری شیعیان، دوست داشتن شیعیان برای خدا، فضیلت برآوردن حاجت شیعیان، اعتصام به جبل المتین اهل بیت. طولانی ترین احادیث کتاب، حدیث هفدهم و هیجدهم است، که یکی در معرفی امام علی علیه السلام به عنوان معیار حبّ و بغض الهی و جبل المتین رستگاری، و دیگری درباره معنای «رافضی»، از امام صادق علیه السلام نقل شده اند. در مورد اخیر، امام صادق از عنوان «رافضی» برای شیعیان، استقبال کرده و آن را با عنوان یاران هارون و موسی علیهما السلام در قرآن دانسته است. (2) در مصادر نخستین کتاب شناسی، این عنوان ذکر نشده است؛ اما در سده یازدهم،

1- الذریعة، ج 15، ص 45؛ ج 16، ص 260؛ ج 17، ص 137، 138؛ فضائل الشیعة، ص 31 \_ 33.

2- همان، ص 33 \_ 35.

## 12. مئة منقبة في فضائل أمير المؤمنين و الأئمة عليهم السلام من ولده

شیخ حرّ عاملی (1) و محمد باقر مجلسی، (2) از آن یاد کرده اند. شهرت این کتاب، به اندازه دیگر کتب شیخ صدوق نیست. با این حال، از مصادر دو کتاب وسائل الشیعة و بحار الأنوار است. به قرینه نقل اندک میرزا حسین نوری از فضائل الشیعة \_ که به نقل از بحار الأنوار (3) و گاه بدون واسطه است \_، (4) این حدس قوی می نماید که وی این کتاب را چندان معتبر نمی دانسته است.

12. مئة منقبة في فضائل أمير المؤمنين و الأئمة عليهم السلام من ولده مؤلف: ابن شاذان (شاذان) قمی تحقیق: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم ناشر: مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، قم، 1407 ق. در تحقیق کتاب، بر دو نسخه خطی و یک نسخه چاپی اعتماد شده است: یکی، نسخه کتاب خانه آیه الله سید مصطفی خوانساری است که توسط پدرش سید احمد بن محمد رضا حسینی خوانساری، در سال 1328 ق، استنساخ شده است. نسخه دوم، در کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی است که بر روی آن، مطالبی به خط عزّ الدین حسین بن حیدر بن قمر حسینی عاملی کرکی در سال 984 ق، نوشته شده است. این نسخه، در یکی از چهار نسخه ای است که آقا بزرگ تهرانی به آنها اشاره کرده است. (5) مئة منقبة در سال 1349 ق، در نجف اشرف چاپ شد. (6) در مصادر کتاب شناسی، عنوان ایضاح دفائن النواصب، در فضائل اهل بیت علیهم السلام، (7)

1- وسائل الشیعة، ج 20، ص 37، 38.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 6.

3- مستدرک الوسائل، ج 1، ص 170؛ ج 5، ص 194.

4- همان، ج 11، ص 272.

5- الذریعة، ج 19، ص 4؛ فهرس التراث، ج 1، ص 468.

6- مئة منقبة، ص 15 \_ 16، مقدمه محقق.

7- الاستنصار، ص 6؛ کنز الفوائد، ص 259.

إيضاح دفاثن النواصب، (1) مئة حديث (2)، مناقب أمير المؤمنين، مئة منقبة، (3) و المناقب (4) آمده است. گویا ایضاح دفاثن النواصب، المناقب، ومئة منقبة، عناوین يك كتاب اند. این تلقی، تا سده دوازدهم وجود داشته است. قرینه بر این مطلب، توصیف این عناوین با فضائل أمير المؤمنين و نقل حديث از آنها است. کراچکی و ابن شهر آشوب با عنوان ایضاح دفاثن النواصب (5)، ابن طاووس با عنوان المئة حديث في فضائل مولانا علی علیه السلام (6)، سید هاشم بحرانی توبلی با سه عنوان: فضائل أمير المؤمنين و ولده الأئمة عليهم السلام، مئة حديث، و المناقب المئة (7)، شیخ حرّ عاملی با عنوان مناقب أمير المؤمنين مئة منقبة، (8) محمد باقر مجلسی با عنوان المناقب (9) و الفضائل و المناقب، (10) از آن نقل کرده اند. در سده دوازدهم به بعد، دو دیدگاه در یگانگی یا تعدد کتاب ایضاح النواصب و مئة منقبة پدید آمد. افندی اصفهانی، محقق خوانساری و برخی از کتاب شناسان معاصر، آن دورا دو کتاب دانسته اند. مهم ترین قرینه ای که بر این مطلب ذکر شده، مقایسه و مقابله نسخه های دو کتاب است. (11) عدّه ای دیگر از کتاب شناسان، چون میرزا حسین نوری (12) و علامه امینی، (13) بر یگانگی آنها تأکید کرده اند.

- 
- 1- معالم العلماء، ص 152.
  - 2- اليقين، ص 14، 30، 102.
  - 3- أمل الآمل، ج 2، ص 18، 242.
  - 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 18.
  - 5- مناقب آل أبي طالب، ج 1، ص 252.
  - 6- اليقين، همان جا.
  - 7- غاية المرام، ج 1، ص 18، 31؛ مدينة المعاجز، ج 1، ص 65؛ ج 2، ص 24.
  - 8- أمل الآمل، همان جا.
  - 9- بحار الأنوار، همان جا.
  - 10- كشف الحجب و الأستار، ص 555.
  - 11- رياض العلماء، ج 5، ص 26؛ روضات الجنّات، ج 6، ص 179 \_ 189؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 142؛ هدية العارفين، ج 6، ص 63؛ معجم المؤلفين، ص 325؛ الذريعة، ج 2، ص 494؛ ج 3، ص 107؛ ج 22، ص 316.
  - 12- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 138 \_ 139.
  - 13- فهرس التراث، ج 1، ص 467.

به چند قرینه، یگانگی این دو عنوان، قوی می نماید: یکی این که کراچکی هنگام نقل از کتاب ایضاح دفائن النواصب، تأکید کرده که موضوع آن، فضائل اهل بیت علیهم السلام از طریق اهل سنت است. (1) قرینه دیگر گزارش هایی است از کتاب الإبانة (2) و ایضاح المماثلة ی او (3) و این که ابن شهر آشوب در توصیف کتاب ایضاح دفائن النواصب، موضوع آن را نصوص بر ائمه علیهم السلام ذکر کرده، (4) و محمد باقر مجلسی نیز از آن با عنوان «المناقب ابن شاذان» یاد کرده و به ذکر آن توسط ابن شهر آشوب نیز اشاره کرده است. (5) به هر روی، انتساب مئة منقبة به ابن شاذان، معروف است. موضوع کتاب، بیان صد مورد از فضائل و مناقب امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد او است. گویا ابن شاذان در تألیف این کتاب، از ابن عیّاش جوهری الهام گرفته است. روایات کتاب به موجب نسخه چاپی، با اسانید کامل است که مؤلف از مشایخ حدیث امامی و سنی خود، نقل کرده است. این کتاب، از مصادر برخی کتاب های حدیثی و کلامی اهل سنت است. ابو الفتح کراچکی شاگرد مؤلف، در دو کتاب الاستنصار و کنز الفوائد، ابن طاووس در یقین، سید هاشم بحرانی (معروف به توبلی) در غایة المرام و مدینة المعاجز، محمد باقر مجلسی در بحار الأنوار، و میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل، (6) از آن نقل کرده اند. از اهل سنت نیز احمد بن محمد مکی خوارزمی (م 568 ق) در دو کتاب المناقب و مقتل الحسین علیه السلام، محمد بن یوسف شافعی (مق 658 ق) در کتاب کفایة الطالب، و ابراهیم بن محمد بن مؤید حمّوینی خراسانی (م 730 ق) در فرائد السمطين (7).

- 
- 1- الاستنصار، ص 6؛ کنز الفوائد، ص 259.
  - 2- بحار الأنوار، همان جا.
  - 3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 139.
  - 4- الذریعة، ج 2، ص 494.
  - 5- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 252.
  - 6- الاستنصار، ص 6؛ کنز الفوائد، ص 62، 121، 129، 185، 208، 220، 259؛ یقین، باب 77 \_ 86، ص 23، 31، 102، 103؛ غایة المرام، ج 1، ص 18، 31، 33، 67 \_ 69؛ مدینة المعاجز، ج 1، ص 65، 66، 371، 372، 400؛ ج 2، ص 24، 25، 310 \_ 314؛ بحار الأنوار، ج 3، ص 8؛ ج 2، ص 87؛ ج 6، ص 256؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 171؛ ج 6، ص 78.
  - 7- المناقب، ص 32، 70 \_ 73؛ مقتل الحسین علیه السلام در مئة منقبة، ص 8، مقدّمه محقق؛ دایرة المعارف بزرگ؟ اسلامی، مدخل ابن شاذان، کفایة الطالب در مئة منقبة، همان جا؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، همان جا؛ فرائد السمطين، همان جا.

### 13 . الاستبصار فی النص علی الأئمة الأطهار علیهم السلام

شایان گفتن است که خوارزمی به کتاب ابن شاذان اشاره نکرده، ولی روایاتی را از طریق ابن شاذان نقل کرده، که با همان اسناد و متن، در کتاب مئة منقبة ذکر شده اند. به قرینه ارسال روایات منقول توسط سیّد هاشم بحرانی از کتاب مئة منقبة، در برخی از نسخه های کتاب، اسانید روایات حذف شده است. (1) نسخه چاپی کتاب شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. محقق در مقدمه، به شرح حال مؤلف، اهمیّت و جایگاه تألیف و سپس به معرفی نسخه های خطی و چاپی آن پرداخته است. مقدمه مؤلف، به انگیزه و موضوع تألیف اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، ابن شاذان این کتاب را بر اساس تقاضای فردی که از او به «شیخ» یاد کرده، تألیف نموده است. وی متذکر شده که در این کتاب، صد فضیلت از فضائل امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد او را از طریق عامّه (اهل سنت)، گرد آورده است. (2) اصل کتاب شامل صد فضیلت در صد روایت است که با اسناد کامل، از مشایخ امامی و سنی مؤلف، از طریق اهل سنت نقل شده است. این فضائل، بر اساس اسامی حروف الفبا مرتب شده اند.

13 . الاستبصار فی النص علی الأئمة الأطهار علیهم السلام مؤلف: ابو الفتح کراچی تحقیق: گروه مصادر حدیث شیعه ناشر: دار الأضواء، بیروت، چاپ دوم، 1405 ق. پنج نسخه خطی از این کتاب موجود است، از جمله: نسخه ای در کتاب خانه آیه الله مرعشی، و نسخه ای در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، با تاریخ کتابت

1- . خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 138.

2- . مئة منقبة، ص 17 و 18.



960 ق. (1) کتاب الاستبصار بارها چاپ شده است. از جمله، در سال 1346 ق، در نجف به انضمام کتاب مقتضب الأثر ابن عیاش جوهری (م 401 ق). کتاب الاستبصار با همین عنوان (2)، یا با عنوان الاستبصار فی النص علی الأئمة الأطهار علیهم السلام (3) و شرح الاستبصار (4) ذکر شده است. به قرینه ذکر عنوان «الاستبصار» در فهرست مصنّفات کراچکی، (5) این نام به واقع نزدیک تر است. گویا این اختلاف، از آن جهت پدید آمده که کراچکی نامی برای کتاب خود، انتخاب نکرده است. وی در مقدمه این کتاب، در وصف آن، دو عبارت «یستبصر منه الناظر» و «یستنصر به المناظر» را به کار برده است. کتاب شناسان، این دو عبارت را رمز نام کتاب تلقی کرده اند؛ ولی برخی، تعبیر اول و برخی تعبیر دوم را به کار برده اند. (6) انتساب این کتاب به کراچکی، مشهور است. الاستبصار چنان که از نام آن پیداست، در موضوع امامت امامان دوازده گانه است. مؤلف در مقدمه، به انگیزه تألیف و اهمیت آن پرداخته است. انگیزه تألیف، در پی انکار وجود نص بر امامت ائمه علیهم السلام در مناظره ای میان یکی از دوستان وی و مخالفان، پدید آمده است. (7) این کتاب در دو باب و دوازده فصل، با 36 خبر سامان یافته است. باب اول: شامل نوزده روایت از طریق خاصه (امامیه) است که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و برخی از صحابه، با سند کامل آمده است. باب دوم: مختصّ روایات از طریق عامه است، شامل سیزده روایت از پیامبر

- 
- 1- میراث حدیث شیعه، ج 2، ص 92 و 93؛ فهرس التراث، ج 1، ص 518.
  - 2- الیقین، ص 374؛ أمل الآمل، ج 2، ص 287؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 18؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 130.
  - 3- تراثنا، ش 43 و 44؛ الیقین، ص 110؛ کشف الحجب والأستار، ص 41؛ الذریعة، ج 2، ص 34 و 35.
  - 4- معالم العلماء، ص 154.
  - 5- تراثنا، همان جا.
  - 6- الاستبصار، ص 4 و 5.
  - 7- الاستبصار، ص 2.

**14 . التعجب من أغلط العامة في مسألة الإمامة**

خدا صلی الله علیه و آله علی السلام و برخی از صحابه. سایر فصل های کتاب عبارت اند از: دو فصل در دو متن از تورات، (1) يك فصل در خبر هارونی، يك فصل در خبر خضر \_ که مفصل است \_، (2) و يك فصل در خبر قیس بن ساعده ایادی از جارود بن منذر عبدی. (3) مؤلف در این کتاب، به نقل روایت و خبر بسنده نکرده و به نقد آنها نیز پرداخته است. نقد وی، هم نسبت به روایات فریقین است که جنبه تأییدی دارد و هم به متون تورات است. وی در این راستا، با تفسیر و تطبیق متون یاد شده بر ائمه علیهم السلام، ایرادهای مربوط به تورات را در سه دسته \_ انطباق متن بر امامت ائمه علیهم السلام، نسخ و تحریف آن \_ بیان کرده و پاسخ داده است. وی درباره نسخ، متذکر شده که نسخ، در اوامر و نواهی است، نه در اخبار. کراچکی روایات فریقین را از کتاب ایضاح دفتائن النواصب و مئة منقبة ی ابو الحسن محمد بن احمد بن علی بن شاذان قمی، (4) و از محمد بن عثمان ذهبی نقل کرده است. این کتاب از مصادر یقین ابن طاووس، الأربعین قمی و بحار الأنوار مجلسی است. (5)

14 . التعجب من أغلط العامة في مسألة الإمامة مؤلف: ابو الفتح کراچکی تصحیح و تخریج: فارس حسون کریم ناشر: دار الغدير، قم، چاپ اول، 1421 ق. یازده نسخه خطی از این کتاب موجود است که کهن ترین آنها متعلق به سال

1- الاستبصار، ص 26 و 27.

2- همان، ص 31.

3- همان، ص 24.

4- الاستبصار، ص 20.

5- الأربعین، ص 359؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 35؛ ج 26، ص 264.

986 ق است. (1) التعجب در سال 1322 ق، همراه با کنز الفوائد، در تهران چاپ سنگی شد. د. فارس حسون در تصحیح کتاب، بر دو نسخه اعتماد کرده است: نسخه ای که در سال 1322 ق، در پایان کتاب کنز الفوائد چاپ شده، و نسخه خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی در مجموعه شماره 67/4 که به اشتباه در فهرست نسخه های کتاب خانه (ج 2، ص 78) با عنوان کتاب الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف ابن طاووس حلّی (م 664 ق) یاد شده است. سید عبد العزیز طباطبائی، این اشتباه را تصحیح کرده است. (2) التعجب من أغلاط العامة فی الإمامة با همین عنوان، (3) التعجب، (4) التعجب فی الإمامة (5) و عجائب الأغلاط، (6) یاد شده است. آقا بزرگ تهرانی عجائب الأغلاط را به سید مرتضی نسبت داده است؛ ولی وی عبارتی را نیز در بیان انگیزه مؤلف آورده، گویای آن که التعجب من العامة و عجائب الأغلاط، تکمیلی برای کتاب شیخ مفید به شمار می آیند. از این عبارت، چنین بر می آید که این دو عنوان، نام یک کتاب است و گویا صاحب الذریعة درباره مؤلف آن، تردید داشته است. به هر حال، انتساب التعجب به کراچکی، معروف است و این کتاب از مصادر برخی کتاب های حدیثی و کلامی است. (7) موضوع کتاب، بیان تناقضات عامّه در مسئله امامت است. مؤلف با استناد به قرآن، روایات، تاریخ و عقل، به بیان اشتباهات و

1- تراثنا، ش 44، ص 383؛ التعجب، ص 16، مقدمه محقق .

2- التعجب، مقدمه محقق، ص 23، 24.

3- «مکتبة العلامة الكراچکی»، السید عبد العزیز الطباطبائی، تراثنا، ش 44، ص 383؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 18، 35؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 131؛ الذریعة، ج 4، ص 210.

4- فهرست منتجب الدین، ص 100.

5- معالم العلماء، ص 119.

6- الذریعة، ج 2، ص 216؛ ج 15، ص 218.

7- بحار الأنوار، همان جا؛ فرحة الغری، ص 54.

ناسازگاری های اقوال و آرای اهل سنت پرداخته است. رویکرد کتاب، کلامی و شیوه بحث آن، جدلی و احتجاجی است. مؤلف ابتدا رأی اهل سنت را در مسئله ذکر می کند و معمولاً در سه تا پنج سطر، به نقد کلی آن می پردازد. سپس تحت عنوان «التعجب»، موارد تناقض و اشتباه آنان را آشکار می سازد. کراچکی آرای اهل سنت را از منابع حدیثی و تاریخی مورد اعتماد آنان، ذکر می کند و آن گاه، با استناد به قرآن، دلایل عقلی، سنت و تاریخ، به نقد آنها می پردازد. وی همچنین، در مواردی برای تأیید يك مطلب، به اقوال برخی از علمای اهل سنت و یا بعضی اشعار اشاره می کند. از این رو، کتاب التعجب در زمینه نقد محتوایی حدیث، بسیار ارزشمند است. کراچکی احادیث و گزارش های تاریخی را از طریق اهل سنت و گاه از طریق شیعه، بدون ذکر سند نقل می کند. نسخه چاپی کتاب شامل مقدمه مصحح، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه مصحح، شرح حال مؤلف، انتساب تألیف به کراچکی، موضوع کتاب و نسخه های خطی و چاپی آن، معرفی شده است. در مقدمه مؤلف، درباره انگیزه تألیف اشاره شده است به این که التعجب، در راستای فصل آخر کتاب اطراف الدلائل و أوائل المسائل شیخ مفید و با هدف بسط و تکمیل آن، به نگارش در آمده است. (1) اصل کتاب در هفده فصل با این عناوین مشخص، سامان یافته است: فصل اول: وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت علی علیه السلام فصل دوم: نص پیامبر صلی الله علیه و آله بر ولایت و جانشینی علی علیه السلام فصل سوم: واگذاری تعیین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله به انتخاب فصل چهارم: انتخاب ابوبکر فصل ششم: علم امام و جانشین پیامبر فصل هفتم: عصمت پیامبر و امام و جانشین پیامبر

**15 . التفضيل**

فصل هشتم: پیش افتادن امامت مفضول بر فاضل (ابو بکر بر امام علی علیه السلام) فصل نهم: دلائل امامت ابو بکر فصل دهم: تقیه امام علی علیه السلام درباره خلفا فصل یازدهم: فضائل صحابه فصل دوازدهم: اسامی و اوصاف ابو بکر و دیگر خلفا فصل سیزدهم: دشمنی با اهل بیت علیهم السلام فصل چهاردهم: تفضیل ابو بکر با آیه معروف به غار فصل پانزدهم: درباره انفاق ابو بکر بر پیامبر صلی الله علیه و آله فصل شانزدهم: فدک فصل هفدهم: منابع احکام، و بدعت هایی در شریعت اسلام

15 . التفضيل مؤلف: ابو الفتح کراچکی تحقیق: جلال الدین محدث ارموی ناشر: مؤسسه بعثت، تهران، 1361 ش. گویا يك نسخه خطی از این کتاب موجود است و محقق کتاب نیز بر آن اعتماد کرده است. این نسخه به خط سید محمد بن محمد بن حسن حسینی، مشهور به ابن قاسم عالمی عیناثری و در سال 1057 ق، از روی نسخه ای به خط شهید ثانی، استنساخ شده است. این نسخه، ابتدا با عنوان المعتمد، در کتاب خانه محدث ارموی بوده، سپس به کتاب خانه آیه الله گلپایگانی در قم منتقل شده است. آقا بزرگ تهرانی با استناد به عنوان المعتمد بر روی نسخه خطی، آن را المعتمد فی الإمامة معرفی کرده است. (1) این کتاب در سال 1370 ق، در دار الکتب الإسلامية در تهران، با تحقیق محدث ارموی چاپ شد.

1- . الذریعة، ج 21، ص 213؛ تراثنا، ش 43 و 44، ص 396 و 397.

کتاب التفضیل، با عنوان تفضیل امیر المؤمنین علیه السلام (1) نیز ذکر شده است. این عنوان در فهرست تألیفات کراچکی نیامده است؛ ولی دو عنوان دیگر که در راستای هدف و انگیزه التفضیل به نظر می‌رسند، در آن فهرست دیده می‌شود: یکی المسألة التبانیه فی فضل امیر المؤمنین علیه السلام علی جمیع البریه سوی سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله، و دیگری الرسالة العلویة فی فضل امیر المؤمنین علیه السلام علی سائر البریه سوی سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله. برخی از کتاب شناسان، بر یگانگی التفضیل و الرسالة العلویة تأکید کرده‌اند. میرزا حسین نوری، سید عبد العزیز طباطبایی (2) و شیخ عبد الله نعمت، (3) بر این قول هستند. قرینه بر یگانگی این دو عنوان، عبارتی است در پایان الرسالة العلویة، گویای آن که مؤلف، آن را برای شریف ابو طالب نگاشته است (4) و در ابتدای التفضیل نیز همین عبارت آمده است. (5) به هر حال، این کتاب از مصادر بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. (6) موضوع کتاب، چنان که مؤلف خود به آن تصریح کرده، (7) اثبات برتری امیرمؤمنان علی علیه السلام بر سایر انسان‌ها جز پیامبر اسلام است. وی در تبیین این موضوع، از کتاب و سنت و تأمل در تاریخ زندگی امام علی علیه السلام و سابقه و عملکرد درخشان وی در اسلام، بهره گرفته است. کتاب التفضیل در یک مقدمه - که خطبه کتاب است - و دو باب، سامان یافته است. هر باب نیز مشتمل بر چند فصل است. خطبه کتاب، در باره اهمیت و ضرورت تألیف و اشاره به راه‌های استدلال بر موضوع آن است. باب نخست، شامل دلایل قرآنی و روایی بر برتری امام علی علیه السلام است. باب دوم، درباره عملکرد و سابقه درخشان امام

- 
- 1- .أمل الآمل، ج 2، ص 287؛ ریاض العلماء، ج 5، ص 139؛ روضات الجنّات، ج 6، ص 209؛ الذریعة، ج 4، ص 359.
  - 2- .تراثنا، ش 43 و 44، ص 396 و 397.
  - 3- .کنز الفوائد، ج 1، ص 23.
  - 4- .تراثنا، همان، ص 395.
  - 5- .التفضیل، ص 6.
  - 6- .بحار الأنوار، ج 1، ص 18، 35؛ ج 57، ص 300.
  - 7- .التفضیل، ص 7 و 8.

علی علیه السلام در صحنه ها و مواقع گوناگون است. کراچکی دلایل نقلی را با قرآن شروع کرده و در این زمینه، آیه مباهله را مطرح نموده است. وی در تبیین مفاد آیه مباهله، از سیاق آیه و روایت ابن مسعود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کمک گرفته است. استدلال به روایات نیز، در سیزده فصل مرتب شده است. وی اخبار فضائل و گاه احادیث مخالف را ذکر می کند. روش کار وی چنین است که ابتدا وضعیت خبر را از نظر میزان اعتبار و مقبولیت، اشاره می کند و گاه، پیش از ذکر اصل روایت یا روایات و گاه، پس از آن و در مواردی در هر دو جا، به بیان وجه دلالت آن اخبار بر موضوع می پردازد. از آن جا که روی سخن کراچکی در مرتبه نخست، با اهل سنت و منکران برتری امام علی علیه السلام بر دیگر انسان هاست، یا به روایاتی استشهاد کرده است که از هر دو طریق، نقل شده اند و یا به احادیثی که تنها اهل سنت نقل کرده اند. وی معمولاً در ابتدا یا پایان حدیث، به این نکته اشاره می کند. (1) کراچکی در این کتاب، به سان دیگر کتاب هایش، به هنگام نقل حدیث، گاه به زمان و مکان اخذ حدیث نیز اشاره کرده است. (2) وی احادیث اهل سنت را از ابن شاذان و گاه ابو الحسن سلمی \_ که از هر دو به استاد و شیخ یاد می کند \_ ، نقل کرده است. (3) اسناد احادیث کتاب، جز در مواردی اندک، کامل است. کراچکی گاه چند روایت را در یک موضوع نقل می کند و پس از نقل آنها یادآور می شود که امثال این خبر، در کتب عامه و خاصه یا کتب اهل سنت، وجود دارد یا فراوان است. (4) برخی از روایات کتاب، عنوان خاص و معروف دارند؛ مانند: حدیث «مؤاخاة»، حدیث طائر، و حدیث «علی علیه السلام خیر البشر». (5) وی این گونه اخبار را بدون ذکر مقدمه نقل می کند. در باب دوم که با عنوان «الاستدلال بالاعتبار» یاد شده، به

1- همان، ص 23، 24، 25.

2- همان، ص 15، 16، 25، 31.

3- همان، ص 20، 25، 26، 27، 28، 30، 31، 39.

4- همان، ص 12، 23.

5- همان، ص 14، 15، 18، 20، 22.

**16 . إثبات الوصية لعلی بن أبي طالب علیه السلام**

برخی از سوابق و عملکرد امام علی علیه السلام اشاره شده است. در ابتدای این باب، از ابن عباس و نافع بن ازرق حکایت شده که علی علیه السلام در سابقه و عملکرد، بی نظیر و بی بدیل بوده است. پس از آن، موارد و مصادیق برجسته ای از عملکرد آن حضرت در وفاداری به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است. از ماجرای لیلۃ المبیت، و مبارزه در غزوه های احد و احزاب و خیبر، به عنوان نمونه های برجسته یاد شده و در توضیح هر یک، به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام در عظمت شخصیت امام علی علیه السلام نیز استناد شده است. کراچکی در پایان با اشاره به این که امامیه بر برتری امام علی علیه السلام اجماع دارند، به شبهه های حشویه اهل سنت، معتزله و گروه های بی نام و نشان از شیعه (اصاغر شیعه) پرداخته و به آنها پاسخ داده و در این جهت، به قرآن، سنت، عقل و تاریخ، استناد کرده و گاه به شیوه جدل، استدلال کرده است. (1)

16 . إثبات الوصية لعلی بن أبي طالب علیه السلام مؤلف: ابو الحسن مسعودی مترجم: محمد جواد نجفی ناشر: انتشارات اسلامیه، تهران 1344 ش. این کتاب بارها چاپ شده است. از جمله، در سال 1320 ق، در تهران که در 267 صفحه همراه با الغیبه ی نعمانی چاپ شد و در سال 1367 ق، نیز در نجف اشرف در 229 صفحه. (2) از کتاب إثبات الوصية، در بیشتر مصادر کتاب شناسی، نام برده شده است. (3) بر پایه نسخه چاپی، مطالب کتاب در سه جزء، سامان یافته است:

1- همان، ص 44 \_ 48.

2- تراثنا، ش 18، ص 136.

3- رجال النجاشی، ص 254؛ خلاصة الأقوال، ص 186؛ رجال ابن داوود، ص 137؛ أمل الآمل، ج 2، ص 180 \_ 181.



جزء نخست: گزارش آفریدگان پیش از حضرت آدم علیه السلام تا زمان آن حضرت. در این جزء، پس از آفرینش آدم علیه السلام و شرح حال مختصر او، اسامی اوصیای حضرت آدم علیه السلام ذکر شده است و سپس دیگر پیامبران، به این ترتیب: نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، داوود علیه السلام، عیسی مسیح علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، همراه با شرح حال مختصر هر یک از آنان و ذکر اوصیای آنان. این اوصیا در هر طبقه، غالباً دوازده نفر ذکر شده اند. مسعودی در پایان شرح حال هر یک از این افراد، متذکر می شود که خداوند به او وحی کرد که تابوت و موارث انبیای پیشین را به وصی بعدی ودیعه دهد. جزء دوم: شامل شرح حال کوتاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از تولد تا وفات، خلافت امیر المؤمنین علیه السلام و گزارشی از برخورد ناموجه خلفای پیشین با او و حضرت زهرا علیها السلام، از جمله: فشار برای وادار کردن آن حضرت به بیعت با خلیفه، قضیه آتش زدن در خانه امام علی علیه السلام و سقط شدن محسن. (1) جزء سوم: اشاره به برخی از حالات و معجزات امام علی علیه السلام، وفات آن حضرت و معرفی امام حسن علیه السلام به عنوان وصی، و... این جزء با همین سبک و سیاق، تا امام زمان علیه السلام دنبال می شود. مؤلف در شرح حال هر یک از امامان علیهم السلام، به ولادت، سیره، معجزات و وفات آنها می پردازد. از نکات قابل توجه در این جزء، آن است که مؤلف در شرح حال امام جواد علیه السلام آورده که «وی در گهواره سخن می گفت». (2) در شرح حال امام دوازدهم علیه السلام نیز با بیان نصوص بر امامت امامان دوازده گانه، متذکر شده است که ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام معمولاً رو در رو و حضوری، با شیعیان برگزیده صحبت نمی کرد و این بدان جهت بود که زمینه و آمادگی برای غیبت امام زمان را فراهم سازد. (3)

1- إثبات الوصیة، ص 123 \_ 124.

2- إثبات الوصیة، ص 184.

3- همان، ص 230.

**17 . المسترشد**

مسعودی این کتاب را در سال 332 ق، تألیف کرده و متذکر شده است که عمر امام زمان علیه السلام تا زمان تألیف این کتاب 75 سال و هشت ماه است. (1)

17 . المسترشد مؤلف: ابن جریر طبری امامی تحقیق: احمد محمودی ناشر: مؤسسه الثقافة الإسلامية لکوشانبور، چاپ اول، 1415 ق. در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه ای به خط محمد باقر مجلسی در 1095 ق، و نسخه سید محمد رضا بن ابی القاسم بن فتح الله بن نجم الدین حسینی کالی استرآبادی، در کتاب خانه حسینیه شوشتری در نجف اشرف. شیخ شیر محمد همدانی نسخه کامل این دو نسخه را فراهم کرد. (2) المسترشد با همین عنوان، (3) و یا با عنوان المسترشد فی الإمامة، المسترشد فی إثبات الإمامة، و المسترشد فی دلائل الإمامة، در مصادر آمده است. (4) هر چند انتساب المسترشد به طبری، معروف است، قطعی نیست؛ چرا که ابن ندیم کتابی را با همین عنوان، به ابن جریر طبری عامی نسبت داده است. (5) البته شاید سخن وی، بر اثر اشتباه در نام مؤلف و یا وجود دو کتاب با این عنوان باشد. نسخه چاپی المسترشد، شامل مقدمه بلند محقق و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به شرح حال ابن جریر طبری و تألیفات او و نیز جایگاه المسترشد و معرفی نسخه های خطی آن، اشاره شده است. اصل کتاب گویا فاقد سامانی بر پایه فصل و

1- همان، ص 231.

2- المسترشد، ص 68؛ الذریعة، ج 8، ص 245.

3- الفهرست، طوسی، ص 239.

4- رجال النجاشی، ص 376؛ معالم العلماء، ص 141؛ خلاصة الأقوال، ص 266؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 40.

5- فهرست ابن ندیم، ص 292.

**18 . دلائل الإمامة**

باب بوده و با این حال، از عناوین فرعی برخوردار است. زمینه بحث کتاب چنان که مؤلف خود اشاره کرده، (1) فضائل امام علی علیه السلام و اثبات امامت اوست و نیز پاسخ این ادعای مخالفان که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، اصلح ابو بکر است. ابن جریر طبری در راستای این هدف، از روایات مخالفان استفاده کرده است. این امر، تعجب ابن ابی الحدید را برانگیخته و او احساس خود را این گونه بروز داده است که در میان کتب شیعه، چنین اخباری را تنها در کتاب سیّد مرتضی و کتاب المسترشد ابن جریر طبری امامی یافته است. (2) المسترشد از مصادر نهج البلاغة، الصراط المستقیم علی بن یونس و بحار الأنوار است. (3) این کتاب افزون بر ارزش کلامی، ارزش تاریخی دارد؛ زیرا در آن از منابع تاریخی باارزشی نقل شده است که نایاب به شمار می آیند؛ از جمله، روایات فراوانی از واقدی. ابن جریر با تکیه بر روایات \_ که آنها را بدون سند ذکر کرده \_، به مباحث متعددی با این عنوان ها پرداخته است: اثبات فضل کسی که دارای فضل است، نفی امامت از کسی که شایستگی آن را ندارد، پاسخ به این سؤال که «چرا علی علیه السلام برای گرفتن حق خود قیام نکرد؟» داستان انصار، شرح حدیث نبوی «أنت منی بمنزلة هارون من موسى»، لزوم امامت، اثبات وصیت و وصی، این که پیامبر صلی الله علیه و آله پشت سر ابو بکر نماز نخواند و... است.

18 . دلائل الإمامة مؤلف: ابن جریر طبری امامی تحقیق: گروه مطالعات اسلامی مؤسسه بعثت ناشر: مؤسسه البعثة، قم، چاپ اول، 1413 ق.

1- .المسترشد، ص 111.

2- .شرح نهج البلاغة، ج 2، ص 36.

3- .مصادر نهج البلاغة و أسانیده، ج 1، ص 40؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 4؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 40.

در تحقیق کتاب، از دو نسخه خطی و یک نسخه چاپی استفاده شده است: نسخه کتاب خانه آستان قدس رضوی، نسخه کتاب خانه عمومی آیه الله مرعشی (با تاریخ تحریر 1319 ق، از روی نسخه ای با تاریخ کتابت 1092 ق) و نسخه چاپی در چاپ خانه حیدریه در نجف اشرف، در سال 1369 ق. معرفی کتاب دلائل الإمامة، با همین عنوان (1) و یا با عنوان الإمامة، (2) مسند فاطمة علیها السلام، و مناقب فاطمة و ولدها علیهم السلام (3) آمده است. انتساب این کتاب به ابن جریر طبری، معروف است؛ اگرچه خالی از تردید نیست. یک نظر آن است که این کتاب، همان المسترشد پیش گفته است. (4) دیدگاه دیگر آن است که این، کتابی مستقل است. (5) بر پایه دیدگاه سوم که در میان متأخران و معاصران مطرح شده، این کتاب، نه تألیف ابن جریر طبری صاحب المسترشد؛ که تألیف فردی است به همان نام که معاصر نجاشی و شیخ طوسی بوده است. (6) آقا بزرگ برای دفاع از این دیدگاه، به شواهدی اشاره کرده که بر ناسازی مشایخ صاحب المسترشد با مشایخ صاحب دلائل الإمامة و گاه ابهامات و آشفتگی ها در اسناد کتاب دلائل الإمامة استوار است. مؤلف کتاب دلائل الإمامة از بسیاری از مشایخ نجاشی و طوسی روایت کرده است؛ همچون: ابن خیاط قمی، محمد بن هارون بن موسی تلعبکری، ابو مفضل شیبانی و حسین بن عبید الله غضائری. او از کسانی روایت کرده که راوی شیخ صدوق و تلعبکری اند، چنان که نجاشی و طوسی نیز از آنها روایت

- 
- 1- دلائل الإمامة، مقدمه محقق، ص 36\_37.
  - 2- الیقین، ص 100\_102.
  - 3- معالم العلماء، ص 141؛ إقبال الأعمال، ج 1، ص 36، ج 3 ص 113؛ الأمان من أخطار الأسفار، ص 66، ص 135؛ أمل الآمل، ج 2، ص 272.
  - 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 40؛ كشف الحجب والأستار، ص 215.
  - 5- معالم العلماء، همان جا؛ أمل الآمل، همان جا؛ فرج المهموم، ص 102؛ كشف المنجبة، ص 35؛ الیقین، ص 50\_51؛ اللهوف، ص 26؛ مدينة المعاجز، ج 1، ص 36؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 103؛ معجم المؤلفین، ص 164.
  - 6- الذریعة، ج 8، ص 241؛ الأخبار الدخيلة، ج 1، ص 43؛ معجم رجال الحدیث، ج 16، ص 158؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن جریر طبری».

**19 . مقتضب الأثر**

کرده اند. در این کتاب، پس از حدیث 128 در زمینه دلائل امام حجّت علیه السلام، آمده است که: «این خبر، از اصلی به خطّ ابو عبد الله حسین بن غضائری \_ رحمة الله علیه \_ روایت شده است». (1) کتاب دلائل الإمامة به استناد نسخه خطّی موجود \_ که نسخه چاپی نیز از روی آن است \_، مشتمل بر شرح زندگانی و معجزات و دلائل فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر ائمه علیهم السلام از امام حسن تا حضرت حجّت است. به قرینه اسقاط در اسناد حدیث اوّل آن و نیز مواردی که ابن طاووس (م 664 ق) در إقبال الأعمال (2) و الیقین (3) درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و ظاهراً فاطمه علیها السلام آن نقل کرده است، بر می آید که این نسخه، ناقص است و نسخه کامل آن، در دو مجلّد یا دو جزء بوده و هر دو جزء، در اختیار ابن طاووس قرار داشته است. (4) جزء اوّل کتاب، پس از ابن طاووس نایاب شد و گویا محمّد باقر مجلسی و سیّد هاشم توبلی نیز آن را در اختیار نداشته اند. (5) این کتاب از مصادر کتاب های حدیثی و کلامی همچون مدینه المعاجز، بحار الأنوار است.

19 . مقتضب الأثر مؤلف: ابن عیاش جوهری تحقیق: سیّد هاشم رسول محلاتی ناشر: مکتبة الطباطبائی، قم، 1379 ق. نسخه خطّی این کتاب، از روی نسخه ای به خطّ محمّد بن احمد بن محمّد بن عبد الکریم ابن ابی الفتح همدانی (کتابت در سال 575 ق) در کتاب خانه میرزا

- 
- 1- الذریعة، همان جا؛ الأخبار الدخیلة، همان جا.
  - 2- الإقبال، ج 1، ص 36؛ ج 3، ص 113.
  - 3- باب 65، 66، 67.
  - 4- دلائل الإمامة، ص 39 \_ 41، مقدّمه محقق .
  - 5- الذریعة، ج 8، ص 244؛ دلائل الإمامة، ص 41 \_ 42، مقدّمه محقق .

محمد عسکری تهرانی موجود است. (1) مقتضب الأثر بارها در ایران و خارج از آن چاپ شده است؛ از جمله، در نجف اشرف در سال 1346 ق. (2) این کتاب با عنوان مقتضب الأثر فی عدد الأئمة الإثنی عشر، یا با عنوان مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، در مصادر کتاب شناسی ذکر شده است. (3) انتساب مقتضب الأثر به ابن عیاش، معروف است. این کتاب از مصادر کتاب های حدیثی و کلامی، بویژه در مسئله امامت است؛ مانند: کفایة الأثر ابن خزّاز قمی، الاستبصار و کنز الفوائد کراچکی، وسائل الشیعة، بحار الأنوار و مستدرک الوسائل. نسخه چاپی شامل مقدمه بلند لطف الله صافی، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. لطف الله صافی، در مقدمه، به جایگاه امامت و ائمه دوازده گانه در متون روایی اهل سنت و شیعه و آثاری که در این باره تألیف شده، پرداخته است. مقدمه مؤلف به انگیزه تألیف، موضوع کتاب و معرفی بخش های آن، اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، هدف اصلی مؤلف، گردآوری روایاتی از طریق اهل سنت بوده است، که اسامی، تعداد و اشخاص ائمه علیهم السلام را مطابق با آنچه در روایات امامی آمده، گزارش کرده اند. وی متذکر شده که مطالب کتاب را در سه جزء با موضوع مشخص، سامان داده است. جزء نخست: در روایات از طریق اهل سنت درباره اسامی و تعداد ائمه علیهم السلام، شامل روایاتی از برخی صحابیان، چون: سلمان فارسی، عبد الله بن مسعود، جابر بن سمّره، عبد الله بن ابی عوفی و جابر بن عبد الله انصاری. جزء دوم: در اشعار و اخبار پیشینیان درباره اسامی ائمه علیهم السلام، شامل: روایت عبد الله بن عمر، کعب الأحبار و حسن بصری که به ذکر شدن در اسامی و شمار ائمه علیهم السلام در

1- الذریعة، ج 22، ص 21؛ فهرس التراث، ج 1، ص 456؛ تراثنا، ش 25، ص 110.

2- الذریعة، همان جا؛ تراثنا، همان جا.

3- رجال النجاشی، ص 85؛ الفهرست، طوسی، ص 79؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 19؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 41؛ الذریعة، ج 22، ص 21.

**20 . كفاية الأثر**

کتاب های آسمانی پیشین اشاره دارند، و نیز اشعاری از اشعار فُس بن ساعده و دیگران، که پیش از ولادت ائمه علیهم السلام سروده شده و در آنها به عدد ائمه اشاره شده است.

جزء سوم: در روایات از طریق شیعه و با اسناد به اهل بیت علیهم السلام . (1) مؤلف در ابتدای هر جزء ، به مفاد روایات و طریق روایت ، و در پایان یافتن آن اشاره کرده است . وی روایات را با اسانید کامل نقل کرده و معمولاً درباره روایات منقول از طریق عامه، توضیحاتی نیز داده و یا روایتی همخوان و موافق با آن را از طریق امامیه نقل کرده است. از نکات جالب در این کتاب، آن است که مؤلف در موارد بسیاری، نحوه اخذ حدیث و گاه تاریخ را نیز باز گفته است.

20 . كفاية الأثر مؤلف: ابن خزّاز قمی تحقیق: سیّد عبد اللطیف حسینی کوه کمری خویی ناشر: انتشارات بیدار، قم، 1401 ق. در تحقیق این کتاب، افزون بر نسخه چاپ سنگی، از سه نسخه خطی استفاده شده است، که دو نسخه در کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی است: یکی به خط مؤمن بن عبد الجواد کاظم (کتابت در 1086 ق)، و دیگری به خط میرزا حسین نوری طبرسی و با تصحیح او در سال 1280 ق. نسخه سوم، در کتاب خانه سیّد جلال الدین محدّث ارموی است که در سال 931 ق، به خط تاج الدین بن عبد الله بن سلیمان فقیه، از روی نسخه ای متعلّق به سال 404 ق، استتساخ شده است. همچنین، برخی از احادیث کتاب با کمال الدین و تمام النعمة ی شیخ صدوق نیز مقابله شده است. (2) كفاية الأثر پیش از این نیز در ایران (سال 1305 ق) همراه با الخرائج و الجرائح قطب الدین

1- .مقتضب الأثر، ص 3 .

2- .كفاية الأثر، ص 18 \_ 20 ، تراثنا ، ش 24 ، ص 132 .

راوندی (م 573 ق) چاپ شد. (1) این کتاب با عنوان *الكفاية في النصوص* (2)، *الكفاية في النصوص على عدد الأئمة عليهم السلام* (3) ، و نیز *كفاية الأثر في النصوص على الأئمة الإثني عشر* یاد شده است. انتساب *كفاية الأثر* به ابن خزاز، معروف است. این کتاب مصادر کتاب های حدیثی و کلامی، مانند: *بحار الأنوار*، و *وسائل الشیعة* و *مستدرک الوسائل* است. (4) نسخه چاپی شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، شرح حال مؤلف، جایگاه کتاب و معرفی نسخه های خطی آمده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف اختصاص دارد، گویای آن که مؤلف، این کتاب را بر حسب نیاز زمان خویش تألیف کرده است. در آن دوره، شماری از شیعیان که ایمان قوی نداشتند و کم دان نیز بودند، در مسئله امامت و تعداد امامان تردید داشتند و بعضی از آنها تحت تأثیر شبهات معتزله، به انکار نصوص بر امامت ائمه علیهم السلام نیز می پرداختند. در این شرایط، ابن خزاز این کتاب را با استفاده از روایات صحابه و اهل بیت علیهم السلام تألیف کرد. اصل کتاب، در دو بخش سامان یافته است. بخش نخست، به روایات صحابیان معروف اختصاص دارد، از جمله: عبد الله بن عباس، عبد الله بن مسعود، ابو سعید خدری، ابو ذر غفاری، سلمان فارسی، جابر بن سمره، جابر بن عبد الله، انس بن مالک، ابو هریره، عمر بن خطاب، زید بن ثابت، زید بن ارقم، ابی امامة، واثلة بن اسقع، ابو ایوب انصاری، عمّار بن یاسر، حذیفه بن أسید، عمران بن حصین، سعد بن مالک، حذیفه بن یمان، ابو قتاده انصاری، علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهما السلام و از زنان، ام سلمه، عایشه و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله .

1- تراثنا، ش 23، ص 237، 238.

2- معالم العلماء، ص 106.

3- وسائل الشیعة، ج 20، ص 40.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 27؛ الذریعة، ج 18، ص 86.



**21. ایمان أبي طالب**

بخش دوم، به ذکر اخبار از طریق ائمه علیهم السلام اختصاص یافته است. در این بخش، پس از نصوص بر امامت ائمه علیهم السلام به طور کلی، نصّ هر کدام بر امام بعدی نیز آمده است. در پایان کتاب، دو باب به زید بن علی اختصاص پیدا کرده است: یک باب، در باره نصّ زید بر امامت ائمه علیهم السلام، و باب دوم درباره قیام او و این که ادعای امامت نداشته است. طبقه بندی مطالب کتاب در دو فصل و 37 باب، نشان می دهد که مؤلف در این نوشتار، از نظام معنایی خاصی پیروی کرده است. وی مطالب را با مراعات «عام به خاص» و مصادر حدیث را به لحاظ تقدّم رتبه و نیز ترتیب زمانی، سامان داده است. روایات کتاب با اسناد کامل، از طریق شیعه و گاه از راویان اهل سنت نقل شده است. برخی از راویان شیعی این روایات، عبارت اند از: شیخ صدوق، ابو المفصل محمد ابن عبد الله بن مطلب شیبانی، ابو عبد الله احمد بن محمد بن عبد الله بن حسن بن عباس جوهری، قاضی ابو الفرج معافا بن زکریّا بغدادی، ابو عبد الله حسین بن محمد بن سعید بن علی خزاعی، ابو عبد الله احمد بن اسماعیل سلیمانی، ابو الحسن علی بن حسین بن محمد از ابو محمد هارون بن موسی تلعبری، ابو الحسن محمد بن جعفر بن محمد تمیمی معروف به ابن نجّار کوفی، و علی بن حسین بن محمد بن منده از تلعبری.

21. ایمان أبي طالب مؤلف: شیخ مفید تحقیق: گروه مطالعات اسلامی مؤسسه بعثت ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، 1414 ق. در تحقیق این کتاب، بر یک نسخه خطی با تاریخ کتابت 986 ق، موجود در کتاب خانه عمومی مرکزی مشهد، اعتماد شده است. (1) سه نسخه خطی دیگر، در

کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، (1) کتاب خانه آیه الله حکیم در نجف اشرف (2) و کتاب خانه ملک در تهران، (3) موجود است. این کتاب بارها در ایران و عراق چاپ شده است؛ از جمله در عراق، در ضمن مجموعه ای با تحقیق و اشرف شیخ محمد حسن آل یاسین، در سال 1372 ق. در منابع کتاب شناسی، کتاب ایمان ابی طالب با همین عنوان، در شمار آثار شیخ مفید ذکر شده است. (4) این کتاب در دفاع از ایمان آوردن ابو طالب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تألیف شده است. ایمان ابو طالب به سان برخی دیگر از موضوعات و آموزه های شیعی، و مرتبط با آن، به لحاظ تاریخی و کلامی، گرفتار دیدگاه های مختلف گردیده است. این کتاب در هر دو زمینه کلام و تاریخ، ارزشمند و مفید است. نسخه چاپی ایمان ابی طالب، شامل مقدمه بلند محقق کتاب، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، اهمیت موضوع کتاب، و توجه به آن در میان اندیشه وران مسلمان، و پیشینه موضوع به ذکر 37 کتاب، آمده است. مقدمه مؤلف به موضوع کتاب و انگیزه و سبب تألیف اختصاص دارد. شیخ مفید متذکر می شود که در این باره، در کتاب ها و نوشته های معروفش \_ مانند: الإرشاد، الاختصاص و الأمالی \_، به اندازه کافی سخن گفته است؛ با این حال، در پی خواستی که از او شده و نیز به جهت مفیدتر بودن تألیف مستقل مختصر، این کتاب را تألیف کرد (5). وی در این کتاب، به اثبات ایمان ابو طالب به پیامبر صلی الله علیه و آله و یاری و محبت او نسبت به آن حضرت می پردازد. وی در این راستا، به صورت گسترده به دیوان شعر ابو طالب و شواهد تاریخی، (6)

- 
- 1- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 7، ص 27 و ص 272.
  - 2- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله حکیم، ج 1، ص 82.
  - 3- تراثنا، ش 13، ص 97\_98.
  - 4- رجال النجاشی، ص 401؛ معالم العلماء، ص 149؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7.
  - 5- ایمان ابی طالب، ص 17.
  - 6- همان، ص 22\_23.

**22 . الغيبة**

استناد می کند. یکی از اشعار دیوان ابوطالب که به آن ها استناد شده، دو قصیده «لامیه» و «میمیه» است (1) که هر دو معروف هستند. گویا آنچه در این کتاب بیش از هر چیز مورد توجه مؤلف قرار گرفته، اخلاص دینی ابوطالب است. وی با نقل شواهد تاریخی و اشعار دیوان، در پی اثبات این است که وفاداری، پشتیبانی و دفاع ابوطالب از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سرِ عصیت و رابطه نسبی و سببی صرف نبوده است، که این تلاش ها از ایمان او به پیامبر خدا بر می خاست. به هر روی، این کتاب از مصادر بحار الأنوار است. (2)

22 . الغيبة مؤلف: شیخ طوسی تحقیق: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح ناشر: مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، چاپ اول، 1411 ق. افزون بر نسخه چاپی نجف اشرف، (3) چند نسخه خطی از این کتاب وجود دارد: نسخه کتاب خانه آستان قدس رضوی (تاریخ کتابت: 1074 ق)، نسخه کتاب خانه مدرسه فیضیه در قم (به خط خلف بن یوسف بن نجم نجفی، در 1085 ق)، نسخه کتاب خانه آستان قدس با تاریخ تحریر 1089 ق، نسخه کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی (به خط ملا عباسقلی شمس العلماء). الغيبة نخستین بار در تبریز، در سال 1323 ق، چاپ شد. (4) از کتاب الغيبة با همین عنوان، در مصادر یاد شده است. (5) این کتاب درباره غیبت

1- همان، ص 18، 29.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 11.

3- الغيبة، ص 12 \_ 13؛ فهرس التراث، ج 1، ص 530.

4- الغيبة، ص 9 \_ 10.

5- الفهرست، طوسی، ص 241؛ معالم العلماء، ص 150؛ بحار الأنوار، ص 7.

امام دوازدهم و مسائل مربوط به آن است. به قرینه عبارت شیخ طوسی در بیان شبهه طولانی شدن عمر حضرت مهدی علیه السلام \_ که: «تا این وقت، امام قائم 191 سال دارد» (1) \_ ، معلوم می شود که وی این کتاب را در سال 447 ق، تألیف کرده است. نسخه چاپی کتاب شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. بر اساس گفته های مؤلف در مقدمه این کتاب در پی تقاضای «شیخ جلیل» که ناشناخته است، فراهم آمده است. وی متذکر شده که این کتاب را در بیان سبب غیبت، علت طولانی شدن غیبت در حال نیاز مبرم و شدید به حضور امام، راه چاره و سایر شبهه های مخالفان \_ که گاه با ریشخند همراه است \_ تألیف کرده است. (2) اصل کتاب پس از مقدمه ای مفصل، در هشت فصل طبقه بندی شده است. از مقدمه مؤلف و دیگر مباحث کتاب، پیداست که شیخ طوسی در این کتاب، به سؤالات و شبهه هایی پاسخ داده که در موضوع غیبت امام زمان علیه السلام، میان موافقان و مخالفان مطرح بوده است. البته این سؤالات و شبهه ها در آن زمان، تازه و مستحدث نبودند؛ اگرچه به دلیل طولانی شدن غیبت، جدی تر از گذشته شده بودند. مؤلف در بخش اول کتاب، گفتاری مفصل با عنوان «کلام فی غیبة صاحب الزمان» آورده و به امامت حضرت مهدی علیه السلام و اثبات آن با توجه به مسئله غیبت پرداخته و گاه به مناسبت، از ولادت، سبب غیبت و موانع حضور او نیز سخن گفته است. در این قسمت، دیدگاه های فرق و مذاهب مختلفی را \_ : چون کیسانیه، محمدیه، فطحیه، ناووسیه و واقفه \_ نقد کرده است. تکیه بحث وی در نقد مذاهب کلامی، بر دیدگاه واقفه است. از جمله این مباحث است: نقد دیدگاه واقفه در معرفی امام موسی کاظم علیه السلام به عنوان مهدی و اعتقاد به زنده بودن او، کسانی که این دیدگاه را برای نخستین بار مطرح کردند، انگیزه و سبب اصلی طرح این مطلب. و شیخ طوسی در این قسمت، به طور عام، بر دلایل عقلی و تاریخی تکیه

---

1- الغیبة، ص 112.

2- همان، ص 1.

کرده و از اخبار و روایات، تنها در تأیید آنها بهره برده است. (1) عناوین دیگر فصول کتاب، بدین قرار است: ولادت امام زمان علیه السلام، کسانی که آن امام را پس از تولد دیده اند، دلایل و معجزات او، برخی از توقیعات آن حضرت، موانع ظهور او، وکلا و سفرای امام، برخی از توقیعات به افراد قابل اعتماد در زمان سفر، نامشخص بودن وقت ظهور، و نشانه های ظهور، برخی از فضائل و سیره و صفات آن حضرت. (2) شیخ طوسی در این کتاب، به شیوه کلامی بحث کرده و هر کدام از عقل و نقل را در جای مناسب به کار برده است. وی در موارد استدلال عقلی، از اخبار به قصد تأیید، بهره گرفته است. روایات کتاب با اسناد کامل و گاه ناقص است و اکثر آنها از طریق مشایخ معروف مؤلف - چون: شیخ مفید، ابن غضائری، ابن عبدون و ابن ابی جید - نقل شده اند. شیخ در برخورد با اخباری که از فرقه های مخالف بویژه واقفه نقل کرده، نخست متذکر شده است که اینها اخبار آحاد هستند و حجیت ندارند؛ چراکه نمی توان به درستی آنها علم پیدا کرد. (3) وی سپس به نقد رجالی آنها پرداخته و به استناد اخباری، متذکر شده است که رجال واقفی، قابل اعتماد نیستند. (4) او افزون بر نقد رجالی، به توضیح معنا و مراد اخبار یاد شده، و بیان همسویی آنها با دیدگاه امامیه و نقض دیدگاه واقفه پرداخته است. شیخ طوسی در تألیف این کتاب، از مصادر معروف و مهم علمای امامیه استفاده کرده است. از جمله این مصادر، چنین می توان نام برد: الإمامة والتبصرة ی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة ی شیخ صدوق، الغیبة ی ابن ابی زینب نعمانی، و کتب گوناگون شیخ مفید و سید مرتضی در زمینه غیبت. وی همچنین، در بیان دلایل واقفه برای

1- الغیبة، ص 43.

2- همان، ص 229، 253، 285، 345 \_ 397، 419 \_ 433، 467.

3- همان، ص 42 \_ 43.

4- الغیبة، ص 67.

**23. عیون المعجزات**

اثبات دیدگاهشان، از کتاب محمد بن علی بن احمد علوی موسوی با عنوان فی نصرة الواقعة، استفاده کرده است. (1) کتاب الغیبة ی طوسی افزون بر ارزش حدیثی، در زمینه های گوناگون دیگری چون کلام، تاریخ، نقد الحدیث و فقه الحدیث نیز ارزشمند است. این کتاب پس از تألیف، با اعتنا و اعتماد علمای شیعه مواجه شده و در شمار مصادر بسیاری از کتاب های حدیثی و کلامی جای گرفته است. (2)

23. عیون المعجزات مؤلف: حسین بن عبد الوهّاب تحقیق: محمد علی اردوبادی ناشر: منشورات رضی، قم، 1414 ق. در تحقیق و تصحیح کتاب، بر نسخه خطی شیخ شبر محمد همدانی جورقانی اعتماد شده که از روی نسخه شیخ حرّ عاملی صاحب وسائل الشیعة (با تاریخ کتابت 1087 ق) استنساخ شده است. (3) کتاب عیون المعجزات، پیش از این نیز در نجف اشرف، توسط چاپ خانه حیدریه در سال 1369 ق، در 142 صفحه با مقدمه شیخ محمد علی اردوبادی چاپ شد. (4) نام کتاب به اختلاف نسخه ها، افزون بر عیون المعجزات، عیون المعجزات وفنون الکرامات المنتخب من بصائر الدرجات، وفنون المعجزات المنتخب من بصائر الدرجات نیز ذکر شده است. (5) انتساب عیون المعجزات به حسین بن عبد الوهّاب، معروف نیست؛ چرا که در مصادر کتاب شناسی و روایی، این کتاب گاه به سید مرتضی علم الهدی، (6)

- 
- 1- همان، ص 43.
  - 2- مدینه المعاجز، ج 3، ص 345، ج 7، ص 125؛ وسائل الشیعة، ج 2 ص 811 و ج 20، ص 42؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7؛ مستدرک الوسائل، ج 2 ص 231.
  - 3- عیون المعجزات، ص 5؛ مقدمه محقق، الذریعة، ج 15، ص 383\_385.
  - 4- معجم المطبوعات النجفیه، ص 254.
  - 5- أعیان الشیعة، ج 6، ص 83.
  - 6- مدینه المعاجز، ج 1، ص 147، 151.

یا حسین بن عبد الوهّاب (1) و گاه به مؤلّفی ناشناخته در سده پنجم، (2) نسبت داده شده است. سبب تردید و اختلاف در عنوان کتاب و نام مؤلّف، افتادگی صفحات آغازین نسخه های خطّی کتاب است. تنها گزارشی از عنوان کتاب و نام مؤلّف که بر گفتار خود مؤلّف در صفحات آغازین و پایانی کتاب استوار است، از میرزا عبد الله افندی است. بر پایه این گزارش، عیون المعجزات کتابی مستقل در تکمیل تثبیت المعجزات ابو القاسم کوفی است و نه مختصر یا منتخب کتاب بصائر الدرجات چنان که سیّد هاشم بحرانی (3) و شیخ حرّ عاملی (4) بر آن هستند، مصادر کتاب شناسی بعدی، همگی بر گزارش افندی اصفهانی اعتماد کرده اند. به گفته افندی، حسین بن عبد الوهّاب در آغاز و پایان عیون المعجزات، به انگیزه و سبب تألیفات کتاب نیز اشاره کرده است. وی در گفتار آغازین، به کتاب بصائر الدرجات فی تنزیه النبوات که در فضائل و دلائل و معجزات انبیاست، اشاره کرده و نیز به و تصمیم خود بر حذف اسانید آن و افزودن فضائل و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام با عنوان عیون المعجزات المنتخب من بصائر الدرجات؛ ولی در گفتار پایانی، از یافتن کتاب تثبیت المعجزات ابو القاسم کوفی (م 353 ق) و اتخاذ تصمیم جدید سخن به میان آورده است. به موجب گفتار دوم، ابو القاسم کوفی اگرچه در مقدمه کتاب از تصمیم خود بر ذکر معجزات و دلائل انبیا و ائمه یاد کرده؛ ولی در متن کتاب، به معجزات و دلائل ائمه علیهم السلام نپرداخته است. به این جهت، گویا حسین عبد الوهّاب از تصمیم نخست خود بر می گردد و در راه تکمیل تثبیت المعجزات، کتاب عیون المعجزات را تألیف می کند. (5)

- 
- 1- ریاض العلماء، ج 2، ص 123 \_ 124؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 220، 252؛ الذریعة، ج 3، ص 123 \_ 124.
  - 2- بحار الأنوار، ج 1، ص 11؛ أمل الآمل، ج 2، ص 365.
  - 3- مدینة المعاجز، ج 1، ص 138.
  - 4- أعیان الشیعة، ج 6، ص 83 \_ 84.
  - 5- الذریعة، ج 15 ص 383 \_ 385؛ أعیان الشیعة، ج 6 ص 83، 84.

افزون بر این گزارش، به دو قرینه دیگر نیز بر انتساب این کتاب به حسین بن عبد الوهّاب اشاره شده است: یکی اشاره به نام مؤلف در لابه لای کتاب، و دیگری همخوان نبودن بسیاری از روایات کتاب با ذوق و سلیقه سیّد مرتضی. (1) بر پایه همین گزارش، حسین بن عبد الوهّاب کتاب عیون المعجزات را در هفتم رمضان 448 ق، آغاز کرد و در عید فطر همان سال، به پایان رساند. (2) وی روایات کتاب را مرسل و گاه با اسناد کامل نقل کرده است. وی در نقل اخبار، به کتاب های مشایخ پیش از خود، اعتماد کرده است؛ بویژه بر کتاب های: الأنوار ابن همام اسکافی، (3) و نوادر المعجزات ابن جریر طبری، مقتضب الأثر ابن عیّاش جوهری، الأنساب لقریش به خطّ صاحب المجدی ابو الحسن نسّابة، الهدایة الكبرى حسین بن حمدان، و الاستشهاد و الاستظهار ابو القاسم کوفی. (4) عیون المعجزات از مصادر کتاب های حدیثی و کلامی پس از خود است. (5) سامان این کتاب، بر پایه ترتیب ائمه علیهم السلام است؛ با دلایل و معجزات امام علی علیه السلام آغاز می شود و پس از آن، دلایل و معجزات حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان او، یکی پس از دیگری تا امام مهدی علیه السلام، می آید که گاه، با شرح حال نیز همراه است. حسین بن عبد الوهّاب، روایات کتاب را از شش نفر از مشایخ خود نقل کرده است، که عبارت اند از: ابو التحف علی بن محمّد بن ابراهیم طیب مصری، ابو علی احمد بن زید بن دارا، ابو الحسین بن احمد خضر مؤدّب، ابو محمّد حسین بن محمّد بن نصر، ابو عبد الله کازرانی کاغذی، ابو الغنائم احمد بن منصور سروی.

1- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 220، 252؛ الذریعة، همان جا.

2- ریاض العلماء، همان جا؛ الذریعة، همان جا؛ أعیان الشیعة، همان جا.

3- عیون المعجزات، ص 36.

4- ریاض العلماء، همان جا؛ الذریعة، ج 2، ص 27؛ مدینة المعاجز، ج 3، ص 63.

5- مدینة المعاجز، ج 1، ص 138، 147، 151؛ ج 3، ص 11، 33؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 11؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 252.



**د - تاریخ و شرح حال و فضائل****1 . تاریخ الأئمة عليهم السلام**

د - تاریخ و شرح حال و فضائل 1 . تاریخ الأئمة عليهم السلام مؤلف: ابن ابی ثلج کاتب بغدادی ناشر: کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، 1406 ق ناشر تاریخ الأئمة، به نسخه ای خطی از آن اشاره نکرده و تنها متذکر شده است که این کتاب به همراه شش کتاب دیگر - به نام: مسار الشیعة، تاج الموالید، تاریخ موالید الأئمة ووفیاتهم، ألقاب الرسول و عترته، المستجاب من کتاب الرشاد، و توضیح المقاصد - ، در مجموعه ای نفیس قرار داشت. (1) تاریخ الأئمة عليهم السلام در برخی منابع کتاب شناسی، در شمار تألیفات ابن ابی ثلج ذکر شده است. (2) این کتاب، حجم کمی دارد و درباره تاریخ پیامبر خدا و ائمه عليهم السلام است. در ابتدای کتاب، طریق راوی آن به مؤلف و اسناد مؤلف به مشایخ حدیث، ذکر شده است. به موجب این اسناد، راوی کتاب، محبّ الدین ابو عبد الله محمد بن محمود بن حسن بن نجار بغدادی است که در مدرسه مستنصریه بغداد، حدیث می گفته است. وی این کتاب را از سه نفر از مشایخ خود نقل کرده که عبارت اند از: ابو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن فاخر قرشی، ابو ماجد محمد بن حامد بن عبد المنعم بن عزیز واعظ و ابو محمد اسعد بن احمد بن حامد ثقفی. این سه نفر، همگی از ابو منصور عبد الرحیم محمد بن احمد سرابی شیرازی نقل کرده اند و او از ابو مسعود احمد بن محمد بن عبد العزیز بن شادان بجلي، از ابو علی احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، از ابو العباس احمد بن ابراهیم بن علی کندی (در مکه، در سال 350 ق)، و او از ابوبکر محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله بن اسماعیل، معروف به ابن ابی ثلج. ابن ابی ثلج در این اسناد، از طریق عتبة بن سعد بن کنانه، از احمد بن محمد فاریابی، از

---

1- .تاریخ الأئمة، ص 4.

2- .رجال النجاشی، ص 381؛ الذریعة، ج 3، ص 218.

## 2. مروج الذهب و معادن الجواهر

نصر بن علی جهضمی، از امام رضا علیه السلام روایت می کند، و آن حضرت نیز از پدرانش تا امام علی علیه السلام، نقل می کند. (1) در آغاز حدیث نخست \_ که درباره تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله است \_، این سند به صورت کامل، بیان می شود. در دیگر موارد که به تاریخ ائمه علیهم السلام ارتباط دارد، گاهی سخن با «قال الفریابی...» شروع می شود که معمولاً به یکی از معصومان علیهم السلام انتساب پیدا می کند؛ ولی در بسیاری از موارد، بدون نقل قول است و از تکرار سند حدیث، چشم پوشی شده است. مطالب کتاب تاریخ الأئمة علیهم السلام، در ده عنوان سامان یافته است. در بخشی با عنوان تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله، به اختصار، حوادث سال های عمر آن حضرت در مراحل مختلفی مانند سال بعثت، در مکه، در مدینه و سال وفات، و موضوعاتی همچون مدت عمر ایشان، مطرح شده است. قسمت تاریخ ائمه علیهم السلام نیز به گونه یاد شده و بر پایه ترتیب زمانی آنان، با امام علی علیه السلام شروع شده، سپس به حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان او تا امام زمان علیه السلام، پرداخته شده است. ذکر اولاد، القاب، کنیه، محل دفن، ابواب و اولاد کوچک و صغیر پیامبر خدا و ائمه علیهم السلام، از عناوین فرعی این کتاب است.

2. مروج الذهب و معادن الجواهر مؤلف: ابو الحسن مسعودی تحقیق: عبدالمهتا، بیروت، 1411 ق (در سه مجلد) در مصادر کتاب شناسی، از این کتاب یاد شده (2) و انتساب آن به مسعودی، معروف است. مسعودی مروج الذهب را در سال 332، ق همزمان با کتاب إثبات الوصیة و پس از کتاب التنبیه و الإشراف، تألیف کرد. (3) وی در این کتاب، به مباحث و

1- رجال النجاشی، ص 3\_4.

2- همان، ص 254.

3- مروج الذهب، ج 2، ص 332؛ التنبیه و الإشراف، ص 346؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 124 و 125.

موضوعات و حوادث مختلف تاریخی پرداخته است. بخشی از این مباحث، درباره زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و فضائل امام علی علیه السلام و تاریخ خلافت اسلامی؛ اعم از خلفای سه گانه، بنی امیه و بنی عباس است. سبک و سیاق کتاب، به سان کتب اهل سنت است. مسعودی در این کتاب، بر اخبار اهل سنت نیز اعتماد کرده و از بدگویی درباره خلفا و نیز بیان مظالم و مطاعن آنها، خودداری کرده است. چنان که پیش از این اشاره شد، همین امر به عنوان قرینه قوی بر گرایش وی به مذهب اهل سنت، تلقی شده است. به هر حال، مسعودی در همین کتاب به مسئله لزوم عصمت امام (1) و برخی از فضائل امام علی علیه السلام (اولین مسلمان، هجرت با پیامبر صلی الله علیه و آله، یاری آن حضرت و خویشاوندی وی با وی، ایثار و جان نثاری وی در راه پیامبر صلی الله علیه و آله، علم، قناعت، جهاد، ورع، زهد، قضاوت و...) نیز پرداخته و متذکر شده که: «علی علیه السلام، حَظّ و سهم فراوانی از این همه ویژگی ها داشت و از این نظر، تمام فضائل تک تک صحابیان را به تنهایی، دارا بود». (2) به قرینه همین مطالب و مطالب بسیار دیگری چون حدیث اخوت، حدیث منزلت، حدیث ولایت، و حدیث طیر \_ که همگی به آن حضرت اختصاص دارند \_، و نیز گزارش هایی چند درباره مطاعن خلفا، برخی از رجال شناسان معروف اهل سنت، او را به تشیع اعتزالی متهم نموده اند و با تعبیر توهین آلود و تحقیرآمیز، از او یاد کرده اند. (3) کتاب مروج الذهب، از مصادر برخی کتاب های حدیثی، کلامی، تاریخی و رجالی به شمار آمده و منبعی مهم، در مطالعات تاریخی است. (4)

- 
- 1- مروج الذهب، ج 2، ص 61، بند 2260.
  - 2- همان، ج 3، ص 180، بند 1756.
  - 3- سیر أعلام النبلاء، ج 15، ص 569؛ لسان المیزان، ج 4، ص 225.
  - 4- اختیار الرجال، ج 1، ص 100؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 118 \_ 119.

### 3. أخبار الزمان و من أباده الحدثان و عجائب البلدان و الغامر بالماء و العمران

3. أخبار الزمان و من أباده الحدثان و عجائب البلدان و الغامر بالماء و العمران مؤلف: ابو الحسن مسعودی تصحیح: گروهی از پژوهشگران کتاب خانه نجف اشرف ناشر: دار الأندلس، بیروت، 1386 ق (یک مجلد) در تصحیح کتاب أخبار الزمان، از چند نسخه خطی و چاپی استفاده شده است. در مصادر کتاب شناسی، از این کتاب یاد شده و مسعودی نیز خود، در مقدمه مروج الذهب (1) به آن اشاره کرده و همچنین، در مقدمه التنبيه و الإشراف، گفته است که أخبار الزمان را پیش از مروج الذهب و التنبيه و الإشراف، تألیف کرده است. در مجموع، هفت کتاب تاریخی به مسعودی نسبت داده اند. (2) کتاب أخبار الزمان، به قرینه اشاره مسعودی به فهرست مطالب این کتاب در مروج الذهب، (3) و ارجاع فراوان به آن در دو کتاب التنبيه و الإشراف و مروج الذهب، بسیار مفصل و بزرگ بوده است. به همین قرینه، به نظر می رسد که همه آن کتاب، باقی نمانده و آنچه به چاپ رسیده، تنها بخش کوچکی از آن است. 4 کتاب أخبار الزمان، در چند زمینه تاریخ، نجوم و جغرافیا بوده و به گزارش مسعودی در مقدمه کتاب، شامل این مطالب بوده است: هیئت زمین و شهرها، عجائب، دریاها، کوه ها، آب ها و نهرها، معادن، جزایر، گزارش هایی درباره بناهای بزرگ، آغاز آفرینش، اصل نسل، پراکندگی و تباین سرزمین ها، تبدیل نهر به بحر و بحر به نهر، و تبدیل خشکی به آب و آب به خشکی و عوامل فلکی آن، اخبار ملوک و پادشاهان و امت های پیشین، اخبار انبیا تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ذکر مولد و منشأ پیامبر خدا و بعثت و هجرت و جنگ های او تا هنگام ارتحال، و سپس گزارش هایی درباره

1- مروج الذهب، ص 3 \_ 4.

2- التنبيه و الإشراف، ص 13.

3- أخبار الزمان، مقدمه محقق، ص 10 \_ 17.

#### 4. التنبیه و الإشراف

دوران خلافت تا زمان تألیف کتاب، که «دوره خلافت متقی لله امیر المؤمنین، در سال 332ق» بوده است. نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه مصحح کتاب، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. مصحح در مقدمه، به انتساب کتاب به مسعودی، معرفی نسخه های خطی و چاپی کتاب، موضوع آن و ارتباط آن با سایر کتاب های مسعودی؛ به ویژه التنبیه و الإشراف و مروج الذهب، پرداخته است. مقدمه مؤلف، با ستایش خدا و درود بر پیامبرش آغاز می شود و با ذکر سخنان برخی از صحابه درباره آفرینش جهان و زمین، ادامه می یابد. مطالب کتاب بر حسب عناوین فرعی آن، چنین است: عمر دنیا، آفریدگان پیش از آدم علیه السلام، جن و اجناس و قبایل آنها، زمین و آنچه در آن است، دریا و عجایب آن، آدم علیه السلام و فرزندانش، حام بن نوح علیه السلام، کنعان بن حام، یافث بن نوح، سام بن نوح، ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام، قوم عاد، عناق دختر آدم علیه السلام، مطالبی درباره کاهنان عرب، خبر کاهنان بعد از طوفان، بنیان گذاران اهرام مصر، پادشاهان مصر پیش از طوفان، ملوک مصر بعد از طوفان، یاجوج و ماجوج، صقالبه، نصارا، مجوس و خورشید پرستان، سرزمین یونان، چین، اندلس، برجان، ترک، روم، فارس، خراسان و... .

4. التنبیه و الإشراف مؤلف: ابو الحسن مسعودی ناشر: دار صعب، بیروت. انتساب این کتاب به مسعودی، معروف است. افلاک و اشکال آن، نجوم و تأثیرات آن، عناصر و ترکیب و اقسام زمان ها و فصول سال، بادهای، زمین و شکل و مساحت و نواحی و آفاق آن و نیز تأثیر این نواحی و آفاق بر ساکنان آن، اقالیم هفتگانه، امت های هفتگانه پیشین، لغات و مساکن آنها، طبقات پادشاهان فارس و روم و اخبار آنان، تاریخ انبیا، راه شناخت سال های قمری و شمسی، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، غزوات ایشان، حوادث سال هجرت، سیره خلفای راشدین و دیگر خلفا،

## 5. خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)

همراه با ذکر پادشاهان معاصر آنان در روم و اندلس تا سال 345 ق. مؤلف در صفحات 195 تا 346 به تاریخ اسلام می پردازد. وی از دوره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شروع می کند، سپس دوران خلفا، امویان و عباسیان را تا سال 343 ق، تک به تک شرح می دهد. ولادت پیامبر خدا، مبعث، مغازی، سرایا، نویسندگان آن حضرت و وفات وی، (1) حوادث سال دوم هجرت، حوادث سال سوم و دیگر سال ها را تا سال یازدهم، به ترتیب ذکر می کند، و سپس حوادث دوره خلافت ابوبکر، عمر، عثمان، علی بن ابی طالب، حسن بن علی، معاویه، یزید بن معاویه، معاویة بن یزید بن معاویه، مروان بن حکم، عبد الملك بن مروان، ولید بن عبد الملك، سلیمان بن عبد الملك، عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبد الملك، هشام بن عبد الملك و... تا هنگام تألیف کتاب.

5. خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام) مؤلف: شریف رضی تحقیق: محمد هادی امینی ناشر: مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، 1406 ق. چند نسخه خطی از این کتاب، در ایران و عراق و هند وجود دارد. محقق کتاب، بر نسخه ای بسیار کهن اعتماد کرده است. اصل این نسخه که در سده ششم کتابت شده، در یکی از کتاب خانه های هند نگهداری می شود و میکروفیلم آن، در کتاب خانه سید عبد العزیز طباطبائی در قم است. این نسخه به گواهی مطالب صفحه اول و آخر آن، در سال 555 ق، توسط سید فضل الله راوندی کاشانی (570 ق) تصحیح شده است و در آن، زیاداتی نیز وجود دارد. (2) این کتاب بار نخست، در نجف در سال 1368 ق، چاپ شده است. (3)

1- .التنبيه و الإشراف، ص 195 \_ 202.

2- .خصائص الأئمة عليهم السلام، ص 14 \_ 16، مقدمه محقق .

3- .همان، ص 13.

کتاب خصائص الأئمة عليهم السلام در منابع کتاب شناسی، با همین عنوان ذکر شده است. (1) کتاب خصائص الأئمة با هدف معرفی جامع و در عین حال مختصر ائمه دوازده گانه تألیف شده است؛ ولی تنها شامل شرح حال امیر مؤمنان علی علیه السلام، زیارت و دعا، کلمات و سخنان وی و دلایل و نصوص بر امامت وی است. (2) از این رو، کتاب یاد شده افزون بر ارزش حدیثی و نقل سخنان و کلمات امام علی علیه السلام، یک منبع ارزشمند تاریخی در تاریخ زندگی آن امام است. این کتاب، از مصادر کتاب های حدیثی، تاریخی و کلامی است. (3) نسخه چاپی کتاب خصائص الأئمة عليهم السلام، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به معرفی نسخه خطی کهن، جایگاه کتاب و اهمیت موضوع آن، پرداخته شده و شرح حالی کوتاهی از سید رضی و سید فضل الله راوندی (کاتب نسخه) نیز نوشته شده است. سید رضی در مقدمه مؤلف، درباره موضوع کتاب و انگیزه خود از تألیف آن، سخن گفته است. سید رضی کتاب یاد شده را به تقاضای یکی از شاگردانش و نیز برای اظهار هویت شیعی خود در برابر برخی سخنان تحقیرآلود و توهین آمیز، در سال 383 ق، در کاظمین، به رشته تحریر درآورد. (4) وی پس از ذکر کلمات و سخنان کوتاه امام علی علیه السلام - که قسمت پایانی کتاب، به آن اختصاص یافته است -، با تقاضای عده ای از دوستان خود مبنی بر گردآوری دیگر سخنان و خطبه های امیر المؤمنین مواجه شد و لذا دیگر این تألیف را ادامه نداد و نخست، به گردآوری نهج البلاغة پرداخت؛ (5) ولی گویا پس از تألیف کتاب نهج البلاغة، اجل به وی مهلت نداد تا کتاب خصائص الأئمة

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 398؛ أمل الآمل، ج 2، ص 261؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 11؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 267؛ الغدير، ج 4، ص 195؛ الذريعة، ج 7، ص 164.
  - 2- خصائص الأئمة عليهم السلام، ص 36.
  - 3- بحار الأنوار، ج 1، ص 11؛ وسائل الشیعة، ج 3، ص 219؛ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 227؛ و ج 3، ص 351؛ و ج 8، ص 266؛ و ج 10، ص 203، 212؛ الدمعة الساکبة (به نقل از: الذريعة، ج 7، ص 164).
  - 4- همان، ص 37.
  - 5- نهج البلاغة، عبده، ج 1، ص 2؛ خصائص الأئمة عليهم السلام، ص 14.

**6. الأربعين عن الأربعين**

را کامل سازد. از این رو، این کتاب، تنها خصائص امیر المؤمنین را در بر دارد. برخی از مطالب آن، چنین است: تاریخ ولادت، مدت عمر، سال وفات و محلّ دفن علی علیه السلام که جنبه تاریخی دارد، پاره ای شواهد و دلایل بر اعلام امامت علی علیه السلام توسط پیامبر، اشعار و قصاید برخی از شعرا درباره حدیث غدیر \_ مانند: حسان بن ثابت انصاری، قیس بن عباده، ابو هاشم اسماعیل بن محمد بن یزید بن وداع حمیری ملقب به سید \_ ، (1) اعلام و دلایل امام علی علیه السلام همچون قضیه «ردّ الشمس»، اسامی پدران وی، گزیده هایی از قضاوت ها، جواب مسائل، کلمات کوتاه در فنون بلاغت و مواعظ و زهد و امثال، کلام آن حضرت به کمیل بن زیاد نخعی، و وصیت ایشان به امام حسن علیه السلام. بخش پایانی کتاب، به زیاداتی اختصاص یافته است که به گفته محقق کتاب، در نسخه راوندی وجود دارد. وی آن زیادات را که نزدیک به سه صفحه است، با عنوان «و منها الرعية» (2) آورده است. روایات کتاب، با اسناد ناقص است.

6. الأربعين عن الأربعين مؤلف: ابو سعید نیشابوری خزاعی مصحح: محمد باقر محمودی ناشر: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1414 ق. دو نسخه خطی از این کتاب موجود است: یکی در کتاب خانه آستان قدس رضوی (با تاریخ کتابت 534 ق) و دیگری در کتاب خانه آیه الله مرعشی در قم. در مصادر این کتاب را با همین عنوان، برای ابوسعید خزاعی ذکر کرده اند. (3) موضوع الأربعين عن الأربعين، چنان که از عنوان آن پیداست و مؤلف نیز در مقدمه

1- خصائص الأئمة عليهم السلام، ص 41.

2- همان، ص 121 \_ 125.

3- فهرست منتجب الدین، ص 102؛ معالم العلماء، ص 151؛ أمل الآمل، ج 2، ص 240.



## 7. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد

کتاب اشاره کرده، در فضائل و مناقب امیر المؤمنین علی علیه السلام است. وی در این باره، چهل حدیث را با اسناد کامل، از چهل نفر از مشایخ خود نقل کرده است. (1) کتاب الأربعین عن الأربعین، در اختیار شیخ منتجب الدین (م 589 ق) صاحب کتاب معروف الفهرست بود و وی با الهام از آن، کتابی با همین نام نگاشت. (2) همچنین، این کتاب از مصادر الیقین ابن طاووس (م 662 ق)، أربعین حدیث شهید اول، محمد بن مکی (م 761 ق)، (3) المجموعة ی محمد بن علی جباعی (م حدود 925 ق) جدّ شیخ بهایی، (4) بحار الأنوار و مستدرک الوسائل است. (5) گویا شیخ حرّ عاملی (م 1111 ق) این کتاب را در اختیار نداشته و مطالب آن را، از کتاب أربعین حدیث شهید اول، نقل کرده است.

7. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد مؤلف: شیخ مفید تحقیق و تخریج: مؤسسه آل البيت عليهم السلام ناشر: مؤسسه اهل البيت عليهم السلام، چاپ دوم، 1414 ق (در دو مجلد) در تحقیق الإرشاد، بر سه نسخه خطی اعتماد شده است: نسخه ای در کتاب خانه عمومی آية الله مرعشی (با تاریخ کتابت 565 ق)، نسخه ای در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی (با تاریخ کتابت 575 ق) و نسخه سوم، در کتاب خانه سید حسین شیرازی (کتابت در سده هفتم یا هشتم). (6)

1- الأربعین، ص 7؛ بحار الأنوار، ج 102، ص 266.

2- الأربعین، ص 2؛ الذریعة، ج 1، ص 432.

3- أربعین حدیث، ص 2؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 75؛ فهرس التراث، ج 1، ص 466.

4- خاتمة مستدرک الوسائل، همان جا؛ فهرس التراث، همان جا.

5- بحار الأنوار، ج 104، ص 167؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 75 \_ 76.

6- الإرشاد، ج 1، ص 11 \_ 12؛ مقالات عربی کنگره شیخ مفید، ج 1، ص 201 \_ 202.

این کتاب بارها چاپ شده است؛ از جمله، در تهران در سال 1295 ق. محمد مسیح کاشانی (م 1125 ق) آن را با نام التحفة السليمانية، به فارسی برگرداند و در ایران در سال 1303 ق، به چاپ رساند. (1) از کتاب الإرشاد، با همین عنوان (2) و یا با عنوان الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، (3) یاد شده است و انتساب آن به شیخ مفید، معروف است. موضوع الإرشاد، شرح حال و تاریخ زندگی دوازده امام علیهم السلام و نیز دلائل و کرامات آنان است. الإرشاد افزون بر ارزش حدیثی، ارزش فقه الحدیثی و رجالی نیز دارد. این کتاب همچون دیگر کتاب های شیخ مفید، با اعتنا و اعتماد علمای شیعه مواجه شد و عدّه ای به تلخیص، شرح و ترجمه آن پرداختند. برای نمونه، المستجد فی تلخیص الإرشاد یا المستجد من الإرشاد، تلخیصی است منسوب به علامه حلّی که نسخه باقی مانده آن، در سال 982 ق، در بغداد نگاشته شده است. (4) همچنین، شرح محمد باقر بن زین العابدین حسینی شیرازی (زنده در 1092 ق)، (5) و شرحی به نام منهج الرشاد، تألیف محمد بن حسن بن قنبر علی بن محمد حسن زنجانی (م 1340 ق) که در چهار جزء بوده است. (6) نیز در سال های اخیر، محمد محمدی اشتهاردی و محمد باقر ساعدی خراسانی، آن را به فارسی برگردانده، که توسط انتشارات جامعه مدرسین قم، به چاپ رسیده است. همچنین، کتاب الإرشاد از مصادر بسیاری از کتب حدیثی، کلامی و تاریخی، به حساب آمده است. (7)

- 
- 1- تراثنا، ش 13، ص 95\_96.
  - 2- رجال النجاشی، ص 403؛ الفهرست، طوسی، ص 239؛ معالم العلماء، ص 147؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7؛ الذریعة، ج 1، ص 509.
  - 3- مجموعه رسائل مفید، ص 353؛ فلاح السائل، ص 72.
  - 4- الذریعة، ج 21، ص 2.
  - 5- أعیان الشیعة، ج 9، ص 180.
  - 6- الذریعة، ج 23، ص 188.
  - 7- ر.ک: إعلام الوری، ص 173\_174، 180، 182؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج 1، ص 305؛ وج 2، ص 125، 126، 312، وج 3، ص 82، 89؛ إقبال الأعمال، ج 3 ص 114؛ كشف الغمّة، ج 1 ص 194، وج 2، ص 87؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 43 وج 1، ص 68، 312، 325؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 328، وج 2، ص 139، 227.

نسخه چاپی الإرشاد، شامل مقدمه بلند گروه تحقیق، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه گروه تحقیق، به شرح حال شیخ مفید، جایگاه کتاب، معرفی نسخه های خطی آن، و نیز شیوه تحقیق و تخریج احادیث، پرداخته شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه و موضوع تألیف اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، شیخ مفید کتاب الإرشاد را به درخواست یکی از دوستانش تألیف کرد. وی در این کتاب به اختصار، به اسامی ائمه علیهم السلام، تاریخ عمر آنان، ذکر مشاهد، اسامی فرزندان و بخشی از اخبار آنان - که در شناخت بیشتر احوال آنان، مفید است - می پردازد. (1) اصل کتاب در 42 باب و سی فصل، سامان یافته است. با نگاه کوتاه به عناوین باب ها و فصول الإرشاد، به نظر می رسد که در بیشتر موارد، تحت باب ها عناوین کلی آمده و در فصول، عناوین فرعی و جزئی مطرح می شود. به هر روی، جلد اول این کتاب، اختصاص به امیر المؤمنین علیه السلام دارد و در سه باب و 21 فصل بدین شرح، فراهم شده است: باب الخبر عن أمير المؤمنين عليه السلام: علم و آگاهی امام علی علیه السلام از آینده، آگاهی امام از کشته شدنش، سبب قتل آن حضرت و چگونگی آن، محلّ قبر امیر المؤمنین علیه السلام و شرح ماجرای دفن او. باب فضائل و مناقب امیر المؤمنین علیه السلام: کلمات، حکمت ها و مواعظ، معجزات، قضاوت ها و بیانات آن حضرت. این باب، بلندترین باب کتاب است و در حدود 230 صفحه، (2) این موضوعات را بر گرفته است: پشتتازی امیر المؤمنین در ایمان، افضل و اعلم بودن امام علی علیه السلام، «محبت علی، نشانه ایمان است و بغض او نشانه نفاق»، «علی و شیعه او، رستگارند»، معرفی علی علیه السلام توسط پیامبر به امارت و ولایت مسلمانان در

1- الإرشاد، ج 1، ص 4.

2- همان، ج 1، ص 29\_354.

گزارش هایی مانند: حدیث غدیر، حدیث دار، لیلۃ المبیّت، گرفتن پرچم از دست سعد بن عباد و دادن آن به دست علی علیه السلام توسط پیامبر در روز فتح مکه و در روز خیبر، جریان اعلان براءت از مشرکان، جهاد امیر المؤمنین علیه السلام در غزوه های بدر، احد، خندق یا احزاب و...، قضاوت های امیر المؤمنین علیه السلام در زمان پیامبر و پس از آن، سخنان امام علی علیه السلام تحت عنوان سخنی درباره وجوب معرفت خدا، توحید و نفی تشبیه، عدل، گونه های حکمت و دلائل و حجّت، سخنی در مدح علما و فضل علم و حکمت، و نیز کرامات امیر المؤمنین علیه السلام. باب اولاد امیر المؤمنین علیه السلام: تعداد و اسامی آنها و مختصری از اخبار هر يك از آنها. امام پس از امیر المؤمنین علیه السلام و تاریخ ولادت، دلائل امامت، مدّت خلافت، وقت وفات، محلّ قبر، تعداد اولاد و بخشی از دیگر اخبار او، سبب وفات امام حسن علیه السلام و مسائل مربوط به آن؛ مانند: دفن آن حضرت و مسموم شدن او توسط معاویه. امام پس از حسن بن علی علیه السلام، مختصری در قیام امام حسین علیه السلام، بیعت مردم، خروج از مدینه، شهادت او در کربلا، اسامی شهدای اهل بیت در کربلا - که هفده نفر بودند و حسین بن علی علیه السلام، نفر هجدهم بود -، مطالبی درباره عباس و عبد الله و جعفر و عثمان، فرزندان امیر المؤمنین علیه السلام از امّ البنین، پاره ای از فضائل امام حسین علیه السلام و فضیلت زیارت و ذکر مصیبت او. امام پس از حسین بن علی علیه السلام، ... مختصری از اخبار علی بن حسین علیه السلام. کلام ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام با سید ابن محمد حمیری و بازگشت او از مذهب کیسانیه به امامیه. باب سی و هفتم: امام پس از ابو محمد علیه السلام و تاریخ مولد و دلائل امامت او، و ذکر پاره ای از اخبار او، غیبت و سیرت او به هنگام قیام و مدّت دولت او. باب سی و هشتم: دلایل بر امامت حضرت قائم (عجل الله فرجه). شیخ مفید به دلیل عقلی و نقلی، بر وجود امام قائم استدلال کرده است. دلیل عقلی او، بر پایه تأمین صلاح مردم و دوری آنها از فساد، استوار است و بر اساس آن، «وجود امام

**8 . مساز الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة**

معصوم کامل که در احکام و علوم، نیازی به مردم نداشته باشد، در هر زمان برای مردم، اقرب به صلاح و ابعده از فساد است». از دیگر مطالب این باب می توان چنین یاد کرد: نص بر امامت صاحب الزمان، کسانی که امام غایب را دیده اند، دلایل و بیّنات و آیات امام زمان علیه السلام، علامات قیام قائم علیه السلام و مدّت ایام ظهور او، شرح سیرت و طریقت احکام او و پاره ای از آنچه در دولت و ایام حکومت یا پیش از ظهور او، آشکار می شود: مانند: خروج سفیانی، قتل حسنی و اختلاف بنی کعب . کتاب الإرشاد، در دو جنبه روایی و تاریخی ارزشمند است. شیخ مفید احادیث این کتاب را با اسناد کامل، از مشایخ حدیثی امامی نقل کرده؛ ولی در قسمت تاریخی، اسناد آن ناقص است.

8 . مساز الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة مؤلف: شیخ مفید تحقیق: مهدی نجف ناشر: دار المفید، چاپ دوم، 1414 ق. در تحقیق کتاب، از نسخه ای با تاریخ کتابت 391 ق، به خط مظفر بن علی بن منصور سالار، اعتماد شده است. (1) چند نسخه خطی از مساز الشیعة وجود دارد: نسخه ای در کتاب خانه عمومی آیه الله مرعشی در قم؛ (2) نسخه ای به خط زین الدین علی بن فضل، شاگرد ابن فهد حلّی، که در کتاب خانه سید صدر در کاظمیه است؛ نسخه ای در کتاب خانه مدرسه سپهسالار در تهران؛ نسخه ای در کتاب خانه آستان قدس رضوی؛ و نسخه ای در کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران. (3) این کتاب بارها در داخل و خارج ایران، چاپ شده است؛ از جمله در تبریز در

1- . مساز الشیعة، ص 3، 63.

2- . فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 3، ص 73.

3- . تراثنا، ش 13، ص 105 \_ 106.

سال 1313 ق، همراه با توضیح المقاصد شیخ بهائی. (1) این کتاب با عنوان تاریخ الشریعة، (2) التواریخ الشریعة، (3) مسازّ الشیعة، (4) مسازّ الشیعة فی مختصر التواریخ الشریعة، (5) و التواریخ الشریعة عن الأئمة المهديّة علیهم السلام، (6) ذکر شده است. به قرینه عناوین ابواب کتاب و مقدّمه شیخ مفید \_ که شامل مناسبات مسرت بخش و حزن آور، هر دو است \_، عنوان مسازّ الشیعة نام کاملی برای کتاب نیست. در مقدّمه مؤلف، عنوان کتاب «مختصر فی تاریخ آیام مسازّ الشیعة و أعمالها من القرب فی الشریعة و ما خالف فی معناه» آمده است. این عنوان، هم تاریخ ایام سرور و هم ایام حزن و اعمال هر دو ایام را شامل می شود. این کتاب از آثار معروف شیخ مفید است و در کتاب های حدیثی و تاریخی، بر آن اعتماد شده است. نسخه چاپی مسازّ الشیعة، شامل مقدّمه سید محمد رضا حسینی جلالی، مقدّمه مؤلف، اصل کتاب و تاریخ کتابت آن است. محقق کتاب پس از اشاره به نسخه خطی کهن این کتاب \_ که در سال 391 ق، کتابت شده \_ ، به ویژگی های مسازّ الشیعة پرداخته است. به گفته سید محمد رضا حسینی، این کتاب چند ویژگی دارد: 1. این کتاب بر خلاف سایر کتاب ها که املائی شیخ مفید بوده، توسط مؤلف کتابت شده است؛ 2. تاریخ تألیف کتاب \_ چنان که در پایان آن آمده \_، در سال 389 ق بوده است؛ 3. این کتاب افزون بر ارزش حدیثی و تاریخی، در فلسفه تاریخ از نظر اسلام نیز سودمند است. (7)

1- مقالات کنگره شیخ مفید، ج 1، ص 237.

2- رجال النجاشی، ص 401.

3- معالم العلماء، ص 149؛ الإقبال، ج 1، ص 264.

4- وسائل الشیعة، ج 20، ص 63؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 70.

5- الإقبال، ج 1، ص 28؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7.

6- كشف الحجب و الأستار، ص 145.

7- مسازّ الشیعة، ص 5 و 6.

**9. الجَمَل (النصرة لسيد العترة في حرب البصرة)**

مقدمه مؤلف به انگیزه تألیف، موضوع آن و ترتیب و سامان مباحث، اختصاص دارد. بر اساس این مقدمه، شیخ مفید مسأله الشیعة را به تقاضای یکی از شاگردانش نوشت که خواستار تألیف کتابی مختصر در تاریخ روزهای خوش و ناخوش شیعه و اعمال آنها بود. او با تأکید بر اهمیت و ارزش اعمال این ایام و با اشاره به جایگاه آن در میان پیشینیان، لزوم تألیف چنین کتابی را گوشزد کرده است. (1) ترتیب و سامان کتاب، بر پایه ماه های قمری است. این ترتیب، با ماه رمضان آغاز و با ماه شعبان پایان می یابد. جهت آغاز با ماه رمضان، چند چیز ذکر شده است: 1. تقدّم آن بر سایر ماه ها در قرآن؛ 2. خصوصیت این ماه در عبادت و تقرب به خدا؛ 3. توصیف آن توسط اهل بیت علیهم السلام به «نخستین ماه سال در ملت اسلام». (2) در هر فصل و پس از هر عنوان، ابتدا وقایع خوش و ناخوش ایام، و به تعبیر کامل تر، مناسبت های آن ایام، ذکر و سپس اعمال مستحب و واجب مربوط به آن بیان می شود. گونه بیان مطالب در این کتاب، اگرچه تاریخی است و مؤلف به نقل اخبار و احادیث با اسناد و بدون اسناد نمی پردازد؛ پیداست که گفته های او بر پایه اخبار معصومان علیهم السلام و تاریخ معتبر است. مطالب کتاب با اختصار بیان شده است. این، بدان جهت است که برخی از مباحث آن، در کتاب های الإرشاد و المزار و المُنعة، با تفصیل ذکر شده است.

9. الجَمَل (النصرة لسيد العترة في حرب البصرة) مؤلف: شیخ مفید تحقیق: سید علی میر شریفی ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، 1413 ق. در شمار تألیفات شیخ مفید، سه عنوان در موضوع جنگ جمل دیده می شود:

1- . مسأله الشیعة، ص 17 و 18.

2- . همان، ص 19 و 20.

1. کتابی با عنوان الجمل (1) که با عنوان أحكام أهل الجمل (2) نیز ذکر شده است؛ 2. کتابی با عنوان النصرة لسيد العترة في أحكام البغاة عليه في حرب البصرة؛ 3. المسألة الكافية في إبطال توبة الخاطئة، یا المسألة الكافية في تفسیق الفرقة الخاطئة، (3) که شیخ مفید در برخی از کتاب های خود، از آن را با عنوان المسألة الكافية نام برده است. (4) این سه عنوان، متعلق به سه کتاب مستقل اند که ظاهراً با سه رویکرد متفاوت، به يك موضوع (جنگ جمل) پرداخته اند؛ چرا که منابع کتاب شناسی اولیه \_ مانند فهرست های نجاشی و طوسی که هر دو، از شاگردان شیخ مفید بوده اند \_، هر سه عنوان را جداگانه آورده اند؛ بویژه شیخ طوسی که به تصریح می گوید کتاب هایی را که برای شیخ مفید ذکر کرده، نزد او خوانده یا از او سماع کرده است. (5) کتاب الجمل، بارها به چاپ رسیده و موجود است؛ ولی کتاب النصرة، نایاب است و در منابع بعدی نیز گزارشی از آن انعکاس نیافته است. در باره رابطه این دو کتاب، به چند قرینه باید توجه کرد: یکم: ظاهر عنوان النصرة لسيد العترة، می تواند این معنا و پیام را در ذهن تداعی کند که این کتاب، در تبیین دلایل حقانیت امام علی علیه السلام در جنگ جمل و احکام فقهی مربوط به آن بوده و لذا رویکردی کلامی و فقهی داشته است. دوم: عنوان کتاب الجمل، این پیام را تداعی می کند که محتوای آن، در زمینه بیان و نقل حوادث و تاریخ و جزئیات جنگ جمل است و با رویکرد تاریخی، تألیف شده است. سوم: با ملاحظه مطالب کتاب الجمل در نسخه چاپی، معلوم می شود که این کتاب

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 399؛ الذریعة، ج 5، ص 141.
  - 2- الفهرست، طوسی، ص 316؛ معالم العلماء، ص 149؛ الذریعة، ج 1، ص 295.
  - 3- رجال النجاشی، ص 399؛ الفهرست، طوسی، ص 316.
  - 4- الجمل، ص 229؛ الإفصاح، ص 129؛ الفصول المختارة، ص 105.
  - 5- الفهرست، طوسی، ص 316. برای اطلاعات بیشتر در این باره، ر.ک: مقالات عربی کنگره شیخ مفید، ج 1، ص 342 \_ 343؛ نور علم، ش 47، نامه هفتم.



در دو بخش سامان یافته است: بخش نخست، با رویکرد کلامی و گاه فقهی، به جنگ جمل پرداخته؛ ولی بخش دوم، تنها با رویکرد تاریخی. نتیجه این سه مقدمه، این احتمال را تقویت می کند که بخش نخست کتاب، همان کتاب النصره است و بخش دوم، کتاب الجمل. با طرح این احتمال، دیگر مهم نیست که دانسته شود آیا مؤلف، خود، دو کتاب النصره و الجمل را در يك مجلد قرار داده، یا برخی از ناسخان چنین کرده اند. به هر حال، تشابه بسیاری نیز میان کتاب المسألة الكافية و کتاب الجمل به چشم می خورد، که باعث شده است نسخه باز یافته کتاب المسألة الكافية را \_ که از منقولات آن در بحار الأنوار به دست آمده \_ به همان سبک و سیاق کتاب الجمل، نظم و سامان دهند. (1) چند نسخه خطی از الجمل، موجود است: نسخه سیّد ابو القاسم اصفهانی محرّر، نسخه ای در کتاب خانه آل کاشف الغطاء، نسخه ای در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، و نسخه ای در کتاب خانه آستان قدس رضوی (2). محقق کتاب، افزون بر نسخه آستان قدس، از نسخه دیگری نیز استفاده کرده، که در سال 1338 ق، از روی نسخه ای کهن، استنساخ شده است. (3) این کتاب ابتدا در چاپ خانه حیدریه در نجف، و بار دیگر در سال 1368 ق، در همان جا به چاپ رسید. نسخه چاپی کتاب الجمل، با مقدمه محقق، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب، سامان یافته است. شیخ مفید در مقدمه، پس از اشاره به اهمیت موضوع و جایگاه کتاب، متذکر شده است که در این کتاب، به بیان و شرح این مطالب می پردازد: اختلاف اهل قبله درباره فتنه بصره (جنگ در بصره) و جنگ میان امیر المؤمنین علیه السلام و عایشه و طلحه و زبیر، دیدگاه فرق و مذاهب مختلف اسلامی درباره آن، اثبات سبب پدید آمدن این فتنه و سرانجام، داستان و اخبار این جنگ. (4)

1- المسألة الكافية، ص 3 \_ 4.

2- تراثنا، ش 13، ص 98 \_ 99.

3- الجمل، ص 31، مقدمه محقق.

4- همان جا.

شیخ مفید در این کتاب، طبقه بندی و ساماندهی خاصی را به کار نبسته است؛ ولی چنان که گذشت، با تأمل در مطالب کتاب، می توان پی برد که آن را در دو بخش سامان داده است. در نسخه چاپی، مطالب کتاب تحت عناوین فرعی خاصی که معمولاً با عبارت «فصل» همراه است، طبقه بندی شده است. عناوینی چون: القول فی اختلاف الأئمة، إختلاف الفِرَق، رأى المعتزلة، رأى الحشوية، رأى المرجئة و اصحاب الحديث، رأى الخوارج، رأى الشيعة، دلائل عصمة أمير المؤمنين، نظرة فى النصوص، و نیز مطالبی چون: نحوه بیعت مسلمانان با سه خلیفه اول و تفاوتش با بیعت آنان با امام علی علیه السلام، موضع امام علی علیه السلام در برابر فتنه عثمان، برخی از خطبه های امام علی علیه السلام مانند خطبه شقشقیه و خطبه روز بیعت مسلمانان با او، نامه های آن حضرت به مردم کوفه و بصره و... . کتاب الجمل ارزش تاریخی فراوان دارد؛ چرا که به احتمال زیاد، مؤلف از منابع و تك نگاری های بسیاری استفاده کرده که بیشترشان نایاب اند، مانند: کتاب الجمل ابو مخنف، کتاب الجمل مدائنی، کتاب الجمل ثقفی، کتاب الجمل شیخ صدوق، دو کتاب مقتل طلحة بن عبد الله (1) و الجمل واقدی (2) و... (3) مؤلف در جای جای کتاب؛ بویژه در بخش نخست آن، با دیدگاه کلامی، به نقد اخبار و گزارش های تاریخی و نیز دیدگاه های مذاهب پرداخته است. از این رو، الجمل مفید افزون بر ارزش تاریخی، در زمینه تبیین و نقد مباحث و دیدگاه های کلامی و نقد الحدیث؛ بویژه نقد اسنادی (4) و فقهی، نیز ارزشمند است. روایات و اخبار کتاب، گاه مرسل و گاه مسند نقل شده اند و بسیاری از آنها از منابع و طرق اهل سنت، روایت گردیده اند. (5) شیخ مفید در اخبار مربوط به جنگ

1- الجمل، ص 206.

2- همان، ص 200، 221.

3- مقالات کنگره شیخ مفید، ج 1، ص 242؛ تراثنا، ش 3، ص 48 \_ 51.

4- الجمل، ص 206، 226.

5- همان، ص 206.

**10 . المسألة الكافية**

جمل، بر اخبار و گزارش های قابل اعتماد، تکیه کرده و در مواردی، بر صحت آنها تصریح کرده است. (1) گویا کتاب الجمل مفید، پس از تألیف، نایاب شده و از همین روست که منابع بعدی؛ بویژه مجموعه حدیثی بحار الأنوار و کتب سید هاشم توبلی \_ که در آنها از کتب تاریخی و تک نگاری های مختلفی در جنگ جمل استفاده شده \_، از این کتاب نقل نکرده اند.

10 . المسألة الكافية مؤلف: شیخ مفید تحقیق و تخریح: علی اکبر زمانی نژاد ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، 1414 ق. همان گونه که در معرفی کتاب الجمل، گذشت، در آثار شیخ مفید، از کتابی با این عنوان و یا با عنوان المسألة الكافية فی إبطال توبة الخاطئة یا فی تفسیق الفرقة الخاطئة، یاد شده است. اصل این کتاب، نایاب است و محقق کتاب نیز متذکر شده که تلاش وی برای یافتن نسخه ای از آن، بی فایده بوده است. (2) وی این کتاب را تنها با تکیه بر منابعی که از آن بهره برده اند، بازسازی کرده است؛ مانند: بحار الأنوار، مستدرک الوسائل، و کتابی خطی با عنوان مثالب النواصب. این کتاب، بر سبک و سیاق و نظم کتاب الجمل، در سه فصل طبقه بندی شده است: فصل اول: جایگاه و موقعیت طلحه و زبیر نزد عثمان و بیعت آن دو با امام علی علیه السلام و سپس نقض آن. فصل دوم: در جنگ جمل. فصل سوم: در احکام محاربان با امیر المؤمنین. روایات کتاب در مجموع، 65 حدیث است که 62 روایت آن، از کتاب بحار الأنوار به دست آمده \_ که با اسناد کامل نقل شده اند \_ (3) و سه روایت دیگر، از مثالب النواصب

1- . همان، ص 226.

2- . المسألة الكافية، ص 2.

3- . بحار الأنوار، ج 30، ص 142 \_ 144؛ و ج 31، ص 491 \_ 492؛ و ج 32، ص 31 \_ 33، 92، 140، 196، 201، 252، 274، 326، 353.

## 11. منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام

ابن شهر آشوب (1) و خاتمة مستدرک الوسائل، (2) که در پایان کتاب ذکر شده اند.

11. منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام مؤلف: ابن همام اسکافی تحقیق و تخريج: علی رضا هزار ناشر: دار الحديث، دفتر پنجم، از مجموعه میراث حدیث شیعه، قم، 1379 ش. نسخه خطی این کتاب \_ که گویا تنها نسخه و بدون تاریخ است \_ در مرکز «إحياء التراث اسلامی» در قم، نگهداری می شود. (3) این کتاب در مصادر، با عنوان الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام، (4) و الأنوار، (5) ذکر شده است. اصل این کتاب \_ که درباره تاریخ زندگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و دوازده امام علیهم السلام است \_ از مصادر عیون المعجزات (6) و فرحة الغری عبد الکریم بن طاووس (7) بوده است؛ اما پس از ابن طاووس، نایاب شد. منتخب آن با نام منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام، در اختیار محمد باقر مجلسی در سده یازدهم، (8) و زنوزی در پایان سده سیزدهم قرار داشت و از آن در بحار الأنوار و جواهر الأخبار (9) نقل کردند. نسخه چاپی منتخب الأنوار، شامل مقدمه محقق در شرح حال مؤلف، مقدمه کوتاه مؤلف، و اصل کتاب است. در مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف و چگونگی آن اشاره

- 
- 1- مثالب النواصب (مخطوط)، ج 3، ص 248، به نقل از: المسألة الكافية، ص 3 (مقدمه محقق).
  - 2- همان، ج 4، ص 195 \_ 197.
  - 3- میراث حدیث شیعه، ج 5، ص 14.
  - 4- رجال النجاشی، ص 376.
  - 5- الفهرست، طوسی، ص 141؛ عیون المعجزات، ص 10؛ فرحة الغری، ص 129.
  - 6- عیون المعجزات، ص 6، 10، 13، 35، 51، 107.
  - 7- فرحة الغری، ص 120، 129، 134، 137.
  - 8- بحار الأنوار، ج 1، ص 17، 34.
  - 9- الذریعة، ج 2، ص 413.

**12 . الهدایة الكبرى**

شده است. اسکافی در این مقدمه، درباره پیشینه تألیف در زمینه موضوع کتاب، گفته است که مشایخ امامیه در گذشته و حال، درباره موضوعات دینی گوناگونی کتاب تألیف کرده اند؛ با این همه، کتابی که اختصاص به تاریخ زندگی ائمه علیهم السلام داشته باشد، تألیف نشده است. از این رو، او تصمیم گرفته کتابی در این موضوع بنگارد. وی متذکر شده در این کتاب که فشرده و مختصر است، افزون بر ائمه علیهم السلام، به تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام نیز می پردازد. مؤلف در شرح حال و تاریخ زندگی این بزرگان، به مدّت عمر، ولادت، وفات، اولاد، پدر و مادر، انساب و کنیه ها، القاب، ابواب، محلّ قبر، شهدا و مقتولان وابسته به آنان، و نیز به ملوک و پادشاهان معاصر هر کدام، پرداخته است. اصل کتاب، در سیزده باب با عناوین مشخص، سامان یافته است. روایات آن، مرسل و گاه با اسناد کامل، از طریق امامیه است. چند نمونه از ابواب کتاب، عبارت اند از: باب اوّل: رسول الله صلی الله علیه و آله، باب دوم: فاطمه بنت رسول الله علیها السلام، و باب سوم: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام. باب چهارم تا دوازدهم نیز به ترتیب، به تاریخ زندگی امام حسن مجتبی علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام اختصاص دارند. مصادری که در نسخه چاپی، تخریج روایات در آنها صورت گرفته، بدین قرار است: الکافی، الإرشاد، مسأّر الشیعة، مناقب آل ابی طالب، إعلام الوری بأعلام الهدی، کشف الغمّة، بحار الأنوار، الخصال، قرب الإسناد، الإحتجاج، علل الشرائع، دلائل الإمامة، عیون أخبار الرضا علیه السلام، کمال الدین و تمام النعمة.

12 . الهدایة الكبرى مؤلّف: ابن حمدان جنبلانی تحقیق: مؤسّسة البلاغ ناشر: مؤسّسة البلاغ للطباعة و النشر، بیروت، چاپ چهارم، 1411 ق.

در تحقیق کتاب، از نسخه ای کامل استفاده شده؛ اگرچه ویژگی های آن ذکر نشده است. (1) چند نسخه خطی از این کتاب، موجود است: نسخه خیابانی در کتاب وقائع الأیام، نسخه سماوی، نسخه کتاب خانه کاشف الغطاء، و نسخه فضل الله شیخ الاسلام در زنجان، که به خط نصر الله قزوینی و در سال 1280 ق، از روی نسخه محمد باقر مجلسی استنساخ شده است. (2) در مصادر کتاب شناسی، عنوان این کتاب، تاریخ الأئمة عليهم السلام، (3) الهدایة (4) و الهدایة الكبرى (5) آمده است. این کتاب در مصادر حدیثی متأخر، کم دیده می شود. کجوری در الدمعة الساکبة 6 و نیز محمد باقر مجلسی و میرزا حسین نوری، از آن نقل کرده اند. موضوع الهدایة الكبرى تاریخ، شرح حال و دلائل و شواهد نبوت و امامت پیامبر و ائمه عليهم السلام است. نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه بلند محقق کتاب و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، شرح حال مؤلف، معرفی کتاب و توضیحاتی درباره آرا و عقاید علوی ها آمده است. اصل کتاب، در چهارده باب با اسامی چهارده معصوم \_ به ترتیب، از پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام و فرزندان او تا حضرت حجت \_، سامان یافته است. مؤلف در آغاز هر باب، شناس نامه معصوم را ذکر می کند. از مطالب این باب ها می توان چنین نام برد: نام معصوم، نام پدر و مادر، سال ولادت، سال وفات، مدت عمر، القاب و کنیه ها، فرزندان، زنان، حوادث خاص، و نیز دلایل و شواهد برگزیدگی آنها در جایگاه نبوت و امامت و عصمت؛ یعنی همان فضائل و مناقب هر کدام، که به تفصیل، درباره آن بحث کرده است. وی گاه، اقوال مختلف را نقل و سپس نقد می کند. روایات، با اسناد کامل و گاه ناقص، از ائمه عليهم السلام است. شاکله و ساختار بحث، مانند

1- الهدایة الكبرى، ص 437.

2- الذریعة، ج 25، ص 164 \_ 165.

3- رجال النجاشی، ص 67.

4- بحار الأنوار، ج 102، ص 65؛ مستدرک الوسائل، ج 1، ص 196.

5- الذریعة، ج 25، ص 164.

**13 . تاریخ قم**

کتاب هایی از قبیل بحار الأنوار و عیون المعجزات است. برای نمونه، در احوال حضرت حجت علیه السلام، به کیفیت ظهور او و رجعت پیامبر خدا و ائمه علیهم السلام پس از آن، اشاره شده است.

13 . تاریخ قم مؤلف: حسن بن محمد بن حسن کاتب قمی مترجم: حسن بن علی بن حسن عبد الملك قمی تصحیح و تحشیه: سید جلال الدین تهرانی ناشر: چاپ خانه مجلس شورا، تهران، 1333 ش (چاپ دوم: توس، تهران، 1361). (1) در تحقیق کتاب، از نسخه ای که در سال 1001 ق، تحریر شده، استفاده شده است. (2) این کتاب در سال 378 ق، به تشویق صاحب بن عبّاد، وزیر فخر الدوله دیلمی، به عربی تألیف شد (3) و در سال های 805 و 806، توسط حسن بن علی بن حسن بن عبد الملك قمی، به فارسی برگردانده شد. (4) آنچه از این کتاب باقی مانده، بخشی از همین ترجمه است. نسخه چاپی در يك مجلد، شامل مقدمه مترجم، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه مترجم، به انگیزه ترجمه اشاره شده است. مقدمه مؤلف به فضائل و مناقب و خدمات دینی و دنیوی صاحب بن عبّاد، عوامل و موجبات تألیف تاریخ قم، و معرفی ابواب آن، اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، سه عامل در تألیف این کتاب، نقش داشته است: یکی رسالت فرهیختگان هر عصر که باید میراث زمان خود را ثبت کنند تا آن را به دیگران برسانند و نام خود را جاودانه سازند. دیگری، فقدان کتاب

- 
- 1- گفتنی است در سال های اخیر، دو تصحیح دیگر نیز از این کتاب، منتشر شده است: یکی توسط دارالتحقیق آستانه مقدسه قم (قم): زائر، 1385) و دیگری توسط محمد رضا انصاری قمی (قم): کتاب خانه آیه الله مرعشی، 1386).
  - 2- تاریخ قم، ص 1.
  - 3- تاریخ قم، ص 4 و 5.
  - 4- همان، ص 2 و 3، مقدمه مترجم.

درباره تاریخ قم و معرفی اهل قم و عالمان و شاعران آن است که رنجش خاطر ابو الفضل محمد بن حسین عمید (ابن العمید وزیر) را فراهم کرده بود. و عامل سوم، تشویق برادر مؤلف، ابو القاسم علی بن محمد بن حسن کاتب است که در آن هنگام، حاکم قم بوده است. (1) مؤلف، کتاب را در بیست باب با عناوین مشخص، سامان داده است. باب شانزدهم آن، در معرفی بعضی از علمای قم است و نیز عدد خواص آنها \_ که 266 نفر بوده اند \_ و عدد عامه از اهل قم \_ که به قم منسوب بودند و شمارشان تنها چهارده نفر بوده است \_ و ذکر مصتفات و روایاتشان و اخباری درباره آنان. کتاب تاریخ قم، در شرح حال وضعیت اقلیمی، اقتصادی و بویژه خراج، سیاسی، مذهبی، علمی و انسانی شهر قم است. اصل این کتاب، شامل بیست باب و پنجاه فصل، در چند مجلد بوده است. ظاهر کلام محمد باقر مجلسی و افندی اصفهانی، (2) چنین می نمایند که اصل کتاب را در اختیار داشته اند. میرزا حسین نوری \_ با اشاره به این که خود، از بیست باب کتاب، تنها هشت باب آن را در اختیار دارد \_، (3) متذکر می شود که اصل کتاب، در اختیار سید احمد حسینی (نوه دختری محقق کرکی و پسرخاله محقق داماد و نیز داماد او) بوده و وی در کتابی درباره فضائل سادات، موسوم به منهاج الصفوی، از آن نقل کرده است. نیز آقا محمد علی فرزند وحید بهبهانی، آن را در اختیار داشته و در حاشیه های خود بر نقد الرجال تفرشی، از آن نقل کرده است. اینک نسخه عربی این کتاب، نایاب است. نسخه فارسی آن نیز تنها شامل پنج باب نخست است و دیگر باب های کتاب، نایاب اند. مترجم در مقدمه کتاب، متذکر شده است که «کتاب تاریخ قم، مشتمل بر بیست باب و پنجاه فصل است». از این عبارت، معلوم می شود که وی همه باب ها و فصل های آن را در اختیار داشته است؛ اما معلوم

1- تاریخ قم، ص 11 \_ 12.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 42؛ ریاض العلماء، ج 1، ص 318.

3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 367.



**هـ - متون تفسیری****1. تفسیر القمی**

نیست که آیا همه آنها را به فارسی برگردانده، یا تنها به همین پنج بابی که باقی مانده، بسنده کرده است. میرزا حسین نوری با بررسی منقولات کتاب فضائل السادات سید احمد حسینی، احتمال داده که وی ترجمه دیگری از کتاب را در اختیار داشته است؛ چنان که احتمال داده است که همو و نیز آقا محمد علی، اصل عربی کتاب را نیز در اختیار داشته اند. (1)

هـ - متون تفسیری 1. تفسیر القمی مؤلف: علی بن ابراهیم قمی مصحح: سید طیب موسوی جزایری ناشر: دار الکتاب، قم، چاپ سوم، 1404 ق. در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی و دو نسخه چاپی استفاده شده است. در هامش نسخه چاپی سال 1315 ق، تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام نیز گنجانده شده است. نسخه چاپی 1313 ق، نسخه خطی کتاب خانه آیه الله حکیم و نسخه خطی کتاب خانه شیخ کاشف الغطاء \_ که نسخه ای است نادر \_، دیگر نسخه های پیشین این کتاب اند. (2) انتساب این تفسیر به علی بن ابراهیم، معروف نیست؛ اگرچه اصل این که او تفسیری بر قرآن نوشته است، معروف و حتی متواتر است. (3) کسی که این تفسیر را از علی بن ابراهیم روایت کرده، شاگرد وی عباس بن محمد بن قاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر، مکتبا به ابو الفضل است. (4) راوی

1- . خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1 ص 367.

2- . تفسیر القمی، ج 1، ص 16 \_ 17.

3- . رجال النجاشی، ص 260؛ الفهرست، طوسی، ص 152؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7.

4- . الذریعة، ج 4، ص 307؛ تفسیر القمی، ج 1، ص 27.

کتاب، در مصادر رجالی امامیه ذکر نشده (1) و در اصطلاح، مجهول است. با این حال، از وی در کتاب های انساب، یاد شده است؛ مانند المجدی فی أنساب الطالبین، عمدة الطالب، بحر الأنساب، العمدة، المشجر، کشف و النسب المسطر که در آغاز سده هفتم تألیف شده است. (2) نیز نام پدر او، معروف به محمد اعرابی، و جدّ وی با عنوان محمد بن قاسم بن حمزه، در مصادر رجالی آمده است. شیخ طوسی پدر او را در شمار اصحاب امام هادی علیه السلام (3) و کشی جد او را با عنوان قاسم بن حمزه علوی، (4) یاد کرده اند و به نقل از آقا بزرگ تهرانی از کشی، وی از ابو بصیر روایت می کند و ابو عبد الله محمد بن خالد برقی نیز از وی روایت می کند. برخی از معاصران، با استناد به جهالت راوی اصلی این تفسیر، ابو الفضل العباس، و نیز جهالت کسی که آن را از ابو الفضل روایت کرده، در انتساب آن به علی بن ابراهیم، تردید کرده اند (5) و آن را ساخته و پرداخته همان ابو الفضل راوی کتاب، دانسته اند. شاید قرینه محکم بر این انتساب، این باشد که روایات این تفسیر، همگی از علی بن ابراهیم نیست. به گفته آقا بزرگ تهرانی، روایات کتاب تا اوایل سوره آل عمران \_ که به آیه «وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ» می رسد، از علی بن ابراهیم است؛ ولی از این آیه به بعد، اسلوب روایت تغییر می کند و روایت از ابن عقده (م 333 ق) با این عنوان، افزوده می شود: «حدّثنا احمد بن محمد الهمدانی، قال حدّثني جعفر بن عبد الله، قال حدّثنا كثير بن عيَّاش عن زياد بن منذر أبي الجارود، عن أبي جعفر محمد بن علي (امام باقر) عليه السلام». این طریق در مصادر کتاب شناسی، برای تفسیر ابو الجارود ذکر شده است. (6) گویا نمی توان گوینده «حدّثنا» را در طریق یاد شده

- 
- 1- الذريعة، ج 4، ص 303.
  - 2- همان، ج 4، ص 307 \_ 308.
  - 3- رجال الطوسی، ص 392.
  - 4- اختیار الرجال، ج 2، ص 736.
  - 5- التفسیر و المفسرون، ج 2، ص 326.
  - 6- فهرست، طوسی، ص 131؛ رجال النجاشی، ص 170.

– که چهار بار تصریح شده \_ ، علی بن ابراهیم دانست؛ چراکه علی بن ابراهیم، شیخ کلینی است و ابن عقده، الکافی را از کلینی روایت می کند. این که گوینده «حدّثنا» علی بن ابراهیم باشد، به این معناست که: علی بن ابراهیم، از کسی روایت می کند که او بزرگ ترین شیخ استادش کلینی است. پذیرش چنین چیزی، قبول این قول دشوار می نماید. (1) راوی تفسیر در دیگر موارد تا پایان تفسیر، تمام سند را ذکر نمی کند و به عبارت: «وفی رواية أبي الجارود» بسنده می کند. از دیگر سو، می توان این احتمال را پیش کشید که اصل این تفسیر، از علی بن ابراهیم است؛ ولی راوی آن ابوالفضل العباس، به هدف ایجاد رغبت بیشتر به این تفسیر یا به هر جهت دیگری، برخی از روایات تفسیری ابوالجارود از امام باقر علیه السلام را به آن افزوده است. قرینه بر این احتمال \_ که قوی نیز می نماید \_ ، این است که به گزارش کتاب النسب المسطر، عباس در طبرستان بود و طبرستان در آن زمان، مرکز زیدیه جارودیه شناخته می شد. (2) به هر روی، این تفسیر از مصادر تفاسیر روایی و برخی از جوامع حدیثی است؛ مانند: مجمع البیان، الصافی، البرهان، نور الثقلین، بحار الأنوار و وسائل الشیعة. نسخه چاپی این کتاب، شامل مقدمه مصحح کتاب، مقدمه مؤلف، و اصل تفسیر است. در مقدمه مصحح، افزون بر معرفی مؤلف و جایگاه او، به نسخه های مورد اعتماد و نقد برخی از شبهات درباره اعتبار این تفسیر، پرداخته شده است. مقدمه تفسیر، با ستایش خدا و درود بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام آغاز می شود و سپس سخنی دراز دامن، در باره انواع علوم قرآن دارد. قمی در این مقدمه که مدخل تفسیر است، فشرده و کوتاه، به ذکر روایات مسندی در بیان انواع علوم پرداخته، که امام صادق علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است. گویا این روایات را \_ که مفصل هم هستند \_ ابن

1- الذریعة، ج 4، ص 304.

2- الذریعة، ج 4، ص 308.

ابی زینب نعمانی شاگرد کلینی، به تفصیل در آغاز تفسیرش آورده و به گفته آقا بزرگ تهرانی، سید مرتضی با افزودن خطبه ای، از مجموع آنها رساله ای ساخته و آن را المحکم و المتشابه، نامیده است. محمد باقر مجلسی نیز این روایات را در «کتاب القرآن» بحار الأنوار، بدون کاستی ذکر کرده است. اصل کتاب، شامل تفسیر آیات قرآن از سوره حمد تا پایان قرآن است. مؤلف، هر آیه را \_ نه به صورت کامل \_ ذکر می کند و سپس به تفسیر آن می پردازد. وی در تفسیر آیات، از روایات و گاه اشعار برخی شعرای معروف (1) کمک می گیرد و در مواردی، بیان هایی را از خود، بر آن می افزاید. روایات کتاب \_ که جنبه تفسیر و بیشتر بیان مصداق و به قولی، جنبه تأویل دارند \_ از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده اند و در مواردی اندک، از سایر امامان علیهم السلام. طریق روایات امام صادق علیه السلام، از علی بن ابراهیم از مشایخ او \_ که به قولی به شخصت نفر می رسند و مهمترینشان پدر اوست \_ (2) و روایات امام باقر علیه السلام، از ابن عقده از ابو الجارود نقل شده است. سایر روایات، از دیگر مشایخ راوی تفسیر نقل شده است، که به ده نفر می رسند. (3) ابوالفضل العباس راوی تفسیر، روایات ابو الجارود را در چهار مورد، با اسناد کامل از ابن عقده نقل می کند؛ (4) ولی سایر موارد را بدون ذکر سند، تنها با عبارت «و فی روایة ابي الجارود» (5) آورده است. وی در بیشتر موارد، پس از پایان یافتن روایت ابو الجارود یا روایت یکی از مشایخش، (6) به تفسیر علی بن ابراهیم باز می گردد و با عباراتی از این دست، از آن یاد می کند: «وقال علی بن ابراهیم...» یا

1- الذریعة، ج 4، ص 303.

2- الذریعة، ج 4، ص 304.

3- تفسیر القمی، ج 1، ص 46.

4- تفسیر القمی، ج 1، ص 102، 198، 224، 271.

5- همان، ج 1، ص 105، 108، 119، 120.

6- همان، ج 2، ص 405 \_ 406.

**2. تفسیر العیاشی**

«رجع إلى رواية علي بن ابراهيم» یا «رجع إلى تفسیر علی بن ابراهیم» یا «وفی روایه علی بن ابراهیم» و... . گویا وی با این گونه پردازش، بر آن بوده که روایات ابو الجارود را از روایات علی بن ابراهیم، جدا سازد.

2. تفسیر العیاشی مؤلف: عیاشی تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی ناشر: مکتبه العلمیه الإسلامیه، تهران، 1381 ق (در دو مجلد) در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه کتاب خانه دانشگاه تهران و نسخه تصحیح شده شیخ عبد الله شاه میری تفرشی. نسخه دوم، از روی نسخه محدث نوری استنساخ شده و هم با نسخه کتاب خانه آستان قدس، مقابله شده است و هم با جوامع حدیث و برخی تفاسیر روایی مانند: مجمع البیان طبرسی، الصافی فیض کاشانی، البرهان سید هاشم بحرانی (که تمام کتاب عیاشی، در آن نقل شده است)، بحار الأنوار محمد باقر مجلسی، وسائل الشیعه و نیز إثبات الهداة شیخ حرّ عاملی. (1) گروه تحقیق مطالعات اسلامی مؤسسه بعثت نیز در تحقیق آن، افزون بر این تفاسیر و جوامع حدیث، بر سه نسخه خطی نیز تکیه کرده اند: نسخه کتاب خانه آستان قدس رضوی، نسخه کتاب خانه ملک و نسخه کتاب خانه شاهچراغ. (2) این کتاب که با عنوان تفسیر، در مصادر ذکر شده (3) و انتساب آن به عیاشی، معروف است، از مصادر جوامع حدیث و کتاب های تفسیری است. نسخه چاپی آن، در دو مجلد با مقدمه سید محمد حسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی، مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه کاتب نسخه خطی تفسیر و اصل آن، فراهم آمده است. در مقدمه محقق، نسخه های خطی و جوامع حدیثی که از آنها استفاده، معرفی شده اند. مقدمه

1- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 6\_7.

2- تراثنا، ش 23، ص 237.

3- رجال النجاشی، ص 350؛ الفهرست، طوسی، ص 212؛ معالم العلماء، ص 134.

عَلَّامه طباطبایی نیز به جایگاه و اهمیّت تفسیر عیّاشی اختصاص دارد. ناسخ کتاب که ناشناخته است، این تفسیر را یافته و در پی اطمینان از انتساب آن به عیّاشی، تلاش کرده است به مصدّری هم که این تفسیر را از طریق سماع از مصنّف یا کس دیگری دریافت کرده، دست یابد؛ ولی موفق نشده است. بر این اساس، اسانید روایات آن را حذف کرده و متذکّر شده است که اگر پس از این، به کسی دست یافت که واجد شرایط پیش گفته باشد، اسانید را ذکر خواهد کرد. (1) اصل کتاب، با مباحث و دانش های تفسیری آغاز شده است که مدخل تفسیر به شمار می آیند، و سپس اصل تفسیر آمده است. مقدّمات تفسیر، شامل عناوین زیر است: فضائل قرآن، مورد و شأن نزول قرآن، معنای اصطلاحاتی چون: ناسخ، منسوخ، ظاهر، باطن، محکم و متشابه، آیاتی از قرآن که به ائمه علیهم السلام اشاره دارند، علم ائمه به تأویل آیات قرآن، حکم کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند، و ناپسند بودن جدال درباره قرآن. اصل تفسیر، با سوره فاتحه آغاز می شود و تا سوره کهف پیش می رود. روایات تفسیر عیّاشی، همگی از ائمه علیهم السلام است و شامل شرح الفاظ آیات، شأن نزول و بیان مصادیق و موارد انطباق است که به ترتیب آیات ذکر شده اند. گویا این تفسیر، کامل بوده و در دو جزء سامان داشته است: جزء اوّل آن، شامل هجده سوره \_ از سوره حمد تا پایان سوره کهف \_ و جزء دوم، شامل سایر سوره های قرآن. جزء دوم آن، نایاب است. (2) به چند قرینه، می توان کامل بودن این تفسیر را حدس زد: 1. سکوت نجاشی (م 450 ق) و شیخ طوسی (م 460 ق) درباره ناتمام بودن آن؛ چرا که آنها معمولاً این توضیح را برای کتاب های ناقص داده اند. 2. عیّاشی در جزء موجود، (3) مطلبی را از تفسیر آیه 32 سوره فاطر نقل می کند.

1- تفسیر العیّاشی، ج 1، ص 2.

2- تفسیر العیّاشی، ج 1، ص 4، مقدّمه طباطبایی .

3- تفسیر العیّاشی، ج 2، ص 264.

**3. تفسیر النعمانی**

روشن است که این سوره، در جزء دوم بوده است. 3. طبرسی (م 561ق) در تفسیر سوره نور و سوره تحریم، (1) و ابن طاووس (م 662 ق) در تفسیر آیه 32 سوره فاطر، (2) روایاتی را از عیاشی نقل کرده اند. به هر حال، مؤلف این کتاب، احادیث را مسند ذکر کرده بوده؛ ولی در سده های بعد، برخی از نسخا به جهت اختصار، اسانید آن را حذف کرده اند. (3) این تفسیر، موثق ترین تفسیر روایی باقی مانده از پیشینیان است که از زمان تألیف تاکنون، مورد اعتماد مفسران و محدثان بوده (4) و به طور خاص، از سده یازدهم، از مصادر مهم تفسیر روایی به شمار آمده و جوامع و تفاسیر بسیاری، از آن نقل کرده اند؛ مانند: الصافی فیض کاشانی، البرهان بحرانی، نور الثقلین حویزی، وسائل الشیعة و إثبات الهداة حرّ عاملی، و بحار الأنوار مجلسی.

3. تفسیر النعمانی مؤلف: ابن ابی زینب نعمانی ناشر: مجمع البحوث الإسلامية کتاب التفسیر، در مصادر کتاب شناسی اولیه، در شمار تألیفات ابن ابی زینب نعمانی یاد نشده است. در سده یازدهم، شیخ حرّ عاملی و محمد باقر مجلسی، از تفسیر نعمانی یاد کرده اند. به گفته شیخ حرّ، المحکم و المتشابه منسوب به سید مرتضی، همان تفسیر نعمانی است؛ یعنی وی آن را از تفسیر نعمانی نقل کرده است. (5) در این سده، قسمت هایی از این تفسیر پیدا شد (6) و محمد باقر مجلسی در «کتاب القرآن»

1- مجمع البیان، ج 7، ص 239 \_ 240، ج 10، ص 56.

2- سعد السعود، ص 79.

3- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 7؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 28.

4- تفسیر العیاشی، مقدمه طباطبایی، همان جا.

5- أمل الآمل، ج 2، ص 184.

6- همان، ج 2، ص 233؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 15.

بحار الأنوار، همه آن را آورده است. (1) آقا بزرگ تهرانی با اشاره به کلام شیخ حرّ عاملی، متذکر شده است که شاید مراد شیخ حر از «قطعه»، روایاتی باشد که نعمانی با اسناد خود به امام صادق علیه السلام در مقدمه تفسیرش قرار داده است و این روایات، هم است که جداگانه نیز همراه با خطبه مختصری با عنوان محکم و متشابه، به سید مرتضی نسبت داده شده است. (2) به هر روی، معلوم نیست که آیا تفسیر موجود، تنها مقدمه تفسیر نعمانی است یا اصل تفسیر او. تفسیر نعمانی، حاوی روایاتی است از طریق امام صادق از امیر المؤمنین علیه السلام، با محتوایی شامل دسته بندی آیات قرآن، بیان موارد و مصادیق عناوین و احکام قرآن، و نیز شرح الفاظ آیات. محمد بن ابراهیم نعمانی، این تفسیر را با اسناد کامل از احمد بن محمد بن سعید بن عقده، از احمد بن یوسف بن یعقوب نجفی، از اسماعیل بن مهران، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش از اسماعیل بن جابر و از ابو عبد الله جعفر بن محمد صادق علیه السلام نقل کرده است. به موجب این گزارش، امام صادق علیه السلام با اشاره به جامعیت و جاودانگی قرآن، به دسته بندی آیات آن پرداخته و با اشاره به نادانی یا کم دانی عده ای درباره این انواع، متذکر شده است که تنها راه درست فهم قرآن، استفاده از اهل بیت علیهم السلام است. مطلب اصل تفسیر نعمانی، که سخن امام علی علیه السلام است، با تقسیم بندی آیات و معانی قرآن در هفت قسم، آغاز می شود: امر، زجر، ترغیب، ترهیب، جدل، مثل و قصص. وی سپس به دسته بندی و معرفی احکام و تعابیر قرآنی پرداخته است: ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام، مقدم و مؤخر، عزائم و رخص، حلال و حرام، فرائض و احکام، منقطع معطوف و منقطع غیر معطوف، حرف مکان حرف، لفظ خاص با معنای عام، لفظ عام با معنای خاص، لفظ واحد با معنای جمع، لفظ جمع با معنای واحد، لفظ ماضی در معنای مستقبل و... .

1- بحار الأنوار، ج 90، ص 2\_ 85.

2- الذریعة، ج 4، ص 318.



#### 4. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل

4. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل مؤلف: حاکم حسکانی تحقیق: محمد باقر محمودی ناشر: مؤسسه چاپ و نشر، چاپ اول، 1411 ق. در تحقیق کتاب، از دو نسخه خطی با عنوان نسخه کرمانی \_ که تاریخ کتابت ندارد \_ و نسخه یمنی (کتابت در 1380 ق)، اعتماد شده است. افزون بر این دو نسخه، شش نسخه خطی دیگر نیز از این کتاب موجود است که کهن ترین آنها به سده یازدهم تعلق دارد. (1) این کتاب پیش تر نیز در بیروت در سال 1394 ق، در یک مجلد و در سال 1406 ق، در دو مجلد، به چاپ رسیده است. کتاب شواهد التنزیل، در مصادر کتاب شناسی فریقین، در شمار تألیفات حاکم حسکانی ذکر شده است. (2) این کتاب از مصادر بسیاری از کتاب های حدیثی و کلامی امامیه است؛ مانند: مجمع البیان طبرسی، المناقب ابن شهر آشوب، الطرائف ابن طاووس، الصراط المستقیم بیاضی، (3) جلیة الأبرار و نیز مدینة المعاجز سیّد هاشم توبلی، بحار الأنوار و وسائل الشیعة است. موضوع شواهد التنزیل، آن دسته از فضائل امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است که بر اساس روایات اسباب نزول، در قرآن اشاره شده است. بر این اساس، کتاب یاد شده را می توان از کتب تفسیری شمرد. نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه کوتاه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به اهمیت شواهد التنزیل، شرح حال

- 
- 1- تراثنا، ش 14، ص 54\_56؛ فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی، ج 8، ص 169.
  - 2- معالم العلماء، ص 113؛ تذکرة الحفاظ، ص 1201؛ أمل الآمل، ج 2، ص 167؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 23؛ ریاض العلماء، ج 3، ص 256\_257، 296\_300؛ الذریعة، ج 4، ص 194؛ تراثنا، ش 16، ص 12؛ ج 18، ص 94.
  - 3- مجمع البیان، ج 1، ص 417؛ ج 3، ص 274؛ مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 143؛ الطرائف، ص 35؛ الصراط المستقیم، ج 1، ص 272؛ ج 2، ص 27.

مؤلف، معرفی نسخه های خطی آن و چگونگی استفاده از آنها اشاره شده است. مقدمه مؤلف، درباره انگیزه تألیف است. به موجب این مقدمه، برخی از اهل علم در مجلس عمومی و در حضور جمعیتی فراوان، اعلام می کنند که هیچ مفسری سوره هل اتی (انسان) و غیر آن را در شأن امام علی علیه السلام و دیگر اهل بیت، تفسیر نکرده است. از عالمان حاضر در آن مجلس، انتظار می رفت که در برابر این انکار، واکنش نشان دهند؛ ولی تنها ابو العلاء صاعد بن محمد (قدس روحه)، بعضی از خواص خود را که در آن مجلس حاضر بودند، مورد عتاب و سرزنش قرار می دهد. مؤلف در این شرایط، از باب حسبه و برای دفع شبهه از ذهن اصحاب، دست به کار می شود و این کتاب را با عجله و شتاب فراوان، تألیف می کند تا این ادعا را که هیچ آیه ای از قرآن، در شأن اهل بیت علیهم السلام نیست و هیچ کس هم چنین سخنی نگفته، نقض کند. حسکانی در ابتدای کتاب (1) و در پایان آن، (2) متذکر شده که در این کتاب، به ذکر روایاتی که به صحت آنها اطمینان داشته، بسنده نکرده است؛ بلکه بنای او بر این بوده که هر آیه ای را که گفته شده نزولش در شأن اهل بیت علیهم السلام است و یا در شأن آنان تفسیر شده، در این کتاب ذکر کند. از این رو، وی به نقد اسانید و متون روایات پرداخته است؛ چراکه این روایات در کتب حدیثی و کلامی، فراوان اند و مؤلف نیز مجال چنین کاری را نداشته است. اصل کتاب در شش فصل، به فضائل امام علی علیه السلام از زبان برخی صحابه و تابعان پرداخته و شامل معرفی 210 آیه در شأن امام علی و اهل بیت علیهم السلام، همراه با 1163 روایت است. فصول ششگانه کتاب، عبارت اند از: فصل اول: فراوانی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام. در این فصل، خصائص امام علی علیه السلام از زبان چنین کسانی نقل شده است: عبد الله بن عباس، مجاهد بن جبر، سلیمان بن طرخان، ابو طفیل عامر بن واثله لیثی، احمد بن حنبل بغدادی، عبد الله بن عمر بن

1- شواهد التنزیل، ج 1، ص 20.

2- همان، ج 2، ص 486.

**و. دعا و زیارت****1. کامل الزیارات**

خطاب، عکرمه مولی ابن عباس و عایشه؛ فصل دوم: تقدّم وی بر تلاوت و تفرّد در حفظ قرآن؛ فصل سوم: پیشی گرفتن وی بر دیگران، در گردآوری قرآن؛ فصل چهارم: بی بدیل بودن او در شناخت قرآن و معانی آن و علم به نزول آن؛ فصل پنجم: فراوانی آیاتی که درباره او و فرزندان و خاندانش نازل شده است؛ فصل ششم: بیان این که امام علی علیه السلام مصداق و مراد تعبیر «یا ایها الذین آمنوا» است که نود بار، در قرآن ذکر شده است. روش حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، آیات را به ترتیب سوره ها بیان کرده و روش او این است که ابتدا يك یا چند آیه را به عنوان موضوع بحث، مطرح می کند و سپس از طریق مشایخ حدیث خود، روایاتی را از صحابه و تابعان نقل می کند که آن آیه یا آیات را درباره اهل بیت علیهم السلام دانسته اند. روایات کتاب، همگی با اسناد کامل و از طریق اهل سنت است و گاهی نیز از برخی مصادر پیشین؛ مانند: تفسیر فرات کوفی، (1) تفسیر عیاشی و مقتضب الأثر ابن عیّاش جوهری. (2) گویا برخی، شواهد التنزیل را مختصر کرده اند، مانند نسخه ای خطی با عنوان مجزء فی فضائل علی؛ منتخب من شواهد التنزیل، که در یکی از کتاب خانه ها زیدیه موجود است. (3)

و. دعا و زیارت 1. کامل الزیارات مؤلف: ابن قولویه قمی تحقیق: جواد قیومی ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی (انتشارات جامعه مدرسین)، قم، چاپ اول، 1417 ق.

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 37؛ الذریعة، ج 4، ص 298.

2- شواهد التنزیل، ج 1، ص 89.

3- تراثنا، ش 14، ص 54.

در تحقیق کتاب، از دو نسخه خطی استفاده شده است: یکی نسخه کتاب خانه مجلس شورای اسلامی به خط محمد شفیع کرمانی (تاریخ کتابت 1093 ق) که با توحید مفضل و رساله الأهلِبَجَة همراه است، و دیگری نسخه کتاب خانه آستان قدس رضوی به خط سید ابو القاسم نجفی. به علاوه، متن آن با برخی از کتب رجالی و حدیثی نیز مقابله شده است. (1) کامل زیارات بارها چاپ شده است؛ از جمله، با تحقیق شیخ عبد الحسین امینی نجفی، با تصحیح علی اکبر غفاری و مقدمه محمد علی اردوباری، در چاپ خانه مرتضویه نجف، در سال 1356 ق. (2) معرفی این کتاب، با چند عنوان زیارات، (3) جامع زیارات (4) کمال زیارات (5) و کامل زیارات (6) آمده است؛ ولی «کامل زیارات»، عنوان مورد نظر مؤلف بوده است. (7) انتساب این کتاب به ابن قولویه قمی، معروف بلکه متواتر است و کتاب های حدیثی، دعایی، زیارات و رجالی بسیاری، از آن نقل کرده اند؛ مانند: المزار شیخ مفید، التهذیب و الاستبصار شیخ طوسی، کتب گوناگون ابن طاووس، المزار ابن مشهدی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل. (8) این، از آن روست که کامل زیارات، ارزش حدیثی، دعایی، معنوی، معرفتی و رجالی دارد. نسخه چاپی کامل زیارات، شامل مقدمه محقق، مقدمه معرفی مؤلف و اصل کتاب است. مقدمه محقق، شامل این مطالب است: شرح حال مؤلف و پدر و برادر

- 
- 1- کامل زیارات، ص 10، مقدمه غفاری .
  - 2- تراثنا، ش 2، ص 160.
  - 3- رجال النجاشی، ص 126؛ الإقبال، ص 701.
  - 4- الفهرست، طوسی، ص 92.
  - 5- مصباح الزائر، ص 293.
  - 6- وسائل الشیعة، ج 20، ص 36؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 27؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 248؛ الذریعة، ج 7، ص 255.
  - 7- کامل زیارات، ص 4.
  - 8- الإقبال، ص 701؛ مصباح الزائر، ص 293 \_ 297، 394 \_ 396؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 67؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 251؛ معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 50.

او، اهمیت و جایگاه کتاب، معرفی مشایخ و راویان ابن قولویه، توثیق مشایخ او و معرفی نسخه های خطی. مقدمه مؤلف، به موضوع کتاب، شیوه سامان و ویژگی روایات آن، اختصاص یافته است. به موجب این مقدمه، روایات کتاب، همگی از اهل بیت علیهم السلام و از طریق مشایخ ثقه و قابل اعتماد، نقل شده اند. مطالب آن نیز در ابوابی با عناوین مشخص، سامان یافته و در ذیل هر باب، تلاش شده تنها روایات مربوط به همان باب، آورده شود. (1) این کتاب در زمینه زیارت رسول اکرم، زیارت امیر المؤمنین و زیارت ائمه معصوم علیهم السلام است، شامل: نصوص این زیارات و فضایل و ثواب آنها، به نقل از خود اهل بیت. مطالب کتاب در 108 باب، با عناوین خاص و متناسب با روایات هر باب، مرتب شده است. بیش از هشتاد باب، به ذکر اخبار مربوط به شهادت سید الشهداء علیه السلام و زیارت او در زمان های معین و سایر اوقات و نیز فضایل و ثواب ایشان، اختصاص دارد. در باب های دیگر، به زیارت صالحان غیر معصوم پرداخته شده است، مانند: عباس بن علی، حمزة بن عبد المطلب، عبد العظیم حسنی، فاطمه معصومه و شهدا. باب پایانی کتاب، باب النوادر است. تعداد روایات کتاب، 755 مورد است که از این تعداد، 124 حدیث مرسل است. (2) محدث نوری در سده سیزدهم، به استناد قرآینی از خود کتاب، ابراز کرده است که برخی از روایات کتاب - چون خبری طولانی و شریف، معروف به «خبر زانده» در باب 82 و 88 - توسط یکی از شاگردان ابن قولویه، نقل شده و وی آن را به جهت مشابهت و هم خوانی معنوی با دیگر مطالب، پس از درگذشت مؤلف، به کتاب افزوده است. (3) این روایت، بدون اشاره به نکته یاد شده، در بحار الأنوار (4) و گویا از طریق شیخ حرّ عاملی، (5) روایت شده است.

1- کامل الزیارة، ص 37.

2- مشایخ الثقات، ص 153.

3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 248 \_ 251.

4- بحار الأنوار، ج 8، ص 13 (چاپ سنگی).

5- کامل الزیارة، ص 30، مقدمه محقق .

**2. المزار (مناسك المزار)**

شماره راویان در اسناد روایات کتاب کامل الزیارات، 709 نفر است. (1) از این تعداد، 32 نفر مشایخ ابن قولویه اند. (2) درباره وثاقت راویان کتاب یاد شده، در میان علمای رجال، اختلاف نظر وجود دارد. برخی چون شیخ حرّ عاملی و سیّد ابو القاسم خوبی \_ در رأی اول خود \_، همه راویان آن را اعم از مشایخ ابن قولویه و مشایخ مشایخ او تا معصوم، موثق دانسته اند. (3) در مقابل، عدّه ای چون محدّث نوری و سیّد ابو القاسم خوبی \_ در رأی دوم \_ و برخی از شاگردان او مانند عرفانیان و سبحانی، تنها مشایخ مستقیم ابن قولویه را موثق دانسته اند. (4) این اختلاف، از دو برداشت مختلف از ظاهر عبارت ابن قولویه در ابتدای کتاب، پدید آمده است که می گوید: این روایات را از طریق مشایخ «امامی ثقه و معروف به حدیث و علم»، از ائمه علیهم السلام نقل می کند. (5) بر مبنای متأخر در تقسیم بندی حدیث، با مراجعه به منابع رجالی، معلوم می شود که از 709 راوی کتاب کامل الزیارات، 315 نفر توثیق شده اند، 327 نفر مسکوت مانده اند، 14 نفر تضعیف شده اند و 25 نفر اختلافی اند. (6)

2. المزار (مناسك المزار) مؤلف: شیخ مفید تحقیق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ناشر: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد (کنگره هزاره شیخ مفید)، چاپ اول، 1413 ق. در تحقیق کتاب، بر دو نسخه خطی اعتماد شده است: نسخه ای در کتاب خانه

1- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 248 \_ 251.

2- مشایخ الثقات، ص 123 \_ 153.

3- همان، ص 122؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 251؛ کلیّات فی علم الرجال، ص 304؛ کامل الزیارات، ص 12 \_ 13 (مقدمه محقق).

4- وسائل الشیعة، ج 20، ص 67؛ معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 50.

5- بحار الأنوار (چاپ سنگی)، ج 8، ص 13 (به نقل از: خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 248).

6- کامل الزیارات، ص 30 (مقدمه جواد قیومی).

آستان قدس رضوی و نسخه ای در کتاب خانه مسجد جامع گوهرشاد در مشهد، که هر دو در سال 957 ق، کتابت شده اند. (1) از این کتاب، با سه عنوان المزار الصغیر (2)، مناسک المزار (3) و المزار، (4) یاد شده است. المزار، از کتاب های معروف شیخ مفید است و در بسیاری از کتاب های دعا و زیارات \_ مانند: کتاب المزار تهذیب الأحکام (5) و مصباح المتهجد شیخ طوسی، المزار الکبیر ابن مشهدی، فرحة الغری سید عبد الکریم بن طاووس، (6) المزار شهید اول، البلد الامین و المصباح کفعمی و بحار الأنوار \_ بر آن اعتماد شده است. نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق، دو مقدمه از مؤلف و سپس اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به معرفی نسخه های خطی، شیوه تصحیح کتاب، شرح حال و جایگاه این تألیف، پرداخته شده است. شیخ مفید در مقدمه آغازین دو قسمت المزار، به موضوع کتاب و ترتیب مطالب آن، اشاره کرده است. این کتاب در نوع خود، بی سابقه است. قسمت نخست المزار، درباره مناسک زیارت امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسین علیه السلام است و قسمت دوم آن، درباره مناسک زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام، سایر ائمه علیهم السلام، و نیز قبور شهدا و شیعیان. نظم و سامان مطالب کتاب، این گونه است که ابتدا فضیلت و ارزش هر زیارت، با استناد به احادیث معصومان علیهم السلام روشن می گردد و سپس آداب، اذکار و چگونگی زیارت در مراحل و حالات مختلف، ذکر می شود. به استناد دو مقدمه کتاب، شیخ مفید ابتدا مناسک زیارت امیر المؤمنین و امام

- 
- 1- المزار، ص 13.
  - 2- رجال النجاشی، ص 401.
  - 3- الإرشاد، ج 2، ص 134؛ معالم العلماء، ص 149؛ محاسبه النفس، ص 37؛ فرحة الغری، ص 117.
  - 4- بحار الأنوار، ج 1، ص 7.
  - 5- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 1.
  - 6- فرحة الغری، ص 117، 138.

حسین علیهما السلام را تألیف کرده و پس از آن که گویا مدتی فاصله افتاده، به تألیف قسمت دوم پرداخته است. وی اگرچه قسمت نخست را به اختصار نوشته، بر اختصار قسمت دوم تصریح کرده (1) و گویا به همین جهت است که نجاشی، از آن به المزار الصغیر یاد کرده است. (2) نیز شیخ مفید به فردی که مأمور گردآوری این بخش المزار بوده، متذکر شده است که آن را با جزء اول، یکی کند و به صورت يك كتاب در آورد. (3) بنا بر این، عنوان «مناسك المزار» یا «المزار»، بر دو جزء مدون در يك مجلد، اطلاق شده است. برخی از کتاب شناسان، مانند سید اعجاز حسین (4) و به تبع او آقا بزرگ تهرانی، (5) خطبه ای را در آغاز المزار ذکر کرده اند که در نسخه چاپی وجود ندارد. آغاز این خطبه، چنین است: یا مَنْ جَعَلَ الحضورَ فی مشاهده أصفیائه ذریعةً إلی الفوز بدراجات... (6) گویا این خطبه، آغازین المزار شهید اول است که به اشتباه، به المزار مفید نسبت داده شده است. 7 به هر حال، قسمت نخست این کتاب، در 67 باب و قسمت دوم آن، در 79 باب فراهم آمده است. از مطالب هر بخش، چنین می توان یاد کرد: قسمت اول: فضیلت کوفه، مسجد کوفه، فضیلت نماز خواندن در کنار ستون هفتم مسجد کوفه، فضیلت مسجد سهله، فضیلت رود فرات، فضیلت غسل کردن در فرات و نوشیدن از آن، زیارت امیر المؤمنین (صلوات الله علیه)، فضیلت کربلا، وجوب زیارت امام حسین علیه السلام، ثواب زیارت امام حسین علیه السلام، باب تمحیص و پاکسازی گناهان

1- رجال النجاشی، ص 401.

2- المزار، ص 165.

3- المزار، همان جا.

4- كشف الحجب و الأستار، ص 502.

5- الذریعة، ج 20، ص 325.

6- المزار، ص 24، مقدمه محقق.



**3. مصباح المتهجد**

با زیارت امام حسین علیه السلام، فضیلت زیارت آن امام در چند هنگام \_ مانند: در اول و نیمه ماه های رجب و شعبان، شب عید فطر، روز عرفه، روز عاشورا، اربعین و... \_ زیارت علی بن حسین، زیارت عباس بن علی علیهما السلام. قسمت دوم: چند باب مختصر درباره: فضیلت زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله، شرح زیارت آن حضرت، فضیلت زیارت حضرت فاطمه علیها السلام، فضیلت زیارت ابو محمد امام حسن مجتبی علیه السلام، فضیلت زیارت سیدنا علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام، فضیلت زیارت سیدنا ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام و ابو جعفر محمد بن علی بن موسی علیه السلام، فضیلت زیارت مولانا ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام، فضیلت زیارت سیدین ابو الحسن علی بن محمد و ابو محمد حسن بن علی العسکریین علیهما السلام، باب «زیارة جامعة لسائر الأئمة علیهم السلام»، باب ثواب حج و زیارت نیابتی همراه با مزد از طرف برادران دینی، باب فضیلت زیارت قبور شیعیان، باب النوادر. مفید در کتاب المزار، حدود 120 روایت را با اسناد کامل و گاه ناقص، از طریق جعفر بن قولویه قمی نقل کرده است. به قرینه نقل فراوان از ابن قولویه قمی، کتاب کامل الزیارات ابن قولویه، مهم ترین مصدر کتاب المزار شیخ مفید بوده است.

3. مصباح المتهجد مؤلف: شیخ طوسی تحقیق: علی اصغر مروارید ناشر: مؤسسه فقه الشیعة، بیروت، 1411 ق. چند نسخه خطی از این کتاب موجود است: نسخه ای کهن در کتاب خانه آستان قدس رضوی (تاریخ تحریر: 502 ق)، نسخه عنایة الله بن اشرف بن حبيب الله بن زین العابدین حسینی (به تاریخ: 1039 ق)، (1) نسخه محمد باقر بن محمد مهدی مشهدی

(تاریخ: 1109 ق)، نسخه ای به تاریخ 1116 ق، (1) و نسخه ای دیگر به قلم محمد هاشم بن شاه محمود (تاریخ تحریر: 1075 ق). (2) این کتاب بارها در ایران و خارج از ایران، چاپ شده است. کتاب مصباح المتهجد، با همین عنوان در مصادر آمده است. (3) شیخ طوسی يك بار کتاب مصباح المتهجد را در حجم بسیار، تألیف کرد و سپس به تلخیص آن پرداخت. عنوان کتاب اصلی، مصباح المتهجد فی عمل السنة الكبير و عنوان نسخه مختصر آن، مختصر المصباح فی عمل السنة ذکر شده است. (4) در منابع کتاب شناسی و حدیثی، بیشتر با سه عنوان رو به رو می شویم: مصباح المتهجد، المصباح و المصباح الكبير (5). محمد باقر مجلسی مانند شیخ طوسی، به هر دو عنوان اشاره کرده است. (6) گویا شیخ طوسی این کتاب را در سال های پایانی عمر خود و در نجف تألیف کرده است؛ چراکه او در مقدمه کتاب، متذکر می شود که غرض اصلی در این اثر، ذکر دعاهایی است که در کتاب های فقهی نیامده است. (7) سید بحر العلوم، از عبارات یاد شده، همین مطلب را برداشت کرده است. (8) کتاب مصباح المتهجد، در زمینه اعمال واجب و مستحب در ایام سال و نیز دعاهای هر روز، تألیف شده است. مطالب کتاب در يك مقدمه، احکام فقهی و اعمال و دعاهای ایام سال، طبقه بندی شده اند. احکام فقهی کتاب، در دو مبحث طهارت (با

- 
- 1- همان، ج 4، ص 133.
  - 2- تراثنا، ش 26، ص 129؛ الذریعة، ج 8، ص 177؛ ج 20، ص 209؛ فهرس التراث، ج 1، ص 532؛ ج 9، ص 233.
  - 3- الفهرست، طوسی، ص 241؛ معالم العلماء، ص 150.
  - 4- الفهرست، طوسی، همان جا.
  - 5- معالم العلماء، همان جا؛ الإقبال، ج 1، ص 177، 199؛ ج 2، ص 27، 34؛ الجواهر السنیه، ص 348؛ وسائل الشیعة، ج 2، ص 834، 742.
  - 6- بحار الأنوار، ج 1، ص 7.
  - 7- مصباح المتهجد، ص 4.
  - 8- الفوائد الرجالية، ج 3، ص 233.

تکیه بر اغسال واجب و مستحب) و نماز (با تکیه بر نمازهای واجب و مستحب یا نوافل)، خلاصه شده است. قسمت اعظم مطالب کتاب، اعمال و دعاهاست که مؤلف با عنوان اعمال هفته، اعمال جمعه، دعا‌های هفته، ادعیه مربوط به ماه‌های رمضان، ذوقعد، ذوقحجّه، محرّم، صفر، رجب و شعبان، به بیان آنها پرداخته و با ذکر دعای حضرت خضر علیه السلام، کتاب را به پایان رسانده است. روایات کتاب، مرسل و گاه با اسناد کامل نقل شده اند. این کتاب با اعتنا و اعتماد علمای شیعه در سده‌های مختلف مواجه شد و برخی به تلخیص، شرح و ترجمه آن پرداختند. از جمله این کارها می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف - تلخیص: قَبَس المصباح صهرشتی، معاصر و شاگرد شیخ طوسی؛ (1) الإختیار من المصباح الکبیر، از سید علی بن حسان بن باقی قرشی، معاصر سید بن طاووس؛ (2) منهاج الصلاح فی إختیار المصباح، علامه حلّی؛ (3) مختصر المصباح سید عبد الله شبر. (4) ب - شرح: شرح فاضل مقداد سیوری (م 826 ق)؛ دو شرح مفصل و مختصر، از شیخ خضر رازی نجفی، شاگرد میر سید شریف جرجانی (م 838 ق)؛ یکی با نام جامع الدرر و دیگری مفتاح الغرر؛ شرح ابن ابی جمهور احسایی (م پس از 901 ق) با عنوان معین الفکر و شرح آن با عنوان معین المعین؛ شرح مختصر مصباح المتهجد، از سید علی حسینی نجفی که قاضی نور الله در کتاب المجالس و نراقی در کتاب الخزان، از آن نقل کرده اند؛ شرح عبد الوحید بن نعمت الله استرآبادی، شاگرد شیخ بهایی (م پس از 1025 ق) به نام فتح الباب؛ شرح حاج میرزا علی تبریزی (م 1345 ق).

1- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 180؛ الذریعة، ج 17، ص 29\_30.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 38؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 180؛ الذریعة، ج 1، ص 364.

3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 180؛ الذریعة، ج 3، ص 5.

4- الذریعة، ج 21، ص 118.

## ز - ترجمه

## ح - متون فقهی

## 1. دعائم الإسلام

ز - ترجمه ترجمه ای متعلق به سال 1086 ق، از مترجمی ناشناخته؛ (1) ترجمه سید علی امامی اصفهانی، معاصر صاحب ریاض؛ ترجمه شیخ عباس قمی. (2) افزون بر این همه، ابن طاووس نیز به تکمیل کتاب مصباح المتهدّج شیخ طوسی پرداخت و با استفاده از دیگر منابع دعایی - که بیشترشان از اصول قدیمی بودند -، آن را در ده مجلد با عناوین مختلف، افزایش داد و مجموع آن را در مهمّات المتعبّد و تتمّات مصباح المتهدّج نام گذاشت. (3) کتاب مصباح المتهدّج، از مصادر مهمّ کتاب های دعایی نیز هست. (4)

ح - متون فقهی 1. دعائم الإسلام مؤلّف: قاضی نعمان مغربی تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی ناشر: دار المعارف، قاهره، مؤسّسه آل البيت عليهم السلام، 1383 ق. در تحقیق این کتاب، از هشت نسخه خطّی استفاده شده است، که کهن ترین آنها در سال 961 ق، نوشته شده است. (5) این کتاب با همین عنوان، در برخی از مصادر متأخّر، در شمار تألیفات قاضی نعمان ذکر شده (6) و از مصادر برخی کتاب های حدیثی و فقهی است، مانند: بحار الأنوار، مستدرک الوسائل و جواهر الکلام. (7) انتساب دعائم الإسلام

- 
- 1- همان، ج 4، ص 136.
  - 2- ر.ک: الاستبصار، ج 1، ص 32\_33 (مقدّمه محقّق).
  - 3- فلاح السائل، ص 6.
  - 4- از آن جمله: الإقبال، ابن طاووس؛ البلد الأمين و المصباح، کفعمی؛ وسائل الشیعة؛ الجواهر السنیة و الفصول المهمة، شیخ حرّ عاملی؛ بحار الأنوار؛ وسائل الشیعة؛ مستدرک الوسائل، نوری.
  - 5- دعائم الإسلام، ج 1، ص 14\_17، مقدّمه محقّق.
  - 6- بحار الأنوار، ج 1، ص 36؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 147.
  - 7- معجم رجال الحدیث، ج 20، ص 185.

به قاضی نعمان، معروف است البته به گزارش محمد باقر مجلسی، این کتاب به شیخ صدوق نیز نسبت داده شده؛ ولی سخن او، اشتباه است و به سبب تشابه در عنوان بوده است. (1) با این حال، اعتبار و جایگاه ارزشی دعائم الإسلام، محکم و بدون تردید نیست. محمد باقر مجلسی و میرزا حسین نوری، آن را معتبر دانسته اند و در برابر، صاحب جواهر و سید ابو القاسم خوبی، در اعتبار آن تردید کرده اند. (2) نسخه چاپی کتاب دعائم الإسلام، در دو مجلد، شامل مقدمه محقق کتاب و اصل است. مقدمه محقق، این مطالب را در بر دارد: شرح حال مؤلف، اشاره به موضوع تألیف و سامان و ترتیب کتاب، و معرفی نسخه های خطی آن اصل کتاب، در دو بخش فراهم آمده است: بخش نخست، حاوی مباحث نظری ناظر به عقاید و فقه عبادی است و بخش دوم، درباره معاملات است. کتاب دعائم الإسلام، با الهام مستقیم از روایت معروف به دعائم سبعة (منسوب به امام صادق علیه السلام) تألیف شده است. در این حدیث، اساس اسلام هفت چیز دانسته شده و از همین روست که قاضی نعمان در کتاب یاد شده، به تبیین این هفت پایه \_ شامل: ولایت، طهارت، نماز، حج، جهاد، روزه و زکات \_ پرداخته است. البته او دامنه مباحث را از این هفت امر، فراتر برده و در آغاز بخش یا جزء نخست کتاب \_ که به دعائم سبعة اختصاص دارد \_، مطالبی را از باب ضرورت و اهمیّت، درباره ایمان مطرح کرده است؛ از جمله: تعریف ایمان، اهمیّت ایمان، تفاوت ایمان و اسلام و... در جزء دوم، به موضوع معاملات پرداخته و در این مبحث، 25 کتاب را ذکر کرده است. در جزء اول که درباره عبادت است، این مطالب آمده است: الإیمان (مطابق آموزه های مذهب فاطمی)، الطهارة، الصلاة \_ که شامل جنائز نیز می شود \_، الزکاة، الصوم، الحج، الجهاد. این هفت چیز، دعائم هفتگانه شناخته می شوند. مطالب جزء

1- بحار الأنوار، همان جا.

2- معجم رجال الحدیث، همان جا.

**2. کتاب من لا يحضره الفقيه**

دوم که درباره معاملات است، عبارت اند از: کتاب البيوع، کتاب الأيمان و النذور، کتاب الأُطعمة، کتاب الأُشربة، کتاب الطبّ، کتاب اللباس، کتاب الصيد، کتاب الضحايا و العقائق، کتاب النكاح، کتاب الطلاق، کتاب العتق، کتاب العطايا، کتاب الوصايا، کتاب الفرائض، کتاب الديات، کتاب الحدود، کتاب السراق، کتاب الردّة و البدعة، کتاب الغصب، کتاب العارية، کتاب اللُّقطة، کتاب القسّمة و البنیان، کتاب الشهادات، کتاب الدعوى، کتاب آداب القضاة. قاضی نعمان به دلیل عرضه روایات کتاب بر خلیفه وقت، آن را صحیح و بی نیاز از ذکر سند دانسته است. (1) همه روایات کتاب، از طریق امام صادق علیه السلام نقل شده اند. مقایسه روایات کتاب دعائم الإسلام با کتاب پیش گفته (الجعفریات محمد بن محمد بن اشعث کوفی)، نشان از مشابهت های فراوان دارد. این مشابهت ها، این حدس را در ذهن تقویت می کنند که قاضی نعمان از کتاب الجعفریات، بسیار استفاده کرده است. (2)

2. کتاب من لا يحضره الفقيه مؤلف: شیخ صدوق تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفّاری ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی (انتشارات جامعه مدرّسین)، قم، چاپ دوم، 1404 ق (در چهار مجلد). در تحقیق کتاب، از سیزده نسخه خطی استفاده شده است، که عبارت اند از: 1. نسخه میرزا ابو الحسن شعرانی، حاوی اجازه شیخ حرّ عاملی به خطّ خودش، برای محمد ابراهیم بن محمد نصیر؛ 2. نسخه کتاب خانه سیّد محمد باقر سبزواری، (تاریخ کتابت: 1074 ق)؛ 3. نسخه تصحیح شده حسن حسن زاده آملی (به تاریخ

1- همان، ص 2؛ شرح الأخبار، ج 1، ص 87.

2- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 142.

1075 ق)؛ 4. نسخه شیخ حسن مصطفوی (به تاریخ 1030 ق)؛ 5. نسخه سید موسی زنجانی (به تاریخ 1057)؛ 6 و 7. دو نسخه در کتاب خانه شیخ حسین مقدّس (یکی به تاریخ 1101 ق، و دیگری 1073 ق)؛ 8 و 9. دو نسخه متعلّق به محمّد کاظم مدیر شانه چی (یکی به تاریخ 1097 ق و دیگری 1065 ق)؛ 10. نسخه کتاب خانه سید ابو الحسن مرتضوی موسوی (به تاریخ 1092 ق)؛ 11. نسخه سید علی احمدی تهرانی (به تاریخ 1013 ق)؛ 12. نسخه کتاب خانه شیخ عبد الرحیم ربّانی (به تاریخ 1101 ق) و 13. نسخه دیگری از آن سید موسی زنجانی (به تاریخ 1088 ق) که پس از تصحیح جلد اوّل، در اختیار مصحّح قرار گرفته است. (1) این کتاب بارها در ایران و خارج از ایران، با تحقیق سید حسن موسوی خراسان و یا علی اکبر غفّاری، چاپ شده است. شیخ صدوق عنوان کتاب من لا یحضره الفقیه را با الهام از کتاب من لا یحضره الطیب محمّد بن زکریّای رازی، 2 برای کتاب خود، برگزید (2) و در مصادر کتاب شناسی نیز

---

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 19\_22، مقدّمه مصحّح .

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 2.

همین عنوان ذکر شده است . (1) انتساب این کتاب به شیخ صدوق، معروف بلکه متواتر است. (2) نسخه چاپی کتاب من لا یحضره، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و سپس اصل کتاب است. در مقدمه محقق، پس از شرح حال شیخ صدوق و آثار وی، به جایگاه کتاب من لا یحضره الفقیه و معرفی نسخه های خطی آن، پرداخته شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف، محل تألیف، ویژگی های روایات کتاب و مصادر آن، اختصاص دارد. بر پایه این مقدمه، شیخ صدوق در سفر به ماوراء النهر \_ که از آن جا به «بلاد غربت» یاد کرده \_، به سرزمین بلخ از توابع ایلاق می رسد و در آن جا با شخصی به نام محمد بن حسن بن اسحاق بن (حسن) حسین بن اسحاق بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب دیدار می کند. شیخ صدوق بر این شخص \_ که از او به «شریف الدین ابو عبدالله معروف به نعمت» یاد کرده، وارد می شود و به مذاکره و گفتگو با وی می پردازد. در وی صفات پسندیده بسیاری \_ چون: آرامش، وقار، عفاف، تقوا و ستر و صلاح \_ می یابد و از همین ره گذر، اقامتش در بلخ، با سرور و نشاط و آرامش همراه می گردد. ابو عبد الله نعمت، پیشنهاد تألیف کتابی را به صدوق می دهد که جامع روایات قابل اعتماد در فقه و حلال و حرام و شرایع و احکام، و به سبک و سیاق کتاب من لا یحضره الطیب محمد بن زکریای رازی باشد. شیخ صدوق متذکر شده است که همه 240 کتابی را که تا آن هنگام تألیف کرده بوده، و نیز کتاب من لا یحضره الفقیه را بر ابو عبد الله نعمت قرائت کرده است. (3) مؤلف در باره این کتاب، سه مطلب مهم را گوشزد کرده است: یکی آن که اسانید روایات را با هدف کوتاه تر و سودمندتر ساختن کتاب، حذف کرده است. دوم آن که وی بر آن بوده است که روایات صحیح و شایسته برای فتوای را \_ که حجّت بین او و خدا شمرده می شوند \_ ذکر نماید. و سوم، این که شیخ صدوق در اشاره به مصادر مهم

1- الفهرست، طوسی، ص 238؛ خلاصة الأقوال، ص 48.

2- الفوائد الرجالية، ج 3، ص 299.

3- همان، ج 1، ص 2.



کتاب، متذکر شده است که این روایات را از کتاب های مرجع مشهور و شایان اعتماد، فراهم آورده است؛ مانند: کتاب حریر بن عبد الله سجستانی، کتاب عبید الله بن علی حلّی، کتب علی بن مهزیار اهوازی، کتب حسین بن سعید، نوادر احمد بن محمد بن عیسی، کتاب نوادر الحکمة ی محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، کتاب الرحمة ی سعد بن عبد الله، جامع محمد بن حسن ولید \_ که رضوان خدا بر او باد! \_، نوادر محمد بن ابی عمیر، محاسن احمد بن ابی عبد الله برقی و رساله ی پدرش برای او \_ که رضوان خدا بر او باد! \_، و نیز اصول و مصتفات دیگری که طریق وی به آنها، در فهرست کتاب هایی که او از مشایخ و پیشینیانش روایت کرده، معروف است. (1)

اصل کتاب من لا یحضره الفقیه، شامل ابواب یا همان کتاب های فقهی و مشیخه کتاب است. شمار کتاب ها و مسائل فقهی به اختلاف، 666، 626 و 566 ذکر شده است. جلد اول، دارای 87 باب، جلد دوم 228 باب، جلد سوم 78 باب و جلد چهارم، دارای 173 باب است. شمار احادیث منقول در هر باب نیز چنین گزارش شده است: جلد اول 1581 حدیث، جلد دوم 1637 حدیث، جلد سوم 1805 حدیث، و جلد چهارم 903 حدیث. (2) شمار مسانید جلد اول، 777 حدیث و مراسیل آن 804 حدیث، مسانید جلد دوم 1064 حدیث و مراسیل آن 573 حدیث، مسانید جلد سوم 1295 حدیث و مراسیل آن 510 حدیث، و مسانید جلد چهارم 777 حدیث و مراسیل آن 126 حدیث. (3) در مجموع چهار جلد، 3913 حدیث مسند و 2050 حدیث مرسل نقل شده و مجموع احادیث کتاب، 5926 حدیث است. 4 عنوان نخستین باب کتاب من لا یحضره الفقیه، «کتاب الطهارة» است که با مسئله آب ها آغاز می شود، و «کتاب الإرت» نیز پایان بخش کتاب است. عنوان دیگر باب های فقهی این کتاب، بدین شرح است: نماز، زکات، خمس، روزه، حج، قضاوت،

1- همان، ص 3\_4.

2- علل الشرائع، ج 1، ص 31\_32، مقدمه محقق.

3- همان.

شهادت، عتق، بیع، صید، لُقْطه، دَین، خوردن و آشامیدن، سوگند، کفّارات، نکاح، طلاق، حدودت، دیات، و وصیت. ترتیب ورده بندی این کتاب ها و مسائل مطرح در هر کدام، گویای سامان دهی معناداری است که در نوع خود، ابتکاری به نظر می رسد. گستره این مسائل، به ترتیب، از حیات و زندگی تا مرگ است. گویی چون حیات با آن شروع می شود، نخستین مسئله را حکم آبها و انواع نجس و پاک آن قرار داده و آخرین مسئله را وصیت \_ که به مرگ مربوط است \_ و پس از آن، درباره ارث سخن گفته است. به هر روی، شیخ صدوق به مناسبت های گوناگون، به مسائل دیگری نیز پرداخته است که جنبه فقهی ندارند و در چارچوب اصطلاحی فقه جای نمی گیرند. برای نمونه، در ذیل بحث نمازهای شبانه روزی و تعداد آنها، احادیث «ردّ الشمس» را آورده و به بحث در این باره پرداخته است؛ در حالی که این موضوع، جنبه کلامی دارد. وی به چند حدیث اشاره کرده که بر پایه آنها ردّ الشمس برای سلیمان نبی، برای یوشع بن نون و برای علی بن ابی طالب علیهم السلام رخ داده است. (1) نیز به مناسبت بحث حج و زیارت خانه خدا، به موضوع زیارت پرداخته و نزدیک به چهل صفحه را به آن اختصاص داده است. (2) وی پس از بحث زیارات، دو باب دیگر آورده است که جنبه اخلاقی دارند؛ یکی «باب الحقوق» (3) و دیگری «باب الفروض علی الجوارح». (4) وی در پایان مسائل وصیت نیز «باب النوادر» را \_ که از آن، به باب آخر کتاب یاد کرده \_ به مواعظ و وصایای اخلاقی اختصاص داده است. (5) شیخ صدوق در پایان کتاب من لا یحضر الفقیه، بی درنگ به معرفی طریق خود به صاحبان اصول و مصنّفات پرداخته و این بخش را «مشیخه» نامیده است. گویا وی با این کار، قصد داشته حذف اسانید را جبران کند؛ اتفاقی که در کتاب افتاده بود و برای

- 
- 1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 202 \_ 203.
  - 2- همان، ج 2، ص 572 \_ 609.
  - 3- همان، ج 2، ص 618 \_ 676.
  - 4- همان، ج 2، ص 676 تا پایان آن.
  - 5- همان، ج 4، ص 352 \_ 470.

آن به عنوان کتاب مرجع، نقص شمرده می شد. برای نمونه، نخستین طریقی که ذکر کرده، چنین است: احادیثی که در این کتاب، از عمّار بن موسی سبابی آمده است، همگی از طریق علی بن بابویه (پدر مؤلف) و محمّد بن حسن بن احمد بن ولید \_ که رضوان خدا بر هر دو باد! \_، از سعید بن عبد الله، از احمد بن حسن علی بن فضال، از عمرو بن سعید مدائنی، از مصدق بن صدقة، از عمّار بن موسی سبابی نقل شده است. (1) در پایان مشیخه آمده است: تمّت اسانید کتاب من لا یحضره الفقیه، بحمد الله و منّه. و الصلاة علی محمّد و آله الطاهرين. (2) بر اساس برخی از نسخه های خطی من لا یحضره الفقیه، پس از عبارت «تمّت اسانید کتاب...»، این عبارت نیز آمده است: و ذلك فی ذی القعدة من سنة اثنین و سبعین و ثلاثمئة. (3) بر این اساس و با لحاظ سال ورود شیخ صدوق به بلخ (368 ق) و با توجه به این که وی تنها يك بار به آن دیار رفته و در آن جا 245 کتابش را بر ابو عبد الله نعمت خوانده است، معلوم می شود که تألیف این کتاب من لا یحضره الفقیه، چهار سال طول کشیده است. پایان بخش کتاب در نسخه چاپی، بخشی است به قلم محقق آن، به شرح و توضیح اصطلاحات کلامی مطرح در مشیخه پرداخته است. این اصطلاحات، عبارت اند از: فطّحی، ناووسی، کیسانی، واقفی، زیدی، جارودی، بتری، غالی، حروری، قدری،

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 422.

2- همان، ج 4، ص 538.

3- همان، ج 4، ص 540، محقق کتاب.

مُرَجِي، مُفَوِّضَه، و معنای «مولی» و «مرتفع». (1) این کتاب، بویژه قسمت های فقهی آن، از سده پنجم، با اعتنا و اعتماد فقها و علمای رجال مواجه گردید. (2) کتاب من لا یحضره الفقیه پس از الکافی کلینی، دومین کتاب حدیثی معتبر و مرجع در میان امامیه شناخته می شود. با این حال، جای این پرسش هست که این کتاب، از کی به عنوان یکی از «کتب اربعه» مطرح شد؟ گویا اصطلاح «کتب اربعه»، از سده دهم پدید آمد؛ (3) پس از آن که محقق کرکی (م 940 ق)، این کتاب و سه کتاب الکافی، التهذیب و الاستبصار را اصول مورد قبول در میان فقهای امامیه خواند. (4) پس از او، شیخ حسین عبد الصمد پدر شیخ بهایی (م 954 ق)، چهار کتاب یاد شده را افزون بر کتاب مدینه العلم شیخ صدوق، پنج اصل و کتاب معتبر شیعه توصیف کرده است. (5) در سده یازدهم و دوازدهم، با شکل گیری کتاب هایی چون الوافی فیض کاشانی (م 1093 ق)، وسائل الشیعه ی شیخ حرّ عاملی (م 1106 ق) و بحار الأنوار علامه مجلسی (م 1111 ق)، عنوان «کتب اربعه» شایع و رایج شد. درباره علت گزینش این چهار کتاب به عنوان کتب معتبر و مرجع شیعه، در لابه لا و ظاهر و نص عبارات محدثان و فقهای سده های یاد شده، چهار وجه امتیاز مشترك دیده می شود: یکم: ویژگی های فردی و شخصیتی مؤلف هر یک از این چهار کتاب. (6) دوم: معروف و متواتر بودن انتساب این کتاب ها به مؤلفان آنها. 7

- 
- 1- الفوائد الرجالية، ج 3، ص 299.
  - 2- همان، ج 4، ص 541 \_ 552.
  - 3- رسائل السيد المرتضى، ج 1، ص 176؛ السرائر، ج 2، ص 373، 529، 532؛ ج 3، ص 615 \_ 624؛ كشف المحجة ابن طاووس، ص 122 \_ 12؛ المعتمد، محقق حلی، ج 1، ص 42، 45، 191؛ الفوائد الرجالية، ج 3، ص 299 و... .
  - 4- منتقى الجمان، ج 1، ص 2.
  - 5- رسائل الكركی، ج 3، ص 46.
  - 6- وسائل الشیعة، ج 20، ص 36؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 26.

سوم: شهادت مؤلف هر کتاب، به صحّت روایات آن کتاب. (1) چهارم: جامعیت فقهی آنها. (2) با نظر به وجوه چهارگانه یاد شده، سیّد بحر العلوم به صحّت روایات کتاب من لا یحضره الفقیه، تصریح می کند و با انتساب همین عقیده به صاحب معالم، متذکر می شود که اصحاب ما، بر نقل اقوال شیخ صدوق، اجماع دارند و دیدگاه او را در مسائل اجماعی و اختلافی، به دیده اعتبار می نگرند و قول وی را در توثیق و تعدیل راویان، می پذیرند و به طور خاص، بر کتاب من لا یحضره الفقیه او اعتماد می کنند. سیّد بحر العلوم با استناد به قوّت حفظ و حسن ضبط شیخ صدوق، تثبّت او در روایت و ضمانت، وی به صحّت روایات کتاب من لا یحضره الفقیه، این کتاب را بر سه کتاب دیگر از کتب اربعه، مقدّم دانسته است. (3) قسمت مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه \_ که در صفحات پیش، درباره اش سخن رفت \_، یک منبع مهم و ارزشمند رجالی است. از سده هشتم، علّامه حلّی و به تبع او ابن داوود، در کتب رجالی خود، به بحث درباره رجال مشیخه صدوق پرداختند. در سده یازدهم، این بحث تحت عنوان عنوان های گوناگونی چون شرح یا تعلیقه و حاشیه بر کتاب من لا یحضره الفقیه و یا بر مشیخه و یا رجال کتب اربعه، دنبال شد. یکی از مباحث مهم که در برخی از این کتاب ها به خوبی به آن پرداخته شده، مراسیل کتاب من لا یحضر و اعتبار آنهاست. مراد تفرشی، شاگرد علّامه مجلسی و سیّد حسین خوانساری، افزون بر تألیف کتاب نقد الرجال \_ که درباره رجال کتب اربعه است \_، شرحی نیز بر کتاب من لا یحضره الفقیه نگاشت که به التعلیقه السجّادیه معروف است. 4 وی از 5963 حدیث کتاب من لا یحضره الفقیه، 2050 حدیث را مرسل ذکر کرده و همین

1- منتقى الجمان، ج 1، ص 2.

2- وسائل الشیعة، ج 20، ص 66؛ نقد الرجال، ج 5، ص 415.

3- الذریعة، ج 14، ص 94.

رقم را محدث بحرانی نیز با تفکیک مجلّات کتاب، به صورت نموداری ترسیم نموده است. (1) تفرشی متذکر می شود که دو دسته از روایات این کتاب، تحت عنوان مرسل جای می گیرند: دسته اول: روایاتی که در آنها، اسم راوی اصلاً ذکر نشده است و مثلاً شیخ صدوق به صورت مجهول، گفته: «رُوی» و یا گفته است: «قال الصادق علیه السلام...». دسته دوم: روایاتی که نام راوی و صاحب اصل یا کتاب منبع، در سندشان آمده، ولی طریق مؤلف به آنها ذکر نشده است. (2) در میان علمای رجال تا اواخر سده چهاردهم، ظاهراً اعتبار و صحّت روایات مسند کتاب من لا یحضره الفقیه، مسلّم گرفته می شده و تنها اختلافی که وجود داشته، درباره اعتبار یا عدم اعتبار مراسیل آن بوده است. سیّد بحر العلوم با تعبیر «قیل»، متذکر شده است که: مراسیل شیخ صدوق در الفقیه، از نظر حجّیت و اعتبار، مانند مراسیل ابن ابی عمیر است. و بعد افزوده که این، از امتیازات خاصّ این کتاب است. (3) پیش از سیّد بحر العلوم، صاحب معالم، (4) شیخ بهایی، (5) شیخ حرّ عاملی، (6) مراد تفرشی (7) و پس از او، محدث نوری (8) نیز این عقیده را ابراز کرده اند. در سده پانزدهم، سیّد ابو القاسم خویی 9 و به

1- الفوائد الرجالية، ج 3، ص 299.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، مقدّمه خراسان، ص «اض».

3- همان جا.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، مقدّمه خراسان، ص «اض».

5- وسائل الشیعة، ج 20، ص 62.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، مقدّمه خراسان، ص «اض».

7- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 4، ص 6.

8- معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 94.

**3. المقنع**

تبع او، جعفر سبحانی (1) و محمد باقر بهبودی، (2) با نقد دیدگاه سنتی در اعتبار همه احادیث کتاب من لایحضره الفقیه، نه تنها مراسیل آن را صحیح ندانسته اند، که نسبت به صحت برخی از مسانید آن نیز تردید کرده اند. بر محور اصل کتاب من لایحضره الفقیه و یا مشیخه آن، نوزده شرح، بیست حاشیه، شش ترتیب، دو گزیده و تهذیب، یک ترجمه و چندین پژوهش انجام گرفته است. (3) برخی از این کارها که چاپ شده اند، عبارت اند از: دو شرح - که یکی عربی است، با عنوان روضة المتقین در شش مجلد، و دیگری فارسی، با عنوان اللوامع القدسیة یا لوامع صاحب قرانی - هر دو از محمد تقی مجلسی (م 1070 ق)؛ شرح میرزا حسین نوری بر مشیخه، که در مجلد چهارم و پنجم خاتمة مستدرک الوسائل آمده است؛ شرح سید حسن موسوی خراسان بر مشیخه، که در پایان مجلد چهارم کتاب من لایحضره الفقیه آمده؛ تهذیب کتاب من لایحضره الفقیه به دست محمد باقر بهبودی، با عنوان صحیح الکافی؛ و کتابی با عنوان التنبیه علی غرائب من لایحضره الفقیه، از شیخ مفلح بن حسن صمیری که برخی از فتاوی مخالف اجماع شیخ صدوق و نیز مسائل متروک از پیشینیان و پسینیان را در این کتاب گرد آورد. (4)

3. المُقنَع مؤلف: شیخ صدوق تحقیق: مؤسسه الهادی علیه السلام ناشر: مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام، قم، 1415 ق.

- 1- کلیات فی علم الرجال، ص 89 .
- 2- گزیده کتاب من لایحضره الفقیه، ص 12 .
- 3- کتاب من لایحضره الفقیه، مقدمه خراسان، همان جا؛ الذریعة، ج 14، ص 66\_94؛ علوم حدیث، ش 32، ص 209\_217 .
- 4- الذریعة، ج 4، ص 438؛ کتاب من لایحضره الفقیه، مقدمه خراسان.

در تحقیق کتاب، افزون بر چهار نسخه خطی به عنوان نسخه اساسی، از سه نسخه کمکی نیز استفاده شده است. کهن ترین نسخه از آن میان، در سال 1145 ق، کتابت شده و در کتاب خانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود. (1) این کتاب بارها چاپ شده است؛ از جمله، در سال 1274 ق، در تهران، همراه با فقه الرضا علیه السلام. (2) کتاب المقنع، با همین عنوان در مصادر آمده (3) و انتساب آن به شیخ صدوق، معروف و بلکه متواتر است. این کتاب، افزون بر کتاب های حدیثی همچون بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل، از مصادر کتاب های فقهی بسیاری نیز به شمار آمده است؛ مانند: المعتمد محقق حلّی، الأشباه و النظائر یحیی بن سعید حلّی، کشف الرموز فاضل آبی، مختلف الشیعة ی علامه حلّی، و الذکری ی شهید اول. (4) کتاب المقنع، یک دوره کامل اما مختصر فقه، از طهارت تا دیات است. مسائل مطرح در این کتاب، متون روایاتی است که با اسناد کامل، در اختیار شیخ صدوق بوده و وی برای استفاده آسان عموم، اسانید آنها را حذف کرده است. (5) وی همچنین، برای اعتمادسازی بیشتر نسبت به درستی و اعتبار روایات کتاب، تصریح کرده است که این روایات را از کتب و اصول مشایخ حدیث، گرد آورده است. وی این مشایخ را به دو وصف فقاها و دانشوری، ستوده است. (6) به همین جهت، اکثر فقها و محدثان شیعه، متن المقنع را هم سنگ حدیث دانسته اند و با عباراتی همچون «نصّ منقول»،

- 
- 1- المقنع، ص 7\_8، مقدّمه محقق .
  - 2- تراثنا، ش 32، ص 211؛ ج 48، ص 478.
  - 3- رجال النجاشی، ص 389؛ الفهرست، طوسی، ص 237؛ معالم العلماء، ص 149؛ أمل الآمل، ج 2، ص 247.
  - 4- المعتمد، ج 1، ص 57، 65، 103، 230؛ الأشباه و النظائر، ص 10، 11، 18؛ کشف الرموز، ج 1، ص 101، 140، 182؛ مختلف الشیعة، ج 1، ص 195، 350؛ ج 2، ص 224؛ الذکری، ص 34، 38، 342.
  - 5- المقنع، ص 5.
  - 6- همان.



**4. الهدایة**

«خبر مأثور»، (1) «اصول و مسائل متلقات» (2) و «فقه منصوص»، از آن یاد کرده اند. (3) شیخ حرّ عاملی به نقل متونی که شیخ صدوق از آنها به حدیث یا روایت تعبیر کرده، بسنده نموده و دیگر متون را کلام خود شیخ، به شمار آورده است. (4) موضع میرزا حسین نوری - که تا حدّی افراطی است -، چنین است که نه تنها همه عبارات المقنع را خود روایت به شمار آورده، که روایات آن را صحیح (به معنای اخصّ آن نزد متأخرین) دانسته و مجموع کتاب را از این حدیث، برتر از کتاب من لایحضره الفقیه توصیف کرده است. سرچشمه این برداشت، همان عبارت پیش گفته شیخ صدوق در ابتدای المقنع (5) است. به عقیده میرزا حسین نوری، از آن کلام شیخ صدوق، می توان چهار نتیجه به دست آورد: یکم: متن کتاب، خود، متون روایات است. دوم: همه اخبار آن، در اصل مسند بوده است. سوم: اخبار کتاب، از اصول اصحاب گرفته شده است. چهارم: صاحبان آن کتب و اصول و نیز طریق شیخ صدوق به آنها، همگی از فقها و دانشوران موثق بوده اند.

4. الهدایة مؤلف: شیخ صدوق تحقیق: مؤسسه الهدای علیہ السلام ناشر: مؤسسه الامام الهدای علیہ السلام، قم، 1418 ق

1- المقنع، ص 5.

2- بحار الأنوار، ج 10، ص 405.

3- البدر الزاهر، ص 21.

4- المهذب، ج 1، ص 22\_ 23، مقدّمه سبحانی .

5- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 189.

چنان که گزارش شده، هجده نسخه خطی از این کتاب وجود دارد که کهن ترین آنها در سال 687 ق، کتابت شده است. (1) گروه تحقیق مؤسسه الهادی، افزون بر چهار نسخه اساسی، بر هشت نسخه کمکی نیز اعتماد کرده اند که برخی از آنها به سال 1034 ق، تعلق دارد. (2) کتاب الهدایة، بارها چاپ شده است؛ از جمله، در سال 1376 ق. (3) نام کتاب الهدایة افزون بر همین عنوان، (4) الهدایة بالخیر (5) نیز آمده است. شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات فی دین الإمامیة، (6) به الهدایة ارجاع داده است. از این قرینه، به دست می آید که وی این کتاب را پیش از الاعتقادات تألیف کرده و بر آن اعتماد نموده است. انتساب الهدایة به شیخ صدوق، معروف است؛ هر چند نه به حدّ و اندازه آثار دیگرش همچون معانی الأخبار و الأمالی. (7) شیخ صدوق تصریح نکرده که عبارات الهدایة، متن روایت است \_ چنان که درباره متن المقنع، تصریح کرده بود \_ و حتی بر صحّت روایات آن نیز تأکید نکرده \_ چنان که درباره روایات کتاب من لا یحضره الفقیه، تصریح کرده بود \_ . با این همه، شگفت است که الهدایة، از مصادر کتاب های حدیثی و فقهی و کلامی است؛ مانند: مختلف الشیعة، بحار الأنوار، الحقائق الناظرة، کتب شیخ مرتضی انصاری و جواهر الکلام. (8) در توجیه این اعتماد، برخی متذکر شده اند که همه فتاوی صدوق، به مثابه متن حدیث است. (9)

1- الهدایة، ص 25 \_ 26، مقدّمه محقق .

2- همان، ص 28 \_ 30.

3- مجله تراثنا، ج 54، ص 449 \_ 450.

4- الفهرست، ابن ندیم، ص 291، 292؛ رجال النجاشی، ص 397؛ الفهرست، طوسی، ص 237؛ الهدایة، ص 6، مقدّمه محقق .

5- الذریعة، ج 25، ص 174.

6- الاعتقادات فی دین الإمامیة، ص 95.

7- بحار الأنوار، ج 1، ص 26.

8- مختلف الشیعة، ج 3، ص 174، 281، 295؛ الهدایة، ص 9، مقدّمه محقق .

9- بحار الأنوار، ج 10، ص 405؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 327؛ الهدایة، ص 16، مقدّمه محقق .

**5. المتعة**

نسخه چاپی الهدایة، شامل مقدمه بسیار بلند محقق و اصل کتاب است. مطالب مطرح در مقدمه محقق، عبارت اند از: شرح حال مؤلف، اوضاع بلاد و شهرهای اسلامی در روزگار وی، اوضاع سیاسی آن عصر و پس جایگاه و ویژگی های این تألیف. (1) الهدایة شامل دو بخش است: بخش نخست، دوره مختصر مباحث اعتقادی (به معنای عام)، و بخش دیگر آن، فروع فقهی است. بخش اصول، در ده باب با این عناوین، طبقه بندی شده است: مباحث توحید، نبوت، امامت، شناخت ائمه علیهم السلام و اسلام و ایمان، تقیه، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و نیت. برخی از این عناوین، در دوره های بعد، در میان مباحث فقهی جای گرفتند. همه این مباحث، مستقیم یا غیر مستقیم، با تکیه بر روایات مطرح شده اند. مباحث فقهی کتاب \_ که افزون بر اختصار، ناقص نیز مطرح شده است \_، از طهارت تا ارث را شامل می شود.

5. المتعة مؤلف: شیخ مفید تحقیق: علی اکبر زمانی ناشر: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید (کنگره هزاره شیخ مفید)، چاپ اول، 1413 ق. به گزارش کتاب الذریعة، دو نسخه خطی از رساله المتعة موجود است، که یکی از آنها در کتاب خانه آستان قدس رضوی است، با عبارت آغازین «الحمد لله رب...» و عبارت پایانی: «وقد أملت في هذا المعنى كتاباً سمّيته الموضح في الوعد والوعيد إن وصل إلى السيد الشريف». نسخه دیگر، در میان موقوفات سید علی ایروانی در تبریز است. (2) در مصادر کتاب شناسی، چند عنوان درباره متعه، به شیخ مفید نسبت داده

1- الهدایة، ص 1\_ 236.

2- الذریعة، ج 19، ص 66\_ 67.

**6. تهذيب الأحكام**

شده است: كتاب فى المتعة، (1) أحكام المتعة، (2) و الموجز فى المتعة، كتاب مختصر المتعة. (3) به قرينه ذكر سه عنوان توسط نجاشى، گویا شيخ مفيد سه رساله با سه رويکرد تأليف کرده، که همگی درباره متعه بوده اند: یکی اصل کتاب \_ که از آن با عنوان کتاب فى المتعة، رساله فى المتعة و أحكام المتعة یاد شده است \_ ، و دو کتاب دیگر در اختصار و ایجاز آن. به هر روی، کتاب المتعة تا سده یازدهم، نایاب بود، تا این که محمد باقر مجلسی، نسخه ای از آن را یافت و روایات آن را بدون مقدمه مؤلف، نقل کرد. (4) میرزا حسین نوری نیز در سده چهاردهم، نسخه ای از آن را در اختیار داشته و در مستدرک الوسائل، از آن نقل کرده است. (5) محقق رساله المتعة، از آن جا که نتوانسته نسخه ای از این رساله را پیدا کند، کوشیده است که آن را از میان عبارات بحار الأنوار محمد باقر مجلسی، بازسازی کند. در این کتاب، 43 روایت با اسناد کامل و از طریق امامیه، فراهم آمده است. شایان گفتن است که بر پایه آنچه آقا بزرگ تهرانی متذکر شده، همه روایات رساله المتعة، در بحار الأنوار نیامده است. (6)

6. تهذيب الأحكام مؤلف: شيخ طبرسى تحقيق و تعليق: سيد حسن موسوى خراسان ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ سوم، 1364 ش. در تحقيق کتاب، از چهار نسخه خطی و يك نسخه چاپی بدین شرح، استفاده شده است: نسخه خطی همراه با تصحيح، به خط لطف الله بن محمد مؤمن (کتابت

1- رجال النجاشی، ص 399؛ معالم العلماء، ص 149؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7.

2- الفهرست، طوسی، ص 239 \_ 240.

3- رجال النجاشی، همان جا.

4- بحار الأنوار، ج 100، ص 305 \_ 311.

5- مستدرک الوسائل، ج 14، ص 454 \_ 455.

6- الذریعة، همان جا.

در 1078؛ نسخه ای به خط شکر الله بن محمد حسینی (کتابت در 1078)؛ نسخه ای ناقص (کتابت در 1074 ق)؛ و نسخه چاپ شده در تهران و در سال 1317 ق، در دو مجلد. (1) کتاب تهذیب الأحکام با همین عنوان، در مصادر آمده (2) و انتسابش به شیخ طوسی، معروف و حتی متواتر است. نسخه چاپی کتاب، در ده مجلد با مقدمه سید حسن موسوی خراسان، مقدمه مؤلف و اصل کتاب، سامان یافته است. در مقدمه مؤلف، انگیزه تألیف، موضوع کتاب و شیوه پردازش مطالب آن، مطرح شده است. به موجب این مقدمه، گروهی از دوستان شیخ طوسی، از وی درخواست کرده اند که کتابی در جهت رفع اختلاف اخبار بنویسد. وی پس از پذیرش این درخواست، المقنعة ی شیخ مفید را اصل و مبنا قرار داده و با مراعات ترتیب مباحث فقهی آن، مسائل کتاب را به گونه اجتهادی، شرح کرده است. پایه های استدلال شیخ طوسی، عبارت اند از: قرآن (اعم از ظاهر، صریح، فحوا، دلیل و معنای آن)، سنت قطعی (شامل خبر متواتر و خبر واحد برخوردار از قرائن) اجماع مسلمانان و اجماع فرقه محقه (امامیه). وی در مقدمه، متذکر شده که پس از این، به ذکر احادیث موافق و مخالف از طریق امامیه می پردازد. ابتدا خواهد کوشید که میان آنها جمع کند؛ ولی اگر جمع امکان نداشت، به نقد اسنادی و محتوایی آنها خواهد پرداخت. (3) اصل کتاب، شامل يك دوره کامل فقه، از طهارت تا دیات است و قسمتی نیز در زیارت و مزار، (4) و در پایان، مشیخه آمده است. به قرینه آن که وی در بحث طهارت، در موارد بسیاری به هنگام روایت از

1- تهذیب الأحکام، ج 1، ص 3، مقدمه ناشر.

2- رجال النجاشی، ص 403؛ الفهرست، طوسی، ص 241؛ معالم العلماء، ص 150.

3- تهذیب الأحکام، ص 2.

4- همان، ج 6، ص 116.

استادش شیخ مفید، برای او از خدا درخواست تأیید (أَيَّدَهُ اللَّهُ) کرده و در بحث نماز، برای او درخواست رحمت (رَحِمَهُ اللَّهُ) نموده، معلوم می شود که وی تألیف کتاب تهذیب را در هنگام حیات استاد خود، شروع کرده و ظاهراً در این زمان، 25 یا 26 سال سن داشته است و استادش نیز پس از ورود او به شرح «کتاب الصلوة»، از دنیا رفته است. (1) مؤلف در مقدمه، به شیوه و سبک کار خود در این تألیف، اشاره کرده و در بحث طهارت و اوایل بحث نماز، بدان عمل کرده است. (2) این شیوه، چنین است که ابتدا مسائل کتاب مقنعه را با همان ترتیب کتاب و هر مسئله را جداگانه، شرح می کند. شارح در این قسمت، به قرآن، سنت قطعی، اجماع مسلمانان و اجماع شیعه امامیه بر مسئله، استدلال می کند. پس از این مرحله، اخباری را که درباره هر مسئله وارد شده، چه اخبار مورد اتفاق و چه ناسازگار، نقل می کند و البته برای رفع ناسازگاری میان اخبار مورد اختلاف نیز، از طرق مختلفی چون تأویل، ترجیح محتوایی و ترجیح اسنادی، تلاش می کند. (3) شیخ طوسی این شیوه را در کتاب ها و باب های دیگر، کنار می نهد؛ چراکه آن را موجب تفصیل و ازای بحث می یابد. در شیوه جدید، وی بدون پرداختن به شرح مسائل، مستقیماً به ذکر اخبار ناسازگاری می پردازد که از طریق امامیه نقل شده اند، و برای رفع ناسازگاری میان آنها، تلاش می نماید. بنا و خواست اولی و اصلی شیخ طوسی، ایجاد سازگاری میان اخبار است و این را بر نقد اسنادی، مقدم می دارد. وی معمولاً در موارد جمع و تأویل، تلاش می کند از حدیث دیگری استفاده کند که به نحوی - اعم از صراحت یا فحوا - بر همان مطلب دلالت می کند و آن گاه، در صورت

1- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 168.

2- تهذیب الأحکام، ج 10، ص 4.

3- همان، ج 1، ص 3.

عدم امکان سازش، به راه حل های نقد اسنادی و محتوایی روی می آورد و در صورت تساوی، به حدیثی عمل می کند که موافق اصل است؛ اگرچه خود او در جای دیگر، معیار تخییر را مطرح کرده است. شیخ طوسی درباره مبنای خود در جمع میان اخبار، توضیح نداده؛ ولی به قرینه موارد انجام گرفته در کتاب، معلوم می شود که مبنای عرفی را اختیار کرده است. او در نقد محتوایی، به مخالفت حدیث با اجماع عملی فقهای امامیه (العصابة) اشاره می کند؛ ولی در جای دیگر، (1) سه معیار دیگر را هم ذکر کرده است. شیخ در این کتاب، بر خلاف کتاب الاستبصار، به تعداد ابواب و احادیث آن اشاره نکرده است؛ ولی بر اساس شمارش برخی از محققان، کتاب تهذیب الأحكام مشتمل بر 393 باب و 13590 حدیث است. (2) از آن جا که این کتاب، بزرگ تر از کتاب استبصار است، خود شیخ طوسی (3) و به تبع او نجاشی، (4) از آن به «کتاب کبیر» یاد کرده اند. شیخ طوسی روایات کتاب تهذیب الأحكام را گاه با اسانید مرسل و گاه با اسانید کامل، نقل کرده است. وی خود نیز در پایان مجلد آخر کتاب، به این اختلاف در نحوه ذکر اسانید، اشاره کرده (5) و به منظور رفع ارسال از اسانید یاد شده، طریق خود به صاحب کتاب یا اصلی که روایت را از آن نقل کرده، ذکر کرده است. در این قسمت کتاب \_ که به «مشیخه» موسوم است، شیخ طوسی به ذکر همه طرق روایات مرسل نپرداخته و در برخی موارد، به کتاب فهرست خود ارجاع داده است. (6) این کتاب، سومین کتاب از کتب اربعه حدیث شیعه است. برخی از علمای شیعه،

---

1- همان جا.

2- الذریعة، ج 4، ص 504؛ الاستبصار، ج 1، ص 20 (مقدمه محقق).

3- الاستبصار، ج 4، ص 305.

4- رجال النجاشی، ص 403، ش 1068.

5- تهذیب الأحكام، ج 10، ص 4 \_ 5.

6- الفوائد الرجالية، ج 3، ص 226 (به نقل از: خاتمة مستدرک الوسائل، ج 6، ص 14).

## 7. الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار

بر این عقیده اند که دو کتاب تهذیب و استبصار بویژه کتاب تهذیب، با ارزش تر و نیز پر منفعت تر از دیگر کتب اربعه هستند؛ چرا که در آنها اخبار متعلق به فروع، به طور کامل استقصا شده و فقیه برای استنباط، در اکثر روایات، با رجوع به آن دو، از کتب دیگر بی نیاز می شود. به علاوه، این کتاب مشتمل است بر يك دوره فقه، استدلال، مباحث اصولی، رجالی، فقه الحدیث، و شیوه جمع و توفیق میان اخبار با تکیه بر نقل و اعتبار. (1) حدود پنجاه شرح، حاشیه، تلخیص، ترتیب، فهرست نگاری و ترجمه، بر محور بخش فقهی و رجالی تهذیب الأحکام انجام گرفته است. (2) برخی از این آثار، چاپ شده اند که از آن جمله، می توان چنین نام برد: 1. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، به قلم محمد باقر مجلسی. این شرح، ناقص است و تا پایان باب نکاح را در بر گرفته است. محمد مهدی رجایی آن را تحقیق کرده و توسط انتشارات کتاب خانه آیه الله مرعشی، در سال 1363 ش، چاپ شده است. 2. مقصود الأنام فی شرح تهذیب الأحکام، اثر سید نعمت الله جزایری در دوازده مجلد؛ 3. شرح مشیخة التهذیب، سید حسن بن عبد الهادی موسوی آل خراسان؛ 4. گزیده تهذیب، محمد باقر بهبودی.

7. الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار مؤلف: شیخ طوسی تحقیق و تعلیق: سید حسن موسوی خراسان ناشر: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، 1363 ش.

1- الفوائد الرجالية، ج 3، ص 227 \_ 228.

2- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 6، ص 14؛ كشف الحجب و الأستار، ص 321 \_ 322؛ الذريعة، ج 4، ص 504 \_ 505؛ تهذیب الأحکام، مقدمه محقق، ج 1، ص 47 \_ 48؛ مجله علوم حدیث، ج 32، ص 220 \_ 227.



در تحقیق این کتاب، از چهار نسخه خطی و یک نسخه چاپی استفاده شده است: از جمله، نسخه خطی به قلم محمد بن محمود اردکانی (به تاریخ 1078 ق) و نسخه ای به خط علی رضا (به تاریخ 1072 ق). نسخه چاپی نیز در چاپ خانه جعفریه لکهنو، در سال 1307 ق، طبع شده است. (1) کهن ترین نسخه خطی الاستبصار، در سال 900 ق، استنساخ شده است. (2) این کتاب با همین عنوان، در منابع کتاب شناسی ذکر شده (3) و انتساب آن به شیخ طوسی، متواتر است. نسخه چاپی الاستبصار، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف، اصل کتاب و مشیخه است. در مقدمه مؤلف، به موضوع کتاب، انگیزه تألیف و روش پردازش مطالب و معیارهای نقد محتوایی حدیث، اشاره شده است. به موجب این مقدمه، شیخ طوسی پس از تألیف تهذیب الأحکام و استقبال دیگران از گردآوری احادیث متخالف، تصمیم گرفت در این زمینه، کتابی جداگانه به ترتیب ابواب تهذیب الأحکام، تألیف کند تا فایده بیشتری داشته باشد. وی متذکر شده است که باب های کتاب را با احادیث مورد قبول و مطابق فتوا، آغاز و سپس احادیث مخالف را ذکر می کند. رسالت نخست مؤلف \_ که مهم ترین هدفش نیز بوده \_، بیان وجوه جمع و تأویل اخبار متخالف است. وی در این کتاب \_ همانند تهذیب الأحکام، که از آن به «کتاب کبیر» یاد کرده \_، به انواع خبر، جایگاه و اعتبار هر یک از اقسام آن پرداخته و به طور خاص، درباره ارزش خبر واحد سخن گفته و آن گاه، شیوه و راه حل خود را برای رفع ناسازگاری میان اخبار، متذکر شده است: خبر، یا متواتر است یا واحد. خبر متواتر، علم آور است و در چنین خبری، تعارض پیدا نمی شود. (4) خبر واحد، دو قسم است: یکی برخوردار از قرائن پشتیبانی و تأیید، و دیگری خبر فاقد این قرائن.

1- الاستبصار، ج 1، ص 5\_8.

2- همان، ج 1، ص 4؛ فهرس التراث، ج 1، ص 527.

3- رجال النجاشی، ص 403؛ الفهرست، طوسی، ص 242؛ معالم العلماء، ص 150.

4- الاستبصار، ج 1، ص 3.

قرائن یاد شده، عبارت اند از: عقل، قرآن (اعم از ظاهر، فحوا، دلیل و عموم)، سنت قطعی (اعم از صریح، فحوا، دلیل و عموم)، اجماع مسلمانان، و اجماع امامیه. خبر برخوردار از این قرائن، همانند خبر متواتر، علم آور است و گرفتار تعارض اخبار نمی شود؛ (1) ولی خبری که فاقد قرائن یاد شده باشد (اخبار آحاد)، تنها در صورتی اعتبار پیدا می کند که با خبر دیگری معارض نباشد و اجماع عملی نیز بر خلاف آن، شکل نگرفته باشد. اگر معارض داشته باشد، راه حلّ اول، استفاده از مرجّحات اسنادی است؛ خبری که راویان آن، عادل تر باشند و یا راویان بیشتری آن را نقل کرده باشند، مقدّم بر دیگری است. حال اگر از این جهات اسنادی نیز مساوی باشند، باید میان آنها جمع کرد. وی تأویل مطلوب یا جمع موجه میان اخبار ناسازگار را این می داند که با مضمون خبر سوم، پشتیبانی و تأیید شود و اگر در مقام تأویل، وضعیت يك سانی وجود داشته باشد یا دو خبر قابل جمع نباشند، باید میان آنها یکی را اختیار کرد. (2) با ملاحظه آنچه درباره شیوه رفع ناسازگاری میان اخبار گذشت، معلوم می شود که دیدگاه شیخ در دو کتاب تهذیب و استبصار، با هم تفاوت دارد. وی در کتاب تهذیب تأویل را مقدّم بر نقد اسنادی دانسته در حالی که در این جا، نقد اسنادی را مقدّم بر تأویل ذکر کرده است. همچنین، در صورت تساوی وضعیت یا غیر قابل جمع بودن اخبار، در کتاب تهذیب، راه حل را عمل به خبر موافق اصل دانسته؛ ولی در این جا، تخییر را پیشنهاد می کند. اصل کتاب الاستبصار، در سه جزء سامان یافته است: جزء اول و دوم، در عبادات و مسائل مربوط به آن است و جزء سوم، در معاملات و دیگر ابواب فقه. مطالب هر جزء نیز با عناوین خاص در همه ابواب، مرتّب و طبقه بندی شده است. شیخ طوسی مجموع ابواب و احادیث کتاب را در هر جزء، جداگانه بیان کرده است :

---

1- همان، ص 4.

2- همان جا.

جزء اول: با سیصد باب، در بر دارنده 1399 حدیث. جزء دوم: با 217 باب، در بردارنده 1177 حدیث. جزء سوم: با 398 باب، 2455 حدیث. تعداد در مجموع کتاب: 925 باب و 5511 حدیث. (1) تعداد احادیث شماره گذاری شده در نسخه چاپی کتاب، 5558 حدیث است؛ یعنی 47 شماره بیشتر از آمارى که مؤلف به دست می دهد. آن گونه که محقق کتاب متذکر می شود، این اختلاف با ملاحظه شمار احادیثی که شیخ طوسی با عنوان «سند آخر» ذکر کرد، و نیز احادیث مکرر در يك باب و کسر آنها از عدد یاد شده، تفاوت دو آمار تقریباً از بین می رود. (2) مؤلف، نیمی از روایات کتاب را \_ که به عبادات مربوط اند \_، با اسناد کامل و نیم دیگر را مرسل نقل کرده است. شیخ طوسی در پایان کتاب، در بخشی با عنوان «مشیخه»، به سان مشیخه تهذیب، طریق خویش را به صاحبان کتب و اصول حدیثی، ذکر کرده است. با مقایسه دو مشیخه تهذیب و الاستبصار، معلوم می شود که میان آنها تفاوتی وجود ندارد. (3) الاستبصار چهارمین کتاب از کتب اربعه شیعه است و به دلیل اعتبار و اهمیت آن در گستره حدیث شیعه و نیز جایگاه و ارزش رجالی آن، با استقبال و اعتماد فراوان علمای شیعه مواجه شد. بالغ بر 22 شرح و ترتیب و حاشیه و تعلیقه بر متن الاستبصار و اسانید و مشیخه آن، نگاشته شده است. (4) برخی از این شرح ها که چاپ نیز شده اند، عبارت اند از: 1. کشف الأسرار فی شرح الاستبصار، به قلم سید نعمت الله جزایری، که در سه مجلد، با تحقیق و تعلیق سید طیب موسوی جزایری، توسط دار الکتاب در قم در

1- الاستبصار، ج 4، ص 342.

2- همان، هامش.

3- الفوائد الرجالية، همان جا؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 6، ص 14.

4- کشف الحجب، ص 321 \_ 322؛ الذریعة، ج 2، ص 15 \_ 16؛ الاستبصار، ص 20 \_ 21، مقدمه محقق؛ علوم حدیث، ش 32، ص 227 \_ 232.

## ط - متون طبّی

## 1. طبّ الأئمّة عليهم السلام

سال 1371 ش، چاپ شد. 2. شرح مشیخة الاستبصار، سیّد حسن موسوی خراسان که در پایان الاستبصار چاپ شده است. 3. شرح میرزا حسین نوری بر دو مشیخه تهذیب الأحکام و الاستبصار، که در خاتمه مستدرک الوسائل چاپ شده است. 4. روش های فقه الحدیثی شیخ طوسی در الاستبصار از کمال صحرائی اردکانی (پایان نامه کارشناسی ارشد)؛ 5. الشیخ الطوسی، از حسن عیسی حکیم (رساله دکتری تاریخ اسلام)، در دانشگاه بغداد؛ 6. تنقیح أسانید التهذیب، از سیّد حسین بروجردی، با تصحیح و تبویب مهدی تبریزی؛ 7. مشیخة الاستبصار و التهذیب و الفقیه، از ملا شریف علی بن حسن؛ 8. المعجم المفهرس لألفاظ الأحادیث عن الكتب الأربعة، گروه تحقیق مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ 9. المعجم المفهرس لألفاظ الكتب الأربعة، علیرضا برازش؛ 10. فهرس الكتب الأربعة، سیّد احمد بن عنایة الله حسینی زنجانی. (1)

ط - متون طبّیة الأئمّة عليهم السلام مؤلّف: ابنا بسطام نیشابوری ناشر: انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، 1411 ق. این کتاب پیش از این نیز در نجف اشرف، توسط چاپ خانه حیدریه، با تحقیق و

مقدمه سید محمد مهدی و سید حسن موسوی خراسان، در سال 1385 ق، چاپ شد. در تحقیق کتاب، به نسخه خطی آن اشاره نشده است. به گزارش آقا بزرگ تهرانی، يك نسخه خطی طبّ الأئمة عليهم السلام، در کتاب خانه آستان قدس رضوی و نسخه ای دیگر، در کاظمیه نزد هبة الدین شهرستانی است و در هند نیز چاپ شده است. (1) وی همچنین، متذکر است که ملا فیض الله عصاره تستری - که در طبّ و نجوم صاحب نظر بود -، در دوره ولایت فتح علی خان بن واخشتوخان بها، در سال 1088 ق، طبّ الائمة عليهم السلام را به فارسی ترجمه کرد. (2) این کتاب در مصادر، با نام کتاب الطبّ (3) و طبّ الأئمة (4) ذکر شده است. انتساب طبّ الأئمة به فرزندان بسطام نیشابوری، معروف نیست و با تردید نیز رو به رو شده؛ چنان که در اعتبار اصل کتاب نیز تردید شده است. ریشه این تردید، در چند چیز است: عدم توثیق مؤلفان، (5) ضعف طریق نجاشی به آن - که ابن عیاش جوهری است -، (6) و ضعف اسانید برخی از روایات آن. (7) با این همه، در بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل، از این کتاب نقل شده است. (8) این اعتنا، بدان جهت بوده که در این کتاب، احکام فرعی، بسیار کم آمده و بیشتر روایات آن، و در زمینه دعا و ادویه است که در چنین مباحثی، اسانید قوی شرط دانسته نمی شود. (9)

1- الذریعة، ج 15، ص 139 \_ 140.

2- همان.

3- رجال النجاشی، ص 39.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 11، ص 30؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 43.

5- بحار الأنوار، ج 1، ص 30.

6- رجال النجاشی، ص 86.

7- طبّ الأئمة عليهم السلام، ص 14، مقدمه آیه الله بروجردی؛ فهرس التراث، ج 1، ص 385.

8- مستدرک الوسائل، ج 1، ص 387، 396، 409.

9- بحار الأنوار، همان جا؛ الذریعة، ج 15، ص 140.

به هر روی، طبّ الائمه علیهم السلام، در حدود 250 باب با 409 روایت، سامان یافته است. موضوع این کتاب، منافع و مضرات خوردنی ها و آشامیدنی ها، راه های پیشگیری از بیماری، شیوه درمان آن است و البته دعاهاى تعویذ و ایجاد طلسم نیز در نزدیک به پنجاه مورد، نقل شده است. روایات آن با اسناد کامل، از معصومان علیهم السلام نقل شده است.

## فصل ششم: علوم حدیث

## فقه الحدیث

## 1. معانی الأخبار

فصل ششم: علوم حدیث‌علوم حدیث که شامل نقد حدیث (چه در شکل جرح و تعدیل رجال و بررسی سند و حدیث چه در شکل نقد محتوایی آن)، فقه الحدیث و درایة الحدیث است، در این دوره مورد توجه عالمان شیعه بوده و درباره آنها به استثنای درایة الحدیث، تألیفات جداگانه ای انجام گرفته است.

فقه الحدیث 1. معانی الأخبار مؤلف: شیخ صدوق تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی (انتشارات جامعه مدرسین)، قم، 1379 ق. در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی و دو نسخه چاپی استفاده شده است. یکی از دو نسخه خطی، توسط محمد بن محمد محسن بن مرتضی معروف به علم الهدی (فرزند فیض کاشانی)، در 1073 ق، تصحیح شده است. نسخه خطی دیگر نیز تصحیح شده و در کتاب خانه آیه الله نجفی مرعشی قم است با تاریخ کتابت 1287 ق. دو نسخه چاپی، همراه با علل الشرائع چاپ شده اند؛ یکی در سال 1299 ق، و دیگری در سال 1311 ق. (1)

---

1- . معانی الأخبار، ص 6 \_ 7، مقدمه مصحح؛ الذریعة، ج 21، ص 204.

کتاب معانی الأخبار با همین عنوان، در مصادر معرفی شده (1) و انتسابش به شیخ صدوق، معروف و چه بسا متواتر است. این کتاب از مصادر بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل است. نسخه چاپی آن، شامل مقدمه محقق و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، این مطالب آمده است: شرح حال مؤلف، معرفی نسخه های خطی کتاب، معرفی آثار شیخ صدوق، و نیز شرح مجلس مناظره شیخ صدوق در حضور رکن الدوله، به نقل از شیخ جعفر بن محمد دوریستی، از کتاب مجالس المؤمنین شوشتری. (2) اصل کتاب در نزدیک به ششصد باب با عنوان مشخص، سامان یافته است. مؤلف در باب اول، سه روایت از امام صادق علیه السلام درباره اهمیت فهم و درایت حدیث، ذکر کرده است. شیخ صدوق تألیف کتاب معانی الأخبار را در سال 331 ق، به پایان رساند. (3) گویا وی این اثر را با الهام از حدیثی تألیف کرده که در آن، بر فهم کلام معصومان علیهم السلام بیش از نقل آن، تأکید و تکیه شده است. (4) مؤلف در این کتاب، برخی از مفاهیم، ألفاظ و عبارات قرآن و احادیث را که در متون روایات، معنا و تفسیر شده اند، گردآوری کرده است. از این رو، این کتاب افزون بر ارزش حدیثی اش، یک منبع ارزشمند در فقه الحدیث است. عنوان کتاب (اخبار) با محتوای آن، انطباق کامل ندارد. برای توجیه این نام گذاری، به ناچار یا باید به معنای ظاهری آن بسنده کرد و آن را از باب اکثر و اغلب افراد دانست، و یا آن که در معنای این عنوان تصرّف کرد و آن را به معنای مرجعیت و مینا دانستن اخبار در فهم و تفسیر همه ألفاظ و عبارات - اعم از حدیثی، قرآنی و حتی تاریخی - تفسیر کرد. توجیه دوم، با محتوای کتاب سازگارتر است. ترتیب و چینش ابواب در این کتاب، چونان دیگر کتب مؤلف، از نظام معناداری حکایت نمی کنند. وی معمولاً ابواب آغازین و پایانی را مناسب و معنادار می آورد؛ ولی در ابواب بینابین، این نظام به هم می خورد. از جمله ابواب یاد شده، می توان به

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 398؛ الفهرست، طوسی، ص 237؛ معالم العلماء، ص 149؛ أمل الآمل، ج 2، ص 247.
  - 2- معانی الأخبار، ص 26 - 35.
  - 3- الذریعة، ج 21، ص 204.
  - 4- معانی الأخبار، ص 1.



**2. المَجَازَاتُ النَبَوِيَّةُ**

این موارد اشاره کرد: معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، معنای توحید و عدل، معنای «استواء علی العرش»، معنای صراط، معنای رجس، معنای ابلیس، معنای ثقلین، معنای منزلت و... روایات کتاب با اسناد کامل، از طریق شیعه و بیشتر با واسطه علی بن بابویه پدر مؤلف (نزدیک به دوست روایت)، ابن ولید، ابن ماجیلویه نقل شده است. مؤلف گاه گاهی در ذیل برخی از روایات، توضیح مختصری نیز از خود یا به نقل از دیگران، با عنوان «قال مصتَف هذا الكتاب...» ارائه می دهد. کتاب معانی الأخبار توسط عده ای از علمای شیعه، شرح یا تلخیص شد و یا ترجمه یا ترتیب و سامان هجایی یافت. عبد النبی طسوجی (م 1203 ق) بر کل کتاب و شیخ محمد بن علی قطیفی (در نیمه نخست سده سیزدهم) بر حدیث توحید آن، شرح نگاشتند. (1) شرح قطیفی به خط شاگرد او، در کتاب خانه شیخ مشکور حولای دیده شده است. (2) شیخ علی بن احمد قطیفی (م 1266 ق) نیز آن را با عنوان مختصر المعانی، تلخیص کرد. (3) همچنین، شیخ داوود بن حسن بن یوسف بحرانی (معاصر شیخ حرّ عاملی) آن را بر اساس حروف هجایی، مرتّب نمود و نام آن را ترتیب معانی الأخبار نهاد. (4) محمد ابراهیم بن محمد علی، آن را به فارسی برگرداند که نسخه ترجمه او، در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی موجود است. (5)

2. المَجَازَاتُ النَبَوِيَّةُ مؤلف: شریف رضی تحقیق و شرح: طه محمد زینی (استاد الازهر) ناشر: مکتبه بصیرتی، قم.

1- الذریعة، ج 13، ص 194؛ ج 14، ص 72.

2- همان، ج 13، ص 194.

3- همان، ج 21، ص 204.

4- همان، ج 26، ص 202.

5- همان، ج 21، ص 203.

در تحقیق این کتاب، از چند نسخه خطی و چاپی استفاده شده، که عبارت اند از: نسخه کتاب خانه دکتر حسین محفوظ در کتاب خانه دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد (تاریخ کتابت: 982 ق)، نسخه کتاب خانه سید حسن صدر در کاظمیه، نسخه کتاب خانه امام رضا علیه السلام در مشهد (تاریخ کتابت: 1064 ق)، نسخه کتاب خانه دانشگاه الأزهر در قاهره، نسخه کتاب خانه ملک، در تهران، و نسخه ای متعلق به سده دهم، که در کتاب خانه سید محمد علی روضاتی در اصفهان است. (1) کتاب المجازات النبویة، بارها چاپ شده است؛ از جمله، در مطبعة الآداب در بغداد، به سال 1328 ق، و با تحقیق محمود مصطفی و طه محمد زینی و شیخ رضا استادی. این کتاب با همین عنوان، در مصادر، ذکر شده (2) و انتساب آن به شریف رضی، معروف است. گویا شریف رضی، مجازات الآثار النبویة را هم زمان با تألیف نهج البلاغة نگاشته است؛ به این قرینه که در باره استعاره موجود در حکمت 466 نهج البلاغة: «العین وکاء السه»، متذکر می شود که در کتاب موسوم به مجازات الآثار النبویة، سخن گفته شده و همچنین، در چند جای المجازات (ص 22، 41، 161، 223 و 252)، به نهج البلاغة ارجاع داده است. این کتاب در زمینه فقه الحدیث، با رویکرد تأکید بر وجوه بلاغی و آرایه های ادبی در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله، تألیف شده است. مؤلف، احادیث کتاب را از کتب معروف غریب الحدیث، کتب مشهور مغازی و مسانید صحیح، گرد آورده (3) و تصریح نموده که طریق وی به این احادیث، از طریق روایت و اجازه و یا قرائت بر مشایخ خود بوده است. (4) سید رضی در این کتاب، به بیان گونه های ادبی و بلاغی مجاز، استعاره، کنایه و تشبیه در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته و معمولاً در ذیل هر حدیث، وجوه مختلف

1- تراثنا، ش 5، ص 45\_46.

2- رجال النجاشی، ص 398؛ أمل الآمل، ج 2، ص 261؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 11؛ الغدير، ج 4، ص 195؛ الذریعة، ج 1، ص 358.

3- المجازات النبویة، ص 12.

4- همان.

### 3. رساله فی معنی المولی

معنایی و تأویل درست آن را نیز بیان کرده است. از این رو، کتاب المجازات النبویة افزون بر جنبه ادبی اش، در زمینه فقه الحدیث نیز ارزشمند است. شیوه کار سید رضی چنین است که پس از نقل حدیث \_ که بدون ذکر اسناد است \_، اگر روایت دیگری از آن حدیث وجود داشته باشد، به نقل آن می پردازد و سپس متذکر می شود که این قول، مجاز است یا این کلام، استعاره یا کنایه و یا تشبیه است. محقق محترم کتاب بر این عقیده است که سید رضی، میان انواع بلاغت، تمایز نگذاشته و تشبیه و کنایه و مجاز و استعاره را یکی پنداشته است (1) و خود در پاورقی، به این تمایز اشاره کرده و در هر مورد، وجه و نوع خاص انواع بلاغت را ذکر کرده است. این کتاب با اعتنا و اعتماد علما و محدثان مواجه شده است. برای نمونه، شیخ ابراهیم کفعمی (م 994 ق) آن را تلخیص کرده (2) و محمد باقر مجلسی در بحار الأنوار و شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعة و میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل، از آن نقل کرده اند. (3)

3. رساله فی معنی المولی مؤلف: شیخ مفید تحقیق: مهدی نجف ناشر: دار المفید بیروت، چاپ دوم، 1414 ق. در مقدمه محقق کتاب، به نسخه های خطی آن اشاره نشده است. از این کتاب چندین نسخه به موجب برخی گزارش ها، چندین نسخه خطی از این کتاب وجود

1- المجازات النبویة، ص 5.

2- الذریعة، همان جا.

3- بحار الأنوار، ج 1، ص 11؛ وسائل الشیعة، ج 3، ص 494، 500، 503، 517؛ ج 5، ص 84؛ ج 20، ص 41؛ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 78، 597؛ ج 3، ص 115، 121، 146، 358؛ ج 4، ص 10، 59.

دارد: یکی در کتاب خانه میرزا محمد تهرانی در سامرا (1) سه نسخه در کتاب خانه عمومی آیه الله مرعشی، و دو نسخه نیز در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی. (2) در مصادر کتاب شناسی اولیه، این عنوان ذکر نشده؛ ولی در منابع متأخر، با عنوان مناظره الشيخ المفید، (3) فی معنی المولی (4) و رساله فی معنی المولی (5) آمده است. در انتساب این کتاب به شیخ مفید، تردیدی صورت نگرفته است. نسخه چاپی این رساله، شامل مقدمه محقق و اصل رساله است. در مقدمه محقق، به جایگاه رساله با تصویری کلی از مطالب آن، پرداخته شده است. این رساله حاصل مناظره و گفتگوی شیخ مفید با چند متکلم معتزلی از گروه بهشمیه (منسوب به ابو هاشم جنائی) و برخی از مجبره است. آنان مدعی بودند که لفظ «مولی» در حدیث غدیر، بر امامت و ریاست دلالت نمی کند؛ زیرا این لفظ هرگز چنین معنایی ندارد. شیخ مفید در این گفتگو، مدعی شده که امامت و ریاست، نه تنها یکی از معانی لفظ مولا است، که معنای اصلی آن است و سایر معانی هر کدام به نحوی، به آن باز می گردند. مهم ترین دلایل وی در این باره، عبارت اند از: شواهد شعری (از بزرگان صحابه و دیگر کسانی که در شناخت لغت و دلالت آن، می توان به کلام آنان احتجاج کرد)، فهم لغوی معاصر \_ با استناد به اتصال این فهم به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله \_، و کلام اهل بیت علیهم السلام به این اعتبار که آنان، عالم به لغت هستند. شیخ مفید به سروده های شعری استناد کرده است که در لغت و زبان عربی، به فصاحت کلام، نامور بوده اند و کلامشان حجت و مرجع است. اینان واژه مولا را در

- 
- 1- الذریعة، ج 2، ص 272؛ ج 20، ص 396.
  - 2- تراثنا، ش 13، ص 109؛ فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 91، 268، 283؛ فهرست کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ج 7، ص 29، 271.
  - 3- الذریعة، ج 22، ص 303.
  - 4- الغدیر، ج 1، ص 345.
  - 5- رساله فی معنی المولی، ص 3، مقدمه محقق.

معنایی به کار برده اند که حاکی از ریاست یا اولویت در تصرّف است؛ مانند شعری که اخطل در مدح عبد الملک بن مروان سروده است. شیخ مفید متذکر شده که اخطل شاعری است که همگان بر خبرویت و سرآمدی او در زبان عربی و لغت، اذعان دارند. نمونه دیگر، قصیده معروف کمیت بن زید است؛ کسی که در تفسیر قرآن، به شعر او استشهاد شده و همگان بر فصاحت و معرفت او به لغت، هم زبان اند. چگونه می توان پذیرفت که چنین فردی، لفظ را در معنایی به کار برده باشد که در لغت، هرگز در آن معنا به کار نرفته است؟! همچنین، قیس بن سعد بن عباده در قصیده ای که هیچ کس از اهل نقل، در آن تردید نکرده است و نیز حسان بن ثابت شاعر رسول خدا صلی الله علیه و آله که در دوره جاهلیت و اسلام، سرآمد فصحا بود. (1) ذکر این که برخی از اهل لغت، معنای ریاست و تصرّف را برای مولا ذکر نکرده اند، این استدلال را سست نمی کند؛ چراکه برای یافتن معنای واژه، قول اندکی از اهل لغت، بسنده نیست و از دیگر سو، ذکر نکردن این معنا دلالت بر نفی آن در نظر آنان نمی کند. این عدّه، معنای «اولویت در تصرّف» را ذکر نکرده اند، نه این که آن را انکار نموده اند. شیخ مفید پس از پایان مناظره، تحت عنوان «فصل» به چند مطلب اشاره کرده است. موضوع فصل اول، احتمال جهل، عناد یا تأویل بر حسب اعتقاد درباره شعرا و اصحاب لغتی است که به آنها اعتماد شده است. به نظر شیخ مفید، این احتمال قابل اعتنا نیست؛ زیرا به سدّ باب علم به لغت، می انجامد. در فصل دوم، به نکته ای از کتاب غریب اللغه ی ابو عبیده استشهاد کرده است. ابو عبیده عبارت قرآنی «هُوَ مَوْلَاكُمْ» را به «أولی بکم» تفسیر کرده است. در این فصل، به شعر لبید نیز استشهاد شده است.

## 4. أقسام المولى

در فصل سوم، درباره استشهاد به کلام کمیت، این اعتراض مطرح شده است که ممکن است وی معنای اولویت را برای مولا، نه از عبارت نبوی «من كنت مولا فلهذا على مولا»، که از تسلیم مردم نسبت به او از باب ریاست مسلمانان، استفاده کرده باشد. بنا بر این، استدلال به شعر و کلام کمیت در کاربرد معنای اولویت برای مولا، کامل نیست. شیخ مفید در پاسخ، سه مطلب را متذکر شده است. دومی و سومی آن \_ که با این بحث، ارتباط بیشتری دارند \_، این است که حدیث تسلیم به امارت و ریاست امیر المؤمنین علیه السلام، در ذیل حدیث غدیر و به دنبال این قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «من كنت مولا فعملی مولا»، و دیگر آن که حدیث غدیر، متواتر است و استدلال به آن، معروف و مشهور؛ ولی دیگر دلایل بر امامت علی علیه السلام، در این حد از شهرت نیستند. بنا بر این، نمی توان پذیرفت که شاعری مانند کمیت، استناد به معروف را ترك و به غیر معروف استناد کرده باشد. (1)

4. أقسام المولى مؤلف: شیخ مفید تحقیق: مهدی نجف ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، 1414 ق. محقق کتاب، به نسخه های خطی کتاب اشاره نکرده است. چندین نسخه خطی و چاپی از این کتاب، موجود است: دو نسخه در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی (2) و سه نسخه در کتاب خانه آیه الله مرعشی. (3) این رساله پیش تر، در نجف اشرف نیز توسط «مکتبه دار الکتب التجاریه»، همراه با المسائل الجارودیه و رساله فی النص علی امیر المؤمنین بالخلافة والثقلان، (4) چاپ شده

1- همان، ص 35 \_ 43.

2- فهرست نسخه های خطی مجلس شورای اسلامی، ج 7، ص 17؛ ج 21، ص 8.

3- فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله مرعشی، ج 1، ص 93، 269، 285.

4- تراثنا، ش 13، ص 96؛ ج 19، ص 152.

**5. رسالة حول خبر مارية**

است. از این رساله، با عنوان أقسام المولى فى اللسان (1) و أقسام المولى، (2) یاد شده است. شیخ مفید در این رساله، ده معنا برای لفظ مولا ذکر کرده و برای هر معنا، شواهد قرآنی و شعری آورده است. وی اولویت را نخستین معنای مولا ذکر کرده و متذکر شده که این، معنای اصلی مولاست و سایر معانی، به آن باز می گردند. او در این راستا، از اشعار شعرای معروف عرب – چون: اخطل، حسان بن ثابت، کمیت بن زید اسدی، قیس بن سعد بن عباده و امیر المؤمنین علیه السلام – استفاده کرده است.

5. رسالة حول خبر مارية مؤلف: شیخ مفید تحقیق: مهدی صباحی ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، 1414 ق. در تحقیق این رساله، به چهار نسخه خطی و یک نسخه چاپی اعتماد شده است: سه نسخه در کتاب خانه آیه الله مرعشی (یکی با مهر تملک به سال 888 ق، و خط عبد الحمید بن محمد مقیم، بدون ذکر سال کتابت و دیگری با تاریخ کتابت 1334 ق، به خط شیخ محمد بن شیخ طاهر سماوی)؛ نسخه خطی کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، متعلق به سده یازدهم؛ نسخه چاپ شده در نجف اشرف با عنوان رسائل الشیخ المفید، در سال 1370 ق. (3) انتساب این اثر با همین عنوان به شیخ مفید، معروف است. (4) شیخ مفید در این رساله با تأملات عقلی و تکیه بر قرائن کلامی، به تبیین و شرح خبر موسوم به «خبر ماریه قبطیه» پرداخته است. بر این پایه، رساله ماریه در فقه الحدیث

1- رجال النجاشی، ص 401.

2- معالم العلماء، ص 149.

3- رسالة حول خبر مارية، ص 10 \_ 11.

4- رجال النجاشی، ص 401؛ كشف الحجب و الأستار، ص 516؛ الذریعة، ج 20، ص 386.

ارزشمند و مفید است. نسخه چاپی این رساله، شامل مقدمه محقق، مقدمه سید محمد رضا حسینی جلالی، مقدمه مؤلف، و اصل رساله است و رساله سید جعفر مرتضی و نقد آن نیز در پایان آمده است. در مقدمه محقق، به موضوع رساله و نسخه های خطی و چاپی آن، اشاره شده است. به موجب مقدمه مؤلف، فردی معتزلی درباره خبر نام برده به ماریه قبطیه، سؤال هایی را نزد شیخ مفید مطرح کرده است. این رساله، حاصل گفت و باز گفت و پرسش و پاسخ شیخ مفید و آن معتزلی است. (1) اصل رساله، شامل فشرده خبر و سؤال ها و پاسخ هاست. در این خبر، چنین آمده است: عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، ماریه \_ همسر دیگر رسول خدا و مادر ابراهیم، تنها فرزند نرینه پیامبر \_ را به برقراری ارتباط نامشروع با جریح قبطی پسر عموی او، متهم کرد. وی به دنبال این اتهام، ابراز داشت که ابراهیم از جریح قبطی است، نه از پیامبر صلی الله علیه و آله. چون این خبر به گوش پیامبر رسید، آن حضرت به علی علیه السلام مأموریت داد که اگر جریح را در خانه ماریه یافت، گردن بزند. علی علیه السلام از پیامبر پرسید که تحقیق کند یا بدون تحقیق، این مأموریت را انجام دهد؟ پیامبر گزینه تحقیق را به او پیشنهاد کرد؛ با این عبارت که: «بل یری الشاهد ما لا یری الغائب». امیر المؤمنین علیه السلام به خانه ماریه قبطیه رفت. فرد قبطی را در آن جا یافت. وقتی آن قبطی، شمشیر را در دست امیر المؤمنین دید، ترسید و از نخل بالا رفت. در این هنگام بود که باد، پیراهن او را کنار زد و معلوم شد که او آلت مردانه ندارد. امیر المؤمنین علیه السلام او را رها کرد و به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برگشت و آنچه را مشاهده کرده بود، به ایشان گزارش داد. پیامبر خوش حال شد و خدا را به این جهت که اهل بیت را از تهمت مردان بد، منزّه و پاک ساخته، ستایش کرد. (2)

1- رساله حول خبر ماریه، ص 16.

2- همان، ص 17 \_ 18.



این خبر، برخی از آموزه های مسلّم شیعه امامیه را درباره گستره علم پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام به چالش می کشد. در این رساله، سه سؤال مطرح شده و شیخ مفید به آنها پاسخ داده است: 1. اعتبار و درستی خبر: شیخ مفید این خبر را مسلّم و اتقاقی دانسته است. 2. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی دستور به قتل جریح داد که به تحقّق جرم توسط وی، قطع و یقین نداشت؟ 3. چرا علی علیه السلام از پیامبر پرسید که آیا این دستور (کشتن جریح) مطلق و در هر حالت است یا مشروط به اثبات تحقّق جرم است؟ (1) سؤال اول، ناظر به اسناد حدیث، ولی دومی و سومی، به محتوای آن مربوط اند. شیخ مفید ابتدا متذکّر می شود که درباره این خبر، تفسیرها و برداشت های مختلف و گاه متناقضی توسط پیروان مذاهب و فرقه های کلامی، مطرح شده است که همگی فاسد و باطل اند. از آن جمله است: 1. تفسیر غلات که به این سخن امیر المؤمنین علیه السلام، جنبه رمزی داده اند و آن را دلیل بر آگاهی آن حضرت از همه چیز دانسته اند. 2. تفسیر عامّه (اهل سنّت) و معتزله که آن را شاهد بر این گرفته اند که اشتباه و خطا در احکام، برای پیامبر نیز جایز است. 3. تفسیر فرقه منتسب به موسی بن عمران که از آن، تفویض تشریح در احکام و چگونگی آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله برداشت کرده اند. 4. تفسیر اصحاب رأی و استحسان که این رفتار پیامبر را به عمل به رأی و استحسان توصیف می کنند. 5. برداشت زنادقه و اهل ذمّه که آن را به قرینه بر بی پایگی نبوّت اسلام

## 6. تصحيح الاعتقاد

## اشاره

پیامبر گرفته اند. (1) شیخ مفید در توجیه و تأویل درست خبر ماریه، این عقیده را مطرح می کند که دستور پیامبر صلی الله علیه و آله، مطلق نبود و آن حضرت خود و نیز امام علی علیه السلام، به این مطلب واقف بودند. اما با این حال، چرا پیامبر امر را مطلق بیان کرد و در کلام خود، هیچ اشاره ای به قید آن نکرد؟ از يك سو، این بدان جهت بود که او می دانست علی علیه السلام به این قید و شرط، آگاهی دارد و دیگر نیازی به ذکر آن در خود کلام نبود. حضرت در این کلام، مطابق شیوه معمول در میان حکما و عرف اهل زبان، عمل کرد. به اقتضای عرف اهل زبان، امر حکما در اطلاق و تقييد و اجمال و تفصيل، تابع میزان فهم و معرفت و حکمت و ذکاوت فرد مأمور است؛ اگر مأمور در سطح عالی ذکاوت و معرفت و حکمت باشد، با اجمال و اطلاق سخن می گویند و اگر در سطح متوسط باشد، سخنشان با تأکید و بیان اضافی، همراه می شود و اگر در سطح پایین باشد، خواسته خود را با شرح و تفصیل و تکرار، بیان خواهند کرد. این، سیره همه عقلا و عرف اهل زبان است و از دیگر سو، پیامبر صلی الله علیه و آله با این کار (ترك قید)، می خواست فضیلت و علم لدنی امام علی علیه السلام را بر مردم آشکار سازد.

6. تصحيح الاعتقاد مؤلف: شیخ مفید تحقیق: حسین درگاهی ناشر: دار المفید، بیروت، چاپ دوم، 1414 ق. در تحقیق کتاب، از شش نسخه خطی استفاده شده است: دو نسخه در کتاب خانه مجلس شورای اسلامی \_ یکی به تاریخ کتابت 1080 ق، با خط احمد بن عبد العالی میسی عاملی، و دیگری به تاریخ 1335 ق، که ناسخ آن دانسته نیست \_ و چهار نسخه

نیز در کتاب خانه آستان قدس رضوی: به خط مصطفی قلی حسینی قزوینی در 1079 ق، و به خط ابن زین العابدین محمد حسین ارموی نجفی در 1352 ق، و به خط شاه محمد بن زین العابدین در تاریخ 1042 ق، و چهارمین نسخه بدون تاریخ و نام ناسخ. (1) کتاب تصحیح الاعتقاد با تحقیق هبة الدین حسینی شهرستانی، در سال 1363 ق، در تهران چاپ شد. (2) در مصادر کتاب شناسی اولیه، در شمار تألیفات شیخ مفید، نامی از این کتاب نیامده؛ ولی در مصادر سده یازدهم به بعد، از آن با همین عنوان و یا با عنوان شرح عقائد صدوق، یاد شده است. (3) تصحیح الاعتقاد، شرح نقد گونه ای است بر الاعتقادات شیخ صدوق که از مشایخ حدیث مؤلف بوده است. این کتاب در فقه الحدیث و نقد الحدیث، مفید و ارزشمند است. نسخه چاپی این کتاب، شامل مقدمه محقق، مقدمه هبة الدین شهرستانی و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به نسخه های خطی و کارهایی که در تحقیق کتاب انجام گرفته، اشاره شده است. مقدمه شهرستانی، درباره جایگاه و اهمیت کتاب است. در اصل کتاب، آرای شیخ صدوق به همراه شرح و گاه نقد شیخ مفید آمده است. شیخ مفید در این کتاب، از 45 مسئله ای که در الاعتقادات شیخ صدوق آمده، به 33 مسئله پرداخته است. نظم و ترتیب این مسائل، هماهنگ با نظم و سامان کتاب شیخ صدوق نیست. عنوان مسئله پایانی در هر دو کتاب، «الأحادیث المختلفة» است. تصحیح الاعتقاد با عبارت «قال الشيخ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی المتوفی سنة 381 فی رسالة اعتقاداته...» آغاز می شود و نخستین مسئله آن، معنای آیه «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ» است. (4)

1- تصحیح الاعتقاد، ص 4\_6.

2- مجله تراثنا، ج 9، ص 231.

3- بحار الأنوار، ج 4، ص 126؛ كشف الحجب و الأستار، ص 124؛ الذريعة، ج 4 ص 193.

4- تصحیح الاعتقاد، ص 28.

روش پردازش مطالب کتاب، این گونه است که شیخ مفید با عنوان «قال ابو جعفر»، قول شیخ صدوق را ذکر و سپس شرح می کند. او يك شارح بی نظر و بدون رأی نیست؛ بلکه شارحی نقّاد است. مبنای او در شرح و نقد آرای شیخ صدوق، قرآن، احادیث معصومان، عرف و استعمال اهل زبان، (1) شعر، (2) پیش فرض های کلامی و عقل، به عنوان منبع و ابزار است. وی در نقد احادیث، به نقد اسنادی و محتوایی، هر دو، توجه نشان داده است. در نقد اسنادی، به ضعف اسناد یا شاذ بودن آن و در نقد محتوایی، به مخالفت حدیث با قرآن، ناسازگاری و اختلاف درونی و نیز مخالفت با عقل و اخبار صحیح، پرداخته است. البته در مواردی، دیدگاه شیخ صدوق را تأیید کرده، آن را هماهنگ با معیارهای یاد شده دانسته است. (3) در نقد اسنادی و محتوایی، از این دست عبارات، در کلام شیخ مفید آمده است: «این حدیث، متروک و غیر معمول به است و اسناد آن، رضایت بخش نیست»؛ «حدیث با زبان عرب، هماهنگی ندارد؛ زیرا در زبان و لغت عرب، علم به يك چیز، ملازم با آفرینش آن نیست»؛ «حدیث با قرآن مخالف است. قرآن داور و میزان حدیث صحیح و سقیم، و مقدم بر آن است»؛ «این حدیث، مرسل است»؛ «سخن شیخ ابو جعفر \_ که رحمت خدا بر او باد \_، بی حاصل و متخالف و متناقض است و سبب این تخالف و تنافی، ظاهر برخی احادیث است که ناسازگاری درونی دارند و او از این ناسازگاری \_ به دلیل توجه به ظاهر \_، غفلت کرده است»؛ «این احادیث، شاذ هستند و با فرض صحت و ثبت اسناد، نباید به ظاهرشان بسنده کرد. معانی، وجوه و تأویل آنها را عالمان می شناسند»؛ (4) «حدیثی که ابو جعفر از زراره نقل کرده، صحیح است و معنای آن، بر عقلا پنهان

---

1- همان، ص 30، 54.

2- همان، ص 28 \_ 29، 76.

3- همان، ص 59.

4- همان: به ترتیب: ص 42، 44، 46، 49، 54.

## مسئله بدا

نیست و هماهنگ با قول به عدل و مخالف با قول به جبر است؛<sup>(1)</sup> یا «وی در این راستا، طریقه مثلی را پیش گرفته و مطابق با عقل، عمل کرده است». (2) برای نشان دادن شیوه ای که برای شرح و نقد، در تصحیح الاعتقاد به کار رفته، دو مسئله «بدا» و «جدل» را برای نمونه، نقل می کنیم:

مسئله بداشیخ مفید روایات بدا را در اسناد، صحیح دانسته و به شرح و تأویل آنها پرداخته است. او متذکر شده که بدا در اصل، به معنای ظهور است. این معنا، در قرآن آمده \_ مانند: آیه «وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ» و آیه «وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئًا؟ أَتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ» \_ و مطابق عرف و استعمال اهل زبان نیز است. از این رو، مراد از بدا در باره خدا، تعقب رأی و نظر و آشکار شدن امری بر او پس از آن که بر وی پوشیده بود، نیست. به عقیده شیخ مفید، بدا درباره خدا، در دو جا می تواند به کار رود: یکی درباره فعلی که به گونه معمول و متعارف و مطابق حساب عادی و ظن غالب، انجام نمی گیرد. به موجب این معنا، منظور امام صادق علیه السلام که فرمود: «ما بدا لله فی شیء کما بدا له فی إسماعیل»، اهمیت مورد است. در شرایطی که ظن غالب، بر وقوع قتل توسط ابراهیم بود و خوف تحقق آن وجود داشت، خدا بر ابراهیم لطف کرد. مؤید این معنا، سخن دیگر امام صادق علیه السلام است که فرمود: «کان القتل قد کتب علی إسماعیل مرتین، فسألتُ الله فی دفعه عنه فدفعه». مورد دوم کاربرد بدا، در افعال است. به استناد آیات قرآن، اجل دو گونه است: اجل قطعی و اجل قابل افزایش و کاهش: «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ»، «وَمَا يَعْزَرُ مِنْ مَّعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ» و «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْفُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». اجل غیر قطعی، تابع عمل خیر و ناشایست است. نوح

1- همان، ص 59.

2- همان، ص 62.

## جدال درباره خدا

خطاب به قومش می گوید: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا...». شیخ مفید در پایان این بحث، به قول برخی از علمای امامیه با عنوان «بعض اصحاب» اشاره کرده است. بر اساس این قول، چون بدا در لغت در معنای تعقب و تبدل رأی به کار می رود، اطلاق آن بر خدا مجاز و استعاره است؛ چنان که اطلاق غضب و رضا چنین است. وی متذکر می شود که اعتقاد به این قول، با وجود اطلاق بدا بر خدا در روایات، مضر به مذهب نیست. (1)

جدال درباره خدایش صدوق روایاتی را در نهی از جدال درباره خدا نقل کرده است؛ مانند این روایت از امام صادق علیه السلام: «یهلك أهل الكلام وینجو المسلمون». اما شیخ مفید، جدال را دو قسم دانسته است: جدال حق و جدال باطل. جدال حق، پسندیده و مطلوب است و جدال باطل، ناپسند و غیر مطلوب. وی در این راستا، به چند آیه قرآن و روایت استناد کرده است. از جمله، به این آیه خطاب به پیامبر: «وَجَدَلْتَهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» یا به عموم مسلمانان: «وَلَا تَجِدُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، «قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا»، «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَخِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصَدِّقُونَ»، «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ جَاءَ إِبرَهِيمَ فِي رَبِّهِ»، «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبرَهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ»، «قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا». شیخ، مطلب را این گونه ادامه داده است که افزون بر خود ائمه علیهم السلام، بزرگان اصحاب آنان نیز در اعصار مختلف، همواره در باره دین خدا با مخالفان، مناظره و جدل و احتجاج می کردند و مورد تشویق ائمه علیهم السلام نیز قرار می گرفتند. وی در این زمینه، از کتاب الکافی کلینی \_ که آن را «أجل کتب الشيعة و أكثرها فائدة» توصیف کرده \_ ، گفتگوی یونس بن یعقوب با امام صادق علیه السلام را به هنگام ورود فرد شامی برای

## 7. أمالی المرتضى

مناظره، نقل می کند. به موجب این حدیث، امام صادق علیه السلام به یونس خطاب می کند که دوست دارد او که خوش سخن است، با فرد شامی مناظره کند. یونس اشاره می کند که شنیده است آن حضرت خود، از کلام (مناظره درباره خدا) نهی کرده است. پس از آن که یونس شنیده خود را کامل ذکر می کند، امام صادق علیه السلام در پاسخ او می فرماید: «إنما قلت ويل لهم إذا تركوا قولي و صاروا إلى خلافه». سپس امام علیه السلام حمران بن أعین و محمد بن طیار و هشام بن سالم و قیس ماصر را فرا می خواند و آنان در حضور او، درباره خدا سخن می گویند... (1)

7. أمالی المرتضى مؤلف: سید مرتضى علم الهدى تصحيح و تعليق: محمد ابوالفضل ابراهيم ناشر: دار الفكر العربي، قاهره، 1998 م (دو جلدی). چند نسخه خطی از این کتاب موجود است که همگی متعلق به سده ششم اند و کهن ترین آنها در سال 544 ق، استنساخ شده است. (2) الأمالی سید مرتضى بارها چاپ شده است؛ از جمله، با تصحيح و تعليق شيخ احمد بن امين شنقيطی در سال 1325 ق، در سه مجلد. این کتاب افزون بر عنوان الأمالی، با عنوان الغرر (3) و الغرر و الدرر (4) و الأمالی فی التفسیر (5) نیز ذکر شده است. الأمالی، بر پایه مجالس املاى سید مرتضى با يك تکمله، سامان یافته است. تاریخ شروع مجالس، معلوم نیست؛ ولی پایان آن بر اساس گفتار

- 
- 1- همان، ص 68\_73.
  - 2- الأمالی، سید مرتضى، ص 21\_23، مقدمه محقق؛ فهرس التراث، ج 1، ص 498.
  - 3- رجال النجاشی، ص 270.
  - 4- الفهرست، طوسی، ص 164؛ معالم العلماء، ص 104؛ أمل الآمل، ج 2، ص 182؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 11؛ وسائل الشیعة، ج 12، ص 101.
  - 5- الذریعة، ج 3، ص 311.

محمد بن حسن بن حمزه جعفری در پایان نسخه کتاب، در جمادی اولی سال 413 ق، بوده است. (1) بر پایه نسخه چاپی کتاب، شمار مجالس، هشتاد مجلس است. عنوان مجالس کتاب، در دو سوم آنها، تأویل یک یا چند آیه از قرآن است و در مجالس دیگر، تأویل روایات. هر مجلس، با بحث کلامی یا ادبی آغاز می شود. مطالب مجالس، نشان می دهد که نظم و انسجام معنایی و موضوعی، بر آنها حاکم نیست و گویا سید مرتضی به تناسب حال مخاطبان یا از باب تنوع در مطالب، از یک موضوع به موضوعات دیگر منتقل شده است. بسیار مشاهده می شود که پس از تأویل آیه ای، به تأویل حدیثی پرداخته است که به ظاهر، ارتباط معنایی با آن آیه ندارد و یا به نقل نظم یا نثری از ادبای معروف، روی آورده است. سید مرتضی در این کتاب، تحت عنوان «تأویل» به بررسی معنای 31 روایات پرداخته است. این روایات، مرسل نقل شده اند و موضوعشان کلام، اخلاق و آداب و گاه مسائل فقهی است. مؤلف در تبیین معنای درست روایت که معمولاً از آن به تأویل، تعبیر می کند، کلمات و عبارات ذو وجوه و مورد اختلاف، و گاه معنای کامل روایت را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. وی در این زمینه، معمولاً دیدگاه های مختلف؛ بویژه آرای ابن قتیبه و قاسم بن سلام و ابن انباری را نقل و نقد می کند. گاهی نیز پس از برشمردن همه وجوه محتمل و مختلف در معنای یک واژه یا معنای حدیث، وجه درست و سازگار با آموزه های مذهب امامیه را با ذکر دلیل، بیان می کند. سید مرتضی در تأیید تأویل درست حدیث، افزون بر قرائن شعری و ادبی، لغت، فهم عقلی، حدیث و قرآن، بر کلام برخی از صحابیان و ادبا و فرهنگ رایج عرب جاهلی نیز تکیه کرده است. از این رو، کتاب اُمالی سید مرتضی، در زمینه نقد الحدیث و فقه الحدیث ارزشمند است. احادیث کتاب، به نقل از ابو هریره، ابو عبیده



**8. دلیل النص بخبر الغدير**

قاسم بن سلام، ابو مسعود بدري، صفوان بن يحيى، عبد الله بن عمر، عقبه بن عامر، عبد الله بن مسعود و زيد بن سالم، و گاه بدون اشاره به نام راوى، از پیامبر صلى الله عليه و آله، امير المؤمنين، امام صادق و امام رضا عليهم السلام نقل شده است.

8. دليل النص بخبر الغدير مؤلف: ابو الفتح كراچكى تحقيق و تخريج: علاء آل جعفر ناشر: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، 1416 ق. گویا يك نسخه خطی از این کتاب \_ که در سال 677 ق، کتابت شده \_ با عنوان كنز الفوائد، در كتاب خانه آستان قدس رضوى است. (1) محقق کتاب از این نسخه خطی و به طور خاص، از نسخه چاپی آن با تحقيق عبد الله نعمت، استفاده کرده است. كتاب دليل النص با كنز الفوائد با تحقيق شيخ عبد الله نعمت، در سال 1322 ق، همراه با كنز الفوائد، و با تحقيق أسامة آل جعفر، در سال 1410 ق، جداگانه چاپ شد. (2) موضوع این کتاب، شرح حديث معروف به غدیر با محوریت واژه «مولی» است. دليل النص افزون بر ارزش روایی، ارزش فقه الحدیثی دارد. نسخه چاپی کتاب، شامل مقدمه محقق کتاب، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، پس از شرح حال مؤلف و بحث درباره انتساب کتاب به مؤلف، به نسخه خطی و چاپی کتاب و موضوع آن اشاره شده است. محقق، مصادر اقوال و روایات کتاب را نیز در پاورقی، ذکر کرده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، یکی از دوستان كراچكى درباره حديث غدیر \_ که مهم ترین سند شیعه بر امامت و خلافت امام علی علیه السلام است \_ چهار پرسش مطرح کرده است. كراچكى در این کتاب، با استناد به قرآن، روایات، لغت، شعر، سیاق و

1- دليل النص بخبر الغدير، ص 30 \_ 31، مقدمه محقق .

2- تراثنا، ش 21، ص 421 \_ 454.

تبادر عرفی، به این پرسش ها پاسخ داده است. وی پس از بررسی همه تأویلات محتمل در واژه مولا، معنای خلافت و اولویت در تصدی امامت مسلمانان را با استناد به دلایل، اختیار کرده است. (1) پرسش های چهارگانه ای که انگیزه این تألیف را فراهم کرده اند، عبارت اند از: 1. دلیل بر درستی خبر غدیر چیست؟ چرا که قول به بطلان آن نیز وجود دارد. 2. دلیل بر دلالت لفظ مولا بر اولویت به عنوان یکی از معانی محتمل آن، چیست؟ 3. در صورتی که اولویت را یکی از معانی محتمل مولا بدانیم، به کدام دلیل مراد از آن در حدیث غدیر، اولویت است و لاغیر؟ 4. به کدام دلیل مراد از اولویت، امامت است؟ این معنا از کجای کلام استفاده می شود؟ کراجکی در پاسخ به این پرسش ها، افزون بر قرآن، روایات، عقل و لغت، از شعر نیز بهره برده است؛ بویژه از کتاب معروف المجاز فی القرآن ابو عبیده معمر بن مثنیٰ که منزلت و جایگاه او در علم عربی معروف است \_ و شعر لبید و معانی القرآن. (2) وی در پاسخ پرسش اول، به اتفاق فریقین، بر حدیث غدیر اشاره کرده و متذکر شده است که هیچ يك از عالمان؛ بویژه اهل سنت، در اعتبار این حدیث تردید نکرده اند. ایرادها یا نقدهایی که مطرح شده، درباره محتوای آن است. البته کراجکی به انکار ابن ابی داوود سجستانی، جاحظ و خوارج نیز اشاره کرده؛ ولی توضیح داده است که انکار آنان، اجماع مسلمانان بر اعتبار حدیث غدیر را از میان نمی برد؛ زیرا اگر قول شاذ مخالف یا رأی مستحدث، چنین اعتباری داشته باشد، هیچ اجماعی تحقق پیدا نمی کند. از این گذشته، گویا ابن ابی داوود از این نسبت، تبری جسته است و حال

---

1- دلیل النص، ص 37\_39.

2- همان، ص 44\_45.

جاحظ نیز معلوم است؛ زیرا معروف است که جاحظ در کتاب های خود، اقوال و آرای متضاد و متنافی و سست و خلاف واقع، فراوان دارد. خوارج نیز بزرگ ترین دشمنان امیر المؤمنین بودند و از این رو، سخن آنها صلاحیت بی اعتبار کردن خبر غدیر را ندارد. کراچکی در پاسخ پرسش دوم، اشاره کرده که کمترین آشنایی با لغت عرب و اهل آن، معلوم می دارد که یکی از معانی مولا، اولویت است. وی به ده معنا که در لغت برای مولا آمده، اشاره کرده است: 1. اولی \_ که معنای اصلی واژه مولا، همین معناست و سایر معانی، به آن بازگشت می کنند \_، 2. مالک رق، 3. معتق رق، 4. معتق، 5. پسر عمو، 6. ناصر، 7. متولی ضمان جریره، 8. هم پیمان، 9. همسایه، 10. امام و سید مطاع. در جواب کراچکی به پرسش سوم، آمده است که سیاق کلام و به عبارتی صدر کلام، در فهم درست ذیل کلام، نقش دارد. عادت اهل لسان، بر این است که معنای محتمل معطوف به معنای مصرح را در معنای مصرح، اراده می کنند. در صدر حدیث غدیر، به واژه «اولی» تصریح شده است. سپس در ذیل آن، عبارت «من کنت مولاة فعلی مولاة» بر آن عطف شده است. پس گرچه واژه «مولی» می تواند به یکی از معانی دهگانه باشد؛ در این حدیث به قرینه معنای اولویت در صدر آن، بر حسب عرف، خطاب به معنای اولویت است و لا- غیر. به علاوه، عبارت نبوی «من کنت مولاة فعلی مولاة» از دو حالت خارج نیست: یا مراد از آن، اولویت است \_ به قرینه عرف اهل کلام \_، یا یکی از نه معنای دیگر است. اگر معنای اول باشد، مطلوب حاصل است و اگر غیر آن باشد، لازم می آید که پیامبر در خطاب به مردم، کلامی گفته باشد که ممکن است مردم خلاف مراد او را برداشت کنند و راهی هم برای تشخیص مراد پیامبر، وجود نداشته باشد. حال آن که نسبت دادن چیزی به پیامبر، به استناد عقل، درست نیست.

## رجال، تراجم و کتاب شناسی

## 1. رساله أبي غالب الزراري

کراچکی در پاسخ به پرسش چهارم نیز باز به عرف اهل لغت استناد کرده است. اهل لغت، وصف مولا را برای کسانی به کار می برند که مالک تدبیر و تصرف و امر و نهی در متعلق اولویت باشند. مثلاً می گویند: «سلطان در اجرای حدود، اولاً از رعیت است» و «مولا نسبت به بنده اش، اولاً است» و «زوج، اولاً به زوجه خویش است».

رجال، تراجم و کتاب شناسی 1. رساله أبي غالب الزراري مؤلف: ابو غالب زراري تحقيق: سيّد محمد رضا حسيني جلالی ناشر: مرکز البحوث و التحقيقات الإسلامية، قم، چاپ اول، 1411 ق. نه نسخه خطی از این رساله، همراه با تکمله ابن غضائری وجود دارد که همگی متعلق به سده سیزدهم و چهاردهم اند. از جمله: نسخه کتاب خانه آستان قدس، نسخه مرکز احیاء میراث اسلامی با تاریخ 1348 ق، و نسخه کتاب خانه آية الله مرعشی با تاریخ 1359 ق (1). این کتاب بارها چاپ شده است. از جمله، در بغداد با تحقیق شیخ محمد حسن آل یاسین (در سال 1373 ق) و با شرح سيّد محمد علی ابطحي موحد اصفهانی (در سال 1399 ق). (2) این کتاب با عنوان رساله أبي غالب إلى ابن ابنه، (3) رساله أبي غالب، (4)، رجال أبي غالب (5) و الإجازة (6)، معرفی شده است. این رساله افزون بر آن که بیانگر گونه خاصی از تألیف در سده چهارم است، در زمینه تاریخ، رجال و کتاب شناسی نیز ارزش فراوان دارد و

- 
- 1- رساله أبي غالب الزراري، ص 25، مقدمه محقق؛ فهرس التراث، ج 1، ص 410؛ فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ص 134 \_ 135.
  - 2- مجله تراثنا، ج 29، ص 134.
  - 3- رجال النجاشی، ص 75؛ الفهرست، طوسی، ص 77.
  - 4- الذریعة، ج 11، ص 7.
  - 5- همان، ج 10، ص 93.
  - 6- همان، ج 1، ص 143.

انتساب آن به ابو غالب زراری، معروف است. رساله ابو غالب، از مصادر کتاب های رجالی، تاریخی و کتاب شناسی است. نجاشی، شیخ طوسی و علامه حلّی در کتاب های رجالی و کتاب شناسی خود و نیز شیخ حرّ عاملی، محمّد باقر مجلسی و میرزا حسین نوری در رجال و کتاب شناسی، از آن استفاده کرده اند. ابو غالب این رساله یا اجازه را برای تنها بازمانده خاندان اَعین \_ که نوه پسر اش محمّد بن عبد الله بن احمد بود و چهار سال پیش نداشت \_، تألیف کرد. (1) وی این رساله را در ذی قعدة سال 356 ق، تألیف کرد و در سال 367 ق، به بازنگری و اصلاح آن پرداخت. (2) انگیزه اصلی ابو غالب از تألیف این رساله، آن بوده که در فقدان فرد یا افراد تداوم بخش سلسله پر افتخار خاندان اَعین و در حال پیری و ضعف خود وی و نیز کوچک بودن تنها بازمانده خاندان یاد شده، میراث گران بهایی را که از تاریخ و افتخارات محدّثان و راویان آل اَعین به او رسیده بود و نیز کتاب های را که از خود و مشایخ خود در اختیار داشت و نسبت به انتساب آن کتاب ها به مؤلّفان آنها اعتماد داشت، در اختیار نوه خود قرار دهد تا شاید بدین وسیله، [این افتخارات و ارزش ها، در] نسل آل اَعین ادامه پیدا کند. (3) بر این اساس، ابو غالب زراری ابتدا به معرفی خاندان اَعین \_ از زُراه و حمران بن اَعین تا پدر خود و سپس خود و تنها فرزندش \_ پرداخته و مشایخ خود را نیز ذکر کرده است. وی در این باره، بنا به نقلی که در اختیار دارد، متذکّر شده که آل اَعین، همگی اهل علم و حدیث و از دل دادگان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده اند و شمار محدّثان آن خاندان، به شصت نفر می رسد. (4) نکته مهم در این قسمت، آن است که ابو غالب در نقد و جرح و تعدیل راویان، بر مبنای اعتبار و وثاقت راوی عمل می کرده و نوع مذهب را دخالت نمی داده است. مثلاً

1- رساله اَبی غالب، ص 42.

2- همان، ص 45.

3- همان، ص 42.

4- همان، ص 2، ص 6، ص 17.

وی از حمید بن زیاد و ابو عبد الله ثابت و احمد بن محمد ریح که واقفی بودند، روایت کرده و درباره آنها متذکر شده است که: «آنها افرادی فقیه، قابل اعتماد در حدیث (ثقه در حدیث) و کثیر الروایه اند». (1) ظاهراً بخش مهم تر کتاب، کتاب شناسی آن است. وی در بخش یاد شده، کتاب های خود و نیز کتاب های مشایخ و دیگر محدثان را که در اختیار داشته، معرفی کرده و متذکر شده که از مؤلفان کتاب های یاد شده، اجازه روایت دارد. نکته قابل توجه و بسیار مهمی که اعتبار این رساله را بیشتر می کند، این است که ابو غالب در معرفی بسیاری از این کتاب ها، نحوه روایت کتاب را از حیث سماع و اجازه و حتی زمان اجازه یا سماع، ذکر کرده است. این رساله یکی از کهن ترین کتاب ها در فنّ تراجم و شرح حال نگاری است و چون مؤلف، یکی از افراد خاندان اعین بوده، با دقت بسیار شرح حال ایشان را نوشته است. همچنین، این رساله به گفته آقا بزرگ تهرانی، از کهن ترین اجازاتی است که از قدما به دست ما رسیده، و عده ای از علما این رساله را یکی از اصول دانش رجال شمرده اند و آن را بر کتب پنجگانه رجال مشهور، مقدم دانسته اند. به هر روی، رساله ابو غالب، در اختیار شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و شیخ یوسف بحرانی (م 1186 ق) بوده است. علامه مجلسی در فصل معرفی مصادر کتاب بحار الأنوار، وعده داده که آن را در قسمت اجازات بیاورد؛ ولی با مراجعه به مجلّات پایانی کتاب بحار الأنوار، این رساله یافت نشد. محدّث بحرانی نیز تمام آن را در کتاب کشکول خود ذکر کرده است. (2) ابن غضائری که راوی این رساله است، تکمله کوتاهی بر این رساله نوشته که در اغلب نسخه ها همراه با اصل رساله است. نیز سید محمد علی موحد ابطحی، با شرح رساله ابو غالب و تکمله ابن غضائری، کتابی با عنوان تاریخ آل اعین نوشته و در آن، به شرح حال این خاندان پرداخته است.

1- همان، ص 41.

2- کشکول، ج 1، ص 180 \_ 220؛ الذریعة، ج 1، ص 144.

**2 . تکملة رسالة أبي غالب الزرّارى****3 . الضعفاء**

2 . تکملة رسالة أبي غالب الزرّارى مؤلف: حسين بن عبيد الله غضائرى شرح و تحقيق: محمّد على موحد ابطحي ناشر: مطبعة ربّانى، 1399 ق. اين رساله، چه همراه با رساله ابو غالب زرّارى و چه جداگانه، بارها چاپ شده است. از جمله، با تحقيق محمّد رضا حسيني، در سال 1411 ق، با رسالة أبي غالب الزرّارى. در تحقيق كتاب، از چند نسخه خطّی كه معمولاً همراه با رساله ابو غالب است، استفاده شده است. (1) اين كتاب در برخى از مصادر كتاب شناسى متأخر، چون الفوائد الرجالية، (2) خاتمة مستدرک الوسائل و الذريعة ذکر شده است. (3) تکمله ابن غضائرى، مختصر و کوتاه، در راستای تکميل رساله ابو غالب زرّارى تأليف شده است. مؤلف در اين كتاب، کسانی از خاندان اعين را كه در رساله ابو غالب نيامده اند، از منابع ديگرى مانند: منتخبات جعفر بن قولويه، (4) دست نوشته هاى ابو الحسن محمّد بن احمد بن داوود قمى و رجال عقيقى، فراهم آورده است. (5)

3 . الضعفاء مؤلف: ابن غضائرى تحقيق: سيّد محمّد رضا حسيني جلالى ناشر: دار الحديث، قم، چاپ اول، 1422 ق.

- 
- 1- .رسالة أبي غالب الزرّارى، ص 15 ، مقدّمه حسيني جلالى ؛ شرح تکملة رسالة أبي غالب، ص 75.
  - 2- .الفوائد الرجالية، ج 1، ص 236، 244.
  - 3- .خاتمة مستدرک الوسائل، ج 4، ص 445؛ الذريعة، ج 11، ص 7\_ 8.
  - 4- .شرح تکملة رسالة أبي غالب، ص 97.
  - 5- .همان، ص 100، 101.

در تحقیق این کتاب، از دو نسخه خطی استفاده شده است: نسخه دانشگاه تهران (کتابت در: 1363 ق) و نسخه کتاب خانه آیه الله مرعشی (کتابت در: 1355 ق). (1) این کتاب افزون بر عنوان الضعفاء، (2) گاه بدون عنوان خاص (3) و گاه به نام رجال ابن غضائری (4) ذکر شده است. الضعفاء تا عصر نجاشی و شیخ طوسی، موجود بود و پس از آن، تا حدود دو قرن نایاب شد. در سده هفتم، احمد بن طاووس حلّی (م 673 ق) نسخه ای از آن را یافت و مطالب آن را در کتاب رجال حلّی الإشکال خویش گنجانید. پس از او، ملا عبد الله شوشتری (م 1021 ق) نسخه ای از حلّی الإشکال ابن طاووس را به دست آورد و کتاب الضعفاء ابن غضائری را استخراج و جداگانه تحریر کرد. آنچه امروزه از کتاب ابن غضائری در دست است، همان تنظیم و ترتیب شوشتری است. (5) کتاب الضعفاء در نوع خود در حوزه شیعه، کتابی نو و بدیع است. مؤلف در این کتاب، همانند برخی رجال شناسان اهل سنت و شاید متأثر از آنها، تنها به ذکر راویان ضعیف یا افرادی که متهم به ضعف شده اند، پرداخته است. مؤلف در این کتاب برای بیان ضعف افراد، واژه «طعن» را - گاه مطلق و گاه به صورت مضاف - به کار برده است، مانند: «طعن أصحابنا فيه»، «طعن في عدالته»، «طعن عليه بالغلوّ»، «طعن عليه بفساد مذهبه»، «طعن في مذهبه، لا في نفسه»، «الطعن إنما وقع على دينه»، «الطعن فيه، لا في من أخذ عنه»، «ليس الطعن فيه، إنما الطعن في من يروي عنه». (6) ملاحظه این گونه تعابیر، نشان می دهد که اولاً: ابن غضائری در تضعیف رجال، بر

- 
- 1- الرجال، ابن الغضائری، ص 31 \_ 32.
  - 2- تحریر الطاووسی، ص 4 \_ 5؛ رجال ابن داوود، ص 25 \_ 26.
  - 3- خلاصة الأقوال، ص 377، 414.
  - 4- الرجال، ابن الغضائری، ص 3.
  - 5- تحریر الطاووسی، همان جا؛ مجمع الرجال، ج 1، ص 10؛ سماء المقال، ج 1، ص 20؛ الذريعة، ج 1، ص 288؛ معجم رجال الحديث، ج 1، ص 44، ص 114؛ کلیات فی علم الرجال، ص 85.
  - 6- ر.ك: الرجال، ابن الغضائری.



دو عامل \_ یکی مذهب و دین (اثنا عشری) و دیگری صداقت و اجتناب از دروغگویی در کلام و نقل (عدالت) \_ تکیه کرده است. وی فقدان این شرایط یا یکی از آنها را در خود راوی یا شیخ راوی، سبب ضعف او دانسته است. ثانیاً: وی در تضعیف، بر بُعد اثباتی تکیه کرده و معتقد بوده که عدم طعن، مساوی با توثیق است. (1) در انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری، تا سده چهاردهم تردیدی صورت نگرفته بود. (2) تنها در این میان، شهید ثانی و محقق خوانساری آن را به پدر او، حسین بن عبید الله غضائری (م 411 ق)، نسبت داده اند. (3) این در حالی است که شهید در تعلیقات خود بر خلاصة الأقوال علاّمه حلّی، از عبارات علاّمه استفاده می کند که مراد از ابن غضائری \_ که مکرّر در این کتاب ذکر شده \_، احمد بن حسین بن عبید الله غضائری است. (4) اما در سده چهاردهم و پانزدهم، عدّه ای از علمای کتاب شناسی و رجال، با تردید در انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری، آن را ساخته و پرداخته مخالفان شیعه و یا دست کم، محرّف و دست خورده، توصیف نموده اند. (5) ادّعی گروه یاد شده، به طور عمده به دو مطلب استناد داده شده است: یکی عدم وصول نسخه کتاب از طریق قابل قبول، و دیگری کثرت تضعیفات و جرح. کتاب الضعفاء، از سده هفتم به بعد، از مصادر کتاب های رجالی شمرده شد. برخی بر این کتاب اعتماد کرده اند؛ اگرچه در مقام تعارض، گاه آرای امثال نجاشی و شیخ را

1- ر.ک: همان، ص 22 \_ 25 (مقدّمه محقق).

2- ر.ک: خلاصة علاّمه، ص 36 و 37 (به نقل از: سماء المقال، ج 1، ص 119)؛ رجال ابن داوود، ص 25 \_ 26؛ الرواشح السماویة، ص 111 \_ 114؛ مجمع الرجال، ج 1، ص 11؛ أمل الآمل، ج 2، ص 12؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 41؛ نقد الرجال، ج 1، ص 119؛ الفوائد الرجالية، ج 2، ص 49 \_ 50؛ سماء المقال، ج 1، ص 14؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 18؛ الرجال، ابن الغضائری، ص 17 (مقدّمه محقق).

3- سماء المقال، ج 1، ص 16؛ معجم رجال الحديث، ج 1، ص 44؛ کلیات فی علم الرجال، ص 84.

4- سماء المقال، ج 1، ص 20.

5- ر.ک: الذریعة، ج 2، ص 290 و ج 10، ص 89؛ معجم رجال الحديث، ج 1، ص 95 \_ 96، 208؛ بحوث فی فقه الرجال، فانی، ص

ترجیح داده اند. (1) برخی نیز اگرچه بر آن اعتماد نکرده اند، مطالب آن را در کنار دیگر اقوال، ذکر و گاه نقد کرده اند. (2) عدّه ای دیگر که بر کتاب ابن غضائری اعتماد نکرده اند، معتقدند که اولاً وی در آرای رجالی خود، بر پایه اجتهاد عمل کرده و ثانیاً، در جرح به اموری مانند غلو تمسک کرده که یا سبب جرح نیستند و یا در سببیت آنها اختلاف است، و ثالثاً، وی عدّه بسیار زیادی را جرح و تضعیف کرده است. به همین جهت، درباره او چنین عباراتی به کار رفته است: «کسی از دم تیغ طعن او، سالم خارج نشده است»، «راوی سالم، کسی است که از زیر دست او سالم بیرون آمده باشد»، «جرح او، در واقع، مدح است» و «وی فردی طعان است». (3) نسخه چاپی الضعفاء، شامل این بخش هاست: مقدمه محقق، مقدمه کوتاه تستری، اصل کتاب، مستدرک کتاب و فهرست های عموی آن. مقدمه محقق، در شرح حال مؤلف، آثار او، انتساب کتاب به ابن غضائری، معرفی کتاب و شیوه نقد و جرح رجال، و معرفی نسخه های خطی کتاب است. در اصل کتاب، نام 160 راوی با ذکر مورد جرح هر کدام، آمده است. مطالب بر اساس اسامی راویان از الف تا یا، و یک باب با عنوان کنیه، سامان یافته است. قسمت پایانی کتاب، ذکر راویانی است که در رجال النجاشی و خلاصة الأقوال علامه حلی و رجال ابن داوود، درباره آنها مطلبی از ابن غضائری نقل شده است. محقق کتاب این موارد را تحت عنوان «مستدرکات» آورده است. کار دیگر محقق، نگارش فهرست کتاب در این موارد است: 1. فهرس أسماء الأعلام، 2. فهرس کنی الأعلام، 3. فهرس ألقاب الأعلام و أنسابهم، 4. فهرس ألفاظ

- 
- 1- مانند ابن طاووس (به نقل از: التحرير الطاووسی؛ خلاصة ی علامه؛ رجال ابن داوود؛ نقد الرجال؛ الفوائد الرجالية و سماء المقال).
  - 2- مانند صاحبان وسائل الشیعة و خاتمة مستدرک الوسائل .
  - 3- الذریعة، ج 2، ص 298 و ج 10، ص 89؛ الرجال، ابن الغضائری، ص 21 (مقدمه محقق).

**4. رجال النجاشی**

الجرح و التعديل كما جاءت في الكتاب، 5. فهرس المصطلحات و الألفاظ الخاصة، 6. فهرس المواضيع و البلدان، 7. فهرس الكتب غير المصادر و المراجع، 8. فهرس المصادر و المراجع، 9. فهرس المحتوى.

4. رجال النجاشی مؤلف: نجاشی تحقیق و تصحیح: سید موسی شبیری زنجانی. ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی (انتشارات جامعه مدرسین)، چاپ پنجم، 1416 ق. در تحقیق این کتاب، از چهارده نسخه خطی استفاده شده است (1) که کهن ترین نسخه، متعلق به سال 982 ق، است. (2) رجال نجاشی در سال 1397 ق، با تحقیق محمد جواد غروی نائینی، و در سال 1407 ق، با تحقیق سید موسی شبیری زنجانی چاپ شده است. عنوان اصلی کتاب نجاشی، دانسته نیست. در برخی مصادر، و نیز به موجب برخی نسخه های خطی کتاب، نام آن فهرست أسماء مصنفی الشيعة ذکر شده است. (3) گویا عنوان الرجال، در سده هشتم و توسط علامه حلی و ابن داوود، مطرح شده است. (4) به هر روی، این کتاب که انتسابش به نجاشی، معروف و حتی متواتر است از مصادر کتاب های رجالی و حدیثی است. نسخه چاپی آن شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. مقدمه محقق، به نسخه های خطی و چاپی کتاب و نیز کارهایی که در جهت تصحیح آن انجام شده، اشاره دارد. مقدمه کوتاه مؤلف، درباره انگیزه تألیف و برخی از ویژگی های کتاب است. به موجب این مقدمه، اتهام مخالفان به شیعه که

1- رجال النجاشی، ص 2.

2- الذریعة، ج 1، ص 154؛ رجال النجاشی، همان جا؛ فهرس التراث، ج 1، ص 521.

3- فرج المهموم، ص 97، 121، 122، 130؛ فتح الأبواب، ص 190، 243؛ الفوائد الرجالية، ج 2، ص 30 \_ 31.

4- خلاصة الأقوال، ص 72؛ رجال، ابن داوود، ص 25، مقدمه محقق.

پیشینه تألیف و کتاب ندارند، انگیزه لازم را برای تألیف این کتاب فراهم آورده است. نیز همه تألیفات عالمان امامی، به جهت کثرت و پراکندگی شان، در این کتاب ذکر نشده است و برای اختصار، به ذکر يك طریق به صاحب کتاب، بسنده شده است. در اصل کتاب، 1269 نفر از رجال و مؤلفان شیعه معرفی شده اند. گو این که هدف اصلی نجاشی، ذکر تألیفات و آثار بوده؛ ولی معلوم است که بدون معرفی مؤلف، معرفی تألیف انجام نمی گیرد. در شرح حال مؤلفان، افزون بر اسامی، کنیه ها، القاب و انساب، به اقوال مطرح در مدح و ذم آنان، و گاه به نام راویان و مشایخ و سال وفات آنان نیز اشاره شده و در معرفی آثار، ذکر کتاب ها و رساله ها و طریق نجاشی به آنها آمده است. به موجب نسخه هایی از رجال نجاشی، این کتاب شامل دو جزء بوده است که جداگانه نگارش شده اند: جزء نخست، از حرف الف تا عین و جزء دوم از حرف عین تا پایان کتاب. (1) در نسخه چاپی، این تقسیم بندی نیست. در نسخه چاپی ابتدا تحت عنوان «طبقه اولی»، شش نفر از متقدمان در تألیف، بدون مراعات ترتیب الفبایی، معرفی شده اند؛ ابورافع، علی بن ابی رافع، ربیع بن سمیع، سلیم بن قیس هلالی، اصبع بن نباته مجاشعی و عبید الله بن حرّ جعفی. پس از این طبقه، به سایر محدثان و مؤلفان بر اساس حروف الفبا و با رعایت ترتیب دو حرف اول اسم محدث، پرداخته شده است. باب پایانی، به کسانی اختصاص یافته است که به کنیه مشهورند. شمار رجال معرفی شده در کتاب، 1269 نفر است؛ اولین آنها ابان بن تغلب بن رباح و آخرین نفر ابو یعقوب جعفی است. اگرچه نجاشی به قصد معرفی مصنفات شیعه امامیه، این کتاب را تألیف کرده؛ در لابه لای آن، شیعیان غیر امامی و افراد غیر شیعه ای که یا از رجال شیعه روایت کرده اند یا در تأیید آموزه های شیعه، کتاب نگاشته اند نیز معرفی شده اند. (2) نجاشی درباره مذهب برخی از این افراد که شیعه غیر امامی اند، سکوت کرده است. (3) درباره جرح و تعدیل نیز

1- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 30 \_ 31.

2- کلیات فی علم الرجال، ص 62.

3- قواعد الحدیث، ص 160.

همین داستان وجود دارد؛ نجاشی گاهی به جرح و تعدیل رجال پرداخته، و گاه سکوت کرده است. همین سکوت ها، زمینه ساز اختلاف میان رجال شناسان گشته است. عدّه ای از علمای رجال، بر این عقیده اند که سکوت نجاشی؛ به ویژه در هر دو زمینه جرح و تعدیل افراد، دلیل بر این است که آنها از هر گونه طعن و لغزشی سالم هستند. (1) محقق داماد، این دیدگاه را به ابن داوود نیز نسبت می دهد. به گفته وی، ابن داوود کسانی را که در رجال نجاشی، مجرد از ایراد طعن و لغزش ذکر شده اند، در قسمت ممدوحین کتاب خود آورده است. (2) اما برخی از علمای رجال معاصر، این عقیده را ندارند و در تأیید دیدگاه خود، بر این مطلب انگشت می گذارند که نجاشی اولاً وبالذات، کتاب را برای معرفی مصنفات شیعه تألیف کرد و مسئله جرح و تعدیل نویسندگان آنها، امر ثانوی و تبعی بوده است و از این رو، خود را ملزم به جرح و تعدیل راویان نمی دیده است. (3) دیگر از ویژگی های کتاب رجال نجاشی \_ که همچون موارد قبلی، به عنوان يك قاعده مطرح شده \_، این است که هرگاه یکی از مؤلفان، روایتی را از یکی از امامان علیهم السلام نقل کرده باشد، نجاشی آن روایت را در ترجمه آن شخص یا ترجمه فرد دیگری، ذکر می کند. بنابراین، در مواردی که نسبت به این امر اهمال شده است، می توان نتیجه گرفت که آن فرد، در طبقه کسانی است که از امامان روایت نکرده است. (4) نجاشی معمولاً از جرح و تعدیل افراد، در شرح حال خود آنها سخن می گوید؛ ولی گاه در این باره، در ضمن شرح حال فرد دیگری اظهار نظر می کند. این دسته از مصنفان، هفت نفر شمارش شده اند 5 و عدّه قابل توجهی نیز مشاهده می شوند که شرح حال آنها در کتاب نیامده، ولی نجاشی به جرح و تعدیل آنها پرداخته است. این عدّه، 43 نفر

1- الرواشح السماویة، ص 67؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 152.

2- الرواشح السماویة، ص 68.

3- کلیات فی علم الرجال، ص 62.

4- ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص 64.

**5. رجال الطوسی**

شمارش شده اند. (1) این نیز گفتنی است که پنج نفر از محدثان مؤلف، در رجال نجاشی معرفی نشده اند: ابن شعبه حرّانی، ابن رازی صاحب جامع الأحادیث، محمد بن شاذان، ابو الفتح کراجکی و طرّازی. این کتاب در اختیار سید بن طاووس بوده و وی آن را به همراه چهار کتاب رجالی دیگر، در کتابی با عنوان حلّ الإشکال فی معرفة الرجال، گرد آورد. (2) همچنین، این کتاب در اختیار محقق حلّی، علامه حلّی، ابن داوود، شهید ثانی، صاحب معالم، محقق داماد، محقق شوشتری، عنایت الله قهپایی، شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و... بوده و آنها در کتاب های خود، آن را نقل کرده اند. این کتاب توسط برخی از علمای رجال، مرتّب شد. از جمله آنها می توان به ابن داوود، عنایت الله قهپایی و شیخ داوود بن حسن جزایری (معاصر صاحب حدائق)، اشاره کرد. (3) نیز مشایخ نجاشی، بر اساس این کتاب، در اثری مستقل استخراج شده اند که با عنوان مشیخه نجاشی، در سال 1413 ق. در قم، توسط دار الکتب به چاپ رسید.

5. رجال الطوسیمؤلف: شیخ طوسی تحقیق: جواد قیومی اصفهانی ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی (انتشارات جامعه مدرسین)، قم، چاپ اول، 1415 ق. در تحقیق کتاب، افزون بر نسخه چاپی، بر نسخه ای خطی اعتماد شده که در تاریخ 533 ق، به خط محمد بن سرآهنگ بن مرتضی حسینی نوشته شده است. (4) رجال الطوسی با تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، در سال 1381 ق، نیز چاپ

1- همان، ص 65 \_ 68.

2- التحریر الطاووسی، ص 5.

3- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 151.

4- رجال الطوسی، ص 12 \_ 13؛ تراثنا، ش 7، ص 120؛ فهرس التراث، ج 1، ص 529.

شد. از این کتاب با عنوان الرجال (1) و الأبواب، یاد شده (2) و انتساب آن به شیخ طوسی، معروف بلکه متواتر است. نسخه چاپی رجال الطوسی، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به پیشینه دانش رجال و تألیفات مهم رجال؛ بویژه رجال نجاشی، فهرست و رجال طوسی، اشاره شده و ویژگی های رجال طوسی، بیان شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف و موضوع کتاب و سامان و ترتیب آن، اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، شیخ طوسی به درخواست شیخی فاضل که ناشناخته است، به این تألیف دست زده است. بخش عمده این کتاب، شامل اسامی رجالی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تا زمان حضرت قائم علیه السلام، بی واسطه روایت کرده اند. پایان بخش کتاب، یادکرد از کسانی است که یا در دوره غیبت به سر برده اند یا معاصر روایان حدیث بوده اند، ولی از ائمه علیهم السلام روایت نکرده اند. (3) شیخ طوسی متذکر شده این پردازش بر پایه ترتیب حروف الفبا از همزه تا یاء، انجام گرفته است. وی در تألیف این کتاب، رجال ابن عقده را \_ که به اصحاب امام صادق علیه السلام اختصاص داشت \_ اصل قرار داده و اصحاب سایر ائمه علیهم السلام را بر آن افزوده است. (4) اصل کتاب، در سه قسمت سامان یافته است: قسمت اول، کسانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند؛ قسمت دوم، کسانی که از ائمه علیهم السلام روایت کرده اند؛ و قسمت سوم، کسانی که هر چند در عصر پیامبر و ائمه بودند، از آنها بی واسطه روایت نکرده اند و نیز کسانی که پس از عصر ائمه علیهم السلام زندگی می کردند. ملاک طوسی در ترتیب الفبایی، حرف اول اسم است. شمار روایان نام برده در

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 403؛ الفهرست، طوسی، ص 242؛ معالم العلماء، ص 159؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7.
  - 2- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 228؛ الذریعة، ج 1، ص 73.
  - 3- رجال الطوسی، ص 17.
  - 4- همان، ص 17.

کتاب، 6429 نفر است که نزدیک به سی نفرشان زن هستند. در پایان هر باب \_ که به یکی از معصومان علیهم السلام (بجز حضرت فاطمه علیها السلام و امام مهدی علیه السلام) اختصاص دارد و مجموع آنها دوازده باب می شود \_، بخشی هایی با عنوان «باب الکنی» و «باب النساء» آمده است. شیخ طوسی در معرفی این راویان، افزون بر نام راوی و نام پدر و گاه اجداد وی، کم و بیش به این مطالب نیز اشاره کرده است: کنیه، لقب، قبیله، گاه نام مادر، زادگاه، محلّ شهادت، تاریخ وفات، مشایخ، امامانی که وی از آنها روایت کرده، گاه جرح و تعدیل، شاگردان راوی، و کسانی که از وی اجازه روایت گرفته اند که در موارد بسیاری، با ذکر تاریخ اجازه است. گویا شیخ طوسی الرجال را پس از الفهرست تألیف کرده است؛ چرا که او در قسمت سوم کتاب، در معرفی کسانی که از معصومان روایت نکرده اند، فراوان به الفهرست ارجاع داده است. بنای شیخ طوسی در کتاب الرجال \_ چنان که در مقدمه گفته \_، ذکر اصحاب پیامبر و ائمه علیهم السلام و راویان آنهاست؛ خواه مؤمن باشند، خواه منافق، چه امامی و چه غیر امامی یا عامی. بر همین پایه، خلفای سه گانه و کسانی چون معاویه و عمرو بن عاص نیز در شمار اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده اند. نیز زیاد بن ابیه، عبید الله بن زیاد و برخی از خوارج، در شمار اصحاب امام علی علیه السلام، چنان که منصور دوانیقی از اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار آمده؛ ولی درباره آنان چیزی گفته نشده است. از این رو، ذکر فردی در این کتاب را نمی توان دلیل امامی بودن یا ثقه بودن او شمرد. (1) در این کتاب، در موارد فراوانی پس از ذکر فردی از اصحاب امام صادق علیه السلام، عبارت «أسند عنه» آورده است که از نظر هیئت و معنا ابهام دارد. به قرینه عرف استعمال، این عبارت به صیغه معلوم است و به معنای روایت با واسطه از امام صادق علیه السلام. (2) در مواردی، از

- 
- 1- . خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 176 \_ 177؛ قاموس الرجال، ج 1، ص 19؛ قواعد الحدیث، ص 162 \_ 164؛ کلیات فی علم الرجال، ص 69؛ رجال الطوسی، ص 8 \_ 9، مقدمه محقق کتاب .
  - 2- ر. ک: الرواشح السماویة، ص 65؛ الفوائد الرجالیة، وحید بهبهانی، ص 31؛ طرائف المقال، ج 2، ص 353 \_ 355؛ رجال الخاقانی، ص 122 \_ 127؛ معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 99 \_ 100؛ قواعد الحدیث، ص 165؛ رجال الطوسی، ص 10، مقدمه محقق .



يك شخص با يك عنوان يا دو عنوان، دو بار یاد شده است؛ گاه بدون اختلاف در اسم او و گاه با اختلاف در اسم او یا اسم پدرش یا کنیه اش. گویا علت این اختلاف و تکثر، اختلاف اصول اصحاب بوده است. شایان دقت است که نام برخی، هم در عنوان اصحاب معصومان علیهم السلام آمده و هم در عنوان کسانی که از معصومان روایت نکرده اند. در این باره، چند وجه گفته شده است: وجه نخست: مراد از ذکر آن راوی در شمار اصحاب معصومان علیهم السلام، صرف معاصرت است؛ اگرچه معصوم را ندیده و یا از او روایت نکرده باشد. گویا این وجه، در همه موارد صادق نیست. وجه دوم: این شخص، هم بی واسطه از معصوم روایت کرده و هم با واسطه، و به هر يك از این دو اعتبار، در یکی از دو قسمت کتاب جای گرفته است. وجه سوم: شیخ طوسی در وابستگی این افراد به هر يك از دو قسم یاد شده، تردید داشته است. وی با تکرار نام وی، جانب هر دو طرف احتمال را نگه داشته است. وجه چهارم: شیخ طوسی در این موارد، دچار غفلت یا فراموشی شده است. وجه پنجم: از آن جا که درباره مصاحبت این افراد با معصوم، دیدگاه‌ها متفاوت بوده، شیخ هر دو دیدگاه را مطرح کرده است. (1) ابن طاووس در سده هفتم، کتاب الرجال طوسی را همراه با چهار کتاب رجالی دیگر، سامانی تازه بخشید و در مجموعه ای با عنوان حلّ الإشکال فی معرفة الرجال، گرد آورد. (2) مشابه این کار، در پایان سده دهم و اوایل سده یازدهم نیز توسط عنایت الله قهپایی، در مجمع الرجال انجام گرفت. (3)

- 
- 1- ن. ک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 176 \_ 177؛ معجم رجال الحديث، ج 1، ص 97 \_ 99؛ قواعد الحديث، ص 164 \_ 166؛ رجال الطوسی، ص 12، مقدمه محقق کتاب.
  - 2- التحرير الطاوسی، ص 5.
  - 3- مجمع الرجال، ج 1، ص 10 \_ 11.

**6. الفهرست**

کتاب رجال شیخ طوسی، از مصادر مهم حلّ الإشکال ابن طاووس، خلاصة الأقوال علامه حلّی، رجال ابن داوود، التحریر الطاووسی و نیز منتقى الجمان صاحب معالم، الرواشح السماویة ی میرداماد، مجمع الرجال قهپایی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة... است.

6. الفهرست مؤلف: شیخ طوسی تحقیق: شیخ جواد قیومی ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی (انتشارات جامعه مدرسین)، قم، چاپ اول، 1417 ق. در تحقیق این کتاب، از نسخه خطی کتاب خانه ملک در تهران با تاریخ سده یازدهم \_ که به موجب نوشتار روی آن، از روی نسخه ای کهن، متعلق به سال 587 ق، کتابت شده \_ استفاده شده است. (1) این کتاب پیش تر نیز در کلکته در سال 1271 ق، و در عراق به سال 1380 ق (با تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم)، چاپ شد. (2) کتاب الفهرست طوسی با همین عنوان، در مصادر ذکر شده (3) و انتساب آن به شیخ طوسی، معروف بلکه متواتر است. نسخه چاپی آن، شامل مقدمه محقق، مقدمه مؤلف و اصل کتاب است. در مقدمه محقق، به همزمانی تألیف الفهرست و الرجال شیخ طوسی، نسخه های خطی کتاب، و کارهایی که در این تحقیق انجام گرفته و ویژگی های کتاب، اشاره شده است. مقدمه مؤلف، به انگیزه تألیف و موضوع و ترتیب آن اختصاص دارد. به موجب این مقدمه، تا زمان مؤلف، تألیف جامع و شاملی برای معرفی اصول و مصنفات امامیه انجام نگرفته بود. تنها ابو الحسین احمد بن حسین بن عبید الله، دو کتاب با عنوان الأصول و المصنفات فراهم کرده بود؛ ولی آن دو را کسی استنساخ نکرد و خود ابو الحسین نیز مخترم شد (پیش از چهل سالگی فوت شد) و به گزارشی،

1- فهرس التراث، ج 1، ص 531 \_ 532؛ الفهرست، طوسی، مقدمه محقق کتاب، ص 25.

2- تراثنا، ش 21 ص 363.

3- رجال النجاشی، ص 403؛ الفهرست، طوسی، ص 241؛ معالم العلماء، ص 150؛ الفوائد الرجالية، ج 2، ص 228.

برخی از وارثان او، کتاب های وی و از جمله این دو کتاب را نابود کردند. افزون بر این جای خالی، درخواست شیخ فاضل \_ که ناشناخته است \_ نیز انگیزه ساز برای تألیف این کتاب بوده است. (1) شیخ طوسی هر چند اصول و مصنفات را دو دسته تألیف دانسته، متذکر شده که آنها را به جهت اختصار، جداگانه نیاورده است؛ چراکه برخی از مصنفان، اصل نیز داشته اند و در صورت تألیف جداگانه، تکرار اسامی آنها در اصول، سبب دراز شدن کتاب می شد. وی این کتاب را به ترتیب حروف الفبا از همزه تا یاء، و بر اساس حرف اول سامان داده و بر خلاف الرجال، در این جا ترتیب زمانی را مراعات نکرده است. وی نام ها را در 24 باب بر اساس حروف الفبا گنجانده؛ در یک باب، کسانی را نام برده است که به کنیه معروف اند و وی به اسامی آنها دست نیافته؛ و در باب پایانی، آنان را که به قبیله و لقب و شهرشان شهرت دارند. وی در مجموع، از 912 نفر نام برده است. شیخ طوسی در معرفی صاحبان کتب و اصول، به نام مصنف، نام پدر و اجداد نزدیک او، کنیه، لقب، زادگاه و محل اصلی سکونت و تحصیل، مسافرت ها، جرح و تعدیل، مذهب، قبیله، سال وفات، مشایخ، راویان، اجازات و...، کم و بیش می پردازد. پس از معرفی مصنف، همانند نجاشی به ذکر آثار وی می پردازد و در این قسمت، معمولاً ضمن اشاره به کمیت کتب به صورت کلی، گزیده ای از آنها را معرفی نیز می کند. به قرینه موارد بسیار، این گزینش غالباً بر اساس معرفیت کتب و یا قرائت و سماع خود شیخ نزد مؤلف یا یکی از مشایخ، صورت می گیرد. (2) کتاب فهرست، همزمان با کتاب رجال تألیف شده است؛ چراکه هم در کتاب فهرست، از کتاب رجال یاد شده؛ و هم در کتاب رجال، چندین بار به کتاب فهرست ارجاع داده شده است. برای نمونه، شیخ در رجال خود هنگام معرفی حسین بن عبید الله

1- الفهرست، ص 32.

2- برای مثال، شیخ طوسی درباره شیخ صدوق، شیخ مفید و سید مرتضی، چنین کرده است.

غضائری، متذکر می شود که غضائری کتاب هایی نیز دارد که وی آنها را در فهرست نام برده است. (1) ظاهراً تألیف دو کتاب یاد شده؛ بویژه کتاب فهرست، پیش از وفات سید مرتضی به پایان رسیده است. (2) به هر حال، این کتاب نیز مانند کتاب رجال، با این اشکال مواجه شده که شیخ درباره بسیاری از روایان، به جرح و تعدیل و نیز مذهب آنان اشاره نکرده است. (3) این در حالی است که شیخ طوسی در مقدمه، وعده داده است که پس از نام هر یک از صاحبان اصول و مصنفان، به آنچه در تعدیل و جرح وی گفته شده نیز پردازد و معلوم بدارد که وی قابل اعتماد است یا نه، و بر مذهب حق است یا مخالف آن؛ «چرا که بسیاری از صاحبان اصول و مصنفان امامی، به مذاهب فاسد گرویده اند؛ هر چند کتاب های آنان قابل اعتماد است». (4) در این موارد که شیخ طوسی سکوت کرده است، تکلیف چیست؟ به قرینه آن که در این کتاب، اصل بر ذکر مصنفات و اصول امامیه (اصحابنا) بوده است و اشاره به تصانیف دیگران، استطرادی است، اگر قرینه ای قوی بر فساد مذهب وجود نداشته باشد، باید به قاعده اکثر و اغلب عمل کرد و فرد نام برده را شیعه امامی دانست. ولی درباره جرح و تعدیل، با توجه به آن که بسیاری از روایان سرشناس و معروفی مانند زراره و سلمان فارسی، توثیق نشده اند، نمی توان ترك توثیق را دلیل بر عدم وثاقت گرفت مگر این که گفته شود: بسیاری از روایانی که شیخ طوسی توثیق نکرده، نیاز به توثیق نداشته اند (5). شیخ طوسی، معمولاً طریق خود را به صاحبان اصول و مصنفات، ذکر کرده و گاهی نیز دو طریق یا بیشتر را آورده است. معروف ترین مشایخ وی که طریق وی به

1- ر.ك: الضعفاء، حسین بن عبید الله غضائری.

2- الفهرست، طوسی، ص 7، ش 38.

3- کلیات فی علم الرجال، ص 70؛ قواعد الحدیث، ص 160 \_ 162.

4- همان، ص 32.

5- قواعد الحدیث، ص 161.

## 7. اختیار معرفة الرجال

صاحبان کتب را تشکیل می دهند، پنج نفرند: شیخ مفید، حسین بن عبید الله غضائری، ابن عبدون معروف به ابن حاشر، ابن صلت و ابن ابی جید. وی در موارد بسیاری از این افراد با عبارت «أخبرنا جماعة» یا «عدّة من أصحابنا»، یاد کرده است. (1) شیخ طوسی در تألیف این کتاب و بویژه در شرح حال صاحبان کتب، از آثار کتاب شناسی و رجالی پیش از خود استفاده کرده است. در این میان، کتاب فهرست ابن ندیم و نیز دو کتاب مصتفات و اصول ابن غضائری، قابل توجه اند. (2) کتاب فهرست شیخ طوسی، همچون کتاب رجال او، با اعتنا و اعتماد علمای شیعه مواجه شد. عده ای به ساماندهی و ترتیب و گاه شرح آن پرداختند و عده بسیاری نیز آن را در شمار مصادر کتب خود جای دادند. (3) علی بن عبد الله بن عبد الصمد مقابی، آن را بر سبک و سیاق مرسوم در کتب رجالی، مرتّب کرد. شیخ سلیمان ماحوزی نیز ضمن ترتیب، به شرح آن پرداخت. عنوان این شرح، معراج الکمال إلى معرفة الرجال است که البته ناتمام مانده و تا اوایل باب «باء» را شامل می شود. (4)

7. اختیار معرفة الرجال مؤلف: شیخ طوسی تعلیقه: میرداماد (محمد باقر حسینی استرآبادی) تحقیق: سید مهدی رجائی ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1404 ق. شمار نسخه های خطی موجود از این کتاب، 25 نسخه است. از جمله، نسخه

- 
- 1- کلیات فی علم الرجال، ص 70؛ الفهرست، طوسی، ص 14 (مقدمه محقق).
  - 2- الفوائد الرجالية، ج 2، ص 52؛ الذريعة، ج 1، ص 10.
  - 3- حلّ الاشکال، ابن طاووس (به نقل از: تحریر طاووسی، ص 5؛ رجال ابن داوود، ص 25؛ وسائل الشیعة، ج 20، ص 36 \_ 37؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 7.
  - 4- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 179.

کتاب خانه آية الله مرعشی به خط منصور بن علی بن منصور خازن (کتابت در: 577 ق). (1) این کتاب پیش تر نیز در بمبئی در سال 1317 ق، به اهتمام علی محلاتی حائری و در نجف اشرف با تعلیقات سید احمد حسینی، چاپ شد. کتاب اختیار معرفة الرجال با همین عنوان، در منابع کتاب شناسی و حدیثی ذکر شده است. (2) به استناد عبارتی که در ابتدای نسخه ابن طاووس بوده، شیخ این کتاب را در سال 456 ق، در نجف اشرف، بر گروهی از اهل علم، املا کرده است. (3) کتاب اختیار، تهذیب شده و گزیده مطالب کتاب رجال الکشی یا همان معرفة الرجال است. (4) از آن جا که کشتی تنها به ذکر روایاتی پرداخت که در مدح یا ذم افراد وارد شده بود، این پرسش مطرح است که شیخ طوسی در گزینش خود، چه روایاتی را حذف کرد یا چه چیز یا چیزهایی را تهذیب نمود؟ پاسخ این سؤال، دقیقاً روشن نیست؛ چراکه رجال الکشی، ظاهراً پس از سده پنجم نایاب شده و هیچ يك از علمای رجال، آن را در اختیار نداشته اند. نجاشی معاصر طوسی، به تصریح گفته است: «در رجال الکشی، غلط های بسیار وجود دارد» (5)؛ (6) اما روشن نیست که این اغلاط، از چه نوعی بوده است. ظاهر کلمه «غلط»، بر وجود غلط لفظی سهوی دلالت می کند. برخی گفته اند: «شیخ طوسی، رجال الکشی را از روایات عامه، تهذیب کرد»؛ (7) ولی این ادعا مطابق با واقع نیست؛ چرا که در کتاب اختیار الرجال نیز گروهی از رجال عامه ذکر شده اند. (8) به هر روی، نسخه ای از اختیار الرجال، در دسترس

- 
- 1- فهرستگان نسخه های خطی، ص 137 \_ 140؛ الذریعة، ج 1، ص 365.
  - 2- الفهرست، طوسی، ص 25؛ معالم العلماء، ص 150؛ فرج المهموم، ص 130؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 33.
  - 3- فرج المهموم، ص 130.
  - 4- همان جا؛ الفوائد الرجالية، ج 3، ص 232.
  - 5- الرجال النجاشی، ص 372.
  - 6- خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 286.
  - 7- مجمع الرجال، ج 1، ص 13 (به نقل از: خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 286).
  - 8- کلیات فی علم الرجال، ص 59 \_ 60.

ابن طاووس بود (1) که پس از او، به علامه حلی و ابن داوود رسید. این دو نفر گرچه از این عنوان و از شیخ طوسی نام نبرده اند، از کشتی بسیار نقل کرده اند. پس از این سده، کتاب حل الإشکال ابن طاووس \_ که مطالب اختیار الرجال را نیز در بر داشته \_ ، همچنان در میان علمای رجال دست به دست می شد، تا این که صاحب معالم فرزند شهید ثانی، اختیار الرجال را از حلّ الإشکال ابن طاووس استخراج کرد و با عنوان التحریر الطاووسی، به بازنویسی آن پرداخت. (2) پس از او، عنایت الله قهپایی نیز مطالب آن را در مجمع الرجال گرد آورد. (3) قرینه آشکاری بر وجود رجال کشتی در سده شش به بعد تا عصر حاضر، مشاهده نمی شود. ابن طاووس، مواردی را نقل کرده که همگی از کتاب اختیار الرجال طوسی بوده و از کتاب الرجال کشتی نام نبرده است. (4) در سده هشتم، علامه حلی و ابن داوود، دو رجالی معروف، از کتاب اختیار الرجال طوسی نام نبرده اند و گزارش های خود را با عباراتی شبیه «ما حَقَّقَهُ الْكُشِّيُّ» (5) و یا «قال الكُشِّيُّ» 6 نقل کرده اند. این گونه عبارت و نقل قول، در عدّه ای این پندار را تقویت کرده که گویا این دو رجالی، اصل کتاب کشتی را در اختیار داشته اند. 7 کتاب اختیار الرجال، در ابتدا نظم و ترتیب معناداری نداشته است. ابن طاووس در کتاب حلّ الإشکال، روایات کتاب اختیار الرجال را به همراه مطالب دیگر کتب رجالی، بر اساس حروف الفبا سامان داده و در هر مورد، به نام کتاب مرجع نیز اشاره کرد. 8 وی

1- .التحریر الطاووسی، ص 5.

2- .مجمع الرجال، ج 1، ص 11.

3- .فرج المهموم، همان جا.

4- .رجال ابن داوود، ص 25.

5- .خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 286؛ کلیات فی علم الرجال، ص 60.

همچنین، به تهذیب آن پرداخت و اکثر اخبار آن را از نظر اسناد و متن، مورد بحث و بررسی قرار داد. شبیه همین ترتیب، در دو کتاب رجالی علامه حلّی و ابن داوود نیز انجام گرفت. شیخ حسن، صاحب معالم، اختیار الرجال را که مشتمل بر اخبار متعارض بود و از نظر اسناد و متن نیاز به تحقیق و تحریر تازه ای داشت، بر اساس حروف الفبا طبقه بندی کرد. دیگر ترتیب بندی و بازسازی های انجام گرفته، عبارت اند از: ترتیب بندی بر اساس رجال شیخ طوسی، توسط یوسف بن محمد زین الدین حسینی شامی، در سال 981 ق؛ ترتیب بندی عنایت الله قهپایی به ترتیب کتاب منهج المقال و امثال آن، بر اساس حروف الفبا؛ ترتیب بندی شیخ داوود بن حسن جزایری، معاصر صاحب حدائق؛ (1) و ترتیب و شرح محمد باقر استرآبادی معروف به میر داماد (م 1041 ق). نسخه ای از بیشتر این ترتیب ها، در اختیار میرزا حسین نوری بوده است. 2



## منابع و مأخذ

منابع و مأخذ 1. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، علی اصغر فقهی، تهران: صبا، 1365 ش. 2. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، جونل کرمر، ترجمه: محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1375 ش، اول. 3. اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (م 460 ق)، تصحیح و تعلیق: محمدباقر الحسینی الإسترآبادی (میرداماد)، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1404 ق، اول. 4. إقبال الأعمال، رضی الدین أبو القاسم علی بن موسی الحلّی (ابن طاووس) (589\_664 ق)، تحقیق: جواد القیومی الإصفهانی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، 1414 ق، اول. 5. الاختصاص، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (336\_413 ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری و السید محمود الزرنندی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی. 6. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (336\_413)، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام و دار المفید، 1413 ق. 7. الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م 460 ق)، تحقیق: السید حسن الموسوی الخراسان و الشیخ علی الآخوندی و الشیخ محمد الآخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، 1363، چهارم.

- 8 . الاستغاثة، أبو القاسم على بن أحمد بن موسى الشريف الكوفي (م 352 ق)، تصحيح: عبد الجواد فلاطوري، تهران: مؤسسة الأعلمی، 1373 ش، أول . 9 . الاستنصار فی النصّ علی الأئمّة الأطهار، أبو الفتح محمّد بن علی الكراچکی الطرابلسی (م 449 ق)، بيروت: دار الأضواء 1405 ق، دوم . 10 . الاعتقادات، محمّد بن علی ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: عاصم عبد السيّد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد . 11 . الأمالي، أبو جعفر محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1414 ق، أول . 12 . الأمالي، أبو جعفر محمّد بن علی ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1407 ق، أول . 13 . الأمالي، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (336 \_ 413 ق)، تحقيق: حسين استاد ولى وعلی أكبر الغفّارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، 1403 ق . 14 . الإمامة والتبصرة من الحيره، أبو جعفر محمّد بن علی ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 329 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، 1404 ق / 1363 ش . 15 . الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، رضی الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (589 \_ 664 ق) تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم: مطبعة مهر، 1409 ق، أول . 16 . الأمصار والآثار، أبو عبد الله محمّد بن أحمد الذهبي (م 748 ق)، تحقيق: قاسم على سعد، بيروت: دار البشائر الإسلامية، 1406 ق، أول . 17 . انديشه های كلامی شیخ مفید، مارتین مکدر موت، ترجمه: احمد آرام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1372 ش . 18 . إيمان أبي طالب، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (336 \_ 413 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، بيروت: دار المفيد، 1414 ق، دوم .

19 . أعلام الحديث فى شرح صحيح البخارى ، حمد بن محمد الخطابى (م 388 ق) ، تحقيق : محمد بن سعد بن عبد الرحمان آل سعود ، مكّه : مركز إحياء التراث الإسلامى ، 1409 ق ، أول . 20 . أقسام المولى فى اللسان ، محمد بن محمد بن النعمان العكبىرى البغدادى (الشيخ المفيد) (336 \_ 413 ق) ، تحقيق : مهدى نجف ، بيروت: دار المفيد، 1414 ق، دوم . 21 . أمل الآمل ، محمد بن الحسن الحرّ العاملى (م 1104 ق) ، تحقيق : سيّد أحمد الحسينى ، بغداد : مكتبة الأندلس . 22 . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، محمد باقر المجلسى (م 1110 ق) ، بيروت : مؤسسة الوفاء ، 1403 ق / 1983 م ، دوم . 23 . البداية و النهاية ، إسماعيل بن عمر الدمشقى (ابن كثير) (م 774 ق) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1408 ق / 1988 م ، أول . 24 . البيان ، محمد بن جمال الدين مكّى العاملى (الشهيد الأوّل) (734 \_ 786 ق) ، قم : مجمع الذخائر الإسلامىة . 25 . تاريخ آل زرارّة، السيّد محمد على الموحّد الأبطحى ، قم : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام . 26 . تاريخ بغداد ، أبو بكر أحمد بن على البغدادى (الخطيب البغدادى) (م 463 ق) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطاء بيروت : دار الكتب العلمىة ، 1417 ق ، أول . 27 . تاريخ تشييع در ايران ، رسول جعفرىان ، قم : سازمان تبليغات اسلامى ، 1368 ش ، أول . 28 . تاريخ گسترش تشييع در رى ، رسول جعفرىان ، رى : آستان قدس حضرت عبد العظيم ، 1371 ش . 29 . تاريخ مذهبى قم ، على اصغر فقيهى ، قم : زائر ، 1380 . 30 . تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة ، على الغروى الحسينى الإسترآبادى (م 940 ق) ، تحقيق : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ، 1407 ق ، أول .

31. التحرير الطاووسى ، حسين بن زين الدين الشهيد الثانى (صاحب معالم) (م 1011 ق)، تحقيق : فاضل الجواهرى ، قم : مكتبة آية الله المرعشى النجفى ، 1411 ق ، اول . 32. التحصين ، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّى (ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : الأنصارى ، قم : مؤسسة دار الكتاب (جزائرى) ، 1413 ق ، اول . 33. التحصين فى صفات العارفين من العزلة و الخمول بالأسانيد المتلقاة من آل الرسول ، أحمد بن محمّد بن فهد الحلّى (757 \_ 841 ق) ، تحقيق : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام . 34. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله ، أبو محمّد الحسن بن على بن حسين الحرّانى (ابن شعبة) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، 1404 ق / 1363 ش ، دوم . 35. تدريب الراوى فى شرح تقريب النووى ، جلال الدين عبد الرحمان بن أبى بكر السيوطى (849 \_ 911 ق) ، تحقيق : أحمد عمر هاشم ، بيروت : دار الكتاب العربى ، 1414 ق / 1993 م . 36. تصحيح اعتقادات الإماميّة ، محمّد بن محمّد بن نعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (336 \_ 413 ق) ، تحقيق : حسين درگاهى ، قم : المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد ، 1413 ق ، اول . 37. التعجّب من أغلاط العامّة، تحقيق: فارس حسّون كريم، قم: دار الغدير، 1412 ق، اول. 38. تفسير العيّاشى ، أبو النضر محمّد بن مسعود اسلمى السمرقندى (العيّاشى) (م 320 ق) ، تحقيق : السيّد محمّد رضا الحسينى الجلالى ، قم : دار الحديث ، 1422 ق ، اول . 39. التفضيل ، أبو الفتح محمّد بن على الكراجكى الطرابلسى (م 449 ق) ، تحقيق : مير جلال الدين الأرموى (المحدّث الأرموى) ، تهران : مؤسسة أهل البيت 1361 ش . 40. تكملة رسالة أبى غالب الزرارى فى آل أعين ، أبو عبد الله حسين بن عبيد الله الغضائرى (م 411 ق) ، شرح : السيّد محمّد على الموسوى الموحّد الأبطحى الإصفهانى .

41. التمحيص، أبو علي محمد بن همام الإسفكافي (م 336 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام. 42. التوحيد، أبو جعفر محمد بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (381 ق)، تحقيق: السيد هاشم الحسيني الطهراني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1398 ق، أول. 43. توضيح أفكار لمعاني تنقيح الأنظار، محمد بن إسماعيل (الأمير الصنعاني) (م 1182 ق)، تحقيق: أبو عبد الرحمان صلاح بن محمد بن عويضة، بيروت: دار الكتب العلمية، 1417 ق / 1997 م، أول. 44. تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخرسان وعلی الآخوندی، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1390 ق. 45. تهذيب المقال في تنقيح كتاب الرجال، السيد محمد علي الموحّد الأبطحي، قم: ابن المؤلف، 1417 ق، دوم. 46. ثلاثيات الكليني، أمين ترمس العاملی، قم: دار الحديث، 1417 ق، أول. 47. جامع الأحاديث، أبو محمد جعفر بن أحمد القمني (ابن الرازي) (ق 4 ق)، تحقيق: السيد محمد الحسيني النيسابوري، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، 1413 ق، أول. 48. الجامع لأخلاق الرواي و آداب السامع، أبو بكر أحمد بن علي البغدادي (الخطيب البغدادي) (م 463 ق)، تحقيق: محمد عجاج الخطيب، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1412 ق، أول. 49. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، رضي الدين أبو القاسم علي بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، قم: مؤسسة الآفاق، 1371 ش، أول. 50. الجمل، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، قم: مكتبة داوري. 51. جواهر الكلام، محمد حسن النجفي الإصفهاني (م 1266 ق)، تحقيق: الشيخ محمود القوجاني، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1367 ش، سوم.

52. الحافظ خطيب البغدادي وأثره في علوم الحديث، محمد طحّان، بيروت: دار القرآن الكريم، 1401 ق، أول. 53. الحدائق الناظرة في أحكام العترة الطاهرة، يوسف بن أحمد البحراني (م 1186 ق)، تحقيق: الشيخ علي الآخوندي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي . 54. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، أحمد بن عبد الله الإصفهاني (أبو نعيم) (م 430 ق)، تحقيق: سعيد بن سعد الدين خليل الإسكندراني، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1421 ق، أول. 55. خاتمة مستدرک الوسائل، ميرزا حسين النوري الطبرسي (المحدّث النوري) (م 1320 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، أول. 56. خاندان نوبختي، عباس اقبال آشتياني، تهران: طهوري، 1311 ش، أول. 57. خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)، السيّد محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م 406 ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدّسة، 1406 ق. 58. الخصال، أبو جعفر بن محمد القمّي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفّاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1403 ق. 59. خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، أبو منصور حسن بن يوسف الحلّي (العلامة) (م 726 ق)، تحقيق: جواد القيّومي، مؤسسة النشر الإسلامي، 1417 ق، أول. 60. الدروس الشرعيّة في فقه الإماميّة، محمد بن جمال الدين مكّي العاملي (الشهيد الأوّل) (734 \_ 786 ق)، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، 1412 ق، أول. 61. الدرّوع الواقية، رضی الدين أبو القاسم علي بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (589 \_ 664 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1414 ق / 1372 ش، أول. 62. دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام، و القضايا و الأحكام عن أهل بيت رسول الله، أبو حنيفة النعمان بن محمد التميمي المغربي (م 363 ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضني، قاهرة: دار المعارف، 1393 ق / 1963 م، سوم.

- 63 . دلائل الإمامة ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري الإمامي (ق 5 ق) ، تحقيق : مؤسسة البعثة ، قم : مؤسسة البعثة ، 1413 ق ، أول .
- 64 . الذريعة إلى تصانيف الشيعة ، محمد محسن بن علي المنزوي (آقا بزرك الطهراني) (م 1348 ق) ، بيروت : دار الأضواء ، 1403 ق ، سوم .
- 65 . الرجال (رجال ابن داود) ، الحسن بن علي الحلبي (ابن داود) (647 \_ 707 ق) ، نجف : المكتبة الحيدرية ، 1392 ق / 1972 م .
- 66 . رجال السيد بحر العلوم (لفوائد الرجالية) ، السيد محمد مهدي بحر العلوم الطباطبائي (1155 \_ 1212 ق / 1742 \_ 1798 م) ، تحقيق : محمّد صادق بحر العلوم ، تهران : مكتبة الصادق ، 1363 ش ، أول .
- 67 . رجال الطوسي ، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق) ، تحقيق : جواد القمي الإصفهاني ، قم : مؤسسة النشر الإسلامي ، 1415 ق ، أول .
- 68 . الرسائل العشر ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (شيخ الطوسي) (م 460 ق) ، قم : مؤسسة النشر الإسلامي .
- 69 . رسالة حول الحديث نحن معاصر الأنبياء لا نورث ، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (336 \_ 413 ق) ، بيروت : دار المفيد ، 1414 ق ، دوم .
- 70 . رسالة حول خبر مارية ، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (336 \_ 413) ، تحقيق : مهدي الصباحي .
- 71 . رسالة في معنى المولى ، محمد بن محمد بن نعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (336 \_ 413 ق) ، تحقيق : مهدي نجف ، بيروت : دار المفيد ، 1414 ق ، دوم .
- 72 . الرسالة المستطرفة ، محمد بن جعفر الكتاني (م 1345 ق) ، بيروت : دار البشائر الإسلامية ، 1414 ق ، پنجم .
- 73 . الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية ، مير محمد باقر الحسيني الإستر آبادي (مير داماد) (م 1041 ق) ، قم : مكتبة آية الله المرعشي النجفي ، 1405 ق ، أول .

74. روض الجنان فى شرح إرشاد الأذهان ، زين الدين بن على الجبعى العاملى الشامى (الشهيد الثانى) (911\_ 966ق) ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، لإحياء التراث . 75 . روضة الواعظين ، محمّد بن الحسن الفتّال النيسابورى (م 508ق) ، مقدّمه : السيّد محمّد مهدي الخرسان ، قم : منشورات الرضى . 76 . سعد السعود ، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلىّ (ابن طاووس) (م 664ق) ، نجف : المكتبة الحيدرية ، 1369 ق / 1950 م ، أوّل . 77 . سماء المقال فى علم الرجال ، أبو الهدى الكلباسى (م 1356ق) ، تحقيق : السيّد محمّد الحسينى القزوينى ، قم : مؤسسة وليّ العصر عليه السلام للدراسات الإسلامية ، 1419 ق ، أوّل . 78 . سنن الدار قطنى ، على بن عمر البغدادى (الدار قطنى) (م 285ق) ، تحقيق : أبو الطيّب محمّد آبادى ، بيروت : عالم الكتب ، 1406 ق ، چهارم . 79 . السنن الكبرى ، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقى (م 458ق) ، تحقيق : محمّد عبد القادر عطاء ، بيروت : دار الكتب العلمية ، 1414 ق ، أوّل . 80 . سير أعلام النبلاء ، أبو عبدالله محمّد بن أحمد الذهبى (م 748 ق / 1374 م) ، تحقيق : شُعيب الأرنؤوط و حسين الأسد ، بيروت : مؤسسة الرسالة ، 1413 ق / 1993 م ، نهم . 81 . شرح الأخبار فى فضائل الأئمّة الأطهار ، أبو حنيفة النعمان بن محمّد المغربى (القاضى أبو حنيفة) (م 363ق) ، تحقيق : السيّد محمّد الحسينى الجلالى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، 1412 ق ، أوّل . 82 . شعب الإيمان ، أحمد بن الحسين البيهقى (م 485ق) ، تحقيق : أبو هاجر محمّد السعيد بسيونى زغلول ، بيروت : دار الكتب العلمية ، 1410 ق ، أوّل . 83 . شناخت و تحليل مكتب حديثى قم از آغاز تا قرن پنجم ، رساله دكتورى محمّد رضا جبّارى ، استاد راه نما : دكتور محمّدباقر حجّتى ، استاد مشاور : دكتور محمّد على مهدوى راد و دكتور نهىلا غروى نايينى ، دانشكده علوم انسانى دانشگاه تربيت مدرّس ، 1379 ش



84. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، محمد بن أحمد بن حبان (م 354 ق)، ترتيب: علي بن بلبان الفارسي (م 739 ق)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1414 ق، دوم. 85. الصراط المستقيم إلى مستحقّي التقديم، أبو محمد علي بن يونس النباطي البياضي (م 877 ق)، تحقيق: محمد باقر البهبودي، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، 1384 ق، أول. 86. الصوارم المهرقة في جواب الصواعق المحرقة، القاضي نور الله التستري المرعشي (956 \_ 1019 ق)، تحقيق: مير جلال الدين الأرموي (المحدث الأرموي)، تهران: نهضت، 1358 ش. 87. طب الأئمة عليهم السلام، ابنا بسطام النيسابوريان، مقدّمه: السيّد محمد مهدي الخراسان، قم: منشورات الرضى، 1363 ش، دوم. 88. الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، رضى الدين أبو القاسم علي بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (م 664 ق)، قم: مطبعة الخيام، 1400 ق، أول. 89. علل الشرائع، أبو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، نجف: المكتبة الحيدرية، 1385 ق / 1966 م. 90. علم الحديث ودراية الحديث، كاظم مدير شأنه جى، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1372 ش. 91. علوم الحديث (مقدّمه ابن صلاح)، أبو عمرو ثمان بن عبد الرحمان الشهرزورى (ابن صلاح) (577 \_ 643 ق)، تحقيق: نورالدين عتر، مدينه: مكتبة العلمية، 1972 م، دوم. 92. عيون أخبار الرضا عليه السلام، أبو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: حسين الأعلّمى، بيروت: مؤسسة الأعلّمى للمطبوعات، 1404 ق / 1984 م، أول. 93. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب (ق 5 ق)، تحقيق: محمد كاظم الكتبي، نجف: المطبعة الحيدرية، 1369 ق / 1950 م.

- 94 . غاية المرام و حجة الخصام فى تعيين الإمام من طريق الخاص و العام ، السيد هاشم بن إسماعيل البحرانى (م 1107 ق) ، تحقيق : السيد على عاشور ، بيروت : مؤسسة التاريخ العربى ، 1422 ق . 95 . غرر الفوائد و درر القلائد (الأمالى فى التفسير و الحديث و الأدب) ، أبو القاسم على بن الحسين الموسوى (السيد المرتضى) (م 436 ق) ، تحقيق : السيد محمد بدر الدين النعسانى ، قم : مكتبة آية الله المرعشى النجفى ، 1403 ق . 96 . الغيبة ، ابن أبى زينب محمد بن إبراهيم الكاتب النعمانى (م 350 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، تهران : مكتبة الصدوق . 97 . الغيبة ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، تحقيق : عباد الله الطهرانى و على أحمد ناصح ، قم : مؤسسة المعارف الإسلامية ، 1411 ق ، أول . 98 . فتح الأبواب بين ذوى الألباب و بين ربّ الأرباب فى الاستخارات ، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّى (ابن طاووس) (589 \_ 664 ق) ، تحقيق : حامد الخفّاف ، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، 1409 ق / 1989 م ، أول . 99 . فتح المغيث بشرح ألفية الحديث للعراقى ، أبو عبد الله محمد بن عبد الرحمان السنخاوى (813 \_ 902 ق) ، تحقيق : على حسين على ، دار الإمام الطبرى ، 1412 ق / 1992 م ، دوم . 100 . فرائد الأصول (الرسائل) ، الشيخ مرتضى الأنصارى (1214 \_ 1281 ق) ، بيروت : مؤسسة الأعلمى للمطبوعات ، 1411 ق / 1991 م ، أول . 101 . فرج المهموم فى تاريخ علماء النجوم ، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلنى (ابن طاووس) (م 664 ق) ، قم : منشورات الشريف الرضى . 102 . فرحة الغرّ فى تعيين قبر أمير المؤمنين على عليه السلام ، عبد الكريم بن طاووس الحسنى (م 693 ق) ، تحقيق : السيد تحسين آل شبيب الموسوى ، قم : مركز الغدير للدراسات الإسلامية ، 1419 ق / 1998 م ، أول .

- 103 . فضائل الأشعر الثلاثة ، أبو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : غلامرضا عرفانيان ، دار المحجة البيضاء و دار الرسول الأكرم ، 1412 ق ، دوم . 104 . فهرس أسماء مصنفى الشيعة (رجال النجاشي) ، أبو العباس أحمد بن النجاشي الأسدي الكوفي (372\_ 450 ق) ، تحقيق : السيد موسى الشيرازي الزنجاني ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى . 105 . الفهرست ، أبو الفرج محمد بن إسحاق (ابن النديم) (م 380 ق) ، ترجمه و تحقيق : محمد رضا تجدد ، تهران : امير كبير ، 1366 ش ، سوم . 106 . الفهرست ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق) ، تحقيق : السيد جواد القمي الإصفهاني ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، 1417 ق ، أول . 107 . فهرس التراث ، محمد حسين الحسيني الجلالى ، تحقيق : محمد جواد الحسيني الجلالى ، قم : دليل الإسلامى ، 1412 ق ، أول . 108 . الفهرست ، منتجب الدين علي بن بابويه الرازى (ق 6 ق) ، تحقيق : السيد جلال الدين الأرموى (المحدث الأرموى) ، قم : مكتبة آية الله المرعشى النجفى ، 1366 ش . 109 . الكافئة فى إبطال توبة الخاطئة ، محمد بن محمد بن نعمان العكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (336\_ 413 ق) ، تحقيق : علي أكبر زمانى نژاد ، قم : المؤتمر العالمى لأفية الشيخ المفيد ، 1413 ق . 110 . الكافي ، أبو جعفر محمد بن يعقوب الكليني الرازى (م 329 ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفارى و الشيخ محمد الآخوندى ، تهران : دار الكتب الإسلامية ، 1388 ق ، سوم . 111 . كامل الزيارات جعفر بن محمد القمي (ابن قولويه) (م 367 ق) ، جواد القمي ، قم : نشر الفقاهة ، 1417 ق ، أول . 112 . كتاب خانه ابن طاووس و احوال و آثار او ، اتان گلبرگ ، ترجمه : سيد علي قرائى و رسول جعفریان . 113 . كتاب من لا يحضره الفقيه ، أبو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفارى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، سوم .

114 . كشف الحجب و الأستار عن أسماء الكتب و الأسفار ، السيّد إعجاز حسين النيسابورى الكنتورى (1286 \_ 1340 ق) ، قم : مكتبة آية الله المرعشى النجفى ، 1409 ق . 115 . كشف المحجّة لثمرة المّهجة ، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّى (ابن طاووس) (م 664 ق) ، نجف : المطبعة الحيدرية ، 1370 ق / 1950 م . 116 . كفاية الأثر فى النصّ على الأئمة الإثنى عشر ، أبو القاسم على بن محمّد الخزّاز القمّى (ق 4 ق) ، تحقيق : السيّد عبد اللطيف الحسينى الكوه كمرى ، قم : بيدار ، 1401 ق . 117 . كليات فى علم الرجال ، جعفر السبحانى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، 1416 ق ، سوم . 118 . كمال الدين و تمام النعمة ، أبو جعفر محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسة النشر الإسلامى ، 1405 ق ، أوّل . 119 . لسان الميزان ، أبو افضل أحمد بن على بن حجر العسقلانى (م 825 ق) ، بيروت : مؤسسة الأعلّمى للمطبوعات ، 1390 ق / 1971 م ، دوم . 120 . لؤلؤة البحرين فى الإجازات و تراجم رجال الحديث ، يوسف بن أحمد البحرانى (م 1186 ق) ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث . 121 . مئة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة من ولده ، محمّد بن أحمد القمّى (ابن شادان) (ق 5 ق) ، قم : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ، 1407 ق ، أوّل . 122 . المعجازات النبويّة ، محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م 406 ق / 1015 م) ، تحقيق و شرح : طه محمّد الزينى ، قم : مكتبة بصيرتى . 123 . المجتنى من الدعاء المجتبى ، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحلّى (ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : صفاء الدين البصرى ، مشهد : مجمع البحوث الإسلامىة ، 1413 ق . 124 . مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان ، أحمد الأردبيلى (م 993 ق) ، تحقيق : مجتبى العراقى و على پناه الإشتهاردى و حسين اليزدى الإصفهانى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى .

- 125 . المحتضر ، حسن بن سليمان الحلّي (زنده در اوایل ق 9 ق) ، نجف : المطبعة الحيدرية ، 1370 ق / 1951 م ، أول . 126 . مختصر بصائر الدرجات ، محمّد بن الحسن الصفّار القمّي (ابن فرّوخ) (م 290 ق) ، اختصار : حسن بن سليمان الحلّي (ق 8 ق) ، نجف : المطبعة الحيدرية ، 1370 ق / 1950 م ، أول . 127 . مختلف الشيعة في أحكام الشريعة ، أبو منصور حسن بن يوسف الحلّي (العلامة) (م 726 ق) ، تحقيق : مؤسسة النشر الإسلامي ، قم : مؤسسة النشر الإسلامي ، 1412 ق ، أول . 128 . مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج على البشر ، هاشم بن سليمان البحراني (م 1107 ق) ، تحقيق : عزّة الله المولائي الهمداني ، قم : مؤسسة المعارف الإسلامية ، 1413 ق ، أول . 129 . المزار الكبير ، محمّد بن جعفر المشهدى (ق 6 ق) ، تحقيق : جواد القيومي الإصفهاني ، قم : مؤسسة النشر الإسلامي ، 1419 ق ، أول . 130 . المزار ، محمّد بن جمال الدين مكّي العاملي (الشهيد الأول 734 786 ق) ، تحقيق : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ، 1410 ق ، أول . 131 . المزار ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (336 \_ 413 ق) ، تحقيق : السيد محمّد باقر الأبطحي ، قم : المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد ، 1413 ق ، أول . 132 . المسائل الصاغانية ، محمّد بن محمّد النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 406 ق) ، تحقيق : السيّد محمّد القاضي ، قم : المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد ، 1413 ق ، أول . 133 . مسرّ الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (336 \_ 413 ق) ، تحقيق : مهدي نجف ، دار المفيد ، 1414 ق ، دوم .

- 134 . مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل ، ميرزا حسين النورى الطبرسى (م 1320 ق) ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، 1407 ق ، أول . 135 . المسترشد فى إمامة أمير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى الإمامى (ق 5 ق) ، تحقيق : أحمد المحمودى ، تهران : مؤسسة الثقافة الإسلامية لكوشانبور ، 1415 ق ، أول . 136 . مشايخ الثقات ، ميرزاغلامرضا عرفانيان ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، 1417 ق ، أول . 137 . مصادر الاستنباط بين الأصوليين والأخباريين ، محمد عبد الحسن محسن الغراوى ، قم : نشر مكتب الإعلام الإسلامى ، 1413 ق ، أول . 138 . مصادقة الإخوان ، أبو جعفر محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : السيد على الخراسانى ، قم : عشقعلی ، 1402 ق / 1982 م . 139 . مصباح المتهجد ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (385 \_ 460 ق) ، بيروت : مؤسسة فقه الشيعة ، 1411 ق ، أول . 140 . معالم العلماء ، أبو عبد الله محمد بن على المازندراني (ابن شهر آشوب) (488 \_ 588 ق) ، نجف : المبعة الحيدرية ، 1380 ق . 141 . معانى الأخبار ، أبو جعفر محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، 1361 ش . 142 . معجم البلدان ، شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الحَمَوى الرومى (م 626 ق) ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1399 ق ، أول . 143 . معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة ، السيد أبو القاسم الموسوى الخوئى (م 1413) ، 1413 ق / 1992 م ، پنجم . 144 . معجم المؤلفين ، عمر رضا كحالة ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، 1376 ق . 145 . معدن الجواهر و رياضة الخواطر ، أبو الفتح محمد بن على الكراچكى الطرابلسى (م 449 ق) ، تحقيق : السيد أحمد الحسينى ، قم : مهر استوار ، 1394 ق ، دوم .

- 146 . معرفة الحديث ، محمد باقر البهبودي ، تهران : علمى وفرهنگى ، 1362 ش ، أول . 147 . معرفة علوم الحديث ، محمد بن عبد الله الحاكم النيسابورى (م 405 ق) ، تحقيق : السيد معظم حسين ، قاهره : مكتبة المتنبى . 148 . مقتضب الأثر فى النصّ على الأئمة الإثنى عشر ، أحمد بن عبيد الله بن العياش الجوهري (م 401 ق) ، قم : مكتبة الطباطبائى . 149 . المقنع ، محمد بن على بن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : مؤسسة الإمام الهادى عليه السلام ، قم : مؤسسة الإمام الهادى عليه السلام ، 1415 ق . 150 . مناقب آل أبى طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، أبو عبد الله محمد بن على المازندراني (ابن شهر آشوب) (م 588 ق) ، نجف : المطبعة الحيدرية ، 1376 ق / 1956 م . 151 . المناقب ، الموفق بن أحمد بن محمد المكى الخوارزمى (م 586 ق) ، تحقيق : مالك المحمودى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، 1411 ق ، أول . 152 . منتهى المطلب فى تحقيق المذهب ، أبو منصور حسن بن يوسف الحللى (العلامة) (م 726 ق) ، تحقيق : مجمع البحوث الإسلامية ، مشهد : مجمع البحوث الإسلامية ، 1412 ق ، أول . 153 . ميزان الاعتدال فى نقد الرجال ، أبو عبد الله محمد بن أحمد الذهبى (م 748 ق) ، تحقيق : على محمد البجاوى ، بيروت : دار المعرفة . 154 . ناسخ الحديث و منسوخه ، ابن شاهين البغدادي (م 385 ق) ، تحقيق : كريمة بنت على ، بيروت : دار الكتب العلمية ، 1420 ق ، أول . 155 . نقد الرجال ، مصطفى بن حسين الحسينى التفرشى (ق 11 ق) ، تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، 1418 ق . 156 . نوادر المعجزات فى مناقب الأئمة الهداة ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى الإمامى (ق 5 ق) ، تحقيق : مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام ، 1410 ق ، أول .

- 157 . نهاية الدراية فى شرح الرسالة الموسومة بالوجيزة للبهائى ، السيد حسن الصدر ، تحقيق : ماجد الغرباوى ، تهران : مشعر . 158 .  
 الوافية فى تعيين الفرقة الناجية ، إبراهيم بن سليمان القطيفى البحرانى (م 590 ق) ، تحقيق : محمود الغريفى ، مشهد : دار حفظ التراث  
 البحرانى ، 1418 ق . 159 . وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة ، محمد بن الحسن الحرء العاملى (م 1104 ق) ، تحقيق : عبد  
 الرحيم الربانى الشيرازى ، قم : مكتبة الإسلامية ، 1367 ، ششم . 160 . وصول الأخبار إلى أصول الأخبار ، حسين بن عبد الصمد  
 العاملى (الشيخ البهائى) (918 \_ 984 ق) ، تحقيق : السيد عبد اللطيف الكوه كمرى ، قم : مجمع الذخائر الإسلامية ، 1041 ق . 161 .  
 الهداية ، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : مؤسسة الإمام الهادى عليه السلام ، 1418 ق ، أول .  
 162 . اليقين فى إمره أمير المؤمنين ، رضى الدين أبو القاسم على بن موسى الحللى (ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : محمد باقر  
 الأنصارى ، قم : مؤسسة دار الكتاب (جزائرى) ، 1413 ق ، أول .



## تاریخ حدیث شیعه در سده های ششم و هفتم

### اشاره

تاریخ حدیث شیعه در سده های ششم و هفتم محمد کاظم رحمتی

.



مقدمه پژوهشی را که بتواند به نحوی خواننده را با چرایی و چگونگی انجام شدن آن و نیز سؤالات بعدی قابل تحقیق، آشنا کند، می توان تحقیقی کامیاب دانست. نوشته حاضر، بر آن است تا وضعیت حدیث شیعه در دو قرن ششم و هفتم را ترسیم کند. نخست، لازم است به اختصار درباره منابع مهم این تحقیق، توضیحاتی ارائه شود. از مهم ترین مصادر این تحقیق، آثار رجالی شیعه، بخصوص کتاب فهرست علماء شیعه ی منتجب الدین رازی (از آثار قرن ششم) است. این اثر، مدرک مهمی از جامعه شیعه ری در دو قرن پنجم و ششم است، که به نحو مستقل (نخست به کوشش محدث ارموی و بار دوم به تحقیق مرحوم سیّد عبد العزیز طباطبایی) چاپ شده و افندی در بخش اجازات بحار الأنوار \_ که از الحاقات وی به بحار است \_ متن کامل آن را آورده است. همچنین برای اطلاع از فهرست برخی آثار نگاشته شده به وسیله علمای امامی این دوره، می توان به این کتاب رجوع نمود. کتاب معالم العلماء ابن شهر آشوب، دیگر اثر رجالی این دوره است که اطلاعات هر چند اندک، اما مهمی از رجال شیعه قرن ششم، در بر دارد. کتاب شناسی الذریعة إلی تصانیف الشیعة ی آقا بزرگ تهرانی که بر اساس الفبایی مرتب شده است، اطلاعات تقریباً جامعی در معرفی آثار شیعه در بر دارد. آقا بزرگ در ذیل معرفی کتب، اطلاعات موجود درباره مؤلف آنها را از منابع متعدد آورده است. همچنین موسوعه رجالی آقا بزرگ یعنی طبقات أعلام الشیعة، فهرست کاملی از عالمان امامیه را در بر دارد. دو مجلد از این مجموعه با عنوان های: «تقات العیون فی

سادس القرون» و «الأنوار الساطعة في المئة السابعة»، به معرفی عالمان و رجال شیعه در قرن ششم و هفتم اختصاص دارند. اجازات ذکر شده در مجلّات آخر بحار الأنوار، به دلیل آگاهی های منحصر به فردی که در خود دارند، دارای اهمّیت فراوانی برای این تحقیق اند. از طریق این اجازات، می توان به نکات زیر آگاهی یافت: 1. مراکز علمی شیعه در قرن ششم و هفتم، 2. کتاب ها و آثار متداول در جامعه امامیه، 3. شیوخ اجازه روایت. جامع ترین این اجازات، اجازه علامه حلّی به بنو زهره است که اطلاعات مهمی از این دست دارد. کتاب رجال ریاض العلماء و حیاض الفضلاء افندی نیز \_ گرچه اثری از دوره صفویه است \_ اطلاعات مفیدی در بر دارد. افندی که خود، کتاب شناسی ذوفنون بوده است، اطلاعات فراوانی از نسخه های خطّی زمانش را با گزارش اسناد اجازات \_ که گاه بر نسخه ها بوده \_، آورده است. از مآخذ مهم رجالی قرن هفتم، آثار رجالی ابن ابی طی، عالم امامی قرن ششم و هفتم است که در صورت یافت شدن، می تواند آگاهی های مفیدی درباره تشیّع حلّه \_ که آغاز درخشش آن، در قرن ششم و هفتم است \_ در اختیار ما قرار دهد. (1) همین جا باید اشاره نمود که بررسی وضعیت شیعه در حلّه، خود، نیاز به تحقیق جدایی دارد که تا به حال، چندان توجّه محققان را به خود جلب نکرده است و در تحقیق کنونی، تنها با توجّه به وضعیت حدیثی شیعه در این شهر، گزارشی آمده است. (2)

1- آقای رسول جعفریان، بازمانده هایی از این کتاب را که در منابع بعدی نقل شده است، استخراج کرده و با عنوان الحاوی فی رجال الشیعة الإمامیة منتشر کرده است.

2- اطلاعات منحصر به فردی از این دست، در کتاب مجمع الآداب ابن فوطی، وجود دارد. گزارش تاریخی از جامعه شیعه در قرن ششم و هفتم را آقای رسول جعفریان در کتاب تاریخ تشیّع در ایران آورده که به دلیل جامعیت، خوانندگان، ناگزیر از رجوع به آن هستند. گفتنی است که آقایان محمّد حاجی تقی و محمّد امین حسین پوری، دو اثر مستقل در موضوع مکتب حلّه در دست تدوین دارند.

قرن ششم و هفتم از نظر علمی، تنها دوره گذار برای جامعه امامیه است. میراث حدیثی شیعه که در قرن دوم و سوم در کوفه به صورت تدوین اصول و مجامع اولیه حدیثی شکل گرفته بود، در قم و بغداد مبنایی برای تألیف آثار مفصل تر، چون کتب اربعه (الکافی، کتاب من لایحضره الفقیه، الاستبصار و تهذیب الأحکام) گردید. در قرن چهارم، تلاش های شیخ مفید و انتقال میراث حدیث شیعه به نسل برجسته بعد از خود، بخصوص عالمانی چون شیخ طوسی و سید مرتضی، پیش زمینه ای برای شکل گیری حوزه نجف گردید. ورود سلجوقیان و مهاجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف، مهم ترین حادثه در تاریخ شیعه در قرن پنجم است. تشیع با تأسیس حله در اواخر قرن پنجم، با وضعیت مطلوبی روبه رو شد. خاندان شیعی بنو مزید، محیطی مطلوب برای عالمان شیعی پدید آوردند. با این حال از حیث علمی، قرن ششم، آغاز دوره رکود جامعه شیعه بود و این رکود در قرن هفتم نیز تداوم یافت. تنها استثنای مهم در قرن هفتم، رضی الدین ابن طاووس، عالم پُر اثر امامی است که در آثار مختلف خود، اطلاعات گران بهایی از میراث حدیثی امامیه را حفظ کرده است. بر خلاف اهل سنت، تلقی خاص عالمان امامی از حدیث، مانع از پدید آمدن علوم متداول حدیثی در میان شیعیان شد. هم و غم عالمان امامی در این دوره، تنها گردآوری مجموعه های حدیثی بر اساس متون قدیمی بوده و به دلیل متداول بودن کتب حدیثی، متن های حدیثی مُرسَل فراوانی، چه در حوزه اهل سنت و چه شیعه، پدید آمده است. با این حال، همین متون، نکاتی در بر دارند که می توانند ما را در فهم برخی نظرات حدیثی عالمان امامی، یاری دهند. ویژگی خاص قرن ششم و تا حدی قرن هفتم، تألیف آثار فراوانی در مناقب نویسی ائمه است.

فصل های این تحقیق، چنین ارائه شده است: نخست، گفتار کوتاهی درباره وضعیت فرهنگی جهان اسلام آمده و به اختصار از وضعیت حوزه های حدیثی اهل سنت، زیدیه و اباضیه سخن رفته است. در قرن ششم، مهم ترین حادثه منحصر به فرد جهان اسلام، انتقال میراث زیدیه از ایران و عراق به یمن است. شخصیت کلیدی در این حادثه، قاضی جعفر بن احمد بن عبد السلام مسوری است. همچنین مهم ترین متن حدیثی اباضیه، در این زمان تدوین شده است. قابل ذکر است که از اواخر قرن ششم، مراکز علمی به نام «دار الحدیث» در جهان اهل سنت شکل گرفته اند. مهم ترین حوزه های حدیثی این دو قرن، نخست شهر ری در قرن ششم است و بعد از آن در قرن هفتم، شهر حله اهمیت محوری دارد. با این حال نباید از خاطر برد که در دیگر شهرها چون قم و بغداد نیز مطمئناً عالمان امامیه حضور داشته اند. دوم، شرح حال و آثار شخصیت های علمی شیعه این دو قرن، بیان شده و در دو بخش مجزا، از محدثان شیعی این دو قرن، سخن رفته است. در این جا لازم است به نکته مهمی اشاره گردد. دو کتاب اصول فقه متداول در آن دوره، یعنی الذریعة إلى أصول الشریعة ی سید مرتضی (م 436 ق) و عُدّة الأصول شیخ طوسی (م 460 ق)، حاوی مباحث مهمی در علم الحدیث اند. فی المثل، مباحثی چون نسخ و احکام آن (نسخ کتاب به کتاب، نسخ سنت به کتاب و یا نسخ کتاب به سنت)، بحث از اقسام خبر، خبر واحد، اجماع، و تحمّل روایت (مناوله، اجازه، سماع)، بحث از وجوب یا عدم وجوب پیروی از عمل پیامبر، و بحث از ویژگی متحمّل حدیث و نیز الفاظ روایت، در کتاب سید مرتضی، نزدیک ترین مباحث به علم الحدیث اند. (1)

---

1- ر. ک: الذریعة إلى أصول الشریعة. گفتنی است عماد الدین طبری، شرح مسائل الذریعة را در شرح این کتاب و سید کمال الدین مرتضی مرعشی (از مشایخ منتجب الدین) نیز شرح دیگری بر آن نگاشته است (ر. ک: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج 10، ص 26).

تفصیل برخی مطالب دیگر نیز در آثار شیخ طوسی، قابل توجه است. به عنوان نمونه، شیخ طوسی بحث مبسوطی در باب خبر واحد آورده و در ضمن آن، به طرح این نکته پرداخته که: چرا باید اخبار رجال واقفی، غلات و یا کسانی را که راوی اخبار جبر و تشبیه هستند، بپذیریم؟ این مباحث برای آشنایی با ذهنیت حدیثی شیعه، مفید است؛ اما بحث از آنها به دلیل تألیف این آثار در قرن پنجم، از حوزه این پژوهش، خارج است. خواننده بصیر تنها باید بداند که عدم وجود تألیف کتاب خاصی در علم الحدیث، به معنای نبود مباحث این گونه در میان امامیه نیست و به نحو پراکنده می توان چنین موضوعاتی را در آثار مختلف امامی پیدا نمود. (1) از ویژگی های متون حدیثی امامیه در قرن ششم و هفتم، تخریج روایات از آثار کهن تر امامیه در تألیف متون نگاشته شده است. (2) تخریج الحدیث، نقل حدیث از منبعی است که فرد راوی، آن را از استاد خود به یکی از روش های تحمّل حدیث، روایت کرده است. اهمیت این نقل قول ها در آن است که گاه، برخی از آثار تألیف شده در قرن ششم و هفتم، تنها، تخریج کتابی کهن (یعنی نقل احادیثی از يك اثر قدیمی تنها با اسناد مختلف از مؤلف اصلی) به وسیله مؤلفان این قرون است.

1- بحث کوتاهی از این دست را شیخ طوسی در کتاب الاستبصار نیز آورده است.

2- برای آگاهی بیشتر از مفهوم «تخریج» در علوم حدیث، ر. ک: دانش نامه جهان اسلام، ج 6 ص 726 و 727 مدخل «تخریج» (به قلم مجید معارف) و برای دیدن بحثی در شیوه شناسایی متون تخریج شده، ر. ک: «دو کتاب به روایت شیخ صدوق»، محمّد کاظم رحمتی، کتاب ماه دین، ش 66\_67، فروردین\_ اردیبهشت 1382، ص 61\_67.





## فصل یکم: وضعیت فرهنگی \_ اجتماعی در قرن ششم و هفتم

### مراکز علمی در قرن ششم و هفتم

فصل یکم: وضعیت فرهنگی \_ اجتماعی در قرن ششم و هفتم مراکز علمی در قرن ششم و هفتم وضعیت سیاسی جهان اسلام در پی ورود ترکان سلجوقی در سال 428 ق به ایران و نقش مهمی که این تحوّل در اواخر قرن پنجم و بخصوص در قرن ششم ایفا نمود و تأثیر به سزایی که در این دوره در گسترش علوم دینی چون علوم حدیث داشت، مطلبی است که به راحتی می توان آن را از خلال منابع مختلف تاریخی باقی مانده از این دوره دید. همچنین تأسیس مدارس نظامیه به وسیله خواجه نظام الملک، گرچه در راه تقویت مذهب شافعی بود، اما موجب شد که در این دوره اساساً ساخت مدارس، یکی از فعالیت های چشمگیر حاکمان گردد. (1) اواخر قرن پنجم به بعد، دوران ساخت مدارس در جهان اسلام است. در این مدارس، ضمن تدریس کتب مختلف فقهی و تفسیری، متون حدیثی نیز تدریس می شده است. (2) مهم ترین مرکز علمی جهان اسلام

- 1- برای اطلاع از مدارس نظامیه و اهمیت آنها، ر. ک: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن.
- 2- تذکر این نکته، ضروری است که بر خلاف اهل سنت، علوم حدیث (به معنای مصطلح) و نگارش آثاری چون: معرفة الحدیث و علم الحدیث، تقریباً تا قرن هفتم در میان شیعه مرسوم نبوده و شاهد خاصی بر نگارش کتابی در این باب در دست نیست و غالباً بجز برخی نقدها بر وثاقت احادیثی خاص، روایات کتب اربعه مورد پذیرش بوده است. نخستین کسی که همانند اهل سنت، روایت شیعه را تقسیم بندی نمود، جمال الدین ابن طاووس بود (ر. ک: مقدمه ای بر فقه شیعه، ص 53، پی نوشت). ظاهراً اولین متون موجود شیعی در علم الحدیث، کتاب الرعاية فی علم الدراية ی شهید ثانی (م 966 ق) و کتاب وصول الأخیار إلى أصول الأخبار حسین بن عبد الصمد عاملی (م 984 ق) هستند.

از اواخر قرن سوم به بعد تا قبل از حمله مغولان، شهر نیشابور بوده است. این شهر در دوره گسترش خود، یکی از مهم ترین مراکز علمی جهان اسلام به شمار می رفته است. مؤید این نکته، وجود مدارس فراوان در این شهر است. 1 شهر بغداد نیز از جمله مراکز علمی مورد توجه این دوره است. در این شهر، دو گروه مهم شیعه و حنابله، حضور چشمگیری داشته اند، گرچه شهر بغداد، بعد از به آتش کشیده شدن کتاب خانه شاپور و مهاجرت شیخ طوسی به نجف، مرکزیت علمی خود را برای حوزه شیعه از دست داد. تقریباً در اواخر قرن پنجم بود که شهر نجف، مرکزیت علمی جهان تشیع را به دست آورد. در اواخر قرن پنجم، در حدود سال 495 ق، امیر شیعی مذهب، صدقه بن منصور دیسی (مؤسس سلسله آل مزید)، شهر حله را تأسیس نمود. (1) این شهر به زودی، یکی از مراکز مهم امامیه شد. (2) البته قبل از رونق گیری شهر حله، شهرری با داشتن

- 
- 1- معجم البلدان، ذیل «حله»؛ دائرة المعارف اسلام 2 (EI)، ذیل «حله». اطلاعات ذکر شده در دائرة المعارف اسلام، تلخیصی از گفته های یاقوت است.
- 2- برای اطلاع از مراکز مهم شیعی و شیوخ اجازه در این قرن به طور کلی، ر. ک: بحار الأنوار، ج 104، ص 47\_50.

مدارس متعدّد، نقش مهمی در ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام ایفا نمود. شهرری، بعد از مهاجرت شیخ صدوق به آن جا، مرکزی برای اشاعه معارف اهل بیت بوده است. گفتنی است که قرن ششم، دوره سیطره افکار و آرای شیخ طوسی است. این را می توان از نگاهی به فهرست مؤلفان امامی قرن ششم دریافت که غالباً نزد شاگردان شیخ، تلمذ کرده اند. مهم ترین منبعی که اطلاعات ریز تاریخی همراه با شمایی از وضعیت فکری شیعه را در اختیار ما قرار می دهد، کتاب فارسی بعضی مطالب النواصب فی نقض کتاب فضائح الروافض عبد الجلیل قزوینی (مشهور به کتاب نقض) است. (1) این کتاب پاسخی است به کتاب فضائح الروافض، نوشته نویسنده ای از اهل سنت که ادعا نموده در آغاز، شیعه بوده و سپس به تستن گرویده است. سواى نکات فراوان و جالبی که در کتاب قزوینی عرضه شده است، آنچه برای ما در این جا اهمّیت دارد، گزارش های او در مورد مدارس شیعه است. (2) این گزارش ها، تنها شواهد موجود فعلی از حضور چشمگیر تشیع در شهرری در قرن ششم است. قزوینی در پاسخ به گفته مؤلف فضائح \_ که گفته: «و به روزگار سلطان ملک شاه و سلطان محمد \_ قدس الله روحهما \_ نگذاشتندی که اینان مدرسه و خانقاه سازند» \_ اطلاعات جالبی از مدارس شهرری ارائه نموده، می نویسد: اما جواب این کلمه که از وجوه، دفع ضروری کرده است، آن است که نمی دانم که به کدام بقعه اشارت می کند. اگر به تحصیر و تعدید مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای حلب و حرّان و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه، که «مدارس چند است و کی بوده است و اوقاف چند دارد؟»، طومارات کتب خواهد؛ اما از برای دفع شبهت را اشارتی برود به شهر ری که منشأ و مولد این قائل است:

1- در مورد عبد الجلیل قزوینی، ر. ک: مقدمه نقض.

2- برای دستیابی به گزارش تفصیلی از این کتاب، ر. ک: اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری، ص 13 \_ 62.

اولاً، مدرسه بزرگ سید تاج الدین محمد کیسکی \_ رحمه الله \_؛ کلاهدوزان که مبارک شرقی فرموده است و قرب نود سال است که در آن جا ختمات قرآن و نماز به جماعت هر روز پنج بار و مجلس و عظم هر یک هفته دو بار و یک بار و در این مدرسه موضع مناظره و نزول مصلحان در آن جا ... باشند ... و ... مدرسه شمس الاسلام حسکا بابویه که پیر این طایفه بود که نزدیک سرای ایالت است ... و دیگر، مدرسه ای میان این دو مدرسه که تعلق به سادات کیسکی دارد ... و مدرسه ای به دروازه آهنین که منسوب به سید زاهد بلفتوح ... و مدرسه فقیه علی جاسبی به کوی اصفهانیان ... و مدرسه خواجه عبد الجبار مفید که چهارصد مرد فقیه و متکلم، در آن مدرسه درس شریعت آموختند ... (1) از دیگر مسائل جالب توجهی که قزوینی به آنها اشاره کرده، نکاتی درباره وضعیت فکری جامعه شیعیان است . از نظر رویکرد به حدیث، دو نوع تفکر مهم در تاریخ تشیع، حضور داشته است: نخست، تفکر حدیث گرا یا اخباری و دوم، تفکر اصولی . اخباری گری که گرایش اغلب محدثان امامی بود، بر پیروی محض از احادیث، تأکید داشت و کاربرد استدلال های عقلی را در نقد و جرح احادیث، بر نمی تافت . این گروه از عالمان شیعه خود به دو دسته معتدل و افراطی تقسیم شده اند: گروه اول، آنان که بر اساس ضوابطی، هر حدیثی را نمی پذیرفتند، و گروه دوم، آنان که طرفداران بی قید و شرط احادیث نقل شده بودند و در منابع شیعی از آنها به حشوئیّه، مقلّده و اخباریّه و اصطلاحات مشابه، یاد شده است . عالمان اصولی، بر خلاف گروه اول، بر به کارگیری عقل در تشخیص صحت و سقم احادیث، تأکید داشته اند. این گرایش ها در میان شیعیان، به طور کلی به اخباری و اصولی، مشهور است. (2) توضیحات قزوینی در مورد این دو جریان، جالب توجه است .

1- نقض، ص 34 و 35 .

2- برای اطلاع از تفصیل مطلب، ر. ک: مقدمه ای بر فقه شیعه، ص 37 \_ 39 .

دو مسئله مهم این برهه، که نشانگر این دو رویکرد عقل‌گرا (تشیع اصولی) و نص‌گرا (تشیع اخباری) به حدیث است، عقیده درباره تعداد روزهای ماه رمضان و پذیرش و یا رد روایات ناظر به تحریف قرآن است. مؤلف فضائح در خرده‌گیری‌ای بر شیعه، نوشته است: رافضی، بر سنت مصریان رَوَد و دو روز پیش [تر] نیت ماه رمضان بکند و چون دو روز به عید مانده باشد، افطار کند و به مصر هم چنین کنند و به جدول، روزه دارند و عید، یک روز پیش تر کنند مخالفت آل عباس را. عبد الجلیل قزوینی در پاسخ این گفته، می‌نویسد: اما جواب آنچه دو روز پیش تر از رمضان روزه درگیرند، به حساب، کورتر است، که زهاد و عبّاد شیعه به دو ماه پیش تر از رمضان روزه درگیرند، اما نه به نیت ماه رمضان روزه دارند و کتب فقهای ایشان در احتیاط این مسئله و عدد رؤیت هلال ماه و عدد شهور بر اختلاف احوال، اظهر من الشمس است و به جدول و نجوم و مانند این، هرگز معترف نبوده‌اند و آن را منکر باشند و روزه گشایند و در این معنا تقیّه‌ای نتوان کردن. بلی؛ جماعتی اخباریّه که خویشتن را شیعت خوانند، این معنا مذهب ایشان بوده است و از ایشان بسی نمانده‌اند و گر جایی باشند، این معنا پنهان اصولیان کنند که علم الهدی و شیخ بو جعفر طوسی و علمای ما از متأخران بر ایشان انکار کرده‌اند... (1) یکی از شگفت‌ترین حوادثی که در این دوره اتفاق افتاده، انتقال میراث زیدی از ایران و عراق به یمن است. شخصیت کلیدی در انتقال میراث کلامی، حدیثی و فقهی زیدیه به یمن، شخصی به نام قاضی جعفر بن عبد السلام مسوری است. از آن جا که وی نقش مهمی در تاریخ زیدیه در قرن ششم ایفا کرده و مطالب خاصی در مورد وی در آثار متداول، بیان نشده است، به تفصیل بیشتری در حدّ مجال این نوشتار، به او و نکاتی درباره تدوین حدیث در میان زیدیه اشاره می‌شود.

## تدوین حدیث زیدیه

تدوین حدیث زیدیه نخستین نشانه‌ها از تدوین حدیث، در میان زیدیان کوفه قابل مشاهده است. جامعه زیدیه کوفه در قرن دوم، به دو گروه بتریه و جارودیّه تقسیم می‌شده است. گروه بتریه با همان اصول اهل سنت، به حدیث، نگاه می‌کرده و مراجعه به اقوال روایت شده از پیامبر به نقل از صحابه را امری قابل قبول می‌دانسته است. در مقابل، گروه جارودیّه، تنها به احادیث منقول از اهل بیت - البته به معنای متوسطی که از این مفهوم داشته‌اند - معتقد بوده‌اند. در نهایت نیز همین جریان در میان زیدیه تداوم یافت. قدیمی‌ترین اثر موجود میان زیدیه، مجموع الفقه منسوب به زید بن علی (م 122 ق) است. در قرن سوم، چند گرایش در میان زیدیه کوفه وجود داشته است: نخستین مکتب فقهی زیدیه قرن سوم، مبتنی بر آرای احمد بن عیسی بن زید (م 247 ق) است. آرای وی را شاگردش محمد بن منصور مرادی (م 294 ق) گردآوری کرده است. مکتب دوم، متأثر از آرای قاسم بن ابراهیم رسی بوده که بیشتر به مشرب فقهی مدینه نزدیک بوده است. تلفیق آرای این مکاتب، به دست مؤلفی زیدی به نام ابو عبد الله علوی (م 445 ق) در کتاب الجامع الکافی صورت پذیرفته است. این آثار در میان زیدیه ایران نیز رواج داشته است. هر چند عالمان زیدی ایرانی چون: المؤید بالله احمد بن حسین هارونی (م 411 ق)، ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م 424 ق)، الموفق بالله حسین بن اسماعیل شجری (م 420 ق)، فرزندش یحیی بن حسین شجری مشهور به المرشد بالله، و حاکم جشمی محسن بن کرامه (م 494 ق) و دیگران، آثار مهمی را در حدیث زیدیه تدوین کرده‌اند، اما این آثار به کوشش قاضی جعفر به یمن رسید. برخی از این آثار، امروز تنها در یمن موجود است و نسخه‌ای از آنها در ایران یافت نمی‌شود.

(1)

1- برای دستیابی به گزارشی توصیفی از متون مهم حدیثی زیدیه، ر. ک: «کتاب‌های حدیثی منتشر شده از زیدیه»، سیدعلی موسوی نژاد، علوم حدیث، ش 25، پاییز 1381، ص 156 - 186.

### قاضی جعفر و نقش وی در انتقال میراث زیدیه به یمن

قاضی جعفر و نقش وی در انتقال میراث زیدیه به یمن (1) آثار عالمان برجسته زیدیه (چون: حاکم جُشمی، المؤید بالله، و المرشد بالله) و دیگر کتب حدیثی - رجالی زیدیه، به وسیله عالمان زیدیه بخصوص حسن بن زید بیهقی، به یمن انتقال یافت. در این میان، شخصیت کلیدی زیدیه، قاضی جعفر بن احمد بن عبد السلام مسوری است. وی علاوه بر تألیف کتب کلامی متعدد، نقشی مهم در انتقال میراث زیدیه ایران به یمن داشته است. آثار حدیثی قاضی جعفر به دو صورت است: اثر تألیفی (مانند أربعین حدیث علویة که شرح چهل حدیث از مسند الإمام زید است) (2) و اثر غیر تألیفی (همانند تیسیر المطالب و أمالی قاضی عبد الجبار المعتزلی، که در حقیقت، ترتیب آثار دیگران است). نخست، اطلاعات مربوط به شرح حال قاضی جعفر و اساتید وی را مرور می‌نماییم و بعد از آن درباره تیسیر المطالب و اهمیت آن به مطالبی اشاره خواهیم کرد، گرچه این کتاب با وجود اهمیتی که دارد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. شرح حال قاضی جعفر را فقیه زیدی، صارم الدین، در کتاب طبقات الزیدیة ی خود آورده است. این گزارش، تقریباً شرح حال کاملی از این عالم برجسته زیدیه را در بر دارد. فزون تر، آن که در این شرح حال به متون متداول حدیثی، کلامی و فقهی زیدیه نیز اشاره شده است که می‌تواند سیر نگارش آثار زیدیه را در قرون گذشته نشان دهد. شمس الدین جعفر بن احمد مسوری، مشهور به قاضی جعفر، از عالمان نامدار زیدی است که در ابتدا بر مذهب اسماعیلیه بوده است. وی در تاریخ نامشخصی به

- 
- 1- برای دستیابی به گزارشی از محدثان زیدیه و تاریخ حدیث زیدیه، ر. ک: التحف شرح الزلف و لوامع الأنوار فی جوامع العلوم و الآثار و تراجم أولى العلم والأنصار. نیز جهت اطلاع از اهمیت متون زیدیه برای تاریخ حدیث امامیه، ر. ک: «زیدیه و منابع مکتوب امامیه»، حسن انصاری قمی، علوم حدیث، ش 20، تابستان 1380، ص 149 - 161؛ «معرفی جلاء الأبصار فی متون الأخبار (متنی حدیثی از میراث معتزله)»، محمد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ش 21.
  - 2- این کتاب با عنوان الأربعون العلویة و شرحها و با تحقیق عبد الفتاح الكبسی (آمان، 1423 ق) به چاپ رسیده است.

زیدیه گروید. در زمان قاضی جعفر، دو جریان مهم در میان زیدیه یمن وجود داشته است: جریان موسوم به «مطرفیه» با آرای خاص کلامی، و جریان مقابل آن، که به دلیل مخالفت با مطرفیه، به «مخترعه» مشهور است. در پی تشدید اختلاف میان این دو گروه، عالمان مخترعه، از عالمان زیدی ایران دعوت کردند تا به یمن رفته، با تدریس متون کلامی معتزله بصره، آنها را در مقابله با مطرفیه - که علاوه بر آرای خاص خود، از مکتب کلامی بغداد پیروی می کردند - یاری کنند. همچنین عالم مشهور و شریف زیدی مکه، علی بن عیسی مشهور به ابن وهاس، از فقیه و متکلم نامور زیدی ایرانی به نام زید بن حسن بیهقی بروغنی (م 551 ق) دعوت نمود تا به یمن برود. بعد از سفر بیهقی به یمن، قاضی جعفر که از عقاید مطرفیه پیروی می کرد، به مخترعه گروید. بعد از آن، قاضی جعفر به مناطق جبال و عراق سفر کرد و در پی این سفر بود که میراث حدیثی - کلامی زیدیه ایران و عراق را با خود به یمن برد. قاضی جعفر در 573 ق، درگذشت و در زادگاهش، سناع، به خاک سپرده شد. (1) یکی از مهم ترین متون حدیثی زیدیه که قاضی جعفر، در سلسله روایت آن قرار دارد، کتاب تیسیر المطالب، تألیف عالم نامدار زیدی، ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م 424 ق) است. کتاب تیسیر المطالب در اصل، امالی هارونی است. تحریر موجود این کتاب، به ترتیب قاضی جعفر است. وی کتاب را باب بندی نموده و آن را در شصت و چهار باب، منظم کرده است. (2) تا به حال، نسخه ای از اصل کتاب، یافت

- 
- 1- برای اطلاع از شرح حال قاضی جعفر، ر. ک: طبقات الزیدیة الكبرى (بلوغ المراد إلى معرفة الأسناد)، ج 1، ص 273\_278.
  - 2- قاضی جعفر، اشاره کرده که چیزی به متن کتاب نیفزوده است: «تم الكتاب علی کماله من غیر زیاده علیه و لا نقصان منه سوی ترتیب الأبواب و إلحاق کلّ شیء ببابه» (تیسیر المطالب، ص 24)؛ اما ظاهراً مطالب دیگری نیز بوده که در روایت های دیگر کتاب، موجود بوده است (ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 182\_184).



## وضعیت علم حدیث در میان اهل سنت

نشده و آنچه در حال حاضر موجود است، همین متن متداول است. این اثر، یکی از آثار مورد علاقه زیدیه و یکی از معدود آثار موجود از میراث حدیثی زیدیه ایران است. (1)

وضعیت علم حدیث در میان اهل سنتهم ترین آثار علم الحدیث در بین اهل سنت، در قرن چهارم و پنجم تدوین شد و از قرن پنجم به بعد، آثار پدید آمده، تنها شرح و بسط مطالب کتب قبلی بوده است. پیش تر اشاره شد که مراکز مهم علمی جهان اسلام در این قرن، شهرهای نیشابور و بغداد بوده اند. در این دو شهر، عالمان بسیاری به تحصیل و تدریس مشغول بوده اند. در بغداد، عالم مشهور، ابن جوزی، کتاب الموضوعات (2) را نگاشت. جوزقانی همانند این کتاب، کتاب الأباطیل را نگاشت. این دو اثر، به ادبیات نقد حدیث، مربوط اند. عالمان خراسانی نیز به نگارش کتب رجالی، همت نهادند. ابوسعید عبد الکریم بن محمد سمعانی (م 562 ق)، کتاب الأنساب را نگاشت که مبنایی برای کار یاقوت حموی در نگارش اثر سترگ معجم البلدان بوده است. سمعانی همچنین کتابی به نام الاستملاء در آداب املا نگاشته است. عبد الکریم بن محمد رافعی نیز اثری رجالی در احوال علمای قزوین با عنوان التدوین فی أخبار قزوین نگاشته است. (3)

- 1- نگارنده این سطور در جای دیگر (از جمله در مقدمه خود بر کتاب الإفادة فی أخبار الأئمة السادة و مقالاتی چند در نشریات آینه پژوهش و کتاب ماه دین و ...)، با تفصیل بیشتری به میراث مکتوب زیدیه پرداخته است.
- 2- ر. ک: «مبانی وضع شناسی در الموضوعات ابن جوزی»، سیدمحمدجواد وزیری فرد، علوم حدیث، ش 12. در آثار این گونه، مؤلفان به بررسی احادیث جعلی می پردازند.
- 3- این کتاب به وسیله عزیزالله عطاردی تصحیح و منتشر شده است. برای مرور نکات بااهمیت کتاب، ر. ک: «سیری در التدوین فی أخبار قزوین»، مرتضی ذکایی ساوجی، (مجله آینه پژوهش، ش 34، ص 46-52). اهمیت کتاب التدوین در علوم حدیث، اطلاعات فراوان آن درباره روایت متون حدیثی، بخصوص متون حدیثی اهل سنت است. نیز اطلاعات جالبی درباره روایت کتاب صحیفة الرضا علیه السلام، در این کتاب آمده است.

از دیگر مراکز مهم حدیثی، می‌باید به اندلس اشاره کرد. توجه به حدیث در اندلس، از اواخر قرن دوم و سوم آغاز شده بود؛ ولی اوج و شکوفایی این دانش و توجه به آن، از قرن پنجم به بعد بوده است. (1) در اندلس، متون حدیثی را غالباً فقهای مالکی و شافعی - که دو مذهب غالب در آن جا بوده اند - به رشته تحریر درآورده اند. یکی از مهم ترین عالمان مالکی قرن ششم در اندلس، ابو بکر محمد بن عبد الله اندلسی مشهور به ابن عربی (م 542 ق) است. وی در سال 468 ق به دنیا آمد و در طلب حدیث، به مناطق مهم جهان اسلام بجز مناطق شرقی ایران سفر نمود و به سماع حدیث در نزد عالمان مختلف پرداخت. (2) وی شاگردان بسیاری تربیت نمود. مهم ترین آثار حدیثی موجود وی، القبس فی شرح موطأ مالك بن انس، ترتیب المسالك فی شرح موطأ مالك و عارضة الأحوذی فی شرح الترمذی است. به غیر از ترتیب المسالك، دو اثر دیگر وی، به چاپ رسیده اند. از دیگر عالمان اندلسی، می‌توان به ابو محمد عبد الحق بن عبد الرحمان اشبیلی (م 582 ق) مؤلف الجمع بین الصحیحین اشاره کرد. دو کتاب صحیح البخاری و صحیح مسلم، معتبرترین متون حدیثی نزد اهل سنت اند. از این رو، مرکز توجه عالمان در نگارش متون حدیثی بوده اند. این را می‌توان از شروح متعدد و یا آثار نوشته شده تحت نام «الجمع بین الصحیحین» دریافت. ابو محمد اشبیلی در سال 510 ق در اشبیلیه به دنیا آمد. در آن جا وی از آخرین

- 
- 1- برای دستیابی به گزارشی از شکل گیری علم الحدیث در اندلس، ر. ک: «حدیث در اندلس»، ایزابل فیه رو، ترجمه محمد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ش 16، ص 129 - 160؛ الحدیث بقرطبة خلال القرن الخامس الهجری و برای شناخت این کتاب، ر. ک: مهدی هوشمند، «پژوهش های حدیثی در قرطبه در قرن پنجم هجری» (علوم حدیث، ش 17، ص 188 - 199).
  - 2- برای دستیابی به گزارشی از سفرهای ابن عربی، ر. ک: العواصم من القواصم، مقدمه؛ عارضة الأحوذی، ج 1، ص 13 - 24. همچنین، ر. ک: در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن عربی»، ج 4، ص 223 - 226 (به قلم احمد پاکتچی).

شاگرد ابن حزم، یعنی قاضی شریح (م 539 ق)، اخذ حدیث نمود. وی بر خلاف شیوخ اندلسی، تنها به تحصیل علوم در اندلس اکتفا نمود؛ زیرا در این تاریخ تقریباً متون متداول حدیثی، در اندلس رواج یافته بود. از دیگر عالمان اهل سنت که در حوزه نگارش آثار حدیثی قلم زده اند، می باید به جار الله زمخشری (م 548 ق) مؤلف الفائق فی غریب الحدیث و ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، و مجد الدین ابو السعادات مبارک بن محمد، مشهور به ابن اثیر جزری (م 606 ق) مؤلف النهایة فی غریب الحدیث و جامع الأصول اشاره کرد. غریب الحدیث، از علوم وابسته به حدیث است. در این نوع آثار، سعی می شود تا مفاهیم ناآشنا و دور از ذهن به کار رفته در احادیث، شرح و توضیح داده شوند. (1) با وجود آن که آثار مهمی در این حوزه در قرون متقدم تألیف شده، نگاشته ابن اثیر دارای اهمیت خاصی است. برای درک اهمیت کار وی، لازم است اندکی درباره شیوه های نگارش متون غریب الحدیث، سخن گفته شود. یک روش در تدوین کتب غریب الحدیث، ترتیب مطالب بر اساس الفبایی است. این روش را نخست، ابو عبید احمد بن محمد هروی ابداع نمود و آن را در تألیف کتاب خود (الغریبین) به کار برد. این روش، مورد پذیرش عدّه ای از علما قرار گرفت و در قرن ششم، ابو موسی محمد بن ابی بکر مدینی اصفهانی، تکمله ای بر کتاب هروی با عنوان المجموع المغیث فی غریب القرآن و الحدیث تألیف نمود. پس از آن، ابن اثیر با نگارش کتاب النهایة، این کار را تکمیل نمود. آقای عبد الهادی مسعودی در مورد روش و اهمیت کار ابن اثیر نوشته است:

---

1- برای آگاهی بیشتر، ر. ک: «سیر تدوین غریب الحدیث»، عبد الهادی مسعودی، علوم حدیث، ش 13، ص 92\_110. همچنین، ر. ک: کشف الظنون، ج 2، ص 1203\_1207 و 1209.

## ادبیات فضائل نگاری اهل بیت علیهم السلام در میان اهل سنت

کتاب ابن اثیر، سه قسمت اصلی دارد: واژه های الغریبین هروری، واژه های المجموع المغیث مدینی، و یافته های خود او. ابن اثیر، این سه بخش را به همان ترتیب مشهور الفبایی (بر اساس ماده) سامان داد (1) و پس از ذکر ماده کلمه ناآشنا، عبارتی از حدیث را که مشتمل بر آن واژه غریب [و نیازمند شرح] است، آورد. او در تفسیر واژه های غریب، راه اختصار می پیمود و همین روش نیکو، همراه با فراگیر بودن کتاب - که حتی واژه های غریب احادیث صحابیان و تابعیان را نیز در بر داشت -، موجب شد که ابن اثیر کتابش را النهایة بنامد. (2)

ادبیات فضائل نگاری اهل بیت علیهم السلام در میان اهل سنت (3) یکی از ویژگی های جریان تدوین حدیث در قرن ششم و هفتم، تداوم نگارش آثاری در فضایل اهل بیت است. در این جا به دو نمونه از آثار مهم تألیف شده در این حوزه اشاره می شود. لازم به ذکر است که آثار تألیف شده در میان زیدیه درباره فضایل اهل بیت، در این قرن فراوان است؛ اما اندکی از این آثار به چاپ رسیده است. نمونه اول، کتاب محاسن الأزهار فی فضائل إمام الأبرار حمید بن احمد مُحَلّی است. حمید بن احمد مُحَلّی، فقیه و عالم نامدار زیدی (متولد 582 ق) نزد بزرگان زیدیه چون: المنصور بالله عبد الله بن حمزه (م 614 ق)، محمد بن احمد بن الولید قرشی، احمد بن حسن رصاص، علی بن احمد اکوع، عمران بن حسن، عمرو بن جمیل نهدی، تاج الدین زین بن احمد یا احمد بن احمد بیهقی (عالم زیدی مهاجر از ایران به

- 
- 1- ابن اثیر، ابتکاری دیگر به روش الفبایی افزود. وی واژه هایی را که حرف اول آنها جزء ماده اصلی کلمه نیست، برای دسترس آسان، به همان شکل ذکر نموده و بعد از ذکر هر کلمه بدین گونه، به زاید بودن آن حرف، تصریح کرده است.
  - 2- «سیر تدوین غریب الحدیث»، عبد الهادی مسعودی، علوم حدیث، ش 13، ص 100. ایشان متذکر شده است که رواج این کتاب ابن اثیر، حتی موجب شد تا تألیف دیگر وی در این باب با عنوان منال الطالب فی شرح طوال الغرائب، مورد کم توجهی قرار گیرد.
  - 3- برای دستیابی به گزارشی کامل از آثار اهل سنت درباره اهل بیت، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربیة.

### ابراهیم بن محمد جوینی و کتاب «فرائد السمّطین»

یمن که در سال 610 ق به یمن رسید) و اسماعیل حضر می شافعی، تلمّذ کرده است. از مهم ترین تألیفات وی، می توان کتاب مهم الحدائق الوردیّة در تاریخ امامان زیدیه تا روزگار خود او، کتاب العمدة در کلام، و کتاب محاسن الأزهار فی فضائل إمام الأبرار اشاره کرد. وی در کهن سالی در میدان نبرد، به شهادت رسید. کتاب محاسن الأزهار فی فضائل إمام الأبرار وی، در حقیقت، شرحی بر قصیده ای از امام زیدی، المنصور بالله، است. مطلب بااهمیت این کتاب، بهره گیری مُحلّی از مصادر کهن تر است که در مقدمه تصحیح شده کتاب به آن اشاره ای نشده است. (1)

ابراهیم بن محمد جوینی و کتاب «فرائد السمّطین» نگارش آثاری در فضایل اهل بیت علیهم السلام به وسیله اهل سنت، در قرن هفتم نیز تداوم داشته است. از میان این آثار، کتاب فرائد السمّطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الأئمة من ذرّیتهم علیهم السلام جوینی (تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: 1398م) از جهاتی اثری ارزشمند است. صَفَدی (2) شرح حال جوینی را چنین ثبت کرده است: ابراهیم بن محمد الإمام الزاهد المحدث شیخ خراسان، صدر الدین أبو المجمع ابن الشیخ سعد الدین أبو المؤید بن حمویّة الجوینی الصوفی، ولد سنة بضع و أربعین و ستمئة و توفی \_ رحمه الله \_ سنة اثنتین و عشرين و سبعمئة، و سمع من ابن الموقّق الأذکانی صاحب المؤید الطوسی و من جماعة بالشام و العراق و الحجاز، و عنی بهذا الشأن جدّا و كتب و حصل، و كان ملیح الشكل جید القراءة دینا وقورا، و علی یده أسلم قازان، و قدم الشام سنة خمس و تسعین، ثم حجّ سنة إحدى و عشرين و سبعمئة، و لقیه الشیخ صلاح الدین خلیل ابن العلائی و خرج لنفسه سباعتیّات بإجازات و سمع مسلّمًا من عثمان بن موقّق سنة أربع و ستّین، و سمع فی

1- .سوره آل عمران: 164، و بنگرید به سوره های بقره: آیه 129 و 151، جمعه: آیه 2.

2- .الوافی بالوفیات، ج 6، ص 141 و 142.

بغداد من الشيخ عبد الصمد، و من ابن أبي الدنية و ابن الساغوجي و ابن بلدجي و يوسف بن محمد بن سرور الوكيل . قال الشيخ شمس الدين: أنبأني الظهير ابن الكازروني قال: و في سنة إحدى و سبعين اتصلت ابنة علاء الدين صاحب الديوان بالشيخ صدر الدين أبي المجامع إبراهيم ابن الجويني، و الصداق خمسة آلاف دينار ذهباً أحمر . و له إجازة من نجم الدين عبد الغفار صاحب الحاوي، و له مجاميع و تأليف. این شرح حال به خوبی بازتاب دهنده تلاش های جوينی در طلب حديث و نشانگر علاقه وی در اخذ حديث از مشايخ مختلف است . کتاب فرائد السمطين وی نیز شاهد ارزشمندی از سفرهای او در طلب حديث است. کتاب جوينی، همانند اغلب آثار قرن ششم، در حقیقت، تخریجی از آثار کهن تر است و تنها نکته شگفت انگیز در این میان، توجه او به تخریج احادیثی از کتاب های مشايخ شيعه و برخی کتاب های فضایل به روایت مشايخ حله است. به عنوان مثال، جوينی از کتاب المناقب ابو المؤيد الموفق بن احمد اخطب خوارزم (م 586 ق) (1) با این سلسله سند، نقل روایت کرده و احادیثی را از آن تخریج نموده است: وقد أخبرني الشيخان مجد الدين عبد الصمد بن أحمد بن عبد القادر البغدادي، و عماد الدين عبد الحافظ بن بدران بن شبل المقدسي إجازة قالوا: أخبرنا الشيخ جمال الدين أبو عبد الله محمد بن يحيى بن سعيد الزينبي الواسطي إجازة، قال: أنبأنا الإمام العلامة برهان الدين أبو الفتح بن أبي المكارم إجازة، قال: أنبأنا الإمام أخطب خوارزم ... (2) مطلب دیگری که باید به آن اشاره کرد، تعدد طرق روایت به آثار کهن است که در حقیقت، نشانگر تلمذ مؤلف نزد مشايخ متعدد و اعتبار وی در روایت از این آثار کهن است.

1- درباره این کتاب، ر. ک: أهل البيت في المكتبة العربية، ص 584 \_ 588 .

2- المناقب، خوارزمی، ج 1، ص 16 .

### ابن دحیه کلبی و کتاب «إعلام النصر المبین فی المفاضلة بین أهل صفین»

اثر دیگری که جوینی به تکرار، روایاتی را از آن تخریج کرده و در حقیقت به لطف این نقل قول های وی، ما اینک بخش اعظمی از کتابی تألیف شده در قرن ششم را در دست داریم، کتاب الخصائص العلویة علی سائر البریة ی ابوالفتح محمد بن احمد بن علی نطنزی (م 550 ق) است. (1) جوینی به چند طریق، روایاتی را از این کتاب تخریج کرده است. مهم ترین این طریق ها چنین است: أخبرنی السید النسابة عبد الحمید بن فحّار الموسوی \_ رحمه الله \_ كتابة، أخبرنا النقیب أبو طالب عبد الرحمان بن عبد السمیع الواسطی إجازة، أنبأنا شاذان بن جبرئیل بن إسماعیل القمّی بقراءتی علیه، أنبأنا أبو عبد الله محمد بن عبد العزیز القمّی، أنبأنا الإمام حاکم الدین... النطنزی. (2) أنبأنی أبو عبد الله ابن یعقوب الحنبلی، أنبأنا عبد الرحمان بن عبد السمیع، أنبأنا شاذان بن جبرئیل قراءة علیه، أنبأنا محمد بن عبد العزیز بن أبی طالب، أنبأنا أبو عبد الله... النطنزی... (3). (4)

ابن دحیه کلبی و کتاب «إعلام النصر المبین فی المفاضلة بین أهل صفین» یکی از آثار تألیف شده در قرن هفتم که به نحوی می توان آن را در جرگه ادبیات فضائل نگاری دانست، کتاب إعلام النصر المبین فی المفاضلة بین أهل صفین، تألیف عالم اندلسی، ابن دحیه کلبی (م 633 ق) است. (5) ابو الخطاب عمر بن حسن بن دحیه کلبی، نسب خود را به دحیه کلبی، شخصیت معروف زمان پیامبر، می رساند. مادر وی آمة الرحمان، دختر ابو عبد الله محمد بن

- 1- درباره این کتاب، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العریبة، ص 143 و 144؛ «الخصائص العلویة تألیف ابوالفتح نطنزی»، محمد کاظم رحمتی، (کتاب ماه دین، ش 72، مهر 1382، ص 60).
- 2- فراند السمطین، ج 1، ص 41، 49 و 60.
- 3- همان، ص 66.
- 4- برای دیدن برخی از این روایت ها با همین سلسله سندها و طریق های دیگر، ر. ک: همان، ج 1، ص 76، 96، 102، 103، 118، 123، 124، 132 \_ 134 و 177.
- 5- بنگرید به ص 53: اساس حکمت.

موسی بن عبد الله بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب است. (1) وی خود را «ذو نسبیتین» یا «ذو نسبین» نامیده است. (2) البته عدّه ای در این که وی از دحیه کلبی نسب ببرد، تردید کرده اند. (3) ابن خلّکان، تاریخ تولّد وی را سال 544 ق، دانسته (4) و به نقل برخی از کسان، از قول خود وی درباره تاریخ تولّدش، ذی قعدة سال 548 را ذکر کرده است. در مورد تاریخ وفات وی، اختلافی میان مورّخان نیست و جملگی، چهاردهم ربیع اول سال 633 ق را ذکر کرده اند. (5) وی از محدّثان کثیر السفر بوده است. او در آغاز عمر، به مغرب سفر کرد و در آن جا از شیوخ حدیث، سماع حدیث نمود. در مراکش در سال 565 ق، به محضر ابو بکر محمد بن عبد الله عبدری (که در نحو و ادب از سرآمدان زمان خود بوده است) رسید! همچنین در همان جا در سال 564 ق، با ابو عبد الله محمد بن حسین بن حبوس، در منزلش دیدار نمود و از وی سماع حدیث کرد. وی بار دیگر به اندلس بازگشت و از ابو القاسم بن بشکوال، ابو عبد الله محمد بن سعید بن زرقوق، ابو عبد الله بن المجاهد، ابو بکر بن خیر، ابو العباس بن مضاء، ابو محمد بن بونه، ابو القاسم بن حُبیش، ابو بکر بن جُبیر لمتونی و دیگران، سماع حدیث نمود. (6) او سپس به تلمسان سفر کرد و با قاضی آن دیار، ابو الحسن بن ابی حیّون، دیدار کرد و از وی سماع حدیث نمود. (7) نیز در سفر به افریقیّه در سال 595 ق، از گروهی از

- 
- 1- برای اطلاع از وی به نحو مختصر، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربیة، ص 49 و 50.
  - 2- در مورد این علوی، ر. ک: المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص 206.
  - 3- ر. ک: البداية و النهایة، ج 13، ص 144.
  - 4- میزان الاعتدال، ج 3، ص 186؛ ذیل تاریخ بغداد، ص 65؛ المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص 208.
  - 5- وفيات الأعیان، ج 3، ص 450.
  - 6- ذیل تاریخ بغداد، ج 5، ص 68؛ الذیل علی الروضتین، ص 163؛ وفيات الأعیان، ج 3، ص 450؛ سیر أعلام النبلاء، ج 22، ص 394؛ نفع الطیب، ج 2، ص 103.
  - 7- التکملة لکتاب الصلة، ج 2، ص 659؛ ذیل التقیید، ص 236.



عالمان چون: ابو عبد الله بن يشكوال، ابو الوليد بن المناصف، قاسم بن دحمان، صالح بن عبد الملك، ابو اسحاق بن قرقول، ابو العباس ابن سيده، ابو عبد الله قباعی، ابو بكر بن مفاوز و ابو عباس بلنسی، سماع حدیث كرد. (1) از دیگر سفرهای وی، می توان به سفر به مصر و دیدار با محدث مشهور آن دیار، بوصیری و هم طبقه های وی، سفر به شام، عراق و خراسان اشاره کرد، چنان که خود در کتابش، به حضور در نیشابور و محله مشهور آن، شادیاخ، اشاره کرده است. او در بغداد، از ابو الفرج ابن الجوزی، سماع حدیث نموده است. ابن دحیه کلبی در سال 604 ق، به شهر اربل سفر نمود و در سال روز ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله، کتابی برای امیر اربل، مظفر الدین کوکبری، با عنوان التنویر فی مدح السراج المنیر تألیف نمود و در ذیل آن، قصیده بلندی در مدح کوکبری سرود. وی در شهر واسط، مسند أحمد بن حنبل را از احمد بن ابی الفتح مندایی، (2) در اصفهان، المعجم الکبیر احمد بن سلیمان طبرانی را از ابو جعفر صیدلانی (3) و در نیشابور، صحیح مسلم را از منصور فراوی، به سند متصل به مؤلفان این کتاب ها دریافت نمود. او به مصر بازگشت و به استادی در «دار الحدیث الکاملیة» رسید. (4) مقام علمی وی را ستوده اند و به تبخر وی در فقه مالکی و حدیث، اشاره کرده اند. فهرست آثار وی، گواهی بر گفته این عالمان است. قرن ششم در تاریخ تدوین کتب حدیثی اباضیه، از اهمیت خاصی برخوردار است. (5) ابو یعقوب یوسف بن ابراهیم ورجلانی (م 570 ق/ 1174 م) از عالمان مشهور

1- التکملة لکتاب الصلاة، ج 2، ص 659.

2- همان، ج 2 ص 659.

3- المختصر المحتاج إلیه من تاریخ أبی عبد الله الدیبی، ص 288.

4- ذیل التقیید، ص 236.

5- بغیة الوعاة، ج 2، ص 218.

### شهر ری، مرکز حدیثی شیعه در قرن ششم و هفتم

اباضی، مجموعه احادیث روایت شده از صحیح ربیع بن حبیب فراهیدی را گردآوری نمود و تحت نام ترتیب فی صحیح حدیث رسول الله روایة ربیع بن حبیب (شرح الجامع الصحیح مسند الإمام الربیع بن حبیب الفراهیدی) بر اساس اصل مسند، نظم داد. (1) این اثر، مورد توجه و عنایت عالمان اباضی قرار دارد. (2)

شهر ری، مرکز حدیثی شیعه در قرن ششم و هفتم شهر ری، از مراکز مهم شیعه در قرن ششم بوده است. بعد از مهاجرت شیخ صدوق و ماندگاری وی در این شهر، اعقاب وی در همان جا اقامت گزیدند. آنها ضمن تحصیل علوم دینی، راویان آثار تألیفی شیخ صدوق نیز بوده اند. این نکته را می توان از اسناد احادیث روایت شده در بشارة المصطفی دریافت. در ری، طبری، آثار صدوق را از طریق شمس الإسلام حسن بن حسین حَسَکَا به سال 510 ق، از شیخ صدوق روایت نموده است. (3) از محله های شیعی شهر ری، به محله درب زامهران و درب مُصلِحگاه، اشاره شده است. 4 طبری، حدیثی را که سلسله سند جالبی دارد، در محله مُصلِحگاه، سماع نموده است:

- 
- 1- در مورد این فرقه و اهمیت آن، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «اباضیّه» (به قلم مسعود جلالی مقدم).
  - 2- این کتاب در دمشق (1963م) در سه جلد منتشر شده است.
  - 3- برای نمونه، ر. ک: بشارة المصطفی، ص 95 و 97.

عن عليّ بن الحسين بن عليّ الرازي في درب مصلحگاه (1) في ذى القعدة سنة ثمان عشرة و خمسمئة إملاء من لفظه ، قال : حدّثنا أبو عبد الله الحسين بن محمّد بن نصر الحلواني في داره غرة ربيع الآخر سنة إحدى عشرة و ثمانين و أربعمئة بكرخ بغداد إملاء من لفظه ، قال : حدّثني الشريف الأجلّ المرتضى علم الهدى ذو المجدين أبو القاسم عليّ بن الحسين الموسوي \_ رضی اللّٰه عنه \_ في داره ببغداد في بركة زلزل في شهر رمضان سنة تسع و عشرين و أربعمئة قال : حدّثني أبي الحسين بن موسى ، قال : حدّثني أبي موسى بن محمّد ، قال : حدّثني أبي محمّد بن موسى ، قال : حدّثنا أبي موسى بن إبراهيم ، قال : حدّثنا أبي إبراهيم بن موسى ، قال : حدّثني أبي موسى بن جعفر ، قال : حدّثني أبي جعفر بن محمّد ، قال : حدّثني أبي محمّد بن عليّ ، قال : حدّثني أبي عليّ بن الحسين ، قال : حدّثني أبي الحسين بن عليّ ، قال : حدّثنا جابر بن عبد الله الأنصاري ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : «زَيَّنُوا مجالسكم بذكر عليّ بن أبي طالب» . (2) از عالمان شيعي در قرن ششم ، ابو عبد الله محمّد بن احمد بن شهريار خازن ، داماد شيخ طوسي ، است که در نجف وطن گزيده بود. 3 وی با وجود این که خود ، صاحب اثری نیست یا حدّ اقل خبری از نوشته ای از وی نداریم ، از مشايخ اجازه است. (3) وی راوی آثار شيخ طوسي ، صحيفه سجّاديه و ديگر كتب امامي است . طبري در سال 512 ق ، آثار شيخ طوسي و مفيد و برخی آثار ديگر را نزد ابو عبد

1- در متن ، «درب مصلحگاه» به خطا «مسلخگاه» آمده است (ر . ك : معجم البلدان ، ج 5 ، ص 143) .

2- .بشارة المصطفى ، ص 105 .

3- .همان ، ص 8 و 11 . وی در سال 516 ق ، كتاب التعازي را از ابو الحسن زيد بن ناصر حسيني برای ابو العباس احمد بن حسين ، روايت کرده است (ر . ك : التعازي ، ص 4 \_ 93) .

اللّه شهریار به سماع و قرائت، دریافت نموده است. (1) ویژگی دیگر برخی از احادیثی که طبری نزد وی سماع نموده، این است که رجال اسانید آنها، همگی عراقی هستند. نخستین مرکز فعالیت حدیثی شیعه، شهر کوفه بوده است. آثار نگاشته شده در این شهر، در دوره بعد به وسیله راویان قم و ری، روایت شده اند. به دلیل اهتمام روات قمی نقل روایات اهل بیت، در سلسله اسناد حدود نود درصد از روایات کتب اربعه، نام راویان ری یافت می شود. با این حال، این نکته جالب توجه است که هنوز روایات کوفی و عراقی وجود داشته که روات قمی، آنها را روایت نکرده بودند. (2) مهم ترین شیخ حدیث و اجازه در قرن ششم در شهر ری، ظاهراً شمس الإسلام حسن بن حسین بن بابویه قمی مشهور به حسکا بوده است. (3) منتجب الدین از وی به عنوان فقیهی ثقه و مشهور یاد کرده است. وی تمام تصانیف شیخ طوسی را نزد خود شیخ در نجف (یعنی بعد از مهاجرت وی به نجف در حوالی سال های 451 ق) (4) قرائت نموده بود. وی همچنین نزد دو شاگرد برجسته شیخ طوسی یعنی سلار بن عبد العزیز و ابن براج، تمام آثار و تصانیفشان را قرائت کرده است. (5) از جمله آثار وی می توان به العبادات، الأعمال الصالحة، سیر الأنبياء و الأئمة عليهم السلام اشاره نمود که متأسفانه از هیچ يك، نسخه ای باقی نمانده است. (6)

- 
- 1- برای نمونه، ر. ک: بشارة المصطفی، ص 19، 24، 30، 37 و 40.
  - 2- برای نمونه، همان، ر. ک: ص 44، 72، 85 و 88. برای دستیابی به شواهدی از وجود نام روات قم و ری در اسناد کتب حدیثی، ر. ک: تهذیب الأحکام، ج 10، ص 383\_393.
  - 3- علامه حلّی، کتاب من لایحضره الفقیه صدوق را از طریق برهان الدین محمد بن علی حمدانی، از منتجب الدین، از پدرش، از حسکا بابویه رازی روایت کرده است (ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1551).
  - 4- در مورد تاریخ این مهاجرت شیخ طوسی به نجف، ر. ک: «الأصول الأربع مئة»، اتان کلبرگ، ترجمه محمد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ش 17، ص 81.
  - 5- همچنین، ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص 86 (وی در این صفحه آثار سلیمان بن حسن صهرشتی را نیز روایت کرده است)، 107 و 154.
  - 6- همان، ص 42 و 43. همچنین در مورد عالمانی که نزد وی تلمذ کرده اند، ر. ک: همان، ص 14، 48، 77 و 113. در عبارت «رأى الشيخ أبا عليّ ابن الشيخ أبي جعفر و الشيخ الجّد شمس الإسلام حسکا بن بابويه و قرأ عليهما تصانيف الشيخ أبي جعفر - رحمه الله -»، تصریح شده که پدر منتجب الدین نزد جدش حسکا بابویه، تمام آثاری را که پدرش از طریق اجازه و سماع از مشایخش (شیخ طوسی، سلار، ابن براج و سید حمزه) دریافت کرده بود، تحصیل کرده است (ر. ک: همان، ص 111).

عماد الدین طبری در ری، آثار شیخ طوسی را به روایت از وی سماع نموده است. در این روایات، شمس الإسلام حسکا بابویه تصریح نموده که در جمادی اول سال 455 ق، در نجف، آثار روایت نموده را سماع کرده است. (1) از دیگر شیوخ اجازه و راوی کتب متقدمین شیعه در این قرن بر اساس کتاب طبری، می توان به محمد بن علی بن عبد الصمد تمیمی نیشابوری اشاره کرد. نام وی در سلسله سند روایت کتب صدوق، موجود است. طبری، روایات خود را از وی در نیشابور به سال 514 ق، سماع نموده است. (2) یکی دیگر از شیوخ اجازه قرن ششم، سدید الدین ابو الفضل شاذان ( / شاذان) ابن جبرئیل بن شاذان قمی (زنده در سال 584 ق) مؤلف اثری به نام إزاحة القبلة فی معرفة القبلة است. (3) از وی کتابی به نام الروضة یا المناقب موجود است که جزو منابع بحار است. (4) در این کتاب، ابن شاذان به واسطه پدر خود، از شیخ ابو الحسن محمد بن

- 
- 1- برای نمونه، ر. ک: بشارة المصطفی، ص 118، 122، 127، 130، 132 و 145. در صفحات 191 و 222، طبری تأکید می کند که احادیث را به اجازه از حسکا دریافت کرده و سپس گفته: «نسخت من أصله و قابلت من کتابه مع ولده».
- 2- برای نمونه، ر. ک: همان، ص 231.
- 3- وی را نباید با ابو الحسن محمد بن احمد بن شاذان قمی (م قبل از 418 ق)، که خواهرزاده ابن قولویه (م حدود 369 ق)، استاد شیخ طوسی و کراچی است و در سال 412 ق، در نزد وی کتاب حدیثش با نام ایضاح دفائن النواصب را خوانده، اشتباه کرد (ر. ک: معالم العلماء، ص 117؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1129 \_ 1130). نیز در مورد کتاب إزاحة القبلة، ر. ک: همان، ص 1774 و 1775. وی از راویان مهم آثار شیخ طوسی و صدوق است (ر. ک: بحار الأنوار، ج 104، ص 68 \_ 70).
- 4- دانش پژوه در معرفی نسخه ای از کتاب الروضة، بر اساس تفاوت بین دو نسخه روضه و مناقب، این دو کتاب را دو اثر از ابن شاذان معرفی کرده است (ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1343).

محمد بصری، از سید مرتضی، از عماد الدین طبری (مؤلف بشارة المصطفی)، فقیه امامی ابو محمد ریحان بن عبد الله مصری (م حدود 560 ق و شاگرد کراچکی)، ابو المکارم حمزة بن زهره حسینی، قاضی جمال الدین علی بن عبد الجبار طوسی (شاگرد قطب راوندی) و جمعی دیگر از شیوخ برجسته زمانه خود، سماع حدیث کرده و آنان جزو شیوخ روایت وی هستند. (1) از مشهورترین شاگردان وی، می توان شمس الدین فخار بن معد (م 630 ق، مؤلف کتاب الحجّة علی الذاهب إلى تکفیر ابي طالب)، تاج الدین حسن بن دربی و محیی الدین محمد بن زهره - که کتاب النظم فی جواب مسائل الامتحان و أجوبة المسائل الدالّة علی مهدی آل الرسول را بر وی خوانده -، نام برد. وی همچنین در دمشق به سال 582 ق، کتاب الکرّ و الفرّ فی الإمامة ی کراچکی را نزد ابن شاذان خوانده است. ابن شاذان در کتاب المناقب، روایاتی را از کتاب فردوس الأخبار ابو شجاع شیرویه بن شهردار دیلمی (م 509 ق)، نقل نموده است. (2) در این کتاب، ابن شاذان از: شیخ محمد بن ابو مسلم بن ابی فوارس، شیخ ضیاء الدین حسن بن احمد همدانی، شیخ الإسلام ابو الحسن علی بن محمد مهدی و ابو طالب محمد بن احمد بن فرج، نقل روایت کرده است. (3)

1- برای اطلاع از فهرست این شیوخ، ر. ک: همان، ص 1339.

2- کتاب فردوس الأخبار همانند کتاب الشّهاب فی الحکم قاضی قُضاعی (م 454 ق)، ده هزار حدیث را نقل کرده و به شکل معجم و بدون سند آورده است. پسر شیرویه، ابو منصور شهردار (م 558 ق)، اسانید آن را گرد آورد و نام آن را مسند فردوس نهاد (ر. ک: همان، ص 1340).

3- ر. ک: همان، ص 1341. برهان الدین محمد بن علی قزوینی، از عالمان ساکن در ری، کتاب رجال النجاشی را از طریق عالم امامی، سید فضل الله بن علی حسینی، روایت کرده است (ر. ک: بحار الأنوار، ج 104، ص 95).

## فصل دوم : عالمان امامی و تدوین کتب حدیثی

### بخش اول : قرن ششم

#### وضعیت فکری شیعه

فصل دوم : عالمان امامی و تدوین کتب حدیثی بخش اول : قرن ششم وضعیت فکری شیعه آثار باقی مانده از قرن ششم ، عمدتاً به ادبیات حدیثی مناقب و مثالب نویسی تعلق دارند . سؤالی که می توان مطرح کرد ، این است که : دلیل نگارش چنین آثاری چه بوده است؟ و آیا در آن روزگار ، نگرشی ضدّ علوی رواج داشته است؟ ظاهراً این گونه نیست و پاسخ را باید در ماهیت و جایگاه نظریّه امامت در تفکر شیعی جستجو کرد ، با ذکر این نکته که اگر گفته شود : «ولایت» و «امامت» در تفکر شیعه ، نقطه ثقل کلیدی اند ، گزافه نیست . در قرن دوم و سوم ، تجلّی این اهمّیت با نگارش آثار متعدّدی تحت نام «الإمامة» بروز کرده و در قرن چهارم و پنجم ، این روند ادامه داشته است . تألیف کتاب الشافی سیّد مرتضی و کتاب تلخیص الشافی شیخ طوسی (در مقابل کتاب المغنی قاضی عبد الجبّار) در ادامه این حرکت بوده است . قرن پنجم ، دوره ای است که تفکر عقلگرایی معتزلی ، رو به افول می نهد . همگام با افول جریان اعتزال و یا به عبارت بهتر ، تسلیم شدن این جریان در مقابل اهل سنّت و تعدیل جریان حدیث گرایی اهل سنّت ، حاکمیت اندیشه حدیث گرایی را شاهد هستیم .

همگام با حرکت فکری جهان اسلام به سمت نص گرایی، آن سنتی که نمی توانست از تفکر شیعه محو گردد، صورت خود را با وضعیت جدید تطبیق داد. به این ترتیب، ادبیات مناقب نویسی را می توان تداوم سنت نگارش آثار در اثبات امامت دانست. این نکته را با مراجعه به این آثار می توان دید. محدثان امامی جهد بلیغی نموده اند تا تمام احادیث فضایل و مناقب اهل بیت را که در کتب اهل سنت بوده، بیرون کشیده، در رسائل جدایی تدوین کنند. مسائل منتخب، همان مسائل کلامی جدلی بین شیعه و اهل سنت است. مهم ترین تحلیل در مورد ماهیت ادبیات مناقب نویسی، گفته های ابن شهر آشوب در آغاز کتاب مناقب آل ابی طالب است. وی در آغاز کتابش، هدف های خود را این گونه شرح داده است: لَمَّا رَأَيْتَ كُفْرَ الْعِدَاةِ وَالشَّرَاةِ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَدْتَ الشَّيْعَةَ وَالسَّنَّةَ فِي إِمَامَتِهِ مُخْتَلِفِينَ، وَ أَكْثَرَ النَّاسِ عَنِ وِلَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ نَاكِصِينَ وَ عَنِ ذِكْرِهِمْ هَارِبِينَ، وَ فِي عُلُومِهِمْ طَاعِنِينَ وَ لِمُحِبَّتِهِمْ كَارِهِينَ، انْتَبَهْتُ مِنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَ صَارَ لِي ذَلِكَ لَطْفًا إِلَى كَشْفِ الْأَحْوَالِ وَ النَّظَرِ فِي اخْتِلَافِ الْأَقْوَالِ، فَإِذَا هُوَ مِمَّا رَوَتْهُ الْعَامَّةُ مِنْ أَحَادِيثِ مُخْتَلِفَةٍ وَ أَخْبَارِ مُضْطَرِبَةٍ عَنِ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَ الْخَاذِلِينَ وَ الْوَاضِعِينَ وَ الضَّعْفَاءَ وَ الْمَجْرُوحِينَ وَ الْخَوَارِجَ وَ الشَّاكِينَ... أَلَا تَرَى أَنَّ أَزْكَاهُمْ قَدْ أَلْقَى حَدِيثَ الْخَاتَمِ وَ قِصَّةَ الْغَدِيرِ وَ خَبَرَ الطَّيْرِ وَ آيَةَ التَّطْهِيرِ؟ وَ أَنَّ أَنْصَفَهُمْ قَدْ كَتَمَ حَدِيثَ الْكَهْفِ وَ الْإِجَابَةَ وَ التَّحْفَ وَ الْارْتِقَاءَ؟ وَ أَنَّ خَيْرَهُمْ قَدْ طَعَنَ فِي حَدِيثِ «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ» وَ حَدِيثِ الْوَلُوحِ؟... وَ جَدْتَ جَمَاعَةً يُؤُولُونَ الْأَخْبَارَ الْجَمْعَ عَلَيْهَا... وَ جَمَاعَةً زَادُوا فِي الْأَخْبَارِ أَوْ انْقَصَوْا مِنْهَا... وَ جَمَاعَةً تَقْلُوا مُنَاقِبَهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ... وَ جَمَاعَةً جَاهَرُوا بِهِم بِالْعِدَاوَةِ، كَمَا طَعَنَ النَّظَامُ فِي أَحْكَامِهِ، فِي كِتَابِيهِ الْفِتْيَا وَ النَّكْتِ. (1)



## ابن شهر آشوب

برخی از نکات مورد اشاره ابن شهر آشوب، به قرون دوم و سوم باز می‌گردد. فی‌المثل، عبارت‌های آخر وی به کتاب النکت نظام و الفتیای جاحظ (م 255 ق) اشاره دارد. ابن حمزه در عتت تألیف کتاب الثاقب فی المناقب (1) می‌نویسد: و إن أصحابنا \_ رضی الله عنهم \_ قد صتّفوا فی هذا المعنی کتابا و صحفا ضخمة و أنا ألتقط منها ما هو أروع إلى السمع و أرفع فی القلب و أملاً للصدور. (2) با این توضیح، نگاهی گذرا به آثار تدوین شده امامیه در این دوره و اهمیت هر کدام، خواهیم داشت.

ابن شهر آشوب یکی از محدثان مشهور قرن ششم، محمد بن علی بن شهر آشوب (489\_588 ق) است. قدیمی‌ترین آگاهی ما در مورد وی، گزارش‌هایی است که شاگرد وی، ابن ابی طی، در کتاب طبقات الإمامیة (الحاوی) آورده است. (3) دیگر اخبار ذکر شده در مآخذ، رونویسی از گفته‌های ابن ابی طی است. در پی این نکات مهم، شرح حال ابن شهر آشوب را به روایت شاگردش ابن ابی طی، مرور می‌کنیم: قال ابن ابی طی فی تاریخه: نشأ فی العلم و الدراسة و حفظ القرآن، و له ثمان سنین و اشتغل بالحديث و لقی الرجال، ثم تفقه و بلغ النهاية فی فقه أهل البيت، و نبغ فی علم الأصول حتی صار رحلة. ثم تقدّم فی علم القرآن، القراءات و الغریب و التفسیر و النحو و ركب المنبر الوعظ. و نفقت سوقه عند الخاصة و العامة، و كان مقبول الصورة، مستعذب الألفاظ، ملیح الغوص علی المعانی.

1- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 13\_ 17.

2- درباره این کتاب، ر. ک: ص 479.

3- اصل این کتاب، در حال حاضر یافت نشده است و تنها منقولاتی از این اثر در آثار مؤلفان بعدی، بخصوص ابن حجر عسقلانی و اثر مشهورش لسان المیزان، موجود است. این منقولات را حجّة الإسلام رسول جعفریان گردآوری کرده و جداگانه به چاپ رسانده است. نیز برخی اطلاعاتی که ابن شهر آشوب در معالم العلماء آورده، برای اطلاع از شیوخ رجالی وی مفید است. همچنین، ر. ک: معجم اعلام الشیعة، ج 1، ص 116.

حدّثني ، قال : صار لي سوق بمازندران حتّى خافني صاحبها ، فأنفذ يأمرني بالخروج عن بلاده ، فصرت إلى بغداد في أيام المُقتفى [بالله] وعظمت ، فعظمت منزلتي واستدعيت و خلع عليّ و ناظرت و استظهرت على خصومي ، فلُقِّبت ب «رشيدالدين» و كنت ألقَّب ب «عزّ الدين» ، ثمّ خرجت إلى الموصل ، ثمّ أتيت حلب . قال : و كان نزوله على والدي فأكرمه و زوّجه بنت أخته ، فربّيت في حجره و غذاني من علمه و بصّرني في ديني ، و كان إمام عصره و واحد دهره ، و كان الغالب عليه علم القرآن و الحديث ، كشف و شرح و ميّز الرجال ، و حقّق طريق طالبي الأُسناد ، و أبان مراسيل الأحاديث من الآحاد ، و أوضح المفترق ، من المتّفق ، و المؤتلف من المختلف ، و السابق من اللاحق ، و الفصل من الوصل ، و فرّق بين رجال الخاصّة و العامّة . حدّثني أبي ، قال : ما زال أصحابنا بحلب لا يعرفون الفرق بين ابن بطة الشيعي من ابن بطة الحنبلي ، حتّى قدم الرشيد ، فقال : ابن بطة الحنبلي بالفتح و الشيعي بضمّها . و كان عند أصحابنا بمنزلة الخطيب للعامّة و كيحيى بن معين في معرفة الرجال . و قد عارض من كلّ علم من علوم العامّة بمثله و برز عليهم بأشياء حسنة لم يصلوا إليها ، و كان بهي المنظر ، حسن الوجه و الشبية ، صدوق اللهجة ، مليح المحاورّة ، واسع العلم ، كثير الفنون ، كثير الخشوع و العبادة و التهجد ، لا يجلس إلّا على وضوء ... و من تصانيفه كتاب في النحو سمّاه الفصول ، جمع فيه أمّهات المسائل و كتاب المكنون و المخزون في عيون الفنون ، كتاب متشابه القرآن ، كتاب الأعلام و الطرائق في الحدود و الحقائق ، كتاب مناقب آل أبي طالب ، كتاب المثالب ، كتاب المائدة و الفائدة ، جمع فيه أشياء من النوادر و الفرائد . توفّي ليلة سادس عشرة شعبان سنة ثمان و ثمانين ، و دفن بجبل جوشن عند مشهد الحسين عليه السلام . (1)

1- تاريخ الإسلام (حوادث 581 \_ 590 ق) ، ص 309 . همچنين ، ر . ك : طبقات المفسّرين ، ص 96 ؛ الوافي بالوفيات ، ج 4 ، ص 164 ؛ لسان الميزان ، ج 6 ، ص 395 ، ش 7889 .

## منابع ابن شهر آشوب در «مناقب آل ابی طالب»

بر اساس متن فوق و برخی اطلاعات دیگر درباره ابن شهر آشوب، می توان گفت: وی همانند دیگر محدثان، سفرهای متعددی در طلب حدیث (رحله) داشته است. وی در سال 508 ق در نیشابور نزد فتال نیشابوری، سماع حدیث نموده است. وی همچنین تفسیر الکشاف زمخشری و مجمع البیان طبرسی را - که در سال 536 ق، ساز کتابت آن فارغ شده - نزد مؤلفان آنها سماع نموده است. او در سال های 553 - 547 ق در بغداد سکونت داشته و پس از آن به حله سفر نموده و در سال 567 ق در حله به تدریس مشغول بوده است. ظاهراً در همین سال، ابن ادریس و ابن بطریق از وی حدیث، سماع نموده اند. وی در اواخر عمر به حلب رفت و در همان جا درگذشت. مرقد وی در حال حاضر زیارتگاه شیعیان است. (1) از ویژگی های جالب توجه ابن شهر آشوب، ذکر تمام طرق خود در روایت کتاب های حدیثی در کتاب مناقب آل ابی طالب است. مروری بر این بخش کتاب ابن شهر آشوب و تأمل در اسناد روایی وی مفید است و باید آن را در حکم مشیخه وی دانست.

منابع ابن شهر آشوب در «مناقب آل ابی طالب» اثر مهم حدیثی ابن شهر آشوب، کتاب مناقب آل ابی طالب است. ابن شهر آشوب، این کتاب را در اواخر عمر خود تألیف کرده و تألیف آن، اندکی بعد از سال 553 ق، در بغداد بوده است. خود وی در مورد زمان تألیف اثرش چنین می نویسد: و ذلك بعد ما أذن لي جماعة من أهل العلم و الديانة بالسماع و القراءة و المناولة و المكاتبة و الإجازة، فصح لي الرواية عنهم بأن أقول: حدّثني و أخبرني و أنبأني و سمعت و اعترف لي بأنّه سمعه و رواه، كما قرأته و ناولني من طرق الخاصة. (2)

- 
- 1- برای دستیابی به توضیحات بیشتر، ر. ک: در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن شهر آشوب» (به قلم احمد پاکتچی).
  - 2- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 19. وی در مورد اسناد مشهورترین مصادر کتاب خود، به تفصیل، سلسله سندها را در آغاز کتاب آورده است (ر. ک: همان، ص 19 - 34)، گرچه در متن کتاب، از مصادر دیگری جز آن چه در آغاز آورده نیز استفاده کرده است.

متأسفانه نسخه چاپی این کتاب، ناقص است و تنها احوال ائمه تا امام حسن عسکری علیه السلام را در بر دارد. این اثر در دست ابن طاووس بوده و وی از بخش های مفقود شده، عبارت هایی را نقل کرده است. (1) بر این اساس، نظر داده شده که بخش موجود و چاپ شده، همان نخب المناقب است (2) که عالم امامی، حسین بن جبر، فراهم آورده است. (3) شیخ حسین بن جبر، شاگرد نجیب الدین ابو الحسین علی بن فرج و از شاگردان ابن شهر آشوب، تلخیصی از کتاب مناقب آل ابی طالب را تصنیف کرده است. دانش پژوه، در معرفی نسخه ای از نخب به نقل از وی در آغاز کتابش می نویسد: گزیننده در آغاز می گوید که این شهر آشوب، مناقب را از کتب بسیاری از سنی و شیعی گرد آورد و شیخ فقیه نجیب الدین ابو الحسین علی بن فرج، آن را بر او خواند و از او اجازه گرفت که همه نگارش ها و روایات او را نقل کند و او این اجازه را به طور کامل برای این شاگرد نوشت ... گزیننده چون دید که این کتاب، دراز است، آن را گزین کرد و مناقب دارای حجیت را آورد و حدیث های همانند را گرد کرد و چیزهایی هم افزود. این گزین برای سید اجل تاج الدین شمس الشرف ... علی بن محمد ... علوی بوده است که بدو دستور داد و خطبه ای برای آن ساخت که گزیننده در آغاز آن گذارده است. در دیباچه، اسانیدی است درباره روایت کتب سنی و شیعه از خود ابن شهر آشوب که نکات تاریخی فراوانی در آن هست. در آغاز بحار هم همه این دیباچه دیده می شود.

1- ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 399 و 400؛ «دست نوشتی عتیق از مناقب ابن شهر آشوب» (آینه پژوهش، ش 47، ص 64)

2- ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1588.

3- «دست نوشتی عتیق از مناقب ابن شهر آشوب»، جويا جهانبخش، آینه پژوهش، ش 47، ص 65؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1587.

دست‌نوشتی کهن از کتاب مناقب به روزگار ابن شهر آشوب موجود است که توصیف و ویژگی‌های آن را آقای جويا جهانبخش در مقاله‌ای یاد کرده است. (1) اهمیت خاص کتاب مناقب، در نقل عبارت‌هایی از متون کهن امامی است که امروز تنها نام آنها باقی مانده است. آثار منقول در مناقب عبارت‌اند از: 1. الجلاء و الشفاء، (2) تألیف عالم امامی ابوعلی احمد بن علی مشهور به ابن الخَضِیب ایادی. نام کامل این کتاب الشفاء والجلاء فی الغیبة است. نجاشی به اختصار از وی یاد کرده و گفته است: ابو العباس احمد بن علی رازی مشهور به خضیب ایادی، از دیگر اصحاب ماست، هرچند که آن چه روایت کرده، چندان مقبول اصحاب ما نبوده و از افرادی بوده که درباره آنان، غلو و زیاده‌روی در شأن امامان، گزارش شده است (قال أصحابنا لم یکن بذاک، و قیل فیہ غلو و ترفع). وی کتابی به نام الشفاء والجلاء در غیبت، نیز کتاب فرائض و کتاب آداب را تألیف کرده است. طریق من در روایت آثار وی، چنین است: «أخبرنا محمد بن محمد، عن محمد بن أحمد بن داوود، عنه بكتبه». (3) شیخ طوسی نیز در الفهرست با عباراتی مشابه، از ایادی یاد کرده و چنین نوشته است: وی مشهور به ابو العباس و به نقل برخی، ابو علی رازی بوده است. فردی ثقه در نقل حدیث نبوده و متهم به غلو بوده است (لم یکن بذک الثقة فی الحدیث و متهم

1- «دست‌نوشتی عتیق از مناقب ابن شهر آشوب»، جويا جهانبخش، آینه پژوهش، ش 47، ص 66 به بعد. نسخه را ابو القاسم بن اسماعیل بن عنان کتبی حلّی در سال 658 ق، در اواخر رجب، کتابت نموده است. بخشی از نسخه نیز به کتابت جعفر بن احمد بن حسین حائری در یکشنبه 16 رجب 587 ق، نگاشته شده است. نسخه در سال 587 ق در شهر حلّه در مسجد امیر زاهد نجم الدین عیسی بن نصر بن مدهر مقابله شده است (ر. ک: همان، ص 67).

2- این کتاب، یکی از منابع مهم شیخ طوسی در کتاب الغیبة بوده است. ابن طاووس نیز نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار داشته است (ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 521 و 522).

3- ر. ک: رجال النجاشی، ص 97.

بالغلو). وی آثاری داشته است، از جمله: کتاب الشفاء و الجلاء در امر غیبت که کتابی نیکوست، کتاب الفرائض و کتاب الآداب. طریق من در نقل آثار وی، چنین است: «أخبرنا بهما الحسين بن عبيد الله، عن محمد بن أحمد بن داوود و هارون بن موسى التلعكبري، جميعاً عنه». (1) موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 33 (درباره قضاوت امام علی علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله)، ج 3 ص 351 (حدیثی از امام باقر علیه السلام در فضیلت برخی مکان‌ها)، ج 4 ص 333 (ماجرای بین امام رضا علیه السلام و مأمون)، ص 350 (گفته محمد بن عیسی یقطینی در جمع آوری هجده هزار مسئله از امام رضا علیه السلام)، ص 382 (رفتن برخی از بزرگان امامیه بعد از وفات امام رضا علیه السلام به صریا) و ص 424 (گفته ای از ابو جعفر عمری). 2. بصائر الدرجات، نوشته سعد بن عبد الله اشعری (م 299 یا 301 ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 36 (اشاره به این که اشعری در کتاب بصائر خود، به 36 طریق، حدیث «علّمني رسول الله ألف باب يفتح كل باب ألفي باب» را از علی علیه السلام روایت کرده است)، ج 2 ص 55، ج 3 ص 336، ج 4 ص 6، 139، 239 و 240 (سه حدیث و احتمالاً چهار حدیث بعدی نیز از بصائر باشد). 3. سلوة الشيعة، نوشته فنجگردی. مورد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 72. 4. جمل أنساب الأشراف. موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 118 و 125، ج 3 ص 181 و 226. 5. الأحكام الشرعيّة، نوشته ابو القاسم علی بن محمد خزّاز قمی. (2) موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 122 و 416. 6. کتاب النسب، نگاشته حسن حسینی. مورد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 167. 7. منهاج، تألیف کراچکی.

1- ر. ک: الفهرست، طوسی، ص 76.

2- برای آگاهی بیشتر درباره این کتاب، ر. ک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج 1، ص 298.

مورد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 218. 8. الأمالی، نوشته ابو المفضل (1) محمد بن عبد الله شیبانی (م 387 ق). مورد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 289. این کتاب، یکی از منابع اصلی شیخ طوسی در تألیف الأمالی بوده است. (2) 9. رامش افزای آل محمد، تألیف محمد بن حسین محتسب. موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 330، (3) ج 3 ص 180، ج 4 ص 250 و 269. 10. الفتیا، نوشته جاحظ. مورد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 402. این کتاب، تألیف متکلم مشهور معتزلی، ابو عثمان عمرو بن بحر (م 255 ق) است. این کتاب، به دلیل نقل بخش اعظم کتاب النکت نظّام - که حاوی انتقاداتی از صحابه بوده - مورد توجه عالمان امامی بوده است. بخش اعظمی از این کتاب را شیخ مفید نقل کرده است. 11. صحیفة الرضا، نگاشته عبد الله بن احمد بن عامر طائی. مورد نقل شده از این کتاب، در: ج 3 ص 65. مجموعه ای کهن است که در آن، مؤلف، از طریق پدرش روایاتی را از امام رضا علیه السلام گردآوری کرده است. این کتاب، متن بسیار متداولی بوده است. (4)

1- در متن، به اشتباه، «أبی الفضل» تصحیح شده است.

2- برای اطلاع از چگونگی استفاده ابن طاووس از این کتاب، ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 184 و 185.

3- در متن، این مورد به اشتباه، «رامش اقرایی» تصحیح شده است؛ ولی در موارد دیگر، نام، درست آمده است.

4- شیخ صدوق، بخش اعظم این کتاب را به طریق شیوخ خود به مؤلف، در آثار مختلف خود تخریج کرده است. در این باره در مقاله «صحیفة الرضا به روایت شیخ صدوق و ابو عبد الرحمان سلمی» (کتاب ماه دین، شماره 70\_71، مرداد و شهریور 1382، ص 61\_65) به تفصیل سخن گفته ام. همچنین، برای دستیابی به گزارشی از کتاب صحیفة الرضا و روایت آن، ر. ک: شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج 15 ص 17 و 18؛ لوامع الأنوار فی جوامع العلوم والآثار و تراجم أولی العلم و الأنظار (صعده، 1414 ق)، ج 1 ص 476\_482.

12 . أخبار فاطمة ، نوشته ابو علی صولی . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 3 ص 385 . 13 . مؤنس الحزین ، نگاشته فتال نیشابوری .  
 (1) مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 4 ص 12 . 14 . المسألة الباهرة فی تفضیل الزهراء الطاهرة ، (2) نوشته ابو محمد حسن بن طاهر  
 قائینی هاشمی (حدیث فطرس ، از این کتاب ، نقل شده است) . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 4 ص 82 . 15 . المقتضب ، تألیف  
 ابو عبد الله بن عیاش . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 4 ص 146 . 16 . الأنوار ، نوشته عامری . موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج  
 4 ص 146 ، 322 و 353 . 17 . المعجزات . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 4 ص 203 . 18 . الشعر و الشعراء ، نوشته ابو خالد  
 برقی . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 4 ص 226 . 19 . الدلالات . موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 4 ص 246 ، 254 و 264 .  
 20 . الواحدة ، نوشته ابن جمهور ، ج 4 ص 248 ؛ بصائر الدرجات ، نوشته حسن جرجانی ، ج 4 ص 259 ؛ مناقب الأبرار ، نوشته ابن  
 شهرزوری (3) (ر . ک : هدیه العارفين ، ج 5 ص 607) ج 4 ص 391 .

- 
- 1- . شیخ آقا بزرگ تنها از کتاب مؤنس الحزین فی معرفة الحق و الیقین ابن بابویه نام برده که مؤلف تاریخ قم ، داستان ساخت مسجد  
 جمکران را از آن نقل کرده است (ر . ک : الذریعة إلى تصانیف الشيعة ، ج 23 ، ص 282) .
  - 2- . در مورد این کتاب ، ر . ک : همان ، ج 3 ، ص 15 .
  - 3- . مقصود ، عبد القاهر بن حسن بن علی ابو السعادات (م 571 ق) است .



21. المعتمد فی الأصول . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 4 ص 445 . 22. النبوة ، تألیف ابن بابویه . موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 39 ، 89 ، 90 ، 345 . 23. المغازی ، نوشته ابان بن عثمان بجلی . (1) موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 53 ، 258 و 261 ، ج 2 ص 137 . 24. تفسیر قرآن ، نگاشته قاضی ابن براج . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 61 و 63 . 25. الشیصان . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 86 . 26. الأمالی ، نوشته حاکم نیشابوری . موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 163 ، ج 4 ص 373 (2) و 377 . 27. سحر البلاغة . مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 205 . 28. شوق العروس . (3) موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 223 ، ج 4 ص 67 ، 167 ، 254 و 299 . 29. الأحسن و المَحسن ، نگاشته محمد بن احمد صفوانی (م 346 ق). (4) موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 296 ، ج 2 ص 41 ، 181 ، 306 و 386 ، ج 3 ص 116 .

- 
- 1- . محقق ارجمند به خطا ، وی را ابان بن عثمان بن عقیان معرفی کرده است .
  - 2- . محلّه «فوزا» ذکر شده در خبر ، به صورت «فُز» درست است . در مورد این محلّه ، ر . ک : معجم البلدان ، ذیل «فز» .
  - 3- . برای آگاهی بیشتر در مورد این کتاب ، ر . ک : کشف الظنون ، ج 2 ، ص 1067 .
  - 4- . برای آگاهی در مورد وی ، ر . ک : رجال النجاشی ، ش 1050 .

30. مصباح الواعظ . موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 343 . 31 . كشف الحيرة . موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 345 . 32 . الكفاية في النصوص ، نوشته خزاز قمی . (1) مورد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 356 \_ 358 . 33 . مولد فاطمة ، تألیف ابن بابویه . موارد نقل شده از این کتاب ، در : ج 1 ص 359 ، ج 3 ص 377 . 34 . الردّ علی أهل التبديل فی ما وقع من أهل التألیف ، نوشته ابوالقاسم کوفی (م 350 ق) . مهم ترین آثار منقول در مناقب ، چند نقل قول از این کتاب است که نقل مهم از میان این چند نقل ، عبارت زیر درباره تحریف قرآن است : فصل فی ذکره علیه السلام فی الكتب . أبو القاسم الكوفي فی [کتابه] الردّ علی أهل التبديل : إنَّ حَسَادَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَكَّوْا فِي مَقَالِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي فَضَائِلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَزَلَ : «فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكِّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ» (يعني في عليّ) «فاسأل الذين يقرؤون الكتاب من قبلك» (يعني أهل الكتاب) عمّا في كتبهم من ذكر وصيّ محمّد ؛ فإنّكم تجدون ذلك في كتبهم مذکوراً . ثمّ قال : «لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ \* وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ» (يونس ، 94 و 95) ، یعنی بالآيات هاهنا الأوصياء المتقدّمين والمتأخّرين . (2) نقل دیگر از این کتاب ، به صراحت ، مؤید این است که ابن شهر آشوب به متن خود کتاب و اثر مشابه دیگری دسترس داشته و از اثر به واسطه نقل نمی کند .

1- در معرفی وی ، ابن شهر آشوب نوشته است که او در ری سکونت داشته و از اهل سنت ، 175 خبر از طریق صحابه درباره تعداد ائمه نقل کرده است . ابن شهر آشوب نام آنها را آورده است .

2- مناقب آل أبي طالب ، ج 2 ، ص 287 . برای دو نقل قول دیگر ، ر . ک : همان ، ج 3 ، ص 132 و ج 4 ، ص 457 و 458 .

همچنین این نقل، نشانی از تفسیری بودن عبارات اضافه شده در قرائت آیات قرآن است: و رأیت فی کتاب الردّ علی أهل التبديل أنّ فی مصحف أمير المؤمنين: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرْبَا» (نبا، آیه 40) یعنی من أصحاب علیّ و فی کتاب ما نزل فی أعداء آل محمد فی قوله: «وَيَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ» (فرقان، آیه 27) و يقول العاص و هو رجل من بنی تمیم: یا لیتنی کنت ترابا، ای شیعیان. (1) 35. الأربعین فی فضائل الزهراء، تألیف ابوصالح عبد الملك المؤذن (م 470 ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 1 ص 127 و 256، ج 2 ص 194، 250، 387 و 349، ج 3 ص 217، 322، 325، 326، 329، 330، 331، 332، 334، 337، 338، 343، 385 و 392، ج 4 ص 316. نیز، ج 3 ص 346 و 354. (2) 36. الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين علیه السلام، تألیف ابو بکر احمد بن علی مشهور به خطیب بغدادی (م 436 ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 1 ص 291، ج 2 ص 31، 41، 186، 221، 222، 228، 316 و 369، ج 3 ص 44، 149، 197، 201، 202، 211، 228 و 373. (3) 37. إبانة ما فی التنزیل فی مناقب آل الرسول، نگاشته احمد بن حسن طوسی فلکی مفسّر (م 384 ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 1 ص 12 و 194، ج 2 ص 9، 64، 69، 242، 252 و 343، ج 3 ص 2، 15، 83، 86، 98، 119، 187، 230، 233 و 235. (4) 38. مناقب علی علیه السلام، تألیف ابواسحاق ابراهیم بن احمد طبری مقری (م 393 ق). موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 252 و 352، ج 4 ص 132. (5)

- 
- 1- ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج 3 ص 133.
  - 2- برای آگاهی درباره این کتاب، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربيّة، ص 35.
  - 3- برای آگاهی درباره این کتاب، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربيّة، ص 34.
  - 4- برای آگاهی درباره این کتاب، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربيّة، ص 14 و 15.
  - 5- برای آگاهی بیشتر از این کتاب، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربيّة، ص 611 و 612.

39. شرح الأخبار، تأليف قاضی نعمان بن محمد بن حیون تمیمی (م 363 ق). ابن حیون تمیمی، قاضی القضاة و فقیه نامدار اسماعیلی است. کتاب شرح الأخبار وی در فضایل ائمه است که به چاپ نیز رسیده است. موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 2 ص 16، 18، 49، 64، 240، 249، 253، 379، 363 و 364، ج 3 ص 16، 40، 337 و 397، ج 4 ص 10، 163 و 174. 40. البدع المحدثه فی الإسلام بعد النبی صلی الله علیه و آله، تألیف ابو القاسم کوفی. این کتاب به الاستغاثة من بدع الثلاثة شهرت دارد و متن آن با همین عنوان به چاپ رسیده است. موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 1 ص 159، ج 2 ص 72 و 364. 41. نزهة الأبصار و محاسن الآثار، تألیف ابو الحسن علی بن مهدی مامطیری. (1) ابن شهر آشوب گاهی از این کتاب با عنوان مجالس ابن مامطیری یاد کرده است. کتاب فوق، یکی از متون تألیف شده قبل از نهج البلاغه ی سید رضی است که مؤلف آن به گردآوری برخی از کلمات حضرت امیر علیه السلام همت گمارده است. متن این کتاب در یک نسخه خطی در واتیکان باقی است. موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 1 ص 9، 84 و 159، ج 2 ص 105، 114، 343، 354، 368 و 378، ج 3 ص 154 و 197، ج 4 ص 23، 87 و 163. موارد نقل شده با عنوان «ابن مهدی المامطیری فی مجالسه»، در: ج 1 ص 79. 42. الفنون، نگاشته احمد بن المؤدب. موارد نقل شده از این کتاب، در: ج 4 ص 23 و 274. 43. الخصال، تألیف شیخ صدوق. تنها در دو مورد، از این کتاب، نقل شده است که در مورد اول، ابن شهر آشوب

---

1- برای دستیابی به گزارشی از شرح احوال مامطیری و کتاب نزهة الأبصار، ر. ک: «نهج البلاغه پیش از نهج البلاغه»، حسن انصاری قمی، نشر دانش، سال 19، ش 1، بهار 1381، ص 63\_66.

## ابن شهر آشوب و کتاب «معالم العلماء»

اشاره کرده که ابن بابویه حدیث «علّمني رسول الله ألف باب ...» را به 24 طریق نقل کرده است. البته در کتاب الخصال، (1) این حدیث به 34 طریق روایت شده که بر تصحیف متن مناقب دلالت دارد. 44. الخصال فی آداب الملوك، تألیف مؤلفی ناشناخته. ابن شهر آشوب، عبارتی از حضرت امیر علیه السلام را از این کتاب نقل کرده است. (2)

ابن شهر آشوب و کتاب «معالم العلماء» اهمیت ابن شهر آشوب، گذشته از تألیف آثار حدیثی، نگارش کتاب معالم العلماء است. در این قرن، دو اثر مهم رجالی شیعه به رشته تحریر در آمد که یکی از آنها همین کتاب معالم العلماء است. (3) این کتاب ابن شهر آشوب، تکمله ای بر کتب رجالی شیخ طوسی است. بخش های عمده این کتاب، همان مطالب کتب رجالی نجاشی و شیخ طوسی است؛ اما مواردی وجود دارند که ابن شهر آشوب، اطلاعات جدیدی را عرضه می دارد. مهم ترین این موارد، عبارت اند از: 1. در تعریف اصول، ابن شهر آشوب از قول شیخ مفید چنین گفته است: قال الشيخ المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان البغدادي - رضي الله عنه و قدس روحه - : صنف الإمامية من عهد أمير المؤمنين عليّ عليه السلام إلى عهد أبي محمد الحسن العسكري - صلوات الله عليه - أربع مئة كتاب تسمى الأصول وهذا معنى قولهم: أصل. (4) این نکته تا آن جا که منابع بررسی شد، قدیمی ترین نقل قول در باره اصول اربع مئة است. (5)

- 
- 1- ر. ك: الخصال، ج 2، ص 642 - 652.
  - 2- ر. ك: مناقب آل أبي طالب، ج 1، ص 272.
  - 3- آثار مهم رجالی شیعه، عبارت اند از: کتاب الفهرست و الرجال شیخ طوسی، کتاب معرفة الناقلين كشي، تهذيب شيخ طوسي با عنوان اختيار معرفة الرجال، و کتاب رجال ابو العباس احمد بن علي نجاشی.
  - 4- معالم العلماء، ص 3.
  - 5- برای بررسی در مورد اصول اربع مئة (نخستین جوامع حدیثی شیعه)، ر. ك: «الأصول أربع مئة»، اتان کلبیگ، ترجمه محمد کاظم رحمتی، علوم حدیث، ش 17، ص 69 - 123.

2. در شرح حال محمد بن بحر رهنی، نکات جدیدی بجز آنچه نجاشی گفته، آمده است. محمد بن بحر رهنی، از عالمان و محدثان به نام دوره غیبت صغری است. آثار وی در مورد غیبت، مورد استفاده شیخ طوسی و صدوق در تألیف کتاب هایشان در موضوع غیبت بوده است. ابن شهر آشوب درباره وی، چنین نوشته است: أبو الحسین محمد بن بحر الرهنی السجستانی المتكلم يتهم بالغلو، و له نحو من خمسمئة مصنف و رسالة. و كتبه بخراسان، فمنها: كتاب الفرق بين الآل و الأمة، البرهان السديد من عون المديد، الطلاق، المبسوط في الصلاة، التكليف و الوضيف، إثبات الإمامة، الرد على من أنكر الإثني عشر و معجزاتهم، كتاب الحجّة في إبطاء القائم عليه السلام، مجلس الرهنی، المساواة و المقابلة، التلخيص و التلخيص في التفسير، المثل و السير و الخراج، القواعد، مرج البهاء و روض الضياء، المناسك. (1) نجاشی تقریباً به بیشتر این آثار، اشاره نکرده است. در مورد غلو نسبت داده شده به رهنی نیز باید گفت که در قرن چهارم، جامعه امامیه دارای دو مکتب عمده کلامی بوده است: مکتب خراسان و مکتب بغداد. ظاهراً عالمان مکتب خراسان (چون: کشی، عیاشی و فضل بن شادان) در مورد علم ائمه معتقد به اکتسابی بودن آن و منکر علم غیب ائمه بوده اند و معتقد بوده اند که ائمه خود را از طریق مطالعه کتب برجمانده از امامان پیشین به دست می آورده اند، (2) در حالی که علمای بغداد، علم غیب ائمه (مفهوم محدث بودن ائمه) را قبول داشته، علم ائمه را لدنی و غیر اکتسابی می دانسته اند. با توجه به این، عالمان خراسان، کسانی را که به ائمه علم غیب نسبت می دادند، «غالی» معرفی می کردند. نخستین اثر رجالی شیعه را عالمی از مکتب خراسان به نام ابوعمر و کشی تألیف نمود. این کتاب به دست عالمان مکتب بغداد رسید و آنها مطالب آن را در کتب خود درج نمودند؛ اما به این مسئله (غلو) توجهی نکردند. به

1- معالم العلماء، ص 96.

2- برای آگاهی از احادیث منقول از مکتب خراسان در مورد انکار علم غیب ائمه، ر. ک: الأمالی، مفید، ص 23.

همین دلیل، نجاشی در ضمن معرفی رهنی می نویسد: قال بعض أصحابنا: «إنه كان في مذهبه ارتفاع و حديثه قريب من السلامة» و لأدري من أين قيل ذلك. (1) ظاهراً مقصود از «بعض أصحابنا» در این عبارت، کشی است. شیخ طوسی نیز تنها، گفته کشی را بدون اظهار نظر بیان کرده است (یرمی بالتفویض). (2) 3. از عالمان اسماعیلی قرن چهارم، قاضی نعمان، چهره بسیار مشهوری است. وی کتاب مهمی به نام الإيضاح در فقه و حدیث، تألیف کرده است. این اثر، مبنایی برای تألیف آثار بعدی وی، بویژه دعائم الإسلام بوده است. از اصل کتاب الإيضاح، تنها بخشی در باب «صلاة» باقی مانده است. (3) نکته مهم این کتاب، استفاده از متون کهن امامی است. مادلونگ در مقاله ای با عنوان «منابع فقه اسماعیلی» اهمیت این مصادر را تشریح کرده است. آنچه ابن شهر آشوب را به کتاب الإيضاح ربط می دهد، این است که وی این اثر را در اختیار داشته و برخی عالمان و آثار آنها را که در معالم العلماء معرفی کرده، به واسطه این کتاب بوده است. (4) همچنین ابن شهر آشوب، یکی از قدیمی ترین مؤلفان امامی است که از کتب قاضی نعمان، مطالبی را در آثار خود نقل کرده است. وی در تألیف مناقب، از کتاب شرح الأخبار قاضی نعمان، با عنوان «قال ابن قیاض فی شرح الأخبار» نقل هایی را آورده است. (5) ابن شهر آشوب در معرفی قاضی نعمان، چنین نوشته است:

- 
- 1- رجال النجاشی، ص 384.
  - 2- رجال الطوسی، ص 447.
  - 3- این بخش به کوشش نگارنده تصحیح و چاپ شده است. توضیحات مفصل تر را در مقدمه آن آورده ام (ر. ک: میراث حدیث شیعه، ج 10).
  - 4- مکتب ها و فرقه های اسلامی در سده های میانه، ص 252 \_ 269 (مقاله «منابع فقه اسماعیلی»).
  - 5- برای دستیابی به موارد نقل شده از کتاب شرح الأخبار به وسیله ابن شهر آشوب، ر. ک: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 22، 25، 270، 273، 283، 287، 405 و 421، ج 3، ص 22 و 421، ج 4، ص 13 و 187.

ابن قیاض القاضی النعمان بن محمد، لیس یامامی و کتبه حسان، منها: شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ذکر المناقب إلى الصادق علیه السلام، الاتّفاق و الافتراق، المناقب و المثالب، الإمامة، أصول المذهب، الدولة، الإيضاح. (1) همین گونه ابن شهر آشوب از آثار ابو القاسم بستی، مؤلف کتاب الدرجات، (2) که اینک با عنوان کتاب المراتب چاپ شده، استفاده کرده است. (3) در یک مورد نیز از این کتاب با عنوان المراتب یاد شده است. (4) ابو القاسم بستی، از رجال زیدی است. (5) 4. ابن شهر آشوب، در آخر کتاب خود، فهرستی از شاعران شیعی را ذکر کرده است. همو در تألیف کتاب مناقب آل ابی طالب از آثار بیشتر آنان سود جسته است. در اکثر موارد، منقولات وی تنها بخش هایی است که از ادبیات شعری شیعه باقی مانده است. توجه به این نکته ضروری است که این اشعار، تنها از جنبه ادبیات منظوم، اهمیت ندارند و غالب آنها بازتاب عقاید کلامی امامیه اند. به عنوان مثال، اشعار مربوط به حادثه غدیر (6) یا شعر زیر که بازتاب عقاید امامیه درباره مسئله علم امام است، از اهمیت خاصی برخوردار است. شایسته است تا این اشعار، جداگانه در تحقیقی مستقل، مورد بررسی قرار گیرند. من عند علم الکتاب و حکمهمن شاهد یتلوه منه نذارا علم البلیا و المنایا عند فصل الخطاب نمی إليه و صار. (7)

- 
- 1- معالم العلماء، ص 126.
  - 2- برای دستیابی به گزارشی از این کتاب، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربیة، ص 460\_ 462.
  - 3- برای دیدن موارد نقل شده از او، ر. ک: مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 205، 329، 376 و 390.
  - 4- همان، ج 2، ص 390.
  - 5- برای آگاهی از شرح حال بستی، ر. ک: «ابو القاسم بستی و کتاب المراتب»، حسن انصاری قمی، کتاب ماه دین، ش 38\_ 39، آذر\_ دی 1379، ص 3\_ 9.
  - 6- ر. ک: مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 32\_ 45.
  - 7- ر. ک: همان، ص 105.



## برداشت های ابن شهر آشوب از احادیث

برداشت های ابن شهر آشوب از احادیث مواردی که در پی به آنها اشاره می شود، چند نکته حدیثی است که می تواند نوع تلقی و برداشت ابن شهر آشوب از احادیث را تبیین کند: يك . توضیح و تبیین حدیث با استفاده از آیات و اشعار، یکی از ویژگی های ابن شهر آشوب است. وی ضمن نقل حدیثی از الکافی در بیان شأن نزول آیه 55 از سوره مائده \_ که در کلام شیعه یکی از دلایل امامت حضرت امیر علیه السلام تفسیر شده \_ بعد از بیان دو روایت می نویسد: و الدلیل علی أنّ لفظة «ولیّ» فی الآیة تقید الأولى ما ذکره المبرّد فی کتاب العبارة عن صفات الله أنّ الولیّ هو الأولى، وقال النبیّ صلی الله علیه و آله: «أیما امرأة نکحت بغیر إذن ولیّها» و منه أولیاء الدم و فلان ولیّ أمر الرعیّة. و نعم ولیّ الأمر بعد ولیّه و منتجج التقوی و نعم المؤدّب. و ما یعرض به السائل، فلا ینتفت إلیه. و اختصاص الآیة ببعض المؤمنین حیث وصفهم بإیتاء الزکاة، یوجب خروج من لم یؤتها، و من حیث خصّ إیتاءهم بحال الركوع و لم یحصل ذلك لجميع المؤمنین، و من حیث نفی الولاية عن غیر المذكورین فی الآیة بإدخال لفظة «إنّما» و إیتاء الزکاة فی حال الركوع لم یدع لأحد غیره. (1) دو آگاهی های تاریخی \_ حدیثی فراوانی در کتاب مناقب آل ابی طالب آمده است. از این موارد، روایات متعدّد ابن شهر آشوب درباره تدوین قرآن، قابل تأمل است. وی در این باره می نویسد: و رویتم (2) أنّه إنّما أبطأ علیّ علیه السلام عن بیعة أبی بکر لتألیف القرآن. أبو نعیم فی الحلیة و الخطیب فی الأربعین بالإسناد عن السدی، عن عبد خیر، عن علیّ علیه السلام، قال: «لما قبض رسول الله صلی الله علیه و آله أقسمت \_ أو حلفت \_ أن لا أصنع ردائی عن ظهري حتّی أجمع ما بین اللوحین. فما وضعتُ ردائی حتّی جمعت القرآن».

1- همان، ص 9. نیز برای دیدن مباحث مشابه، ر. ک: همان، ج 2، ص 5 به بعد (تفضیل حضرت امیر).

2- مرجع ضمیر، اهل سنّت اند.

بعد از آن ، ابن شهر آشوب خلاصه ای از روایتی که نخستین بار در کتاب منسوب به سلیم بن قیس آمده ، نقل می کند : و فی أخبار أهل البيت \_ عليهم السلام \_ أنه آلی أن لا یضع رداءه علی عاتقه إلا للصلاة حتی یؤلف القرآن و یجمعه ، فانقطع عنهم مدّة إلى أن جمعه ، ثم خرج إليهم به فی إزار یحمله و هم مجتمعون فی المسجد . فأنکروا مصیره بعد انقطاع مع البتة (الألبه) ، فقالوا : الأمر ما جاء به أبو الحسن ! فلما توسّطهم ، وضع الكتاب بینهم ، ثم قال : «إنّ رسول الله صلی الله علیه و آله قال : إتی مخلف فیکم ما إن تمسّکتُم به لن تضلّوا : کتاب الله و عترتی أهل بیتی . و هذا الكتاب و أنا العتره» . فقام إليه الثانی فقال له : إن یکن عندک قرآن ، فعندنا مثله ، فلا حاجة لنا فیكما . فحمل علیه السلام الكتاب و عاد به بعد أن ألزمهم الحجّة. (1) این روایات و برخی احادیث دیگر که ابن شهر آشوب آورده است ، این نکته را در ذهن تداعی می کند که وی به تحریف قرآن معتقد بوده است. (2) خوش بختانه اظهارات دیگری از ابن شهر آشوب در دست است که می توان به کمک آنها تا حدّی ذهنیت وی در این مسئله را دریافت . در این جا عبارت هایی را از ابن شهر آشوب می آوریم که به ادبیات جدلی مبتنی بر احادیث ، تعلّق دارد: و أنکرتم أن یكون بسم الله الرحمن الرحیم من القرآن إلاّ التي فی سورة النمل ، و طعنتم فی ذلك علی أبی بکر و عمر و عثمان فی ما وضعوه فی صدر کلّ سورة لّمّا جمعه علی زعمکم ، فإن قلتُم إنهم أثبتوا فیهِ ما لم لیس فیهِ ، لقد هلك من زاد فیهِ ، و إن کان من القرآن ، لقد کتمتم آیه من کتاب الله ، و أعجب من هذا إنکم تکتبونها فی المصاحف و لا تقرأ و نهی فی الصلاة و تقولون فیها آمین و لا تکتبونها فی المصاحف! (3)

1- همان ، ج 2 ص 51 .

2- برای دیدن روایات دال بر تحریف موجود در این کتاب ، ر . ک : همان ، ج 3 ، ص 127 \_ 130 .

3- مثالب النواصب (نسخه خطّی) ، ص 56 . مثالب النواصب ، نسخه ای خطّی در کتاب خانه ناصریه (لکهنو) است که تاریخ کتابت آن ، سال 845 هجری است . تصویر عکسی این کتاب ، در مرکز احیای میراث اسلامی قم موجود است .

وزعمتم أنه (1) جمع القرآن وقال الله تعالى: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ \* فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» (2) على أن لفظة القرآن يدل على خطابه؛ لأن القرآن هو المجموع من الأمثال والحكم، ورويتهم أنه لم يحفظ القرآن أحد من الخلفاء، وكيف يجمع من لم يحفظ أو يحفظ غير مجموع؟... (3) فإن كان الأمر على ما رويتهم، لقد ذهب عامة القرآن وارتفعت الثقة لو سمعت اليهود أو الزنادقة هذه الأخبار لكان لهم الشبه التي تروون بها على الإسلام. وفي كتاب التحريش أنه قيل للحسين بن علي بن أبي طالب: إن نعثلاً زاد في القرآن ونقص منه بابا... فقال الحسين: «أنا مؤمن لا نقصت كما لا زيدت» فاستحيا (4). (5) از مقایسه این عبارات، می توان به اساس جدولی این مسئله پی برد. تحلیل دیگر این مسئله در بحث از الاحتجاج آمده است. سه. برخی احادیث شاذ نیز در کتاب ابن شهر آشوب موجود است. ابن شهر آشوب، حدیث فطرس را از رساله المسألة الباهرة فی تفضیل الزهراء الطاهرة ی ابو محمد حسن بن طاهر قاینی هاشمی، (6) نقل کرده است. بنا بر این نقل، فرشته ای به نام فطرس، مرتکب خطایی می شود که خداوند او را مخیر به انتخاب عذاب دنیا یا آخرت می کند. فطرس، عذاب دنیا را انتخاب می کند «وكان معلماً بأشفار عينيه في جزيرة في البحر لا يمر به حيوان و تحته دخان متنن غير منقطع. فلما أحس الملائكة نازلين سأل من مرّ به منهم عمّا أوجب لهم ذلك». فرشتگان، خبر تولّد امام حسین علیه السلام را به او می دهند. او نیز از آنها می خواهد که

1- مرجع ضمیر، عثمان است.

2- قیامت، آیه 17 و 18.

3- همان، ص 468.

4- در جایی دیگر از این کتاب، ابن شهر آشوب بار دیگر بر این نکته تأکید نموده و گفته است: «وقد ذكر الغزالي ذلك في الإحياء إلا أنه اعتذر له. فقال وقد حرق عثمان مصحفين، ثم قال: لكثرة القراءة فيها. فإن كان فيهما زيادة على ما في أيدي الناس، لقد قصّد إلى إبطال بعض كتاب الله و تعطيل بعض شريعته» (همان، ص 472).

5- همان، ص 265.

6- برای آگاهی درباره این رساله، ر. ک: الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج 3، ص 15.

## نقش ابن شهر آشوب در انتقال میراث امامیه از ایران به حله

چون به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند ، سلام او را به ایشان برسانند و ایشان از خدا بخواهد که وی را به حق حسین علیه السلام ببخشد . پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کرد و چنین شد. (1)

نقش ابن شهر آشوب در انتقال میراث امامیه از ایران به حله نقش مهم دیگر ابن شهر آشوب ، انتقال میراث شیعی از ایران (ری ، کاشان ، قم و نیشابور) به حله است . در مورد اهمیت مکتب ری \_ که متأثر از حوزه نجف بوده است \_ اطلاعات اندکی موجود است . در کاشان ، نسخه ای از کتاب النهایة ی شیخ طوسی در غزه ذی قعدة 579 ق به خط ابو القاسم بن محمد بن علی جاسبی ، کتابت شده است . این نسخه دارای اجازه قطب راوندی به کاتب با این شرح است: کتاب النهایة فی فقه أهل البيت علیهم السلام تألیف الشیخ الإمام العالم الزاهد عماد الدین أبی جعفر محمد بن علیّ الطوسی رضی الله عنه قرأ علی الشیخ الإمام العالم وجیه الدین جمال الإسلام أبو القاسم علیّ بن محمد بن علیّ الجاسبی \_ أدام الله سداة \_ و أجزت له روایتة عنی عن مشایخی یعنی عن المصنّف ... أبو الفضل الراوندی محمد بن سعید ... فی شهر 580 . (2) ابن شهر آشوب در معرفی طرق اجازه خود به کتب امامیه به ، ما امکان می دهد تا ضمن شناخت شیوخ اجازه وی ، از روند انتقال و کتب منتقل شده ، اطلاع حاصل کنیم . در این قرن ، ما شاهد انتقال میراث شیعی (کتب نگاشته شده به وسیله شیخ طوسی) از نجف به ری نیز هستیم . در ری ، کتب شیخ صدوق از جمله آثار متداول بین آنها بوده است . این میراث ، بار دیگر به وسیله ابن شهر آشوب به حله انتقال یافته است . ابن شهر آشوب ، آثار شیخ طوسی را از ابوالفضل الداعی بن علی حسینی

1- ر. ک: مناقب آل ابی طالب ، ج 4 ، ص 82 .

2- ر. ک: «چهار کتاب خانه نفیس شخصی» ، سید محمود مرعشی ، شهاب ، سال ششم ، ش 2 (مسلسل 20) ، ص 4 ؛ فرهنگ ایران زمین ، ج 4 ، ص 74 \_ 121 بخصوص صفحات 84 \_ 86 ، 88 \_ 90 و 92 \_ 98 . در مورد نسخه مورد بحث نیز ، ر. ک: همان ، ص 103 \_ 105 . همچنین برای آگاهی بیشتر از مکتب ری ، ر. ک: بحار الأنوار ، ج 104 ، ص 95 ، 123 و 128 .

سروی (1)، ابورضا فضل الله بن علی حسینی، 2 عبد الجلیل بن عیسی بن عبد الوهّاب رازی، ابو الفتوح حسین بن علی رازی، (2) محمود و علی (فرزندان علی بن عبد الصمد تمیمی)، محمّد بن حسن شوهانی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، (3) ابو جعفر محمّد بن علی حلبی و حسین بن احمد بن طحال مقدادی، همگی از فرزند شیخ طوسی و عبد الجبّار بن علی رازی، روایت نموده و اجازه روایت کتبخان را دریافت داشته است. (4) منتجب الدین در مورد عبد الجبّار نوشته است: فقیه الأصحاب بالرّی، قرأ علیه فی زمانه قاطبة المتعلّمین من السادة والعلماء، و هو قرأ علی الشیخ أبی جعفر الطوسی جمیع تصنیفاته، و قرأ علی الشیخین سالار و ابن براج، و له تصانیف بالعربیّة و الفارسیّة فی الفقه. (5)

- 
- 1- وی، مؤلف اثر مفقود شده حدیثی با عنوان آثار الأبرار و أنوار الأخبار بوده است (ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص 71).
  - 2- علی بن عبد الله بن حسین بن بابویه، رجال النجاشی را در سال 551 ق نزد این عالم امامی، قرائت کرده است (ر. ک: طبقات اعلام الشيعة (ثقات العیون)، ص 194).
  - 3- در مورد این فقه مشهور امامی، ر. ک: همان، ص 17 \_ 216.
  - 4- مناقب آل أبی طالب، ج 1، ص 32 و 33. در ادامه، ابن شهر آشوب طرق روایت خویش به شیوخ خود را به نحوهای مختلف حدیثی (مناوله، اجازه و کتابت) آورده است (ر. ک: همان، ص 33 و 34؛ بحار الأنوار، ج 104، ص 33، 47 و 48).
  - 5- الفهرست، منتجب الدین، ص 108 و 109. نیز برای آگاهی از اهمیت عبد الجبّار در روایت آثار شیخ طوسی، ر. ک: بحار الأنوار، ج 104، ص 33 و 48 (که وی از خود شیخ طوسی آثارش را روایت کرده است).

## عماد الدین طبری و کتاب «بشارة المصطفى»

علی بن عبد الصمد تمیمی که از جمله شیوخ روایت ابن شهر آشوب است، از روایت مهم آثار شیخ صدوق است. (1) ابن شهر آشوب در آغاز مناقب، در معرفی اسناد کتب خود می گوید که وی کتاب های ابن بابویه را از محمد و علی (پسران علی بن عبد الصمد نیشابوری)، از پدرش، از ابو البرکات علی بن الحسین خوزی، از صدوق روایت می کند. (2) به عنوان مثال، در سند روایت کتاب عیون أخبار الرضا این گونه آمده است: قال الشيخ المؤتمن الوالد أبو الحسن علي بن أبي طالب بن محمد بن أبي طالب التميمي المجاور، قال: حدثني الأمير السيد... أبو محمد شرف شاه بن أبي الفتح محمد بن حسين بن زبارة... في شهر سنة ثلاث و سبعين و خمسمئة بمشهد مولانا علي بن أبي طالب \_ صلوات الله عليه \_ عند مجاورته به، قال حدثني الشيخ الفقيه العالم أبو الحسن علي بن عبد الصمد رضی الله عنه فی داره بنيسابور فی شهر سنة إحدى و أربعين و خمسمئة، قال حدثنا السيد الإمام الزاهد أبو البركات (علي بن الحسين) الجوري... قال حدثنا الشيخ... أبو جعفر محمد بن علي...». (3)

عماد الدین طبری و کتاب «بشارة المصطفى» یکی از آثار حدیثی نگاشته شده در قرن ششم، کتاب بشارة المصطفى لشعبة المرتضى ی عماد الدین ابی جعفر محمد بن ابو القاسم طبری است. (4) در مورد وی، منتجب الدین،

- 1- ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص 109. منتجب الدین نوشته است که وی فقه را نزد ابوجعفر محمد بن حسن طوسی فرا گرفته است. همچنین، ر. ک: معالم العلماء، مقدمه، ص 12 و 13؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1427 (همین سلسله سند، در معرفی نسخه ای از عیون أخبار الرضا علیه السلام نیز نقل شده است).
- 2- ر. ک: بحار الأنوار، ج 1، ص 25؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1551. نیز برای آگاهی بیشتر در مورد علی بن محمد بن عبد الصمد، ر. ک: طبقات أعلام الشيعة (ثقات العيون)، ص 204.
- 3- عیون أخبار الرضا، ج 1، ص 73. همین سلسله سند در روایت الامالی صدوق نیز موجود است. همچنین، ر. ک: طبقات أعلام الشيعة (ثقات العيون)، ص 206؛ بحار الأنوار، ج 104، ص 154.
- 4- این کتاب به تصحیح آقای جواد قیومی به چاپ رسیده است، گرچه در ضبط اسامی، آشفتگی هایی در متن وجود دارد. به عنوان مثال، ضبط اسم «السید الإمام أبوطالب يحيى بن محمد بن الحسين بن عبد الله الجواني» که طبری نزد وی در آمل به سال های 508 و 509 ق سماع حدیث نموده، نادرست است. بیهقی ضبط نام وی را این گونه آورده است: «و جريدة بطبرستان من مجموعات السيد أبي طالب يحيى بن أبي هاشم محمد بن الحسن النقيب بن عبيد الله بن محمد بن الحسن بن عبيد الله بن الحسن... الجواني» (ر. ک: لباب الأنساب، ص 720؛ طبقات أعلام الشيعة (ثقات العيون)، ص 340 (در متن کتاب نیز این نام آشفته، تصحیح شده است). ظاهراً از شیوخ زیدیه یا شاید امامی ساکن در نواحی طبرستان نیز سماع حدیث نموده است. برای دستیابی به گزارشی از این کتاب، مؤلف و شیوخ آن، ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1179 \_ 1185.

## خاندان طبرسی

تنها اشاره کرده که او شاگرد ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی بوده و قطب الدین راوندی نیز نزد او تلمذ نموده است. آخرین اطلاعی که از زمان حیات وی در دست است، سال 553 ق است که محمد بن جعفر مشهدی در نجف از وی سماع حدیث نموده است. (1) وی در طلب حدیث به مناطق مختلف سفر نموده است. ابن اسفندیار در مورد وی می نویسد: فقیه آل محمد، عالم زاهد. (2) ویژگی خاص کتاب وی، در این است که به ما امکان می دهد در مورد مراکز حدیثی شیعه در قرن ششم اطلاعات بیشتری به دست آوریم.

خاندان طبرسیاز محدثان و عالمان صاحب تألیف حدیثی، باید به خاندان طبرسی اشاره کرد. مشهورترین فرد این خاندان، امین الإسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م 548 ق) است. بیشتر شهرت وی به واسطه تألیف تفاسیر مشهور مجمع البیان و جوامع الجامع است. این تفاسیر، صبغه حدیثی ندارند؛ چرا که گرچه طبرسی در ضمن بحث از برخی آیات به احادیث اشاره می کند، اما اسناد آنها را نمی آورد. وی همانند دیگر عالمان این قرن، نزد ابوعلی حسن بن محمد طوسی، شمس

1- ر. ک: المزار الکبیر، ص 12.

2- تاریخ طبرستان، ص 130.

الإسلام حسن بن حسين حَسَّكَ بَابُوه و برخی دیگر از علما تَلَمَّذ نمود که نام آورترین آنها، دو فرد پیش گفته اند. او همچنین از ابوالفتح عبد الله بن عبد الکریم ابن هوازن قشیری، مجموعه حدیثی صحیفه الرضا علیه السلام (1) را روایت نموده است. از شاگردان وی می توان به شیخ منتجب الدین، ابن شهر آشوب، قطب راوندی و سید فضل الله راوندی اشاره کرد. (2) از آثار حدیثی او می توان به إعلام الوری اشاره کرد. کتاب یادشده، مجموعه ای حدیثی در تاریخ ائمه و پیامبر است. ابواب این کتاب، عبارت اند از: فی ذکر النبی، فی ذکر امیر المؤمنین علیه السلام، فی ذکر سائر الأئمة من الحسن الزکیّ إلى الحسن العسکری علیهم السلام، فی بیان إمامتهم و ذکر الثانی عشر منهم. در بخش آخر، طبرسی به دفاع کلامی از اندیشه «غیب» پرداخته است. در این کتاب، وی اسناد احادیث را به نحو کامل نیاورده است. با این حال از مصادری استفاده نموده که اینک برخی از آنها در دسترس نیستند. مهم ترین این منابع، کتاب مغازی ابان بن عثمان احمر بَجَلی است. (3) دیگر اثر طبرسی در احوال ائمه، رساله کوچکی با عنوان تاج الموالید است که به چاپ نیز رسیده است. ادبیات دعانویسی و تحریر کتب ادعیه، در قرن ششم از رونق خاصی برخوردار بوده است. طبرسی در این زمینه، کتاب الآداب الدینیّة للخزانة المعینیّة را نگاشته است (4)

- 1- این کتاب، حاوی صد تا دویست حدیث (و هر کدام با روایت های گوناگون) است. برای آگاهی از طرق هشتگانه روایت این کتاب و متداول بودن آن در بین شیعه و اهل سنت، ر. ک: توضیحات دانش پژوه در معرفی نسخه ای از این اثر (فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1396 \_ 1408). همچنین، ر. ک: طبقات اعلام الشیعة (ثقات العیون)، ص 164. متن کتاب را مؤسسه الإمام المهدی (قم) زیر نظر سید محمد باقر موحد ابطحی در سال 1408 ق، چاپ کرده است. در مقدمه این چاپ، توضیحات مفصّلی ذکر شده است.
- 2- در مورد فضل الله بن علی حسینی، برای نمونه، ر. ک: طبقات اعلام الشیعة (ثقات العیون)، ص 217 و 218.
- 3- برای دستیابی به فهرست منابع مورد استفاده طبرسی در إعلام الوری، ر. ک: «طبرسی و کتاب إعلام الوری»، محمّد دباقر خوراسگانی، آینه پژوهش، ش 46، ص 34 و 35.
- 4- این کتاب به کوشش سید محمد حسینی نیشابوری (مشهد، 1419ق) به چاپ رسیده است.



که از آن، نسخ چندی موجود است. ابواب این کتاب، عبارت اند از: الملابس، الحَمَام، تسريح الشعر، أخذ الأطراف، السواك، النظر، السمع، الأكل والشرب، التجارة، النكاح، المولود، النوم، السفر، ما ختم به الكتاب. (1) فرزند وی، رضی الدین فضل بن حسن، کتاب مکارم الأخلاق را در ادامه کتاب فوق، تألیف نمود. این کتاب، متنی مرسل و مجموعه ای از احادیث اخلاقی است. نوه طبرسی، ابو الفضل علی بن حسن، کتاب مشكاة الأنوار را به عنوان ذیلی بر کتاب مکارم الأخلاق تدوین نموده است. جمع آوری کلمات قصار حضرت امیر، موجب پدید آمدن آثار متعددی بوده، که یکی از این آثار، کتاب نثر اللآلی طبرسی است. صحیفه الرضا، یکی از آثاری است که طبرسی جزو روایات و سلسله اسناد آن قرار دارد. این کتاب، حاوی 240 حدیث منسوب به امام همام، علی بن موسی الرضا علیه السلام است. طرق روایت این کتاب، متفاوت است؛ اما همه آنها به ابو القاسم عبد الله بن احمد بن عامر (الشهید بالطّف)، از پدرش احمد بن عامر، از امام رضا علیه السلام، ختم گردیده است. نسخه ای که طبرسی در سلسله سند آن قرار دارد، به تاریخ غرّه رجب سال 529 ق به املائی ابو الفتح عبد الله بن عبد الکریم قشیری است که وی آن را در رمضان سال 501 ق در نجف از ابو الحسن علی بن محمّد بن علی خاتمی، سماع نموده است.

---

1- برای آگاهی از ابواب این کتاب، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «الآداب الدینیّة للخزانة المعینیّة»؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج 1، ص 18؛ فهرست کتب خطّی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج 5، ص 1\_3. این کتاب برای معین الدین ابو نصر احمد بن فضل، وزیر سلطان سنجر (م 552 ق)، نگاشته شده است. قدیمی ترین نسخه این کتاب به شماره 6043 آستان قدس، به وسیله محمّدصالح بن مؤمن تونی در سال 1025 ق، کتابت شده است. تصویر عکسی این نسخه در مرکز احیای میراث اسلامی (قم) موجود است. در آن جا لقب کاتب، بحرانی و سال کتابت، 1035 ق قرائت شده است.

## الاحتجاج و مؤلف آن

الاحتجاج و مؤلف آن از دیگر نگاشته ها در این قرن باید به اثر جدلی الاحتجاج ابو منصور طبرسی اشاره کرد. این کتاب، حاوی بخش اعظمی از روایات جدلی شیعی در ردّ عقاید اهل سنت و نکات دیگر است. قدیمی ترین کتابی که به این شیوه نوشته شده و به دست ما رسیده است، اثر مشهور، کتاب سَلَمِ بن قیس است. ویژگی مهم ادبیات جدلی، در استناد به روایات اهل سنت و نقل مطالب آنها بر ضدّ نظرات آنان است. این شیوه، همان «إلزام الخصم بما ألزم عليه نفسه» است. (1) نکته ای که باید در مواجهه با این گونه آثار در ذهن داشت، ماهیت جدلی آنهاست، یعنی نباید مضمون روایات این کتب را عقاید شیعه دانست؛ چرا که بنای این آثار، ردّ عقاید اهل سنت با استناد به روایات و عقاید متداول میان آنهاست. در مورد مؤلف کتاب الاحتجاج یعنی ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، نکات اندکی وجود دارد. ابن شهر آشوب به وی به عنوان استاد خود اشاره کرده و این آثار را برای او ذکر کرده است: الکافی فی الفقه (که کتابی نیکو یاد شده است)، الاحتجاج، مفاخر الطالبیّة (الطالبیین)، فضائل الزهراء علیها السلام و کتاب الصلاة. (2) بر خلاف ابن شهر آشوب، منتجب الدین، اشاره ای به وی نکرده است. (3) ابن ابی جمهور ظاهراً به اشتباه، الاحتجاج را به ابو علی طبرسی (مؤلف تفسیر مجمع البیان)

- 
- 1- در مورد اصالت کتاب سلیم و انتساب آن به تابعی مشهور، در میان عالمان امامی اختلاف وجود دارد. از دیگر آثار نگاشته شده به این شیوه، می توان به اثر جدلی مشهور به نام الإيضاح منسوب به فضل بن شاذان (م 260ق) و کتاب الاستغاثة ی ابو القاسم کوفی اشاره کرد. در قرن ششم، کتاب مثالب النواصب ابن شهر آشوب، اثری دیگر با این ادبیات است (ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1483 \_ 1485).
  - 2- معالم العلماء، ص 25.
  - 3- با این حال، محمد تقی دانش پژوه در ضمن معرفی نسخه ای از الاحتجاج، منتجب الدین را از جمله شاگردان طبرسی معرفی کرده است. ظاهراً این گفته درست نیست (ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1058).

نسبت داده است. (1) ابن طاووس با نقل عبارتی از این کتاب و ذکر نام کتاب در بین آثاری که باید به فرزندش وصیت کند، مؤلف کتاب را ابو منصور طبرسی دانسته است. (2) تنها دو سلسله سند در کتاب الاحتجاج آمده است: نخستین سلسله سند، طریق روایت تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام به همان طریق مشهور است. (3) فردی که طبرسی این تفسیر را از وی نقل کرده، ابو جعفر سیّد مهدی بن ابن ابی حرب حسینی مرعشی، از شاگردان ابو علی است. دومین سلسله سند که در آن، مرعشی روایتی را از ابو علی به نقل از شیخ طوسی نقل کرده، تنها مؤید تلمذ حسینی نزد ابو علی است. (4) طبرسی به دلیل مشهور بودن تصانیف و نوشته های امامیه، اسناد مآخذ خود را نیاورده است؛ عملی که در بیشتر آثار این دوره انجام شده است. (5) با توجه به چاپ تحقیقی این کتاب به وسیله ابراهیم بهادری و محمّد هادی به (قم، 1413 ق) می توانیم مصادر مورد استفاده طبرسی را شناسایی کنیم. یکی از مهم ترین این منابع، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است. گرچه نمی توان این را قطعی دانست، اما بر اساس منقولات طبرسی و اهتمام وی به نقل از کتاب و عدم وجود نقلی که در متن چاپی موجود نباشد، می توان اظهار داشت که متن این تفسیر، بر خلاف نظر عدّه ای، ظاهراً در اصل به همین اندازه بوده است.

- 
- 1- روضات الجنّات، ج 1 ص 65؛ فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سیّد محمّد مشکات به دانشگاه تهران، ج 3 بخش 3 ص 1058؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 9.
  - 2- کتاب خانه ابن طاووس، ص 300 و 301.
  - 3- ر. ک: الاحتجاج، ج 1، ص 6\_8.
  - 4- ر. ک: همان، ص 133.
  - 5- سابقه این عمل، به زمان شیخ صدوق برمی گردد. وی به علت اشتها و متداول بودن متون، به چنین کاری دست یازیده است.

## رہیافت طبرسی در «الاحتجاج»

از دیگر مآخذ طبرسی، باید به آثار شیخ صدوق چون الأمالی و کمال الدین (که در بخش امام دوازدهم و نقل متن توقیعات، روایات از این کتاب اخذ شده اند)، الأمالی شیخ طوسی و کتاب سلیم بن قیس اشاره کرد. همچنین بخشی از رساله سیدمرتضی به نام الرسالة الباهرة فی فضل العترة الطاهرة نیز در این کتاب نقل شده است. (1)

رہیافت طبرسی در «الاحتجاج» طبرسی در آغاز کتابش علت تألیف کتاب را چنین بیان داشته است: سپس آنچه مرا به تألیف این کتاب وا داشت، نپرداختن گروهی از اصحاب و یاران ما به علم جدل و بحث بوده است، گرچه این عمل صحیح است. آنها این گونه استدلال می نمودند که پیامبر و ائمه هرگز مجادله و جدل نکرده اند و چنین عملی را به کار نگرفته اند و از بهر شیعه نیز در این کار رخصتی نیست؛ بلکه از آن نهی شده اند. به این دلیل، لازم دیدم که نوشته ای را از گفتگوهای آنها در فروع و اصول با اهل سنت و خردمندان که در آنها به جدل با آنان پرداخته اند، گرد آورم. ائمه از پرداختن به جدل، تنها افراد ناتوان را نهی کرده اند و منع آنها شامل حال افراد توانا به این فن نمی گردد. (2) در ادامه، طبرسی آیات دال بر گفتگو و جدل را آورده و بعد به نقل روایات پیامبر و ائمه در باب مجادله با مخالفان پرداخته است. نکته ای که از این مقدمه کوتاه برمی آید، نشان از آغاز حرکت حدیث گرایی در حوزه فکری شیعه است؛ حرکتی که آرام آرام در میانه قرن هفتم، تبلورش در ابن طاووس تجلی یافت که مدعی نهی پیامبر و ائمه از بحث های کلامی بود. (3)

- 
- 1- فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1059. مترجم مشهور عصر صفوی، علی بن حسن زواره ای، کتاب الاحتجاج را با عنوان کشف الاحتجاج به فارسی ترجمه کرده است. برای آگاهی از نسخه ای از این ترجمه، ر. ک: همان، ص 1487\_1488.
  - 2- الاحتجاج، ج 1، ص 3.
  - 3- بحار الأنوار، ج 104، ص 43، 46 و 47.

به طور قطع نمی توان گفت که طبرسی با دغدغه اهل کلام، به نگارش کتاب خود پرداخته یا تنها محدثی بوده که روایات دال بر ذم «کلام» را به نحو دیگری درک می کرده است. با این حال، وجود چنین احادیثی به همراه حاکمیت نقل حدیث و عدم نقل قول های خاص از وی، تا حدی نشانگر وجود ذهنیت فردی محدثی در وی است. از سوی دیگر، احادیث انتخاب شده در بحث امامت حضرت علی علیه السلام، با بیان افضلیت آن حضرت، واقعه عقبه، توطئه گروهی از منافقان برای قتل پیامبر، و حدیث منزلت آغاز شده است. نیز هدف دیگر طبرسی در کتاب خود، اثبات امامت حضرت امیر با تکیه بر روایات شیعی است، که در این مسئله وی بر خلاف دیگر عالمان امامی چون ابن شهر آشوب و ابن بطریق - که به نقل روایات اهل سنت توجه تمام داشته اند - عمل نموده است. کتاب سلیم بن قیس و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، دو متن مهمی هستند که طبرسی به تکرار، از آنها نقل قول کرده است؛ چرا که اساس بحث کتاب وی بر این دو کتاب بنا شده است. (1) این، در حالی است که در آغاز، وی به شهرت اندک تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کرده است. نیز با وجود این که احادیث، بدون هیچ اظهار نظری نقل شده اند، ولی نزدیکی ذهنیت مؤلف را به تفکر متکلمان امامی نشان می دهد. این را می توان با مقایسه کلیت بحث مؤلف با آثار کلامی شیعه دریافت. نکته ای که از این همانندی می توان استنباط نمود، تمییز نهادن میان تفکر اصولی و اخباری است. دو مفهوم اصولی و اخباری، غالباً با توجه به مقوله فقه و حجیت یا عدم حجیت عقل، مورد اشاره قرار می گیرند؛ اما بحث اصولی و اخباری، در «عقاید» نیز مطرح

---

1- متن این تفسیر، جزو آثار متداول در قرن پنجم و ششم است، گرچه این روایت ها دال بر اعتبار کتاب نیستند (ر. ک: التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام، مقدمه).

است. به عبارت دیگر، عالم می تواند در فقه خود، اصولی باشد؛ ولی در عقایدش اخباری، و برعکس. ظاهراً طبرسی از این گروه عالمان است. يك ویژگی دیگر اخباری بودن در عقاید، اصرار بر مسائل خاص کلام شیعه درباره خلفاست. شیعه زمانی که در محیطی يك دست قرار داشته، بر این مسائل اصرار ورزیده و چون به تعامل با اهل سنت می رسیده، بدون چشم پوشی از این مسائل، به ارائه تعدیل هایی چند، و بیان نظرات خود، پرداخته است. (1) نکته قابل ذکر درباره کتاب طبرسی، چند روایت به نقل از کتاب سلیم است که دال بر تحریف قرآن است. در الاحتجاج در بحث احتجاج برخی صحابه با ابو بکر، به نقل از کتاب الخصال شیخ صدوق، روایتی بلند آمده است. در ضمن روایت، از قول علی علیه السلام بیان شده که فرمود: بعد از آن که پیامبر وفات نمود، به غسل و تکفین ایشان مشغول شدم. سپس سوگند یاد نمودم که ردا بر تن نکنم، جز برای نماز، تا قرآن را جمع کنم و چنین نیز نمودم. سپس به نزد اهل بدر و پیش گامان در اسلام (سابقون) رفته، بر گرفتن حقم، از آنها یاری خواستم. (2) بعد از این روایت، حدیثی از کتاب سلیم بن قیس نقل شده که در آن از قول علی علیه السلام آمده است: چون رسول خدا در گذشت، مشغول به جمع آوری قرآن شدم و تمام آن را گرد آوردم (حتی جمعته کله فی هذا الثوب). آیه ای بر پیامبر نازل نگردید، جز آن که من آن را گرد آوردم، و تمام آیات را پیامبر بر من خوانده و تأویل آنها را نیز به من آموخته است؛ اما آنها (خلفا) به من گفتند که به این قرآن نیازی ندارند و همانند آن در نزدشان هست. (3) نیز در ضمن نقل روایتی طولانی از مجادله علی علیه السلام با زندقی، از تحریف قرآن،

1- اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری، ص 36 به بعد.

2- الاحتجاج، ج 1، ص 188.

3- همان، ج 1، ص 207.

## خاندان راوندی

### قطب راوندی، عالم پُر اثر قرن ششم

بیشتر سخن رفته است. (1) این روایات در حقیقت، منعکس کننده این ذهنیت امامیه است که علی علیه السلام قرآن را بعد از پیامبر، تدوین کرده و این مصحف مسلماً با مصاحف دیگر فرق داشته است. برخی، ماهیت این تفاوت را وجود تأویلات قرآن از سوی حضرت دانسته اند و برخی دیگر، آن را حاوی آیاتی از قرآن دانسته اند که در مصحف فعلی، موجود نیست. این دو ذهنیت، خود، شاخصی برای شناخت وجود ذهنیت اخباری و اصولی در عقاید است. (2) روایات دال بر تشبیه نیز در این کتاب موجودند، گرچه روایت دال بر تنزیه نیز روایت شده اند. جمع میان این دو، آن است که بگوییم روایات دال بر تشبیه، در تلقی این عالمان، تشبیهی نبوده اند. (3) ویژگی دیگر کتاب الاحتجاج، در نقل متن برخی توقیعات است که جز آن، در المزار الکبیر مشهدی روایت شده اند. این، نشانگر آن است که طبرسی متن توقیع را یا از کتاب حمیری و یا از منبعی که ما از آن خبر نداریم، برگرفته است. (4)

خاندان راوندی قطب راوندی، عالم پُر اثر قرن ششم قطب الدین ابو الحسن سعید بن هبة الله راوندی (5) که به «قطب راوندی» مشهور است، بی شك، یکی از پُر اثرترین عالمان قرن ششم است که به حدیث، بخصوص با توجه به مشرب فکری اش در گریز از کلام، عنایت خاصی داشته است. این شهر آشوب و منتجب الدین - که هر دو از شاگردان وی بوده اند - وی را با القابی چون:

- 
- 1- ر. ک: همان، ص 585 \_ 597.
  - 2- اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم هجری، ص 22 \_ 36.
  - 3- ر. ک: حدیثی که برای عرش، ماهیتی مادّی در نظر می گیرد (الاحتجاج، ج 1، ص 365 و 366). نیز برای دیدن روایات تنزیهی از خطبه های نهج البلاغه، ر. ک: همان، ص 473 \_ 480.
  - 4- ر. ک: همان، ج 2، ص 573 \_ 595.
  - 5- برای اطلاع بیشتر از وی به طور کلی، ر. ک: ریاض العلماء، ج 2، ص 419 \_ 427.

فقیه، صالح، و ثقة ستوده اند. (1) وی از ابو جعفر محمد بن علی حلبی، امین الإسلام طبرسی، عماد الدین محمد بن علی طبری و عدّه زیادی از علمای شیعه و اهل سنت، سماع حدیث نموده است. (2) وی شرح معروفی بر نهج البلاغه با عنوان منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه نگاشته است. این شرح از همان زمان نگارش، مورد توجه علما قرار گرفته است. ابن ابی الحدید، شارح مشهور دیگر نهج البلاغه، در شرح خود، به گفته های راوندی استناد نموده است. (3) مهم ترین آثار حدیثی راوندی، عبارت است از: قصص الأنبياء، (4) الخرائج و الجرائح، (5) سلوة الحزین، (6) ضیاء الشهاب فی شرح شهاب الأخبار، (7) رساله فی احوال احادیث أصحابنا، (8)

- 1- در تألیف این بخش، از مقاله عالمانه «نهج البلاغه عبر القرون» سیّد عبد العزیز طباطبایی (تراثنا، ش 38 \_ 39، سال 1415 ق) استفاده شده، گرچه به اصل مصادر نیز مراجعه شده است.
- 2- فهرست کامل این رجال و منقولات راوندی از آنها را سیّد عبد العزیز طباطبایی در مقاله پیش گفته آورده است (ر. ک: همان، ص 257 \_ 260؛ الصراط المستقیم، ج 2، ص 98).
- 3- برای دستیابی به اطلاعات بیشتر و نسخ این کتاب، ر. ک: همان، ص 261 \_ 265.
- 4- این کتاب در بیست باب و اکثر روایات آن از آثار شیخ صدوق برگرفته شده است. در مورد نسخ این کتاب، ر. ک: همان، ص 267 و 268. برای دستیابی به گزارشی از شیوخ روایت راوندی در این اثر، علاوه بر متن کتاب، ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سیّد محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1454 \_ 1459.
- 5- این کتاب در بیان و ذکر معجزات پیامبر و ائمه اطهار است. این کتاب، مورد استفاده سدید الدین محمود حمصی رازی (مؤلف کتاب المنقذ من التقليد، از علمای قرن ششم) است، گرچه سدید الدین به نام کتاب تصریح نکرده است. در مورد نسخ این کتاب، ر. ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، سیّد عبد العزیز طباطبایی، تراثنا، ش 38 \_ 39، ص 268 \_ 270.
- 6- نسخه کهنی از این کتاب نزد علامه مجلسی بوده و در تألیف بحار از آن سود جسته است. این کتاب با عنوان دعوات الراوندی به چاپ رسیده و مجموعه ای از ادعیه است. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: همین کتاب، ص 505 (ادبیات دعانویسی).
- 7- در مورد نسخ این کتاب، ر. ک: «نهج البلاغه عبر القرون»، سیّد عبد العزیز طباطبایی، تراثنا، ش 38 \_ 39، ص 272. در مورد کتاب شهاب الأخبار و شروح نگاشته شده بر آن، ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سیّد محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1380 \_ 1385.
- 8- این رساله در حقیقت، شرحی است بر بخش کوتاه، امّا پُر فایده کتاب الاستبصار شیخ طوسی که مباحث همانندی در علم الحدیث در آن مطرح شده است. اصل این شرح، باقی نمانده و تنها تلخیصی از آن باقی است که در میراث حدیث شیعه (ج 5) به چاپ رسیده است.



مكارم أخلاق الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين ، (1) تحفة العليل في الأدعية و الآداب و أحاديث البلاء ، (2) مفتاح المتعبّد ، (3) و اللباب في تلخيص فصول عبد الوهّاب . از میان این آثار ، تنها اللباب ، فاقد نسخه خطّی یافت شده است ، با وجود آن که این اثر در تدوین مستدرک الوسائل مورد استفاده فراوان محدّث نوری (م 1320 ق) بوده است . این کتاب در حقیقت ، يك اثر کرامی (شاخه ای از حنفیان) و متعلّق به ابو حنیفه عبد الوهّاب بن محمّد ، از عالمان کرامی نیشابور است که قطب راوندی تلخیصی را از آن انجام داده است . (4) توجّه به این نکته ، از آن جهت مهم است که برخی از مطالب این کتاب با فقه شیعه منطبق نیست و نباید مطالب نقل شده را جزو آرای شیعه دانست . 5

- 
- 1- نسخه منحصر به فردی از این کتاب در کتاب خانه مجلس (در مجموعه 5364 رساله اول به تاریخ کتابت 985 ق در 82 برگ) موجود است . نیز ، ر . ک : سیّد عبد العزیز طباطبایی ، همان ، ص 273 و 274 .
  - 2- ظاهراً این مجموعه دعا ، همان کتاب دعوات الراوندی است (ر . ک : «نهج البلاغه عبر القرون» ، (سیّد عبد العزیز طباطبایی ، تراثنا ، ش 38 \_ 39 ، ص 274) .
  - 3- تنها يك نسخه از این کتاب در دانشگاه تهران موجود است (ر . ک : همان ، ص 274) .
  - 4- برای آگاهی بیشتر ، ر . ک : «چهره دیگر محمّد بن کرام سجستانی» ، شفیعی کدکنی ، ارج نامه ایرج ، ج 2 ص 60 به بعد .

## راوندی و تخریج کتاب «النبوة» ی شیخ صدوق

### سید فضل الله حسینی راوندی

راوندی و تخریج کتاب «النبوة» ی شیخ صدوق یکی از نکات جالب توجه کتاب قصص الأنبياء راوندی، این است که وی در این کتاب، تقریباً بخش اعظمی از کتاب «النبوة» ی شیخ صدوق را به طریق اسانید خود به شیخ صدوق، تخریج کرده است. آقای حسن انصاری در اشاره به این مطلب می نویسد: به نظر می رسد که مأخذ عمده قطب الدین بن سعید بن هبة الله راوندی در کتاب قصص الأنبياء و در نقل احادیث و روایات از ائمه اطهار علیهم السلام، کتاب النبوة ی صدوق بوده است. این نکته حائز اهمیت است که جز چند روایت، تمام، کتاب راوندی، منقول از صدوق است و در واقع کتاب راوندی، تخریجی است از روایات صدوق. عقیده من، این است که قطب الدین راوندی، نسخه ای از این کتاب النبوة ی صدوق را در اختیار داشته و بخش هایی از آن را در این کتاب، تخریج و نقل کرده است. از آن جا که قطب راوندی به طرق مختلف، کتب صدوق را روایت می کرده و در واقع از مشایخ گوناگون و به توسط هر يك از طرق مختلف می توانسته کتب صدوق را روایت کند، تنها کاری که در این کتاب کرده، این بوده است که عموماً در آغاز هر فصل به طریقی، کتاب صدوق را روایت کند و سپس احادیث آن بخش را از کتاب صدوق نقل کند. (1) افندی نیز در ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، به تخریج کتاب قصص الأنبياء قطب راوندی، توجه کرده است. (2)

سید فضل الله حسینی راوندی ابو الرضا فضل الله بن علی حسینی راوندی، عالم و فقیه امامی و صاحب مدرسه مجدیه کاشان، یکی از مفاخر شیعه در قرن ششم است. با وجود این که تنها، آثار

1- «نسخه ای ناقص از کتاب النبوة ی صدوق»، حسن انصاری قمی، نشر دانش، سال نوزدهم، ش 3، پاییز 1381، ص 34.

2- ر. ک: ریاض العلماء، ج 2، ص 426 \_ 428 و 435 \_ 437.

حدیثی معدودی از او موجود است ، 1 لازم است به دلیل اهتمام وی به تدریس و استنساخ کتب متقدم امامی ، در موردش سخن گفته شود. سمعانی ، وی را در کاشان دیده و در موردش چنین نوشته است : و أدركت بها (1) السيد الفاضل أبا الرضا فضل الله بن علي العلوي الحسنی القاسانی ، و كتبت عنه أحاديث و أقطعا من شعره ، و لمّا وصلت إلى باب داره ، قرعت الحلقة و قعدت على الدكة أنتظر خروجه ، فنظرت إلى الباب فرأيت مكتوبا فوقه بالجصّ : «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» . (2) افضل الدين حسن بن ابراهيم خومجانی ، كتاب الأمالی سيّد مرتضى ، و وجيه الدين عبد الجبار بن حسين ، كتاب خصائص الأئمة ي شريف رضی را در سال 555 ق ، در کاشان و ظاهرا در همان مدرسه مجديه ، نزد وی سماع و قرائت نموده اند. (3) از آثار حدیثی وی می توان به کتاب ضوء الشهاب، (4) ادعية السرّ و کتاب النوادر اشاره

- 
- 1- مرجع ضمير «ها» ، کاشان است .
  - 2- الأنساب ، سمعانی ، ذیل «کاشانی» . سيّد عبد العزيز طباطبایی تذکر داده که این نقل در متن موجود ، تحریف شده است . برای دیدن نقل کامل این عبارت ، ر . ک : «نهج البلاغه عبر القرون» ، سيّد عبد العزيز طباطبایی ، تراثنا ، ش 35 \_ 36 ، سال 1414 ق ، ص 162 ، پی نوشت .
  - 3- همان ، ص 167 . برای آگاهی های بیشتر از مکتب کاشان ، ر . ک : طبقات أعلام الشيعة (ثقات العيون) ، ص 192 ، 195 و 203 .
  - 4- در مورد نسخ این کتاب ، ر . ک : «نهج البلاغه عبر القرون» ، سيّد عبد العزيز طباطبایی ، تراثنا ، ش 38 \_ 39 ، ص 175 .

**ابن حمزه ، فقيه و محدث امامی**

کرد که دو اثر اخیر ، منتشر شده اند. در کتاب النوادر ، حسینی روایات کتاب الأشعثیّات را به طریق ابو المحاسن عبد الواحد بن اسماعیل رویانی (م 501 ق) به نحو اجازة و سماع از ابو عبد الله احمد بن حسن بکری ، از ابو محمد سهل بن احمد دیباجی (راوی کتاب الأشعثیّات) ، از محمد بن محمد بن اشعث به طریق اجازة و سماع روایت نموده است. (1) علامه حلی در اجازة معروف خود به بنو زهره ، به طریق دیگری نیز جز آنچه ضیاءالدین حسینی در النوادر آورده ، اشاره کرده است. (2)

ابن حمزه ، فقیه و محدث امامیاز دیگر عالمان امامی قرن ششم که از وی آثار چندی بر جا مانده است ، می باید به عماد الدین ابو جعفر محمد بن علی طوسی مشهدی مشهور به «ابن حمزه» اشاره کرد . منتجب الدین، وی را فردی فقیه ، عالم و واعظ توصیف کرده و از آثار وی به الوسیلة ، الواسطة ، الرائع فی الشرایع ، المعجزات و مسائل فی الفقه اشاره کرده است. (3) ابن شهر آشوب به وی اشاره نکرده است . این نکته تنها می تواند به دلیل عدم ملاقات بین این دو باشد ؛ چرا که ابن شهر آشوب ، در نگارش کتاب المناقب ، اهتمام خاصی به ذکر مصادر امامی و غیر امامی داشته و با این حال ، از ابن حمزه یادی نکرده است . او در کتاب معالم العلماء نیز مدخلی را به وی اختصاص نداده است. در مورد تاریخ تولّد و وفات ابن حمزه در منابع ، سخنی گفته نشده است و تنها با کمک اطلاعاتی که در کتابش ذکر شده است ، می توان نکاتی در این باب دریافت . البته ابن طاووس از حیات وی در سال 566 ق سخن گفته است که با توجه به حوادث

- 
- 1- در این مورد ، ر . ک : النوادر ، راوندی ، ص 82 و 83 . در مورد اهمیت کتاب الأشعثیّات و طرق روایت آن ، ر . ک : همان ، ص 60 به بعد ؛ طبقات اعلام الشیعة (ثقات العیون) ، ص 168 .
  - 2- بحار الأنوار ، ج 107 ، ص 132 .
  - 3- الفهرست ، منتجب الدین، ص 164 . کتاب های الوسیلة إلى نیل الفضیلة و الواسطة از آثار موجود فقهی وی هستند . در کتب فقهی به این عالم با عنوان «ابن حمزه» اشاره می شود ( ر . ک : روضات الجنّات ، ج 6 ، ص 262 \_ 266). ابن طاووس از کتاب الوسیلة استفاده کرده و نقلی از آن آورده است ( ر . ک : کتاب خانه ابن طاووس ، ص 97 \_ 596) .

## الثاقب فی المناقب

تاریخی ای که در کتاب ابن حمزه ذکر شده، مورد تأیید است. در مورد اساتید وی، تنها از نام يك تن به نام ابو جعفر محمد بن حسن شوهانی خبر داریم. (1) منتجب الدین در اشاره به شوهانی، تنها به اقامت وی در مشهد اشاره نموده و او را به عنوان عالمی امامی توصیف کرده است. (2) از روایتی که شوهانی از آنها نقل حدیث کرده و احتمالاً شیوخ اجازه وی بوده اند، به ابوعلی حسن بن محمد طوسی و ابوالفاء عبد الجبار بن علی مقری می توان اشاره کرد. (3) بر اساس این مطالب می توان ابن حمزه را از شاگردان با واسطه مکتب شیخ طوسی دانست.

الثاقب فی المناقب (4) اثر حدیثی این عالم امامی، کتابی در بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام با نام الثاقب فی المناقب است. این کتاب به کوشش نبیل رضا علوان، بر اساس شش نسخه خطی در سال 1412 ق، در قم، منتشر شده است. ابن حمزه، خود در آغاز کتاب، به این نام تصریح کرده است. (5) منتجب الدین، این کتاب را با عنوان المعجزات معرفی کرده است. این کتاب، بیان معجزات اهل بیت به ترتیب امامتشان است. مهم ترین اهمیت این کتاب، در استفاده از برخی کتاب های قدیمی امامی است که از آنها جز نامشان اطلاعی در دست نیست. بخش های مفصلی از این کتاب، برگرفته از آثار صدوق (به عنوان مثال، بخش مربوط به امام دوازدهم آن، مبتنی بر کتاب

1- ابن حمزه در الثاقب به شاگردی خود نزد شوهانی اشاره کرده است (ر. ک: الثاقب فی المناقب، ص 127 و 369).

2- ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص 165.

3- ر. ک: مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 11؛ ریاض العلماء، ج 5، ص 65. همچنین ابن حمزه از شیوخ فخار بن معد موسوی (م 630 ق) مؤلف الحجّة الذاهب إلى تکفیر ابی طالب نیز بوده است (ر. ک: بحار الأنوار، ج 108، ص 76).

4- علامه در اجازه مشهور خود به بنو زهره، از این کتاب، نام برده و گفته که کتاب را به واسطه پدرش، از مهذب الدین حسین بن رده نیلی، از مصنف روایت می کند (ر. ک: بحار الأنوار، ج 104، ص 86).

5- ر. ک: الثاقب فی المناقب، ص 36.

### برخی فواید تاریخی کتاب «الثاقب فی المناقب»

کمال الدین و تمام النعمة است)، شیخ مفید و شیخ طوسی است. از منابع مورد استفاده ابن حمزه در تألیف این کتاب، می توان مصادر زیر را ذکر نمود: 1. بستان الکرام ابو الحسن محمد بن احمد بن شاذان (شاذان) قمی. ابن حمزه دو حدیث از این کتاب نقل کرده است. (1) 2. مفاخر الرضا، اثر عالم مشهور شافعی نیشابور، حاکم نیشابوری (م 405 ق)، مؤلف کتاب المستدرک علی الصحیحین. نقل های ذکر شده، تنها منقولات موجود از این کتاب اند. (2) 3. حلیة الأولیاء، اثر مشهور ابو نعیم اصفهانی (م 430 ق). این کتاب که مورد توجه علمای امامی بوده، به دلیل در برداشتن فضایل اهل بیت، به تکرار، مورد استناد و استفاده علمای امامی قرار گرفته است. (3) در این کتاب، دو اثر با نام فضائل البتول (نوشته فردی به نام ابو موسی) و سیر الأئمة (نگاشته فردی به نام مولینی) معرفی شده که اطلاعی در موردشان موجود نیست. (4) نیز گاهی بدون ذکر منابع و تنها با بیان «وجدت فی بعض الکتب من أصحابنا» حدیثی نقل شده است. (5) همچنین نقل هایی از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آورده شده است که نشان دهنده تداول این تفسیر است. (6)

برخی فواید تاریخی کتاب «الثاقب فی المناقب» بجز اهمیت حدیثی این کتاب، نکاتی در مورد وضعیت و مشکلات شیعیان، در آن آمده است. به عنوان مثال، ابن حمزه به نقل از جماعتی از مردم خراسان، ماجرای رخ داده در مورد یکی از سادات را بیان کرده است.

1- ر. ک: همان، ص 328.

2- برای دیدن این نقل ها، ر. ک: همان، ص 483، 496 و 546.

3- در این مورد، ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 294.

4- ر. ک: الثاقب فی المناقب، ص 55 و 149.

5- ر. ک: همان، ص 311 و 458.

6- ر. ک: همان، ص 467.

## ابن بطریق و کتاب «عیون صحاح الأخبار»

ماجرا از این قرار بوده که داوود فرزند آلب ارسلان (دوره حکومت 455 \_ 465)، شریفی به نام ابو علی بن عبید الله علوی معروف به نودولت (1) را به گرایش به آل محمد، متهم نمود و او را دستگیر و بخشی از اموال او را مصادره نمود. در آن شب، داوود، حضرت امیر را در خواب دید که ضمن دادن شیشه کافوری، از او خواست تا شریف را آزاد و اموال او را پس دهد. داوود به این خواب اهمیت نداد؛ ولی بار دیگر همان خواب را دید و در پی دیدن این خواب، علوی را آزاد و اموالش را باز گرداند. (2) این را می دانیم که سادات در خراسان از اهمیت فراوانی برخوردار بوده اند و از نظر مالی نیز تمکن خوبی داشته اند. یکی از همین سادات، مرقد امام همام علی بن موسی الرضا علیه السلام را بازسازی و تعمیر کرده است. این نقل، نشانگر زمان تألیف کتاب الثاقب نیز هست.

ابن بطریق و کتاب «عیون صحاح الأخبار» دیگر عالم مشهور حله در این دوره، ابو الحسین یحیی بن سعید حلی مشهور به ابن بطریق (523 \_ 600 ق) است. (3) از معروف ترین مشایخ وی می توان به عماد الدین طبری (مؤلف کتاب بشارة المصطفی) و ابن شهر آشوب، اشاره کرد. وی در سال 567 ق، از ابن شهر آشوب \_ که در حله سکونت گزیده بود \_ سماع حدیث نموده است. ابن بطریق نزد متکلم مشهور امامی این دوره، سدید الدین محمود حمصی، کلام آموخته است. وی به بغداد سفر نمود و سرانجام در واسط اقامت گزید و در همان جا درگذشت. عمده شهرت وی به واسطه نگارش دو اثر: عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار و خصائص الوحی المبین است. (4)

- 
- 1- از دیگر سادات، نودولت ابو الحسن محمد بن عبید الله علوی (م 465 ق) را می شناسیم. فرد ذکر شده در حکایت، اگر این فرد نباشد، برادر یا فرزند وی است (ر. ک: المنتخب من السیاق، ص 119).
  - 2- ر. ک: الثاقب فی المناقب، ص 241.
  - 3- در مورد وی، ر. ک: طبقات أعلام الشيعة (ثقات العیون)، ص 337 و 338؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص 3 و 118.
  - 4- برای آگاهی از شرح حال ابن بطریق، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن بطریق» (به قلم حسن انصاری قمی).

ابن بطریق در کتاب خصائص الوحي المبين \_ که به تصریح خود او، آن را بعد از کتاب عمده نوشته است \_ تصمیم گرفت تا کتاب جداگانه ای در مورد مناقب حضرت علی علیه السلام تألیف کند. خود وی در این مورد چنین می نویسد: وقد سمته بخصائص الوحي المبين في مناقب أمير المؤمنين عليه السلام ... في مناقب وصي المختار من طريق [أهل] السنة خاصة ليس للشيعة فيه طريق، لكون ذلك أنجم في الدليل وأنهج في السبيل وأبهج في التأويل وأحمّ في المقال وأحسم للضلال، إذ هو من خاصّ طرقهم واتّخاذ فرقههم لا يعترى المتمسك به تقييد ولا عن لزوم الحجّة به محيد. (1) همانند کتاب عمده، وی از مصادر اهل سنت چون: مناقب عبد الله بن احمد بن حنبل، صحيح البخاري، صحيح مسلم، الجمع بين الصحيحين حميدي، و آثار دیگری که در عمده نیز به آنها اشاره کرده، سود جسته است. (2) ابن بطریق در آغاز کتاب، علّت تألیف کتاب و طرق خود به مؤلّفان آثار اهل سنت را \_ که وی کتاب خود را بر مبنای آنها تألیف کرد \_ چنین توضیح داده است: أمّا بعد، فإنّه لَمَّا كثر اختلاف الخاصّ والعامّ في مناقب أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام، و ذهب الناس في ذلك كلّ مذهب و صنّف كلّ فريق من مناقبه على قدر وسعه و طاقته و ما وصل إليه من طرقه و روايته، و إن اختلفت آراؤهم في الاعتقاد لإمامته من تقديم و تأخير مع أنّ سائر أهل الإسلام مجمعون على القول بإمامته إجماعاً لا يدخله شوب غرام و لا يعتريه حوب أثم، بل هو الغاية الموعول في الرمي و نهاية الباحث في الروي، إذ وجوبها عن وحي لاهوتي و نصّ نبوي و إجماع من عدوّ و وليّ، و رأيت أكثر ذوى العلم إلّا من عصمه الله تعالى مكيبين على الاشتغال بما وضعه لهم مشايخهم من المصنّفين في الأصول والفروع، إخلاداً منهم إلى راحة التقليد، و إطراحاً لوظيفة النظر في موضع الدليل من الأصلين اللذين هما سنيخ الهدى والتسديد، إذ جميع الدين ليس بمجرّد قياس و لا تخمين، بل هو مؤسس عليهما كتاب الله تعالى و ما صحّ من سنّة الرسول الأمين؛ لأنّ من لا يراعيهما طالب

1- خصائص الوحي المبين، ص 18.

2- در مورد فهرست این کتاب، ر. ك: همان، ص 19 \_ 25.



للعلم من غير سبيله و مقتحم ولوجه من غير بابه و دليله ، آثار لى ذلك عزما مع ما كان سبق من سؤال بعض السادة الأجلء الدينين فى أن أوْلَف فى ذلك كتابا لم يسبق إلى مثله قديم عصر بالتصنيف ، و لا حديث عهد بالتأليف من كلا طرفى سنّى صنّف أو شيعى يكون ، تنبيها للعالم الزكىّ و تقويما للجاهل الغوىّ الغبىّ ... (1) كتاب عيون در بيست و پنج فصل تنظيم شده و در هر فصل ، آيه اى كه در شأن حضرت امير بوده ، نقل و بعد از آن ، روايت هاى منقول كه در آنها به تنزيل آيه يا آيات در حقّ حضرت تصريح شده ، ذكر گردیده است . ابن بطريق در آخر هر بخش ، نظرات خود را نیز ذكر مى كند . ويژگى جالب توجه ابن بطريق ، نحوه ارجاع دادن وى به مصادر مورد استفاده اش است . وى در مواردى آدرس دقيق روايت را آورده است . (2) روايات اين كتاب در اثبات امامت حضرت على عليه السلام است . (3) تلاش ابن بطريق ، ذكر فضائل حضرت است كه به نحوى بر اساس آن ، امامت ايشان اثبات مى گردد . او در آخر احاديث ، نظرات خود را مبتنى بر همان احاديث ، بازگو مى كند . به عنوان مثال ، او نظرات خودش را در پى نقل روايات دال بر عصمت حضرت (4) و لزوم محبت به اهل بيت (5) بازگو کرده است . (6) كتاب العمدة ي ابن بطريق ، مورد توجه و عنایت عالمان زيدي بوده است ، بخصوص آن دسته از طرق ابن بطريق كه از اكثر كتاب هاى حديثى به روش اجازه نقل حديث کرده است . به عنوان مثال ، عبد الله بن حمزه (م 614 ق) در كتاب الشافى ، اكثر

- 
- 1- همان ، ص 43 .
  - 2- برای نمونه ، ر . ك : همان ، ص 46 و 75 . ابن طاووس اين روش را به نحو گسترده ترى مورد استفاده قرار داده است ( ر . ك : كتاب خانه ابن طاووس ، ص 139 \_ 144 ) .
  - 3- در اين كتاب ، رواياتى از مصادر اهل سنت نقل شده كه دال بر تحريف قرآن اند . برای نمونه ، ر . ك : خصائص الوحي المبين ، ص 54 .
  - 4- خصائص الوحي المبين ، ص 79 و 80 .
  - 5- همان ، ص 87 و 88 .
  - 6- برای دیدن موارد ديگر ، ر . ك : همان ، ص 58 \_ 60 ، 64 \_ 66 ، 79 و 80 .

## دیگر عالمان قرن ششم

آثار حدیثی را از طریق ابن بطریق نقل کرده است. (1) عالمان زیدی، از طریق شاگرد زیدی ابن بطریق، علی بن محمد صنعانی (م بعد از 590 ق)، آثار وی را روایت کرده اند. مشهورترین راوی از صنعانی، عالم و محدث نامدار زیدی، علی بن احمد بن حسین اکوع مشهور به شعله است که آثار ابن بطریق را به طریق مناووله در هفدهم ذی حجه 598 ق از صنعانی روایت کرده است. (2) در میان آثاری که عالمان زیدی به طریق صنعانی از ابن بطریق روایت کرده اند، کتاب مناقب أمير المؤمنين ابو الحسن علی بن محمد جلابی (م 483 ق)، جالب توجه است. (3) دلیل دیگر برای توجه زیدیان به آثار ابن بطریق، باقی ماندن کتاب عمده ی وی به خط خودش در یمن است. (4)

دیگر عالمان قرن ششمی دیگر از علمای قرن ششم، یحیی بن حسن بن سعید، سرسلسله خاندان بنو سعید، است. (5) به این نکته باید توجه نمود که عمده شهرت این خاندان در قرن هفتم و هشتم است. از دیگر شیوخ شیعه در شهر حله، می باید به ورام بن نصر بن ورام اشاره کرد که غیر از دیگر فقیه شیعی به همین نام و جد ابن طاووس است. وی نسخه ای از التهذیب شیخ طوسی را به دست خود نگاشته است. (6) عالم دیگر حلی این دوره، ابو الفتوح نصر بن علی حلی نحوی (م 600 ق) است.

- 
- 1- عبد الله بن حمزه از طریق اکوع، از صنعانی، آثار ابن بطریق را روایت کرده است (ر. ک: طبقات الزیدیة الکبری، ج 1، ص 596 \_ 603).
  - 2- برای آگاهی از شرح حال مفصل صنعانی، ر. ک: همان، ج 3 ص 1527 \_ 1523.
  - 3- برای آگاهی از کتاب مناقب ابن مغازلی، ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربیة، ص 578 \_ 584.
  - 4- «ابن شرفیة و کتاب عیون الحکم والمواعظ»، حسن انصاری قمی، کتاب ماه دین، سال سوم، ش 11، 1379 ش / 1421 ق، ص 15. برای آگاهی از نسخه های دیگر از این اثر همراه با شرح حالی از ابن بطریق، ر. ک: فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات، ج 3، بخش 3، ص 1422 و 1423.
  - 5- طبقات اعلام الشیعة (ثقات العیون)، ص 338.
  - 6- همان، ص 28 \_ 327.

صفدی در شرح حال او اطلاعات مهمی را درباره اش آورده است . وی نوشته است که نحوی در اوان جوانی به بغداد آمد و نزد ابو محمد بن عبیده کرخی و افراد دیگر به فراگیری ادب پرداخت . وی تعلق خاطری نیز به حدیث داشته و نزد عالمان اهل سنت ، متون حدیثی آنها را سماع کرده است (و سماع الحدیث ... و انتخب كثيرا من الأحادیث و الأخبار). (1) در کنار شهر حله ، شهر حلب ، یکی دیگر از مراکز شیعی این دوره است . خاندان مشهور ابن زهره ، از جمله بیوتات مشهور این شهرند. (2) شخصیت مشهور این خاندان در قرن ششم ، سید عزالدین ابوالمکارم حمزة بن علی حسینی (511\_585 ق) است . شهرت وی به واسطه تألیف کتاب غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع است . از جمله اساتید وی ، ابوهاشم مجتبی بن حمزه حسینی از شاگردان عبد الجبار مفید رازی (شاگرد شیخ طوسی) بوده است. (3) از این عالم امامی ، اثر حدیثی موجود نیست ؛ اما از آن جایی که از شخصیت های معروف این دوره است ، به نام وی اشاره شد.

- 
- 1- ر . ك : الوافی بالوفیات ، ج 27 ، ص 74 و 75 . صفدی در ادامه به جرح این عالم امامی به وسیله عالمان اهل سنت اشاره کرده که به دلیل تشیع وی بوده است.
  - 2- در مورد بیوتات شیعی شهر حلب ، ر . ك : دائرة المعارف بزرگ اسلامی ، مدخل «آل زهره» به قلم هادی عالم زاده .
  - 3- فهرست نسخ خطی اهدایی آقای سید محمد مشکات ، ج 3 ، بخش 3 ، ص 1954 . وی در ضمن معرفی نسخه ای از غنیه ، نکات سودمندی را از شرح حال ابن زهره آورده است .



## بخش دوم: قرن هفتم

## خاندان ابن طاووس

## رضی الدین ابن طاووس

بخش دوم: قرن هفتم همان گونه که در مقدمه این تحقیق اشاره شد، قرن هفتم از حیث توجه به حدیث در میان شیعه، بیشتر با نام عالم امامی، ابن طاووس، شهرت دارد. از این رو، نخست به گزارشی از آثار وی خواهیم پرداخت و سپس در ادامه از دیگر عالمان امامی سخن خواهیم گفت.

خاندان ابن طاووسیکی از خاندان های مشهور شیعی در قرن هفتم، خاندان ابن طاووس است. (1) این خاندان علوی، که نسب از امام حسن مجتبی علیه السلام می برند، تألیفات مهمی در حوزه حدیث و رجال، از خود باقی نهاده اند.

رضی الدین ابن طاووس مشهورترین فرد این خاندان، رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی بن جعفر مشهور به سید ابن طاووس (589-664 ق) است. (2) جدّ مادری وی، ورام بن ابی فراس نخعی (م دوم محرم 605 در حله) بوده که ابن طاووس نزد وی تلمذ حدیث کرده است. ابن طاووس در ربیع الأول سال 609 ق از پدرش، ابو الحسن علی بن یحیی خیطاط سوری حلّی، اجازه روایت کتب حدیث و نیز در جمادی الثانیه همان سال از حسین ابن احمد سوری، اجازه روایت برخی از کتب شیخ طوسی را دریافت کرده است.

1- مهم ترین تحقیق درباره ابن طاووس و خاندان وی، کتاب کتاب خانه ابن طاووس است. همچنین، ر. ک: الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص 13، 14، 91، 92، 116-118، 157، 164، 175 و 185.

2- ابن طاووس، شرح حال خود را به تفاریق در کتاب کشف المحجّة لثمره المهجّة آورده است.

ابن طاووس در پی ازدواج با دختر وزیر شیعی خلیفه عبّاسی، ناصر بن مهدی (م 617 ق)، به بغداد رفت و در آن جا از برخی عالمان اهل سنت چون محمد بن محمود ابن نجّار (م 643 ق) نیز سماع حدیث نمود. همچنین ابن طاووس از عالمان شیعی، چون: اسعد بن عبد القاهر اصفهانی در صفر 635 ق و محمد بن جعفر بن هبة الدین نما (م 645 ق) حدیث سماع کرده که از این دو، بخصوص در کتاب فتح الأبواب، نقل حدیث کرده است. ابن طاووس در ایام جوانی نزد ابن نما در حلّه فقه خوانده و اجازه روایت آثار مختلفی از جمله النهایة ی شیخ طوسی را اخذ کرده است. از عالمان دیگری که ابن طاووس نزد آنها تلمذ نموده، می توان به تاج الدین حسن بن علی دربی، نجیب الدین محمد سواربی، صفی الدین محمد بن معد بن علی موسوی (که از وی کتاب الموالید ابن خشاب را در دهه آخر صفر 616 ق روایت کرده)، شمس الدین فخّار بن معد موسوی (م 630 ق، که از طریق وی روایاتی از الناصر، خلیفه عبّاسی، روایت کرده)، کمال الدین حیدر بن محمد بن زید حسینی (که از وی در 16 جمادی الثانیه 620 ق روایت کرده)، سدید الدین سالم بن محفوظ حلّی (که نزد او کتاب تبصره و بخشی از کتاب کلامی المنهاج (1) را خوانده)، علی بن حسین بن احمد بن علی جوانی، حسین بن عبد الکریم غروی و محیی الدین محمد بن عبد الله حلبی اشاره کرد. از ابن طاووس آثار فراوانی بر جا مانده که برای شناخت میراث کهن حدیثی امامیه، اهمّیت فراوانی دارند. در این جا به برخی نکات اشاره می شود. (2)

1- ظاهراً کتاب المنهاج فی أصول الدین زمخشری، منظور است.

2- اتان کلبرگ، پژوهش جامعی درباره آثار موجود نزد ابن طاووس آورده که برای دستیابی به گزارش کامل آن می توان به کتاب وی (کتاب خانه ابن طاووس) رجوع کرد. در این جا تنها از برخی متون حدیثی و اهمّیت برخی از مطالب ابن طاووس سخن می رود.

## ابن طاووس و میراث کهن امامیه

ابن طاووس و میراث کهن امامیه عالمان امامی در طی قرون گذشته، تألیفات فراوانی در حوزه حدیث و علوم آن تألیف کرده اند که متأسفانه بخش های فراوانی از آنها امروز به نحو مستقل باقی نمانده است، هرچند بخش اعظم این متون در آثار موجود امامیه نقل شده است. از این رو محققانی که قصد تحقیق در تاریخ تدوین حدیث امامیه دارد، با این مشکل رو به روست که نخست باید به نحوی بتواند برخی از این متون کهن را بازسازی و بازشناسی کند. یکی از ویژگی های تألیفات ابن طاووس، این است که مواد خام فراوانی را برای این کار در اختیار ما قرار می دهند. نقل های گسترده ابن طاووس از متون کهن امامیه، در تمام کتاب های وی، ویژگی ای جالب توجه است. شیوه ای که ابن طاووس در نقل از متون کهن امامیه دارد، به چند صورت است: در برخی موارد، ابن طاووس به نام کتاب و مؤلف آن اشاره و عبارت هایی را نقل می کند. در مواردی نیز تنها نام کتاب یا مؤلف را ذکر کرده است، که در مواردی که نام کتاب ذکر شده، مشکل خاصی در تعیین نام مؤلف باقی نمی ماند و اشکال اصلی، در مواردی است که ابن طاووس تنها با اشاره به نام مؤلف و البته به شیوه ای که در آن زمان متداول بوده، از کتابی نقل کرده است. به عنوان مثال، ابن طاووس در کتاب فلاح السائل، روایات فراوانی از کتاب الجامع محمد بن حسن بن ولید قمی (م 343 ق) (1) نقل کرده؛ اما اشاره ای به نام کتاب ندارد و تنها با ذکر عبارت های: «کما رواه محمد بن الحسين بن ولید» (2)، «لما رواه محمد بن

1- درباره وی، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن ولید قمی» (به قلم محمد جواد شبیری).

2- ر. ک: فلاح السائل، ص 71\_73، 75، 107 و 108. دلیل دیگری که ابن طاووس از کتاب الجامع ابن ولید قمی نقل مطلب می کند، اشاره وی به آن در برخی موارد است. به عنوان مثال، وی در فلاح السائل (ص 109 و 110) می نویسد: «فمن ذلك ما نرويه بإسنادنا إلى جدّي أبي جعفر الطوسي ممّا يرويه بإسناده إلى محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد» یا «و من ذلك بإسنادي المشار إليه عن محمد بن الحسن بن الوليد».

الحسن» (1)، «لَمَّا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ» (2)، «لَمَّا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ» (3) از وی نقل روایت کرده است. در مواردی نیز ابن طاووس به نام فرد صاحب اثر اشاره کرده و در ادامه، طریق خود را در نقل حدیث از وی، متذکر شده است. در مواردی به کمک این نقل قول ها، حتی می توانیم آثار کهن نقل شده در متون دیگری را شناسایی کنیم. نمونه مهمی از این دست، کتاب الزواجر و المواعظ ابو احمد حسن بن عبد الله بن سعید عسکری (م 7 ذی حجه 382 ق) است. رضی الدین ابن طاووس در کتاب کشف المحجّة لثمره المهجّة که در واقع، زندگی نامه خودنگاشت وی نیز هست، در فصل 154، برای به پایان بردن بحث کتاب، از وصیّت نامه امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام سخن گفته است. برای تأکید بر وثاقت این وصیّت نامه، ابن طاووس به ذکر طرق متعدّد این خبر در کتاب الزواجر و المواعظ ابو احمد عسکری (4) \_ که ابن طاووس از نسخه ای کتابت شده از آن در ذی القعدة سال 473 ق، بهره برده است \_ اشاره کرده و متن کامل این طرق را آورده است. (5) ابن طاووس بعد از ذکر این طرق، به نقل این وصیّت نامه به وسیله کلینی اشاره کرده و به دلیل تفاوت روایت کلینی از عسکری، متن را به نقل از کلینی آورده است. با

1- ر. ک: همان، ص 93 و 94.

2- ر. ک: همان، ص 95.

3- ر. ک: همان، ص 96.

4- برای آگاهی از شرح حال عسکری، برای نمونه، ر. ک: الوافی بالوفیات، ج 12، ص 76 \_ 78. صفدی در شرح حال عسکری در بیان مقام ارجمند او چنین آورده است: «اتتهت إليه رياسة الحديث و الإملاء للآداب و التدريس بقطر خوزستان و رحل إليه الأجلاء للأخذ عنه و القراءة عليه».

5- کشف المحجّة لثمره المهجّة، ص 218 و 219. در تصحیح اسامی برخی از این افراد، خطاهایی وجود دارد. همچنین درباره کتاب الزواجر و المواعظ، ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 606 و 607.



### نکات خاصّ ابن طاووس درباره امامیه نخستین

این حال، تذکر ابن طاووس و ذکر طرق متعدّد به نقل از کتاب الزواجر و المواعظ عسکری، اهمّیت خاصی برای بازشناسی بازمانده‌هایی از این کتاب در اثری دیگر از قرن چهارم به نام الاعتبار و سلوة العارفين دارد. الموفق بالله حسین بن اسماعیل شجری (م ح 420 ق) عالم نامدار زیدی ایرانی، کتاب مهمی در کلمات حضرت امیر علیه السلام به نام الاعتبار و سلوة العارفين دارد. (1) مقایسه بخش منقول از کتاب الزواجر و المواعظ که ابن طاووس آنها را نقل کرده، با آنچه شجری با اتصال سند خود به عسکری و البته همانند کار معمول محدّثان این دوره (بدون اشاره به نام کتاب) آورده، به ما امکان می‌دهد که با یقین، از تعلق این بخش‌ها به کتاب الزواجر عسکری سخن بگوییم. همچنین باید توجه داشت که تأمل در اسناد کتاب نیز به خوبی مؤیّد این است که شجری، روایات متعدّدی از کتاب خود را از کتاب‌های تألیف عسکری تخریج کرده؛ اما این که چه اثری از عسکری در اختیار شجری بوده، به لطف نقل‌های ابن طاووس است.

نکات خاصّ ابن طاووس درباره امامیه نخستینیکی دیگر از ویژگی‌های آثار ابن طاووس، آگاهی‌های منحصر به فرد او درباره برخی از دیدگاه‌های حدیثی عالمان سلف امامیه است. از مهم‌ترین این موارد، گزارش مفصّل ابن طاووس درباره نقصان یا کامل بودن ماه رمضان است. می‌دانیم که از نیمه غیبت صغری، مسئله‌ای در جامعه امامیه پیش آمد و آن، قول به «کامل بودن ماه رمضان» بود. این مسئله تا قرن ششم هجری محلّ نزاع عالمان امامیه بوده؛ اما ظاهراً در زمان ابن طاووس، دیگر طرفداری نداشته است. (2)

1- کتاب الاعتبار و سلوة العارفين به کوشش عبدالسلام بن عبّاس الوجیه (آمان، 1421 ق) به چاپ رسیده است.

2- برای نقد دیدگاه امامیه در اعتقاد به چنین مسئله‌ای، ر. ک: انتقادات حاکم جُشدّ می (م 494 ق) موجود در: «معرفی جلاء الأبصار فی متون الأخبار (متنی حدیثی از میراث معتزله)»، محمّد کاظم رحمتی، علوم حدیث، 21، پاییز 1381، ص 116\_119.

## ابن طاووس و ادبیات ادعیه نگاری

گزارش مفصل ابن طاووس درباره این مسئله و اطلاعاتی که وی از متون کهن تر، چون کتاب لمح البرهان شیخ مفید - که او نیز در ابتدا از قائلان به سی روز بودن ماه رمضان بوده - جالب توجه است. (1) استفاده مستقیم ابن طاووس از برخی اصول اولیه حدیثی امامیه و نقل مطالبی از آنها در آثار مختلفش، یکی از ویژگی های مهم آثار اوست. ابن طاووس به شیوه های مختلف از اصول کهن امامیه یاد کرده است: وی، گاه بدون معرفی مؤلف اصل، تنها با نقل این که «من در يك اصل قدیمی از آثار اصحابمان یافتیم (وجدتُ فی أصل عتیق من أصحابنا)» و گاه با ذکر نام مؤلف اصل (هم چون: ربیعة بن محمد بن عاصم، عبیدالله بن علی حلبی، عبد الله بن حماد انصاری، ابان بن محمد سندی، عبد الله بن محمد یمنی، احمد بن حسین صیقل، علی بن اسماعیل میثمی و...)، مطالب را نقل کرده است. (2)

ابن طاووس و ادبیات ادعیه نگاری در حقیقت، ابن طاووس را باید چهره ای ممتاز در ادبیات دعانویسی در میان شیعیان دانست. تعلق خاطر ابن طاووس به گردآوری ادعیه روایت شده از ائمه در کتب کهن تر و نگارش آثار متعدد، مهم ترین ویژگی های وی است. از این رو مروری بر این گونه آثار ابن طاووس، ضروری می نماید. نکته جالب توجهی که در آثار ابن طاووس چشمگیر است، شیوه خاص اوست. ابن طاووس در آغاز کتاب های خود، به تفصیل، فهرست مطالبی را که قصد ارائه آنها را دارد، ذکر می کند. همچنین وی در بیشتر موارد، منبع مورد استفاده خود را معرفی و مشخصات آن را نیز ذکر می کند.

- 
- 1- برای آگاهی از تفصیل مطلب، ر. ک: إقبال الأعمال، ص 5\_7. همچنین، ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 337 و 338.
  - 2- برای دستیابی به فهرست کامل اصول در دسترس ابن طاووس، ر. ک: همان، ص 200\_209. ابن طاووس اغلب ادعیه روایت شده از ائمه را از این اصول، نقل کرده است.

آثار ابن طاووس در موضوع دعانویسی، عبارت اند از: 1. الأمان من أخطار الأسفار و الزمان. پایان کتاب ابن طاووس، حاوی دعاهاپی است که خواندن آنها در هنگام مسافرت توصیه شده است. چاپ تحقیقی این کتاب به وسیله مؤسسه آل البيت (قم، 1409 ق) منتشر شده است. 2. الدروع الواقية من الأخطار فی ما يعمل فی شهر کلّ یوم علی التکرار. ابن طاووس در آغاز این کتاب، به تألیف آثار دیگر خود چون: فلاح السائل و نجاح المسائل فی عملی الیوم و اللیلة، کتاب مهمّات فی صلاح المتعبّد و تتمّات لمصباح المتهدّد، کتاب زهرة الربیع فی أدعية الأسابیع و کتابی جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع اشاره می کند و می گوید که تنها کتابی که کامل کننده این مجموعه است، کتابی در ذکر اعمال مکرّر در ماه بوده و به همین دلیل، به تألیف این کتاب پرداخته است: بقی عمل ما یختصّ بکلّ شهر علی التکرار، و وجدت فی الروایة أنّ فیہ أدعية کالدروع من الأخطار. فشرعت فی هذا المراد... و سمّيته کتاب الدروع الواقية من الأخطار فی ما يعمل مثلها فی کلّ شهر علی التکرار. (1) ابن طاووس در این کتاب به ذکر ادعیه و اذکاری می پردازد که فرد در روزهای هر ماه می تواند آنها را بخواند. 3. فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیل. (2) یکی از ویژگی های جالب توجّه کتاب فلاح السائل، بحث کوتاه رجالی ابن طاووس در آغاز آن است. ابن طاووس در آغاز کتاب، ضمن بیان توجیهاتی، از نقل روایاتی که در سلسله سند آنها افراد ضعیف قرار دارند، سخن گفته است. مهم ترین دلیلی که ابن طاووس در توجیه این عمل خود آورده، تقیّه و شدت فشار بر امامان شیعه است. (3)

1- الدروع الواقية، ص 21 و 22.

2- این کتاب به کوشش غلامحسین مجیدی (قم، 1419 ق) به چاپ رسیده است.

3- ر. ک: فلاح السائل، ص 47\_ 52.

ابن طاووس همچنين در كتاب فلاح السائل ، به اجمال ، از برخی طرق خود در روايت آثار كهن اماميه سخن گفته است . اين بخش را می توان در حكم بخشی از مشيخه وی دانست . (1) 4 . فتح الأبواب بين ذوی الألباب و بين ربّ الأرباب فی الاستخارات . اين اثر ابن طاووس درباره استخاره و آداب آن است . چاپ تحقيقي خوبی از اين كتاب به تحقيق حامد الخفاف (قم ، 1409 ق) موجود است . مصحح در مقدمه مفصل خود بر اين كتاب ، بخشی را به مصادر كتاب اختصاص داده است . (2) 5 . الإقبال بالأعمال . نام كامل اين كتاب ، الإقبال بالأعمال الحسنة فی ما يعمل مرّة فی السنة است که از آثار مفصل ابن طاووس در ادعیه نگاری به شمار می رود . اين طاووس ، اين كتاب را همراه با هشت جلد ديگر به عنوان تتمه مصباح المتهجد شيخ طوسی نوشته است . اين كتاب ، شامل اعمال يازده ماه از سال است و اعمال ماه رمضان در کتابی ديگر با نام المضممار آمده که به وسيله مصنف همراه با اقبال در يك مجموعه عرضه شده است . كتاب اقبال ، به دوازده قسمت تقسيم شده و هر قسمت مربوط به يك ماه است . هر ماه نیز به باب ها و فصل های متعددی تقسيم شده تا دسترس به مطالب هر روز از ماه ، به سهولت امکان پذير باشد . كتاب المضممار \_ که همان بخش مربوط به ماه رمضان است \_ ، در ابتدا آمده است و بقيه سال نیز به دو قسمت تقسيم گشته است . قسمت اول ، به ماه های شوال ، ذوالقعدة و ذو الحجّه ، و قسمت دوم ، به هشت ماه ديگر سال ، اختصاص یافته است . 6 . مصباح الزائر . اين كتاب که در بيست باب تنظيم شده است ، به بيان ادعیه ای می پردازد که خواندن آنها به هنگام سفر توصيه شده است .

1- . همچنين ابن طاووس به تفصيل ، طرق خود در روايت آثار كهن اماميه را ذکر کرده است ( ر . ك : همان ، ص 52 \_ 54 ) .

2- ر . ك : فتح الأبواب بين ذوی الألباب ، ص 59 \_ 94 .

**ابن طاووس و کتاب «الیقین»****ابن طاووس و کتاب «محاسبة النفس»**

در فصل اول کتاب، از مقدمات سفر و آداب آن سخن رفته و در فصل دوم و سوم به ذکر مطالبی درباره ثواب زیارت قبر پیامبر و ادعیه وارد شده به هنگام زیارت از مدینه، اختصاص یافته است. فصل چهارم نیز به بیان ادعیه ای می پردازد که افراد، در خارج از مدینه، برای زیارت پیامبر می توانند آنها را بخوانند. فصول دیگر کتاب به ذکر ادعیه وارد شده در زیارت مقابر امامان شیعه اختصاص یافته است.

ابن طاووس و کتاب «الیقین» از آثار دیگر ابن طاووس، کتاب الیقین باختصاص مولانا علی بامرة المؤمنین است که بحثی درباره اختصاص داشتن لقب «امیر المؤمنین» به حضرت علی علیه السلام است. اهمیت ویژه این کتاب، در نقل قول های ابن طاووس از کتاب المناقب حافظ احمد بن مردویه است؛ چرا که ابن طاووس اغلب مطالب خود را در پانزده باب اول، از این کتاب اخذ کرده است. همچنین در چندین فصل کتاب، روایاتی را از کتاب المناقب خوارزمی و آثار دیگری که مشخصات آنها را در آغاز همین کتاب آورده، نقل کرده است. [\(1\)](#) اهمیت حدیثی این کتاب در نقل کامل احادیث به نحو مسند است. ابن طاووس ضمن تخریج احادیثی از کتب کهن و اغلب غیر موجود، گاه توضیحاتی بعد از نقل روایات آورده است. برخی نقل قول های ابن طاووس از کتاب فضائل امیر المؤمنین ابن عقده (م 333 ق) و تصریح وی به نقل از این کتاب به اجازه، از وجود برخی آثار این محدث زیدی تا قرن هفتم دلالت دارد.

ابن طاووس و کتاب «محاسبة النفس» ابن طاووس در آغاز تألیف این کتاب مختصر، به آیات و روایاتی اشاره می کند که در آنها بر ضرورت محاسبه اعمال انسان به وسیله خودش، تأکید شده است. او به دلیل

در دسترس نبودن آثاری که روایات مربوط به محاسبه نفس در آنها آمده، تصمیم می‌گیرد تا روایات ناظر به لزوم محاسبه نفس را يك جا گردآوری کند. ابن طاووس، در باب اول این کتاب، آیات دال بر لزوم محاسبه نفس و در باب دوم، روایات ناظر به آن را ذکر می‌کند. نخستین روایت ابن طاووس، گرچه مرسل است، اما روایت مشهور «حاسبوا أنفسكم قبل أن تحاسبوا» است. او سپس روایاتی از کتاب الکافی کلینی، الأمالی ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م 424 ق)، کتاب یا اصل مسعدة بن زیاد ربعی، فضل الدعاء محمد بن حسن صفار قمی و الأمالی شیخ مفید، نقل کرده است. باب بعدی به زمان هایی می‌پردازد که لازم است آدمیان، دقت بیشتری در محاسبه اعمال خود کنند؛ چرا که در این اوقات، اعمال انسان ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این باب، ابن طاووس از کتاب های مهم حدیثی: الدلائل عبد الله بن جعفر حمیری، تفسیر ابن عقدة، تفسیر روایی ما نزل من القرآن فی النبی و الأئمة ی محمد بن عباس بن مروان مشهور به ابن مامیاری، و برخی منابع اهل سنت چون: صحیح مسلم، احادیثی نقل کرده است. باب پنجم کتاب، به فضیلت محاسبه اعمال و روایات وارد شده در این باره اختصاص یافته است. مهم ترین متنی که در این باب مورد استفاده ابن طاووس بوده، کتاب خطب مولانا علی علیه السلام عبد العزیز جلودی (م 302 ق) است که ابن طاووس نسخه ای کهن و به خط مؤلف در اختیار داشته است. (1) 6 جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع. ابن طاووس در این کتاب به ذکر دعاها و نمازهایی می‌پردازد که انجام دادن آنها در ایام هفته، مستحب است. 7. مَهج الدعوات و مَنهَج العبادات. (2)

1- ر. ک: همان، ص 52.

2- چاپ های متعددی از این کتاب موجود است. متن چاپی این کتاب که در بیروت و انتشارات الأعلمی (بیروت، 1414 ق) منتشر شده، بسیار مغلوط است و در ضبط اسامی، غلط های فراوانی دارد. به عنوان مثال، ابوالمفضل شیبانی به «ابو الفضل» (ص 180) و یا نام صفی الدین محمد بن معد موسوی به «محمد بن سعد» (ص 259) تصحیف شده است.

## ابن طاووس و ادبیات فضائل نگاری

## جمال الدین احمد بن موسی

بخش اعظم این کتاب، در حقیقت، تخریجی از کتاب های منیة الداعی و غنیة الواعی (1) ابو الحسن علی بن محمد بن عبد الصمد تمیمی نیشابوری (زنده در 529 ق)، کتاب فی فضل الدعاء سعد بن عبد الله اشعری (م 299 یا 302 ق) و الأمالی (2) ابو المفصل محمد بن عبد الله شیبانی (م 378 ق) است. 8. المجتبی من الدعاء المجتبی. این کتاب، کتاب مختصری در ادعیه است که به کوشش صفاء الدین بصری (مشهد، 1413 ق) به چاپ رسیده است.

ابن طاووس و ادبیات فضائل نگاری ابن طاووس، تنها در ادعیه آثاری تألیف نکرده است. وی آثار مهمی در علوم قرآنی با صبغه حدیثی و فضائل نگاری نیز نگاشته است. مهم ترین اثر قرآنی موجود ابن طاووس، کتاب سعد السعود است. ابن طاووس در حوزه فضایل نگاری نیز کتاب هایی چون: الیقین فی اختصاص مولانا علی یامرة المؤمنین و کتاب الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف تألیف کرده است. البته کتاب الطرائف وی نیز در ضمن بحث از احق بودن حضرت علی علیه السلام برای امامت، استناداتی به متون حدیثی دارد.

جمال الدین احمد بن موسی همانند ابن طاووس، برادر وی جمال الدین احمد بن موسی، از عالمان نامدار امامیه است که آثاری در حوزه حدیث و رجال، تألیف کرده است. (3) شاگرد وی، حسن بن داوود حلّی، در شرح حال وی چنین نوشته است:

- 
- 1- برای آگاهی بیشتر از این کتاب، ر. ک: الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج 23 ص 202؛ کتاب خانه ابن طاووس، ص 450 و 451.
  - 2- برای آگاهی بیشتر از این کتاب، ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 184 و 185.
  - 3- برای آگاهی بیشتر از وی ر. ک: ریاض العلماء، ج 1، ص 73\_76؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص 13 و 14.

أحمد بن موسى بن ... الطاووس العلوي الحسنی، سیدنا الطاهر، الإمام المعظم، فقیه أهل البيت، جمال الدين أبو الفضائل، مات سنة ثلاث و سبعین و ستمئة، مصنف مجتهد كان أروع فضلاء زمانه، قرأت عليه أكثر البشرى و الملاذ و غیر ذلك من تصانیفه، و أجاز لی جمیع تصانیفه و رواياته، و كان شاعرا مصقعا بليغا منشئا مجيدا. من تصانیفه كتاب بشرى المحققين فى الفقه (ست مجلدات)، كتاب الملاذ فى الفقه (أربع مجلدات)، كتاب الكرز (مجلد)، كتاب السهم السريع فى تحليل المبايعة مع القرض (مجلد)، كتاب الفوائد العدة فى أصول الفقه (مجلد)، كتاب الثاقب المسخر على نقض المشجر فى أصول الدين، كتاب الروح نقضا على ابن أبى الحديد، كتاب شواهد القرآن (مجلدان)، كتاب بناء المقالة العلوية فى نقض الرسالة العثمانية (مجلد)، كتاب المسائل فى أصول الدين (مجلد)، كتاب عين العبرة فى غيب العترة (مجلد)، كتاب زهرة الرياض فى المواعظ (مجلد)، كتاب الاختيار فى أدعية الليل و النهار (مجلد)، كتاب الأزهار فى شرح لامية مهيار (مجلدان)، كتاب عمل اليوم و الليلة (مجلد)، و له غير ذلك تمام اثنين و ثمانين مجلدا من أحسن التصانيف و أحققها، حقق الرجال و الرواية و التفسير تحقيقا لا مزيد عليه، ربانى و علمنى و أحسن إلى و أكثر فوائد هذا الكتاب من إشاراته و تحقيقاته، جزاه الله عنى أفضل جزاء المحسنين. (1) بر اساس مرويات موجود که نام جمال الدين در ضمن اسانيد آنها قرار دارد، می توانيم از مشايخ وى به : نجيب الدين جعفر بن نما، يحيى بن محمد بن يحيى سوراوى، فخار بن معد موسوى و سيّد احمد بن يوسف عريضى، اشاره كنيم. از مهم ترين اساتيد وى، علامه حلى و حسن بن داوود حلى (مؤلف كتاب الرجال) قابل ذكرند. جمال الدين، آثار متعددى تأليف کرده که تنها معدودى از آنها باقى مانده است. در حوزه فضائل نگارى اهل بيت، وى كتابى به نام بناء المقالة الفاطمية فى نقض الرسالة



العثمانيّة (1) تأليف کرده است. کتاب وی در حقیقت، نقدی بر کتاب العثمانيّة ی ادیب معتزلی عمرو بن بحر (م 255 ق) و بیشتر با صبغه کلامی است. (2) جمال الدین در این کتاب، ضمن نقل برخی از عبارات جاحظ، با بهره گیری از کتاب های حدیثی اهل سنت، به نقد نظرات جاحظ در نقد فضایل علی علیه السلام پرداخته است. جمال الدین در زمینه رجالی، کتابی را به نام حلّ الإشکال فی معرفة الرجال (بر اساس گزیده یا اختیاری از رجال الکشدی و آثار رجالی اربعه امامیه) تألیف کرده است. متن این کتاب در اختیار حسن بن زین الدین معروف به صاحب معالم (م 1011 ق) بوده و او گزیده ای از این کتاب را با عنوان التحرير الطاووسی فراهم کرده که متن موجود از این کتاب، تنها همین منتخب است. اهمیت این کتاب در ارائه نظام نقد حدیثی به وسیله جمال الدین ابن طاووس است؛ (3) چرا که وی بر خلاف شیوه قدما در تقسیم حدیث، نظام جدیدی را در نقد احادیث طرح ریزی کرده که بعدها مورد پذیرش علامه حلّی و دیگران قرار گرفت. (4)

- 
- 1- این کتاب به وسیله سیّد علی عدنان غریفی در ایران (مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، 1411 ق) به چاپ رسیده است.
  - 2- عبد السلام هارون، متن العثمانيّة را همراه با بازمانده هایی از نقد ابو جعفر اسکافی بر این کتاب که به تفاریق در شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید نقل شده، به چاپ رسانده است.
  - 3- نمونه هایی از بحث های جمال الدین ابن طاووس، در جرح و تعدیل روات امامی در ضمن کتاب التحرير الطاووسی (ص 116-133، 159-163، 244-247، 259-267، 296-302 و 315-330) باقی مانده است.
  - 4- متن این کتاب به تحقیق سیّد محمّد حسن ترحینی، تحقیق و به وسیله انتشارات دار الذخائر (قم، 1368 ش) به چاپ رسیده است. یکی از ویژگی های مهم جمال الدین ابن طاووس، در نقل آرای عالم رجالی قرن پنجم، ابن غضایری است. درباره اعتبار یا عدم اعتبار رجال ابن غضایری (مشهور به الضعفاء) در میان رجالیان امامیه اختلاف هست. برای دیدن بحثی درباره الرجال ابن غضایری، ر. ک: مقدّمه سیّد محمّد رضا حسینی جلالی بر الرجال ابن غضایری. همچنین شیخ آقا بزرگ تهرانی نکاتی را در معرفی این کتاب آورده است (ر. ک: الذریعة إلى تصانيف الشيعة، ج 4، ص 288-291، حاشیه؛ ج 10، ص 88 و 89). بعد از جمال الدین ابن طاووس، شاگردان وی، علامه حلّی و ابن داوود حلّی نیز آرای ابن غضایری را در ضمن تألیفات رجالی خود، بیان کرده اند.

### یوسف بن حاتم شامی و کتاب «الدرّ النظیم»

یوسف بن حاتم شامی و کتاب «الدرّ النظیم» از دیگر عالمان امامی قرن هفتم، می توان از جمال الدین یوسف بن حاتم بن فوز شامی مشغری یاد کرد. بر اساس آنچه از اسانید اجازات می توان دریافت، وی نزد محقق حلّی، نجیب الدین یحیی بن احمد حلّی (م 690 ق) و رضی الدین ابن طاووس حلّی، تلمذ داشته است. (1) مهم ترین کتاب حدیثی موجود این عالم امامی، کتابی در شرح احوال ائمه به نام الدرّ النظیم فی مناقب الأئمة اللّهمیم است. این کتاب از منابع مجلسی در تألیف بحار الأنوار بوده است. متن این کتاب به وسیله جامعه مدرّسین (قم، 1420 ق) به چاپ رسیده است. از نکات بااهمیت کتاب ابن حاتم، بهره گیری وی از برخی متون کهن امامیه است که در حال حاضر موجود نیستند. (2) از این گونه آثار می توان به کتاب رامش افزای آل محمد محمد بن حسین محتسب (3) (ص 35)، مدینه العلم شیخ صدوق (ص 40)، کتاب ابان بن عثمان بجلی در سیره (ص 53)، احتمالاً کتاب النبوة ی شیخ صدوق (ص 101 و 105)، تفسیر الإمام الحسن العسکری علیه السلام (ص 121 و 124)، اربعین حدیث محمد بن ابی الفوارس (ص 296 \_ 303)، کتاب الأ-جواد محمد بن زکریّا غلابی (م 398) (ص 320 \_ 324) و الخصائص العلویّة ی نظنزی اشاره کرد که فهرست کامل این آثار در انتهای متن چاپ شده آمده است. (4) کتاب از مباحث کلامی نیز تهی نیست. مثلاً اشکالات فخر رازی از کتاب الأربعین

- 
- 1- به این نکات، در بخش آخر بحار الأنوار که به کتب اجازات مشهور است، اشاره شده است. درباره ابن حاتم نیز، ر. ک: أمل الآمل، ج 1، ص 190؛ ریاض العلماء، ج 5، ص 389؛ الأنوار الساطعة فی المئمة السابعة، ص 207 و 208.
  - 2- برخی از مصادر این کتاب نیز ظاهراً باید به واسطه کتاب مناقب ابن شهر آشوب باشد، مثل کتاب اللوامع و شرف المصطفی ی ابو سعید خرگوشی (ر. ک: الدرّ النظیم، ص 40). همچنین مطلب نقل شده از کتاب ابو القاسم کوفی، بعینه از مناقب ابن شهر آشوب اخذ شده است (ر. ک: همان، ص 185).
  - 3- برای آگاهی از این کتاب، ر. ک: الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج 10، ص 59.
  - 4- ر. ک: الدرّ النظیم، ص 809 \_ 813.

**ابن شرفیه و کتاب «عیون الحکم و المواعظ»**

وی، در باب امامت نقل شده و پاسخ مفصّل آنها نیز آمده است. (1)

ابن شرفیه و کتاب «عیون الحکم و المواعظ» یکی دیگر از آثار حدیثی تألیف شده در قرن ششم، کتاب عیون الحکم و المواعظ و ذخیره المتعظ و الواعظ کافی الدین ابو الحسن علی بن محمد لیشی واسطی مشهور به ابن شرفیه، حاوی 13628 کلمه از سخنان امیر المؤمنین است. واسطی، این کتاب را بر اساس برخی آثار که به تدوین سخنان آن حضرت اختصاص داشته اند، تألیف کرده است. اطلاعاتی که در منابع شرح حال نگاری درباره این عالم امامیه آمده اند، اندک اند. بیشترین شهرت واسطی در روایت کتاب المناقب ابن مغزلی است. علی بن محمد بن حامد صنعانی، فقیه زیدی در سال 598 ق، در مکه اجازه روایت کتاب ابن مغزلی را\_ که خود از واسطی دریافت کرده\_، به فردی داده است. ابن شرفیه، خود، کتاب مناقب ابن مغزلی را در رجب سال 571 از قاضی عزّ الدین هبة الکریم بن حسن مشهور به ابن حبان، سماع کرده است. در حقیقت، عالمان زیدی یمنی، کتاب ارجمند ابن مغزلی را از روی نسخه ای که ابن شرفیه برای خود در 12 شوال سال 585 کتابت کرده، می شناخته اند و تمام نسخه های این کتاب که اینک در یمن موجود است، استنساخ هایی از نسخه کتاب شده به وسیله وی است. افندی، اطلاعات اندکی درباره ابن شرفیه آورده است. (2) به نوشته افندی، ابن شرفیه از بزرگان علما بوده و قطب الدین کیدری (م بعد از 610 ق) به واسطه علاء الدین حسین بن علی بن مهدی حسینی از او روایت کرده است. افندی بر اساس مطلبی در مباحث المهج کیدری، یکی از اساتید روایی ابن شرفیه را شادان بن جبرائیل قمی معرفی کرده است.

1- ر. ک: همان، ص 258 \_ 278.

2- ر. ک: ریاض العلماء، ج 4، ص 186.

## شعیری و کتاب «جامع الأخبار»

حیات ابن شرفیه تا سال 599 ق، قطعی است. همچنین می دانیم که وی در واسط سکونت داشته و شغل و زّاقی داشته است. کتاب او، عیون الحکم و المواعظ، به چاپ رسیده است. (1)

شعیری و کتاب «جامع الأخبار» از آثار دیگر حدیثی قرن هفتم که درباره مؤلف آن، اطلاع چندانی در دست نیست، کتاب جامع الأخبار یا معارج الیقین فی أصول الدین محمد بن محمد شعیری سبزواری است. روایات موجود در این کتاب، اغلب مرسل اند. برخی نکات آمده در متن این کتاب، شاید بتواند در شناخت مؤلف آن مفید باشد، از جمله نقل از کتاب روضة الواعظین محمد بن فتال (م 508 ق)، کتاب المناقب أخطب خوارزم (م 568 ق) که از تألیف کتاب خود در سال 544 فراغت یافته، و نقل از تفسیر مجمع البیان طبرسی که در سال 536 ق، آن را به اتمام رسانده است. همچنین کتاب مشکاة الأنوار علی طبرسی، نوه فضل بن حسن طبرسی، یکی از منابع مهم وی بوده است. مؤلف، تألیف این کتاب را در ششم صفر سال 679 ق، به پایان رسانده و در آغاز کتاب اشاره کرده که از جوانی به فکر تألیف کتابی مشتمل بر احادیث زهد و موعظه و دیگر روایات روایت شده از اهل بیت بوده است. متن این کتاب را آقای علاء آل جعفر (قم، 1414 ق) تحقیق کرده است. کتاب الامالی شیخ صدوق، از منابع مهم این کتاب بوده است. (2) شعیری در يك جا طریق و سند روایت کتاب الامالی صدوق را ذکر کرده است. (3) کتاب در 141 باب تنظیم

1- متأسّفانه مصحّح کتاب، مقدّمه ابن شرفیه را که در آن وی به منابع خود اشاره داشته، حذف کرده است. درباره ابن شرفیه، همچنین ر. ک: «ابن شرفیه و کتاب عیون الحکم و المواعظ»، حسن انصاری قمی، کتاب ماه دین، ش 11، 1379ش/1421 ق، ص 12\_15؛ «معرفی و نقد عیون الحکم و المواعظ»، محمد کاظم محمودی، علوم حدیث، ش 13، ص 170\_180.

2- ر. ک: جامع الأخبار، ص 44 و 45.

3- ر. ک: همان، ص 47.

## خاندان ابن نما

شده و مؤلف در ذیل هر باب، برخی روایات مربوط را جمع آوری کرده است.

خاندان ابن نمایی از ویژگی های شهر حلّه، وجود خاندان های شیعی در این شهر است. یکی از این خاندان ها، خانواده ابن نماست. نیای این خاندان، علی بن حمدون ربیعی از معاصران ابو علی حسن بن محمد طوسی است. فرد مشهور این خاندان، ابوالبقاء هبة الله محمد بن نما بن علی بن حمدون حلّی است. (1) درباره تاریخ تولّد وی اطلاعی در دست نیست و تنها می دانیم که از ابو محمد الیاس بن محمد حائری، ابوعبد الله حسین بن احمد مقدادی و نجم الدین محمد بن حسن علوی، سماع حدیث داشته است. ابو عبد الله محمد بن جعفر مشهدی، مؤلف کتاب المزار الکبیر، (2) از او و فرزندش جعفر، (3) روایت نقل کرده است. همچنین نام وی در سلسله روایت کتاب سلیم بن قیس در برخی از نسخه ها آمده که فردی در حلّه در جمادی الأولى 565 کتاب را نزد

1- نخستین فرد شناخته شده از این خاندان، نما بن علی بن حمدون ربیعی حلّی است. وی دو فرزند به نام های علی و ابوالبقاء هبة الله محمد داشته است (درباره محمد، ر. ک: ریاض العلماء، ج 2، ص 21 و 29، ج 3، ص 175 و 176، ج 5، ص 16 و 317؛ بحار الأنوار، ج 104، ص 118، ج 105، ص 77). مدخل «ابن نما» ابوالبقاء هبة الله محمد تا سال 565 ق، زنده بوده و کتاب سلیم بن قیس را در این سال برای فردی روایت کرده است. وی همچنین صحیفه سجّادیه را از بهاء الشرف روایت کرده است (ر. ک: طبقات اعلام الشيعة (ثقات العیون)، ص 35 \_ 334). از فرزندان علی، افندی به علی بن علی بن نما (ر. ک: ریاض العلماء، ج 4، ص 166) و صفدی به حسین بن علی بن نما حلّی (م 618 ق) (ر. ک: الوافی بالوفیات، ج 12، ص 457) اشاره کرده است. در منابع، از فرزندان جعفر بن محمد بن نما و فرزند وی ابو ابراهیم نجیب الدین محمد بن جعفر بن جعفر حلّی (درباره وی، ر. ک: ریاض العلماء، ج 3، ص 371 و 425، ج 5، ص 49، 195، 241، 340 و 396) یاد شده است. نجیب الدین نیز سه فرزند به نام های اسماعیل، احمد و نظام الدین جعفر (درباره نظام الدین، ر. ک: افندی، ریاض العلماء، ج 1 ص 111) داشته است. در منابع، از حیات فرزندی برای احمد به نام جلال الدین حسن بن احمد نیز یاد شده است. در مورد این خاندان شیعی و برخی افراد شناخته شده آن، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن نما» همچنین برای دستیابی به گزارشی از احوال افراد این خاندان، ر. ک: الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص 8، 9، 31، 154 و 155.

2- درباره مشهدی، ر. ک: ریاض العلماء، ج 5، ص 316 و 317؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج 6، ص 344.

3- بحار الأنوار، ج 1، ص 76.

## خاندان ابن زهره

وی به قرائت حلّی نزد استادش ابن طحال مقدادی در نجف به سال 520 ق، خوانده است. درباره تاریخ وفات وی نیز سخنی در منابع نیست و تنها می دانیم که در سال 573 ق، مشهدی از وی سماع حدیث کرده است. از دیگر افراد شناخته شده این خاندان می توان به جعفر بن محمّد (هبة الله) بن نما، (1) ابو ابراهیم یا ابو جعفر محمّد بن جعفر بن محمّد (هبة الله) بن نما (م ذی حجه 654 ق) و فرزندش جعفر بن محمّد (م ح 680 ق و مؤلف کتاب مُثیر الأحزان و منیر سبل الأشجان در شرح مقتل امام حسین علیه السلام و اصحابش) نام برد. (2) همچنین وی کتابی با عنوان شرح الثأر فی أحوال المختار تألیف کرده که نسخه ای از آن در اختیار علامه مجلسی بوده و همو متن کامل این کتاب را نقل کرده است. (3)

خاندان ابن زهره یکی دیگر از خاندان های مهم شیعی در حلب، خاندان آل زهره (اسحاقیون) اند. (4) ابتدا یکی از سادات خاندان زهره به نام ابو ابراهیم محمّد بن احمد حرّانی به حلب مهاجرت کرد و از آن پس، دیگر افراد این خاندان نیز در همان جا ماندگار شدند. حرّانی، عهده دار منصب نقابت علویان حلب نیز بود. از افراد مشهور این خاندان، عزّ الدین ابو المکارم حمزة بن علی مشهور به

1- افندی، صورت اجازه کتاب الاستبصار به روایت این فرد را در بخش اجازات بحار الأنوار (ج 104، ص 33) به این نحو نقل کرده است: «وجدت هذا الكلام مرقوما خلف الاستبصار بخط الشيخ ابن نما \_ نور الله ضريحه \_ يقول جعفر بن محمد بن هبة الله بن نما: إني أروى هذا الكتاب عن أبي عن جدّي هبة الله عن أبي عبد الله الحسين بن أحمد بن محمد بن طحال المقدادی عن الشيخين أبي الوفاء عبد الجبار بن عبد الله المقرئ الرازي و أبي عليّ الحسن بن أبي جعفر عن مصنّف الكتاب أبي جعفر الطوسي \_ رحمهم الله جميعا \_» .

2- افندی در ریاض العلماء (ج 1، ص 111) از احتمال یکی بودن این کتاب با اثر دیگر وی یعنی التهاب نيران الأحزان سخن گفته است.

3- ر. ك: بحار الأنوار، ج 45، ص 246\_ 387.

4- مصحح الأربعون حدیثا، بحثی درباره خاندان بنو زهره در مقدمه کتاب آورده است (ر. ك: الأربعون حدیثا، ص 11\_ 34).

ابن زهره (م 588ق) عالم مشهور این خاندان است. وی نخست نزد پدرش، علی بن زهره حلبی، به تعلّم علوم پرداخت و سپس از ابو عبد الله حسین بن طاهر صوری و محمد بن حسن نقّاش، اجازه روایت آثار شیخ طوسی را (به روایت فرزند شیخ طوسی) را دریافت کرد. از ابن زهره آثاری باقی مانده است. او در فقه، کتابی به نام غنیة النزوع فی علمی الأصول و الفروع نگاشته که به چاپ نیز رسیده است. از آثار دیگر وی، جز نام آنها باقی نمانده است. (1) برادرزاده ابن زهره، محیی الدین ابو حامد محمد بن عبد الله حسینی (م 634 یا 636 ق) نیز از عالمان و مشایخ شیعه است. وی نزد پدر و عمویش ابن زهره، تلمّذ کرد. اثر موجود وی، الأربعون حدیثاً فی حقوق الإخوان، به کوشش نبیل رضا علوان (م، 1405 ق) به چاپ رسیده است. وی در این کتاب، احادیثی را به اسناد خود از صحیفة الرضا علیه السلام (2) و رساله اهوازیه (3) نقل کرده است. طریق وی در روایت کتاب الکافی نیز به واسطه ابن شهر آشوب است. وی حدیث دهم تا بیستم را به این سلسله سند، از الکافی نقل و تخریج کرده است: أخبرنی الفقیه أبو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی رضی الله عنه [إجازة]، قال أخبرنی السیّد أبو الفضل الداعی بن علیّ الحسینی السروی، عن عبد الجبّار

1- برای دستیابی گزارشی از افراد دیگر این خاندان، ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «آل زهره» (به قلم هادی عالم زاده)؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص 38، 39، 93 و 160 \_ 162.

2- يك طریق وی به کتاب صحیفة الرضا علیه السلام، چنین است: «أخبرنی عمی الشریف السیّد الطاهر عزّالدین أبو المکارم حمزة بن علیّ بن زهرة الحسینی و خال والدی الشریف النقیب أمین الدین أبو طالب أحمد بن محمد بن جعفر الحسینی \_ رضی الله عنهما \_ [قراءة علیهما] قالوا: أخبرنا القاضی أبو الحسن علی بن عبد الله بن اسماعیل بن أحمد الجلیّ الحلبي، قال: حدّثنا أبو إسماعیل ابن أحمد عن أبيه أحمد بن إسماعیل (بن) أبي عيسى، قال أخبرنا أبو إسحاق ابن أبي بكر الرازی، قال: أخبرنا علیّ بن مهروية القزوينی، قال: حدّثنا داوود بن سليمان الغازی...» (ر. ک: الأربعون حدیثاً، ص 41). طریق دیگر، همان طریق عبد الله بن احمد بن عامر طائی است (ر. ک: همان، ص 42 و 43). چهار حدیث اوّل و حدیث هفتم و نهم، به نقل از صحیفة الرضا علیه السلام است.

3- برای دیدن سلسله سند و متن رساله اهوازیه، ر. ک: همان، ص 46 \_ 55.

## ادبیات دعانویسی

المقری ، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي ، عن الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان ، عن [جعفر بن] محمد بن قولويه القمي ، عن محمد بن يعقوب الكليني . (1) عالم دیگر مشهور این خاندان ، حسن بن زهره (م 620 ق) است . ذهبی به نقل از ابن ابی طی در شرح حال وی نوشته است: من أولاد إسحاق بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين الشريف ، أبو علي الحسيني الإسحاقی الحلبي الشيعي ، نقيب مدينة حلب ... و رأس الشيعة و جاههم ... كان أبو علي عارفا بالقراءات و فقه الشيعة و الحديث و الأدب و التواريخ و قد سمع من أبي علي محمد بن أسعد الجواني النقيب و الافتخار أبي هاشم الهاشمي ... . (2)

ادبیات دعانویسیاز دیگر نگاشته های قرن ششم که نمایانگر تداوم سنتی کهن در میان امامیه است ، باید به نگارش کتب ادعیه اشاره کرد . قطب راوندی ، کتابی به نام سلوة الحزین در ذکر ادعیه نگاشته است . این کتاب ، مرسل است و تنها در يك جا از ابو جعفر نیشابوری که از وی در کتاب قصص الأنبياء نیز روایت کرده ، نام برده است . این کتاب در فصول مختلف به بحث از کیفیت دعا و شرایط استجابت و ذکر ادعیه گوناگون می پردازد. (3) از مهم ترین کتب دعایی رایج و متداول در قرن ششم ، باید به صحیفه سجّادیه که البته در قرن دوم تدوین شده ، اشاره کرد. (4) در فهرستی که محمد رضا حسینی جلالی از راویان این کتاب در قرون مختلف فراهم کرده ، در قرن ششم می توان به روایت

1- همان ، ص 60 .

2- تاریخ الإسلام (611 \_ 620 ق) ، ص 657 . نیز ، ر . ك : الوافي بالوفيات ، ج 12 ، ص 18 \_ 20 .

3- برای آگاهی بیشتر ، ر . ك : گفته های دانش پژوه در معرفی نسخه ای از این اثر در فهرست نسخ خطی اهدایی سید محمد مشکات ، ج 3 ، بخش 3 ، ص 1355 \_ 1357 .

4- این کتاب در بین اهل سنت ، زیدیّه و اسماعیلیّه نیز متداول است . در مورد تداول آن در میان اهل سنت ، ر . ك : « پژوهشی درباره کرامیه » ، محمد کاظم رحمتی ، کتاب ماه دین ، ش 43 ، ص 66 .



صحیفه سجّادیه به وسیله ابو علی حسن بن محمّد طوسی در جمادی ثانی سال 511، قرائت کتاب به وسیله ابو عبد الله محمّد بن احمد بن شهریار خازن (داماد شیخ طوسی) در ربیع اول سال 516، و روایت کتاب به وسیله تاج الشرف یحیی بن اسماعیل بن علی حسینی در محله شادیاخ نیشابور در غرّه محرّم سال 589 اشاره کرد. (1) ابن ادریس در رجب سال 598، نسخه ای از صحیفه سجّادیه را استنساخ کرده است. (2) کتاب ذخیره الآخرة ی علی بن محمّد بن علی بن عبد الصمد سبزواری، از دیگر کتب ادعیه نوشته شده در قرن ششم است که در نسخ چندی باقی است و به کوشش آقای رسول جعفریان به چاپ رسیده است. نخستین فرد شناخته شده خانواده تمیمی، ابو الحسن علی بن عبد الصمد بن محمّد تمیمی، راوی آثار صدوق است. وی از جمله شاگردان شیخ طوسی بوده است. منتجب الدین، وی را با القابی چون: فقیه و دین، یاد کرده است. (3) وی از طریق ابوالبرکات علی بن الحسین علوی، کتاب الامالی را از شیخ صدوق روایت کرده است. نخستین فرزند وی، رکن الدین علی بن علی نیز همانند پدر نزد شیخ طوسی تلمذ نموده است. وی و برادرش محمّد، از شیوخ اجازة ابن شهر آشوب بوده اند. (4) برادر دیگر آنها حسین بن علی بن عبد الصمد نیز با عنوان فقیه و ثقة معرفی شده است. (5) این خانواده به عنوان راویان مشهور آثار صدوق، شهره بوده اند. به عنوان مثال، قطب

- 
- 1- یحیی بن اسماعیل، عالم نامدار زیدی ایرانی در نیشابور بوده که شرح حال منحصر به فرد وی را صارم الدین در طبقات الزیدیّة الکبری (ج 3، ص 185) آورده است.
  - 2- ر. ک: دراسة حول الصحیفة السجّادیة، ص 32؛ بحار الأنوار، ج 104، ص 27؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص 100 و 115.
  - 3- ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص 109.
  - 4- ر. ک: مناقب آل ابي طالب، ج 1، ص 33 و 34.
  - 5- ر. ک: الفهرست، منتجب الدین، ص 53. فرزند وی محمّد نیز با عنوان عالم شیعی ساکن در سبزواری که این خانواده در آن جا اقامت داشته اند یاد شده است (ر. ک: همان، ص 173).

## ابو علی صوری و رساله «قضاء حقوق المؤمنین»

### ادبیات زیارت نامه نویسی

راوندی در الخرائج و الجرائح و در قصص الأنبياء، از طریق همین دو تن روایاتی را از آثار مذکور صدوق نقل کرده است. (1) همچنین ابن طاووس از کتابی به نام منیة الداعی و غنیة الواعی که در اختیار داشته، نقل هایی را آورده و مؤلف کتاب را علی بن محمد بن علی بن الحسین بن عبد الصمد تمیمی یاد کرده است. (2) البته همان گونه که آقای رسول جعفریان تذکر داده است، نام درست مؤلف، محمد بن حسین بن علی بن عبد الصمد است. (3)

ابو علی صوری و رساله «قضاء حقوق المؤمنین» از دیگر آثار حدیثی در حوزه اخلاق مبتنی بر احادیث، رساله کوتاه قضاء حقوق المؤمنین، نگاشته شیخ سدید الدین ابوعلی بن طاهر صوری است. در مورد مؤلف، چیز زیادی دانسته نیست، جز آن که وی احتمالاً از علمای امامی قرن ششم است. بجز رأیی فقهی در بحث توسع در زمان انجام دادن نماز قضا و خرده گیری وی بر ابو صلاح حلبی، از دیگر آرای او اطلاعی در دست نیست. کتاب وی نزد کفعمی بوده و کفعمی در تألیف حواشی بر مصباح که در سال 895 نگاشته، از آن، سود جسته است. متن این کتاب، یکی از مصادر بحار الأنوار است. (4) متن کوتاه و مرسل این کتاب، جداگانه به وسیله حامد الخفاف (قم، 1408 ق) به چاپ رسیده است.

ادبیات زیارت نامه نویسیبا توجه به جایگاه زیارت ائمه در تشیع، نگارش آثاری در تشریح آداب این کار، در میان شیعه سابقه ای کهن دارد. از آثار برجامانده در این حوزه می توان به کتاب کامل الزیارات ابن قولویه و کتاب المزار شیخ مفید اشاره کرد. در قرن ششم نیز ابو عبد الله محمد بن جعفر مشهدی، کتابی به نام المزار الكبير

- 
- 1- ر. ک: الخرائج و الجرائح، ج 3، ص 792، 795 و 1062؛ قصص الأنبياء، ص 35، 48 و 188.
  - 2- ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 451؛ طبقات أعلام الشيعة (ثقات العيون)، ص 205.
  - 3- ر. ک: ذخيرة الآخرة، ص 16 و 15. از مقدمه رسول جعفریان بر کتاب ذخيرة الآخرة استفاده شده است.
  - 4- ر. ک: الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج 17، ص 137.

تألیف نمود که یکی از معدود آثار دعایی - زیارتی امامیه، به جامانده از این برهه است. در منابع رجالی، مطالب چندانی درباره شرح حال وی وجود ندارد؛ اما نگاهی به فهرست مشایخ او نشان می‌دهد که اوج فعالیت علمی مشهدی، در سه دهه آخر قرن ششم بوده است. مشهدی نزد مشایخ ری، عراق (نجف) و حله به تحصیل پرداخته و در حله به سال 574 ق، از ابوالمکارم حمزة بن علی حلبی، ابوالحسین ورام بن ابی فراس - که نزد او کتاب تنبیه الخواطر را خوانده -، ابن شهر آشوب و سید عبد الحمید بن تقی علوی (در سال 580 ق)، سماع حدیث داشته است. در نجف، وی از سید بهاء الشرف محمد بن حسن، راوی صحیفه سجّادیه، این مجموعه دعایی را به روایت دریافت کرده است. جالب توجه، ذکر مشایخ متعددی است که وی صحیفه سجّادیه را از آنها شنیده است. به عنوان مثال، وی صحیفه را نزد ابو الحسن بن عریضی علوی به سماع در شوال 556 شنیده است. مرکزیت یافتن حله در انتقال میراث شیخ طوسی را می‌توان از خبر روایت تمام آثار شیخ طوسی از طریق ابو البقاء هبة الله بن نما بن علی بن حمدون ربعی به وسیله مشهدی دریافت. (1) مشهدی همچنین نزد ابن بطریق (م 606 ق) تمام آثار وی را خوانده و همواره روایت تمام آثار و روایاتش را به مشهدی داده است. کتاب المزار مشهدی، یکی از قدیمی‌ترین کتب ادعیه زیارتی شیعه در کنار کامل الزیارات ابن قولویه و کتابی تحت همین نام از شیخ مفید است. ابن طاووس (رضی الدین علی) در مصباح الزائر و سید عبد الکریم بن طاووس در فرحة الغری از این کتاب به تکرار، نقل قول آورده اند. (2) المزار، با ذکر آداب و ادعیه روایت شده در زیارت

1- این هبة الله بن نما، سرسلسله خاندان ابن نماست (ر. ک: در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن نما») که از فعالیت های حدیثی وی، تنها از گزارش روایت کتاب سلیم بن قیس در نجف، خبر داریم. ابن حجر عسقلانی به نقل از ابن ابی طی در مورد وی نوشته است: «کان من رؤساء الإمامیة و الغالب علیه الحدیث. روی عن الحسین بن أحمد بن یحیی و غیره. روی عنه أبو جعفر بن علی الجابری ... عاش إلى بعد الثمانین و خمس مئة» (ر. ک: لسان المیزان، ج 7، ص 258).

2- ر. ک: کتاب خانه ابن طاووس، ص 83\_ 85.

### علی بن عیسیٰ اربلی و کتاب «کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة»

ائمّه و اعمال شهور، سامان یافته است. ویژگی این ادعیه، مسند بودن آنهاست. یکی از جالب ترین اسناد روایتی این کتاب، سند مربوط به زیارتی طولانی در روز غدیر خم به نقل از امام هادی علیه السلام است: أخبرنی الفقیه الأجلّ أبو الفضل شاذان بن جبرئیل القمّی، عن الفقیه العماد [الدین] محمّد بن أبی القاسم الطبری، عن أبی علی [حسن بن محمّد الطوسی]، عن والده [محمّد بن حسن الطوسی]، عن محمّد بن محمّد بن نعمان [الشیخ المفید]، عن أبی القاسم جعفر بن قولویه، عن محمّد بن یعقوب الكلینی، عن علی بن ابراهیم [القمّی]، عن أبیه، عن أبی القاسم بن روح و عثمان بن سعید العمّری، عن أبی محمّد الحسین بن علی العسکری، عن أبیه. (1) شیخ مفید در کتاب المزار خود، متن این دعا را بدون ذکر سند آورده است. مشهدی در ضمن کتاب به تألیف دیگرش به نام بُغیة الطالب و إیضاح المناسک که ظاهراً اثری فقهی است، اشاره کرده است. کتاب المزار الکبیر به کوشش جواد قیومی (قم، 1409 ق) بر اساس يك نسخه خطّی به چاپ رسیده است. مسند بودن این کتاب، خود، مدرک جالب دیگری درباره اهمیت شیوخ ری در انتقال میراث شیخ صدوق و انتقال آن به حلّه است. ابو محمّد عبد الله بن جعفر دوریستی و شاذان بن جبرئیل قمی، راوی کتب شیخ صدوق برای مشهدی بوده اند. مشهدی همچنین از کتب متقدّم امامی چون: الأنوار \_ که به نام آن تصریح نموده \_ و احتمالاً کتاب المشیخة ی حسن بن محبوب \_ که تنها با عنوان «کتاب الحسن بن محبوب» به آن اشاره کرده \_ استفاده نموده است.

علی بن عیسیٰ اربلی و کتاب «کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة» یکی از مهم ترین آثار تألیف شده در قرن هفتم، کتاب کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، تألیف عالم امامی، ابو الحسن بهاءالدین علی بن عیسیٰ اربلی (م 692 ق) است. (2)

1- المزار الکبیر، ص 263 و 264.

2- درباره اربلی، ر. ک: ریاض العلماء، ج 4، ص 166\_ 174؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة، ص 107\_ 117. تحقیق کامل و مفصّل درباره اربلی را آقای رسول جعفریان در کتاب علی بن عیسیٰ اربلی و کشف الغمّة انجام داده است که بخش اعظم مطالب این صفحه، از این کتاب نقل شده است. ابن فوطی، کتاب کشف الغمّة را به قرائت، نزد اسماعیل بن موسی علوی در سال 679 ق، خوانده است (ر. ک: معجم اعلام الشیعة، ج 1، ص 104).

درباره تاریخ دقیق تولّد وی ، اطلاعی در دست نیست و تنها بر اساس شواهدی ، از تولّد وی در میانه سال های 620 تا 625 ق ، سخن گفته شده است. اربلی ، بیشتر عمر خود را در مسائل دیوانی ، بخصوص ریاست دیوان انشا ، سپری کرد . با این حال ، تعلق خاطر وی به حدیث و متون حدیثی باعث شد تا در مواقعی نزد برخی محدّثان ، به سماع آثار آنها پردازد. به عنوان مثال ، وی در سال 648 ق ، در اربل ، کتاب های کفایة الطالب و البیان فی أخبار صاحب الزمان ابو عبدالله محمّد بن یوسف گنجی شافعی (متولد 658 ق) را قرائت کرده است . همچنین در سال 676 ق ، اجازه روایت کتاب الذریة الطاهرة ی دولابی را از سیّد جلال الدین عبد الحمید بن فخر بن معد موسوی دریافت کرده است. مهم ترین تألیف اربلی ، کتاب کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة است . اربلی در اشارات کوتاهی ، علّت تألیف این کتاب را بیان کرده است. (1) شیوه اربلی در تألیف کتاب کشف الغمّة ، بیشتر گردآوری آثار گذشتگان و غالباً با حذف سند و ذکر برخی از توضیحات ادبی است . آقای جعفریان در توصیف شیوه اربلی می نویسد : به نظر ، چنین می رسد که وی اساس کار خویش را گردآوری متونی از آثار گذشتگان درباره شرح حال امامان قرار داده است ، گرچه بخشی را نیز با توضیحات سودمند ادبی خود مرتّب ساخته است . [ او ] در قسمت نقل و کیفیت استفاده از منابع ، توضیحاتی را به دست داده است ... به عنوان مثال ، باب «مؤاخاة» را از کتاب ابن بطریق (العمدة) آورده ، امّا به اختصار . این اختصار ، بویژه درباره حذف اسانید ، صورت گرفته است . او می گوید : «تنها شخصیت هایی که این حدیث را نقل کرده اند، آورده ایم [نه تمام سند را] تا از طولانی شدن کتاب

جلوگیری کنیم» (1) اهمیت کتاب اربلی در دو نکته است: نخست، در نقل قول هایی که وی از برخی آثار کهن و غیر موجود آورده است. به عنوان مثال، یکی از مهم ترین این متون، کتاب السقیفة و الفدک ابو بکر احمد بن عبد العزیز جوهری (م 323 ق) است. اربلی از این کتاب، خطبه حضرت زهرا علیها السلام را نقل کرده است. بحث اربلی و نوع ورود وی به این مطلب نیز جالب توجه است. و دوم، ماهیت تشیعی که وی ارائه کرده است، یعنی تشیع معتدل امامی. برای نشان دادن ماهیت این اعتدال، بهتر است عبارت اربلی را در بحث ارث نهادن پیامبر صلی الله علیه و آله و بر خورد خلفا با دختر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کنیم: و عن أبي سعيد الخدري قال: لما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله: جاءت فاطمة عليها السلام تطلب فدكا فقال أبو بكر رضي الله عنه: إني لأعلم إن شاء الله أنك لن تقولي إلا حقًا، ولكن هاتي بيئتك. فجاءت بعلي عليه السلام فشهد، ثم جاءت بأُم أيمن فشهدت، فقال امرأة أخرى أو رجلاً، فكتبت لك بها. أقول: هذا الحديث عجيب، فإن فاطمة عليها السلام إن كانت مطالبة بميراث فلا حاجة بها إلى الشهود؛ فإنَّ المستحقَّ للتركة لا يفتقر إلى الشاهد إلا إذا لم يعرف صحَّة نسبه و اعتزائه إلى الدارج، و ما أظنَّهم شكَّوا في نسبها عليها السلام و كونها ابنة النبي صلی الله علیه و آله، و إن كانت تطلب فدكا و تدعی أنَّ أباه صلی الله علیه و آله نحلها إياها، احتاجت إلى إقامة البيِّنة، و لم يبق لِمَا رواه أبو بكر رضي الله عنه من قوله: «نحن معاشر الأنبياء لا نورث» معنی و هذا واضح جدًّا، فتدبَّر. و روى أنَّ عائشة و حفصة \_ رضي الله عنهما \_ هما اللتان شهدتا بقوله: «نحن معاشر الأنبياء لا نورث» و مالك بن أوس النضري، و لَمَّا وُلِّي عثمان رضي الله عنه قالت له عائشة \_ رضي الله عنها \_ : أعطني ما كان يعطيني أبي و عمر. فقال: لا أجد له موضعاً في الكتاب و لا في السنَّة، و لكن كان أبوك و عمر يعطيانك عن طيبة أنفسهما، و أنا لا أفعل. قالت: فأعطني ميراثي من رسول الله. فقال: أليس جئت فشهدت أنت و مالك بن أوس النضري أنَّ رسول الله صلی الله علیه و آله قال: «لا نورث»،

1- علی بن عیسی اربلی و کشف الغمّة، ص 74 و 75. وی مواردی از این تلخیص ها را متذکّر شده است (ر. ک: همان، بخش «منابع اربلی»).

فأبطلت حق فاطمة و جئت تظليينه ، لا أفعل . قال فكان إذا خرج إلى الصلاة نادى و ترفع القميص و تقول : إنه قد خالف صاحب هذا القميص . فلما آذته ، صعد المنبر ، فقال : إن هذه الزعراء عدوة الله ضرب الله مثلها و مثل صاحبها حفصة في الكتاب : «امْرَأَت نُوحٍ وَ امْرَأَت لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا» إلى قوله «وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (1) . فقالت له : يا نعثل ! يا عدو الله ! إنما سمّاك رسول الله صلى الله عليه و آله باسم نعثل اليهودى الذى باليمن . فلاعنته و لاعنها ، و حلفت أن لا تساكه بمصر أبدا ، و خرجت إلى مكّة . قلت : قد نقل ابن أعثم صاحب الفتوح أنّها قالت : «اقتلوا نعثلاً ، قتل الله نعثلاً فلقد أبلى سنّة رسول الله صلى الله عليه و آله و هذه ثيابه لم تبل» ، و خرجت إلى مكّة . و روى غيره أنّه لمّا قُتل ، جاءت إلى المدينة فلقبها فلان فسألته عن الأحوال فخبّرها ، فقال : إنّ الناس اجتمعوا على على عليه السلام . فقالت : واللّه لأطالبنّ بدمه . فقال لها : فأنت حرصت على قتله . قالت : إنّهم لم يقتلوه حيث قلت ، و لكن تركوه حتّى تاب و نقى من ذنوبه و صار كالسيكة و قتلوه . و أظنّ أنّ ابن أعثم رواه كذا أو قريباً منه فإنّ كتابه لم يحضرنى وقت بلوغى هذا الموضوع . و حيث انتهى بنا القول إلى هنا ، فلنذكر خطبة فاطمة عليها السلام فإنّها من محاسن الخطب و بدائعها ، عليها مسحة من نور النبوة ، و فيها عبقة من أرج الرسالة و قد أوردها المؤلف و المخالف ، و نقلتها من كتاب السقيفة عن عمر بن شبة تأليف أبى بكر أحمد بن عبد العزيز الجوهري من نسخة قديمة مقروءة على مؤلّفها المذكور قرئت عليه فى ربيع الآخر سنة اثنتين و عشرين و ثلاثمئة ... (2) متون ديگرى كه اربلى از آنها نقل قول کرده و ظاهراً نقل قول هاى وى تنها بازمانده هاىى از آن آثار است ، عبارت اند از : كتاب الآل ابو عبد الله حسين بن احمد بن خالويه (م 370 ق) ، (3) كتاب الأربعين ابو بكر محمد بن ابى نصر فتوانى و كتاب معالم

1- .تحريم ، آيه 10 .

2- .كشف الغمّة ، ج 1 ، ص 479 و 480 .

3- .برای آگاهی از شرح احوال ابن خالويه ، ر . ك : أهل البيت فى المكتبة العربية ، ص 12 و 13 .

العترة النبویة و معارف أهل البيت الفاطمیة العلویة ی عالم حنبلی ، ابو محمد عبد العزیز بن محمد معروف به ابن اخضر جُنّابادی (م 611ق). (1)

مکتب حلّه (2) تأسیس شهر حلّه و محیط يك دست شیعی آن در اواخر قرن چهارم ، به زودی باعث شد تا عالمان امامی حتی از مناطق شیعه نشینی چون ری به آن جا رفته ، رحل اقامت افکنند. (3) با وجود اهمیت شهر حلّه ، به دلیل از بین رفتن تواریخ شیعی نگاشته شده به وسیله عالم امامی ، ابن ابی طی (4) \_ که بخشی از زندگی خود را در قرن ششم گذرانده است \_ در مورد این شهر ، در حال حاضر ، تنها اطلاعات پراکنده اندکی در مورد این شهر وجود دارد. قبل از تأسیس شهر حلّه ، شهر حلب ، مرکز فعالیت امامیه بوده است . از عالمان مشهور حلب به عنوان مثال ، ابو الحسن اسماعیل بن احمد حلبی (م 447ق) و اسامة

1- برای اطلاع از این آثار و موارد استفاده اربلی از آنها ، ر . ک : علی بن عیسی اربلی و کشف الغمّة ؛ أهل البيت فی المکتبة العربیة ، ص 500 و 501 .

2- برای دستیابی به برخی گزارش های پراکنده از اهمیت حلّه ، ر . ک : طبقات أعلام الشيعة (ثقات العیون) ، ص 7 ، 24 ، 45 ، 68 ، 85 ، 167 ، 172 ، 187 و 208 ؛ الأنوار الساطعة فی المئة السابعة ، ص 38 ، 41 ، 45 ، 46 ، 49 ، 52 ، 100 ، 101 ، 103 ، 109 ، 110 ، 112 ، 113 ، 174 ، 175 ، 177 ، 178 ، 184 و 204 ؛ بحار الأنوار ، ج 104 ، ص 30 ، 31 ، 64 ، 179 و 180 . یکی از مصادر مهم که در حال حاضر موجود نیست و در صورت یافت شدن نسخه ای از آن ، شاید اطلاعات بیشتری در مورد تشیع حلّه بتوان یافت ، مجموعه ای مشهور به «مجموعه جباعی» است . قید ، احتمالاً بدان خاطر است که افندی در بخش اجازات بحار ، نسخه کامل این اثر را در دست داشته و از آن به تکرار ، نقل قول آورده است . نسخه ای ناقص از این مجموعه در حال حاضر در کتاب خانه ملک موجود است . برای مواردی که به نام مجموعه جباعی تصریح شده است ، ر . ک : بحار الأنوار ، ج 104 ، ص 1 ، 13 ، 24 ، 27 ، 34 ، 138 ، 143 ، 181 (این نقل ، در نسخه خطی ملک نیز موجود است) ، 201 ، 203 و 208 . آنچه بر اساس اطلاعات موجود درباره حوزه حلّه می توان گفت ، آن است که این حوزه اساساً به فقه ، توجه داشته است .

3- شهر حلّه را صدقة بن منصور دبسی ، امیر شیعی از خاندان بنو مزید ، در سال 494 ق ، تأسیس کرده است .

4- در مورد این عالم امامی ، ر . ک : دائرة المعارف بزرگ اسلامی ، مدخل «ابن ابی طی» ؛ EI 2 ، مدخل «ابن ابی طی» .



## ابن ابی طیّ حلبی و کتاب «الحاوی فی رجال الشیعة الإمامیة»

بن احمد حلبی (م بعد از 480 ق) را می توان ذکر نمود. (1)

ابن ابی طیّ حلبی و کتاب «الحاوی فی رجال الشیعة الإمامیة» یکی از مهم ترین آثار رجالی قرن هفتم، کتاب الحاوی فی رجال الشیعة الإمامیة ی عالم امامی، یحیی بن حمید بن ظافر طایمی مشهور به ابن ابی طیّ (575\_630 ق) است. (2) اصل این کتاب باقی نمانده؛ اما مورد استفاده ذهبی، ابن حجر عسقلانی، یاقوت حموی، صفدی و ابن شاکر کُتبی بوده و این افراد به تفاریق، نقل قول هایی از این کتاب آورده اند. اهمیت این نقل قول ها در شناخت تاریخ حدیث شیعه در قرن هفتم (بخصوص در حلّه و حلب) است. شهید اول و ابن شاکر کُتبی به نقل از معجم الأدباء یاقوت حموی، شرح حال ابن ابی طیّ را چنین آورده اند: یحیی بن ابی طیّ احمد بن طائی الحلبی، أحد من یتأدّب و یتفقّه علی مذهب الإمامیة و أصولهم و له تصانیف فی أنواع العلوم... مولده بحلب سنة 575 ق... قرأ یحیی القرآن علی والده و اشتغل بفقّه الإمامیة علی رشید الدین المازندرانی، و من تصانیفه: کتاب البستان فی مجلس الغلمان، کتاب معادن الذهب فی تاریخ حلب، کتاب ملح البرهان فی تفسیر القرآن، کتاب قبسة العجلان فی تفسیر القرآن، کتاب البیان فی أسباب نزول القرآن، کتاب غریب القرآن، تفسیر الفاتحة، المجالس الأربعین فی مناقب الأئمة الطاهرین، کتاب خلاصة الخلاص فی آداب الخواص...، کتاب حوادث الزمان علی حروف المعجم...، کتاب تاریخ العلماء...، شرح نهج البلاغة...، تَضَوُّع اللطائم فی شرح خطبة فاطمة الزهراء...، أسماء رواة الشیعة و مصنّفیها... (3)

- 1- در مورد فرد نخست، ر. ک: بغیة الحلب فی تاریخ حلب، ج 4، ص 1614 و در مورد فرد دوم، ر. ک: لسان المیزان، ج 1، ص 518.
- 2- برای آگاهی از شرح حال ابن ابی طیّ، ر. ک: در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن ابی طیّ» به قلم محمّد آصف فکرت؛ الأنوار الساطعة فی المئمة السابعة، ص 205 و 206.
- 3- برای دیدن فهرست کامل آثار دیگر وی که غالباً تألیفاتی در حوزه شعر است، ر. ک: فوات الوفيات و الذیل علیها، ج 4، ص 269 \_ 271. از اثر تاریخی ابن ابی طیّ یعنی کتاب معادن الذهب فی تاریخ الملوك و الخلفاء و ذوی الرتب، بخش هایی به تفاریق در آثار مورّخان بعد از وی (چون: ابن فرات و ابو شامه مقدسی) باقی مانده است.

دانسته های دیگر ما درباره شیوخ ابن ابی طی ، گفته های وی در شرح حال برخی از افرادی است که وی شرح حال آنها را در کتاب الحاوی نقل کرده است . مهم ترین این افراد ، تاج العلی اشرف بن اعز ( / اغر ) است . ابن ابی طی در شرح حال تاج العلی نوشته است: هو شیخنا العلامة الحافظ النسابة الواعظ الشاعر . قدم علينا وصحبته وقرأت عليه نهج البلاغة و كثيرا من شعره ، وأخبرني أنه ولد بالرملة في غرة المحرم سنة 482 و عاش 128 سنة ... وأخبرني أنه صنف كتاب نكت الأنباء في مجلدين ، و كتاب جدّة الناظر و جدّة المناظر خمس مجلدات في تفسير مئة آيات و مئة الحديث و كتابا في تحقيق غيبة المنتظر ، و ما جاء فيها عن النبي صلى الله عليه وآله و عن الأئمة و وجوب الإيمان بها ، و شرح القصيدة البائية للسيد الحميري و غير ذلك . فسألته أن يأذن لي في نسخ هذه الكتب و قراءته ، فاعتذر بالثقيّة ... (1) كتاب ابن ابی طی ، علاوه بر اطلاعاتی که درباره تشیع در حله و حلب در اختیار ما قرار می دهد ، حاوی نکاتی در مورد دیگر مراکز شیعی نیز هست . به عنوان مثال ، همو ضمن معرفی اسد بن علی حلبی (م 534 ق) که وی را عموی پدرش خوانده ، به این نکته اشاره کرده که وی کتابی در فضایل اهل بیت و تقصی بر کتاب العثمائیة ی جاحظ نگاشته و در قم در گذشته است . عبارت ابن ابی طی چنین است: وُلد سنة 485 و حفظ القرآن و هو ابن سبع ، و قرأ القراءات بالروایات ، و تعلّم الأصول علی مذهب الإمامیة ، و طاب له العلم فسافر و صنف فضائل أهل

---

1- . تاریخ الإسلام (601\_ 610) ، ص 363 و 364 ؛ الوافی بالوفیات ، ج 10 ، ص 373 ؛ نکت الهمیان فی نکت العمیان ، ص 120 ؛ لسان المیزان ، ج 1 ، ص 695 . نیز ، ر . ک : در دانش نامه جهان اسلام ، مدخل «تاج العلی» (به قلم مرتضی دهقان) . تاج العلی ، مسند ترمذی را در مکه نزد ابو الفتح کروی به سماع دریافت کرده و از ابن فضلان طرطوسی و اسامة بن مرشد بن منقذ نیز سماع حدیث نموده است . همچنین ، ر . ک : معجم أعلام الشيعة ، ج 1 ، ص 105\_ 110 .

البيت عليهم السلام . جمع فيه ما في القرآن و الحديث ، و نقض كتاب العثمانية للجاحظ و مات بقم سنة 534 . (1) ابن ابي طي در شرح حال عالم امامي ، حسين بن اسماعيل بن الحسن بن محمد بن الحسن نيشابوري مشهور به فخر الحرمين ، از مجلس درس وي ياد کرده که در آن وي برای شيعيان و اهل سنت تدریس می کرده است . نکته جالب توجه ديگر در شرح حال اين عالم امامي ، نگارش اثری در رجال صحيح البخاری و صحيح مسلم بوده است . عبارت ابن ابي طي در شرح حال فخر الحرمين چنین است : كان إماميًا في الأصول و الفروع ، و يعرف الحديث ، و كان يجلس للعلامة و يحدث ، و قد خرّج رجال البخاری و رجال مسلم ، و كان أهل الحديث في زمان يهابونه و اجتهدوا في تلفه ، فلم يقدرُوا إلا على نسبه إلى التشيع ، فكان يحمد الله على ذلك . (2)

عالمان حله شهر حله ظاهرا از اواخر قرن ششم ، به عنوان مرکز مهم ترويج تشيع ، اهميت خاصی پيدا کرده است . (3) در قرن هفتم و بعد از حمله مغولان و در امان ماندن حله و حلب از تاراج و غارت آنان ، اين شهر به جای ري ، مرکزی برای نشر و اشاعه تشيع شد . اين را از اخبار تاريخی فراوانی که درباره شهر حله نقل شده است ، می توان استنباط نمود . به عنوان مثال ، محمد بن جعفر مشهدي از رفت و آمد عالمان شيعه به شهر حله خبر داده است . به دليل نزديکی حله به حلب ، طبيعی است که رفت و آمد میان عالمان شيعی اين دو شهر ، فراوان بوده باشد . مشهدي نوشته که در سال 575 ق ، ابوالمكارم

- 
- 1- . لسان الميزان ، ج 1 ، ص 586 و 587 . سيد عبد العزيز طباطبائي در معجم أعلام الشيعة (ج 1 ، ص 85) نیز اين مطلب را به نقل از ابن حجر عسقلانی نقل کرده است .
  - 2- . لسان الميزان ، ج 2 ، ص 504 .
  - 3- . برای اطلاع از اهميت حله به عنوان مرکزی در ترويج تشيع ، ر . ك : معجم أعلام الشيعة ، ج 1 ، ص 44 ، 59 ، 72 ، 136 ، 162 ، 170 ، 171 ، 174 ، 179 ، 182 ، 183 ، 188 ، 191 ، 192 ، 231 ، 232 ، 269 ، 307 ، 314 ، 331 ، 332 ، 358 ، 359 و 406 .

## ابن ادريس حلی

ابن زهره بعد از بازگشت از حج در سر راه خود، به حلّه رفته است. او روایتی نیز از وی نقل کرده است. (1) با این حال، تنها منابع ما برای آگاهی از فعالیت های شیعه در حلّه، برخی اطلاعات پراکنده در منابع و فهرست نسخه های خطی است که گاه در آنها به محلّ استنساخ نسخه نیز اشاره شده است، گرچه باید تذکر داد که در این جا، تنها برخی شواهد ارائه می شود. کامل نبودن فهرست نسخه های خطی، این امکان را فراهم نمی کند تا اطلاعات کاملی در این مورد ارائه نمود. اوج مدرسه حلّه، در قرن هفتم است و خاندان های شیعی بنو زهره، آل طاووس، آل نما، و خاندان و شاگردان علامه حلی، مشهورترین بیوتات شیعه در این شهر هستند.

ابن ادريس حلیکی از عالمان مشهور قرن ششم، محمد بن احمد بن ادريس حلی (م 588 ق) است. عمده شهرت وی به واسطه کتاب فقهی السرائر و انتقادات وی بر شیخ طوسی است. او در سال 543 ق، در شهر حلّه به دنیا آمد. مشهورترین شیوخ اجازه وی عبارت اند از: شیخ حسن بن رطبه سورایی، ابوالمکارم حمزة بن علی حلبی (مؤلف اثر فقهی غنیة التزوع) و عربی بن مسافر. ابن ادريس در حلّه اقامت داشته و توجه اصلی وی \_ همان گونه که اشاره شد \_ فقه بوده است؛ اما در کنار تدوین کتب فقهی، از توجه وی به میراث حدیثی شیعه نیز آگاهی هایی در دست است. به عنوان مثال، وی در سال 570 یا 573 ق، کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی و در رمضان 574 ق، کتاب قرب الإسناد را استنساخ کرده است. (2) وی همانند سید مرتضی، عمل به خبر واحد را جایز نمی دانسته است. ابن ادريس در آخر کتاب فقهی السرائر خویش، بخشی را به نام باب «الزیادات» آورده و در آن بخش هایی را (گاه در حدّ نقل چند روایت) از بیست و یک اثر کهن شیعی که در

1- ر. ک: بحار الأنوار، ج 104، ص 179 و 180.

2- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج 17، ص 68.

### فَخَّارُ بْنُ مَعْدٍ مُوسَى وَ كِتَابُ «الْحِجَّةِ عَلَى الذَّاهِبِ إِلَى تَكْفِيرِ أَبِي طَالِبٍ»

اختیار داشته، آورده است. این آثار، جزو معدود بخش های موجود از کتب اولیه امامیه به شکل اصلی خود هستند. این آثار، عبارت اند از: کتاب موسی بن بکر واسطی، کتاب معاویه بن عمّار دهنی، النوادر احمد بن محمد بزَنطی (از اصحاب امام هشتم)، کتاب أبان بن تغلب، کتاب جمیل بن درّاج، کتاب احمد بن محمد سیّاری، الجامع بزَنطی، مسائل الرجل و مکاتباتهم إلی مولانا أبي الحسن ابو العباس عبد الله بن جعفر حمیری (م بعد از 293 ق و مؤلف کتاب قرب الإسناد)، کتاب حرّیز بن عبد الله سجستانی، کتاب المشیخة ی حسن بن محبوب، کتاب النوادر محمد بن علی اشعری، کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق، قرب الإسناد و معانی الأخبار، تهذیب الأحکام، کتاب جعفر بن محمد دهقان، کتاب عبد الله بن بکیر، کتاب ابو القاسم بن قولویه، کتاب أنس العالم محمد بن احمد صفوانی، کتاب المحاسن برقی و کتاب العیون و المحاسن. این بخش ها علاوه بر این که در آخر کتاب السرائر به چاپ رسیده، به صورت جدا و تحت نام النوادر یا مستطرفات السرائر نیز به وسیله مدرسه امام مهدی (قم، 1418 ق) به چاپ رسیده است.

فَخَّارُ بْنُ مَعْدٍ مُوسَى وَ كِتَابُ «الْحِجَّةِ عَلَى الذَّاهِبِ إِلَى تَكْفِيرِ أَبِي طَالِبٍ» یکی از عالمان امامی شهر حله در قرن هفتم، ابو علی شمس الدین فَخَّارُ بْنُ مَعْدٍ مُوسَى (م 630 ق) است. در منابع رجالی، اطلاعات خاصی درباره زندگی وی نیامده است. 1 آفندی (1) و آقا بزرگ نیز بر اساس مطالب موجود در کتاب الحجّة علی الذاهب که مهم ترین اثر موجود وی است، از اساتید وی سخن گفته اند. وی در کتاب الحجّة، از: عربی بن مسافر، فَخَّارُ بْنُ مَعْدٍ مُوسَى، عمید الرؤسا هبة الله بن حامد، علی بن محمد بن سکون، ابوالمکارم حمزة بن زهره، یحیی بن علی بن

بطریق ، ابو الفضل بن حسین حلّی (که از قرائت نزد وی در سال 598 یاد کرده) ، شادان بن جبرائیل بن اسماعیل قمی (که نزد وی در واسط در سال 593 ق ، سماع حدیث کرده) و گروهی دیگر از عالمان ، روایت کرده است . علّامه مجلسی در اشاره به فخّار بن معد نوشته است : و أقول : ألف السيّد الفاضل السعيد شمس الدين أبو علي فخّار بن معد الموسوي كتابا في إثبات إيمان أبي طالب ، و أورد فيه أخبارا كثيرة من طرق الخاصّة و العامّة ، و هو من أعاضم محدّثينا و داخل في أكثر طرقنا إلى الكتب المعتمدة و سنورد طريقنا ... (1) وی علّت تألیف کتاب خود را چنین توضیح داده است : فإتی رأیت جماعة من المنتمين إلى الإسلام ، المنتحلين للإيمان ، يثبتون أبا طالب ابن عبد المطلب بن هاشم \_ تغمّده الله برضوانه و أسكنه بحبوبة جنانه \_ في حيز الكافرين و يعدّونه في عدد الجاحدين ، مع ما يروون من أشعاره الشاهدة بصحّة إسلامه ، و يؤثرون من أخباره المؤذنة بإيمانه ، بغضا منهم لولده أمير المؤمنين و حسدا لفارس المسلمين ، حيث كان لا تكسر عودة العواجم و لا يقرح صفاته المزاحم . (2) ویژگی مهم کتاب فخّار بن معد ، تخریج روایاتی از کتاب کنز الفوائد کراچکی ، (3) الإرشاد شیخ مفید ، الأمالی و کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق ، و احتمالا آثاری درباره ابو طالب ، تألیف واقدی و شریف ابو علی عمر بن علی بن الحسین صوفی مشهور به الموضح النسابة است . (4)

- 1- ر . ک : بحار الأنوار ، ج 35 ، ص 108 .
- 2- الحجّة علی الذاهب إلى تکفیر أبي طالب ، ص 61 .
- 3- فخّار بن معد موسوی ، از کتاب کنز الفوائد کراچکی ، احادیثی را به این سلسله سند ، تخریج و نقل کرده است : « ما أخبرني به الشيخ الفقيه أبو الفضل شادان بن جبرائيل بن إسماعيل القمي رحمه الله بواسط سنة 593 ق ، قال : أخبرني عبد الله بن عمر الطرابلسي عن القاضي عبد العزيز ابن أبي كامل عن الشيخ الفقيه أبي الفتح محمد بن علي بن عثمان الكراچكي .. ( ر . ک : همان ، ص 90 \_ 94 ؛ كنز الفوائد ، ج 1 ، ص 183) . برای دیدن موارد دیگر نقل شده از کتاب کراچکی با این سلسله اسناد ، ر . ک : الحجّة علی الذاهب ، ص 94 ، 97 ، 104 ، 252 و 275 .
- 4- کتاب الحجّة علی الذاهب از منابع شیخ حرّ عاملی (م 1104 ق) در وسائل الشیعة (ج 16 ، ص 231 و ج 17 ، ص 331) و محمّدباقر مجلسی (م 1110 ق) در بحار الأنوار (ج 1 ، ص 18 ، ج 35 ، ص 72 ، 96 و 108) بوده است . محدّث نوری (م 1320 ق) ظاهرا به این کتاب دسترس داشته است ؛ چرا که در يك مورد (مستدرک الوسائل ، ج 6 ، ص 100) ، از این کتاب ، مستقیم نقل حدیث کرده است . برای شناخت اهمّیت فخّار در سلسله سند روایت آثار کهن امامیه ، ر . ک : بحار الأنوار ، ج 42 ، ص 3 ، ج 72 ، ص 366 ، ج 104 ، ص 65 ، 71 ، 80 ، 143 ، 146 ، 170 و 197 ، ج 105 ، ص 25 ، 43 ، 45 ، 47 ، 56 ، 73 ، 88 ، 98 ، 139 ، 152 ، 154 ، 156 و 158 ، ج 106 ، ص 6 ، 16 ، 30 ، 53 ، 63 ، 146 و 158 ، ج 107 ، ص 7 ، 25 ، 35 ، 43 ، 45 ، 51 ، 63 ، 69 ، 71 ، 81 ، 89 ، 116 ، 125 ، 129 ، 132 ، 157 و 162 ؛ رجال ابن داوود ، ص 5 ؛ رجال العلامه الحلّی ، ص 282 .

## نتیجه گیری

نتیجه گیری قرن ششم و هفتم در تاریخ حدیث شیعه، تنها، دوره ای برای گذار و انتقال میراث شیعه به قرون بعدی است. در قرن هفتم، جمال الدین ابن طاووس، در نخستین تلاش ها برای ارائه ضوابط نقد حدیث، متفاوت از گذشته عمل نمود. نیز مهم ترین مراکز شیعی قرن ششم و هفتم، یعنی حلّه، حلب و ری، شاهد حضور عالمان شیعی بوده است. از فعالیت قم در این دوره، آگاهی بسیار کمی در منابع آمده است. با این حال، همین تلاش عالمان شیعی را در انتقال میراث گذشته به آینده نباید اندک دانست. حضور نام ابن شهر آشوب در اسناد اجازه علاء مه حلّی به بنو زهره، نشانگر اهمیت وی در این قرن و روایت کتب حدیثی است، هر چند راه درازی در پیش بود تا کتاب های علم حدیث تدوین گردد. با این حال، گردآوری و تدوین کتب حدیثی، از جمله فعالیت های عالمان شیعی این قرن بوده است. شخصیت برجسته نجف در قرن پنجم، فرزند شیخ طوسی، ابو علی حسن بن محمد، بوده که نقش مهمی در انتقال میراث علمی پدرش داشته است. ابن ابی طی، تاریخ نگار امامی، در مورد وی چنین نوشته است: *وُلِدَ بمشهد علیّ علیه السلام و قرأ علیّ أبیه جمیع کتبه*. حدّثنی عماد الدین أبو جعفر محمّد بن أبی القاسم الطبری، قال: *کان الشیخ أبو علیّ من أعبد الناس... و قد زار أبو سعد السمعانی المشهد و سمع علیه و أثنی علیه، و قال أبو منصور محمّد بن الحسن النقّاش: کُنّا نقرأ علیّ الشیخ أبی علیّ...، و کان أروی الناس للمثل و الشاهد، و أحفظ الناس للأصول، و أنقلهم للمذهب، و أرواهم للحدیث*. (1)

نکته دیگری که شواهد اندکی در باره آن باقی مانده است، آگاهی های ما در باب رحله های (سفرهای) علمی عالمان امامی برای تحمّل (دریافت) حدیث و سماع آثار سلف در محضر برجستگان شیعه است. در شرح احوال حسین بن هبة الله بن ربطه سورایی \_ که از وی به عنوان «شیخ شیعه» یاد شده \_ آمده است که: قرأ الكثير ورحل إلى خراسان و الرّی و مازندران، و لقی كبار الشيعة. (1) صَفَدی که این مطلب را باید از ابن ابی طی نقل کرده باشد، نکته دیگری را نیز متذکر شده است: قدم بغداد و جالس أبا محمد ابن الخشّاب، و روی أمالی أبي جعفر بن محمد بن الحسن الطوسي عن ابنه. (2) در ری نیز شیوخ برجسته امامی، نقش مهمی در انتقال میراث شیخ صدوق و دیگر آثار امامی ایفا کردند. به عنوان مثال، شیخ عبد الله بن جعفر بن محمد دوریستی، یکی از این عالمان است که اجازه ای از وی در روایت کتاب مقتضب الأثر باقی مانده است. (3) البتّه نام و یاد برخی از عالمان برجسته این دوره، بویژه عالمان مکتب حلّه، به نحو کافی و جامع، باقی نمانده است. یکی از این فقیهان، علی بن مسافر حلّی است. ذهبی، تنها در شرح حال وی نوشته است: عالم الشيعة و فقیههم بالحلّة، رحلت إليه الروافض من النواحي للأخذ عنه، و روی عن العماد أبي جعفر الطبري وغيره. (4) با توجه به این نکات، تنها باید گفت که قرن ششم و هفتم، دوره انتقال میراث شیعه بوده است. مکتب حلّه و خصوصاً تاریخ تشیع در این شهر، مطلبی است که نیازمند تحقیق جداگانه ای است.

- 
- 1- همان (حوادث 571\_ 580 ق)، ص 370؛ لسان المیزان، ج 2، ص 585؛ الوافی بالوفیات، ج 13، ص 79.
  - 2- الوافی بالوفیات، ج 13، ص 79.
  - 3- ر. ک: علوم الحدیث، ش 9، ص 271 و 272.
  - 4- تاریخ الإسلام (حوادث 581\_ 590 ق)، ص 40.



## منابع و مأخذ

- منابع و مأخذ 1. آيينه پژوهش (دوماه نامه)، قم: دفتر تبليغات حوزه علميه قم . 2. الاحتجاج، أحمد بن علي الطبرسي (م 620 ق)، تحقيق: إبراهيم البهادرى و محمد هادى به، تهران: دار الأسوة، 1413 ق، أول . 3. الإفادة فى تاريخ الإفادة الأئمة السادة، ابوطالب يحيى بن حسين هارونى (م 424 ق)، تصحيح و تحقيق: محمد كاظم رحمتى، تهران: ميراث مكتوب، 1387. 4. الأربعون حديثاً فى حقوق الإخوان، محيى الدين ابو حامد محمد بن عبد الله حسينى (م 634 يا 636 ق)، به كوشش نبيل رضا علوان، قم، 1405 ق . 5. الأربعون العلوية و شرحها، قاضى جعفر بن احمد بن عبد السلام مسورى، تحقيق: عبد الفتاح الكبسى، أمان، 1423 قم . 6. ارج نامه ايرج، به كوشش: محسن باقرزاده، تهران: توس، 1377 ش . 7. إقبال الأعمال، على بن موسى الحللى (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: جواد القيومى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، 1414 ق، أول . 8. الأمالى، محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: حسين أستاذ ولى و على أكبر الغفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1404 ق، دوم . 9. الأمالى، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1407، أول . 10. اندیشه تفاهم مذهبي در قرن هفتم و هشتم هجرى، رسول جعفریان، قم، 1371 ش .

- 11 . الأنساب ، ابو سعد عبد الكريم بن محمّد سمعاني (م 562 ق) ، تحقيق : عبد الله عمر البارودي ، بيروت : دار الجنان ، 1408 ق .
- 12 . الأنوار الساطعة في المئة السابعة (طبقات أعلام الشيعة) ، آقا بزرك الطهراني ، مشهد : دار المرتضى ، 1404 ق . 13 . أمل الآمل ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملي (م 1104 ق) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسيني ، بغداد : مكتبة الأندلس ، 1385 ق . 14 . أهل البيت في المكتبة العربيّة ، السيّد عبد العزيز الطباطبائي ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم ، 1417 ق / 1375 ش . 15 . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار عليهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقي المجلسي (العلامة المجلسي) (م 1111 ق) ، بيروت : مؤسسة الوفاء ، 1403 ق ، دوم . 16 . البداية والنهاية ، إسماعيل بن عمر الدمشقي (ابن كثير) (م 774 ق) ، بيروت : دار المعرفة ، 1417 ق . 17 . بشارة المصطفى لشيعه المرتضى ، محمّد بن محمّد الطبري ، (م 525 ق) ، نجف : المطبعة الحيدرية ، 1383 ق ، دوم . 18 . بُغِيّة الطلب في تاريخ حلب ، كمال الدين عمر بن أبي جرادة الحلبي (ابن عديم) (م 660 ق) ، تحقيق : سهيل زكّار ، دمشق : دار حسان ، 1410 ق . 19 . بغية الوعاة في طبقات اللغويين والنحاة ، جلال الدين عبد الرمان أبو بكر السيوطي (م 911 ق) ، تحقيق : محمّد أبو الفضل إبراهيم ، مطبعة عيسى البابلي (الحلبي) ، 1964 \_ 1965 م . 20 . تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ، محمّد بن أحمد الذهبي (م 748 ق) ، تحقيق : عمر بعد السلام تدمري ، بيروت : دار الكتاب العربي ، 1409 ق) ، أول . 21 . تاريخ تشييع در ايران ، رسول جعفریان ، قم : انصاريان ، 1380 ش . 22 . تاريخ طبرستان ، ابن اسفنديار بهاء الدين محمّد (م 613 ق) ، تحقيق : عباس اقبال ، تهران : پديده ، 1366 ش .

23 . تاريخ نيسابور ، محمد بن عبد الله حاكم نيشابوري (م 406 ق) ، ترجمه : محمد بن حسين خليفه نيشابوري ، تصحيح : محمد رضا شفيعى كدكنى ، تهران : آگه ، 1375 ش . 24 . التحرير الطاوسى ، حسن بن زين الدين الشهيد الثانى (صاحب المعالم) (م 1011 ق) ، قم : دار الذخائر ، 1368 ق . 25 . تراثنا (مجله نصف سنويّة) ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام . 26 . التعازى ، محمد بن الحسين الكوفى (م 445 ق) ، تحقيق : فارس حسن كريم (چاپ شده در : ميراث حديث شيعه ، دفتر چهارم ، ص 79 \_ 145) ، قم : دار الحديث ، 1378 ش . 27 . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام ، تحقيق : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ، قم : مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ، 1409 ق ، أول . 28 . التكملة لكتاب الصلاة ، محمد بن عبد الله أبى بكر القضائى (ابن الآبار) ، تحقيق : عبد السلام الهراش ، بيروت : دار الفكر ، 1415 ق . 29 . تهذيب الأحكام فى شرح المقنعة ، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق) ، بيروت : دار التعارف ، 1401 ق ، أول . 30 . تيسير المطالب فى أمالى الإمام أبى طالب ، يحيى بن الحسين الهارونى الزيدى ، بيروت : مؤسسة الأعلمى ، 1395 ق . 31 . الثاقب فى المناقب ، محمد بن على الطوسى (ابن حمزة) (م 560 ق) ، تحقيق : نبيل رضا علوان ، قم : مؤسسة أنصاريان ، 1412 ق ، دوم . 32 . جامع الأخبار أو معارج اليقين فى أصول الدين ، محمد بن محمد الشعيرى السبزواري (ق 7 ق) ، تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، 1414 ق ، أول . 33 . الجواهر المضيئة فى تراجم العلماء الحنفيّة ، عبد القادر بن محمد القرشى الحنفى ، تحقيق : عبد الفتاح الحلو ، رياض : هجر للطباعة والنشر . 34 . الحاوى فى رجال الشيعة الإمامية ، ابن أبى طى الحلبي ، بازسازی و تدوين : رسول جعفریان ، تهران : سمينار مقدّماتى نسخه هاى خطّى ، 1379 ش .

35. الحجّة على الذاهب إلى تكفير أبي طالب، فخّار بن معد موسى، تحقيق: سيّد محمّد بحر العلوم، بيروت، 1408 ق . 36 .  
الحديث بقرطبة خلال القرن الخامس الهجري، خالد الصمدي، رباط، 1415 ق / 1995 م. 37 . الخرائج و الجرائح، سعيد بن هبة الله  
الراوندي (قطب الدين الراوندي) (م 573 ق)، تحقيق: مؤسّسة الإمام المهدي عليه السلام، 1409 ق . 38 . خصائص الوحي المبين،  
يحيى بن الحسن الأسدي (ابن بطريق) (م 600 ق)، تحقيق: محمّدباقر المحمودي، تهران: وزارة الإرشاد الإسلامي، 1406 ق، أوّل .  
39 . الخصال، محمّد بن علي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، قم: مؤسّسة النشر الإسلامي، 1414 ق، چهارم . 40 .  
دائرة المعارف بزرگ اسلامي، زير نظر: كاظم موسى بجنوردي، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، 1369 ش . 41 . دائرة  
المعارف اسلام (EI2)، زير نظر: گروهی از اسلام شناسان غربی، ليدن (هلند): بريل، 1960 \_ 2005 م . 42 . دانش نامه جهان  
اسلام، زير نظر: غلامعلي حدّداد عادل، تهران: بنياد دائرة المعارف اسلامي، 1360 ش . 43 . دراسات عن الأباضيّة، عمرو خليفة  
النامي، ترجمه: ميخائيل خوري، بيروت، 2001 ق . 44 . دراسة حول الصحيفة السجّاديّة، محمّد حسن الحسيني الجلالی، بيروت:  
1421 ق . 45 . الدرّ النظيم في مناقب الأئمّة الهاميم، يوسف بن حاتم الشمي (ابن حاتم)، قم: جامعه مدرّسين، مؤسّسة النشر  
الإسلامي، 1420 ق . 46 . الدروع الواقية، علي بن موسى الحلّي (السّيّد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم  
السلام، 1414 ق، أوّل . 47 . ذخيرة الآخرة، علي بن محمّد سبزواری، به كوشش رسول جعفریان، قم: انصاريان، 1375 ش .

48. الذريعة إلى أصول الشريعة، سيّد مرتضى، تصحيح: ابو القاسم گرّجى، تهران، 1376 ش. 49. ذيل تاريخ بغداد، محمّد بن محمود البغدادي (ابن النجّار) (م 643 ق)، حيدر آباد: دائرة المعارف العثمانيّة، 1398 ق. 50. ذيل التقييد في رواية السنن و المسانيد، تقى الدين محمّد بن أحمد الفاسى المكيّ (ابو الطيب)، تحقيق: كمال يوسف الحوت، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1410 ق. 51. الذيل على «الروضتين» (تراجم القرنين السادس و السابع)، عبد الرحمان بن إبراهيم المقدسى (أبو شامة)، تصحيح: السيّد عزّت العطار الحسينى، بيروت: دار الجيل، 1974 م. 52. الرجال، أحمد بن الحسين الغضائرى (ابن الغضائرى) (ق 5 ق)، تحقيق: السيّد محمّد رضا الحسينى الجلالى، قم: دار الحديث، 1422 ق. 53. رجال ابن داوود، الحسن بن على الحلّى (ابن داوود) (م 737 ق)، تحقيق: محمّد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات الشريف الرضى، 1392 ق. 54. رجال الطوسى، محمّد بن الحسن الطوسى، (م 460 ق) ، تحقيق: السيّد القيّومى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1415 ق، أوّل. 55. رجال العلامة الحلّى (خلاصة الأقوال في معرفة الرجال)، حسن بن يوسف الحلّى (العلامة) (م 726 ق)، قم: الفقاهية، 1417 ق، أوّل. 56. رجال النجاشى (فهرس أسماء مصنّفى الشيعة)، أحمد بن على النجاشى (م 450 ق)، بيروت: 1392 ق. 57. الرعاية في علم الدراية، زين الدين بن على العاملى (شهيد ثانى) (م 966 ق)، تحقيق: عبد الحسين بقال، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، 1413 ق. 58. روضات الجنّات في أحوال العلماء و السادات، محمّدباقر الخوانسارى، تهران: مكتبة إسماعيليان، 1390 ق. 59. رياض العلماء و حياض الفضلاء، ميرزا عبد الله أفندى الإصفهانى (ق 12 ق)، تحقيق: السيّد أحمد الحسينى، قم: مكتبة آية الله المرعشى العامّة، 1401 ق، أوّل.

- 60 . سير أعلام النبلاء ، محمّد بن أحمد الذهبي (م 748 ق) ، تحقيق : شّ عيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسة الرسالة ، 1414 ق ، دهم .
- 61 . شهاب (فصل نامه) ، قم : كتاب خانه آية الله مرعشي . 62 . الصراط المستقيم إلى مستحقّي التقديم ، على بن يونس النباطي البياضى (م 877 ق) ، به كوشش : المسشاريّة الثقافية للجمهوريّة الإسلاميّة الإيرانيّة ، 1405 ق . 63 . طبقات أعلام الشيعة ، شيخ آقا بزرك الطهرانى ، تحقيق على نقى منزوى ، قم : مؤسسه اسماعيليان ، 1971 م . 64 . طبقات الزيدية الكبرى (بلوغ المراد إلى معرفة الأسناد) ، ابراهيم بن قاسم المؤيد بالله ، تحقيق : عبد السلام بن عباس الوجيه ، آمان ، 1421 ق . 65 . الطبقات الشافعية الكبرى ، سبكي تاج الدين عبد الوهاب السبكي ، تحقيق : محمود محمّد الطناحي و عبد الفتاح محمّد الحلو ، رياض ؟؟؟ : هجر الطباعة و النشر و التوزيع ، 1413 ق . 66 . الطبقات المفسّرين ، عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، بي تا . 67 . عارضة الأحوذى بشرح جامع الترمذى ، محمّد بن عبد الله المعافى الأندلسى (ابن العربى) ، بيروت : دار الفكر ، 1415 ق . 68 . علوم حديث (فصل نامه) ، قم : دار الحديث . 69 . على بن عيسى إربلى و كشف العُمة : برگی از تاريخ تشييع دوازده امامى ، رسول جعفریان ، مشهد ، 1373 ش . 70 . العواصم من القواصم ، محمّد بن عبد الله المعافى الأندلسى (ابن العربى) ، تحقيق : محب الدين الخطيب ، قاهره : دار الكتب السلفية ، 1406 ق . 71 . عيون أخبار الرضا ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تصحيح حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسسة الأعلمى ، 1404 ق . 72 . فتح الأبواب بين ذوى الألباب ، على بن موسى الحلّى (السيد) (م 664 ق) ، تحقيق : حامد الخفّاف ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، 1409 ، أوّل .

73. فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم، إبراهيم بن محمد الجويني (م 730 ق)، تحقيق: محمد باقر المحمودي، بيروت: مؤسسة المحمودي، 1398 ق، أول. 74. فرهنگ ايران زمين، زير نظر: ايرج افشار، تهران: طلايه، 1375 ش، دوم. 75. فلاح السائل، علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: غلامحسين مجيدي، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1419 ق، أول. 76. فوات الوفيات و الذيل عليها، محمد بن شاکر الکتبي، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دار الصادر، بی تا. 77. الفهرست، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: السيد جواد القيومي، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، 1417 ق، أول. 78. فهرست علماء الشيعة، منتجب الدين علي الرازي (ق 6 ق)، تصحيح: مير جلال الدين محدث أرموي، قم: كتاب خانه آية الله مرعشي، 1366 ش. 79. فهرست كتب خطي كتاب خانه مركزي آستان قدس رضوي، باز نگاری: سيد محمد رضا رضا پور، مشهد: آستان قدس رضوي، 1379 ش. 80. فهرست نسخ خطي اهدايي آقاي سيد محمد مشكات به دانشگاه تهران، ج 3\_8، محمدتقي دانش پژوه، 1332\_1338 ش. 81. قصص الأنبياء، سعيد بن هبة الله (قطب الدين الراوندي) (م 573)، تحقيق: غلامرضا عرفانيان، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع لمؤسسة الأستانه الروضية، 1409 ق، أول. 82. كتاب خانه ابن طاووس و احوال و آثار او، إتان كلبرگ، ترجمه: سيد علي قرائي و رسول جعفریان، قم، 1371 ش. 83. كتاب ماه دين (ماه نامه)، تهران: خانه كتاب ايران. 84. كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون، مصطفى بن عبد الله حاجي خليفة، بيروت: دار الصادر، بی تا.

- 85 . كشف الغمّة في معرفة الأئمة ، على بن عيسى الإربلي (م 687 ق) ، تصحيح : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، بيروت : دار الكتاب ، 1401 ق ، أوّل . 86 . كشف المَحَبَّة لثمره المُهَجَّة ، على بن موسى الحلّي (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : محمّد الحسون ، قم : مكتبة الإعلام الإسلامى ، 1412 ق ، أوّل 87 . كنز الفوائد ، محمّد بن على الكراجكى الطرابلسى (م 449 ق) ، تصحيح : عبد الله نعمة ، قم : دار الذخائر ، 1410 ق ، أوّل . 88 . لباب الأنساب والألقاب والأعقاب ، على بن أبي القاسم البيهقى (ابن الفندق) ، تحقيق : مهدي الرجائي ، قم : مكتبة آية الله المرعشى النجفى العامّة ، 1410 ق . 89 . لسان الميزان ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق) ، مؤسسة الأعلمى ، 1406 ق ، سوم . 90 . لوامع الأنوار فى جوامع العلوم والآثار و تراجم أولى العلم والأنظار ، مجد الدين بن محمّد المؤيدى ، صعده : مكتبة التراث الإسلامىّة ، 1414 ق . 91 . مثالب النواصب ، ابن شهر آشوب ، (نسخه خطّي) . 92 . مجمع الآداب فى مجمع الألقاب ، عبد الرزاق بن أحمد الشيبانى (ابن الفوطى) ، تحقيق : محمّد الكاظم ، تهران : وزارات فرهنگ و ارشاد اسلامى ، 1416 ق ، 1374 ش . 93 . المختصر المحتاج إلى من تاريخ الحافظ ابن الدُّبَيْثى ، شمس الدين محمّد بن أحمد الذهبى (م 847 ق) ، تحقيق : مصطفى جواد ، بغداد : جامعة بغداد . 94 . مدارس نظاميه و تأثيرات علمى و اجتماعى آن ، نور الله كسائى ، تهران : امير كبير ، 1374 ش . 95 . المزار الكبير ، محمّد بن جعفر المشهدى (ق 6 ق) ، تحقيق : السيّد جواد القتيومى الإصفهانى ، قم : قتيوم ، 1419 ق ، أوّل . 96 . اسمتفاد من ذيل تاريخ بغداد ، محمّد بن محمّد البغدادى (ابن النّجار) (م 643 ق) ، حيدر آباد ، دائرة المعارف العثمانىّة ، 1408 ق .



97. معالم العلماء في فهرست كتب الشيعة وأسماء المصنّفين منهم قديما وحديثا، محمّد بن علي بن شهر آشوب المازندراني (م 588 ق)، نجف: المطبعة الحدرية، 1380 ق. 98. معجم أعلام الأباضية من القرن الأول الهجري إلى العصر الحاضر، به كوشش: محمّد بن موسى بابا عمى وديگران، بيروت، 1421 ق. 99. معجم أعلام الشيعة، سيّد عبد العزيز طباطبائي، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1417 ق. 100. معجم البلدان، ياقوت بن عبد الله الحموي الرومي (م 626 ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1399 ق. 101. مقدّمه اي بر فقه شيعة، سيّد حسين مدرّسى طباطبائي، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامی، 1368 ش. 102. مكتب ها و فرقه های اسلامی در سده های میانه، وینفرد مادلونگ، ترجمه: جواد قاسمی، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامی، 1375 ش. 103. مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمّد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (م 588 ق) تحقيق: يوسف البقاعي، بيروت: دار الأضواء 1421 ق، 1991 م. 104. المنتخب من السياق لتاريخ نيسابور، عبد الغافر الفارسي (م 529 ق)، تحقيق: محمّد أحمد عبد العزيز، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1409 ق. 105. موسوعة طبقات الفقهاء، اللجنة العلميّة في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، إشراف جعفر السبحاني، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، 1418 ق. 106. ميراث حديث شيعة (نيم سال نامه)، به كوشش: مهدي مهريزي \_ علي صدرابي خويي، قم: دار الحديث، 1377 ش \_ تا كنون. 107. ميزان الاعتدال في نقد الرجال، محمّد بن أحمد الذهبي (م 748 ق)، تحقيق: علي محمّد معوض، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1416 ق. 108. نشر دانش (فصل نامه)، تهران: مركز نشر دانشگاهي. 109. نَفْحُ الطيب من غصن الأندلس الرطيب، أبو العباس أحمد بن محمّد المَقَرّي (م 1041 ق)، تصحيح: إحسان عبّاس، بيروت: دار الفكر، 1968 م.

110 . نقض (بعض مثالب النواصب فى نقض بعض فضائح الروافض)، عبد الجليل قزوینی رازی، تصحیح: میر جلال الدین محدث أرمروى، تهران: انجمن آثار ملی: 1358 ش. 111 . نکت الهمیان فى نکت العمیان، خلیل بن آیبك الصّفّدى (م 764 ق)، تصحیح: أحمد زكى، قاهره: مطبعة بولاق، 1911 م. 112 . النوادر، فضل الله بن على الحسنی الراوندى (م 571 ق)، تحقیق: سعیدرضا على عسکرى، قم: دار الحديث، 1377 ش، اول. 113 . الوافى بالوفیات، خلیل بن آیبك الصّفّدى (م 749 ق)، وسیادن (آلمان): فرانزشتاینر، 1381 ق، دوم. 114 . وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (م 1104 ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1409 ق، اول. 115 . وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، حسین بن عبد الصمد عاملى (م 984 ق)، تحقیق: عبد الطیف الكوهکمرى، قم: مجمع الذخائر الإسلامیة، 1401 ق. 116 . وفیات الأعیان، أحمد بن محمّد البرمكى (ابن خَلْكان) (م 681 ق)، تحقیق: إحسان عبّاس، بیروت: دار صادر. 117 . الیقین باختصاص مولان علىّ علیه السلام بامرة المسلمین، على بن موسى الحلّى (السید ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقیق: محمّدباقر الأنصارى، قم: مؤسسة دار الكتاب، 1413 ق، اول. 118 . المناقب (المناقب للخوارزمی)، الموفّق بن أحمد المکى الخوارزمى (م 568 ق)، تحقیق: مالک المحمودى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1414 ق، دوم.

































بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

